



فصلنامه علمی - پژوهشی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

- شماره: ۴۳ ● بهار ۱۳۹۸ ● شاپا: ۲۲۴x - ۱۷۳۵
- صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان
- مدیر مسئول: محمدرضا فضلے
- سردبیر: سید نصراله سجادی
- مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان
- صفحه آرا: جعفر خدادادی
- چاپ و صحافے: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
- تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰
- رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir
- سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>
- اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای اعتبار علمی - پژوهشی ۳/۱۸/۸۰۳۳ از ۱۳۹۳/۱/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد جواد پور

دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمد حسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی

محمد کشتی‌دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی و معاون ساماندهی امور

جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی-پژوهشی مرکز مطالعات

و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادت‌ی سیدبگلو، مهدی شکرانی، محمد روزبهانی، منصور فتحی، علی روحانی، برزو مروت، لقمان کشاورز، مهدی نادری نسب، محمد رسول خدادادی، محمد هادی توکلی، رسول فرجی، فرزاد نوبخت، حسن عبدی، کریم زهره وندیان، مهدی سلیمی، علی همتی عقیف، محمد سلطان حسینی، طهماسب شیروانی، مجید کیانی، محمدتقی حسن زاده، شهرام نظری، کیوان شعبانی مقدم، بهنام نقی پور گیوی، شمس الدین رضایی، علی فهیمی نژاد، حسین زارعیان، شهلا کاظمی پور ثابت، طاهره جعفری، فهیمه نظری، زهرا حضرتی صومعه، آذر رشتیانی، فهیمه مومنی فر، صدیقه اسلامی، معصومه کلاته سیفری، شهرزاد نیری، فاطمه فاضلی دینان، فریده عقیلی و لیلا میرآقاسی.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست‌ها و برنامه‌های موجود
۲. کمک به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش‌های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه‌ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته‌های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقالات

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۱. مقاله‌های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش‌های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته‌ها، بحث و تفسیر، نتیجه‌گیری و منابع باشند.
۲. حجم مقاله‌ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به پایین با فونت 14 Blotus تایپ شده باشد.
۳. ساختار مقاله‌ها باید شامل اجزای زیر باشد:
 - **صفحه عنوان:** ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه‌ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نامبر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.
 - **چکیده فارسی و انگلیسی:** لازم است که چکیده‌ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش‌های هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه‌ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.
 - **مقدمه:** شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه‌ای از تعاریف، اصول، تئوری‌ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی، چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا پرسش‌ها، نتایج، بحث و منابع به صورت کامل ارائه گردد.
 - **روش:** شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و ابزارهای پژوهش است.
 - **یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از روش‌های آماری می‌تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول‌ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
 - **بحث و نتیجه‌گیری:** ضمن مقایسه یافته‌های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به درستی یا نادرستی فرضیه‌ها و هدف تحقیق اشاره گردد.
 - **منابع:** تمامی مقاله‌ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می‌باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴. ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد:
(نام خانوادگی مولف، سال انتشار منبع: شماره صفحه یا صفحات) - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵. معادل غیر فارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها، کتبه نوشت‌ها و سر واژه‌ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.
۶. هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.
۷. فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:
- الف. کتاب:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) **عنوان مقاله**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر
- ب. مقاله:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی:** نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) «**عنوان مقاله**». مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی:** نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) «**عنوان مقاله**». نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

فهرست

میزان تمایل جوانان به مهاجرت بین المللی و عوامل تعیین کننده آن در شهر تهران

رسول صادقی، سیده متین سیدحسینی ۹

تاثیر آرمان گرایی توسعه ای جوانان تهرانی بر گرایش آن ها به مهاجرت

سید رضا معینی، حمید انصاری، علی افشاری ۲۷

اکولوژی شهری و گرایش جوانان مهاجر فصلی به جرم در شهر تهران

قباد کاظمی، ستار پروین ۵۳

عوامل فرهنگی شادمانی اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر اصفهان)

اصغر محمدی، علی سیف زاده ۷۸

عوامل جامعه شناختی مؤثر بر شکل گیری هویت اجتماعی دختران دانش آموز دوره متوسطه شهر اهواز

معصومه باقری، ایوب رستمی، محمد سلیمان نژاد ۹۱

بررسی جامعه شناختی تاثیر عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ورامین)

مسعود دارابی، ناصر رضایور، سهیل موسی رضایی ۱۱۳

دیپلماسی ورزشی: ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی

محمد خیبری، ابوذر فتاحی زاده ۱۴۳

تدوین مدل تفکراستراتژیک به منظور ارتقای عملکرد مدیران ورزشی (مطالعه موردی: فدراسیون های ورزشی جمهوری اسلامی ایران)

سید امیر موسویان، عبدالرحمن مهدی پور، محمد خدامرادی ۱۶۵

طراحی مدل راهبردی عوامل مؤثر در پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز در ورزش

علیرضا قلعه نوئی، حسن فهیم دوین، حسین پیمانی زاد، محمدرضا اسماعیل زاده ۱۸۷

تحلیل وضعیت تولید برنامه های ورزشی تلویزیون

پروانه گلرد، مهدی مرادی، داوود عزیزی ۲۱۱

سنخ شناسی سبک های زندگی فراغتی ورزشکاران نخبه

احسان محمدی ترکمانی، علی مقدم زاده، حسین خنیفر ۲۲۹

جایگاه روان شناسی ورزشی در رشته های المپیکی و مدال آور؛ یک مطالعه تطبیقی

سید مجید زارعیان، زینت نیک آئین، سید محمدکاظم واعظ موسوی ۲۴۵

تاثیر درک سیاست های سازمانی و درک حمایت های سازمانی در بروز رفتارهای انحرافی در سازمان های ورزشی غرب ایران

نازنین راسخ، سعید خاخرادی، شیرین زردشتیان ۲۶۵

رابطه سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان

زین العابدین نجات ثابت، ارسلان محمدی ۲۸۹

شناسایی و مدل سازی عوامل مؤثر بر جذب منابع خیریه و وقف به ورزش زنان

امیر رضا خادم ۳۰۳



میزان تمایل جوانان به مهاجرت بین‌المللی و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر تهران

رسول صادقی^۱
سیده متین سیدحسینی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

مهاجرت بین‌المللی، فرایندی پویا و برخاسته از شرایط در حال تغییر اجتماعی است که می‌تواند نه تنها مهاجران، بلکه کل جامعه را هم در مبدأ و هم در مقصد تحت تأثیر قرار دهد. هدف از این مقاله، بررسی میزان تمایل و تصمیم به مهاجرت‌های بین‌المللی و عوامل مؤثر بر آن در میان جوانان شهر تهران است. داده‌ها با اجرای پیمایش مقطعی و ابزار پرسشنامه ساخت‌یافته در میان ۳۸۵ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله در مناطق مختلف شهر تهران گردآوری شد. نتایج نشان داد نیمی از جوانان مورد بررسی تمایل زیادی به مهاجرت بین‌المللی دارند و همچنین حدود ۴۰ درصد نیز تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. اروپای غربی و امریکای شمالی از مقاصد عمده مهاجرتی است. مهم‌ترین دلایل انتخاب آنها، جاذبه‌های فرهنگی اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بوده است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد جنسیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال، شبکه اجتماعی و میزان مطلوبیت جامعه مبدأ، تأثیر معناداری بر میزان تمایل و قصد مهاجرت بین‌المللی دارند. بدین ترتیب، جوانان نه تنها مطابق مشخصه‌های فردی (گزینشی)، بلکه براساس الزامات شرایط زندگی و ساختارهای اجتماعی جوامع مبدأ و مقصد تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

واژگان کلیدی: میزان تمایل به مهاجرت، مهاجرت بین‌المللی، مطلوبیت جامعه مبدأ، عوامل جاذبه و دافعه و جوانان

۱. دانشیار، جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، محقق موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیتی کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Rassadeghi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

مهاجرت، نوعی تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (تودارو، ۱۳۶۷). در واقع، مهاجرت انعکاس تغییراتی است که در تار و پود جامعه‌ای که مردم بدان تعلق دارند، اتفاق می‌افتد (تغییرات در فرهنگ، شرایط اقتصادی و اجتماعی و ساختارهای سیاسی). از این روست که میشل^۱ (۱۹۸۵) اظهار می‌دارد مهاجرت را نه فقط به عنوان یک پدیده^۲ (واقعه یا موقعیتی که درخور مطالعه علمی است)، بلکه باید به عنوان یک فرایند^۳ (واقعه‌ای که اتفاق آن به علت بستر و موقعیتی است که مردم در آن زندگی می‌کنند) مورد توجه قرار گیرد (لوکاس و میر، ۱۳۸۱).

مهاجرت و حرکات جمعیتی بین مرزها، گرچه سابقه دیرینه به پهنای تاریخ بشر دارند، اما در نیم قرن اخیر حجم و میزان آن افزایشی سریع داشته است. مهاجرت بین‌المللی از سال ۱۹۷۰ در حال افزایش است و هر ساله جمعیت زیادی از کشورهای در حال توسعه به سمت کشورهای صنعتی در مهاجرت هستند. سهم جمعیت خارجی جهان از ۸۹ میلیون در سال ۱۹۷۰ به ۲۱۴ میلیون در سال ۲۰۱۰ رسیده است (آدسرا و تیندا، ۲۰۱۲). جمعیت مهاجران در سال ۲۰۱۵ در سراسر دنیا بالغ بر ۲۴۴ میلیون گردیده است که معادل ۳/۳ درصد از کل جمعیت ساکنان زمین است (سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۲۰۱۸). به بیان دیگر، بیش از ۳ درصد جمعیت جهان در کشوری که به دنیا آمده‌اند، زندگی نمی‌کنند. جوانان سهم قابل توجهی در جریانات اخیر مهاجرت‌های بین‌المللی دارند و با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی در این فرایند مواجه هستند (یونیسف، ۲۰۱۴). بر این اساس، برخی محققان برجسته این حوزه نظیر کلمن^۴ (۲۰۰۶) به وقوع سومین انتقال جمعیت‌شناختی^۵ و نقش برجسته مهاجرت‌های بین‌المللی در تغییر بافت و ترکیب جمعیتی کشورهای مهاجرپذیر پرداخته است. کستلز و میلر^۶ (۲۰۰۳) نیز عصر جدید را عصر مهاجرت^۷ نامیده‌اند. از این رو، مهاجرت بین‌المللی یکی از فرایندهای مهم اجتماعی و جمعیتی است که در بستر گذار جمعیتی و دوران معاصر بر گسترده و اهمیت آن افزوده شده است. تجربه گذار جمعیتی سه دهه اخیر در ایران به ظهور انبوه جمعیت جوان و تورم جوانی جمعیت منجر شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴). دوره جوانی به‌لحاظ جمعیت‌شناختی از اهمیت قابل توجهی در مقایسه با سایر دوره‌های چرخه زندگی برخوردار است. بیشتر وقایع و رفتارهای جمعیتی در طول سال‌های دوره جوانی یعنی سنین ۱۵ تا ۳۰ سالگی رخ می‌دهد. در این سنین، بیشترین تغییرات و گذارهای زندگی نظیر اتمام و ترک تحصیل، ورود به بازار کار، بیکاری، گذار به بزرگسالی، ازدواج و تشکیل خانواده، تجربه والدینی، طلاق، رفتارهای پرخطر بهداشتی، مهاجرت و غیره رخ می‌دهد. از این رو، از دوره جوانی به عنوان «دوره فشردگی وقایع جمعیتی»^۸ نام برده‌اند (صادقی و همکاران ۱۳۹۴؛ ریندفوس، ۱۹۹۱). یکی از وقایع اجتماعی و جمعیتی که بیشتر در دوره جوانی اتفاق می‌افتد، مهاجرت بین‌المللی است. در واقع، یکی از مراحل زندگی که بیش از

1. Mitchell, J. C
2. Phenomenon
3. Epiphenomenon
4. Coleman
5. Third Demographic Transition
6. Castles & Miller
7. The Age of Migration
8. Demographically dense period

همه با مهاجرت همبستگی دارد، رسیدن به بزرگسالی است. در دوره جوانی، تقاضا برای ادامه تحصیل به اوج خود می‌رسد و فرآیند یافتن شغل یا حرفه و ازدواج نیز در پی آن می‌آید (ویکس، ۱۳۹۵).

تمایل به مهاجرت از مواردی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را در ادبیات مهاجرت به خود جلب کرده است. در تعریف این اصطلاح، کسی دارای تمایل به مهاجرت است که مهاجرت را بر ماندن ترجیح بداند. بررسی تمایل به مهاجرت که مستلزم تمرکز بر کشورهای مبدأ است، به دو دلیل اهمیت دارد: اول، بخشی جدایی‌ناپذیر از پویایی‌های مهاجرت است - بدین معنا که تمام کسانی که اقدام به مهاجرت می‌کنند تمایل به مهاجرت دارند، در حالی که ممکن است تمام کسانی که تمایل به مهاجرت داشته باشند نتوانند به دلیل موانع موجود، مهاجرت کنند؛ دوم، تمایل به مهاجرت می‌تواند به طرق گوناگون بر تخصیص منابع اثر بگذارد (کارلینگ و کولینز، ۲۰۱۷).

در ایران، مهاجرت داخلی هرچند عمومی‌تر از مهاجرت بین‌المللی است، اما مهاجرت بین‌المللی مناقشه‌آمیزتر بوده و اغلب با پیامدهای متنوع و پیچیده‌تری همراه بوده است. با آن که ایران در بستر تاریخی خود همواره کشوری در معرض جابجایی‌ها و مهاجرت‌های خارجی بوده است، اما در دهه‌های اخیر با توجه به ساختار جوان جمعیتی کشور بر ابعاد، اهمیت و پیچیدگی آن افزوده شده است. در این راستا، مقاله پیش‌رو به دنبال پاسخ به این سؤال است که جوانان تهرانی تا چه اندازه تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی دارند و عوامل مؤثر بر آن کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

تیمرمن و همکاران^۱ (۲۰۱۴) به اهمیت فرهنگ مهاجرت در فهم تمایل به مهاجرت میان مردم ترکیه اشاره کردند. آنها با تمرکز بر دو منطقه با پس‌زمینه مهاجرتی مختلف در ترکیه (یکی با فرهنگ مهاجرتی قوی و دیگری با فرهنگ مهاجرتی ضعیف)، تمایل ساکنان را به مهاجرت به اروپا بررسی کردند. براساس یافته‌های این تحقیق، تمایل به مهاجرت در منطقه‌ای که فرهنگ مهاجرت قوی دارند، پایین‌تر از منطقه دیگر بوده است. تصور افراد در مورد فرصت‌های اقتصادی، کار و شرایط زندگی مهاجران در اروپا اثری منفی بر تمایل به مهاجرت در میان منطقه با فرهنگ مهاجرت قوی داشته است.

استریلکوسکی و بیلان^۲ (۲۰۱۶) به درک از اروپا در بین مردم دو کشور ترکیه و اوکراین به عنوان کشورهای مبدأ و اثر آن بر تمایل و تصمیم به مهاجرت پرداختند. آنها با بررسی عوامل تعیین‌کننده جمعیتی، ساختاری و اجتماعی - فرهنگی، بدین نتیجه رسیدند که مهاجران بالقوه را می‌توان به دو گروه کسانی که به اروپا نظری مثبت دارند و کسانی که به اروپا نظری منفی دارند تقسیم کرد. این تفاوت به عواملی نظیر پس‌زمینه‌های اجتماعی و ویژگی‌های جمعیتی بستگی دارد.

گرایش مهاجرت بین‌المللی و عوامل مؤثر بر آن در مطالعات و پژوهش‌های داخلی مورد بررسی قرار گرفته است. ابراهیمی (۱۳۸۱) در بررسی عوامل اقتصادی مؤثر به تمایل دانشجویان رشته‌های برق و کامپیوتر به مهاجرت نشان داد که عوامل آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و سیاست از اولویت بیشتری برای مهاجرت برخوردارند. جواهری و سراج‌زاده (۱۳۸۴) در مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج

1. Timmerman

2. Strielkowski and Bilan

از کشور، شرایط کنونی و آتی جامعه را از عوامل ترغیب به مهاجرت دانستند. علاءالدینی و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی درباره میزان تمایل به مهاجرت پزشکان ایرانی، مهم ترین عوامل زمینه ساز تمایل به مهاجرت را درآمد کم، وجود تبعیض های موجود در جامعه، نیاز به پیشرفت شغلی و فقدان یا کمبود امکانات رفاهی معرفی کرده اند. خواجه نوری و شمس (۱۳۸۵) در مطالعه عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به مهاجرت از کشور بیان داشتند متغیرهای ارزیابی فایده مهاجرت، جنسیت، هویت اجتماعی و نظر گروه مرجع (خانواده و دوستان) به طور مستقیم بر نگرش نسبت به مهاجرت تأثیر دارند.

ذکایی (۱۳۸۵) در مطالعه جوانان، جهانی شدن و مهاجرت بین المللی نشان داد فرایندهای جهانی شدن و ارزش های جهان وطنی، سبک های فردی زندگی، ارتقای مهارت های حرفه ای و تحصیلی و نیاز به اثبات توانایی های حرفه ای محرک مهمی در انتخاب رفتارهای مهاجرتی محسوب می شوند. محسنی تبریزی و عدل (۱۳۸۶) در مطالعه عوامل روان شناختی - اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضای هیئت علمی به مهاجرت خارج از کشور بیان کردند تمایل به مهاجرت به طور معکوس با رضایت شغلی، احساس امنیت شغلی، احساس رضایت از زندگی، میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی، سال های اشتغال در دانشگاه و عوامل مداخله گر رابطه دارد. موحد و نیازی (۱۳۸۷) در مطالعه رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی های فرهنگی آنان نشان دادند که از بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه محل تحصیل، میزان استفاده از رسانه های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران، نگرش نسبت به جایگاه زنان تحصیل کرده در ایران، احساس تعلق به وطن، و ابعاد چهارگانه دینداری با گرایش به مهاجرت رابطه معنادار داشته اند. مقدس و شرفی (۱۳۸۸) مطالعه ای درباره عوامل برانگیزاننده گرایش به مهاجرت بین المللی جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد عوامل زمینه ساز گرایش به مهاجرت شامل نگرش (منفی) افراد نسبت به اوضاع اجتماعی - فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، و سیاسی کشور، به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته اند.

حکیم زاده و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت دانشجویان دانشگاه تهران نشان دادند که متغیرهای بیگانگی فرهنگی - اجتماعی و سن همبستگی مثبت معنادار و متغیر رضایت از نظام آموزشی، همبستگی منفی معناداری با تمایل به مهاجرت داشته است. همچنین، مردان به طور معناداری تمایل بیشتر و دانشجویان کارشناسی در مقایسه با کارشناسی ارشد و دکتری تمایل کمتری به مهاجرت دارند. زارع و هاشمی (۱۳۹۴) در مطالعه ای نشان دادند که بین انواع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد. فروتن و شیخ (۱۳۹۶) در بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین المللی نشان دادند که نزدیک به نیمی از افراد تمایل دارند تا به خارج از کشور مهاجرت کنند. درعین حال، این میزان تمایل به طور معنی داری تابعی از ویژگی های جمعیت شناختی مانند سن، جنس و وضعیت تاهل می باشد. بعلاوه، متغیرهایی از قبیل احساس امنیت، دینداری، هویت ملی، و انگیزه های اقتصادی و شغلی، تأثیرات معناداری بر تمایل به مهاجرت دارند.

بدین ترتیب، مطالعات انجام گرفته عمدتاً به بررسی گرایش به مهاجرت در میان قشر خاصی از جوانان یعنی دانشجویان پرداخته اند و تمایل به مهاجرت سایر گروه های شغلی و اجتماعی جوانان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است - موضوعی که در این مطالعه بدان پرداخته می شود.

مبانی نظری پژوهش

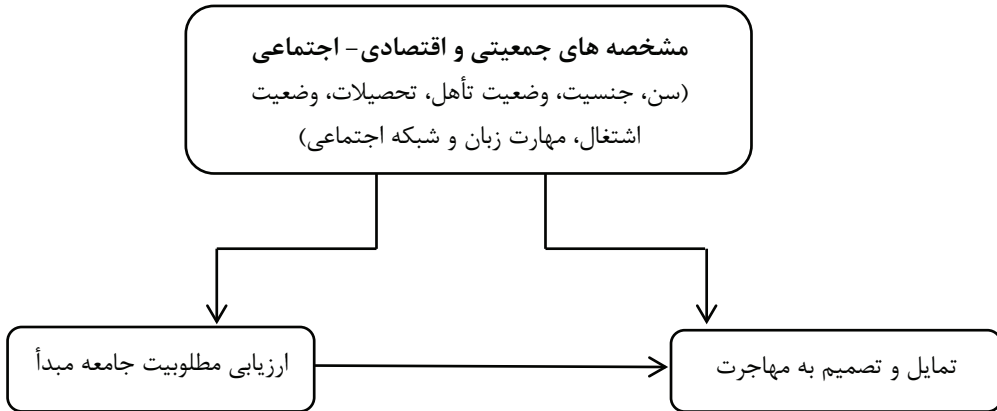
در تبیین مهاجرت بین‌المللی، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. این نظریه‌ها را می‌توان به صورت پنج رویکرد از هم متمایز و بررسی کرد: رویکرد اقتصادی، رویکرد عوامل جاذبه-دافعه، رویکرد تاریخی-ساختاری، رویکرد نهادی-سیاسی و رویکرد نظام‌های مهاجرتی.

برخی از این رویکردها، آغاز و برخی دیگر تداوم جریان مهاجرت را مبنای تحلیل خود قرار داده‌اند. رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک در تحلیل مهاجرت بر نابرابری‌ها و تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق مبدأ و مقصد متمرکز است. براساس این رویکرد، مهاجرت فرایندی است برای ایجاد تعادل میان نیروی کار که به دلیل تفاوت‌های جغرافیایی در مورد عرضه و تقاضا برای نیروی کار ایجاد شده است. افراد به مناطقی مهاجرت می‌کنند که دارای بیشترین فرصت‌ها و موقعیت‌ها باشد (ویکس ۱۳۹۵؛ مسی و همکاران ۱۹۹۳).

براساس رویکرد عوامل جاذبه و دافعه، بعضی مردم به دلیل دافعه‌های محل اقامت خود و بعضی به سبب جاذبه‌های محلی که قصد رفتن به آن را دارند، نقل مکان می‌کنند. در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند (زنجان، ۱۳۸۰). البته در مسئله مهاجرت، عوامل جاذبه مهم‌تر از عوامل دافعه است (ویکس، ۱۳۹۵). همچنین، طبق نظریه محرومیت نسبی، مهاجرت یک رفتار تصادفی نیست، بلکه پاسخی برای رفع محرومیت‌هاست. البته، صرف وجود برخی محرومیت‌ها موجب مهاجرت نمی‌شود. مطابق این نظریه، افراد قبل از اقدام به مهاجرت دو موقعیت را ارزیابی می‌کنند؛ از یک سو موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده خود را با دیگران مقایسه می‌کنند و از سوی دیگر، امکانات و وضعیت مبدأ را با مقصد مقایسه و در نتیجه این مقایسه اقدام به مهاجرت می‌نمایند. از این رو، در نتیجه احساس محرومیت در یک منطقه و به امید برخورداری از امکانات و مزایای موجود در منطقه دیگر دست به مهاجرت می‌زنند (قاسمی‌اردهایی و همکاران، ۱۳۹۵).

رویکرد تاریخی-ساختاری که ریشه‌های فکری آن برگرفته از اقتصاد سیاسی مارکسیستی و نظریه نظام جهانی می‌باشد، مهاجرت را به عنوان پدیده‌ای می‌داند که منحصراً در پاسخ به شرایط ساختاری ایجاد شده در بستر تاریخی، صورت می‌گیرد (کاستلز و میلر، ۲۰۰۳). در رویکرد نهادی-سیاسی، بر نقش دولت‌ها و عوامل سیاسی در جریان مهاجرت‌های بین‌المللی تأکید می‌شود. در نهایت، رویکرد نظام‌های مهاجرتی که رویکرد جدیدی در مطالعات مهاجرتی است تلاش می‌کند با دیدگاهی جامع و بین رشته‌ای تمامی ابعاد و سطوح خرد تا کلان تجربه مهاجرتی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که حرکات مهاجرتی معمولاً ناشی از وجود روابط پیشین بین کشورهای فرستنده و دریافت کننده مهاجران بر مبنای تجربه استعمار، نفوذ سیاسی، تجارت، سرمایه‌گذاری، پیوندهای فرهنگی و شبکه‌های مهاجرتی می‌باشد (هیوگو ۱۹۹۴؛ مسی و همکاران ۱۹۹۸؛ کاستلز و میلر ۲۰۰۳).

باتوجه به نظریات مطرح شده مدل نظری به صورت شکل ۱ ترسیم می‌شود. این مدل نشان می‌دهد که تمایل و تصمیم به مهاجرت از یک سو، تحت تأثیر ارزیابی افراد از مطلوبیت جامعه مبدأ است. از سوی دیگر، باتوجه به گزینشی بودن رفتار مهاجرتی آن، به شدت متأثر از مشخصه‌های جمعیتی، اقتصادی-اجتماعی افراد است.



شکل ۱: مدل نظری و تحلیلی تحقیق

فرضیه های پژوهش

با توجه به مدل نظری، فرضیه های پژوهش به صورت زیر مطرح می شود:

۱. تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور در گروه سنی جوان تر بیشتر است.
۲. تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور در میان مردان بیشتر از زنان می باشد.
۳. تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور در میان افراد مجرد بیشتر از متأهلان است.
۴. افراد غیر شاغل بیشتر از شاغلین تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور دارند.
۵. با افزایش سطح تحصیلات، تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور افزایش یابد.
۶. افرادی که شبکه اجتماعی قوی در خارج از کشور دارند، تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشورشان بیشتر است.
۷. با افزایش سطح مهارت و تسلط به زبان خارجی، تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور افزایش می یابد.
۸. هرچه میزان مطلوبیت جامعه مبدأ کمتر باشد، تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور افزایش می یابد.

روش شناسی پژوهش

داده های تحقیق با اجرای پیمایش مقطعی و به کمک ابزار پرسشنامه ساخت یافته در میان ۳۸۵ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله در مناطق مختلف شهر تهران که به شیوه نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شده بودند، در سال ۱۳۹۶ گردآوری شد. انتخاب مناطق مورد بررسی باتوجه به میزان و سطوح توسعه یافتگی آنها (صادقی و زنجری ۱۳۹۶) بوده است. بر این اساس، مناطق شهری ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۳، ۱۵ و ۱۹ انتخاب و حجم نمونه بر اساس جمعیت جوانان مناطق توزیع گردید. بیشترین تعداد نمونه در منطقه ۵ با ۸۷ نفر و کمترین آن در منطقه ۹ با ۱۸ نفر بوده است. در هر منطقه دو محله نیز به طور تصادفی انتخاب و تعداد پرسشنامه های تعیین شده در آن محله ها در درب منازل تکمیل گردید.

متغیر وابسته تحقیق شامل تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور است. تمایل در واقع نشان‌دهنده میل و علاقه فرد به مهاجرت است بدون آن‌که تصمیم و اقدام جدی صورت گرفته باشد، اما تصمیم به مهاجرت، به معنای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای مهاجرت است. متغیرهای مستقل تحقیق شامل سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، شبکه اجتماعی در خارج از کشور (اعضای خانواده، فامیل و دوستان)، میزان تسلط به زبان انگلیسی (مهارت در خواندن، نوشتن، صحبت کردن) و شاخص میزان مطلوبیت جامعه مبدأ^۱ می‌باشند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های رگرسیون لجستیک دوجهی و رگرسیون رتبه‌ای در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. از رگرسیون لجستیک دوجهی برای بررسی تأثیر متغیرهای مورد بررسی بر داشتن یا نداشتن تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور و از آزمون رگرسیون رتبه‌ای برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان تمایل به مهاجرت بین‌المللی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی

توصیف متغیرهای مستقل تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است. براین اساس، نیمی از پاسخگویان مرد و نیمی دیگر زن هستند. حدود ۵۷ درصد نمونه در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند و میانگین سنی نمونه مورد بررسی ۲۵ سال است. حدود ۸۳ درصد پاسخگویان مجرد و ۱۵ درصد متأهل بودند. سطح تحصیلات ۴۳ درصد نمونه مورد بررسی کارشناسی ارشد و دکتری و ۱۴ درصد دیپلم و پایین‌تر است. همچنین، وضعیت شغلی افراد به ترتیب ۲۲ درصد شاغل و ۷۸ درصد غیرشاغل بوده‌اند. بعلاوه، از بین افراد مورد بررسی ۲۸ درصد شبکه اجتماعی (خانوادگی و دوستی) در خارج از کشور نداشته، حدود ۶۰ درصد شبکه اجتماعی محدود و ۱۲ درصد شبکه گسترده‌ای در خارج از کشور داشته‌اند.

به لحاظ میزان تسلط به زبان خارجی، نتایج نشان می‌دهد که ۴۰ درصد پاسخگویان اصلاً یا کم، ۳۵ درصد تا حدودی و ۲۵ درصد زیاد به یکی از زبان خارجی (عمدتاً انگلیسی) تسلط داشته‌اند. شاخص میزان مطلوبیت جامعه مبدأ (ایران) نشان داد که ۶۰ درصد پاسخ‌گویان آن را کم، ۲۷ درصد متوسط و ۱۳ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۱. این شاخص بر اساس میزان مطلوبیت جامعه مبدأ (ایران) در ۱۱ حوزه شامل وضعیت آموزشی، درمانی و بهداشتی، اشتغال و بازار کار، درآمد و شرایط مالی، آزادی، امنیت، قانون‌گرایی، عدالت و برابری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی و حقوق شهروندی ساخته شده است.

جدول ۱: توصیف متغیرهای مستقل تحقیق

درصد	متغیر		درصد	متغیر	
۲۱/۶	شاغل	وضعیت شغلی	۴۹/۹	زن	جنس
۷۸/۴	غیرشاغل		۵۰/۱	مرد	
۴۰/۳	اصلاً کم	میزان تسلط به زبان خارجی	۱۲/۷	۱۹-۱۵	سن (میانگین سنی ۲۵ سال)
۳۴/۸	متوسط		۳۰/۱	۲۴-۲۰	
۲۴/۹	زیاد		۵۷/۱	۲۹-۲۵	
۲۸/۳	اصلاً	شبکه اجتماعی در خارج از کشور	۸۲/۹	مجرد	وضعیت تاهل
۵۹/۷	محدود		۱۵/۱	متاهل	
۱۲/۲	گسترده		۲/۱	مطلقه	
۶۰/۳	کم	میزان مطلوبیت جامعه مبدأ	۴/۴	زیردیپلم	سطح تحصیلات
۲۷/۰	متوسط		۹/۶	دیپلم	
۱۲/۷	زیاد		۴۲/۶	کاردانی/کارشناسی	
۱۰۰/۰	۳۵۵	تعداد نمونه	۳۴/۴	ارشد/دکتری	

میزان مطلوبیت جامعه ایران در ۱۱ حوزه/بُعد شامل وضعیت آموزش و تحصیلات، وضعیت درمان و سلامت، وضعیت اشتغال و بازار کار، وضعیت درآمد و مالی، وضعیت آزادی، وضعیت امنیت، وضعیت قانون‌گرایی، وضعیت عدالت و برابری، وضعیت اعتماد اجتماعی، وضعیت ارزش‌های اخلاقی و وضعیت حقوق شهروندی در ایران مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. در شاخص ترازشده ارزیابی مثبت به منفی، هرچه نمره از ۱۰۰ کمتر باشد، بیانگر وضعیت منفی و نامطلوب است و در مقابل هرچه نمره از ۱۰۰ بالاتر باشد، بیانگر وضعیت مثبت و مطلوب است. بر این اساس، از نظر پاسخگویان بدترین و نامطلوب‌ترین وضعیت جامعه ایران در ابعاد اقتصادی آن یعنی اشتغال و بازار کار، درآمد و شرایط مالی می‌باشد. در مقابل، امنیت و بهداشت و درمان در مقایسه با سایر حوزه‌ها وضعیت بهتر و مطلوب‌تری دارند.

جدول ۲: توزیع درصدی ارزیابی پاسخگویان از میزان مطلوبیت جامعه ایران در ابعاد/ حوزه‌های مختلف

میزان مطلوبیت	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	نسبت ارزیابی مثبت به منفی در تراز ۱۰۰
آموزش و تحصیل	۳۵/۶	۳۶/۱	۲۳/۱	۴/۲	۱/۰	۱۴/۹
بهداشت و درمان	۲۴/۹	۳۲/۷	۳۱/۹	۹/۱	۱/۳	۲۸/۱
اشتغال و بازار کار	۶۴/۴	۲۴/۹	۹/۱	۰/۸	۰/۸	۴/۴
درآمد و شرایط مالی	۴۸/۶	۳۲/۲	۱۷/۴	۱/۳	۰/۵	۸/۰
آزادی	۴۳/۴	۲۵/۲	۱۹/۵	۷/۵	۴/۴	۲۱/۴
امنیت	۲۲/۶	۱۹/۵	۲۸/۸	۱۷/۷	۱۱/۴	۶۹/۴
قانون‌گرایی	۴۶/۰	۳۱/۷	۱۸/۲	۳/۱	۱/۰	۱۰/۷
عدالت و برابری	۶۳/۹	۲۳/۶	۱۰/۱	۱/۰	۱/۳	۵/۵
اعتماد اجتماعی	۴۷/۵	۳۴/۰	۱۵/۱	۲/۶	۰/۸	۸/۶
ارزش‌های اخلاقی	۴۰/۸	۳۳/۸	۲۰/۸	۲/۹	۱/۸	۱۳/۴
حقوق شهروندی	۴۸/۶	۳۲/۲	۱۵/۳	۳/۴	۰/۵	۸/۸

تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی

در مورد میزان تمایل به مهاجرت به خارج از کشور نتایج نشان داد که حدود ۲۵ درصد پاسخگویان تمایلی اندک، ۲۲ درصد تا حدودی تمایل و ۵۳ درصد تمایل زیادی به مهاجرت به خارج از کشور داشته‌اند.

تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور (به درصد)



میزان تمایل به مهاجرت (به درصد)



نمودار ۱: تصمیم و تمایل به مهاجرت بین‌المللی جوانان در شهر تهران، ۱۳۹۶

در زمینه تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور نمودار ۱ نشان می‌دهد که ۴۰ درصد پاسخ‌گویان تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور دارند. مناطق مدنظر این دسته از افراد برای مهاجرت بیشتر اروپای غربی و مرکزی

(۳۷ درصد)، امریکای شمالی (۳۴ درصد) و اروپای شمالی (۱۱ درصد) بوده است. مهم ترین دلیل انتخاب مناطق مذکور توسط پاسخگویان شامل جاذبه های فرهنگی - اجتماعی (۳۶ درصد)، آموزشی (۲۸ درصد) و اقتصادی (۲۰ درصد) بوده است.

نتایج تحلیل دومتغیره

نتایج جدول ۳ نشان می دهد ۵۶ درصد مردان تمایل زیادی به مهاجرت خارج از کشور دارند، در حالی که ۵۱ درصد زنان تمایل زیادی به مهاجرت دارند. همچنین، ۴۴ درصد مردان در مقایسه با ۳۷ درصد زنان تصمیم به مهاجرت خارج از کشور دارند. به علاوه، نتایج نشان داد که گروه سنی جوانتر (۱۵-۱۹ ساله ها) بیشتر از سایر گروه های سنی تمایل و تصمیم مهاجرت خارج از کشور دارند. براساس نتایج هرچه سطح تحصیلات افراد افزایش یافته، بیشتر تصمیم به مهاجرت خارج از کشور داشته و تمایل زیادی به مهاجرت بین المللی پیدا کرده اند. در مورد وضعیت اشتغال، همانطور که انتظار می رود افراد غیر شاغل بیشتر از افراد شاغل تمایل و تصمیم مهاجرتی به خارج از کشور دارند. همچنین، نتایج جدول ۳ نشان می دهد افرادی که تسلط و مهارت زیادی به زبان خارجی دارند، تمایل و تصمیم مهاجرتی بیشتری دارند. در نهایت، رابطه معناداری بین میزان مطلوبیت جامعه ایران و تصمیم و تمایل به مهاجرت خارج از کشور وجود دارد. افرادی که مطلوبیت جامعه ایران را کم ارزیابی کرده اند، تمایل و تصمیم مهاجرتی بیشتری دارند. از این رو، هرچه میزان مطلوبیت جامعه مبدأ کمتر باشد، تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور افزایش یابد.

جدول ۳: تصمیم و میزان تمایل به مهاجرت به خارج از کشور جوانان برحسب متغیرهای اجتماعی - جمعیتی

متغیرهای جمعیتی		میزان تمایل به مهاجرت			تصمیم مهاجرتی	
		کم	تا حدودی	زیاد	دارد	ندارد
جنس	زن	۲۵/۵	۲۳/۴	۵۱/۱	۳۶/۶	۶۳/۴
	مرد	۲۴/۴	۱۹/۷	۵۶/۰	۴۳/۹	۵۶/۱
	سطح معناداری	ns			*	
سن	۱۹-۲۰	۲۴/۵	۱۲/۲	۶۳/۳	۴۴/۷	۵۵/۳
	۲۴-۲۵	۱۹/۸	۲۵/۹	۵۴/۳	۳۹/۱	۶۰/۹
	۲۹-۳۵	۲۷/۷	۲۱/۴	۵۰/۹	۳۹/۹	۶۰/۱
	سطح معناداری	ns			ns	
سطح تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۴۳/۳	۱۴/۸	۵۰/۹	۳۰/۸	۶۹/۲
	کاردانی / کارشناسی	۲۲/۶	۲۷/۴	۵۰/۰	۳۸/۳	۶۱/۷
	ارشد / دکتری	۲۴/۶	۱۸/۰	۵۷/۵	۴۵/۲	۵۴/۸
	سطح معناداری	**			*	
وضعیت تاهل	مجرد	۲۴/۱	۲۲/۶	۵۳/۳	۴۱/۴	۵۸/۶
	متاهل	۲۸/۸	۱۹/۷	۵۱/۵	۳۳/۸	۶۶/۲
	سطح معناداری	ns			*	

وضعیت اشتغال	شاغل	۳۳/۷	۲۶/۵	۳۹/۸	۲۶/۵	۷۳/۵
	غیر شاغل	۲۲/۵	۲۰/۲	۵۷/۳	۴۴/۱	۵۵/۹
	سطح معناداری	*		*		
میزان تسلط به زبان خارجی	اصلاً/کم	۲۷/۴	۲۲/۵	۴۹/۹	۳۰/۵	۶۹/۵
	تاحدودی	۲۷/۶	۲۱/۶	۵۰/۷	۴۲/۴	۵۷/۶
	زیاد	۱۸/۸	۱۹/۸	۶۱/۵	۵۳/۲	۴۶/۸
	سطح معناداری	*		*		
شبکه اجتماعی در خارج از کشور	اصلاً	۳۸/۰	۲۱/۳	۴۰/۷	۲۶/۷	۷۳/۷
	محدود	۱۹/۶	۲۳/۹	۵۶/۵	۴۳/۴	۵۶/۶
	گسترده	۲۰/۳	۱۱/۶	۶۸/۱	۵۵/۳	۴۴/۷
	سطح معناداری	**		**		
میزان مطلوبیت جامعه مبدأ	کم	۱۲/۹	۱۸/۵	۶۸/۵	۵۰/۷	۴۹/۳
	متوسط	۳۷/۵	۲۸/۸	۳۳/۷	۲۷/۵	۷۲/۵
	زیاد	۵۵/۱	۲۰/۴	۲۴/۵	۱۸/۴	۸۱/۶
	سطح معناداری	**		**		

نکته: ns غیرمعنی دار، * در سطح ۵ درصد، ** در سطح ۹۹ درصد

نتایج تحلیل چندمتغیری

در این بخش از مقاله با استفاده از آزمون‌های رگرسیون لجستیک دووجهی و رگرسیون رتبه‌ای به بررسی رابطه متغیرهای مورد بررسی با میزان تمایل و تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور پرداختیم که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. بر این اساس، وضعیت تأهل، رابطه معناداری با تصمیم و تمایل به مهاجرت خارج از کشور نداشته است. در مقابل، سن، جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، تسلط به زبان خارجی، شبکه اجتماعی در خارج از کشور و میزان مطلوبیت جامعه مبدأ رابطه معنی داری با میزان تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی داشته‌اند.

از این رو، مردان جوان بیشتر از زنان جوان تصمیم به مهاجرت به خارج از کشور دارند. تمایل به مهاجرت در گروه سنی زیر ۲۰ سال بیشتر بوده است. همچنین، نتایج بیانگر افزایش تمایل و تصمیم مهاجرتی همراه با افزایش سطح تحصیلات است. نتایج جدول ۴ نشان داد که افراد غیرشاغل میزان تمایل و تصمیم مهاجرت‌شان بیشتر از افراد شاغل است. بعلاوه، افرادی که تسلط بیشتری به زبان خارجی دارند، بیشتر تصمیم به مهاجرت خارج از کشور دارند. افرادی که از شبکه گسترده اجتماعی در خارج از کشور برخوردارند، میزان تمایل و تصمیم مهاجرتی بیشتری دارند. در نهایت این که میزان مطلوبیت جامعه مبدأ با تمایل و تصمیم مهاجرتی رابطه منفی و معناداری دارد. متغیرهای مذکور ۲۴ درصد تغییرات میزان تمایل به مهاجرت را تبیین کرده‌اند. در این میان، نقش و تأثیر میزان مطلوبیت جامعه مبدأ بیشتر از سایر متغیرها بوده است. در واقع، هرچه میزان مطلوبیت جامعه مبدأ پایین‌تر باشد، میزان تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی افزایش می‌یابد.

جدول ۴: نتایج تحلیل چندمتغیری رابطه عوامل اجتماعی جمعیتی با میزان تمایل و تصمیم به مهاجرت خارج از کشور

نتایج رگرسیون لجستیک دووجهی		نتایج رگرسیون رتبه‌ای		متغیرها	
تصمیم به مهاجرت		میزان تمایل به مهاجرت			
Sig.	Exp(B)	Sig.	Exp(B)		
				زن (مرجع)	جنس
۰/۰۳۵	۱/۴۷۲	۰/۰۴۸	۱/۲۹۴	مرد	
				۱۹-۱۵ (مرجع)	سن
۰/۱۱۳	۰/۴۹۴	۰/۳۴۶	۰/۶۸۹	۲۴-۲۰	
۰/۰۹۴	۰/۴۸۵	۰/۰۲۴	۰/۳۹۶	۲۹-۲۵	
				مجرد (مرجع)	وضعیت تاهل
۰/۸۸۵	۰/۹۵۳	۰/۲۵۰	۰/۶۹۹	متاهل	
				دیپلم و پایین (مرجع)	تحصیلات
۰/۳۵۸	۱/۴۸۳	۰/۹۶۱	۱/۰۱۷	کاردانی / کارشناسی	
۰/۰۵۳	۲/۰۸۳	۰/۰۳۶	۱/۶۶۲	کارشناسی ارشد/دکتری	
				شاغل (مرجع)	وضعیت اشتغال
۰/۰۱۵	۲/۱۰۲	۰/۰۴۰	۱/۷۰۶	غیرشاغل	
				اصلا /کم (مرجع)	تسلط به زبان خارجی
۰/۰۵۲	۱/۷۷۸	۰/۴۱۴	۰/۸۱۷	تاحدودی	
۰/۰۱۱	۲/۲۴۲	۰/۸۷۵	۱/۰۴۴	زیاد	
				اصلا (مرجع)	شبکه اجتماعی در خارج از کشور
۰/۰۱۱	۲/۰۲۴	۰/۰۴۸	۱/۹۰۱	محدود	
۰/۰۲۹	۲/۳۷۳	۰/۰۰۷	۱/۹۸۹	گسترده	
				کم (مرجع)	میزان مطلوبیت جامعه مبدأ
۰/۰۰۱	۰/۴۱۱	۰/۰۰۱	۰/۲۶۵	متوسط	
۰/۰۰۱	۰/۲۶۱	۰/۰۰۱	۰/۱۴۱	زیاد	
X ² Hosmer-Lemeshow = 7/079 Sig.=0/528 Psedo R ² (%)= 19/4		Model fit (x ² =87/144 Sig=0/001) Pearson (x ² =489/3 Sig=0/210) Deviance (x ² =474/2 Sig=0/373) Test of Parallel (x ² =20/2 Sig=0/001) Pseudo R ² (%)= 23/9		برازش آزمون	

بحث و نتیجه گیری

در بررسی میزان تمایل و تصمیم جوانان به مهاجرت‌های بین‌المللی و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران مشخص شد که تقریباً نیمی از جوانان تمایل زیادی به مهاجرت بین‌المللی دارند و حدود ۴۰ درصد آنها برای این کار تصمیم خود را گرفته‌اند. از این رو، پتانسیل مهاجرت به خارج از کشور در میان جوانان بالاست و سهم قابل توجهی از آنها را می‌توان مهاجران بالقوه قلمداد کرد. مطابق پژوهش سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)، تقریباً نیمی از جوانان منطقه خاورمیانه تمایل دارند تا به خارج از کشور خودشان مهاجرت کنند (گولدستون و همکاران، ۱۳۹۵). تمایل به مهاجرت بخشی از میل‌های کلی فرد در زندگی می‌باشد؛ به طوری که اگر دیگر میل‌ها اهمیت بیشتری داشته و برآورده شوند ممکن است تمایل به مهاجرت به حاشیه رانده شود. در غیر این صورت، مهاجرت بر ماندن ترجیح داده شده و در صورت داشتن توانایی به مهاجرت، مهاجرت واقعی رخ می‌دهد (همو، ۲۰۱۴). امروزه، به دلیل پیشرفت تکنولوژی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، کوتاه شدن مسافت‌های مهاجرتی و افزایش نهادهای تسهیل‌کننده مهاجرت (همچون شبکه‌های قاجاق مهاجر، آژانس‌های استخدام نیروی کار و ازدواج‌های فرامرزی) جوانان بیشتر در معرض مفهوم مهاجرت قرار دارند (تیمرن و همکاران، ۲۰۱۴).

همچنین، نتایج مطالعه نشان داد که اروپای غربی و امریکای شمالی از مقاصد عمده مهاجرتی جوانان است. بیشترین و مهمترین انگیزه برای مهاجرت به این کشورها مربوط به جاذبه‌های اجتماعی و فرهنگی (۳۶ درصد) است. پس از آن نیز دلایل و جاذبه‌های آموزشی و تحصیلی (۲۸ درصد) به عنوان مهمترین دلایل مهاجرت محسوب می‌شوند. در نهایت، حدود یک پنجم افراد به عوامل و جاذبه‌های اقتصادی اشاره داشتند. از این رو، انگیزه عمده مهاجرت بین‌المللی جوانان دستیابی به فرصت‌های اجتماعی، شغلی و تحصیلی مناسب‌تر است. نتایج تحلیل چندمتغیره بیانگر تأیید همه فرضیه‌های پژوهش به غیر از رابطه وضعیت تأهل و تمایل به مهاجرت است. در این پژوهش، تفاوت معنی‌داری بین مجردها و متأهلان و تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی به دست نیامد. در مقابل سایر متغیرها نظیر سن، جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، تسلط به زبان خارجی، شبکه اجتماعی در خارج از کشور، و میزان مطلوبیت جامعه مبدأ رابطه معنی‌داری با میزان تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی داشتند. تمایل به مهاجرت در گروه سنی زیر ۲۰ سال بیشتر بوده است. در واقع، متولدان دهه ۱۳۷۰ به بعد تمایل و تصمیم مهاجرتی‌شان به خارج از کشور بالاتر از دهه شصتی‌ها می‌باشد. همچنین، نتایج نشان داد که مردان بیشتر از زنان تصمیم و تمایل به مهاجرت‌های بین‌المللی دارند. پژوهش‌های جامعه‌شناسی در این زمینه نشان می‌دهند که جنسیت به‌طور اساسی روابط و ساختارهای اجتماعی را که بر علل و پیامدهای مهاجرت تأثیر می‌گذارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد (کیورن و همکاران ۲۰۰۶؛ کینگ ۲۰۱۲). جنسیت به عنوان سازه‌ای اجتماعی فرهنگی، نقش پررنگی در مهاجرت ایفا می‌کند. جنسیت، نقش‌ها، روابط و نابرابری‌های جنسیتی، مسیرها و سازماندهی جریان مهاجرتی را شکل می‌دهد، افراد را به مهاجرت تشویق و یا از آن باز می‌دارد و پیامدها و تبعات مهاجرت در مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جولی و ریوس، ۲۰۰۵). از این رو، هر نقطه از فرایند مهاجرت، حتی تمایل و تصمیم بدان، نیز جنسیت‌محور است. نتایج بیانگر افزایش میزان تمایل و تصمیم مهاجرتی با افزایش سطح تحصیلات است. این الگو بوضوح

«گزینشی» بودن جریان مهاجرت بین‌المللی از ایران را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که گزینه مهاجرت را معمولاً نه هر کسی، بلکه افراد با ویژگی‌های معین (با سطح تحصیلات بالاتر) گزینش و انتخاب می‌کنند (ویکس، ۱۳۹۵). با توجه به امکان اخذ پذیرش، استفاده از بورس‌های تحصیلی و ادامه تحصیل بدون پرداخت هزینه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در خارج از کشور این نتیجه قابل تبیین است. از طرف دیگر، دانشجویان دوره‌های تکمیلی آمادگی بیشتری برای انجام پژوهش دارند و با توجه به فراهم بودن این زمینه در دانشگاه‌های خارج از کشور و تخصیص بودجه‌های کلان به بخش تحقیقات در این دانشگاه‌ها، آنها بیشتر جذب کشورهای دیگر می‌شوند (حکیم زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

نتایج مطالعه نشان داد افراد غیرشاغل تمایل و تصمیم مهاجرت‌شان بیشتر است. در واقع، سرمایه‌گذاری برای ایجاد فرصت‌های شغلی در کشور به‌اندازه کافی انجام نگرفته و نرخ بیکاری افزایش یافته است. در چنین حالتی افراد جهت دسترسی به فرصت‌های شغلی به ناچار تصمیم به مهاجرت می‌گیرند (پایتختی اسکویی و طبقچی اکبری، ۱۳۹۴). از این رو، یکی از پیامدهای نرخ‌های بالای بیکاری در سال‌های اخیر خروج سرمایه انسانی از کشور است. این دسته از مهاجران به طور خاص و مشخص با هدف رسیدن به فرصت‌های شغلی و وضعیت اقتصادی بهتر اقدام به مهاجرت از کشور می‌کنند.

مهارت و تسلط به زبان خارجی، به طور معنی داری بر تصمیم به مهاجرت اثرگذار بوده است. افرادی که از این مهارت برخوردارند، بیشتر تصمیم و برنامه دارند که به خارج از کشور مهاجرت کنند. بعلاوه، نتایج نشان داد که شبکه مهاجرتی فراملی ایرانی‌ها در خارج از کشور، اثری قوی بر میل و تصمیم مهاجرتی دارد. روابط قوی‌تر و متعدد نقش مهم‌تری را در اعمال فشار اجتماعی نسبت به روابط ضعیف‌تر دارند و شبکه‌های متراکم و همگن بر اعضای خود فشار بیشتری برای پیروی از الگوهای هنجاری و رفتاری وارد می‌کنند (کلمن ۱۹۸۸). در روابط قوی، نزدیکی عاطفی بیشتری نسبت به روابط ضعیف مشاهده می‌شود که این امر خود سبب افزایش قدرت و سلطه این روابط می‌شود. از این رو، روابط قوی‌تر نقش بیشتری را نسبت به روابط ضعیف‌تر برای اتخاذ تصمیم‌های مهاجرتی ایفا می‌کنند. بر اساس یافته‌ها، وجود اعضای خانواده، فامیل و دوستان در کشورهای مقصد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای نه تنها در میل به مهاجرت، بلکه در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای مهاجرت داشته باشد. آنها با ارائه - آگاهانه یا ناآگاهانه - تصویری ایده‌آل از کشورهای مقصد یا تشویق نزدیکان خود به مهاجرت، تمایل به مهاجرت را افزایش می‌دهند.

در نهایت، مهمترین متغیر اثرگذار بر میزان تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی، ارزیابی میزان مطلوبیت جامعه مبدأ می‌باشد. نتایج نشان داد که بخش قابل توجهی از جوانان جامعه مبدأ را به ویژه به لحاظ اقتصادی نامطلوب می‌دانند. این وضعیت تمایل و تمنای رفتن را در میان جوانان افزایش داده است. بر اساس نتایج تحلیل چندمتغیره، میزان مطلوبیت جامعه مبدأ با تمایل و تصمیم مهاجرت رابطه معکوس و معنی داری دارد؛ بدین معنا که هرچه میزان مطلوبیت جامعه مبدأ پایین‌تر باشد، تمایل و تصمیم به مهاجرت بین‌المللی افزایش می‌یابد. از این رو، همان طور که وان‌دالن و هنکنس^(۲۰۰۸) بیان کرده‌اند عدم رضایت اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای نه تنها در تمایلات مهاجرتی، بلکه در مهاجرت واقعی دارد.

بدین ترتیب، جوانان سهم قابل توجهی در جریانات مهاجرت بین‌المللی از ایران داشته‌اند و این سهم رد به

افزایش است که بی تردید، این وضعیت کشور را با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی مواجه خواهد ساخت. تمایل و تصمیم حدود نیمی از جوانان مورد بررسی برای مهاجرت از کشور، یک مسئله اجتماعی است - هرچند تمام کسانی که تمایل به مهاجرت دارند، نمی‌توانند مهاجرت کنند یا به بیان دیگر، امکان مهاجرت ندارد. آنهایی که نتوانند مهاجرت کنند نیز گروهی ناراضی و مأیوس از شرایط خواهند شد. نکته مهم و مرتبط با این مسئله، این است که افراد نه تنها مطابق مشخصه‌های فردی، بلکه براساس الزامات شرایط زندگی و ساختار اجتماعی جوامع مبدأ و مقصد تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. از این رو، مهاجرت بین‌المللی، فرایندی پویا و برخاسته از شرایط در حال تغییر اجتماعی است. در این زمینه، همان‌طور که نتایج پژوهش نشان داد شرایط نامطلوب جامعه مبدأ که در نظریه‌های مهاجرت به «عوامل دافعه مبدأ» معروف هستند، نقش پررنگی در افزایش تمایلات و تصمیمات مهاجرتی به خارج از کشور دارند. امید اجتماعی، بهبود شرایط اقتصادی، عدالت اجتماعی و آزادی سیاسی در کشور می‌تواند زمینه‌ساز کاهش مهاجرت‌های بین‌المللی جوانان از ایران باشد و حتی شرایطی مطلوب برای بازگشت جوانان نخبه به کشور فراهم نماید.

منابع

- ابراهیمی، یزدان. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته‌های برق و کامپیوتر به مهاجرت». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۸ (۱): ۷۵-۹۶.
- پایتختی اسکویی، سیدعلی و طبقچی اکبری، لاله. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران». مطالعات جامعه‌شناسی. شماره ۲۶، صص ۷۳-۸۳.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۷). مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه. مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد. تهران: انتشارات موسسه کار و رفاه اجتماعی.
- جواهری، فاطمه و سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۴). «جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی). دوره ۱۳، شماره ۵۰-۵۱، صص ۵۳-۸۸.
- حکیم‌زاده، رضوان؛ طلایی، ابراهیم و جوانک، ماندانا. (۱۳۹۲). «تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور در دانشجویان دانشگاه تهران». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۶۹، صص ۸۱-۱۰۲.
- خواجه نوری، بیژن و سروش، مریم. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به مهاجرت از کشور (نمونه مورد مطالعه: جوانان شهر شیراز)». فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد). شماره ۷، صص: ۴۷-۸۱.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۵). «جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۷، شماره ۲، صص ۴۱-۷۵.
- زارع، سعید و هاشمی، سیده حکیمه. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه انواع دینداری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور (دانشجویان کلیه مقاطع دانشگاه علامه طباطبائی)». جامعه پژوهی فرهنگی. سال ۶، شماره ۳، صص ۵۳-۸۰.
- زنجانی، حبیب الله. (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: انتشارات سمت.
- صادقی، رسول و زنجری، نسیم. (۱۳۹۶). «الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلان‌شهر تهران». فصلنامه رفاه اجتماعی. سال ۱۷، شماره ۶۶، صص: ۱۴۹-۱۸۴.
- صادقی، رسول؛ عباسی شوازی، محمدجلال و محموددین، سراج‌الدین. (۱۳۹۴). «تورم جوانی جمعیت در ایران: خلأهای تحقیقاتی و الزامات سیاستی». نامه جمعیت‌شناسی ایران. دوره ۱۰، شماره ۱۹ (بهار و تابستان)، صص ۴۳-۹.
- علاء‌الدینی، فرشید؛ فاطمی، رزیتا؛ رنجبران جهرمی، هومن؛ فیض زاده، علی؛ اردلان، علی؛ حسین پور، احمدرضا؛ اصغری رودسری، الهام؛ اسکندری، شروین؛ توکلی، حمیدرضا و میرزاصادقی، علی‌رضا. (۱۳۸۴). «میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در بین پزشکان ایرانی». مجله پژوهشی حکیم. دوره ۸، شماره ۳، صص ۹-۱۵.
- فروتن، یعقوب و شیخ، مرتضی. (۱۳۹۶). «بررسی گرایش دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به مهاجرت بین‌المللی». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. سال ۴، شماره ۱۰، صص ۶۱-۷۹.

- قاسمی اردهائی، علی؛ رستمی، نیره و شیر، محمد. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی شهرستان اهر». فصلنامه فضای جغرافیایی. سال ۱۶، شماره ۵۳، صص ۱۷۳-۱۹۲.
- لوکاس، دیوید و میر، پاول. (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی. حسین محمودیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- محسنی تبریزی، علی رضا و عدل، ماندانا. (۱۳۸۶). «بررسی علل روان‌شناختی اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. شماره ۴، صص ۷۰-۹۸.
- مقدس، علی اصغر و شرفی، زکیه. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت‌های بین‌المللی جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۶۲-۱۹۰.
- موحد، مجید و نیازی، صغری. (۱۳۸۷). «رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان». پژوهش زنان. دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۹-۵۴.
- ویکس، جان. (۱۳۹۵). جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات. الهه میرزایی. موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی کشور.
- Adsera, A, and Tienda, M. (2012). "Comparative Perspective on International Migration and Child Well-being". The Annals of American Academy of Political and Social Science, 263, Pp. 6-15.
- Carling, J., and Collins, F. L. (2017). "Aspiration, desire and the drivers of migration". Journal of Ethnic and Migration Studies, 44 (6):909-926.
- Castles, S and Miller, M. (2003). The Age of Migration. 3rd edition, MacMillan, London
- Coleman, D. (2006). "Immigration and Ethnic Change in Low Fertility Countries: A Third Demographic Transition". Population and Development Review, 32(3):401-446.
- Coleman, J.S. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital". American Journal of Sociology 94, Pp. 95-120.
- Curran, S. R., Shafer, S.; Donato, K. M. and Garip, F. (2006). "Mapping Gender and Migration in Sociological Scholarship: Is It Segregation or Integration?". International Migration Review 40(1): 199-223.
- Hugo, G. (1994). Migration and family. Vienna: United Nations
- IOM. (2018). World Migration Report 2018. International Organization for Migration
- Jolly, S. and Reeves, H. (2005). Gender and Migration: Overview Report. Institute of Development Studies

- King, R. (2012). **“Theories and Typologies of Migration: An Overview and a Primer, Working Papers in International Migration and Ethnic Relations”**. Malmö Institute for Studies of Migration, Diversity and Welfare (MIM) Malmö University, 3/12.
- Massey, D. S., J. Arago, G. Hugo, K. Kouaouci, A. Pellegrino, and Taylor, J. E. (1998). **World in Motion: Understanding International Migration at the End of the Millennium**, Oxford: Oxford University Press
- Massey, D. S., J. Arago, G. Hugo, K. Kouaouci, A. Pellegrino, and Taylor, J. E. (1993). **“Theories of International Migration: A Review and Appraisal”**. Population and Development Review, 1(3): 431-466.
- Rindfuss, R. (1991). **“The Young Adult Years: Diversity, Structural Change and Fertility”**. Demography, 28(4): 493-512.
- Strielkowski, W. and Bilan, Y. (2016). **“Migration Aspirations and Decisions: A Comparative Study of Turkey and Ukraine”**. Intellectual Economy (10), pp. 18-27.
- Timmerman, C. h., K. Hemmerchts, and De Clerck, H. M. (2014). **“The Relevance of a Culture of Migration in Understanding Migration Aspirations in Contemporary Turkey”**. Turkish Studies, 15(3): 496-518.
- UNICEF. (2014). **Migration and Youth: Challenges and Opportunities**. UNICEF and Global Migration Group.
- Van Dalen, H., & Henkens, K. (2008). **“Emigration intentions: Mere words or true plans? Explaining International Migration Intentions and Behavior (Discussion Paper)”**. Tilburg University, Center for Economic Research

تاثیر آرمان گرایی توسعه‌ای جوانان تهرانی بر گرایش آنها به مهاجرت

سید رضا معینی^۱
حمید انصاری^۲
علی افشاری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۴/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۱

هدف از این مقاله، بررسی تاثیر آرمان گرایی توسعه‌ای جوانان تهرانی بر گرایش آنها به مهاجرت است. چارچوب نظری اصلی تحقیق، نظریه مکتب وابستگی و نظریه والرشتاین است. این تحقیق با روش پیمایشی و با روش نمونه گیری چند مرحله‌ای از بین جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله تهرانی انجام گردید؛ بدین صورت که ابتدا مناطق بر اساس شاخص‌های توسعه یافتگی به چهار خوشه تقسیم شده و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و متناسب با حجم جمعیت جوان برای هر طبقه محاسبه گردیده و بار دیگر داخل هر یک از طبقات به صورت جداگانه نسبت به حجم هر کدام از مناطق ۲۲ گانه، نمونه‌ها توزیع شده است. مجموع کل نمونه‌های انتخاب شده، ۱۲۱۷ نفر می‌باشد و با پرسش نامه محقق ساخته به تحقیق از آنها درباره موضوع مطروحه پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد آرمان گرایی توسعه‌ای با ضریب مسیر ۰/۴۴۱ از میان متغیرهای تعریف شده به عنوان قویترین متغیر بر گرایش به مهاجرت در بین جوانان تاثیر داشت. در مرتبه بعدی گرایش مذهبی افراد است که خود متاثر از متغیرهای دیگر بوده، ولی خودش به طور مستقیم اثر قابل

۱. استادیار جمعیت شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

توجهی بر گرایش به مهاجرت جوانان داشته است. بنابراین متغیر گرایش مذهبی با ضریب اثر (۰/۱۹۵) دومین متغیر بوده که اثر مستقیم در میزان گرایش به مهاجرت جوانان داشته است؛ به این معنا که با بالا رفتن گرایش مذهبی افراد میزان گرایش آنها به مهاجرت رو به پایین آمده است. در مرتبه بعدی متغیر سرمایه اجتماعی با ضریب اثر (۰/۱۸۸) بیشترین تأثیر مستقیم را بر روی میزان گرایش به مهاجرت جوانان دارد؛ به این معنا هر چه قدر سرمایه اجتماعی کمتر باشد، گرایش به مهاجرت نیز زیاد می شود. هر یک از متغیرهای میزان تحصیلات، سن و درآمد به ترتیب با ضریب اثر ۰/۱۵۱، ۰/۱۸۶ و ۱۰۰/ به طور مستقیم در گرایش به مهاجرت جوانان تأثیر گذاشتند. متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل و وضع فعالیت نیز به ترتیب با ضریب اثر ۰/۱۱۵، ۰/۱۳۳ و ۰/۱۰۲ به طور مستقیم در گرایش به مهاجرت جوانان موثر بودند.

واژگان کلیدی: آرمان گرایی توسعه ای، تمایل به مهاجرت، دینداری، سرمایه اجتماعی و جوانان

مقدمه

بررسی تاریخ توسعه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که سرمایه انسانی نقش مهمی در فرآیند پیشرفت آنها بر عهده داشته و به یقین جامعه صنعتی، توسعه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژیکی خود را مرهون وجود سرمایه انسانی می‌داند. ملل در حال توسعه نیز جهت گذار از عقب ماندگی و رسیدن به مراحل توسعه، ناگزیر از تقبل هزینه در ایجاد سرمایه انسانی و توسعه دانش فنی در جوامع خود هستند. کشورهای کمتر توسعه یافته با درک این واقعیت از دهه‌های قبل توجه خود را به این امر معطوف کرده و برای تربیت نیروی کارآمد، اقدامات و سرمایه گذاری‌های قابل توجهی انجام داده‌اند، اما مشکلی که این کشورها از جمله ایران با آن روبرو بوده‌اند، این است که درست زمانی که این کشورها باید از سرمایه گذاری‌های انجام شده بر روی نیروی انسانی بهره برداری نمایند و در راستای ایجاد جهش اقتصادی کشورشان و حذف شکاف عمیق تکنولوژیکی با کشورهای توسعه یافته از آن استفاده نمایند و روند رشد و توسعه کشورشان را تسریع بخشند، به صورت جریانی پویا با حرکتی در جهت انتقال سرمایه انسانی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته مواجه شده‌اند. جریان مهاجرت از ملل عقب مانده، سال هاست که شروع شده و ادامه دارد و با سیاست‌های مهاجرتی کشورهای پیشرفته که عملاً برای مهاجرت افراد متخصص اولویت قائل شده‌اند، بیم آن می‌رود که شتاب بیشتری گیرد و به حد نگران کننده‌ای برسد. ترک وطن نیروی انسانی متخصص و خبره به لحاظ اینکه هزینه‌های صرف شده جهت آموزش آن جبران نگردیده، کشورها را با خلا نواغ و جمود ابداع مبتلا کرده است.

این مقاله نشان می‌دهد که چطور عدم توسعه یافتگی کشور و عدم جذب سرمایه‌های انسانی در داخل کشور سبب گرایش جوانان به مهاجرت شده، چگونه خود این مهاجرت به عقب ماندگی مضاعف کشور دامن می‌زند و چطور غرب با تبلیغ یک جامعه آرمانی و اتوپیایی باعث جذب جوانان و نخبگان کشورهای جهان سوم می‌گردد.

مهاجرت، فرایندی است که بر هر بعد حیاتی اجتماعی اثرگذارده و پویایی پیچیده‌ای آن را متحول می‌کند. از این رو، تحقیق پیرامون مهاجرت به شدت بین رشته‌ای است، به طوری که جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، علم اقتصاد، جغرافیا، جمعیت‌شناسی، روانشناسی و علم حقوق همگی به این موضوع ارتباط پیدا می‌کنند (کستلز و میلر، ۱۳۹۶: ۳۴).

پی یرلروی، مهاجرت را یک اقدام اجتماعی - اقتصادی، مطابق با فطرت و نیازهای طبیعی انسان می‌داند (زنجان، ۱۳۸۰: ۶).

رولان پرسا، مهاجرت را حرکات افراد یا گروه‌ها می‌داند که تغییر دائمی یا طولانی مدت محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد (همان).

دونالد جی - بوگ، مهاجرت را پاسخ ارگانیزم انسانی به نیروهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی در محیط تعریف می‌کند. (لهسای زاده، ۱۳۶۸: ۵۵).

وحیدی، مهاجرت را تغییر محل اقامت، ضمن عبور از مرزهای سیاسی برای مدت طولانی بیش از یک سال، تعریف می‌کند و سپس دو نوع مهاجرت را نام می‌برد: مهاجرت داخلی (یا درون مرزی) و مهاجرت خارجی (بین‌المللی یا برون مرزی) (وحیدی، ۱۳۶۴: ۱۱).

مهاجرت بین‌المللی، بخشی از انقلاب فراملی است که به تغییر شکل جامعه‌ها و سیاست‌ها در جهان

می انجامد. (کستلز و میلر، ۱۳۹۶: ۲۰) در این مقاله مهاجرت بین المللی (ایران به خارج از کشور) مورد بررسی قرار گرفته است.

فرار مغزها، انتقال بین المللی منابع در قالب سرمایه انسانی است و اساساً برای مهاجرت افراد متخصص از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته به کار می رود. به طور کلی از طرف عرضه، جهانی شدن اقتصاد دنیا تمایل به انباشتن سرمایه انسانی را تقویت می کند و این خود انتخابی را میان مهاجران بین المللی افزایش می دهد. کشور میزبان سیاست انتخابی بر اساس کیفیت را در پیش گرفتند و امروزه در جذب استعدادهای جهانی رقابت می کنند (عبداله پور، ۱۳۹۵: ۱۳).

مهاجرت مزایایی از جمله پر کردن شکاف نیروی کار برای مناطق میزبان را دارد (سلیمانی ۱۳۹۷: ۳۴). مهاجرت از گذشته تا زمان حاضر وجود داشته، اما در عصر حاضر پیچیدگی خاصی پیدا کرده است. (پور حدادیان، ۱۳۹۵: ۱۲).

تضادها و ستیزه های متعدد قومیتی، اقتصادی، دینی، نژادی، جنسیتی و باورداشت اقشار و گروه های مختلف در ممالکی که آمادگی کمتری در مدیریت این تضادها دارند، مهمترین اشکال تضادهایی است که افراد و گروه های درگیر و قربانی در این تضادها را ناگزیر از ترک وطن و اقدام برای مهاجرت می کنند. (کستلز و میلر، ۱۳۹۶: ۱۱)

در سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۰) اولین موج مهاجرت با بهبود شرایط اقتصادی تدریجی ایران و شروع استخراج نفت بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ موج دوم شدیدی از مهاجرت به غرب شروع شد که بیشتر به علت سیاسی و مخالفت با انقلابیون بود. به بیان دیگر، بسیاری از درباریان و نظامیان رده بالا و سرمایه داران و هنرمندان و سیاسیونی که با انقلاب مخالف بودند، به کشورهای غربی مهاجرت نمودند؛ «به طوری که شواهد نشان می دهد در طی سه سال از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ حدود ۹۸۱۳۹ نفر از ایرانیان از ایالات متحده درخواست پناهندگی کردند که از این عده به ۱۱۰۵۵ نفر پناهندگی سیاسی داده شده است» (طایفی، ۱۳۸۰: ۶).

دوران سوم که با موج سوم مهاجرت همراه شده است، ۲۰ سال گذشته یعنی از ۱۳۷۵ (۱۹۹۵) تاکنون را شامل می شود. این موج جمعیت بسیار متفاوتی را در بر می گیرد؛ جوانان با تحصیلات بالا که در داخل کشور جذب نمی گردند، افراد با مهارت بالا، طبقه کارگر و تا حد کمتری پناهندگان سیاسی و اقتصادی. در دهه اخیر مهاجرت بیشتر در بین جوانان با تحصیلات بالای آکادمیک است که وقتی راهی برای جذب و استخدام در داخل کشور برای آنها فراهم نیست، اقدام به مهاجرت می نمایند.

تعداد کل مهاجران ایرانی در سال ۲۰۱۳ برابر با ۲۶۴۹۵۱۶ نفر می باشد که از این تعداد ۱۶۱۲۰۳۴ نفر مرد و ۱۰۳۷۴۴۸۲ نفر زن می باشند و بیشترین مهاجرت اول به کشور آمریکا با ۳۹۳۴۱۴ نفر و بعد کشور آلمان با ۱۲۰۶۵۷ نفر و سوم کشور کانادا با ۱۰۸۶۳۲ نفر و چهارم بریتانیا با ۷۵۷۷۳ نفر و پنجم کشور سوئد با ۶۶۹۷۸ نفر می باشد (پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۵: ۶۵-۶۶).

آرمان گرایی توسعه ای، مفهومی است که به بررسی دیدگاه های ذهنی جوانان به توسعه می پردازد؛ این که جوانان چه دیدگاهی نسبت به توسعه دارند، چه آرمان ها و آرزوهایی را از توسعه انتظار دارند و در افکار و آرزوهای خود چه دیدی از توسعه و پیشرفت دارند. منظور از جنبه ذهنی، فرایندی است که به تغییر و

تحولات نگرش‌ها و ارزش‌های افراد در اثر تغییر و تحولات ناشی از توسعه و مدرنیزاسیون می‌پردازد که در این تحقیق نگرش افراد نسبت به شاخص‌های توسعه، بیانگر جنبه ذهنی توسعه است. آرمان گرایی توسعه ای، حاوی مجموعه‌ای از ایده هاست که مجموعه وسیعی از روابط و رفتارها را هدایت می‌کند. بر پایه این مجموعه از ایده‌ها، زندگی خوب تعریف می‌شود، روش‌ها و ابزارهایی برای ارزیابی اشکال مختلف سازمان‌های بشری و اجتماعی ارائه می‌شود، چارچوبی فراهم می‌شود که نشان می‌دهد زندگی خوب علت و معلول الگوهای اجتماعی خاص است و اصولی برای مشخص کردن حقوق اساسی انسان‌ها ارائه می‌شود. تورتون معتقد است که این ایده‌ها و عقاید از طریق مکانیزم‌های متعددی مانند آموزش، حمل و نقل، ارتباطات و رسانه‌های گروهی و نظایر آن در سراسر جهان انتشار یافته و در سطح گسترده‌ای مورد پذیرش موسسات و نهادهای دولتی، سازمان‌های اجتماعی و افراد قرار گرفته است (Thornton, 2005: 5).

در چند سال اخیر تعداد زیادی از جوانان کشور به امید تغییر وضعیت خود و در پی یافتن جامعه آرمانی و اتوپیایی از کشور مهاجرت نموده‌اند. بسیاری از این جوانان از غرب یک وضعیت آرمانی در ذهن دارند و گمان می‌کنند در صورت مهاجرت به خارج از کشور تمام آرزوهای مادی و معنوی آنها برآورده می‌شود و با توجه به فراهم نبودن وضعیت رفاهی کامل در داخل کشور و توسعه نیافتگی کامل، جوانان با هزار امید به خارج از کشور مهاجرت می‌نمایند. در این میان آن چه در ذهن این جوانان می‌گذرد خیلی مهم است. آنها گمان می‌کنند که غرب به توسعه کامل مادی و معنوی دست یافته و در واقع در ذهن خود یک آرمان گرایی توسعه‌ای از غرب تشکیل داده‌اند و گمان می‌کنند در غرب همه امکانات برای آنها فراهم است. متأسفانه با اینکه در طی سالیان اخیر تعداد زیادی از جوانان و نخبگان از کشور ایران مهاجرت نموده‌اند، تحقیق کامل و جامعی در این زمینه صورت نگرفته و نقش آن در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار نگرفته است این تحقیق برآن شده به بررسی این موضوع بپردازد که آیا آرمان گرایی جوانان از غرب باعث مهاجرت جوانان به غرب می‌گردد.

چارچوب نظری پژوهش

مکتب وابستگی در اندیشه‌های اقتصاد دانان ساختارگرایی چون راثول پربیش و اندیشه‌های نومارکسیستی ریشه دارد که بر عواقب منفی امپریالیسم تاکید می‌کردند، ایده اصلی مکتب وابستگی این است که توسعه اروپا، توسعه نیافتگی شدید دنیایی غیر اروپایی را به دنبال داشته است. (عطار، ۱۳۹۳: ۵۴۰) تلاش عمده والرشترین معطوف نشان دادن و اثبات این تر بوده است که نظام سرمایه‌داری اروپا اساساً به یمن استعمار، استثمار و غارت جوامع و مناطق مستعمرات «پیرامونی» خود بسط و توسعه یافته و توانسته در سایه منابع سرمایه انسانی، درآمدها و ثروت‌های عظیمی که از این رهگذر در جوامع «مرکز» خود انباشت کند، امکان‌ها و شرایط لازم برای گسترش و توسعه خود در ابعاد جهانی را فراهم آورد و به این ترتیب به شکل نظامی جهانی درآید؛ جریانی که سرانجام با ظهور فرآیند جهانی شدن به تکامل نهایی خود رسید (والرشترین، ۱۳۷۷: ۴۰). نظریه نظام جهانی دست‌کم واجد سه موقعیت یا رکن اصلی است: مرکز^۱، پیرامون^۲ و نیمه‌پیرامون^۳.

الف) مناطق و حوزه‌های موسوم به «مرکز» به گونه‌ای تاریخی در پیشرفته‌ترین فعالیت‌های اقتصادی سرگرم‌اند

1. core

2. periphery

3. semiperiphery

مانند بانکداری، تولیدات صنعتی، کشاورزی با تکنولوژی پیشرفته، صنایع هواپیمایی، راه آهن، کشتی سازی، صنایع تسلیحاتی، دارویی، صنایع هوا- فضا و... «مرکز» به لحاظ سیاسی نیز مشتمل است بر دولت ها و نظام های سیاسی قدرتمند، قوی، یکپارچه، واجد انسجام درونی که دامنه فعالیت های اقتصادی آنها بسیار متنوع و گسترده بوده و حول تملک سرمایه مادی و انسانی و بهره برداری از آن متمرکز شده است.

ب) مناطق پیرامون شامل کشورهایی است که عمدتاً در کار تولید و تدارک مواد خام هستند- کانی ها یا مواد معدنی، نفت، گاز، زغال سنگ، آهن، قلع، مس، بوکسیت، کائوچو، الوار، چوب و...- تا زمینه های لازم برای بسط و گسترش اقتصادی و رونق و پیشرفت جوامع مرکز فراهم آید.

ج) مناطق نیمه پیرامونی شامل آن دسته از دولت ها و نظام های سیاسی است که واجد عناصری از هر دو وجه تولید مرکز و پیرامون هستند. (Wallerstein, 1967:75).

بر اساس این دیدگاه، نظام سرمایه داری نیازمند انباشت سرمایه است و این هدف موجب جذب منابع کشورهای پیرامون به مرکز می شود. فرایند مهاجرت به خصوص مهاجرت نخبگان نیز بخشی از فرایند انباشت سرمایه محسوب می شود. ناموزونی در انباشت سرمایه، درجه توسعه و تجمع قابلیت فناوری، تراکم سرمایه انسانی برای کشور میزبان را به همراه دارد. از نظر ادوارد دانشسن، یکی از کارشناسان اقتصادی آمریکا مهمترین عامل پیشرفت و رشد اقتصادی، نیروی انسانی متخصص است (غفوری، ۱۳۸۷: ۳) و کشورهای غربی کمبود سرمایه انسانی خود را با مهاجرت تامین می نمایند.

به این ترتیب، در این مکتب عوامل مهاجرت جوانان را می توان تبیین کرد؛ چنان که سرمایه انسانی از یک منطقه دور افتاده در یک کشور به مرکز شهر و سپس مرکز کشور برای ادامه تحصیل یا یافتن شغل مهاجرت می نماید. سپس، از کشور پیرامون به کشورهای مرکز می رود که دارای نظام سرمایه داری است، تمامی امکانات و منابع سرشار اقتصادی در آنجا انباشته شده و مشوق جوانان کشورهای جهت جذب و مهاجرت آنها می باشد.

فرضیه های پژوهش

۱. بین آرمان گرایی توسعه ای جوانان و گرایش به مهاجرت آنان رابطه معنی داری وجود دارد.
۲. بین میزان درآمد جوانان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.
۳. بین میزان تحصیلات جوانان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.
۴. بین نگرش های مذهبی جوانان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.
۵. بین نوع فعالیت جوانان و گرایش به مهاجرات رابطه معنی داری وجود دارد.
۶. بین سن پاسخگویان و گرایش آنها به مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.
۷. بین جنسیت پاسخگویان و گرایش آنها به مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.
۸. بین وضعیت تاهل پاسخگویان و گرایش آنها به مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.
۹. بین سرمایه اجتماعی و گرایش جوانان به مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.

تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم اصلی

آرمان گرایی توسعه‌ای

منظور از آرمان گرایی توسعه‌ای، مفهومی است که به بررسی دیدگاه‌های ذهنی جوانان به توسعه می‌پردازد تا دریابد جوانان چه دیدگاهی نسبت به توسعه دارند، چه آرمان‌ها و آرزوهایی را از توسعه انتظار دارند، در افکار و آرزوهای خود چه دیدی از توسعه و پیشرفت دارند و در ذهن خود چه دنیای آرمانی و اتوپیایی را از مفهوم توسعه در غرب دارند. منظور از جنبه ذهنی آرمان گرایی توسعه‌ای، فرایندی است که به تغییر و تحولات نگرش‌ها و ارزش‌های افراد در اثر تغییر و تحولات ناشی از توسعه و مدرنیزاسیون می‌پردازد که در این تحقیق نگرش افراد نسبت به شاخص‌های توسعه، بیانگر جنبه ذهنی توسعه است، شامل میزان آرمانی دانستن غرب، میزان آشنایی با غرب، میزان اتوپیا دانستن غرب.

بعد ذهنی آرمان گرایی توسعه‌ای

آرمان گرایی توسعه‌ای حاوی مجموعه‌ای از ایده‌هاست که طیف وسیعی از روابط و رفتارها را هدایت می‌کند. بر پایه این مجموعه از ایده‌ها، زندگی خوب تعریف می‌شود، روش‌ها و ابزارهایی برای ارزیابی اشکال مختلف سازمان‌های بشری و اجتماعی ارائه می‌شود، چارچوبی فراهم می‌شود که نشان می‌دهد زندگی خوب علت و معلول الگوهای اجتماعی خاص است و اصولی برای مشخص کردن حقوق اساسی انسان‌ها ارائه می‌گردد. ترنتون معتقد است که این ایده‌ها و عقاید از طریق مکانیزم‌های متعددی مانند آموزش، حمل و نقل، ارتباطات و رسانه‌های گروهی و نظایر آن در سراسر جهان انتشار یافته و در سطح گسترده‌ای مورد پذیرش موسسات و نهادهای دولتی، سازمان‌های اجتماعی و افراد قرار گرفته است. (Thornton, et.al., 2005)

در تحقیق حاضر بعد ذهنی آرمان گرایی توسعه‌ای با ۱۰ گویه زیر سنجیده شده است:

- کشورهای غربی توسعه یافته و پیشرفته تر از کشور ما هستند.
- انسان با رفتن به غرب به تمام آرزوها و خواسته‌ها خود می‌رسد.
- انسان در غرب بیشتر احساس خوشبختی می‌نماید.
- آزادی‌های سیاسی در کشورهای غربی بیشتر از کشور ماست.
- آزادی‌های فرهنگی (مثل نوع پوشش، برگزاری کنسرت و ...) در کشورهای غربی بیشتر از کشور ماست.
- جان و مال آدم‌ها در کشورهای غربی ارزشمندتر از کشور ماست.
- پیشرفت آدم‌ها در غرب بر اساس لیاقت و شایستگی است.
- علائق و میل آدم‌ها در کشورهای غربی بیشتر امکان ظهور و بروز دارد.
- احساس می‌کنم به عنوان یک ایرانی در خارج از کشور بیشتر تحقیر می‌شوم.
- احساس می‌کنم در غرب کنترل بیشتری بر سرنوشت خویش دارم.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق به روش پیمایشی می‌باشد. روش پیمایشی^۱ را می‌توان این گونه تعریف نمود: توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی بر اساس انتخاب نمونه‌ای تصادفی و معرف از افراد آن جمعیت و پاسخ آنها به یک رشته سؤال. با این همه، محققان اجتماعی می‌کوشند با استفاده از تحقیقات پیمایشی به تبیین پدیده‌ها پرداخته

و صرفاً به توصیف آن بسنده نکنند. (بیکر، ۱۳۸۱: ۲۰)
البته در این تحقیق علاوه بر پرسشنامه بسته از پیش ساخته، از پرسشنامه باز و سوالات باز و مصاحبه با پرسش شونده‌گان استفاده شده است.

جامعه آماری

مجموعه جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر تهران که با روش‌های نمونه‌گیری چند مرحله‌ای تعداد ۱۲۱۷ نفر جوان مورد پرسش قرار گرفتند. مطابق با سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران جمعیت جوان شهر تهران به تفکیک مناطق بیست و دوگانه، ۹۶۳/۷۸۴ نفر می‌باشد.

برآورد حجم نمونه

نمونه‌گیری با توجه به فرمول کوکران صورت می‌گیرد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

$$n = \frac{Nt^2Pq}{N\ell^2 + t^2Pq}$$

n = حجم نمونه آماری

N = جمعیت جامعه آماری

t² = آزمون تی استیودنت در سطح معناداری ۹۵ درصد اطمینان و ۵ درصد خطا « t = ۱/۹۶ »

P = نسبت وجود صفت در جامعه آماری ۵۰ درصد

q = نسبت عدم وجود صفت در جامعه آماری ۵۰ درصد

ℓ = درصد خطا یا اطمینان قابل قبول برابر با ۵ درصد.

ابتدا مناطق بر اساس شاخص‌های توسعه یافتگی به چهار طبقه تقسیم شد و با در نظر گرفتن تعداد کل جمعیت جوان در هر طبقه با فرمول فوق، حجم نمونه برای طبقه مورد نظر مشخص و نمونه‌های مشخص شده بر حسب جمعیت جوان در هر منطقه بین آنها توزیع گردید.

یافته‌های پژوهش

سیمای پاسخگویان

در جداول زیر سیمای کلی پاسخگویان ارائه گردیده است.

جنسیت

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۶۱۷	۵۰/۶۹
زن	۶۰۰	۴۹/۳۰
جمع	۱۲۱۷	۱۰۰

همان طور که مشاهده می‌گردد ۵۰/۶۹ درصد پاسخگویان مرد و ۴۹/۳۰ درصد زن بودند.

وضعیت زناشویی
جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب وضعیت زناشویی

وضع زناشویی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
هرگز ازدواج نکرده	۷۵۰	۶۱/۶	۶۵/۱
دارای همسر	۳۹۰	۳۲	۳۳/۸
بی همسر بر اثر فوت	۳	۰/۲	۰/۲
بی همسر بر اثر طلاق	۹	۰/۷	۰/۷
بدون پاسخ	۶۵	۵/۳	-
جمع	۱۲۱۷	۱۰۰	۱۰۰

اکثر پاسخگویان (۶۱/۶ درصد) هرگز ازدواج نکرده بودند و ۳۲ درصد پاسخگویان دارای همسر بودند.

تحصیلات

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب تحصیلات

تحصیلات پاسخگو	فراوانی	درصد	درصد معتبر
بی سواد	۰	۰	۰
ابتدایی	۰	۰	۰
راهنمایی	۰	۰	۰
دبیرستان و دیپلم	۲۱۰	۱۷/۲	۱۷/۷
فوق دیپلم	۱۱۰	۹	۹/۲
کارشناسی	۷۳۰	۵۹/۹	۶۱/۶
کارشناسی ارشد	۱۱۵	۹/۴	۹/۷
دکتری	۱۵	۱/۲	۱/۲
تحصیلات حوزوی	۵	۰/۴	۰/۴
بدون پاسخ	۳۲	۲/۶	-
جمع	۱۲۱۷	۱۰۰	۱۰۰

بیشتر پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی می‌باشند (۵۹/۹ درصد) و در بین پاسخگویان افراد کمتر از تحصیلات دبیرستان و دیپلم نداشتیم.

سن

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب سن

گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
۱۸ تا ۲۱ سالگی	۳۵۰	۲۸/۷	۲۸/۷
۲۲ تا ۲۵ سالگی	۴۱۵	۳۴/۱	۳۴/۱
۲۶ تا ۳۰ سالگی	۴۵۲	۳۷/۱	۳۷/۱
جمع	۱۲۱۷	۱۰۰	۱۰۰

وضعیت اشتغال

در بین پاسخگویان، ۲۸/۷ درصد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۱ سال، ۳۴/۱ درصد در گروه سنی ۲۲ تا ۲۵ سال و ۳۷/۱ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال قرار داشتند.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال

وضع فعالیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
شاغل	۲۵۰	۲۰/۵	۲۱/۵
بیکار جویای کار	۱۹۰	۱۵/۶	۱۶/۳
خانه دار	۲۵	۲	۲/۱
دانشجو یا محصل	۶۰۰	۴۹/۳	۵۱/۷
سرباز	۴۰	۳/۲	۳/۴
سایر	۵۵	۴/۵	۴/۷
بدون پاسخ	۵۷	۴/۶	-
جمع	۱۲۱۷	۱۰۰	۱۰۰

بیشتر پاسخگویان (۴۹/۳ درصد) دانشجو یا محصل بودند و پس از آن ۲۰/۵ درصد شاغل، ۱۵/۶ درصد بیکار یا جویای کار، ۲ درصد خانه دار و ۳/۲ درصد سرباز بودند.

درآمد ماهیانه

جدول ۶: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب درآمد ماهیانه

درآمد	فراوانی	درصد	درصد معتبر
زیر ۱ میلیون تومان	۹۱	۷/۴	۱۴/۷
۱ تا ۲/۵ میلیون تومان	۱۳۱	۱۰/۷	۲۱/۲
بین ۲/۵ تا ۵ میلیون تومان	۲۲۰	۱۸	۳۵/۶
بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان	۱۳۰	۱۰/۶	۲۱
بالای ۱۰ میلیون تومان	۴۵	۳/۶	۷/۲
بی پاسخ	۶۰۰	۴۹/۳	-
جمع	۱۲۱۷	۱۰۰	۱۰۰

بیشتر پاسخگویان (۴۹/۳ درصد) به این سوال پاسخی نداده‌اند که این با توجه به فرهنگ و سیاست کشور ما اقدامی معقولانه به نظر می‌رسد. در مجموع، ۷/۴ درصد پاسخگویان زیر یک میلیون تومان، ۱۰/۷ درصد بین ۱ تا ۲/۵ میلیون تومان، ۱۸ درصد بین ۲/۵ تا ۵ میلیون تومان، ۱۰/۶ درصد بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان و ۳/۶ درصد بالای ۱۰ میلیون تومان درآمد داشته‌اند.

سرمایه اجتماعی

جدول ۷، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف سرمایه اجتماعی است.

جدول ۷: توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف سرمایه اجتماعی

گویه‌های سرمایه اجتماعی	آماره	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین نمره
افراد خانواده و دوستان به من اعتماد لازم را دارند.	فراوانی	۷۳	۱۰۹	۱۵۸	۳۸۰	۴۷۸	۲/۱۸
	درصد	۶/۵	۹/۰	۱۳/۰	۳۱/۳	۳۹/۳	
این روزها به سختی می‌توان کسی را پیدا کرد که واقعاً بتوان به او اعتماد کرد.	فراوانی	۸۲	۱۷۰	۱۶۷	۳۸۰	۴۱۷	۲/۲۸
	درصد	۶/۸	۱۴/۰	۱۳/۸	۳۱/۳	۳۴/۳	
مردم در زندگی با یکدیگر صادقانه رفتار می‌کنند.	فراوانی	۱۰۱	۲۵۵	۱۸۸	۳۷۷	۲۹۵	۲/۵۸
	درصد	۸/۳	۲۱/۰	۱۵/۵	۳۱/۰	۲۴/۳	
مردم در روابط و معاملات به یکدیگر اعتماد دارند.	فراوانی	۱۰۰	۲۵۰	۱۹۰	۳۷۱	۲۸۹	۲/۵۸
	درصد	۸/۲	۲۰/۵	۱۵/۶	۳۰/۴	۲۳/۷	
اکثر اوقات احساس می‌کنم که دوستانم، با من صادق نیستند.	فراوانی	۱۹۴	۳۱۰	۱۵۸	۳۵۲	۱۸۸	۲/۹۷
	درصد	۱۶/۰	۲۵/۵	۱۳/۰	۲۹/۰	۱۵/۵	
چنانچه شما در زندگی به چیزی نیاز داشته باشید، مردم به شما کمک می‌کنند.	فراوانی	۵۸	۳۷۴	۱۸۶	۲۹۵	۲۸۵	۲/۶۹
	درصد	۴/۸	۳۰/۸	۱۵/۳	۲۴/۳	۲۳/۵	
اگر کسی در زندگی گرفتاری پیدا کرد، مردم او را حمایت می‌کنند.	فراوانی	۲۱۶	۳۵۰	۱۷۶	۲۰۶	۲۵۵	۲/۷۰
	درصد	۱۷/۸	۲۸/۸	۱۴/۵	۱۷/۰	۲۱/۰	
اگر با یک وضعیت اضطراری مانند مرگ یکی از خویشان خود مواجه شوم، همسایگان به من آرامش می‌دهند.	فراوانی	۱۶۷	۲۹۵	۱۷۶	۲۶۵	۲۷۹	۳/۰۵
	درصد	۱۳/۸	۲۴/۳	۱۴/۵	۲۱/۸	۲۳/۰	
تا چه حد علاقمند به مشارکت در انتخابات (ریاست جمهوری، مجلس و شوراهای...) هستید.	فراوانی	۲۴۳	۲۸۵	۲۷۱	۱۵۲	۲۵۹	۳/۰۹
	درصد	۲۰/۰	۲۳/۵	۲۲/۳	۱۲/۵	۲۱/۳	
تا چه حد در حل مسائل مربوط به خانواده، با والدین و سایر اعضای خانواده مشارکت دارید.	فراوانی	۱۰۱	۱۰۷	۱۷۴	۳۷۷	۴۶۰	۲/۱۹
	درصد	۸/۳	۸/۸	۱۴/۳	۳۱/۰	۳۷/۸	

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف سرمایه اجتماعی است. این طیف شامل ۱۰ گویه می‌باشد. جمع نمرات به دست آمده از این ۱۰ گویه، میزان سرمایه اجتماعی در حد پایینی را نشان می‌دهد. میانگین به دست آمده از کل گویه‌ها برابر (۲۶/۳۱) می‌باشد که با توجه به میانگین مورد انتظار (۳۰) نشان دهنده گرایش در حد پایین است. هر چه این میانگین کل بیشتر از عدد ۳۰ باشد، بیانگر گرایش موافق پاسخگویان با گویه‌ها می‌باشد.

نگرش مذهبی

جدول ۸، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف نگرش‌های مذهبی است.

جدول ۸: توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف نگرش‌های مذهبی

میانگین نمره	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	آماره	گویه‌ها نگرش‌های مذهبی
۳/۰۴	۲۰/۶	۲۱۹	۱۸۸	۳۲۸	۲۵۵	فراوانی	تا چه حد به اخبار مذهبی و رسانه‌ها و سایر مسائل مذهبی توجه دارید؟
	۱۷/۰	۱۸/۰	۱۵/۵	۲۷/۰	۲۱/۰	درصد	
۲/۶۹	۲۸۹	۲۴۳	۳۵۶	۲۰۰	۱۲۵	فراوانی	تا چه حد در طول هفته به مطالعه کتب، مجلات و روزنامه‌هایی که جنبه دینی بیشتری دارند، می‌پردازید؟
	۲۳/۸	۲۰/۰	۲۹/۳	۱۶/۵	۱۰/۳	درصد	
۳/۷۹	۹۷	۷۶	۲۴۷	۳۵۲	۷۷۰	فراوانی	به نظر شما تا چه حد دین نقش اساسی در زندگی انسان‌ها دارد؟
	۸/۰	۶/۳	۲۰/۳	۲۹/۰	۶۳/۳	درصد	
۳/۴۰	۱۵۵	۱۰۹	۳۱۰	۳۷۱	۲۶۵	فراوانی	تا چه حد استفاده از راهنمای‌ها و اندرزهای اشخاص مذهبی باعث سعادت انسان‌ها می‌شود؟
	۱۲/۸	۹/۰	۲۵/۵	۳۰/۵	۲۱/۸	درصد	
۳/۷۵	۱۰۹	۶۶	۲۳۱	۴۰۵	۴۰۵	فراوانی	تا چه حد اعتقاد دارید در راه اعتقاد دینی باید همه چیز، حتی جان را فدا کرد؟
	۹/۰	۵/۵	۱۹/۰	۳۳/۳	۳۳/۳	درصد	
۳/۵۴	۱۰۳	۱۲۷	۲۷۹	۲۸۳	۲۹۵	فراوانی	تا چه حد مسجد مکان مناسبی برای شکل‌گیری روابط خوب اجتماعی است؟
	۸/۵	۱۰/۵	۲۳/۰	۲۳/۳	۲۴/۳	درصد	
۳/۸۱	۷۶	۱۰۱	۲۴۳	۳۴۰	۴۴۷	فراوانی	تا چه حد دین برای فرد آرامشی دارد که هنگام غم، بدبختی و مصیبت بر فرد حاکم می‌شود؟
	۶/۳	۸/۳	۲۰/۰	۲۸/۰	۳۶/۸	درصد	
۳/۴۴	۹۷	۱۵۸	۳۱۳	۲۸۳	۲۴۹	فراوانی	شما تا چه حد تلاش می‌کنید که تمام رفتارهای زندگی‌تان را با دین خود همراه کنید؟
	۸/۰	۱۳/۰	۲۵/۸	۲۳/۳	۲۰/۵	درصد	
۳/۳۴	۱۸۶	۱۰۹	۲۵۵	۴۲۳	۲۳۴	فراوانی	تا چه حد می‌توان براساس آموزه‌های دینی تمام مسائل و مشکلات را حل کرد؟
	۱۵/۳	۹/۰	۲۱/۰	۳۴/۸	۱۹/۳	درصد	

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف نگرش‌های مذهبی است. این طیف شامل ۹ گویه می‌باشد. نمرات هر گویه بین ۱ تا ۵ رده بندی شده است که نمره ۱ نشان دهنده کمترین میزان گرایش مذهبی بین جوانان و نمره ۵ نشانگر بالاترین میزان گرایش مذهبی است. جمع نمرات ۹ گویه، نمره میزان گرایش مذهبی جوانان را نشان می‌دهد که بالقوه می‌تواند بین نمره ۹ (حداقل نمره) و نمره ۴۵ (حداکثر نمره) باشد. جمع نمرات به دست آمده از این ۹ گویه، میزان گرایش‌های مذهبی در حد بالا را نشان می‌دهد. میانگین به دست آمده از کل گویه‌ها برابر (۳۰/۹۷) می‌باشد که از میانگین مورد انتظار (۲۷) که نشان دهنده گرایش در حد متوسط است، بالاتر می‌باشد. هر چه این میانگین کل بیشتر از عدد ۲۷ باشد، بیانگر گرایش موافق پاسخگویان با گویه هاست.

گرایش به مهاجرت

جدول ۹، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف گرایش به مهاجرت است.

جدول ۹: توزیع پاسخگویان برحسب میزان گرایش به مهاجرت

گویه‌های گرایش به مهاجرت	آماره	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین نمره
مهاجران ایرانی در کشورهای دیگر با مشکلات زیادی مواجه نمی‌شوند.	فراوانی	۲۵۰	۳۵۱	۳۱۱	۱۵۵	۱۳۱	۳/۳۶
	درصد	۲۰/۵	۲۸/۸	۲۵/۵	۱۲/۷	۱۰/۷	
برای رفتن به غرب از کشور تمام تلاش خود را می‌کنم.	فراوانی	۳۵۱	۲۳۵	۳۰۱	۱۴۲	۱۷۱	۳/۳۷
	درصد	۲۸/۸	۱۹/۳	۲۴/۷	۱۱/۶	۱۴	
در صورت داشتن دوست و آشنایی در غرب، حتما به غرب می‌روم.	فراوانی	۳۶۱	۲۴۱	۲۹۰	۱۵۲	۱۵۷	۳/۴۱
	درصد	۲۹/۶	۱۹/۸	۲۳/۸	۱۲/۴	۱۲/۹	
رفتن به غرب از کشور باعث موفقیت بیشتری می‌شود.	فراوانی	۳۷۱	۲۵۱	۲۸۱	۱۲۱	۱۵۲	۳/۴۸
	درصد	۳۰/۴	۲۰/۶	۲۳	۹/۹	۱۲/۴	
علاقه زیادی برای مهاجرت به غرب دارم.	فراوانی	۳۹۱	۲۶۱	۲۸۵	۱۳۱	۱۲۱	۴/۲۸
	درصد	۳۲/۱	۲۱/۴	۲۳/۴	۱۰/۷	۹/۹	
در شرایط و امکانات برابر تمایل دارم در یک کشور غربی زندگی کنم.	فراوانی	۲۱۹	۲۳۱	۳۱۵	۲۱۱	۲۲۳	۳/۰۱
	درصد	۱۷/۹	۱۸/۹	۲۵/۸	۱۷/۳	۱۸/۳	
حتی اگر شغلی با درآمد بالایی داشته باشم، تمایل دارم به غرب مهاجرت نمایم	فراوانی	۱۷۴	۱۶۵	۳۱۲	۲۸۲	۲۵۱	۲/۷۷
	درصد	۱۴/۲	۱۳/۵	۲۵/۶	۲۳/۱	۲۰/۶	
در غرب، به پیشرفت‌های بیشتری (شغلی) دست خواهم یافت.	فراوانی	۲۷۱	۲۸۷	۳۱۱	۱۳۴	۱۵۲	۳/۳۳
	درصد	۲۲/۲	۲۳/۵	۲۵/۵	۱۱	۱۲/۴	

۳/۳۱	۱۵۶	۱۳۲	۳۱۵	۲۸۵	۲۶۹	فراوانی	در غرب، به پیشرفت های بیشتری (تحصیلی) دست خواهم یافت.
	۱۲/۸	۱۰/۸	۲۵/۸	۲۳/۴	۲۲/۱	درصد	
۲/۸۰	۲۸۶	۲۷۱	۴۲۱	۱۱۲	۱۱۴	فراوانی	حتی اگر خانواده ام با مهاجرت من به غرب مخالف باشند، من به غرب مهاجرت می نمایم.
	۲۳/۵	۲۲/۲	۳۴/۵	۹/۲	۹/۳	درصد	

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی گویه های مربوط به طیف گرایش به مهاجرت است. این طیف شامل ۱۰ گویه می باشد. نمرات هر گویه بین ۱ تا ۵ رده بندی شده است که نمره ۱ نشان دهنده کمترین میزان گرایش به مهاجرت بین جوانان است و نمره ۵ بالاترین میزان گرایش به مهاجرت را از هر گویه نشان می دهد. جمع نمرات ۱۰ گویه، نمره میزان گرایش به مهاجرت جوانان را نشان می دهد که بالقوه می تواند بین نمره ۱۰ (حداقل نمره) و نمره ۵۰ (حداکثر نمره) باشد. در صورتی که هر فرد برای همه گویه ها عبارت «تاحدودی» (متوسط) را علامت بزند، میانگین کل نمره او از این گویه ۳۰ به دست خواهد آمد. میانگین نمره به دست آمده ۴/۲۸ از ۵ است که نشان دهنده گرایش نسبتا زیاد در ارتباط با این گویه می باشد. جمع نمرات به دست آمده از این ۱۰ گویه، گرایش به مهاجرت در حد بالا را نشان می دهد. میانگین به دست آمده از کل گویه ها برابر (۳۶/۴۳) می باشد که از میانگین مورد انتظار (۳۰) که نشان دهنده گرایش در حد متوسط است، بالاتر می باشد. هر چه این میانگین کل بیشتر از عدد ۳۰ باشد، بیانگر گرایش موافق پاسخگویان با گویه هاست.

آرمان گرایی توسعه ای جوانان

جدول ۱۰، نشان دهنده توزیع فراوانی گویه های مربوط به طیف آرمان گرایی توسعه ای جوانان است.

جدول ۱۰: توزیع پاسخگویان برحسب آرمان گرایی توسعه ای جوانان

میانگین نمره	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	آماره	گویه های آرمان گرایی توسعه ای جوانان
۳/۲۹	۱۵۶	۱۶۲	۲۹۵	۲۶۱	۲۷۷	فراوانی	انسان با رفتن به غرب به تمام آرزوها و خواسته های خود می رسد.
	۱۲/۸	۱۳/۳	۲۴/۲	۲۱/۴	۲۲/۷	درصد	
۲/۹۱	۲۱۱	۲۴۱	۳۷۶	۱۹۵	۱۸۱	فراوانی	انسان غربی نسبت به انسان ایرانی مهربان تر هستند.
	۱۷/۳	۱۹/۸	۳۰/۸	۱۶	۱۴/۸	درصد	
۳/۲۷	۱۷۸	۱۵۲	۲۹۶	۲۸۱	۲۷۵	فراوانی	انسان ها در غرب بیشتر احساس خوشبختی می نمایند.
	۱۴/۶	۱۲/۴	۲۴/۳	۲۳	۲۲/۵	درصد	
۲/۸۵	۲۵۵	۲۲۱	۳۲۱	۱۸۴	۱۸۹	فراوانی	انسان در غرب بیشتر احتمال دارد به سعادت اخروی دست یابد.
	۲۰/۹	۱۸/۱	۲۶/۳	۱۵/۱	۱۵/۵	درصد	
۳/۱۱	۲۰۸	۱۷۶	۳۱۸	۱۹۶	۲۶۵	فراوانی	خودکشی در غرب کمتر از ایران است.
	۱۷	۱۴/۴	۲۶/۱	۱۶/۱	۲۱/۷	درصد	

۳/۰۲	۱۹۱	۱۸۷	۳۷۰	۲۱۱	۱۹۵	فراوانی	توجه به خانواده و فرزندان در غرب بیشتر از ایران است.
	۱۵/۶	۱۵/۳	۳۰/۴	۱۷/۳	۱۶	درصد	
۳/۱۲	۱۸۴	۲۰۹	۲۹۶	۲۳۸	۲۴۱	فراوانی	آرامش روانی افراد در کشورهای غربی بیشتر از ایران است.
	۱۵/۱۱	۱۷/۱۷	۲۴/۳	۱۹/۵	۱۹/۸	درصد	
۲/۷۸	۲۴۰	۲۶۱	۳۶۳	۱۵۷	۱۶۳	فراوانی	در غرب بیشتر می‌توان به افراد اعتماد کرد.
	۱۹/۷	۲۱/۴	۲۹/۸	۱۲/۹	۱۳/۳	درصد	
۳/۱۲	۱۸۵	۱۹۹	۲۸۹	۲۴۹	۲۳۱	فراوانی	روابط خانوادگی در کشورهای غربی مستحکم تر از ایران است.
	۱۵/۲	۱۶/۳	۲۳/۷	۲۰/۴	۱۸/۹	درصد	
۳/۳۰	۱۸۳	۱۶۲	۲۶۵	۳۰۱	۲۹۶	فراوانی	زندگی در داخل کشور، سخت تر از زندگی در غرب است.
	۱۵	۱۳/۳	۲۱/۷	۲۴/۷	۲۴/۳	درصد	
۳/۲۲	۱۶۵	۱۸۵	۳۲۱	۲۵۷	۲۶۱	فراوانی	احساس می‌کنم در غرب به عنوان یک ایرانی تحقیر نخواهم شد.
	۱۳/۵	۱۵/۲	۲۶/۳	۲۱/۱	۲۱/۴	درصد	
۳/۳۶	۱۵۷	۱۳۱	۲۹۹	۲۷۷	۲۹۷	فراوانی	امنیت در غرب بیشتر از ایران است.
	۱۲/۹	۱۰/۷	۲۳/۸	۲۲/۷	۲۴/۴	درصد	
۲/۹۶	۲۲۳	۲۳۰	۲۹۵	۲۱۱	۲۱۴	فراوانی	در غرب میزان فساد و بی بندوباری‌های اخلاقی بیشتر رواج دارد.
	۱۸/۳	۱۸/۸	۲۴/۲	۱۷/۳	۱۷/۵	درصد	

جدول فوق نشان دهنده توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف آرمان گرایی توسعه‌ای جوانان است. این طیف شامل ۱۳ گویه می‌باشد. نمرات هر گویه بین ۱ تا ۵ رده بندی شده است که نمره ۱ نشان دهنده کمترین میزان آرمان گرایی توسعه‌ای جوانان است و نمره ۵ بالاترین میزان آرمان گرایی توسعه‌ای جوانان را از هر گویه نشان می‌دهد. جمع نمرات ۱۳ گویه، نمره میزان آرمان گرایی توسعه‌ای جوانان را نشان می‌دهد که بالقوه می‌تواند بین نمره ۱۳ (حداقل نمره) و نمره ۶۵ (حداکثر نمره) باشد. در صورتی که هر فرد برای همه گویه‌ها عبارت «تأخوددی» (متوسط) را علامت بزند، میانگین کل نمره او از این گویه ۳۹ به دست خواهد آمد. میانگین نمره به دست آمده ۳/۲۹ از ۵ است که نشان دهنده گرایش نسبتاً زیاد در مورد این گویه می‌باشد. جمع نمرات به دست آمده از این ۱۳ گویه، میزان گرایش به مهاجرت در حد بالا را نشان می‌دهد. میانگین به دست آمده از کل گویه‌ها برابر (۴۰/۳۱) می‌باشد که از میانگین مورد انتظار (۳۹) که نشان دهنده گرایش در حد متوسط است، بالاتر می‌باشد. هر چه این میانگین کل بیشتر از عدد ۳۹ باشد، بیانگر گرایش موافق پاسخگویان با گویه هاست.

بررسی فرضیات پژوهش

آزمون فرضیات^۱ تحقیق با استفاده از دو تکنیک آماری، ضریب همبستگی پیرسون^۲ و تحلیل واریانس^۳ انجام گرفت. برای آزمون متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله ای^۴ قرار می گیرند با متغیر وابسته، که در سطح سنجش فاصله ای است، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و جهت آزمون فرضیه هایی که متغیرهای مستقل آنها در سطح سنجش اسمی یا ترتیبی قرار دارد، از آزمون T (برای مقایسه دو میانگین) و از آزمون F (برای مقایسه بیش از دو میانگین) استفاده شده است. تحلیل واریانس یک روش آماری است که به منظور بررسی تفاوت بین میانگین های متغیرهای اسمی و رتبه ای یا تفاوت بین میانگین های دو یا چند نمونه آماری به کار می رود که طی آن اثر یک متغیر مستقل (اسمی یا ترتیبی) بر روی متغیر وابسته (فاصله ای) مورد بررسی قرار می گیرد و به منظور آزمون فرضیه های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در این روش آماری، آزمون T و F بیانگر تفاوت بین میانگین ها می باشد.

ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و گرایش به مهاجرت

۴۲

جدول ۱۱: ضریب همبستگی گاما بین متغیرهای مستقل و گرایش به مهاجرت

ضریب همبستگی گاما	مقدار آزمون	اشتباه استاندارد	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۰٪ ۳۰٪ ۳۰٪ ۳۰٪ ۳۰٪	۰/۱۲۱	۰/۰۴۴	۲/۷۵۵	۰/۰۴
	۰/۰۹۲	۰/۰۳۳	۲/۶۵۵	۰/۰۳
	۰/۱۸۸	۰/۰۶۷	۲/۵۵۲	۰/۰۲
	۰/۲۱۱	۰/۰۴۱	۲/۵۵۴	۰/۰۱
	۰/۱۴۵	۰/۰۳۱	۲/۵۶۳	۰/۰۱
میزان تحصیلات	۰/۱۶۸	۰/۰۳۶	۲/۴۵۶	۰/۰۴

جدول ۱۱، ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق و گرایش به مهاجرت جوانان را نشان می دهد. نتایج به دست آمده از این جداول نشان دهنده رابطه بین متغیرهای مذکور با گرایش به مهاجرت جوانان می باشد. آمارهای جدول نشان می دهد که بین تمام متغیرهای مستقل وارد شده در آزمون و گرایش به مهاجرت جوانان ارتباط معنی داری وجود دارد.

1. Hypothesis Test
2. Pearson Correlation
3. Analysis of Variance(ANOVA)
4. Interval

گرایش به مهاجرت و جنسیت

جدول ۱۲: آزمون تفاوت میانگین نمره پاسخگویان بر اساس گرایش به مهاجرت و جنسیت

جنس	تعداد	میانگین نمره گرایش به مهاجرت	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
زن	۶۱۷	۸۰/۲۵	۱۶/۲۹	-۱۴/۷۹	۰/۰۰۰
مرد	۶۰۰	۹۷/۹۲	۱۶/۶۹		

جدول ۱۲، میانگین نمره گرایش به مهاجرت را بر اساس جنسیت پاسخگویان نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، میانگین نمره گرایش در بین زنان و مردان دارای تفاوت معناداری است؛ به عبارت دیگر، گرایش به مهاجرت بر حسب اینکه جنسیت افراد مرد باشد یا زن، متفاوت است.

گرایش به مهاجرت و نوع فعالیت

جدول ۱۳: آزمون تفاوت میانگین بین گرایش به مهاجرت و نوع فعالیت

شهر	نوع فعالیت	تعداد	میانگین نمره گرایش به مهاجرت	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
کل	غیرفعال		۹۷/۸۲	۱۵/۴۹	۱۸/۲۷	۰/۰۰۰
	فعال		۷۶/۵۷	۱۵/۸۴		

جدول ۱۳، نمره گرایش به مهاجرت افراد را بر اساس نوع فعالیت آنها نشان می‌دهد. درمورد کل افراد نمونه، میانگین نمره گرایش به مهاجرت در بین افراد غیر فعال بیشتر از میانگین نمره افراد فعال می‌باشد. به عبارت دیگر، گرایش به مهاجرت بر حسب اینکه افراد فعال باشند یا غیرفعال، متفاوت است.

گرایش به مهاجرت و وضعیت تأهل

جدول ۱۴: آزمون تحلیل واریانس بین گرایش به مهاجرت و وضعیت تأهل

شهر	وضعیت تأهل	تعداد	Df	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
کل	مجرد	۷۵۰	۲	۲۴۵۶/۵۵	۷/۱۳	۰/۰۰۱
	متأهل	۳۹۰				
	مطلقه					

جدول ۱۴، نمره گرایش به مهاجرت افراد را بر اساس وضعیت تأهل آنها نشان می‌دهد - بر اساس آمار توصیفی، مجردها بیشتر از افراد متأهل و مطلقه گرایش به مهاجرت داشته‌اند.

نتایج استنباطی تحلیل مدل‌های چند متغیره پژوهش

تحلیل رگرسیونی چند متغیره

مدل رگرسیون گرایش به مهاجرت جوانان، با توجه به نتایج حاصله از این آنالیز، حکایت از این مطلب

دارد که تحلیل رگرسیون تا ۹ گام پیش رفته است. در گام اول متغیر آرمان گرایی توسعه ای وارد معادله شده است که میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۵۵ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۰۹$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۳۰۷$ به دست آمده است. در گام دوم با وارد شدن دومین متغیر یعنی سرمایه اجتماعی میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۶۳۲ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۳۹۹$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۳۹۵$ به دست آمده است. در گام سوم با وارد شدن سومین متغیر یعنی میزان تحصیلات میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۶۵۵ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۲۸$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۴۲۳$ به دست آمده است. در گام چهارم با وارد شدن چهارمین متغیر یعنی گرایش مذهبی میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۷۷۱ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۵۱$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۴۴۳$ به دست آمده است. در گام پنجم با وارد شدن پنجمین متغیر یعنی جنسیت میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۶۸۵ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۶۹$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۴۶۰$ به دست آمده است. در گام ششم با وارد شدن ششمین متغیر یعنی میزان سن میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۶۹۲ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۷۸$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۴۶۸$ به دست آمده است. در گام هفتم با وارد شدن هفتمین متغیر یعنی وضعیت تاهل میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۷۰۱ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۹۱$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۴۷۹$ به دست آمده است. در گام هشتم با وارد شدن هشتمین متغیر یعنی وضع فعالیت میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۷۰۶ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۹۹$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۴۸۵$ به دست آمده است. در گام نهم با وارد شدن نهمین متغیر یعنی میزان وضعیت اقتصادی میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته ۰/۷۱۱ به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۵۰۵$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $R^2_{Ad} = ۰/۴۹۰$ به دست آمده است.

جدول ۱۵: آماره های تحلیل رگرسیون چند متغیره گرایش به مهاجرت جوانان

۰/۷۱۱	ضریب همبستگی چندگانه (MULTIPLE R)
۰/۵۰۵	ضریب تبیین (R Square)
۰/۴۹۰	ضریب تبیین تصحیح شده (Adjusted R.Square)
۸/۲۵	اشتباه معیار (Standard Error)
۱/۹۹	آزمون دوربین-واتسون
۰/۳۲۳	معنی داری آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

جدول ۱۶: آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی (گرایش به مهاجرت)

متغیرهایی که در مدل باقی ماندند						
نام متغیر	B	Std. Error	Beta	t	Sig t	VIF
آرمان گرایی توسعه‌ای	۰/۸۵۷	۰/۰۸۶	۰/۴۴۲	۹/۹۱۴	۰/۰۰۰	۱/۱۹۰
سرمایه اجتماعی	۰/۲۸۱	۰/۰۸۵	۰-/۱۸۳	۳/۳۲۶	۰/۰۰۱	۱/۸۰۴
میزان تحصیلات	۰/۱۲۵	۰/۰۵۰	۰/۱۵۳	۲/۵۱۸	۰/۰۱۲	۲/۲۰۶
گرایش مذهبی	۰/۵۴۷	۰/۱۵۲	۰-/۱۹۸	۳/۶۱۱	۰/۰۰۰	۱/۷۹۳
جنس	۲/۷۰۵	۰/۹۷۵	۰/۱۱۷	۲/۷۷۴	۰/۰۰۶	۱/۰۶۲
سن	-۱/۳۹۴	۰/۴۱۲	۰-/۱۸۸	-۳/۳۸۷	۰/۰۰۱	۱/۸۴۱
وضعیت تاهل	۳/۱۰۱	۱/۱۱۲	۰/۱۳۲	۲/۷۸۷	۰/۰۰۶	۱/۳۴۷
وضع فعالیت	۱/۱۲۳	۰/۴۹۱	۰/۰۹۸	۲/۲۸۹	۰/۰۲۳	۱/۱۰۷
وضعیت اقتصادی	۸/۰۵۱	۰/۰۰۰	۰/۱۰۱	۲/۰۱۰	۰/۰۴۵	۱/۵۰۳
متغیرهایی که از مدل نهایی حذف شده‌اند						
نام متغیر	B	Std. Error	Beta	t	Sig t	VIF
قومیت	-۰/۰۲۳	۱/۱۳۵	۰/۰۶۲	-۰/۵۵۸	۰/۵۷۷	۱/۰۴۴

معادله رگرسیون چند متغیره در تحقیق حاضر به این صورت می‌باشد:

گرایش به مهاجرت = $۰/۴۴$ (آرمانگرایی توسعه‌ای) + $۰/۱۸$ (سرمایه اجتماعی) + $۰/۱۹۸$ (گرایش مذهبی) +

$۰/۱۵۳$ (میزان تحصیلات) + $۰/۱۱۷$ (جنسیت) + $۰/۱۸۸$ (سن) + $۰/۱۳۲$ (وضعیت تاهل) + $۰/۱۰۱$ (وضعیت اقتصادی) + $۰/۰۹۸$ (وضع فعالیت) + e_i

تحلیل مسیر

حال برای رسم دیاگرام مسیر، باید اولین متغیر وابسته را در سمت چپ قرار داد و سپس به ترتیب اولویت، متغیرهای وابسته‌ی دیگر را در سمت چپ آن گذاشت تا در نهایت به متغیرهای مستقل یعنی به متغیرهای بیرونی برسیم. طبیعی است که در رسم دیاگرام، مقدار هر بتا را بر روی پیکان مربوطه می‌نویسند. برای انجام تحلیل مسیر، ابتدا بین متغیرهای وابسته (گرایش به مهاجرت) و متغیرهای مستقل رگرسیون می‌گیریم.

اکنون نمودار را رسم می‌کنم تا به اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل و وابسته پی ببریم:

آرمان گرایی توسعه‌ای و کمترین اثر علی مستقیم مربوط به وضعیت اقتصادی می‌باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

در یک جمع بندی علمی از نتایج پرسشنامه باز و مصاحبه‌های این تحقیق مهم ترین عوامل و متغیرهای دخیل در پدیده مهاجرت در ایران عبارت اند از:

۱. مشکلات و دغدغه‌های اقتصادی؛
۲. افت اعتبار اجتماعی علم و پژوهش در جامعه؛
۳. عدم حفظ منزلت اجتماعی؛
۴. کم توجهی به استعدادها در رخشان و آینده آنها؛
۵. عدم ارتباط منطقی و صحیح بین دانشگاه و بخش صنعت؛
۶. ضعف بخش خصوصی؛
۷. عدم وجود سیستم کارایی و بانک اطلاعاتی پیرامون متخصصان ایرانی؛
۸. سیاست زدگی در امور علمی؛
۹. مقررات مربوط به قانون نظام وظیفه؛
۱۰. مقررات مربوط به گزینش در استخدام و طولانی بودن مراحل آن؛
۱۱. فقدان برنامه ریزی صحیح و منطقی و سوء مدیریت؛
۱۲. عوامل روان شناختی و احساس محرومیت نسبی؛
۱۳. وجود جاذبه‌های مادی - رفاهی شایان توجه در کشورهای توسعه یافته و تبلیغات در این زمینه؛
۱۴. حاکمیت روابط بر ضوابط و خویشاوند و باندسالاری؛
۱۵. دلبستگی فکری و فرهنگی به خارج، کاهش احساس علاقه به میهن و الگوسازی و الگوپذیری از خارج؛
۱۶. کمبود ظرفیت‌های تحقیقاتی؛
۱۷. ناپایدار بودن مقررات و قوانین و عدم ثبات تصمیمات مسئولان؛
۱۸. کمبود امکانات مناسب علمی و تحقیقاتی کشور؛
۱۹. فقدان نظام بهره گیری از توان علمی و تحقیقاتی متخصصان؛
۲۰. عدم مصرف بهینه بودجه‌های تحقیقاتی در عین ناکافی بودن؛
۲۱. عدم تناسب و توجه منطقی بین درآمدهای مشاغل در داخل کشور؛
۲۲. عدم تناسب بین فارغ التحصیلان آموزش عالی با فرصت‌های شغلی در کنار عدم انطباق تخصص و توان فارغ التحصیلان با نیازهای کشور؛
۲۳. کاهش انگیزه و تعهد برای خدمت به مردم به عنوان وظیفه دینی و ملی؛
۲۴. عدم استراتژی و برنامه برای جذب نخبگان علمی جوان در سطح ملی.

در نتیجه گیری کمی، پدیده مهاجرت از مهمترین مسائلی است که کشورها با آن مواجه می‌باشند و این تحقیق نشان می‌دهد چگونه آرمان گرایی و اتوپیایی فکر کردن جوانان نسبت به غرب باعث می‌شود آنها دست به مهاجرت بزنند. این تحقیق گویای آن است که بین میزان تحصیلات، سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت اقتصادی، وضعیت فعالیت، سرمایه اجتماعی، گرایش مذهبی و آرمان گرایی توسعه‌ای و گرایش به مهاجرت

رابطه وجود دارد که معادله رگرسیون چند متغیره در تحقیق حاضر به این صورت می باشد:

$$\text{گرایش به مهاجرت} = 0.44 + (\text{آرمانگرایی توسعه ای}) + 0.18 (\text{سرمایه اجتماعی}) + 0.198 (\text{گرایش مذهبی}) + 0.153 (\text{میزان تحصیلات}) + 0.117 (\text{جنسیت}) + 0.188 (\text{سن}) + 0.132 (\text{وضعیت تاهل}) + 0.101 (\text{وضعیت اقتصادی}) + 0.098 (\text{وضع فعالیت}) + e_i$$

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به یافته های پژوهش پیشنهاد می گردد:

۱. بالا بردن سطح دستمزد برای کادر علمی و فنی؛
۲. توسعه و ایجاد موقعیت های لازم جهت کار متخصصان؛
۳. توزیع درآمد داخلی با انتخاب سیاست های عقلایی؛
۴. افزایش کمک به حصول نوآوری؛
۵. تنظیم آیین نامه مربوط به شکل دستمزدها و تجدید نظر در نظام پرداخت ها؛
۶. رفع تبعیض و تعصب؛
۷. اطلاع نخبگان از اینکه نظام مدیریت خواهان ماندن آنهاست؛
۸. تسامح فرهنگی؛
۹. حمایت هرچه بیشتر از جوانان با استعداد به ویژه اقشار کم درآمد؛
۱۰. بالا بردن جایگاه علوم در کشور؛
۱۱. افزایش بودجه سرمایه گذاری در بخش علوم و تحقیقات؛
۱۲. تنظیم سیاست آموزشی در جهت جذب بیشتر دانش آموختگان به بازار کار؛
۱۳. تشکیل مراکز تحقیق و مطالعه در رشته های مختلف علوم و فنون و عمومیت دادن به آنها و تشویق کسانی که در این مراکز موفقیت هایی به دست می آورند و شرکت دادن بیشتر مهندسان و دانشمندان در اداره کارخانجات و تأسیسات صنعتی و برانگیختن منافع آنها در این کارکرد کمک مالی به این مؤسسات برای استخدام طبقه تحصیل کرده؛
۱۴. تأسیس یک مرکز کارایی فارغ التحصیلان در ایران برای یافتن شغل مناسب متناسب با رشته تخصصی و علائق خود؛
۱۵. رعایت شایسته گزینی و نخبه گزینی در انتصاب مدیران آموزشی و تحقیقاتی؛
۱۶. تأمین امکانات ابتدایی و تجهیزات علمی و تحقیقاتی برای مراکز پژوهشی از قبیل نشریات و کتاب و کامپیوتر و اتصال اینترنت که اگرچه منابع زیادی نمی طلبد، اما فقدان آنها تأثیرات بسیار منفی در دلگرمی و ادامه کار نخبگان خواهد داشت؛
۱۷. جلوگیری از سیاسی شدن بیش از حد محیط های علمی و ایجاد تشنج در آنها؛
۱۸. گسترش کیفی دوره های دکترا و فراهم ساختن امکان اعزام بورسیه از میان استعداد های درخشان دانشجویان دکترا و فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد بدون بهره گیری از روابط شخصی یا جناحی؛
۱۹. تقویت جاذبه های اجتماعی و شغلی در کشور و کاهش دافعه های موجود از طریق فعالیت های فرهنگی،

ایجاد زیرساخت‌ها و تدوین قوانین حمایتی؛

۲۰. بسترسازی برای فعالیت نخبگان؛

۲۱. کاهش بوروکراسی در نهادهای علمی و صنعتی کشور و توسعه و نهادینه سازی نظام مدیریت مشارکتی؛

۲۲. حفظ حریم دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و جلوگیری از دخالت غیرمسئولانه عوامل بیرون در فرایند

فعالیت‌های جاری علمی این نهادها و تلاش برای ایفای حقوق اساسی آنان؛

۲۳. تشکیل و توسعه بانک اطلاعات متخصصان ایرانی؛

۲۴. نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی و اطلاع رسانی دانشگاه‌ها متناسب با تخصص‌ها و

کارآمدی و شأن اعضای هیأت علمی و پژوهشگران هماهنگ با تحولات علمی؛

۲۵. حل مشکلات مربوط به ادامه تحصیل و خدمت وظیفه عمومی فرزندان دانشجوی و دانش آموز متخصصان

ایرانی که خواستار بازگشت به میهن هستند؛

۲۶. تقویت و گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛

۲۷. اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی به منظور تقویت هویت اسلامی و ایرانی؛

۲۸. جهت گیری برنامه‌های فرهنگی به سوی تقویت خودباوری و اعتماد به نفس در دانشجویان و التزام به

ارزش‌ها و هویت اسلامی و ایرانی؛

۲۹. اصلاح نظام آموزش مدارس مبتنی بر تقویت خودباوری، احساس تعلق به هویت ملی و اسلامی و

شناخت موازین فکری و فرهنگی؛

۳۰. مرتبط نمودن هر چه بیشتر رشته‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار؛

۳۱. سامان دادن شرایط داخلی و ایجاد فرصت‌های مساوی برای شهروندان؛

۳۲. ایجاد توازن بین ارشدیت سازمان و ارشدیت حرفه‌ای و توان تخصصی در نظام اداری کشور (نظام ارتقای

حرفه ای) و تحول در ساختار نظام علمی و اجرایی کشور متناسب با آن؛

۳۳. تقویت حس وطن دوستی توسط رسانه‌های جمعی و معرفی موارث فرهنگ ایرانی و اسلامی به مردم؛

۳۴. ارتقای سطح تخصصی کادرهای اداری در مراکز علمی؛

۳۵. رسیدگی به مسائل خاص استعدادهای درخشان و سرمایه گذاری در این زمینه؛

۳۶. تحقق نظام شایسته سالاری؛

۳۷. بومی کردن نظام آموزشی؛

۳۸. کاهش مشکلات کارهای اداری و کاغذبازی در تمام سطوح به ویژه در مراکز پژوهشی و دادن امکانات

پژوهشی مشخص و مستقل به جوانان علاقه مند؛

۳۹. اقدام لازم برای کاهش فاصله بین شهرهای کوچک و بزرگ و روستاهای کشور به منظور جلوگیری از

تمرکز متخصصان و افراد ماهر در دو یا چند شهر و در پایتخت؛

۴۰. شرکت دادن بیشتر مهندسان و دانشمندان در اداره کارخانجات و تأسیسات صنعتی و کمک مالی از طرف

دولت به این مؤسسات برای استخدام طبقه تحصیل کرده؛

۴۱. ایجاد مراکزی از جانب بخش خصوصی با همکاری بخش دولتی به منظور استخدام قطعی فارغ التحصیلان

و متخصصان به ویژه در رشته هایی که کمبود در آنها احساس و یا پیش بینی می شود.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ عزیز احمدی، محمد و عنبری، موسی. (۱۳۹۴). «توسعه به مثابه سلطه؛ کاوشی در آرای ادوراد سعید». دوفصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه. سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳
- ایراندوست، کیومرث؛ بوچانی، محمد حسین و تولایی، روح الله. (۱۳۹۲). «تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تاکید بر مهاجرت های شهری». فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری. شماره ششم، بهار ۱۳۹۲
- بیبی، ازل. (۱۳۸۱). روش های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری- عملی). رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت
- بیکر، ترزال. (۱۳۸۱). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییبی. تهران: سروش
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴). طراحی پژوهش های اجتماعی. حسن چاوشیان. تهران: نشرنی
- پژوهشکده مطالعات فناوری. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی وضعیت کشور در مهاجرت و جابجایی بین المللی افراد تحصیلکرده. تهران: پژوهشکده مطالعات فناوری
- پورحدادیان. (۱۳۹۵). «حق بر مهاجرت به سرزمین امن و تعهد دولت ها به همکاری بین المللی». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفت.
- جانعلی زاده، حیدر؛ علوردی نیا، اکبر و پورقاضی، شیوا. (۱۳۹۳). «بررسی جامعه شناختی تمایل به برون کوچی نخبگان علمی». راهبرد فرهنگ. شماره بیست و پنجم
- حکیم زاده، رضوان؛ طلایی، ابراهیم و جوانک، ماندانا. (۱۳۹۲). «تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور در دانشجویان دانشگاه تهران». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۶۹، ۱۳۹۲، صص ۸۱-۱۰۲
- دواس، دی ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی
- زرقانی، سید هادی؛ سجاسی قیداری، حمدالله و موسوی، سیده زهرا. (۱۳۹۵). درآمدی بر مهاجرت و امنیت. تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران
- زرقانی، سید هادی؛ حسینی، سید مصطفی؛ قنبری، محمد و قیاسی، محمد حسین. (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل الگوی مهاجرت در استان خراسان رضوی». فصلنامه علمی ترویجی مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان. سال ۱۱، ش ۲.
- زنجان، حبیب اله. (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: سمت
- سرایی، محمد حسین؛ حسینی، سید مصطفی و قنبری، محمد. (۱۳۹۴). «برنامه ریزی و مدیریت اتباع خارجی در ایران با تاکید بر مهاجرین افغانستانی استان خراسان رضوی». مشهد: پویا اندیش
- سلیمانی، حنظل و عرب یارمحمدی، جواد. (۱۳۹۷). گرمای مفرط و مهاجرت. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی
- عبدالله پور، شهین. (۱۳۹۵). «نقش مهاجرت در شکل گیری سرمایه انسانی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران)». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اقتصادی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- عطار، سعید. (۱۳۹۳). «تمایز بخشی حوزه های تحلیلی توسعه: هفت حوزه تحلیلی در پاسخ به چرایی

- توسعه یافتگی کشورها». فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی). دوره ۴۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صص: ۵۲۷-۵۴۶
- غفوری، علی و اکبری، حمید. (۱۳۷۸). «مهاجرت نخبگان تاثیرات، علل و راهکارها». مجله طب ترکیه. شماره ۳۵، تهران.
- کستلز، استفن و میلر، مارک جی. (۱۳۹۶). عصر مهاجرت، جابجایی بین المللی جمعیت در دنیای مدرن. علی طایفی. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- کوهی، کمال؛ بهشتی، محمد باقر؛ دعاگویان، داود و محمد نژاد، شمسی. (۱۳۹۲). «تبیین مولفه های امنیتی موثر بر گرایش سرمایه گذاران به مهاجرت». پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال دوم، شماره پیاپی ۶، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۹۹-۱۱۶.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت. چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید
- متقی، سمیرا. (۱۳۹۴). «تأثیر عوامل اقتصادی بر مهاجرت در ایران؛ تأکید بر شاخص های درآمد و بیکاری». فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان. سال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۶۳-۷۴.
- مشرف جوادی، محمد حسین. (۱۳۸۲). «فرار مغزها». ماهنامه علمی-آموزشی تدبیر. شماره ۱۳۲. سال چهاردهم.
- میرزا مصطفی، سید مهدی و قاسمی، پروانه. (۱۳۹۲). «عوامل موثر بر مهاجرت استانی با استفاده از مدل جاذبه». فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی. سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صفحات ۷۱-۹۶
- موسوی راد، سید حامد و قدسیان، حسین. (۱۳۹۴). «تحلیل مهاجرت نخبگان و تاثیر سیاست های بازدارنده با استفاده از پویایی های سیستم». پژوهش های مدیریت راهبردی. سال بیست و یکم، شماره ۵۹.
- موگرچی، شکر. (۱۳۹۱). مهاجرت و تباهی شهری. عبدالله سالاروند و فرهنگ ارشاد. تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری
- والرشتاین، ایمانوئل. (۱۳۷۷). سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی ژئوپولوتیک و ژئوکالچر. پیروز ایزدی. تهران: نشر نی
- وحیدی، پریدخت. (۱۳۶۴). مهاجرت های بین المللی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مرکز اسناد و مدارک
- وثوقی، منصور و حجتی، مجید. (۱۳۹۱). «مهاجرت بین الملل، مشارکت کنندگان در توسعه زادگاهی». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال چهارم، شماره دوم.
- نظری، ساره. (۱۳۹۵). «تبیین تمایل به مهاجرت در زنان دانشجوی ایرانی به خارج از کشور». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.
- Portes, Alejandro, Fernandez-Kelly, Patricia and Haller, William. (2009). "The Adaptation of the Immigrant Second Generation in America: A Theoretical Overview and Recent Evidence". Journal of Ethnic and Migration Studies, Vol. 75, No. 3, pp. 1033-1104.
- Thorenton, Arland. (2005). "Reading History Sideways: The Fallacy and Endur-

ing Impact of the Developmental Paradigm on Family Life". Population Studies Center, Chicago: University of Chicago Press.

- Vajner C., Martina & Giuseppe, Sciertino. (2010). **"Theorizing Irregular Migration: The Control of Spatial Mobility in Differentiated Societies"**. European Journal of Social Theory, Vol. 17, No. 7, pp. 789-404
- McAusland, C. & Kuhn, P. (2010). **"Bidding for Brains: Intellectual Property Rights and the International Migration of Knowledge Workers"**. IZA Discussion Papers. NO. 4936.
- Wallerstein, I. (1967). **Africa, the Politics of Independence: An Interpretation of Modern African History: The Politics of Unity An Analysis of a Contemporary Social Movement**. New York: Academic Press

اکولوژی شهری و گرایش جوانان مهاجر فصلی به جرم در شهر تهران

قباد کاظمی^۱
ستار پروین^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

هدف این مقاله، بررسی تأثیرات منفی اکولوژیک (بوم شناختی) مهاجرت و شهرنشینی بر گرایش جوانان (کارگران مهاجر فصلی) به جرم و رفتارهای پرخطر در شهر تهران می‌باشد. فرض کلی مقاله این است که عوامل بوم شناختی شهری بر گرایش کارگران مهاجر فصلی جوان به رفتارهای مجرمانه و پرخطر اثرگذار می‌باشد. چارچوب نظری تحقق، نظریه اکولوژی شهری است که بر پیامدهای منفی شهرنشینی تأکید دارد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران است که داده‌های تحقیق از طریق روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و از طریق نمونه گیری غیراحتمالی در دسترس گردآوری شده است. حجم نمونه برابر با ۳۸۱ نفر می‌باشد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار **spss** مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میزان شیوع استعمال سیگار و قلیان و اعتیاد به مواد مخدر در بین کارگران فصلی دارای بیشترین فراوانی است. بر اساس نتایج تحقیق، هم‌نشینی افتراقی و از خود بیگانگی اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۶۷۶ و ۰/۵۹۳ دارای قوی‌ترین رابطه معنادار با میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی می‌باشد. همچنین نتایج رگرسیونی تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق، ۰/۶۲ درصد از واریانس و تغییرات متغیر وابسته یعنی گرایش کارگران مهاجر فصلی به جرم و رفتارهای پرخطر را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، جرم، رفتارهای پرخطر، اکولوژی شهری، شهرنشینی و جوانان

۱- استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
E-mail: Sparvin1359@gmail.com (نویسنده مسئول)
۲- استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

مهاجرت فقط یک مفهوم جمعیت شناختی نیست، بلکه ملاحظات اقتصادی، جغرافیایی، جامعه شناختی، فرهنگی و حتی حقوقی و روان شناختی در عینیت یافتن این مفهوم، جایگاه مهمی دارند (ارشاد و مینا، ۱۳۸۷). مهاجرت همواره همراه و همزاد بشر بوده است و انسان‌ها از گذشته‌های دور تاکنون همواره خواسته یا ناخواسته بنا به دلایل مختلفی مانند ناامنی، جنگ، قحطی، تأمین معاش و ... دست به مهاجرت زده‌اند.

از قرن هجدهم دو پدیده دیگر یعنی شهرنشینی و صنعتی شدن با این پدیده تلاقی پیدا کرد. همزمان با این دوران، شهرها به مکان‌های جذب نیروی کار مبدل شدند و افراد زیادی از روستاها و شهرهای کوچک به سمت شهرهای بزرگ جهت جستجوی کار و بهبود وضعیت زندگی خود روانه شدند. با ورود مهاجران و تغییرات جمعیتی در بسیاری از شهرها، مسائل اجتماعی عدیده‌ای ظهور کردند. با وجود آن که این سه پدیده به خودی خود می‌توانند شرایط مناسبی را برای بهبود کیفیت زندگی گروه‌های انسانی فراهم سازند، ولی می‌توانند مسائل و مشکلات عدیده‌ای را برای مهاجران و جمعیت ساکن شهرها بوجود آورند. نمود این مسئله در شهرهای واقع در کشورهای در حال توسعه بیشتر است.

در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت از مناطق روستایی با وجود بیکاری در مناطق شهری اتفاق می‌افتد. این مسئله به این دلیل است که در کشورهای در حال توسعه، افراد بر اساس درآمد مورد انتظار^۱ و نه درآمد واقعی^۲ و همچنین به خاطر فقر روستایی بسیار زیاد، مهاجرت می‌کنند. این موضوع "شانس زندگی"^۳ است. مهاجرت از روستاها به شهرها در کشورهای در حال توسعه اغلب به عنوان مسئله یاد می‌شود. فقر در مناطق روستایی و فاقد توسعه، منجر به هجوم سریع و ناهماهنگ به شهرهای بزرگ می‌شود که افزایش فقر شهری و مناطق فقیرنشین^۴ را به دنبال دارد (گوتدینر و بود، ۲۰۰۵: ۶۴).

در چند دهه گذشته شهر تهران، همواره با چالش‌های گروه‌های مهاجر و پیامدهای آن رو به رو بوده است. آمارهای جمعیتی نیز این مدعا را تایید می‌کنند. بر اساس آمارهای سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، جستجوی کار و تحصیل از عمده‌ترین دلایل مهاجرت‌های داخلی در کشور می‌باشد (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰). بر اساس این آمارها، استان‌های تهران، خراسان رضوی و اصفهان بیشترین سهم و استان‌های ایلام، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد کمترین سهم از مهاجران وارد شده را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی خالص مهاجرت نشان می‌دهد که از نظر کمی، مهاجرپذیرترین استان‌ها عبارت اند از: البرز، تهران، اصفهان و گیلان به ترتیب با ۱۱۷، ۸۶، ۸۱ و ۴۲ هزار نفر و استان‌های خوزستان، کرمانشاه و لرستان مهاجر فرست ترین استان‌های کشور بوده‌اند (طیفوری و دیگران، ۱۳۹۲).

جرم و امنیت اجتماعی، دو پدیده در هم تنیده و دوسویه هستند؛ به این معنا که وجود جرم حکایت از نبود امنیت اجتماعی در ابعاد ذهنی و عینی آن دارد و از سوی دیگر، وجود ناامنی خود می‌تواند زمینه ساز بروز جرم باشد. احساس امنیت یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی ساکنان شهرها می‌باشد و آسیب‌های اجتماعی و بروز انواع جرائم از مهمترین پیامدهای عدم احساس امنیت به شمار می‌آید. بخشی از بروز ناامنی با شرایط

1. expected income
2. actual income
3. life lottery
4. slums

بوم شناختی شهرها و تغییرات و تحولاتی ناشی از مسائلی چون مهاجرت پیوند دارد. کارگران مهاجر فصلی، یکی از گروه هایی هستند که در چند دهه گذشته بیشتر برای یافتن شغل مناسب و امرار معاش به شهر تهران مهاجرت کرده اند. مطالعات داخلی و خارجی نشان می دهد که این گروه های مهاجر شهری با انواع آسیب های اجتماعی، رفتارهای پرخطر و گاهی جرائم شهری مواجه اند. پژوهش ها نشان می دهد که این گروه های مهاجر با مسائلی مانند گرایش به رفتارهای پرخطر (پروین و علی بابایی، ۱۳۹۲)، رفتارهای پرخطر جنسی (علالدینی و همکاران، ۱۳۸۹، هو و دیگران، ۲۰۰۶، لین و دیگران، ۲۰۰۵ و گرفت نی - آمودودو، ۲۰۱۰)، گرایش به مواد مخدر، مصرف الکل و سیگار (یانگ و دیگران، ۲۰۰۹، چن و دیگران، ۲۰۰۴، جیراپراموکیپتاک، ۲۰۰۸)، اثرات منفی بر زندگی خانواده گی (صادقی فسایی، ۱۳۸۵ و مارتین ۱۹۹۵)، رفتارهای مجرمانه (پور احمد و کلانتری، ۱۳۸۰، شوکای، ۲۰۰۰ و هرزوغ، ۲۰۰۹)، احساس تبعیض و طرد اجتماعی (ون و وانگ، ۲۰۰۹ و ونگ و دیگران، ۲۰۰۷) و مواردی از این قبیل، دست و پنجه نرم می کنند. امروزه، بخشی مهمی از جرائم در شهر تهران توسط افرادی صورت می گیرد که از سایر استان های کشور در سالیان گذشته به این کلانشهر مهاجرت کرده اند و با خود مسائل عدیده ای از جمله ناامنی و عدم احساس امنیت را آورده اند. موضوع جرم و مهاجرت به ویژه در میان کارگران مهاجر فصلی - به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر شهری و به حاشیه رانده شده - کمتر مورد توجه مطالعات علمی قرار گرفته است. از این رو، مطالعه حاضر به بررسی اثرات منفی اکولوژیک شهرنشینی و مهاجرت موقت بر گرایش کارگران مهاجر فصلی جوان به آسیب های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در شهر تهران می پردازد.

پرسش اصلی مقاله این است که کارگران مهاجر فصلی پس از مهاجر به تهران چگونه تحت تاثیر اثرات بوم شناختی شهر تهران قرار می گیرند و این تاثیر چگونه سبب می شود تا آنها به سمت جرم و رفتارهای پرخطر گرایش پیدا کنند؟

پیشینه پژوهش

گری^۱ در ۱۸۲۳ جزو اولین اندیشمندانی است که مسئله جرم را با عواملی مانند فقر و تراکم جمعیت شهری مرتبط کرده است. شهر همواره در ارتباط با مسئله جرم مورد توجه بوده است و در این خصوص این تبیین عام وجود دارد که مواردی مانند تراکم و گمنامی، مهاجرت و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی در روابط شهر، موجد جرم است (ماکسیم و وایت هد، ۱۹۹۸: ۱۶۵).

کلاس و دوسردوت^۳ در مقاله ای با عنوان «چرا جرائم در شهرها بیشتر است» نشان می دهند که فرصت های پایین دستگیری و گمنامی از ویژگی های شهرنشینی موثر در بروز جرم است. همچنین در آمریکا کلانشهرها ۹۷ درصد نسبت به دیگر شهرهای آمریکا و ۳۰۰ درصد نسبت به مناطق روستایی خشونت بیشتری دارند (کلاس و دوسردوت، ۱۹۹۸).

بر اساس مطالعه ژانگ (۲۰۱۴) جرائم کارگران مهاجر، یکی از مسائل اجتماعی در چین است که نشان دهنده ناکامی در اصلاح اجتماعی بر مبنای صنعتی شدن و شهری شدن در این کشور است. این مطالعه نشان

1. Guerry

2. Maxim .& Whitehead

3. Glaeser& Sacerdote

می‌دهد که عمده مجرمان مهاجر، جوان و مرد هستند، به لحاظ آموزش در سطح پایینی قرار دارند و عمدتاً کارگران خدماتی هستند، در مشاغل بی ثبات مشغول اند و جرائم آنها اغلب علیه اموال کم ارزش است، زیرا که مسئله مالی، مشکل مهاجران است. همچنین در بین آنها خشونت و جرائم سازمان یافته بر مبنای شبکه‌های خویشاوندی و دوستی شایع است. به نظر نویسندگان، مواردی مانند نظام دوگانه شهری-روستایی در چین، نظام مدیریتی اجتماعی نامعقول، عدم سازگاری با زندگی شهری، شرایط اقتصادی نامناسب و سطوح پایین مهارت و آموزش از عوامل موثر بر گرایش کارگران به جرم است (ژانگ، ۲۰۱۴). آمارها در چین نشان می‌دهد که دستگیرشدگان جرائم بیشتر کارگران مهاجر اند- افراد مهاجر شش برابر بیشتر از افراد غیر مهاجر مرتکب جرم می‌شوند- و جرائم مهاجران کارگر نمود رسانه‌ای بیشتری دارد. همچنین کارگران مهاجر بیشتر احتمال دارد که قربانی جرائم شوند (هو، ۲۰۱۴: ۲۱۵-۲۱۶).

در پژوهش دیگری شیوه زیست مهاجرت کارگری و مصرف مواد مخدر و الکل در تایلند مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که ۱۰/۹ درصد از این مردان و زنان دچار سوء مصرف موادی مانند حشیش و ماری‌جوانا^۱، آمفتامین^۲، افیون^۳، مواد توهم‌زا^۴، اکستازی^۵ و سولونت‌ها^۶ بوده و حدود ۴۳/۳ درصد الکل پرخطر و مضر مصرف کرده‌اند. بر اساس نتایج، مصرف مواد مخدر به شکل معناداری با جنسیت مردانه، سطوح پایین تحصیلات، بیکاری و حوادث استرس‌زای زندگی مرتبط است (جیراپراموکیپتاک و دیگران، ۲۰۰۸).

نتایج مقاله پروین و علی بابایی نشان می‌دهد عواملی مانند احساس فشار اجتماعی و بازدارندگی اجتماعی در گرایش کارگران مهاجر فصلی به جرم و رفتارهای پرخطر در شهر تهران موثر است. (پروین و علی بابایی، ۱۳۹۲).

چارچوب نظری پژوهش

رویکرد نظری پژوهش، نظریه جبرگرایی شهری یعنی اکولوژی شهری و پیوند آن با گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر در بین کارگران مهاجر فصلی است. در نظریه اکولوژی شهری، تلاقی سه عامل یعنی شهرنشینی، مهاجرت و صنعتی شدن زمینه را برای رشد انواع آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای مجرمانه فراهم می‌کند. کلود فیشر^۷ نظریه اصلی در حوزه شهرگرایی^۸ را به سه دسته تقسیم بندی می‌کند (فیشر، ۱۹۷۵):

(۱) جبرگرایی شهری: در این رویکرد برعکس محیط روستایی، محیط شهری اختلالات اجتماعی و روانی را افزایش می‌دهد و به دلیل وجود بیش از حد محرک‌ها، استرس زیادی بر ساکنان وارد می‌شود که مجبورند عقلانی و غیر عاطفی رفتار کنند.

(۲) نظریه ترکیبی: در این رویکرد برخلاف نظر جبرگرایان شهری، محیط بوم شناختی و تاثیر عواملی مانند اندازه و حجم جمعیت، ویژگی‌های غیربوم شناختی مانند طبقه، قومیت و ساختار خانواده می‌تواند سلامت

1. cannabis
2. amphetamines
3. opiate
4. hallucinogens
5. ecstasy
6. solvents
7. Claude Fischer
8. urbanism

روانی و اجتماعی ساکنان را تحت تاثیر قرار دهد.

۳) نظریه خورده فرهنگی: بر مبنای این رویکرد، ویژگی جمعی منفی در شهر می تواند منجر به خورده فرهنگ های جدیدی شود و شهرگرایی زندگی اجتماعی را تقویت می کند. بر این اساس، با وجود شهرگرایی، پیوندهای اجتماعی قوی، خورده فرهنگ های جدید و متنوعی را به وجود می آورد. با توجه به آنکه چارچوب نظری پژوهش بوم شناسی شهری و پیامدهای منفی آن بر گروه های مهاجر جوان است، در ادامه به این رویکرد نظری به عنوان چارچوب نظری و مبنای فرضیات پرداخته می شود. از نظر رابرت پارک^۱، عوامل سه گانه مذکور شیرازه هنجارهای جامعه را از بین می برد، همچنین کارایی و کارآمدی گروهی اولیه مانند گروه های خویشاوندی و خانواده را تضعیف می کند که نتیجه آن رشد جرائم در برخی محلات شهری است.

۵۷

مکتب شیکاگو و پیشگامان آن بر این پیش فرض بودند که شهرها دارای آثار بیگانه کننده ای هستند. بر اساس نظر ویرث^۲، شهرگرایی منجر به تضعیف پیوندهای اجتماعی با مکان و شکست پیوند اجتماعی غیررسمی می شود که در نهایت تولید بیگانگی می کند. مناطق روستایی دارای جمعیت های کوچک، به شکل اجتماعی همگون و پراکنده هستند و افراد همدیگر را می شناسند و پیوندهای اجتماعی ابزارهای موثری برای کنترل اجتماعی غیررسمی هستند. در مقابل، شهرها دارای جمعیت زیاد، ناهمگون و متراکم هستند و در نتیجه افراد با غریبه ها ارتباط دارند. بدون پیوندهای اجتماعی قوی، کنترل اجتماعی تضعیف می شود که در نهایت پیامد آن، جرم و رشد همه انواع آسیب های اجتماعی است (جیس و روس، ۱۹۹۸). از نظر لویز ویرث به دلیل وجود تراکم، حجم و ناهمگونی جمعیت مسائلی مانند بی سازمانی شخصیتی، بیماری ذهنی، خودکشی، بزهکاری، فساد و بی نظمی در شهر نسبت به روستا از نسبت بیشتری برخوردار است (ویرث، ۱۹۳۸).

یکی از مفاهیمی که در این رویکرد در جهت تبیین چرایی وجود آسیب های اجتماعی در شهرها استفاده شده است، بی سازمانی اجتماعی است. بی سازمانی اجتماعی می تواند در سطح فردی (شخصیتی)، محلات شهری و ساختار کلی یک شهر اتفاق بیفتد.

ویلسون^۳ از منظر بی سازمانی اجتماعی اعتقاد دارد که تغییرات چشم گیر اقتصاد در کشوری مانند امریکا از اقتصاد صنعتی به خدماتی و پساصنعتی در دهه های ۱۶۹۰ و ۱۹۸۰ منجر به در هم شکستن شبکه های اجتماعی و کاهش سازمان محلی در شهرها شده است که پیامد آن، رشد خشونت و قاچاق مواد مخدر بوده است (ویلسون، ۱۹۸۷).

بی سازمانی اجتماعی بر ناتوانی محلات شهری در شناسایی اهداف عمومی و حل مسائل آنی تاکید دارد. بر این اساس، فقر، تحرک سکونتی، ناهمگونی قومیتی و فقدان شبکه های اجتماعی، ظرفیت و توانایی محلات را برای کنترل رفتار افراد و جلوگیری از رخداد رفتارهای مجرمانه کاهش می دهد (چریس و وتزر، ۲۰۰۳). به نظر شاو و مک کی^۴، بی سازمانی اجتماعی در محلات شهری باعث ایجاد سنت های جرم^۵ می شود که

1. Robert Park
2. Wirth
3. Wilson
4. Shaw and Mackay
5. traditions of crime

از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (لاوسن ۲۰۱۰). استارک^۱، بی‌سازمانی اجتماعی را با خشونت و فقدان علاقه‌مندی با محلیت^۲ پیوند می‌دهد که در نهایت تشدید ترس از جرم، کنترل‌های اجتماعی ضعیف و افزایش بزهکاری را به دنبال دارد (همان).

سامپسون^۳ در ارتباط با بی‌سازمانی اجتماعی، مفهوم کارآمدی جمعی محلات شهری را ارائه می‌دهد. وی معتقد است که برخی نواحی شهری نسبت به برخی دیگر از کارآمدی جمعی بیشتری برخوردارند که بر میزان جرم اثرگذار است (همان). این مفهوم به حس و تجارب مشترک ساکنان و مشارکت و اعتماد آنها به مدیریت و کنترل مسائل محله تاکید دارد. به نظر سامپسون و همکاران، محلات در توانایی فعال کردن کنترل‌های اجتماعی غیررسمی با هم متفاوت اند. کنترل اجتماعی غیر رسمی، اشاره به رفتار فعالانه ساکنان در کنترل رفتارهای مجرمان دارد. به عنوان مثال، به پلیس زنگ می‌زنند یا به حمایت از فرد آسیب دیده اقدام می‌کنند. احتمال اینکه ساکنان از این رفتارها انجام دهند بستگی به این دارد که آیا در بین آنها اعتماد و همبستگی وجود دارد یا خیر (لی لی و همکاران، ۲۰۰۷). بر اساس مفهوم کارآمدی جمعی هنگامی که ساکنان محلات اعتقاد دارند که محله جای مناسبی برای زندگی هست، دارای حسی از تعلق نسبت به حفظ نظم توسط خودشان هستند و بیشتر تمایل دارند تا برای کنترل‌های رسمی سخت تلاش کنند (سیگل، ۲۰۱۷: ۲۰۵).

رویکردهای جدید بی‌سازمانی اجتماعی بر ویژگی‌های زیر تاکید دارند:

۱- مشارکت پایین ساکنان در سازمان‌های داوطلبانه؛

۲- کمبود شبکه‌ها و پیوندهای دوستی؛

۳- سطوح پایین کارآمدی جمعی یا نظارت محله بر نوجوانان و دیگر مکانسیم‌های کنترل غیررسمی؛

۴- میزان بالای تحرک سکونت، تراک جمعیت، خانه‌های تک والد، مسکن نامناسب و فقر (باراکان، ۲۰۰۵: ۱۶۹-۱۷۲).

مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی که در ابتدا توسط شاو و مکی مطرح شد، بر دانش و تفکر جرم‌شناختی بالغ بر ۷۵ سال سایه افکند. مهمترین عناصر یافته‌های آنها شامل موارد زیر است:

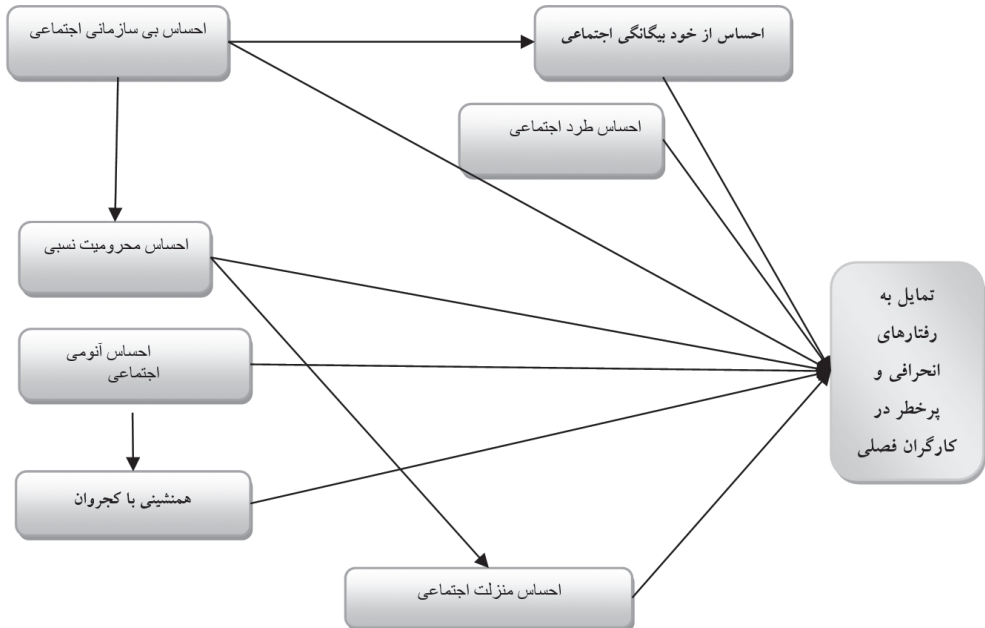
- نرخ‌های جرم تحت تاثیر نیروهای اجتماعی مخرب در محلات شهری فقیر قرار دارد.
- عوامل اجتماعی به جای عوامل فردی، ریشه مسئله جرم است.
- بی‌سازمانی اجتماعی، کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی را تضعیف می‌کند که این مسئله، عامل اساسی رفتار کجروانه است (سیگل، ۲۰۱۷: ۱۹۹).

به طور کلی رویکرد نظری پژوهش این است که بر اساس نگاه نظری بوم‌شناسان شهری، شهرها و بخصوص کلانشهرها دارای اثرات و پیامدهای منفی-مانند احساس طرد اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، همنشینی با افراد کجرو و مواردی از این دست- بر ساکنان می‌باشد که این اثرات در برخی از محلات بی‌سازمان شهری و در بین برخی گروه‌ها مانند مهاجران نمود بیشتری دارد که با وجود این شرایط، آسیب‌های اجتماعی و گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر دور از ذهن نیست.

1. Stark
2. locality
3. Sampson
4. single-parent house

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین میزان احساس طردشدگی در محیط شهری با میزان گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر جوانان (کارگران مهاجر فصلی) رابطه معنادار آماری وجود دارد.
۲. بین میزان احساس محرومیت نسبی در محیط شهری با میزان گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر جوانان (کارگران مهاجر فصلی) رابطه معنادار آماری وجود دارد.
۳. بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر جوانان (کارگران مهاجر فصلی) رابطه معنادار آماری وجود دارد.
۴. بین میزان احساس بی‌سازمانی اجتماعی و میزان گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر جوانان (کارگران مهاجر فصلی) رابطه معنادار آماری وجود دارد.
۵. بین میزان همنشینی با افراد کجرو و میزان گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر جوانان (کارگران مهاجر فصلی) رابطه معنادار آماری وجود دارد.
۶. بین میزان احساس منزلت پایین اجتماعی و میزان گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر جوانان (کارگران مهاجر فصلی) رابطه معنادار آماری وجود دارد.
۷. بین میزان احساس انومی اجتماعی و میزان گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر جوانان (کارگران مهاجر فصلی) رابطه معنادار آماری وجود دارد.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش شناسی پژوهش

روش مطالعه و تحلیل داده ها

روش تحقیق این پژوهش، پیمایش است که داده‌های مورد نظر از طریق پرسشنامه محقق ساخته به دست آمد که پس از آزمون مقدماتی و اصلاح پرسشنامه، در اختیار کارگران مهاجر فصلی قرار گرفت. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار **spss** و آماره‌هایی مانند ضریب پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه کارگران جوانی که است به صورت چرخشی و موقتی در ماه‌ها و فصل‌های خاصی از سال به شهر تهران مهاجرت می‌کنند. این گروه معمولاً یا بیکارند و یا در بخش غیررسمی اقتصاد شهری مشغول به کار می‌شوند. طبق آمارهای غیررسمی معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، سالانه حدود ۵۰۰۰۰ نفر کارگر فصلی به تهران مراجعه می‌کنند (شورای اسلامی شهر تهران ۱۳۸۷). البته با توجه به سیال بودن جمعیت کارگران فصلی، آمار دقیقی از میزان حضور آن‌ها در شهر تهران موجود نمی‌باشد. لذا همین تعداد جمعیت در فرمول کوکران استفاده شده است. با قرار دادن این مقدار در فرمول کوکران میزان حجم نمونه برابر با ۳۸۱ نفر^۱ به دست آمد. نمونه گیری تحقیق از نوع غیر احتمالی در دسترس بود و تلاش شد تا نمونه گیری کلیه کارگران فصلی را در شهر تهران شامل شود. به همین منظور ابتدا مهمترین مناطق شهر تهران که کارگران مهاجر جوان در آن حضور روزانه داشتند، شناسایی شد. سپس پرسشنامه در اختیار پاسخگويانی که تمایل به پر کردن آن داشتند، قرار گرفت. دلیل استفاده از این شکل از نمونه گیری، نداشتن آمار مشخص از پاسخگويان و بعضاً عدم تمایل برخی از آنها به پر کردن پرسشنامه بوده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

میزان همنشینی با افراد کجرو^۲

ساترلند تحت تاثیر شام و مک کی اعتقاد دارد رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). همنشینی افتراقی به میزان ارتباط و یادگیری رفتارهای انحرافی از افراد ناهمنوا و کجرو اشاره دارد. اساس این مفهوم بر یادگیری استوار است. از گویه‌های زیر برای سنجش این مفهوم استفاده شده است:

در بین دوستان، افرادی هستند که دست به کار خلاف می‌زنند. / اشکالی ندارد آدم با دوستان خلاف کار نشست و برخاست بکند. / دوستان شما چقدر دوست دارند دست به کارهای خلاف بزنند. / کار خلاف می‌تواند آدم را پولدار کند. / از بین دوستانم افرادی را می‌شناسم که دست به کار خلاف زدند و پولدار شدند. / در بین خانواده و یا همشهری‌هایتان در طول هفته چقدر با دوستان خلاف کار ارتباط دارید. / میزان پایایی محاسبه شده برابر با ۰/۹۴ است.

۱. با توجه به محدودیت‌های احتمالی تحقیق، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه در بین کارگران فصلی توزیع شد که در نهایت تعدادی از آنها به دلیل مشکلاتی از جمله عدم پاسخگویی صحیح، حذف شدند که در نهایت تعداد ۳۸۱ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت.

۲. کلیه گویه‌های شاخص‌های فوق محقق ساخته است که با استفاده از طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. اعتبار شاخص‌ها از طریق اعتبار صوری و مراجعه به دو نفر از صاحب‌نظران این حوزه به دست آمده است.

احساس طرد شدگی

طرد اجتماعی حاکی از راه و روش هایی است که افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ تر محروم می شوند که شامل سه شکل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۶۶-۸۶۸). برای سنجش این مفهوم از گویه های زیر استفاده شده است:

احساس می کنم از خیلی از نیازهایم محروم هستم. / احساس می کنم کسی به من توجهی ندارد. / احساس می کنم درهای زندگی به رویم بسته است. / جامعه باعث شده که کار مناسبی نداشته باشم. / خیلی دوست دارم شغل و درآمد مناسبی داشته باشم، ولی از آن ها محروم هستم. / فکر می کنم کارگران از خیلی از حقوق خود محرومند و وضعیت مناسبی ندارند.

ضریب پایایی محاسبه شده برای این شاخص برابر با ۰/۸۵ می باشد.

احساس بیگانگی اجتماعی

این مفهوم به وضعی اطلاق می شود که در آن، انسان ها تحت چیرگی نیروهای خودآفریده شان قرار می گیرند و این نیروها به عنوان قدرت های بیگانه در برابرشان می ایستند (کوزر، ۱۳۹۳: ۸۴). سیمن ابعاد از خودبیگانگی اجتماعی را شامل بی قدرتی، بی معنایی، بی هنجاری، انزوا و خودبیزاری در نظر می گیرد. از گویه های زیر جهت سنجش این مفهوم استفاده شده است: احساس می کنم هیچ قدرتی در سرنوشتم ندارم. / آینده را تیره و تار می بینم. / احساس می کنم زندگی برایم بی معنا است. / خیلی دوست دارم تنها باشم و کسی کاری به کارم نداشته باشد. / احساس می کنم هیچ چیز در زندگی من سر جایش نیست. / احساس می کنم ظلم تغییر در زندگی ام را ندارم. / نسبت به خودم گاهی احساس تنفر دارم. / احساس می کنم جامعه به من ظلم می کند. / شرایط شغلی و کاری برایم خسته کننده و تکراری است. / همیشه احساس ناامیدی می کنم.

میزان پایایی این شاخص برابر با ۰/۹۴ محاسبه شده است.

احساس محرومیت نسبی

اساس محرومیت نسبی بر مقایسه است. این مفهوم به معنی این اصل کلی است که پاداش های دریافت شده توسط شخص بطور مطلق ارزیابی نمی شود، بلکه نسبت به انتظارات او برآورد می گردد. در کاربرد این اصطلاح معمولاً جزء اجتماعی / فرهنگی مطرح است، زیرا انتظارات شخص اغلب در ارتباط با آنچه همپایان شخص ارزش داده و به دست می آورند، برقرار می گردد (پورافکاری، ۱۳۷۶: ۱۲۸۴). از گویه های زیر جهت سنجش این متغیر استفاده شده است:

وقتی شهر خود را با تهران مقایسه می کنید، امکانات شهر خود را نسبت به تهران چگونه ارزیابی می کنید. / وقتی وضعیت اقتصادی خود را با دیگران در تهران مقایسه می کنید، وضعیت خود را بر اساس امکاناتی مانند درآمد، وضع زندگی، مسکن، تفریحات و... چگونه می بینید؟

میزان پایایی این شاخص برابر با ۰/۹۲ است.

احساس بی سازمانی اجتماعی

بی سازمانی اجتماعی به معنای نارسایی و شکست در یک نظام اجتماعی دارای پایگاه ها و نقش های مرتبط باهم است که اهداف فردی و جمعی اعضا کمتر امکان تحقق می یابد (مرتون، ۱۳۸۵: ۵۱). از گویه های زیر برای سنجش این مفهوم استفاده شده است:

به شهر تهران هیچ احساس تعلقی ندارم./ خودم را تهرانی نمی دانم./ در طول مدتی که در تهران هستم، مکان ثابتی ندارم./ احساس می کنم فرق زیادی با آدم ها در تهران دارم./ به دوستان کارگرم بیشتر از ساکنان تهران تعلق خاطر دارم./ در تهران هیچ سامانی ندارم./ اگر از دستم بیاید قوانین را در شهر تهران زیر پا می گذارم./ قوانین در شهر تهران هیچ ارتباطی به من ندارد.

میزان پایایی محاسبه شده برای این شاخص برابر با ۰/۸۴ می باشد.

احساس آئومی اجتماعی

حالتی در یک اجتماع یا گروه است که در آن ساختار اجتماعی در هم گسسته، ارزش های اجتماعی از بین رفته و معیارهای فرهنگی نابود شده است (پورافکاری، ۱۳۷۶: ۸۳). گویه های زیر جهت عملیاتی کردن و سنجش این متغیر استفاده شده است:

این روزها کسی به فکر مردم نیست و کاری به مشکلات آن ها ندارد./ این روزها آدم با کار کردن و زحمت کشیدن به جایی نمی رسد./ زندگی طوری شده که نمی شود پیش بینی کرد که فردا چه اتفاقی می افتد./ در جامعه ما هیچ قاعده خاصی برای دستیابی به موفقیت وجود ندارد./ احساس می کنم همه چیز در جامعه ما در هم ریخته است./ در جامعه ما هر کس به فکر خودش است./ معلوم نیست جامعه ما دارد به کجا می رود./ در جامعه ما فرق بین بد و خوب معلوم نیست.

میزان پایایی این شاخص برابر با ۰/۹۲ می باشد.

احساس منزلت پایین اجتماعی

این مفهوم اشاره به احساس نارضایتی دارد که فرد از وضعیت شغلی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی خود دارد. بر اساس نظر کوهن، ناکامی منزلتی منجر به بروز رفتارهای مجرمانه جمعی می شود (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۶) گویه های این شاخص عبارت اند از:

احساس می کنم شغل درست و حسابی ندارم./ کاش درس می خواندم تا به جایی می رسیدم./ خیلی دوست دارم شغل بهتری با درآمد بیشتر داشته باشم./ احساس می کنم با این وضعیت شغلی به هیچ جا نمی رسم./ احساس می کنم در مقایسه با مشاغل دیگر شغل پایین تری دارم./ از این که کارگر مهاجر فصلی هستم، خیلی ناراحتم. میزان روایی این شاخص برابر با ۰/۸۶ به دست آمد- گفتنی است که اعتبار شاخص ها از طریق اعتبار صوری و رجوع به نظر متخصصان این حوزه حاصل شده است.

گرایش به جرم و رفتارهای پرخطر (متغیر وابسته)

منظور از تمایل به جرم و رفتارهای پرخطر در این تحقیق این است که کارگران فصلی پس از مهاجرت موقتی و چرخشی به تهران تا چه میزان مستعد آسیب پذیری هستند و تا چه میزان به جرم و رفتارهای پرخطر^۱ مانند سیگار، اعتیاد، سرقت، قاچاق مواد مخدر، خودکشی و... تمایل دارند. برای سنجش میزان شیوع و آسیب پذیری کارگران و تمایل آنان به رفتارهای پرخطر، یک سوال در سه سطح پرسیده شده است:

اولا، هر کدام از آسیب ها و رفتارهای پرخطر تا چه میزان در بین کارگران شیوع دارد؛ ثانيا، کارگران چه نگرشی به هر کدام از آن ها دارند؛ ثالثا، خود فرد تا چه میزان در گیر در این آسیب ها و رفتارهای پرخطر می باشد؟ میزان پایایی این شاخص ۰/۹۵ می باشد.

۱. منظور رفتارهایی است که سلامت جسمی، روانی و اجتماعی فرد را به خطر می اندازند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

نتایج و یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۷۸ درصد از پاسخگویان در محدوده سنی ۱۵ تا ۳۵ سال قرار دارند. بنابراین بیشتر پاسخگویان در گروه سنی جوان قرار دارند. حدود ۸۴ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم می‌باشند. بر اساس یافته‌های توصیفی، بیشترین فراوانی مربوط به استان کرمانشاه با ۳۶/۷ درصد و لرستان با ۳۵/۴ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد مبدأ مهاجرت کارگران فصلی بیشتر از استان‌های غربی کشور می‌باشد. وضعیت تغذیه و استراحت کارگران فصلی نشان می‌دهد که بیشتر از نیمی از کارگران پاسخگو آن را «بد و خیلی بد» ارزیابی کرده‌اند. بیشتر از نیمی از کارگران از میانگین درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان در ماه برخوردارند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر از نیمی از کارگران در روستا زندگی می‌کنند و متأهل هستند. بیشتر از نیمی از کارگران به دلیل سختی کار اظهار داشته‌اند که در طول روز فشارهای جسمی «زیاد و خیلی زیادی» را تجربه می‌کنند. نوع مهارت کارگران نشان می‌دهد که بیشتر از نیمی از آنان فاقد مهارت اند و کارگران ساده هستند؛ به طوری که اکثریت آن‌ها در مشاغل چون کارگری ساده و فعالیت‌های ساختمانی مشغول به کار هستند. دیگر یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میزان شیوع استعمال سیگار و قلیان و اعتیاد به مواد مخدر در بین کارگران فصلی نسبت به آسیب‌های اجتماعی دیگر دارای بیشترین فراوانی است.

آزمون فرضیات

جدول ۱: ضریب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته و آزمون فرضیات تحقیق

ردیف	فرضیه تحقیق	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
۱	بین میزان احساس پایین بودن منزلت اجتماعی و میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۱۴۳**	۰/۰۰۵
۲	بین میزان احساس محرومیت نسبی و میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۱۴۵**	۰/۰۰۴
۳	بین میزان احساس آنومی اجتماعی و میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۳۶۶**	۰/۰۰۰
۴	بین میزان بی سازمانی اجتماعی و میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۴۲۴**	۰/۰۰۰
۵	بین میزان احساس طردشدگی در محیط شهری و میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۴۳۳**	۰/۰۰۰
۶	بین میزان از خودبیگانگی اجتماعی و میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۵۹۳**	۰/۰۰۰
۷	بین میزان همنشینی با افراد کجرو و میزان آسیب پذیری کارگران مهاجر فصلی رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۶۷۶**	۰/۰۰۰

معنی داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان *

معنی داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان *

یافته‌های مربوط به آزمون فرضیات نشان می‌دهد که کلیه فرضیات تحقیق دارای ارتباط معنادار آماری با متغیر وابسته تحقیق هستند؛ به طوری که هم‌نشینی افتراقی با میزان رابطه $0/676$ دارای قوی‌ترین رابطه با متغیر وابسته به صورت رابطه‌ای معنادار، قوی و مثبت می‌باشد. پس از آن، احساس از خودبیگانگی اجتماعی است که با میزان رابطه $0/593$ دارای رابطه‌ای قوی و مثبت با میزان گرایش کارگران فصلی به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌باشد. در بین متغیرهای مستقل، متغیرهای احساس محرومیت نسبی و احساس منزلت پایین اجتماعی از ضعیف‌ترین رابطه با متغیر وابسته برخوردارند. کمترین ضریب همبستگی مربوط به فرضیات اول و دوم است. نتایج مربوط به آزمون فرضیات در جدول بالا مشاهده می‌شوند.

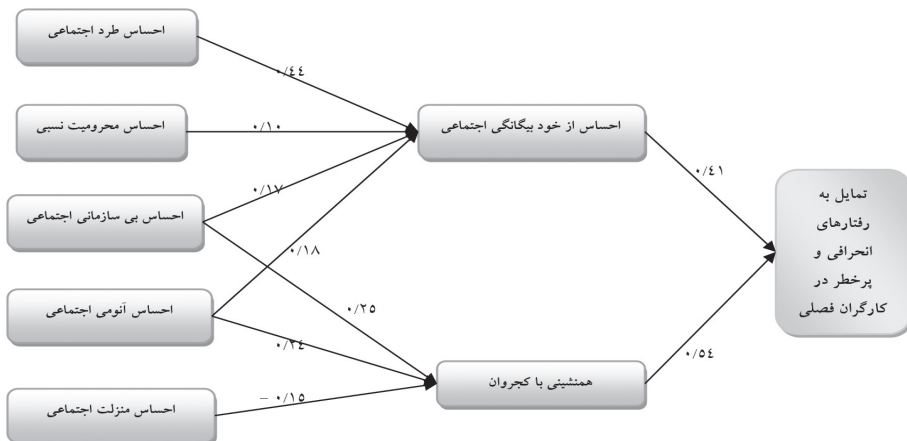
تحلیل رگرسیونی

نتایج تحلیل رگرسیونی بیانگر آن است که با وارد کردن همه متغیرهای هفت گانه مستقل تحقیق، متغیرهای احساس از خود بیگانگی و هم‌نشینی افتراقی با افراد کجرو دارای ارتباط مستقیم معنادار آماری و سایر متغیرها، دارای ارتباط غیرمستقیم با میزان گرایش کارگران فصلی به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر هستند. متغیرهای هم‌نشینی افتراقی با میزان بتای $0/54$ و متغیر از خود بیگانگی با بتای $0/41$ دارای قوی‌ترین رابطه با متغیر وابسته تحقیق می‌باشند. بر اساس یافته‌ها، متغیرهای مستقل مذکور حدود $0/66$ درصد از واریانس و تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین می‌کنند که در جدول زیر مشاهده می‌شوند:

جدول ۲: ضریب همبستگی و ضریب تعیین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تصحیح شده	مقدار F	سطح معناداری
$0/79$	$0/624$	$0/622$	۳۲۹	$0/000$

همچنین مدل نهایی رگرسیون با وارد کردن همه متغیرهای تحقیق که دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیم هستند، نشان می‌دهد که متغیرهای هم‌نشینی افتراقی با اثر کلی $0/54$ و از خودبیگانگی اجتماعی با اثر کلی $0/41$ دارای بیشترین اثر کلی بر متغیر گرایش کارگران مهاجر فصلی به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر هستند. نمودار ۱، تحلیل مسیر و روابط بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: مسیر تأثیرگذاری متغیرهای مستقل معادله‌ی رگرسیونی بر متغیر وابسته

پس از به دست آوردن مدل نهایی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته، به محاسبه مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل معنادار در مدل بر متغیر وابسته پرداخته می‌شود.

جدول ۳: میزان تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مستقل معنادار بر متغیر وابسته

متغیر	تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیر مستقیم	مجموع تأثیرات
همنشینی با افراد کجرو	۰/۵۴	-	۰/۵۴
احساس بیگانگی اجتماعی	۰/۴۱	-	۰/۴۱
احساس انومی اجتماعی	-	۰/۱۹	۰/۱۹
احساس بی سازمانی اجتماعی	-	۰/۱۹	۰/۱۹
احساس طرد اجتماعی	-	۰/۱۸	۰/۱۸
احساس منزلت اجتماعی	-	-۰/۰۸	-۰/۰۸
احساس محرومیت نسبی	-	۰/۰۴	۰/۰۴

تأثیر متغیر هم‌نشینی افتراقی با افراد کجرو بر میزان تمایل به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در کارگران مهاجر فصلی برابر با ۰/۵۴ است که کل این میزان به طور مستقیم و بدون واسطه صورت گرفته است. تأثیر احساس از خود بیگانگی اجتماعی نیز ۰/۴۱ بوده که کل آن به صورت مستقیم است. همچنین، مجموع تأثیرات احساس انومی اجتماعی ۰/۱۹- بوده که به صورت غیرمستقیم می‌باشد. مجموع تأثیرات متغیر احساس بی سازمانی اجتماعی نیز ۰/۱۹ درصد است که به صورت غیرمستقیم و از طریق دیگر متغیرها صورت پذیرفته است.

به طور کلی داده‌های جدول نشان می‌دهد که متغیرهای هم‌نشینی افتراقی و احساس از خودبیگانگی اجتماعی دارای بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته تحقیق هستند و متغیرهای احساس انومی اجتماعی و احساس بی سازمانی اجتماعی و احساس طرد اجتماعی، احساس منزلت اجتماعی و احساس محرومیت نسبی پس از این دو متغیر قرار دارند.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به بررسی اثرات منفی شهرنشینی و مهاجرت موقت و فصلی کارگران در شهر تهران پرداخته است. با وجود آنکه بر نظریه اکولوژی شهری انتقاداتی وارد است (نک ارشاد و مینا، ۲۰۱۰)، نتایج تحقیق نشان داد که تأثیرات منفی و اکولوژیکی شهرنشینی می‌تواند از عوامل تأثیرگذار در گرایش کارگران مهاجر فصلی به سوی آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر باشد. یافته‌ها بیانگر آن بود که تأثیرات منفی مهاجرت و شهرنشینی می‌تواند حدود ۶۲ درصد از تغییرات و واریانس متغیر وابسته تحقیق را تبیین کند. بنابراین می‌تواند گفت که رابطه بین مهاجرت و شهرنشینی از یک سو و آسیب پذیری گروه‌های مهاجر مانند گروه‌های مهاجر کارگری، از سوی دیگر در این پژوهش نیز مورد تایید قرار می‌گیرد. در بین تأثیرات چندگانه شهرنشینی،

متغیرهای هم‌نشینی افتراقی با افراد کجرو و ازخودبیگانگی اجتماعی در فضای شهری دارای بیشترین تأثیر و رابطه با متغیر گرایش به آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر مانند مصرف سیگار و مواد مخدر در بین کارگران مهاجر فصلی می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان داد که رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، قلیان و مواد مخدر دارای بیشترین شیوع در بین کارگران فصلی می‌باشد که نتایج پژوهش‌های یانگ و دیگران (۲۰۰۹)، چن و دیگران (۲۰۰۴) و جیراپراموکیپتاک (۲۰۰۸) را تایید می‌کند. همچنین، با نتایج پژوهش شوکای (۲۰۰۰) و پوراحمد و کلاتری (۱۳۸۱) که به رابطه بین مهاجرت و کجروی می‌پردازد، همسوست. یافته‌های تحقیق هرزوغ نشان گر رابطه بین سازمانی اجتماعی و جرم است که با یافته‌های تحقیق حاضر مطابقت دارد (هرزوغ ۲۰۰۹). در این تحقیق رابطه بین احساس محرومیت نسبی و تمایل به آسیب‌های اجتماعی مورد تایید واقع شد که با نتایج تحقیق کاوچی و دیگران (۱۹۹۹) همخوانی دارد.

بر اساس تئوری بوم‌شناسی شهری، مهاجرت، پیوندها و کنترل‌های غیررسمی را از بین می‌برد و افراد مهاجر به دلیل شرایط ناشی از آن، بیشتر از گروه‌های اجتماعی دیگر در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی، جرم و رفتارهای پرخطر هستند. بنابراین در این رویکرد نظری، مهاجرت از عواملی است که در شهرها می‌تواند زمینه‌ساز بروز انواع آسیب‌های اجتماعی شود. نتایج تحقیق حاضر نیز این ادعای نظری را مورد تایید قرار می‌دهد؛ بدین معنا که کارگران مهاجر فصلی به دلیل ویژگی‌هایی مانند احساس محرومیت نسبی، احساس طرد اجتماعی، احساس بی‌سازمانی اجتماعی و مواردی از این دست که در اثر مهاجرت بر آن‌ها مستولی می‌شود، از جمله گروه‌های حاشیه‌ای در شهر تهران هستند که در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر قرار دارند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که شهرها و محلات مهاجر پذیر که با شرایط ناهمگونی و نابسامانی ناشی از مهاجرت مواجه‌اند بیشتر از سایر شهرها و محلات در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند. نتایج این تحقیق می‌تواند در سیاست‌گذاری اجتماعی مربوط به افراد و گروه‌های مهاجر مانند کارگران مهاجر فصلی در کلانشهرهای مهاجرپذیر مانند تهران، کرج، مشهد، قم و... مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهاد‌های پژوهش

- حال بر اساس نتایج پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:
- با توجه به آنکه خاستگاه بخش مهمی از کارگران مورد مطالعه استان‌های غرب کشور است، پیشنهاد می‌شود که در برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها کلان کشور مسئله بیکاری در این استان‌ها مورد توجه بیشتری قرار گیرد تا در وهله اول از مهاجرت‌های بی‌رویه کارگران فصلی به شهر تهران جلوگیری شود.
- در پژوهش‌های آتی آسیب‌هایی که خود کارگران-از جمله اعتیاد و خودکشی- با آن مواجه‌اند از سوی پژوهشگران مورد توجه بیشتری قرار گیرد.
- با توجه به آنکه بیشتر کارگران در بخش غیررسمی اقتصاد شهری مشغول به فعالیت‌اند، شهرداری تهران تسهیلات بیشتری برای آنها از جمله خوابگاه، بیمه و... در نظر بگیرد.
- با توجه به آنکه گاهی با کارگران فصلی برخورد‌های نامناسبی صورت می‌پذیرد، پیشنهاد می‌شود در رسانه‌ای جمعی مسائل و مشکلات آنها بیشتر منعکس شود.

- مطالعات نشان می‌دهد که بخشی از جرائم شهری توسط گروه‌های مهاجر انجام می‌شود. انجام مطالعات بیشتر در این زمینه می‌تواند در کاهش این جرائم که بخشی از آن مربوط به ناجاست، کمک کند. در نهایت باید گفت که انجام پژوهش درباره گروه‌های مهاجر جوان مانند کارگران به دلیل سختی زندگی در شهر تهران، بسیار مشکل است؛ چنان که از یک طرف، دسترسی به آنها قدری مشکل است و از طرف دیگر انجام مصاحبه با آنها نیازمند صرف زمان و حوصله بسیار است.

منابع

- ارشاد، فرهنگ و صدف، مینا. (۱۳۸۷). «مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن». فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری. سال اول، شماره ۵۹.
- پروین، ستار و علی بابایی، یحیی. (۱۳۹۲). «تبیین جامعه شناختی گرایش کارگران مهاجر فصلی به رفتارهای پرخطر در شهر تهران». فصلنامه توسعه روستایی دانشگاه تهران. دوره ۵، شماره ۱.
- پور احمد، احمد و کلاتری، محسن. (۱۳۸۱). «نقش مهاجرین در نوع و میزان جرائم ارتكابی شهر تهران». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۰.
- پورافکاری، نصرت‌الله. (۱۳۷۶). فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی. تهران: نشر فرهنگ معاصر
- شورای اسلامی شهر تهران. (۱۳۸۷). دستورالعمل ساماندهی کارگران ساختمانی و فصلی.
- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۵). «ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و ارائه راه حل‌های کاهش آن در عسلویه». مجله جامعه شناسی ایران. شماره ۲.
- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۹۰). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات سمت
- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۶۹). «انسان و شهر نشینی». نامه علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
- طیفوری، وحید و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی شاخص‌ها، علل و جریان‌های مهاجرت داخلی ایران». همایش تحلیل یافته‌های سرشماری نفوس و مسکن.
- علاء الدینی، پویا و همکاران. (۱۳۸۹). «جابجایی جمعیت و اچ آی وی». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۳، دانشگاه تهران.
- گیدنزو، آنتونی. (۱۳۹۳). جامعه شناسی. حسن چاوشیان. تهران: نشر نی
- لوئیس، کوزر. (۱۳۹۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی. تهران: علمی
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم. تهران: آن
- مرتون، رابرت. (۱۳۸۵). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه شناختی. نوین تولایی. تهران: امیرکبیر
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری نفوس و مسکن.
- Chen, Xinguang et al. (2004). **Cigarette smoking among rural-to-urban migrants in Beijing, China, Preventive Medicine**. Published by Else vier Ltd
- Fischer, C. S. (1975). **"Toward a Sub cultural Theory of Urbanism"**. American Journal of Sociology 80: 1319-41.
- Geis J. Karlyn and Catherine Ross, E. (1998). **"A New Look at Urban Alienation: The Effect of Neighborhood Disorder on Perceived Powerlessness"**. Social Psychology Quarterly, Vol. 61, No. 3
- Glaeser, Edward. & Bruce, Sacerdote. (1998). **"Why Is There More Crime in Cities?"**. Journal of Political Economy, 1999, vol. 107, no. 6,
- Gottdiener, Mark and Leslie, Budd. (2005). **The concepts in urban studies**. Sage publication
- Greif, J., Meredith & F. Nii-Amoo, Dodoo. (2010). **"Internal migration to Nairobi's**

slums: Linking migrant streams to sexual risk behavior". Health & Place, 17, 86–93

- Herzog, Sergio. (2009). **"ethnic and migrant residential concentration and crime rates"**. Journal of criminal justice.
- Hu, Z. et al. (2006). **HIV-related sexual behaviour among migrants and non-migrants in a rural area of China: Role of rural-to-urban migration**. Public Health, Published by Elsevier Ltd
- Jirapramukpitak, Tawanchai. (2008). **"Rural–urban migration, illicit drug use and Hazardous/harmful drinking in the young Thai population"**. Addiction, 103, 91–100
- Kubrin ,Charis and Ronald Weitzer. (2003). **"New direction in social disorganization theory 2003"**. Journal of research in crime and delinquency .vol40 no 4.
- Lawson, Tony & Tim, Heaton. (2010). **Crime Deviance**. Published by Palgrave Mac-Millan
- Lilly, Robert, Francis T. Cullen, Richard Ball, A. (2007). **Criminological Theory: Context and Consequences**. sage pub
- Lin, Danhua, et al. (2005). **Alcohol intoxication and sexual risk behaviors among rural-to-urban migrants in China, Drug and Alcohol Dependence**. Published by Elsevier Ltd
- Martin, Sandra, L. (1995). **"Survey of exposure to violence among the children of migrant and seasonal farm workers"**. Public health report, vol. 110.
- Maxim, Paul, & Whitehead, Paul. (1981). **Explaining Crime, Fourth Edition**. Butterworth-Heinemann
- Shukai, Zhao. (2000). **"criminality and the policing of migrant workers"**. The china journal, No.43.
- Siegel. Larry. (2017). **Criminology: theories, patterns and typologies**. Tamson-Wadsworth
- Wen , Ming and Guixin, Wang. (2009). **"Demographic, Psychological, and Social Environmental Factors of Loneliness and Satisfaction among Rural-to-Urban Migrants in Shanghai, China"**. International Journal of Comparative Sociology, Vol 50(2) : 155–182
- Wirth, Louis. (1938). **"urbanism as a way of life"**. The American Journal of Sociology, Vol. 44, No. 1.
- Wilson, W. j. (1987). **The Truly Disadvantaged: the inner city, the underclass, and public policy**. The University of Chicago Press

- Wong, Daniel et al. (2007). **Rural migrant workers in urban China: living a marginalised life.** Blackwell Publishing Ltd and the International Journal of Social Welfare
- Xu, Jionhuo. (2014). **Urbanization and inevitable migration: Crime and migrant workers.** The Routledge Handbook of Chinese Criminology Edited by Liqun -Cao, Ivon Y, Sun, and Bill Heberton
- Yang, T. et al. (2009). **Smoking patterns among Chinese rural–urban migrant workers.** The Royal Society for Public Health, Published by Elsevier Ltd
- Zhang, Dejun. (2014). **“Status and Causes of Chinese Migrant Workers’ crimes”.** Canadian Center of Science and Education. Vol10 NO 9.

عوامل فرهنگی شادمانی اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر اصفهان)

اصغر محمدی^۱
علی سیف زاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۷

یکی از نیازهای اساسی انسان که می‌تواند در جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی زندگی او تأثیر داشته باشد، احساس شادمانی و نشاط است. پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر در احساس شادمانی در ساکنان شهر اصفهان پرداخته است. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت ۱۵ تا ۲۹ سال اصفهان است که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۶۰۰ نفر، با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با حجم و سپس تصادفی اتفاقی انتخاب شد. چارچوب نظری شامل نظریات دورکم، بوردیو، سیلگمن و الیسون البته نظریه غالب بوردیو است. در محاسبه پایایی کل، مقادیر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و شاخص‌های پژوهش از مقدار ۰/۷ بیشتر است. نتایج تحقیق نشان داد میزان احساس شادمانی بیشتر نمونه آماری (۷۵/۵) متوسط بود و همچنین بین دین‌داری $r=0/38$ ، سرمایه فرهنگی $r=0/41$ ، برنامه‌های رسانه‌های جمعی $r=0/47$ و امکانات تفریحی و رفاهی $r=0/63$ همبستگی مثبت و متوسط وجود دارد و بین جنس، سن، تحصیلات، درآمد، شغل و احساس شادمانی نیز رابطه دیده می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ضرایب کلیه متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی برازش شده، در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار هستند ($p < 0/05$) و چهار متغیر اصلی و مستقل تحقیق ۲۸/۹ درصد تغییرات شادمانی را تبیین نموده و بیشترین تأثیر نیز مربوط به متغیر مستقل دین‌داری و رسانه‌های جمعی بوده است.

واژگان کلیدی: شادمانی، سرمایه فرهنگی، دین‌داری، رسانه، امکانات رفاهی و تفریحی و جوانان

۱. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: Asghar.mo.de@gmail.com

۲. دکترای جامعه‌شناسی، گرایش مسائل اجتماعی ایران، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

نشاط، یکی از خلیقیات اساسی در زندگی می‌باشد که عبارت است از چگونگی داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی. این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد. یکی از علل تأثیرگذار در برقراری اصول بهداشت روانی و خوشبختی است که بر فضای شناختی و رشد آن اثر می‌گذارد. نشاط یکی از ابعاد اصلی تجربه بوده و معمولاً در پی ایجاد پاسخ‌های مطلوب است که کارکرد مناسبی به‌جا می‌گذارد. (سلیگمن و دanner^۱، ۲۰۰۲: ۸) نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند؛ در غیر این صورت، از منظر ناظر بیرونی، نشاط چیزی جز مجموعه‌ای از کیفیات روحی و هیجان‌های طرب‌انگیز فردی نخواهد بود. اگر این کیفیات فرح‌بخش، واجد معانی اجتماعی و اهداف جمعی نباشند، تعریفی جز برخی حالات نابهنجار روحی جنون‌آمیز نخواهند داشت. بنابراین، نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقناع ذهنی و اجماع عینی است؛ یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط باهم مقارن باشند (عبرری، ۱۳۹۱: ۳۵).

شادی نوعی هیجان است که تأثیر ژرفی بر سازوکارهای جسمانی، شناختی و روانی مکانیزه انسانی دارد و عملکرد آدمی را در زمینه‌های مختلف بهبود می‌بخشد. بنا به گفته وینهون (۱۹۹۳) روان‌شناسان انسان‌گرا، معتقدند که شادی فعالیت فرد را برمی‌انگیزد، بر آگاهی او می‌افزاید، خلاقیت وی را تقویت می‌کند و ایجاد روابط اجتماعی را تسهیل می‌نماید. وینهون (۱۹۸۴) شادی را میزانی اطلاق می‌کند که شخص درباره مطلوبیت کیفیت زندگی خود قضاوت می‌کند. (نصوحی، ۱۳۸۲: ۳)

در طول تاریخ و عصرهای گذشته تا به امروز، شادمانی مورد توجه جوامع بوده است تا جایی که بعضاً گاهی آن را هدف وجود انسان می‌دانند و از آن به‌عنوان یک میل انسانی - بنیادی نام برده شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد شاد احساس امنیت بیشتر و عزت و اعتماد به نفس بالاتری دارند و از اعتقادات مذهبی معناداری برخوردار هستند. همچنین فقدان شادمانی نیز نتایج منفی بسیاری را به دنبال خواهد داشت؛ از جمله افسردگی، بدبینی، بی‌علاقگی به کار، اعتیاد به مواد مخدر و گرایش به فرهنگ بیگانه.

تحقیق مینکو (۲۰۰۹)، به نقل از اکبرزاده و همکاران، (۱۳۹۲) در سطح بین‌المللی انجام شده و در آن شاخص شادی کشورها را محاسبه نموده است. او نشان داده که رتبه شادی ایران در طول سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۷، در بین ۹۷ کشور، رده ۵۶ است که از متوسط پایین‌تر است (مینکو، ۲۰۰۹: ۱۶۳). به نقل از اکبرزاده و همکاران، (۱۳۹۲). نتایج برخی از تحقیقات در مورد شادمانی در شهر اصفهان نیز حاکی از بالا نبودن آن در بین خانوارهای اصفهانی می‌باشد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به این‌که شهر اصفهان یکی از مراکز مهم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران است، پی بردن به عوامل تأثیرگذار بر مشکلات گوناگون آن از جمله احساس شادمانی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

از آنجایی‌که توسعه انسانی درگرو استفاده بهینه از نیروی انسانی و توجه به آن است، امروزه بحث شادمانی به یکی از مباحث بسیار مهم در جوامع مدرن تبدیل شده است. شادمانی و نشاط اجتماعی می‌تواند نشانگر سلامت اجتماعی یک جامعه باشد، چراکه انسان با احساس نشاط است که می‌تواند مبتکر، خلاق و کارآمد باشد. اما شادمانی اجتماعی به‌خودی‌خود و به‌راحتی به دست نمی‌آید و نتایج برخی تحقیقات نشان

می‌دهد که فشارهای فرهنگی (کرمی نوری، ۱۳۸۱)، اقتصادی (میر شاه جعفری، ۱۳۸۱؛ اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۰)، اجتماعی (کرمی نوری، ۱۳۸۱)، خانوادگی، روان‌شناختی (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸؛ کامیاب و همکاران، ۱۳۸۸) و جمعیتی در جامعه وجود دارند که همگی می‌توانند باعث کاهش رضایت و شادی افراد در محیط‌های شهری شوند (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۰). این در حالی است که در بررسی‌های روان‌شناختی نشان داده‌شده که تعداد مقاله‌های مربوط به خشم، اضطراب و افسردگی حدود ۱۳ برابر مقاله‌های مربوط به احساسات مثبت، شادمانی و رضایت از زندگی بوده است.

جامعه ایران به لحاظ مواجه‌شدن با تحولات ساختاری همانند افزایش سالانه جمعیت، مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و در آستانه ورود به عرصه دنیای فناوری، شاهد بروز پدیده‌های مختلفی در حوزه امنیت و آسیب‌های اجتماعی است که این موضوع نشاط و شادی جامعه ایران را بیشتر از گذشته تحت تأثیر قرار داده است و جامعه مورد مطالعه (شهر اصفهان) نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو، ضروری است در مورد میزان نشاط اجتماعی جوانان پژوهش علمی درخوری صورت گیرد. به عبارت دیگر، میزان شادمانی افراد و فاکتورها یا عواملی که در هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم مختلف می‌تواند در افزایش شادمانی مؤثر باشد نیاز به تحقیق و پژوهش در این زمینه را مشخص می‌کند. مسئله پژوهش این است که نشاط اجتماعی در بین جوانان شهر اصفهان به چه میزان بوده و عوامل فرهنگی مؤثر بر شادمانی اجتماعی جوانان این شهر کدامند؟

پیشینه پژوهش

وحید، و دادهیر و فرنام (۱۳۹۳) در تحقیقی نشان داده‌اند که میانگین نشاط عمومی با مقدار $3/72$ به‌طور معنی‌داری در شهر اردبیل از حد متوسط بالاتر بود. همچنین کیفیت اجتماعی در این شهر در حد متوسط ارزیابی شد و رابطه بین کیفیت اجتماعی و نشاط عمومی نیز معنی‌دار بود. اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود به دنبال بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان بودند. علی‌رغم تصور عمومی، میزان تأثیرگذاری سرمایه اقتصادی بر شادی ضعیف است. سهم ضعیف سرمایه اقتصادی در تبیین شادی را می‌توان چنین توضیح داد که پول به تنهایی نمی‌تواند در شادی افراد تأثیر زیادی داشته باشد. محققان در این مورد معتقدند که اولاً، افراد خیلی زود به سطح درآمد خود عادت می‌کنند؛ ثانیاً، بیشتر مردم درآمد و دارایی خود را با درآمد و دارایی دیگران مقایسه می‌کنند؛ ثالثاً، انسان نیازهایی دارد که با پول قابل خریداری نیست. دیگر نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین شادی جوانان به لحاظ وضعیت تأهل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما بین شادی جوانان برحسب وضع فعالیت و نیز برحسب میزان تحصیلاتشان رابطه معنی‌داری مشهود است. همچنین، نتایج تحلیل دومتغیره نشان دادند که بین شادی جوانان با سرمایه اقتصادی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل چند متغیره نیز نشان دادند که اشتغال بر روی شادی جوانان تأثیرگذار است. با افزایش سرمایه اقتصادی افراد، میزان شادی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. سرمایه اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را بر روی متغیر شادی دارد. منتظری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مردم ایران» به این نتیجه رسیدند که $39/3$ درصد افراد میزان شادکامی خود را در سطح «نه کم، نه زیاد»، $35/4$ درصد افراد میزان شادکامی خود را در سطح بسیار کم / کم و تنها سه درصد افراد میزان

شادکامی خود را در سطح بسیار زیاد ارزیابی کرده بودند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که علاوه بر عوامل اقتصادی- اجتماعی از قبیل درآمد، وضعیت اشتغال و شهر محل سکونت، درک افراد از سلامت خود تأثیر بسزایی در سطح شادمانی آن‌ها داشته است (منتظری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶۷).

ربيعی (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان داده بین نگرش شغلی، چگونگی گذران اوقات فراغت، میزان مشارکت اجتماعی، روابط با همکاران، اعتقادات و رفتارهای دینی، طبقه اجتماعی، سلامت روانی و تحصیلات بانشاط اجتماعی معلمان زن رابطه معنادار وجود دارد، ولی بین سنوات خدمت، سن، میزان درآمد، وضعیت تأهل، نوع مسکن و سلامت جسمانی رابطه معنادار دیده نمی شود. همچنین میانگین نشاط اجتماعی معلمان زن از حد متوسط بیشتر بود (۲/۷ از ۴ در سطح خطای ۵ درصد). بر اساس ضریب تعیین، متغیرهای مشارکت اجتماعی، نگرش شغلی، سلامت روانی، دین داری، موقعیت اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نشاط اجتماعی معلمان زن داشته‌اند. نشاط دوست و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین عوامل مؤثر در شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه»، میزان شادکامی پاسخگویان را کمی بالاتر از حد متوسط (۴۸/۷۳) در مقابل میانگین نظری ۴۳/۵ یافتند و از بین ۲۱ متغیر مستقل منظور شده، پنج متغیر رضایت از زندگی، میزان ورزش هفتگی، میزان خوش‌بینی به زندگی، شادکامی همسر و سابقه بیماری عصبی در مجموع ۵۴ درصد شادکامی پاسخگویان را تبیین می‌کردند (نشاط دوست و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

هزارجریبی و آستین فشان (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران نشان دادند که احساس نشاط در بین ۱۸ درصد از پاسخگویان در حد کم و بسیار کم می‌باشد و در مقابل ۲۸ درصد از پاسخگویان از احساس نشاط بالایی برخوردار هستند. یافته‌های دیگر بیانگر متوسط بودن این احساس در بین اکثریت پاسخگویان است؛ به این معنی که ۵۴ درصد احساس نشاط اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که در ابتدا متغیر امید به آینده وارد معادله شده است. این متغیر به تنهایی توانسته است ۰/۳۰ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کند. با وارد کردن متغیر بعدی یعنی ارضای نیازهای عاطفی به مدل رگرسیونی، به مقدار ۰/۱۵ درصد به ضریب تعیین افزوده و کل ضریب تعیین ناشی از وجود دو متغیر امید به آینده و ارضای نیاز عاطفی ۰/۴۷ می‌رسد. با ورود متغیر مقبولیت اجتماعی به مدل رگرسیونی به میزان ۰/۶۶ درصد به ضریب تعیین اضافه شده است که در مجموع، سه متغیر امید به آینده، ارضای نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانسته‌اند ۰/۵۳۷ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند. بر اساس نتایج به دست آمده ملاحظه می‌شود احساس نشاط اجتماعی، میزان امید به آینده، میزان ارضای نیازها، نگرش مثبت به فضای اخلاق عمومی در بین پاسخگویان متوسط و در مقابل احساس همبستگی اجتماعی، احساس امنیت و احساس عدالت اجتماعی در سطح پایینی ارزیابی شده است. همچنین میزان پایداری به ارزش‌های دینی بین پاسخگویان در سطح بالایی قرار دارد. نتایج حاصل از همبستگی متغیرها بیانگر آن است که کلیه متغیرهای مستقل تحقیق به غیر از متغیر بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند. البته گفتنی است که بین احساس محرومیت اجتماعی و نشاط اجتماعی ارتباط منفی و معکوس وجود دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی مشاهده می‌شود که از بین متغیرهای تأثیرگذار، سه متغیر امید به آینده، مقبولیت اجتماعی و ارضای نیازهای عاطفی بیش از ۵۰ درصد از تغییرات و نوسانات نشاط اجتماعی را تبیین می‌کنند و بر اساس ضرایب بتا متغیر امید به آینده بالاترین همبستگی مثبت را بانشاط اجتماعی دارد. در مرتبه بعدی به ترتیب

متغیر مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازهای عاطفی و احساس عدالت اجتماعی بیشترین تأثیر خود را در افزایش نشاط اجتماعی دارند.

ربانی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیق خود به دنبال بررسی رابطه میان فرهنگ جوامع و شادمانی بودند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، میزان شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، ۵۶/۲۳ و میانگین بعد احساسی شادی ۵۹/۳۷، میانگین بعد شناختی ۵۳/۸۸ و میانگین بعد اجتماعی آن ۵۵/۴۲ بود. ارتباط سرمایه فرهنگی و شادی نیز ارتباطی مستقیم بود که این ارتباط در بعد شناختی و سپس در بعد احساسی و در نهایت در بعد اجتماعی شادی قوی‌تر مشاهده شد. در حیطه ابعاد سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر در بعد وسایل سپس مهارت‌های فرهنگی و در نهایت مدارک فرهنگی بود؛ به‌طوری که در بعد مهارتی، مدرکی و وسایل فرهنگی، اثرگذاری بر بعد شناختی بیش از سایر ابعاد بود. در مورد رابطه دین‌داری و شادی، نتایج تحقیق حاکی از رابطه مثبت بین متغیرها بود که این ارتباط ابتدا در بعد شناختی سپس در بعد اجتماعی و در نهایت در بعد احساسی قوی‌تر مشاهده شد. در زمینه اوقات فراغت خانوادگی نتایج تحقیق حاکی از آن است که این متغیر دارای بیشترین میانگین و اوقات فراغت علمی - فرهنگی دارای کمترین میانگین است و نابرابری اوقات فراغت فرهنگی - هنری بیشترین و اوقات فراغت خانوادگی کمترین است. در مورد نحوه ارتباط ابعاد اوقات فراغت با شادی ترتیب تأثیرگذاری هر کدام از آن ابعاد بر شادی - از قوی‌تر به ضعیف‌تر - عبارت‌اند از: بعد خانوادگی، بعد تفننی و سرگرمی، بعد علمی - فرهنگی، بعد فرهنگی - هنری و بعد ورزشی. در زمینه رابطه ابعاد اوقات فراغت با ابعاد شادی نیز نتایج حاصله حاکی از آن است که بعد خانوادگی با بعد احساسی شادی، بعد تفننی با بعد اجتماعی شادی، بعد علمی - فرهنگی با بعد شناختی شادی، بعد فرهنگی - هنری با بعد شناختی شادی و بعد ورزشی اوقات فراغت با بعد احساسی شادی دارای رابطه قوی‌تری از سایر ابعاد شادی هستند.

هلیول (۲۰۰۵) در تحقیقی نشان داد که ارزش‌های غیرمادی از جمله اعتماد در محیط‌های کاری می‌تواند بر احساس شادمانی تأثیرات بسزایی را داشته باشند. به‌عنوان مثال، با یک درجه تغییر در رضایت شغلی، ده درجه به احساس شادمانی افزوده می‌گردد و در مورد کسانی که درآمد مساوی در محیط‌های کاری دارند، عوامل غیرمادی از جمله رضایت و یا اعتماد تأثیر عمیقی را بر احساس شادمانی دارد. همچنین اعتماد عمومی و اعتماد شغلی (به کارکنان دیگر، روسا و غیره) تأثیرات عمیقی بر احساس شادمانی دارند و از بین این متغیرها تأثیر اعتماد شغلی از اعتماد عمومی بیشتر گزارش شده است. توجرسن و همکاران^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقی رابطه مشارکت ورزشی و سه مؤلفه احساس شادکامی (بدن شخص، روابط کاری و اهداف) را در نمونه‌هایی از کارکنان ادارات مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که فعالیت‌های ورزشی اعضای سازمان، تأثیرات مستقیمی بر شادی آن‌ها دارد و هر چه میزان ساعاتی که آن‌ها صرف ورزش می‌کنند بیشتر است، احساس شادمانی آن‌ها نیز بیشتر بوده است. کورای^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی پیرامون رابطه وضع نامناسب حمل‌ونقل شهری، محرومیت اجتماعی و احساس شادی در شهر ملبورن استرالیا، تلاش کردند تا عوامل مؤثر بر احساس شادمانی را در استرالیا بررسی کنند. نتایج تحقیق، ۴ نوع کلیدی از مسائل حمل‌ونقل را مشخص کرده است: گروه اول که به نام گروه اختلال آسیب‌پذیر زیان‌دیده مشهورند، کسانی هستند که در مورد میزان

1. Thøgersen et al

2. currie

شادی نگرانی بیشتری دارند و نسبت به بقیه نیازمند توجه بیشتری هستند. این تحقیق رابطه‌ای قوی میان چگونگی حمل و نقل شهری، محرومیت نسبی و احساس شادی یافته است. مک اسکات و همکارش^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی موضوع احساس شادمانی را در توریسم مورد بررسی قرار دادند- تعدادی از تحقیقات اخیر بر رابطه میان توریسم و کیفیت زندگی متمرکز شده‌اند. نتایج نشانگر آن است که توریسم با شرایط مذکور، دارای میزان شادی کمتری نسبت به عموم مردم هستند. آناند^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی که در آرژانتین به مرحله اجرا درآمد، مدلی در مورد شادی مدلی ارائه نمودند که در آن متغیرهایی از جمله رضایت از زندگی، تجانس، عدم تجانس اجتماعی به عنوان متغیرهای پنهان مدل معرفی شده‌اند. درآمد و متغیرهای اقتصادی- اجتماعی در این تحقیق بر شادمانی تأثیرگذار بوده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که یکدلی^۳، ارزش خود، اهداف شخصی، امنیت و استرس از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت از زندگی هستند و رضایت از زندگی نیز تأثیر بسزایی بر شادی افراد بر جای می‌گذارد- یعنی این تأثیر غیرمستقیم است.

چارچوب نظری پژوهش

فور دایس (۱۹۹۷) از صاحب نظران روانشناسی شادی مجموعه‌ای با عنوان برنامه شادمانی که دارای اصول چهارده‌گانه می‌باشد، ارائه داده است. فور دایس ضمن اینکه عوامل مختلف از جمله: ژنتیک، شخصیت، ثروت، موقعیت اجتماعی، تحصیلات و سایر عوامل را در میزان شادمانی مؤثر می‌داند، ویژگی‌های خاصی را در فرد موجب اکتساب شادی می‌داند.

در علم روانشناسی اغلب عواطف و احساسات را پدیده‌ای کلی و دارای پایه و اساس زیست‌شناختی می‌دانند، اما به تازگی شماری از روانشناسان که دارای رویکرد فرهنگی می‌باشد بر نقش حیاتی مفاهیم عمومی و عادات کلی در کارها و امور روزمره در شکل‌دهی عواطف و احساسات تأکید نموده‌اند. این مفاهیم و عادات در واقع روش‌های زندگی بومی را تشکیل می‌دهند که به‌طور کلی فرهنگ را تعریف می‌کنند. به عقیده این دسته از نظریه‌پردازان، عواطف، نتیجه و پیامد مستقیم مکانیسم‌های روان‌شناختی یا عصبی نیستند، بلکه همیشه در بافت فرهنگی خاص قرار داده و گنجاینده شده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که عواطف و احساسات، سرشار از معانی و مفاهیم فرهنگی می‌باشند. این تحلیل به این نکته اشاره می‌کند که برای مثال، معنا و مفهوم شادی در فرهنگ‌های مختلف تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. بنابراین افراد در فرهنگ‌هایی مختلف، وقایع و تجارب کاملاً متفاوتی را به عنوان مصادیق شادی طبقه‌بندی می‌کنند. به‌طور خاص در فرهنگ‌های اروپایی- آمریکای شمالی مانند فرهنگ طبقه متوسط جامعه آمریکایی، اعتقاد شدیدی به کسب استقلال و عدم وابستگی فردی وجود دارد و شادی در فرهنگ اروپایی- آمریکایی به شدت به اثبات خصوصیات مثبت فرد وابسته است. در مقابل در فرهنگ‌های آسیای شرقی، فرضیه متضادی در مورد ارتباط و هم‌بستگی متقابل افراد با یکدیگر وجود دارد. هویت فرد بر اساس فرضیه موجود در مورد هم‌بستگی متقابل افراد تعیین می‌شود و افراد برای انطباق دادن و سازگار کردن خود با توجه به روابط اجتماعی مناسب، انگیزه بالایی دارند. شادی

1. Mc, Scott, Johnson, Sarah
2. Anand
3. empathy
4. self worth

و فرهنگ در فرهنگ‌های آسیای شرقی احتمالاً تا حد زیادی به تحقق برقراری روابط اجتماعی مثبت بستگی دارد که فرد بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. (کتیاما^۱ و همکاران، ۲۰۰۴ به نقل از الیاسی ۱۳۸۵)

بورديو^۲ سرمایه فرهنگی را شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب تعریف می‌کند (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۹). او مدعی است که افراد می‌توانند موقعیت مربوط به طبقه اجتماعی خویش را نه تنها با مالکیت سرمایه اقتصادی (ثروت / رفاه) که با دارا بودن آنچه وی سرمایه فرهنگی می‌نامد، بهبود بخشند. دلالت سرمایه فرهنگی از نظر بورديو، به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادت‌ها و طبع‌های فرهنگی شامل دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و سبک زندگی است. انتقال سرمایه اقتصادی از نسلی به نسل دیگر و از طریق ارث و میراث صورت می‌گیرد، درحالی‌که انتقال سرمایه فرهنگی امری پیچیده‌تر است. مفهوم کلیدی این فرآیند، مفهومی است که بورديو عادت واره قالب ماندنی از حساسیت‌ها، ارج شناسی‌ها و کنش‌ها می‌نامد (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۶).

سرمایه فرهنگی^۳ به شیوه‌های فرهنگی خاصی که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی در افراد تثبیت شده، اشاره دارد و نیز ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لوازم فرهنگی را در برمی‌گیرد. کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موفقیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف از قبیل کتاب، روزنامه، سینما و انواع ورزش‌های خاص طبقات بالای اجتماعی مانند اسب‌سواری، گلف و مانند آن را موجب می‌شود. درواقع، استفاده‌کنندگان از سرمایه فرهنگی در قشر بندی اجتماعی، در طبقه بالای اجتماع قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، دارندگان امتیازات اقتصادی که در طبقه بالای جامعه قرار دارند، به راحتی به ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. همچنین، سرمایه فرهنگی در اشکال مختلف وجود داشته و شامل تمایلات و عادات دیرینه‌ای است که در فرایند انباشت اشیای فرهنگی با ارزش مثل نقاشی و صلاحیت‌های تحصیلی و آموزش رسمی، حاصل آمده است. (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۹)

دین و مذهب به واسطه کارکردهای متعددی که دارد می‌تواند بر شادی افراد مؤثر واقع شود. مثلاً مذهبی بودن می‌تواند به عنوان مانعی در مقابل فشار روانی عمل کند و آثار زیان‌بار آن را برطرف نماید که این موضوع در نهایت به ظهور احساسات و هیجانات مثبت منجر می‌شود. الیسون (۱۹۹۱) با اتکا به داده‌های پژوهش خود در ایالات متحده آمریکا، این نتیجه را اعلام کرده که یک ارتباط مستقیم و قابل توجه بین مذهبی خاص و شادی افراد وجود دارد. (عابدی، ۱۳۸۱: ۹۴) سلیگمن نیز معتقد است که مذهب دست‌کم به دو طریق در افزایش سطح نشاط مؤثر است: نخست اینکه مذهب ارائه‌دهنده یک نظام منسجم اعتقادی است که به انسان این امکان را می‌دهد تا برای زندگی به جست‌وجوی معنی بپردازد و برای آینده امید بیابد؛ دوم اینکه نظام‌های اعتقادی مذهبی کمک می‌کند تا فرد دلایل قابل قبول و دست‌کم آرامش‌بخشی را برای توجیه ناکامی‌ها، شکست‌ها و مصائب زندگی خود بیابد؛ سوم این که افرادی که واقعاً مذهبی هستند و عنصر مذهب در اعتقادات آن‌ها نیرومند است، گرایش کمتری نسبت به انحرافات دارند و رفتارهای نیکو، جامعه‌پسند و انسان دوستانه بیشتری انجام می‌دهند. (شهیدی، ۱۳۸۸: ۶۵)

1. kitayama
2. Bourdieu
3. Cultural capital

به نظر دورکیم دین در افراد، حس وظیفه‌ای اخلاقی ایجاد می‌کند که از طریق آن فشار اجتماع محترمانه‌ای را احساس کنند که آنان را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وادار می‌کند. مناسک دینی به افراد انضباط شخصی و زهدگرایی را که از ضروریات زندگی اجتماعی است، می‌آموزند و به‌این ترتیب آنان را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کنند مراسم دینی مردم را گرد هم جمع می‌کند و از این رو، پیوندهای مشترک آن‌ها را تثبیت و انسجام اجتماعی را تقویت می‌نماید. اعضای جامعه از طریق مراسم دینی از میراث اجتماعی خود عمیق آگاه می‌شوند و اصلی‌ترین عناصر وجدان جمعی زنده می‌ماند. سرانجام این که دین در پیروانش احساس خوش سعادت و خوشبختی اجتماعی را به وجود می‌آورد و در نتیجه احساس ناکامی، بی‌ایمانی و تردید را از دل آنان می‌زداید. فایده بی نهایت ارزشمند مراسم و مناسک دینی برای هر گروه این است که پیامدهای مخرب اضطراب و شکست و ناکامی را که همه افراد و جوامع در معرض آن هستند، کاهش می‌دهد.

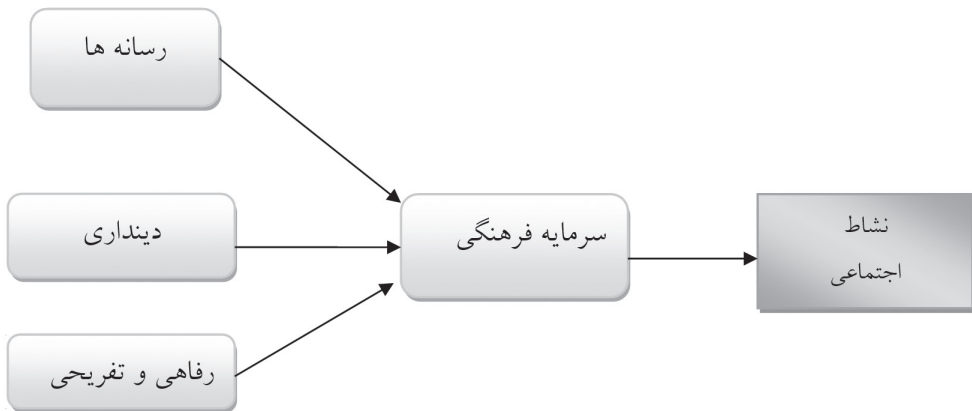
در مورد وضعیت رفاهی و تفریحی و ارتباط آن با نشاط اجتماعی باید گفت که به‌طور کلی رابطه مستقیم بین قدرت خرید افراد و شادی در کشورهای متعدد گزارش شده است. البته این توضیح لازم است که ثروت، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، باعث شادی واقعی نمی‌شود و به نظر می‌رسد افراد خود را با دیگران مقایسه می‌کنند. کسانی که قدرت خرید بالاتر دارند، بیشتر احساس رضایت می‌کنند و کسانی که قدرت خرید پایین دارند، بیشتر احساس نارضایتی می‌کنند. (شهیدی، ۱۳۸۹: ۶۶ - ۶۵) مردم پول را برای چیزها یا فعالیت‌هایی خرج می‌کنند که دوست دارند و گمان می‌برند که آن‌ها ارضا کرده یا برای آن‌ها لذت‌آور است. بعضی از مردم پول را برای غذا یا سایر نیازهای اساسی و برخی نیز برای انواع تفریحات خرج می‌کنند. (آرگایل، ۱۳۸۲: ۳۸ - ۲۲) پول و ثروت در حد رفع نیاز اولیه و اساس یک زندگی راحت برای خوشبختی و شادی لازم است (البته نه در همه افراد) ولی کافی نیست و افزایش بیشتر ثروت نه تنها میزان خوشبختی را افزایش نمی‌دهد، بلکه خود مخرب و آفت خوشبختی و شادی است - کمتر ثروتمندی است که به دلیل داشتن پول و اموال بیشتر، احساس خوشبختی ماندگار و مؤثرتری داشته باشد (سادتیان، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

تفریح می‌تواند افراد را شاد کند و از آنجاکه تفریح برخلاف ارتباطات، شغل و شخصیت ماتحت کنترل ماست و به راحتی می‌تواند تغییر کند، اهمیت زیادی دارد. افراد بیکار وقت زیادی را بدون آنکه کار خاصی انجام دهند، تلف می‌کنند و این با ناشادمانی آن‌ها ارتباط دارد. تفریح ممکن است موجب شادی گردد، چون بسیاری از انواع تفریحات سبب ارضای نیازهای اجتماعی مختلف می‌شوند. تعدادی از این نیازهای اجتماعی شامل نیاز برای پذیرفته شدن، ارتباط نزدیک، تسلط داشتن و قدرت، مقام و شهرت، نوع دوستی، رقابت و همکاری می‌باشد. افراد بر اساس الگوهای فردی، نیازهای اجتماعی شدن، شکل‌هایی از تفریح را انتخاب می‌کنند که در آن‌ها این نیازها برآورده شود. نمایشنامه، سیاست، تیس، مسابقات تیمی، گروه‌های مذهبی همگی نیازهای اجتماعی متفاوتی را برآورده می‌سازند. (آرگایل، ۱۳۸۲: ۲۳۰) نظریات تئوری فعالیت بر این امر تأکید می‌کنند که نشاط از طریق فعالیت‌های اجتماعی، روابط متقابل، فعالیت‌های اوقات فراغت و یا برخی فعالیت‌های خاص دیگر حاصل می‌شود، زیرا انسان‌ها با انجام فعالیت‌های متقابل اجتماعی و دیگر عوامل اجتماعی، یکدیگر را پاداش می‌دهند و رابطه بین خودشان را قوت می‌بخشند. (فورنهام و چن، ۲۰۰۰: ۲۳۹) شخص از طریق رسانه‌های جمعی، شهروند واقعی یک اجتماع خواهد بود، چرا که می‌تواند خود را به جای

دیگری قرار دهد، احساسات او را از آن خود سازد و در غم و شادی دیگران سهیم شود. او چون می‌داند اقدامی خاص چه انعکاسی روانی خواهد داشت، از انجام آن دست بر می‌دارد. رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع و تعیین کننده هستند که نقش رهبری مخاطبان و شهروندان را برعهده دارند. در این میان، در سال‌های اخیر فضای مجازی هم به عاملی برای تخریب نشاط و امید اجتماعی تبدیل شده است. فضای مجازی گرچه سرمایه بزرگی برای انسجام اجتماعی و گسترش آگاهی‌ها و بلوغ اجتماعی است، اما وقتی بدون آگاهی از نحوه استفاده به دست شهروندانی می‌افتد که فقط برای شهرت یا قدرت، هر خبر و تحلیلی را - بدون آن که دقت کنند که چه آسیبی به نشاط اجتماعی می‌زند- در آن منتشر می‌کنند می‌تواند ضد امید عمل کند. (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۲).

بر اساس مبانی نظری، چهار متغیر فرهنگی ۱- دین‌داری ۲- رسانه‌های جمعی ۳- وضعیت رفاهی و تفریحی ۴- سرمایه فرهنگی در زمینه نشاط اجتماعی مشخص و انتخاب شدند.

مدل نظری پژوهش



روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی است، از نظر وسعت، پهنانگر (شهر اصفهان) و از نظر زمان، مقطعی (۹۶-۱۳۹۵) است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه افراد ۱۵ تا ۲۹ سال ساکن در مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان (۵۲۲۶۰۹ نفر) است. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۶۰۰ نفر برآورد گردید. با توجه به اینکه جمعیت جوانان شهر اصفهان ۵۲۲۶۰۹ نفر بود، لذا نسبت (n/N) کمتر از ۵ درصد بود و نیازی به تصحیح فرمول نبود. بنابراین، از فرمول یک مرحله‌ای استفاده شد.

$$p \text{ \& } q = 0 / 5$$

$$t = 1 / 96$$

$$d = 0 / 04$$

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{(1 / 96)^2 (0 / 5)(0 . 5)}{(0 / 04)^2} = 600$$

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، سهمیه‌ای متناسب با حجم و سپس اتفاقی بوده است. بر این اساس در تحقیق حاضر، محقق ابتدا نقشه مناطق شهری را با تقسیم‌بندی شهر به دست آورد. سپس مناطق ۱۵ گانه برحسب اطلاعات معاونت پژوهش شهرداری اصفهان با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، خدمات شهری و امکانات رفاهی به ۳ طبقه برخوردار، نیمه برخوردار و کم برخوردار تقسیم گردید. سپس از درون هر منطقه، خیابان‌هایی به روش سهمیه‌ای متناسب انتخاب شد. در مرحله بعد از هر منطقه، کتابخانه یا محله‌هایی گزینش و در مرحله آخر پاسخگویانی به صورت اتفاقی انتخاب شدند.

در این تحقیق، ابزار مورد استفاده در جمع‌آوری مبانی نظری تحقیق، فیش، بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری بود. همچنین ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده‌های آماری، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق بود که بر اساس پیشینه و ادبیات تحقیق تدوین شدند. به منظور سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار محتوایی استفاده شد. پس از بررسی و مطالعه و فیش‌برداری از کتاب‌ها و سایر منابع مکتوب و پژوهش‌های مرتبط با موضوع، پرسش‌های مختلفی طرح گردید و با مرور و بازبینی آن‌ها و نظر اساتید محترم تا میزان زیادی از اعتبار آنها اطمینان حاصل شد. برای محاسبه قابلیت اعتماد پرسشنامه بر مبنای تکنیک هماهنگی درونی گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آلفا در جدول ۱ ارائه گردید.

جدول ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

شاخص آماری	شادمانی	سرمایه فرهنگی	دین‌داری (رفتارها و باورهای دینی)	رسانه‌های جمعی	وضعیت رفاهی و تفریحی
تعداد سؤالات	۲۹	۴	۶	۵	۴
مقدار الفا	۰/۸۵۰	۰/۷۹۰	۰/۸۴۳	۰/۹۳۱	۰/۷۵۴

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نشاط اجتماعی

وینهوون (۱۹۹۳) جامع‌ترین و درعین حال، عملیاتی‌ترین تعریف را از شادمانی ارائه کرده است. بر اساس این تعریف، شادمانی به درجه یا میزان قضاوت شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادمانی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱: ۵۱).

برای اندازه‌گیری نشاط، روش‌های گوناگونی به کار برده شده است که از آن میان، پرسشنامه شادکامی آکسفورد جایگاه ویژه‌ای دارد و در چندین پژوهش به کار رفته است. این ابزار در سال ۱۹۹۰ توسط آرگایل و لو تهیه شده است. در این تحقیق نیز برای اندازه‌گیری میزان نشاط افراد از پرسشنامه شادکامی آکسفورد اقتباس شده و نمره‌ای که فرد در این پرسشنامه گرفته، بیانگر میزان نشاط وی است. نشاط اجتماعی در پنج بعد ۱- رضایت از زندگی (۶ گویه) ۲- رضایت از خود (۶ گویه) ۳- حرمت نفس (۶ گویه) ۴- انرژی مثبت (۵ گویه) ۵- خلق مثبت (۶ گویه) و به‌طور کلی، با ۲۹ گویه در مقیاس طیف لیکرت سنجیده شده است.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی عبارت است از: قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی که در هر فرد، دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود. (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). در سنجش متغیر «سرمایه فرهنگی» از چهار پرسش و بر اساس طیف لیکرت بر روی یک پیوستار خیلی کم تا خیلی زیاد استفاده گردید.

۱. چقدر داشتن مدرک دانشگاهی برای شما یا فرزندان شما دارد؟
۲. در منزل چه تعداد آثار هنری از قبیل نقاشی، مجسمه، تابلو فرش و... اصل و باکیفیت دارید؟
۳. چقدر در طول هفته به مطالعه کتاب‌های غیردرسی و مجلات و یا روزنامه‌ها می‌پردازید؟
۴. چقدر در طول یک سال به موزه، گالری‌ها و نمایشگاه‌های هنری (نقاشی، عکاسی، مجسمه‌سازی، خوشنویسی و...) می‌روید؟

دین‌داری

دین‌داری، صفتی است فردی که در آن فرد بر الگوها و دستورات یک دین پایبند است و نگرش خاصی به هستی پیدا می‌کند و شخصیت و کنش‌هایش متمایز از دیگران می‌شود. در جای دیگری، داشتن اهتمام دینی که نگرش و گرایش و کنش‌های فرد را متأثر می‌سازد را دین‌داری گویند (شجاعی زند، ۱۳۸۶: ۸۹). در سنجش متغیر دین‌داری (رفتارها و باورهای دینی) از ۶ گویه زیر بر اساس طیف لیکرت بر روی یک پیوستار کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم استفاده گردید.

۱. می‌دانم خدایی وجود دارد و هیچ شکی در آن ندارم. (اعتقاد به وجود خداوند)
۲. اطاعت از حضرت محمد (ص) و امامان معصوم (ع) به‌ویژه امام زمان (عج) اطاعت از خداست.
۳. قرآن کلام خداوند است و هرچه می‌گوید حقیقت محض است.
۴. حلال یا حرام بودن لقمه برای من اهمیت دارد.
۵. نمازخواندن و روزه گرفتن.
۶. شرکت در مجالس سخنرانی و روضه و عزاداری و یا اعیاد اسلامی اهل بیت (ع).

رسانه‌های جمعی

رسانه‌های جمعی شامل کلیه مراکز اطلاع‌رسانی به آحاد مردم مانند صداوسیما، روزنامه‌ها، مجلات اطلاع‌رسانی و علمی و سایت‌های اینترنتی می‌باشند. (گیوریان، ۱۳۹۱: ۱۳۷)

در این پژوهش از پنج گویه زیر برای سنجش نقش رسانه‌های جمعی در نشاط اجتماعی استفاده شده است.

۱. رسانه‌های جمعی در تولید برنامه‌های شاد و مفرح برای مردم موفق بوده‌اند.
۲. برنامه‌های جنگ، طنز و... شبکه‌های سراسری جذاب می‌باشند.
۳. از برنامه‌های شبکه‌های استان رضایت دارم و به نظرم جذاب می‌باشند.
۴. با دیدن برنامه‌های طنز رسانه‌ها لبخند می‌زنم و احساس خوبی پیدا می‌کنم.
۵. برنامه‌های رسانه‌های جمعی نشان می‌دهند که با کمترین امکانات مالی هم می‌توان شاد و پر نشاط زندگی کرد.

وضعیت رفاهی و تفریحی

برای سنجش متغیر «وضعیت رفاهی و تفریحی» از ۴ مؤلفه بر اساس طیف لیکرت استفاده گردید.

۱. داشتن امکانات بهداشتی خوب در خانه؛
۲. دوست داشتن تفریحات و مسافرت‌های متعدد؛
۳. داشتن امکانات رفاهی و تفریحی خوب در خانه؛
۴. رفتن به مسافرت‌های متعدد.

یافته‌های پژوهش

درجه‌بندی مقیاس شادمانی انجام و در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تعداد (۷۵/۵ درصد) در حد متوسط شادمان هستند و حدود ۴ درصد نیز نگران و خیلی نگران بودند. حدود ۲۰ درصد نیز شاد و خیلی شاد بودند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شادمانی

شادمانی	فراوانی	درصد	درصد خالص
نگران و خیلی نگران	۲۴	۴/۰۰	۴/۳
متوسط	۴۱۷	۶۹/۵۰	۷۵/۵
شاد و خیلی شاد	۱۱۱	۱۸/۵۰	۲۰/۱
جمع	۵۵۲	۹۲	۱۰۰
بدون پاسخ	۴۸	۸/۰۰	
جمع	۶۰۰	۱۰۰	

جدول ۳: معیارهای آماری متغیرهای پژوهش (تعداد = ۶۰۰)

شاخص آماری	شادمانی	سرمایه فرهنگی	دین‌داری (رفتارها و باورهای دینی)	رسانه‌های جمعی	وضعیت رفاهی و تفریحی
میانگین	۵۰/۳۲	۲/۳۳	۳/۹۱	۳/۵۳	۴/۰۳
انحراف معیار	۱۰/۱۸	۰/۵۲	۰/۵۹	۰/۸۸	۰/۸۱

در جدول ۳، میانگین و انحراف معیار سازه‌های (متغیرهای کمی) پژوهش محاسبه و ارائه شده است. میانگین مقیاس شادمانی ۵۰/۳۲ بوده که از امتیاز متوسط شادمانی بیشتر است و می‌توان گفت شادمانی نمونه مورد مطالعه تقریباً بیشتر از حد متوسط بوده است. ۴۰ میانگین و انحراف معیار سازه‌های (متغیرهای کمی) پژوهش محاسبه و ارائه شده است. بیشترین میانگین با مقدار ۴/۰۳ مربوط به نگرش به سازه «وضعیت رفاهی و تفریحی» است و مقداری بسیار بیشتر از حد متوسط را نشان می‌دهد. کمترین میانگین با مقدار ۲/۳۳ مربوط به نگرش به سازه «سرمایه فرهنگی» است و مقداری کمتر از حد متوسط را گزارش می‌دهد. انحراف معیارها نیز به هم نزدیک هستند و نشانه دقت هم‌اندازه در مقادیر می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون (تعداد = ۶۰۰)

متغیر وابسته شادمانی				
متغیر	سرمایه فرهنگی	دین داری (رفتارها و باورهای دینی)	رسانه های جمعی	وضعیت رفاهی و تفریحی
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۷۰	۰/۳۸۹	۰/۴۷۰	۰/۴۳۳
سطح معنی داری (P)	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

با توجه به میزان ضریب همبستگی پیرسون می توان گفت سرمایه فرهنگی و رسانه های جمعی و وضعیت رفاهی و تفریحی ساکنان شهر اصفهان با شادمانی آن ها ارتباط مثبت (مستقیم) دارد و شدت همبستگی در حد متوسط است؛ یعنی با بهبود وضعیت رفاهی و تفریحی، برنامه های رسانه های جمعی و افزایش سرمایه فرهنگی و دین داری (رفتارها و باورهای دینی) شادمانی نیز افزایش می یابد.

جدول ۵: نتایج آزمون خی دو رابطه بین جنسیت، سن، تاهل، تحصیلات و شغل (تعداد = ۶۰۰)

شادمانی (گروه بندی شده)					
متغیر	شاخص آماری				
	جنسیت	سن	تاهل	تحصیلات	شغل
مقدار آماره خی - دو	۴۱/۱۲	۲۲/۰۷	۳/۹۲	۲۲/۰۷	۴۴/۰۹
درجه آزادی	۳	۶	۳	۶	۶
سطح معنی داری (p)	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۶۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

در جدول ۵ با توجه به اینکه $p < ۰/۰۵$ است، بین جنسیت، سن، تحصیلات و شغل ساکنان شهر اصفهان و شادمانی رابطه وجود دارد. از جداول فراوانی متقاطع می توان گفت، مردها شادمان تر از زن ها، پاسخگویان با سنین پایین تر شادمان تر از پاسخگویان با سنین بالاتر، پاسخگویان با تحصیلات متوسطه و دیپلم شادمان تر از پاسخگویان با سایر تحصیلات هستند. همچنین، پاسخگویان با مشاغل هنری و فرهنگی شادمان تر هستند و پاسخگویان مجموعه بیکار، کارگر ساده، کشاورز و دامدار و راننده و امور خدماتی، شادمانی کمتری دارند. لازم به ذکر است با توجه به اینکه سطح معنی داری کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد، لذا بین وضعیت تاهل ساکنان شهر اصفهان و شادمانی آن ها رابطه وجود ندارد.

جدول ۶: نتایج آزمون T در تعیین تفاوت در شادمانی برحسب توانایی مسافرت های خارجی

توانایی مسافرت های خارجی	تعداد	میانگین شادمانی	انحراف معیار	آماره F	P
دارند	۱۰۷	۵۵/۸۵	۱۳/۷۵	۴/۸۴	۰/۰۰۱
ندارند	۴۸۱	۴۹/۱۲	۸/۹۰		

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد بین شادمانی پاسخگویانی که توانایی مسافرت‌های خارجی دارند و پاسخگویانی که توانایی مسافرت‌های خارجی ندارند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ($p < 0.05$) بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد کسانی که توانایی مسافرت‌های خارجی دارند، شادمان‌تر از کسانی هستند که توانایی مسافرت‌های خارجی ندارند.

جدول ۷: آزمون F در تعیین تفاوت در شادمانی برحسب میزان درآمد خانواده

میزان درآمد خانواده	تعداد	میانگین شادمانی	انحراف معیار	آماره F	P
کمتر از یک میلیون تومان	۱۶۴	۴۸/۸۴	۶/۹۸	۲۱/۴۵	۰/۰۰۱
یک تا دو میلیون تومان	۱۷۹	۴۹/۹۹	۱۰/۱۳		
دو میلیون و ده هزار تا سه میلیون تومان	۹۳	۴۶/۱۱	۶/۰۹		
سه میلیون و ده هزار تا چهار میلیون تومان	۵۶	۵۲/۱۸	۱۱/۰۸		
چهار میلیون و ده هزار تا پنج میلیون تومان	۴۸	۵۳/۷۵	۱۴/۳۳		
پنج میلیون و ده هزار تا شش میلیون تومان	۳۰	۶۶/۸۰	۱۲/۱۶		
بیش از شش میلیون تومان	۲۴	۴۷/۲۵	۵/۰۸		

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری کمیت F در بررسی شادمانی ساکنان شهر اصفهان به برحسب میزان درآمد خانواده از خطای ۵ درصد کمتر است و لذا فرض صفر رد می‌شود و تفاوت در شادمانی ساکنان شهر اصفهان به برحسب میزان درآمد خانواده تأیید می‌گردد؛ یعنی افرادی که درآمد خانواده‌شان پنج میلیون و ده هزار تا شش میلیون تومان در ماه است، بیشتر از سایر پاسخگویان دارای شادمانی هستند.

جدول ۸: نتایج برآورد مدل رگرسیون به روش هم‌زمان (متغیر وابسته: شادمانی ساکنان شهر اصفهان)

متغیر	ضریب استاندارد (بتا)	خطای معیار	آماره t	P	هم خطی VIF
سرمایه فرهنگی	۰/۲۸۲	۰/۸۷۷	۲/۲۶	۰/۰۲۴	۱/۲۶
دین‌داری	۰/۳۵۱	۱/۰۵۱	۲/۸۶	۰/۰۰۴	۲/۲۹
رسانه‌های جمعی ^۱	۰/۳۴۱	۰/۳۷۲	۳/۲۱	۰/۰۰۱	۱/۳۶
وضعیت رفاهی و تفریحی	۰/۳۲۳	۰/۶۸۸	۲/۷۹	۰/۰۰۵	۱/۸۵
R^2 (۰/۲۸۹) ضریب تعیین			$Adj R^2$ (۰/۲۸۸) ضریب تعیین تعدیل شده		
آماره دوربین واتسون (۱/۸۹)			آماره F و سطح معنی‌داری (۵/۸۱ و ۰/۰۰۱)		

۱. هرچقدر آماره تی بیشتر باشد، نشان از بیشتر بودن تفاوت میانگین دارد و به همین دلیل مقدار پی به کمترین میزان خود می‌رسد. به عبارت دیگر، بالا بودن مقدار تی برابر با کاهش مقدار پی خواهد بود.

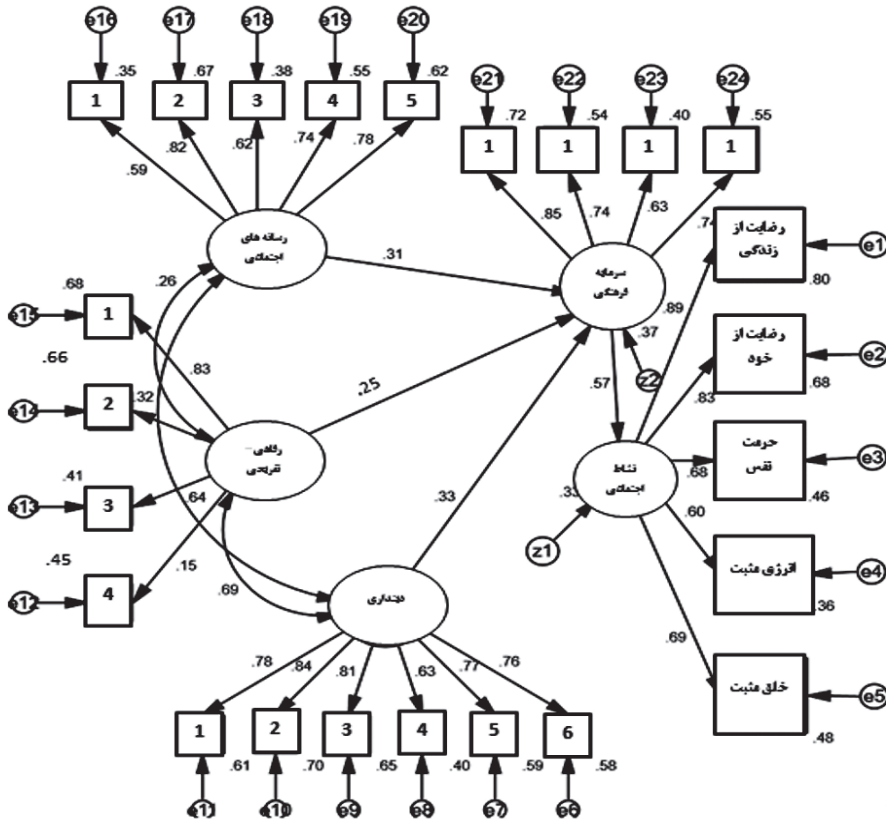
نتایج مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد که ضرایب کلیه متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی برازش شده، در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار هستند ($p < ۰/۰۵$). لذا می‌توان گفت متغیرهای سرمایه فرهنگی، دین‌داری، رسانه‌های جمعی و وضعیت رفاهی و تفریحی ساکنان شهر اصفهان بر شادمانی آن‌ها تأثیر دارند و مقدار و علامت ضرایب بیانگر اثر مستقیم (غیرمستقیم) متغیرهای مذکور، بر شادمانی ساکنان شهر اصفهان می‌باشد. بیشترین اثر مربوط به دین‌داری و کمترین اثر مربوط به سرمایه فرهنگی می‌باشد.

ضریب تعیین (R^2) درصد تغییرات کل متغیرهای مستقل (سرمایه فرهنگی، دین‌داری، رسانه‌های جمعی، وضعیت رفاهی و تفریحی) بر شادمانی ساکنان شهر اصفهان را که از طریق مدل رگرسیون توضیح داده شده است، بیان می‌کند. با توجه به جدول ۸ مشاهده می‌شود که ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۸۹ است که نشان می‌دهد حدود ۲۸/۹ درصد تغییرات شادمانی ساکنان شهر اصفهان از طریق مدل رگرسیونی با متغیرهای مستقل (سرمایه فرهنگی، دین‌داری، رسانه‌های جمعی، وضعیت رفاهی و تفریحی) توضیح داده شده است.

مدل معادلات ساختاری

برای رسم مدل نهایی، از رویکرد یک مرحله‌ای استفاده گردید. بخش ساختاری مدل حاکی از آن است که مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مدل تایید شده است. بالاترین تأثیر را سرمایه فرهنگی بر نشاط اجتماعی با ضریب (۰/۵۷) داشته است. تمامی متغیرهای تحقیق دارای اثر مثبت و غیرمستقیم بر روی نشاط اجتماعی بوده‌اند. بیشترین اثر غیرمستقیم بر نشاط اجتماعی از طریق سرمایه فرهنگی مربوط به متغیر دین‌داری با ضریب (۰/۳۳) می‌باشد. متغیر رسانه‌های اجتماعی از طریق سرمایه فرهنگی بر نشاط اجتماعی اثرگذار است. همچنین وضعیت رفاهی - تفریحی از طریق سرمایه فرهنگی نیز بر نشاط اجتماعی اثرگذار می‌باشد. شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح‌شده با داده‌های مشاهده‌شده و اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. اغلب شاخص‌های تطبیقی مدل نیز مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را نشان می‌دهند که به معنای توان مدل از فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع‌شده بر مبنای معیارهای تعریف‌شده برای آن‌هاست. از آنجا که معیارهای $GFI = ۰/۹۱$ ، $TLI = ۰/۹۴$ و $IFI = ۰/۹۲$ نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیار $RMSEA = ۰/۰۶$ ، بیانگر عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است.

P	AGFI	RMSEA	GFI	IFI	NFI	TLI	DF/CMIN
۰/۱۲۳	۰/۹۳	۰/۰۶	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۴	۲/۴



1

بحث و نتیجه گیری

یکی از موضوع های مهمی که در دنیای امروز توجه بسیاری را به خود جلب کرده، بحث بهزیستی ذهنی و سرزندگی است. احساس سرزندگی با شادکامی ارتباط نزدیکی دارد. شادی، نوعی هیجان است که تأثیر ژرفی بر سازوکارهای جسمانی، شناختی و روانی مکانیزم انسانی دارد و عملکرد آدمی را در زمینه های مختلف بهبود می بخشد. (الیاسی، ۱۳۸۵: ۱۶) اولین پژوهش تجربی در مورد شادمانی در سال ۱۹۱۲ در بین دانش آموزان انگلیسی در یک مدرسه پسرانه انجام شد. در توضیح چنین تحولی در زمینه شادمانی باید گفت در قرن بیستم موضوع شادمانی و نشاط به عنوان یکی از موضوعات مورد بررسی جامعه شناسان، روانشناسان و اقتصاددانان مطرح گردیده است. بسیاری از تحقیقاتی که در زمینه نشاط انجام شده، کیفیت زندگی افراد را مورد بررسی قرار داده است، زیرا کیفیت زندگی مربوط به زندگی خوب می شود و زندگی خوب نیز باعث شادمانی و نشاط در افراد می گردد (گنجی، ۱۳۸۷: ۱۹).

درواقع، پرداختن به موضوع نشاط اجتماعی به این دلیل اهمیت دارد که توفیق هر جمع و جامعه ای به نیروهایی بستگی دارد که خود را قبول دارند، خوشحال هستند و دور از سستی و افسردگی زندگی می کنند. برنامه ریزی

برای هر جامعه نیازمند شناخت وضعیت نشاط اجتماعی است. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در ابعاد خانواده‌ها، باورها و ارزش‌ها، شکاف نسلی و حاکمیت ماشین بر زندگی انسان‌ها ضروری است تا روابط بین نشاط اجتماعی و تغییرات فرهنگی اجتماعی و روانی سنجیده شود. چه بسا مدیران جامعه بتوانند به کمک افراد جامعه به ترمیم سرمایه فرهنگی و اجتماعی جامعه اقدام نمایند (فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲: ۸۸).

بر اساس یافته‌های تحقیق و با درجه‌بندی میزان شادمانی نمونه آماری (۶۰۰ نفر ساکنان شهر اصفهان) مشخص شد شادمانی بیشتر جامعه مورد مطالعه (۷۵/۵ درصد) در حد متوسط می‌باشد. آمارهای پایگاه داده‌های شادمانی در جهان در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ نیز نشان می‌دهد که ایران با نمره ۵۱ از ۱۰۰ جزو کشورهای متوسط از لحاظ شادی و در ردیف ممالکی چون فیلیپین، هند، لهستان و کرده جنوبی قرار دارد. (موسوی، ۱۳۸۵: ۴)

همچنین، احساس شادمانی نمونه آماری متوسط به دست آمد. عوامل فرهنگی بررسی شده در این تحقیق شامل سرمایه فرهنگی، دین‌داری، رسانه‌های جمعی و امکانات رفاهی و تفریحی می‌باشند که طبق نتایج تحقیق، همبستگی متوسط و مثبتی بین این متغیرها و شادمانی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش هریک از این عوامل، شادمانی در ساکنان شهر اصفهان افزایش می‌یابد.

همان‌طور که در چارچوب نظری تحقیق نیز اشاره شد، طبق اصول چهارده‌گانه فلورانس فعالیت‌های لذت‌بخش نسبت به فعالیت‌های غیر لذت‌بخش شادمانی بیشتری ایجاد می‌کنند. سرگرمی‌های سودمند، خشنودی و شادمانی بیشتری نسبت به سرگرمی‌های مبتذل ایجاد می‌کنند. عده‌ای از روانشناسان که دارای رویکرد فرهنگی می‌باشند و بر نقش حیاتی مفاهیم عمومی و عادات کلی در کارها و امور روزمره در شکل‌دهی عواطف و احساسات تأکید نموده‌اند، معتقد هستند که عواطف نتیجه و پیامد مستقیم مکانیزم‌های روان‌شناختی یا عصبی نیستند، بلکه همیشه در بافت فرهنگی خاص قرار دارند و گنجاینده شده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که عواطف و احساسات، سرشار از معانی و مفاهیم فرهنگی می‌باشند. نتایج رگرسیون در جدول ۸ نیز نشان داد متغیرهای سرمایه فرهنگی، دین‌داری، رسانه‌های جمعی و وضعیت رفاهی و تفریحی ساکنان شهر اصفهان بر شادمانی آن‌ها تأثیر دارند. بیشترین اثر مربوط به دین‌داری و بعد از آن رسانه‌های جمعی می‌باشد.

نتایج پژوهش در مورد رابطه دین‌داری و نشاط اجتماعی با تحقیقات ربانی و دیگران (۱۳۸۶)، موکرجی و براون (۲۰۰۵)، اسوین یارد، کائو و فوئا (۲۰۰۱)، سنوپ (۲۰۰۸) شارما و ماله هوترا (۲۰۱۰) همسو می‌باشد که در این پژوهش‌ها سطح دین‌داری بر نشاط اجتماعی تأثیر مثبت داشته است. نوریس و اینگلهارت در این زمینه استدلال کرده‌اند که مذهب نوعی احساس قابل پیش‌بینی بودن امور و رخدادها و احساس امنیت را بخصوص در شرایط عدم وجود امنیت برای افراد فراهم می‌آورد و بدین طریق برافزایش نشاط تأثیر می‌گذارد (نوریس و اینگلهارت، ۱۳۸۷). سلیگمن نیز بر نقش مذهب در معنا بخشیدن به زندگی افراد و همچنین آرامش بخشیدن در هنگام ناکامی‌ها، شکست‌ها و مصائب زندگی اشاره می‌کند. الیسون (۱۹۹۱) یک ارتباط مستقیم و قابل توجه بین مذهبی خاص و شادی افراد تعریف کرده و سلیگمن (۲۰۰۲) معتقد است که مذهب دست‌کم به سه دلیل در افزایش سطح بهتر زیستی انسان اهمیت دارد.

همچنین، یافته‌ها در مورد رابطه رسانه‌های جمعی و نشاط اجتماعی با تحقیق افشانی (۱۳۹۲) مطابقت دارد که طی آن پژوهش نیز بین میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی و میزان نشاط اجتماعی رابطه معنادار و

مستقیم وجود داشت و مشخص شده بود که هر چه بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی افزایش پیدا می‌کند، میزان نشاط اجتماعی هم افزایش پیدا می‌کند.

البته سطح امکانات رفاهی و تفریحی افراد و یا خانواده‌ها تحت تأثیر وضعیت اقتصادی می‌باشد؛ به‌طوری‌که نتایج تحقیق نیز در جدول ۷ نشان داد بین درآمد افراد و شادمانی نیز تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین شادمانی افراد با درآمد بالاتر بیشتر است. نتایج تحقیق منتظری و همکاران در سال ۱۳۹۱ نیز نشان داد که عوامل اقتصادی - اجتماعی تأثیر بسزایی بر سطح شادکامی افراد دارد. هزار جریبی و آستین فشان نیز نشان دادند که وضعیت اقتصادی - اجتماعی در تقویت و یا کاهش نشاط در افراد جامعه تأثیر دارند.

پاسخگویان با مشاغل هنری و فرهنگی شادمان‌تر و پاسخگویان مجموعه بیکار، کارگر ساده، کشاورز و دامدار و راننده و امور خدماتی، شادمانی کمتری دارند. این نتایج تأثیر نوع فعالیت و داشتن شغل بر روی میزان شادمانی را نشان می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان داده که مردها شادمان‌تر از زن‌ها، پاسخگویان با سنین پایین‌تر شادمان‌تر از پاسخگویان با سنین بالاتر و پاسخگویان با تحصیلات متوسطه و دیپلم شادمان‌تر از پاسخگویان با سایر تحصیلات می‌باشند. اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۳) بیان کرده‌اند که بین شادی جوانان برحسب وضع فعالیت و نیز میزان تحصیلاتشان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین منتظری و همکاران (۱۳۹۱) دریافته‌اند که درآمد، وضعیت اشتغال، شهر محل سکونت و درک افراد از سلامت خود تأثیر بسزایی در سطح شادمانی آن‌ها داشته است.

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت با افزایش معنویات و کارهای فرهنگی مؤثر بر اعتقادات دینی، افزایش امکانات تفریحی و رفاهی در سطح شهر، برنامه‌ریزی و افزایش تولید برنامه‌های شاد و مفرح به ویژه شبکه‌های استانی - با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم هر استان، ایجاد احساس همبستگی از طریق برنامه‌ریزی برای حضور بیشتر و شرکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و...، بهتر شدن وضعیت اقتصادی و برنامه‌ریزی لازم برای حل مشکلات اقتصادی کشور می‌تواند در افزایش شادمانی افراد مؤثر بود. در پایان یادآوری این نکته ضروری است که در این پژوهش فقط به چهار متغیر فرهنگی مؤثر بر نشاط اجتماعی (دین‌داری، سرمایه فرهنگی، رسانه‌های جمعی و امکانات رفاهی و تفریحی) پرداخته شد. بنابراین نیاز به تحقیقات بیشتر پیرامون سایر عوامل مؤثر بر شادمانی در شهر اصفهان و حتی سایر شهرهای استان اصفهان و کل کشور احساس می‌شود.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۲). روان‌شناسی شادی. فاطمه بهرامی و دیگران. اصفهان: جهاد دانشگاهی
- اخشی، نازیلا و گلابی، فاطمه. (۱۳۹۴). «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی. ۳(۲۶). صص ۱۳۹-۱۶۰.
- اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید؛ خوشفر، غلامرضا و جانعلی زاده چوبدستی، حیدر. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان». جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۴۹)، شماره اول، صص ۷۷-۸۸.
- باینگانی، بهمن و کاظمی، علی. (۱۳۸۹). «بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی». فصلنامه برگ و فرهنگ. صص ۲۱-۸.
- ربانی، رسول و انصاری، ابراهیم. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی. اصفهان: دانشگاه اصفهان
- ربیعی، علی. (۱۳۹۱). «بررسی میزان نشاط اجتماعی معلمان زن و عوامل موثر بر آن در شهرستان مبارکه». پایان نامه رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان.
- روحانی، محسن. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی. فصلنامه راهبرد. شماره ۵۳: ۷-۳۵.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی ارتباطات. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات اطلاعات
- سادتیان، اصغر. (۱۳۸۶). روش‌های غلبه بر افسردگی و رموز شاد زیستن. تهران: نشر شهر آب
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۸). روانشناسی شادکامی و موفقیت. سال ششم، شماره ۶۵.
- عابدی، محمد رضا. (۱۳۸۱). شادی در خانواده. تهران: سلامت خانواده
- عنبری، م. (۱۳۹۱). بررسی زمینه‌ها و راهکارهای نشاط اجتماعی در ایران. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی
- فرجی، طوبی و خادمیان، طلیعه. (۱۳۹۲). «بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال چهارم، شماره - دهم، صص ۸۲-۱۲۳.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: انتشارات بهجت
- کامیاب، زهره؛ حسین پور، محمد و سودانی، منصور. (۱۳۹۶). «بررسی اثربخشی آموزش شادمانی به شیوه فوردایس بر افزایش شادمانی بیماران مبتلا به دیابت شهرستان بهبهان». دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. شماره ۴۲. صص ۱۰۸-۱۴۲
- کورای و همکاران. (۲۰۱۰). رابطه وضع نامناسب حمل و نقل شهری، محرومیت اجتماعی و احساس شادی در شهر ملبورن استرالیا.
- گنجی، محمد. (۱۳۸۷). «تحلیل عوامل جامعه‌شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان». رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
- گیوریان، حسن و دیندار فرکوش، فیروز. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و اثربخشی معلمان». فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی. ۵ (۳) ۱۳۷-۱۴۵.
- منتظری و همکاران. (۱۳۹۱). «میزان شادکامی مردم ایران و عوامل موثر بر آن از دیدگاه مردم ایران».

- مجله پایش. دوره ۱۱ شماره ۴. صص ۴۶۷-۴۷۵.
- موسوی، م. (۱۳۸۵). «مشارکت اجتماعی؛ یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم، ش ۲۳، صص ۶۷-۹۲.
 - میرشاه جعفری، ا.؛ عابدی، م. و دریکوندی، ه. (۱۳۸۱). «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن». فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ش ۳، صص ۵۰-۵۸.
 - نشاط دوست، حمید طاهر؛ کلانتری، مهرداد؛ مهربانی، حسینعلی؛ پالاهنگ، حسن و نوری، نرگس السادات. (۱۳۸۸). «تعیین عوامل مؤثر در شادکامی کارکنان شرکت فولاد مبارکه». جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۰ (۱۱). ۱۰۵-۱۱۸.
 - نصوحی، محمود. (۱۳۸۲). «رابطه بین شادمانی و عوامل آموزشی دانش آموزان دبیرستانی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد خوراسگان.
 - نوری، رضا؛ کرمی، مکر؛ آذرخش فر، محمد و محمدی یزدانی، اسماعیل. (۱۳۸۱). «مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی. ۳۲ (۱) صص ۳-۴۱.
 - نیازی، محسن و کارکنان، محمد. (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۳. ۸۱-۵۵.
 - وحید، فریدون؛ ودادهیر، ابوعلی و فرنام، محمد. (۱۳۹۳). «نشاط عمومی در زندگی اجتماعی- فرهنگی شهر: مطالعه‌ای با رویکرد کیفیت اجتماعی در شهر اردبیل». مطالعات جامعه‌شناسی شهری. سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۱-۳۴.
 - هزار جریبی، جعفر و آستین افشان، پروانه. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی با تاکید بر استان تهران». جامعه‌شناسی کاربردی. شماره: ۱۱۹-۱۴۶.
 - الیاسی، م. (۱۳۸۵). «عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان بسیجی». فصلنامه مطالعات بسیج. سال نهم، ش ۳۳، صص ۳۴-۱۵.
 - Anand, pauL. & et al. (2011). "Measuring welfare". Journal of public Economic, 95,205-215.
 - Furnham, A. & Cheng, H. (2000). "Lay theories of happiness". Journal of happiness studies, 1:227 246
 - Helliwell, John F. (2005). "Well-Being, Social Capital and Public Policy: What's New?". The Economic Journal, Volume 116, Issue 510, March, pages C34-C45.
 - Scott, Mc. & Johnson, Sarah. (2013). "The happiness factor". Annals of Tourism Research, NoL41, 42-65.



عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دختران دانش‌آموز دوره متوسطه شهر اهواز

معصومه باقری^۱
ایوب رستمی^۲
محمد سلیمان نژاد^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۴/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۲

در این پژوهش به بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دختران دانش‌آموز دوره متوسطه شهر اهواز پرداخته شده است. پژوهش حاضر به روش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. بدین منظور از بین دختران دبیرستانی شهر اهواز، ۳۸۳ نفر از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شدند. جهت سنجش میزان روایی پرسشنامه از روایی صوری و برای سنجش میزان پایایی هم از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. ضریب آلفای کل به‌دست آمده ۰/۷۳ بوده است که حاکی از پایایی مناسب پرسشنامه می‌باشد. چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه‌های گیدنز، تاجفل، مید، بورک و برادلی تدوین یافته است. در این پژوهش به بررسی تأثیر متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، انتظارات خانواده، میزان تعلق به مدرسه، میزان تعلق به گروه همسالان، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان تحصیلات والدین بر هویت اجتماعی دختران دبیرستانی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر با توجه به تأثیر متغیرهای یاد شده، حاکی از این است که پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان تحصیلات والدین و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی رابطه‌ای معکوس با شکل‌گیری هویت اجتماعی دختران داشتند و سه

متغیر دیگر (میزان تعلق به مدرسه، میزان تعلق به گروه همسالان و انتظارات خانواده‌ها) از رابطه‌ای مستقیم با شکل‌گیری هویت اجتماعی دختران برخوردار بوده‌اند. در مجموع، این متغیرها ۰/۴۳ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته هویت اجتماعی را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: هویت اجتماعی، انتظارات خانواده، رسانه‌های جمعی و دختران

مقدمه

یکی از ابعاد زندگی انسانی شکل‌گیری هویت اجتماعی^۱ است که عوامل گوناگونی در حوزه‌های زندگی اجتماعی مانند خانواده، دوستان، همسالان، رسانه‌ها و... در فرآیند شکل‌گیری و شکل‌دهی به آن نقش دارند. بر همین اساس، نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به هویت جوانان، فراگردی ارتباطی است که در محیط شکل می‌گیرد؛ محیط نه تنها بر فراگرد ارتباطی و نوع آن تأثیر می‌گذارد، بلکه بر ادراکات، آنچه بین خود ردوبدل می‌کنیم و حتی در سطحی که ارتباط می‌گیریم نیز تأثیر می‌گذارد. کنش و واکنش ما در مقابل یکدیگر در چهارچوب نظام‌های اجتماعی و شرایط فیزیکی حاکم بر ماست. تحولات عظیم در فنون اطلاعاتی و ارتباطی و شکل‌گیری یک نظام ارتباطی جدید مبتنی بر زبان همگانی دیجیتال، بنیاد مادی جامعه را چنان دگرگون کرده است که هیچ‌گونه انزوا گزینی و کناره‌گیری را بر نمی‌تابد و حتی دور افتاده‌ترین و سنتی‌ترین جوامع نیز از بستن مرزهای خود به روی جریان‌ها و شبکه‌های جهانی ناتوان هستند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۳۸).

هر چه به دوره جدید و وسایل ارتباطی جدید مانند ماهواره و اینترنت نزدیک‌تر می‌شویم، با توجه به تکنولوژی‌های به‌کاررفته در آن‌ها، ویژگی‌ها و شرایط جدیدی در پیش روی انسان‌ها قرار می‌گیرد؛ ویژگی‌هایی مانند جذابیت و اثربخشی، صنعتی شدن فرهنگ، ظرفیت بالای نگهداری و انتقال متن، عکس و صوت، جمع‌زدایی، ناهم‌زمانی، تحرک، تمرکززدایی، افزایش سرعت دسترسی، انعطاف‌پذیری و قابلیت استفاده گسترده از آرشیوهای عظیم و غنی رسانه‌های صوتی، تصویری و تفریحی. وسایل سنتی ارتباط در سال‌های اخیر جای خود را به وسایل الکترونیکی و دیجیتالی ارتباط از راه دور داده است. وسایل جدید با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر ابعاد مختلف جامعه به عهده دارند. تکنولوژی، پدیده‌ای است که هر جامعه‌ای هر اندازه که در صدد بسته ماندن و دوری گزیدن از جهان برآید، قادر به مصون کردن خویش از آثار آن نخواهد شد (محسنی، ۱۳۸۰: ۲۲). در عصر اطلاع‌رسانی، برتری در عرصه اعمال سلطه بر جهان در پرتو تسلط بر تکنولوژی نوین ارتباطات تعیین می‌شود (وبستر، ۱۳۸۳: ۴۴). استفاده از ماهواره در پخش برنامه‌های تلویزیونی، تغییرات عمیقی در مصرف تلویزیون ایجاد می‌کند. امکان استفاده از ده‌ها شبکه تلویزیونی و بالا بردن قدرت انتخاب افراد، از اولین نتایج استفاده از ماهواره در پخش برنامه‌های تلویزیونی بود و مهم‌تر از آن، دریافت برنامه از جوامع دیگر را تسهیل نمود. کشورهای فرستنده ابعاد مختلف فرهنگی خود را به درون سایر جوامع فرستادند، سرعت اشاعه فرهنگی را افزایش دادند و یکپارچگی فرهنگی جوامع را با مشکل مواجه ساختند.

از ویژگی‌های ارتباطات در جهان مدرن این است که در مقیاسی جهانی صورت می‌پذیرد و پیام‌ها از فواصل دور به آسانی ارسال می‌گردند. ویندال سه عامل را برای توجه به اثرات رسانه‌ها بیان می‌کند: اول اینکه، هدف قسمت عمده‌ای از تحقیقات این بوده که از رسانه‌ها برای نفوذ در مردم استفاده شود تا کاری را انجام دهند که در حالت عادی ممکن است انجام ندهند.

دوم، ترس از آثار بد رسانه‌ها مانند پرخاشگری، بی‌اعتنایی و رفتارهایی مانند آن است. سوم، ارزیابی اهمیت و نتایج رسانه‌ها در جامعه است (سون و همکاران، ۱۳۷۶).

رسانه‌های ارتباطی نه تنها از محتوای پیام خود جدا نیستند، بلکه شرط اساسی شکل گرفتن شیوه‌های رفتار

و کردار هم می‌باشند، چرا که رسانه‌ها از طریق پیام‌های خود بر فرهنگ و تفکر افراد و همچنین نگرش‌ها و بینش‌های مردم عمیقاً تأثیر می‌گذارند و به آن شکل می‌دهند. آنها آن‌چنان بر زندگی خانواده‌ها اثر می‌گذارند که گاهی مشاهده می‌کنیم سلیقه‌ها، افکار و انتظارات خانواده تحت تأثیر برنامه‌های رسانه‌ها به طرز عجیبی یکسان و شبیه به هم است. امروزه جوامعی که کاملاً از تأثیر رسانه‌های همگانی برکنار مانده باشند، حتی در جوامع سنتی بسیار معدودند. به نظر می‌رسد که رسانه‌های جمعی، از یک سو وحدت اجتماعی را تهدید می‌کنند و از سوی دیگر، پادزهری برای تهدیداتی هستند که از طرف سایر نیروهای اجتماعی متوجه همین وحدت می‌شود. استفاده از ماهواره‌ها برای پخش برنامه‌های تلویزیونی تحول عظیمی در تولید و پخش برنامه‌ها در سطح وسیع ایجاد کرده و عدم امکان کنترل امواج ماهواره‌ای باعث شده که حجم وسیعی از برنامه‌های برون‌مرزی به فضای فکری جامعه وارد شود و بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی تأثیر بگذارد. هرچه تکنولوژی رسانه بیشتر پیشرفت کرده، کابوس وحشتناک‌تری از پیامدهای منفی وسایل ارتباطی برای ما ترسیم نموده است (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۴۵).

هویت در ساده‌ترین تعبیر، به معنای ویژگی‌های متمایزکننده فرد از دیگری است. این ویژگی‌های خاص شامل زبان، نژاد، تاریخ، دین، فرهنگ، جغرافیا، معماری و ... است. همچنین، بیان‌کننده چگونگی رابطه فرد به‌مثابه جزء با جامعه به‌منزله کل است.

از نظر جنکینز، هویت اجتماعی یک بازی است که در آن «رودررو بازی می‌شود». هویت اجتماعی، درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از طرفی، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست؟ (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۱). انسان‌ها تابع هویتی واحد نیستند، بلکه به هویت‌های متعددی وابسته‌اند. شخص می‌تواند هم‌زمان هویت ملی، مذهبی، قومی، طبقاتی و سیاسی خاصی داشته باشد و هیچ تعارضی میان هویت‌ها به چشم نمی‌خورد. اهمیت و رواج فزاینده سازه هویت اجتماعی و مضامین مربوط به آن در دوره معاصر، ناشی از واقعیتی است که دوران گذار- حرکت از جامعه سنتی به جامعه مدرن- نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که موجب تغییرات شدید هویتی شده است (جی دان، ۱۳۸۵: ۱۷). توجه به موضوع جوانان به کشور خاصی محدود نیست و نشانه‌های آن را می‌توان در ملل توسعه‌یافته و در حال توسعه، کشورهای سنتی و مدرن، دولت‌های شرقی و غربی و بالاخره جوامع دموکراتیک و غیر دموکراتیک یافت. نشانه‌ای از این توجه تازه، افزایش چشمگیر شمار مطالعات مربوط به جوانان طی سال‌های اخیر است. ضرورت بحث از هویت در این است که داشتن تعریفی از خود، اولین قدم در ایفای نقش و از مقدمات انسان بودن است. از ابتدای ظهور بر کره خاکی، انسان مرتب از کیستی و چیستی خود پرسیده است (رجایی، ۱۳۸۶: ۱۲).

از یک طرف، تغییر در رفتارها و الگوهای جوانان مانند بالا رفتن سطح توقعات، مدگرایی، گرایش به تحصیلات و مقابله با الگوهای سنتی و از طرف دیگر، استفاده از ماهواره برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی خارجی را شاهد هستیم. بنابراین تحقیق حاضر به منظور پاسخگویی به سؤالاتی مانند میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی چه تأثیری بر شکل‌دهی به هویت جوانان دارند، عواملی نظیر موقعیت اجتماعی- اقتصادی، میزان تحصیلات و علاقه‌مندی به رسانه‌های داخلی و خارجی چه نگرشی در جوانان ایجاد نموده و میزان تعلق آنان به هویت ملی، دینی، خانوادگی و ... چگونه است، تدوین گردیده است. تردیدی نیست که استفاده از رسانه‌های داخلی به نحو بسیار مطلوبی در جهت تعمیق ابعاد گوناگون هویت

جوانان تأثیر گذار بوده و همچنین به وضوح روشن است هر جا رسانه‌های خارجی به خصوص ماهواره‌ها در میان جوانان نفوذ پیدا کرده‌اند، تأثیرات بسیار عمیقی در کاهش سطح هویت افراد در حوزه‌های گوناگون هویت شخصی، خانوادگی، مذهبی به ویژه هویت ملی بر جای گذاشته‌اند. این امر شاید به این دلیل باشد که استفاده آزاد از امکاناتی چون ماهواره و اینترنت در خانواده‌هایی بیشتر رواج دارد که از روابط آزادتری برخوردارند. اما این مسئله از عامل دیگری نیز سرچشمه می‌گیرد و آن این است که چون در جامعه ما از ماهواره به صورت منطقی استفاده نمی‌شود و این رسانه‌ها و امکانات اطلاعاتی و ارتباطاتی بیشتر مروج فرهنگ مادی‌نگر و فردگرایانه غربی هستند، یکی از جنبه‌های آسیب‌زای آن کاهش تعلقات هویتی در نوجوانان و جوانان است. لذا استفاده از رسانه‌های خارجی، شخص را دچار آنومی ارزشی و سرگشتگی و هویت شخصی او را دستخوش ضعف و عدم انسجام می‌کند. استفاده سازنده و مطلوب از ماهواره و اینترنت، نیاز به آموزش و بلوغ فکری و اجتماعی دارد و چنانچه فرد در کودکی از حمایت و نظارت والدین و افراد شایسته و قابل اعتمادی برخوردار بوده، نیازهای عاطفی او به خوبی برطرف شده و احساس امنیت و اعتماد به نفس را تجربه کرده و در عین حال بنیان‌های دینی و اخلاقی به گونه‌ای شایسته - منطبق با الگوهای عملی - در او استوار شده باشد، قدرت مقاومت و ایستادگی او در برابر این جریان‌های آسیب‌زا بیشتر می‌شود و می‌تواند با بازاندیشی و تأمل در برابر پدیده‌های پیش روی خود آن‌ها را تحلیل نماید و بر چالش‌های هویتی فائق آید. دوره نوجوانی و جوانی، دورانی است که در آن بحران هویت‌یابی بر سازمان روانی فرد چیره می‌شود و نوجوان و جوان تشنه هویت را وادار به جستجو و سنجش ارزش‌های مختلف و گاه متضاد می‌نماید تا در پایان این دوره بحرانی، احساس هویت داشتن را برای وی به ارمغان بیاورد. تردیدی نیست که تحولات دهه‌های اخیر چه در زمینه‌های فرهنگی و چه در عرصه‌های ساختاری، به تعداد و تنوع و گاه تعارض نتایج هویت‌ساز منجر شده و گسترش نوگرایی و نوسازی در عرصه‌های جهانی به بحران هویت در بین بسیاری از اقشار به ویژه جوانان دامن زده است (ساروخانی و رفعت جاه، ۱۳۸۹: ۴).

نوجوان و جوان برای کسب هویت خود از خانواده، مدرسه، گروه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی بهره می‌جوید. حال این سؤال مطرح است که این عوامل (خانواده، مدرسه و رسانه‌های جمعی) تا چه میزان بر شکل‌گیری هویت اجتماعی آنان تأثیر گذار است.

مروری بر تحقیقات پیشین

قیطاسی و طباطبایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر تنیدگی بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوره اول» که با روش پیمایش و تعداد نمونه ۶۳۸ نفر از دانش‌آموزان شهر سراوان انجام شده بود، به این نتیجه رسیدند که بین تنیدگی با رضایت از زندگی و شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، میزان تنیدگی در دانش‌آموزان بالاتر از حد انتظار و میزان رضایت از زندگی دانش‌آموزان پایین‌تر از حد انتظار می‌باشد. بعلاوه، تنیدگی قادر به پیش‌بینی هویت اجتماعی می‌باشد و تفاوت معنادار در تنیدگی در پایه‌های مختلف تحصیلی دانش‌آموزان وجود داشت. افشاریان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی شکل‌گیری هویت مدرن در دانشجویان دختر» نشان دادند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، نقش اساسی در شکل‌گیری هویت مدرن ایفا می‌نمایند.

عبدالحسینی و حقیقتیان (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان)» دریافتند که هویت اجتماعی در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله اصفهان از سطح بالایی برخوردار است و بر اساس نتایج استنباطی، بین متغیرهای سرمایه فرهنگی، مصرف رسانه‌ای، جلب توجه، سن، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی و هویت اجتماعی همبستگی معنی داری وجود داشته و این متغیرها توانسته‌اند تا ۰/۳۶۵ درصد از واریانس هویت اجتماعی را تبیین کنند.

خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی در بین جوانان شهر بندرعباس» نشان دادند که سبک زندگی مذهبی، سبک زندگی موسیقایی- مدرن، سبک زندگی موسیقایی- سنتی، سبک زندگی معطوف به ورزش و سبک زندگی دوستانه در مجموع نزدیک به ۶۲/۷ درصد از تغییرات متغیر هویت اجتماعی را تبیین کردند.

فیض درگاه (۱۳۷۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی هویت در دختران نوجوان با تأکید بر هویت شغلی در اواخر نوجوانی» در پی پاسخگویی به این پرسش بودند که آیا هویت فردی و شغلی در دختران سال سوم دبیرستان با نحوه پرورش والدین ارتباط دارد؟ چارچوب نظری این تحقیق تعریفی است که اریکسون از هویت ارائه می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سطح تحصیلات والدین و سطح اقتصادی در رشد هویت فرد تعیین‌کننده نیست، اما کیفیت روش تربیتی و وجود ملاک تربیتی در رشد هویت موفق نقش دارد. اگر والدین تحصیلات دانشگاهی داشته باشند و از سطح اقتصادی بالایی برخوردار باشند، نوجوانانشان الزاماً هویت موفق نخواهند داشت. همچنان که اگر والدین بی‌سواد و با فقر اقتصادی مواجه باشند، نوجوانان آنان می‌توانند هویت موفق داشته باشند. پس تعامل مادر و کودک و ملاک تربیتی ثابت در رشد هویت موفق نقش دارد.

آلمال (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان دختر» در پی درک چگونگی شکل‌گیری هویت فرهنگی و میزان تأثیر عوامل جامعه‌پذیری، آموزش رسمی و غیررسمی بر فرایند شکل‌گیری هویت فرهنگی در دانش‌آموزان بود. این پژوهش با تکیه بر دیدگاه کنش متقابل نمادین انجام شد و روش آن، پیمایش با استفاده از پرسشنامه بود. دانش‌آموزان مورد مطالعه در این تحقیق دختران محصل در سال سوم متوسطه بوده‌اند. این پژوهش در نهایت توانست تأثیر عواملی چون پایگاه اجتماعی خانواده، گروه‌های آموزشی غیررسمی و رسانه‌های جمعی را در شکل‌گیری هویت فرهنگی مورد تأکید قرار دهد.

برسوکوا و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «پویایی هویت شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان در یک مطالعه تجربی» دریافتند که در دانش‌آموزان ابتدایی نخست هویت فردی برجسته است و پس از آن هویت اجتماعی قرار دارد، اما در دوره دبیرستان درجه هویت اجتماعی نسبت به هویت فردی در دانش‌آموزان افزایش می‌یابد.

فرلند اسمیت (۲۰۱۲) در تحقیقی با موضوع «تعاملات شخصی و اجتماعی بین دختران و دانش‌آموزان جوان: بررسی جنبه‌های حیاتی بر ساخت هویت» به این نتیجه دست یافتند که تعاملات فردی و اجتماعی دختران، تصورات آن‌ها را از دانشمندان شکل می‌دهد و بر مبنای تجربیات خود به عنوان اعضای یک جامعه علمی، هویت‌های علمی آن‌ها شکل می‌گیرد.

پیتر بورگ^۱ در سال ۱۹۹۱ پژوهشی را در مورد بررسی این مطلب که چگونه ارزیابی شخصی به فرآیندهای

هویت و نگرانی مرتبط است، انجام داد. بورگ در این پژوهش این مسئله را بررسی کرد که چگونه نگرانی می‌تواند به تغییر در هویت منجر شود. او چهار مکانیسم مداخله فرآیندهای هویت را به بحث می‌گذارد: ۱- حلقه‌های شکسته هویت، ۲- دخالت بین سیستم‌های هویت، ۳- سیستم‌های هویت بیش‌ازحد کنترل‌شده، ۴- درخواست هویت‌های چندبخشی که هریک از این چهار مکانیسم با شرایط شناخته شده ایجاد احساس نگرانی، مرتبط‌اند.

یلمن^۱ (۱۹۹۸) در پژوهش خود با عنوان «ستیز برای خود، قدرت و هویت اجتماعی در میان دختران نوجوان» به بررسی چگونگی شکل‌گیری هویت در میان دختران نوجوان دبیرستانی در منطقه‌ای فقیرنشین در انگلستان پرداخته است. در این پژوهش، مشکلات ویژه دختران نوجوان برای شکل دادن به هویت‌شان به‌صورت قدرتمند و محکم برای بزرگ‌سالی مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا تأثیر هویتی که از طریق پایگاه اجتماعی-اقتصادی تعریف می‌شود و هویتی که از طریق شکل ظاهری تعریف می‌شود، تأثیر رسانه‌های جمعی و تأثیر خانواده و اجتماع بر شکل‌گیری هویت مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده بر این تصور است که الگوهایی که رسانه‌ها و نیز اجتماع به این دختران برای شکل دادن به هویت‌شان ارائه می‌دهند بسیار سطحی و بی‌محتوای محکم و قدرتمند برای داشتن هویتی کارآمد و مفید در بزرگ‌سالی به شمار نمی‌آید. همچنین، نقش خانواده در این شکل‌گیری کم‌رنگ و ضعیف می‌باشد. وی با تشریح این مسائل در نهایت این موضوع را مطرح می‌کند که در مقابل تأثیرات زیاد و همه‌گیر الگوهای مدرنیته که جامعه و رسانه‌ها برای دختران عرضه می‌کنند، مدرسه و معلمان می‌توانند نقش مؤثری در تشویق این دختران نوجوان برای دستیابی به هویتی قوی و محکم و فعال و کارآمد داشته باشند.

بر اساس یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، عوامل مؤثر در سرگردانی هویتی در جامعه امروزی ایران تا حدودی روشن است. درواقع، جامعه ما از یک الگوی مشخص و علمی پیروی نمی‌کند و چندین الگوی پراکنده و غیرعلمی به‌طور هم‌زمان به‌عنوان مرجع نظری در نظام اجتماعی به ایفای نقش می‌پردازند. همچنین ورود تعصبات شخصی و گروهی تصمیم‌گیرندگان جامعه در اداره نظام اجتماعی باعث تزلزل در هویت اجتماعی افراد می‌شود. از دیگر عوامل مؤثر در این بحران، ورود سازمان‌یافته نظام اجتماعی ایران به سیستم جهانی است. یکی از خصوصیات دوران گذار این است که افراد در این دوره دچار نوعی نابسامانی هویتی ناشی از عدم جدایی کامل از هویت گذشته و انتقال کامل به هویت جدید می‌شوند.

چارچوب نظری پژوهش

هربرت مید^۲

هربرت مید از نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین است که به بررسی مفهوم خود و ذهن می‌پردازد و در ایده او، خود و ذهن جایگاه خاصی دارند. او معتقد است که «خود و ذهن فرآورده مشارکت در زندگی گروهی می‌باشند. آن‌ها در فرآیند کنش متقابلی که طفل خردسال با دیگر موجودات انسانی دارد، پدیدار می‌شوند، چون تکوین خود در فرآیند است» (زیلتین، ۱۳۷۲: ۱۷۵).

مید مفهوم خود را به من فاعلی (I) و من مفعولی (ME) تقسیم می‌کند. مید، میان «من فاعلی» یا هویت فردی

1. Elizabet Helman

2. Herbert Mead

و «من مفعولی» یا هویت اجتماعی تفاوت قائل می‌شود. هر دوی این من‌ها در جریان تجارب و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. من فاعلی، نمایانگر حساسیت اندام به وجهه نظر دیگران است و من مفعولی، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از نظرات متظاهر دیگران است؛ یعنی وجهه نظرات دیگری، سازمان من مفعولی را تشکیل می‌دهد. آنچه در اینجا بر آن تأکید می‌شود، من مفعولی یا اجتماعی است که حاصل مجموعه‌ای از رفتارهای شکل گرفته می‌باشد که فرد آن را آموخته است. بر این اساس، من اجتماعی تبلور ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات جامعه می‌باشد که مورد پذیرش قرار گرفته است. درواقع من اجتماعی سازوکار هم‌نوایی و کنترل اجتماعی است. اگر عملی خلاف ارزش‌ها و قوانین اجتماعی از شخص سر بزند، من اجتماعی عکس‌العمل نشان داده، به مخالفت برمی‌خیزد. بنابراین اگرچه منشأ رفتار «خود» انگیزه و تقلید است، لیکن در مراحل بعدی، آگاهی و تفکر در حین پویش اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار می‌گردد که در تشکیل خود نقش اساسی را ایفا می‌کند. درواقع، قسمت اعظم برداشت‌ها و تصورات ما از خویشتن به نحوی به برداشت و تصویر دیگران از ما وابسته و مربوط است و اگر طرز تلقی و نظر دیگران درباره ما تغییر کند، تصور ما از خودمان نیز به احتمال قوی تغییر خواهد کرد (توسلی، ۱۳۷۳).

همچنین از نظر مید آدم‌ها برای حصول خود، علاوه بر زبان به یادگیری چیزهای دیگری نیز نیاز دارد. در مرحله نمایشی، کودک نقش‌های آدم‌هایی را که برایش مهم است، مانند پدر، مادر، برادر یا خواهر را یاد می‌گیرد. این مرحله مهم در چرخه زندگی، ادراک متنوعی از زندگی اجتماعی به کودک می‌بخشد. از آنجاکه کودک در این مرحله یک‌رشته نقش‌های متنوع را به نمایش می‌گذارد، از خودش ادراک بسیار متنوعی را می‌پرواند. کودک می‌تواند خودش را به شیوه‌های گوناگون ببیند- همچنان که آدم‌های متفاوت او را می‌بینند. کودکان برای به دست آوردن ادراک مختصری از خود، باید وارد مرحله بازی شوند. آن‌ها در این مرحله، توانایی به دست آوردن نظر تعمیم‌یافته‌تری درباره موقعیت و خود خویش را پیدا می‌کنند. به تعبیر مید، آن‌ها در این مرحله، پذیرش نقش دیگری تعمیم‌یافته را یاد می‌گیرد (ریتر، ۱۳۷۴: ۲۷۹).

به‌طورکلی هویت اجتماعی، ترکیب یافتن مضمون‌های درهم‌آمیخته و جدایی‌ناپذیر شباهت و تفاوت انسانی در خلال عمل اجتماعی است. بنابراین هویت اجتماعی، فرآیندی است که از طریق دیالکتیک درونی و برونی شناسایی حاصل می‌شود. شکل‌گیری هویت هر فرد از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی گروهی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند (مید، ۱۹۶۷: ۲۲۲).

پیتر بورک^۱

پیتر بورک یکی از نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین است که به‌طورجدی به بررسی هویت اجتماعی پرداخته است و تلاش می‌نماید که تئوری‌های هویت را فراتر از چارچوب نمادین کنش متقابلی نمادین سنتی نشان دهد. بورک اضطراب‌های اجتماعی ناشی از تعارض هویت‌ها را مطرح می‌کند و افراد با توجه به نقش‌های مختلف دارای هویت‌های جداگانه می‌شوند. بورک هویت را یک مجموعه معانی که در تعریف یک نقش و یا موقعیت اجتماعی از اینکه شخص کیست بکار برده می‌شود، می‌داند. منابع محیطی و نمادها در محیط اجتماعی واقع شده و با توجه به دروندادها در تعاملی که بین خود (ذهن فرد و جامعه محیط اجتماعی)

صورت می‌گیرد، برون‌داد اولیه صورت می‌گیرد. در مقایسه با معیارهای ذهنی دیگران است که برون‌داد نهایی که همان رفتار اجتماعی فرد می‌باشد واقع می‌گردد و وارد محیط اجتماعی می‌شود. این محیط اجتماعی منبعی برای ادراک کنشگران دیگر می‌گردد و با توجه به اینکه منابع محیطی و نمادها با معیارهای ذهنی خود از هویت مقایسه می‌شود، در ادراک از منابع محیطی، یک سیستم معانی مشترک در بین کنشگران واقع می‌گردد که موجب می‌شود فرد رفتار خود (رفتار فردی) را با این سیستم معانی مقایسه و در نهایت به شکل رفتار اجتماعی بروز نماید. این رفتار اجتماعی می‌تواند سرمنشأ مشارکت خود در محیط اجتماعی گردد (بورک، ۱۹۹۷: ۱۳۸). در کار بورک، هویت و رفتار از طریق یک سیستم معانی به هم مربوط می‌شوند. به‌منظور پیش‌بینی کردن این که یک شخص چگونه رفتار می‌کند، معانی هویت باید برای فرد مشخص شود. بورک بیان می‌کند که شخص معنای هویت را در واکنش با دیگران یاد می‌گیرد، گویی که شخص هویت متناسب با رفتارش را دارد. بنابراین هر شخص معنای هویتش را از طریق واکنش‌های دیگران کسب می‌کند (بورک، ۲۰۰۰: ۱۵).

از دیدگاه وی، هویت اجتماعی رشته‌ای از معانی است که فرد با موقعیت اجتماعی برای تعریف خود بکار می‌برد. این رشته از معانی، هم شامل اجزای نمادین و هم غیرنمادین است. جزء نمادین، شامل تصور عمومی ما از معانی است. همان‌طور که در کنش متقابل نمادین آمده است، جزء غیرنمادین شامل منابع گوناگونی است که به‌واسطه نقش شخص در جامعه تحت کنترل او درآمده است. این رشته از معانی به‌عنوان یک منبع با استاندارد برای ارزیابی شخص از خودش در جامعه به کار می‌رود. بنابراین شکل‌گیری هویت اجتماعی یک حلقه برگشتی و دور کامل دارد.

آنتونی گیدنز^۱

نظریه‌پرداز، نظریه‌ای جامعه‌شناسانه است که بر سازوکارهای نوین هویت شخصی متمرکز است و در عین حال هم زاینده نهادهای امروزی هستند و هم به آن‌ها شکل می‌دهند. از این جهت «خود» مفهوم منفعلی نیست که صرفاً تحت تأثیرات برونی شکل گرفته باشد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۶) او بر اساس رویکرد تلفیقی (ساختار و عامل) خود معتقد است که برای نخستین بار در تاریخ بشریت، «خود» و «جامعه» در محیطی جهانی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. گیدنز با تأکید بر مسئله شناسایی هویت و آگاهی به آن، معتقد است که «هویت شخصی، به‌عنوان پدیده‌های منتظم، مستلزم روایت معینی است: روایت «خود» باید صریح و بی‌اما و اگر باشد. برای ایجاد و استوار داشتن مفهوم جامعه از «خود»، ترتیب دادن یادداشت‌های منظم روزانه و تدوین زندگینامه شخصی از توصیه‌های عمده است» (همان: ۱۱۳). در زندگی اجتماعی مدرن، زندگی‌نامه هسته اصلی هویت شخصی را تشکیل می‌دهد. چنین زندگینامه‌هایی، مانند دیگر متن‌های روایت‌گرانه، چیزی است که باید روی آن کارکرد و در تدوین و تنظیم آن‌ها ابتکار و خلاقیت به خرج داد.

در زمینه نقش ساختارهای اجتماعی، گیدنز بر آن است که انتخاب شیوه زندگی و برنامه‌ریزی زندگی دقیقاً «در» بطن زندگی روزمره عامل‌های اجتماعی یا از عناصر تشکیل‌دهنده آن زندگی نیستند، بلکه مرتبط با موقعیت‌های نهادینی هستند که به افراد کمک می‌کنند تا به کنش‌های خود شکل دهند. (همان) همچنین می‌توان گفت که گیدنز هویت را امری غیرقطعی و متغیر می‌داند. بنابراین «محتوای» هویت شخصی یا به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که زندگینامه شخص از آن‌ها ساخته می‌شود مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و

فرهنگی متغیر است (همان: ۸۵). او معتقد است که امروزه تمام تحولات بشری توسط رسانه تحت تأثیر قرار گرفته است و درواقع رسانه‌ها علاوه بر انتقال پیام از فرستنده به گیرنده، نقش هویت بخشی به مخاطبان را نیز به عهده گرفته‌اند. همچنین او معتقد است که رسانه‌ها می‌توانند نقشی بسیار مخرب نیز بر روی مخاطبان خود بر جای بگذارند و درواقع مخاطبان خود را با دنیایی غیرواقعی مواجه سازند. همین مواجهه می‌تواند هویتی کاذب به آنان ببخشد؛ به گونه‌ای که حتی خود این مخاطبان از کاذب بودن این هویت اطلاعی ندارند.

تاجفل^۱

اساس نظریه تاجفل، توجه به جنبه‌هایی از هویت است که از عضویت گروهی ناشی می‌شود. وی بیان می‌کند که هویت اجتماعی فرد به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد تعیین می‌شود و تابعی از ویژگی‌های فرهنگی گروه و مبتنی بر تفسیر درون گروه و برون گروه می‌باشد (مرودشتی، ۱۳۸۲: ۴۸). او هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند: «عناصر شناختی» (آگاهی از این که فرد به یک گروه تعلق دارد)، «عناصر ارزشی» (فرض‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و «عناصر احساسی» (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). بر این اساس، هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از: آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منظم به آن عضویت (تاجفل، ۱۹۸۷: ۱۶۴). تاجفل سه زمینه برجسته از هویت اجتماعی را مطرح می‌کند: طبقه اجتماعی، مقایسه اجتماعی و عزت نفس. تاجفل هویت اجتماعی را آن بخش از خودانگاره فرد می‌داند که از شناخت فرد (به عنوان عضوی از گروه اجتماعی با ارزش و اهمیت عاطفی) نسبت به اعضای آن گروه ناشی می‌شود. بنابراین هویت اجتماعی بر مقایسات درون گروهی و برون گروهی استوار است (ترپت، ۲۰۰۶: ۱۸).

فرض اساسی تاجفل این است که جامعه یک نظام سلسله مراتبی است که در آن گروه‌های متفاوت اجتماعی در روابط قدرت و روابط پایگاهی جایگاه مختلفی در رابطه با هم دارند (مثل زن و مرد، سیاه و سفید، کاتولیک و پروتستان) که این تفاوت در قدرت، در پایگاه، در گروه‌های کوچک‌تر و ناپایدارتر نظیر کلاس‌های مدرسه نیز دیده می‌شود. محور اصلی این مسئله در نظریه هویت اجتماعی این است که مقوله‌های اجتماعی (نظیر گروه‌های بزرگ مثل ملت یا کلیسا و گروه‌های کوچک مثل سازمان یا کلوب) اعضای را با هویت اجتماعی ایجاد می‌کنند و تعیین این که این شخص کیست و چگونه است، از وظایف هویت اجتماعی است. هویت‌های اجتماعی نه تنها اعضای خود را توصیف می‌کنند، بلکه رفتار مناسب برای آنها را تجویز می‌نمایند (نظیر هنجارها). بنابراین، فرد نه تنها خودش را با هویتی خاص می‌شناسد، بلکه سایرین را نیز با این نام می‌شناسد و ارزیابی می‌کند. همچنین این شخص از لحاظ صفات و ویژگی‌ها با این شیوه می‌اندیشد و رفتار می‌کند. بدین ترتیب، این نظریه بیان می‌کند که هویت اجتماعی فرد به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد، تعیین می‌شود و این هویت تابعی از ویژگی‌های فرهنگی آن گروه و مبتنی بر تفسیر درون گروه و برون گروه می‌باشد (همان، ۷۸).

متغیر تحقیق پایگاه اجتماعی - اقتصادی، در عمل متغیری است که می‌توان آن را به عنوان متغیری در نظر

گرفت که اغلب صاحب نظران به تأثیر آن پدیده‌های اجتماعی اذعان دارند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۳۱). زمانی که گفته می‌شود افراد تحصیل کرده طبعاً احساس تعلق بیشتری به جامعه دارند، بی‌شک به پایگاه اجتماعی - اقتصادی یا حداقل برخی از شاخص‌های آن اشاره دارد. به همین دلیل، تاجفل معتقد است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی، منبع مهمی برای عزت نفس و غرور مردم است. درواقع، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، یک احساس داشتن هویت اجتماعی یا یک احساس وابسته بودن به جهان اجتماعی را به افراد می‌دهد (تاجفل، ۱۹۸۷: ۱).

انتظارات والدین

مطالعات متعدد بیانگر آن‌اند که عملکرد تحصیلی یادگیرندگان در مدرسه با انتظارات والدین آنان ارتباط مستقیم دارند. والدین دانش‌آموزانی که پیشرفت تحصیلی خوبی برخوردارند، به تعامل کلامی با فرزندانشان اهمیت بیشتری می‌دهند. این والدین از فرزندان خود سؤال‌های تفکر برانگیز می‌پرسند و آنان را برای درست سخن گفتن برمی‌انگیزند. خانواده‌هایی که فرزندانی موفق در مدرسه دارند، از پیشرفت تحصیلی آنان آگاه‌اند. وجود روحیه تلاشگری در خانواده نیز بر میزان کوشش یادگیرندگان برای دستیابی به هدف‌های تحصیلی می‌افزاید. نوع نگرش خانواده به نتیجه کار هم بر پیشرفت تحصیلی فرزندان اثر می‌گذارد. خانواده‌هایی که موفقیت را حاصل کار و کوشش خود می‌دانند، در زمینه اثرگذاری بر پیشرفت تحصیلی فرزندان در مقایسه با خانواده‌هایی که موفقیت را به شانس و اقبال نسبت می‌دهند، موفق‌تر عمل می‌کنند. والدینی که بر نحوه دوست‌یابی فرزندان، میزان ساعتی که برای تماشای تلویزیون تخصیص می‌دهند و نوع فعالیت‌های فوق برنامه آنان نظارت می‌کنند، روی فرزندان خودکنترل بیشتری دارند. والدین برای این که تأثیر بیش‌تری بر پیشرفت تحصیلی فرزندانشان بگذارند، لازم است جدول زمانی از نوع فعالیت‌های ترجیحی و تکالیف درسی آنان تنظیم کنند. در این صورت خانواده می‌تواند با توجه به امکانات موجود، نوع گرایش‌های فرزندان خود را تغییر دهد یا در بهینه‌سازی رفتار آن‌ها دخالت مؤثری داشته باشد (برادلی، ۱۹۹۷، به نقل از رادمنش، ۱۳۸۲: ۸۵).

خلاصه نحوه استخراج متغیرهای پژوهش در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: خلاصه استخراج متغیرهای پژوهش از نظریه‌ها

متغیرها	دیدگاه
هویت اجتماعی	گیدنز
رسانه‌ها	گیدنز
احساس تعلق فرد به مدرسه	مید/ بورک
احساس تعلق فرد به همسالان	تاجفل
انتظارات والدین	برادلی
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	تاجفل

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین انتظارات والدین و شکل‌گیری هویت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. بین احساس تعلق فرد به مدرسه و شکل‌گیری هویت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. بین تعلق فرد به همسالان و شکل‌گیری هویت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. بین میزان استفاده از رسانه‌ها و شکل‌گیری هویت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. بین تحصیلات والدین و شکل‌گیری هویت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و شکل‌گیری هویت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر با توجه به متغیرهای پژوهش، از روش پیمایش بهره گرفته شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، فرد می‌باشد.

۱۰۲

جامعه آماری و حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اهواز تشکیل می‌دادند که تعداد آن‌ها ۲۸۷۱۸ نفر می‌باشد (مرکز آمار خوزستان). برای انتخاب حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب استفاده شد. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران با توجه به خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و سطح ۹۹ درصد اطمینان، ۳۸۳ دانش‌آموز دختر محاسبه گردید.

روایی این پرسش‌نامه با استفاده از روایی صوری به دست آمده و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است که مقدار آن برای متغیرهای هویت اجتماعی ۰/۷۸، انتظارات خانواده ۰/۷۶، احساس تعلق به مدرسه ۰/۷۱، احساس تعلق به همسالان ۰/۶۹ و رسانه ۰/۷۴ می‌باشد. همچنین مقدار آلفای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۳ می‌باشد که حاکی از پایایی مناسب پرسشنامه تحقیق است.

ابزار پژوهش و آزمون‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از ابزار پرسشنامه استفاده شده است؛ بدین گونه که پس از تهیه و تدوین شاخص‌ها و طراحی صورت اولیه پرسشنامه، جهت تعیین میزان پایایی پرسشنامه، مطالعه‌ای مقدماتی بر روی یک نمونه ۳۵ نفری از دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر اهواز صوت گرفت. برای تحلیل داده‌ها نیز از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. همچنین قبل از فرایند تحلیل استنباطی، وضعیت نرمال بودن متغیرهای اصلی تحقیق به وسیله آزمون کلموگروف-اسمیرنف ($k-S$) بررسی شده است که پس از تایید در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل

احساس تعلق به مدرسه

منظور از احساس تعلق به مدرسه، احساس دل‌بستگی‌ای است که فرد نسبت به مدرسه خود دارد. برای سنجش این متغیر جمعاً از ۸ سؤال استفاده شده است. در پرسش‌نامه، این متغیر با گویه‌های زیر و به صورت

طیف لیکرت سنجیده شده است:

- مدرسه محیط گرم و صمیمی است. مدرسه محیط مناسبی برای آشنایی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. موافقت می‌گویند مدرسه خانه دوم ماست. در مراسم عمومی مدرسه (اردو، فعالیت‌های علمی و فرهنگی، نماز جماعت...) شرکت می‌کنند. شرکت در فعالیت‌های علمی (مثلاً المپیادهای علمی) موجب افزایش آگاهی دانش‌آموزان می‌شود. برای حل مشکلات خود با مسئولان مدرسه مشورت می‌کنند. اردوهای تفریحی - علمی مدرسه برای آنان لذت‌بخش است. به کتابخانه‌های مدرسه مراجعه می‌کنند.

احساس تعلق به همسالان

گروه همسالان عبارت است از گروه هم سن و سال افراد. اریکسون معتقد است که یکی از ویژگی‌های کلیدی بخصوص در جوانان، افزایش معاشرت با هم‌سن‌وسالان به عنوان بخشی از فرآیند به دست آوردن استقلال است. برای سنجش این متغیر جمعاً از سه سؤال استفاده شده است:

- در صورت پیش آمدن مشکل برای دوستانتان باید اقدامی برای حل انجام داد؟ - در حل مشکلات خود از دوستانتان درخواست کمک می‌کنید؟ - گذراندن اوقات فراغت با دوستان برایتان لذت‌بخش است؟

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

به موقعیت و اعتبار فرد در جامعه، با توجه به موقعیت مالی و اجتماعی وی گفته می‌شود. از نظر آلن بیرو نیز جایی که یک فرد خاص در نظامی مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند، پایگاه او در برابر این نظام خوانده می‌شود (بیرو، ۱۳۸۰: ۴۸۱). برای سنجش این متغیر از سؤالات زیر استفاده شده است:

- تحصیلات پدر و مادر - درآمد ماهیانه پدر و مادر - وضعیت شغلی پدر و مادر - قیمت تقریبی منزل مسکونی - قیمت تقریبی اتومبیل خانواده.

میزان استفاده از رسانه

رسانه، وسیله‌ای است که پیام را منتقل می‌کند. تلویزیون، رادیو، اینترنت و مطبوعات، وسایلی هستند که پیام را از سازنده پیام به مخاطب منتقل می‌کنند (شیبانی، ۱۳۸۸). برای عملیاتی کردن میزان استفاده دانش‌آموزان از رسانه از سؤالاتی همانند میزان استفاده از رادیو، تلویزیون، ماهواره، کتاب و مجله‌ها استفاده شده است.

انتظارات والدین

عبارت است از میزان توقعی که والدین از فرزندان شان در پیشرفت تحصیلی دارند. برای سنجش این متغیر از سؤالات زیر استفاده شده است:

- دوست دارم آرزوی والدینم را در زمینه ادامه تحصیل برآورده کنم. بیشتر اوقات والدینم برایم برنامه‌ریزی تحصیلی انجام می‌دهند. من به دلیل اینکه والدینم دوست دارند، ادامه تحصیل می‌دهم. من به خاطر سربلندی والدینم، ادامه تحصیل می‌دهم.

متغیر وابسته

هویت اجتماعی

عبارت است از خصوصیات اجتماعی، عقاید، ارزش‌ها، رفتارها و نگرش‌های متمایز گروه‌های اجتماعی و تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی و به صورت بازتابی از خود ارائه می‌دهد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۵). هویت اجتماعی در ساده‌ترین بیان، تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت

در گروه های اجتماعی از خویشتن دارد (براون، ۱۹۸۵: ۷۷۱). برای سنجش این متغیر از دو بعد هویت فردی و هویت جمعی استفاده شده است که هویت فردی شامل میزان اهمیت افراد به مسائلی چون ارزش های شخصی، معیارهای اخلاقی، خیالات، تصورات، اهداف شخصی، احساس اینکه فردی منحصر به فرد است و عقیده شخص نسبت به شخصیتی که دارد می شود. هویت جمعی شامل احساس تعلق به جامعه، پذیرش منافع و مصالح جمعی بر مصالح فردی، مقبولیت گروهی، روحیه مشارکتی و پایداری به هنجارهای عام است. تمامی متغیرهای این پژوهش به صورت پرسشنامه محقق و در طیف لیکرت ساخته سنجیده شده اند.

یافته های پژوهش

نتایج حاصل از داده های آماری در دو سطح عمده توصیفی و استنباطی با شش فرضیه به تبیین عوامل مؤثر در شکل گیری هویت اجتماعی و فرهنگی دختران مقطع دبیرستان در شهر اهواز پرداخته است. فرضیه اول: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و شکل گیری هویت اجتماعی رابطه ای معنی دار وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و شکل گیری هویت اجتماعی

متغیرها	آماره	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
هویت اجتماعی	همبستگی کندال	-۰/۱۴۶
	سطح معنی داری	۰/۰۰۶

داده های جدول ۱، بیان کننده نوع ارتباط بین دو متغیر هویت اجتماعی و پایگاه اقتصادی است. همان گونه که در جدول مشاهده می گردد، مقدار ضریب همبستگی -۰/۱۴۶ - است که نشان دهنده همبستگی معکوس بین دو متغیر است. با توجه به اینکه ضریب در سطح ۵ درصد معنی دار است، می توان نتیجه گرفت که بین متغیر وابسته (هویت اجتماعی) دختران دانش آموز و پایگاه اقتصادی خانواده آنها رابطه ای معنی دار وجود دارد. در نتیجه فرض صفر رد و فرض اول با سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

فرضیه دوم: بین انتظارات خانواده و شکل گیری هویت اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین انتظارات خانواده و شکل گیری هویت اجتماعی

متغیرها	آماره	انتظارات خانواده
هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۱۲۴
	سطح معنی داری	۰/۰۲۳

جدول ۲، بیانگر نوع رابطه بین دو متغیر انتظارات خانواده و شکل گیری هویت اجتماعی است. با توجه به داده ها و نتایج موجود در جدول، مقدار ضریب همبستگی ۰/۱۲۴ می باشد که نشان دهنده همبستگی مستقیم بین دو متغیر می باشد و با توجه به اینکه سطح معنی داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است، می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر انتظارات خانواده و هویت اجتماعی دختران دانش آموز رابطه معنی دار وجود دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد و فرضیه اول با ۹۵ درصد اطمینان تایید می شود.

فرضیه سوم: بین احساس تعلق فرد به مدرسه و شکل گیری هویت اجتماعی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.
جدول ۳: همبستگی بین متغیر احساس تعلق فرد به مدرسه و شکل گیری هویت اجتماعی

متغیرها	آماره	احساس تعلق فرد به مدرسه
هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۴۸۵
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

جدول ۳، بیان‌کننده نوع ارتباط بین دو متغیر هویت اجتماعی و میزان تعلق فرد به مدرسه است. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول مربوطه مقدار ضریب همبستگی ۰/۴۸۵ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی بین دو متغیر است و با توجه به بالا بودن ضریب می‌توان گفت که احساس تعلق فرد به مدرسه نشان‌دهنده هویت اجتماعی بالاتر است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است، در نتیجه فرضیه ما تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر احساس تعلق دختران به مدرسه و شکل گیری هویت اجتماعی آن‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه فرض صفر رد و فرض اول با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین احساس تعلق به گروه همسالان و شکل گیری هویت اجتماعی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۴: همبستگی بین میزان تعلق فرد به همسالان و شکل گیری هویت اجتماعی

متغیرها	آماره	میزان احساس تعلق به همسالان
هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۵۶۱
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

جدول ۴، نشان‌دهنده نوع رابطه بین دو متغیر احساس به گروه همسالان و شکل گیری هویت اجتماعی می‌باشد. با توجه به داده‌های موجود در جدول، مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر مذکور ۰/۵۶۱ می‌باشد که بیانگر همبستگی با شدت زیاد متغیر مذکور می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است، رابطه معنی‌دار بین دو متغیر میزان تعلق فرد به گروه همسالان و شکل گیری هویت اجتماعی دختران وجود دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه اول با سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. فرضیه پنجم: بین تحصیلات والدین و شکل گیری هویت اجتماعی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۵: همبستگی بین متغیر تحصیلات والدین و شکل گیری هویت اجتماعی

متغیرها	آماره	تحصیلات پدر و مادر
هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	-۰/۲۰۸
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

جدول ۵، بیان‌گر نوع رابطه بین دو متغیر هویت اجتماعی و تحصیلات والدین است. با توجه به داده‌های موجود در جدول، ضریب همبستگی -۰/۲۰۸ است که نشان‌دهنده همبستگی معکوس بین دو متغیر می‌باشد.

با توجه به اینکه سطح معنی داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است، در نتیجه بین تحصیلات والدین آن‌ها و هویت اجتماعی دختران دانش آموز رابطه‌ای معنی دار وجود دارد و می‌توان گفت که فرض صفر رد و فرض اول با ۰/۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود.

فرضیه ششم: بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شکل گیری هویت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۶: مربوط به همبستگی بین میزان استفاده از رسانه‌ها و شکل گیری هویت اجتماعی

متغیرها	آماره	میزان استفاده از رسانه‌ها
هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	-۰/۳۶
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

با توجه به داده‌های موجود در جدول ۶، ضریب همبستگی بین دو متغیر هویت اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌ها -۰/۳۶- می‌باشد که بیانگر ضریب همبستگی معکوس بین دو متغیر است. با توجه به اینکه سطح معنی داری ۵ درصد می‌باشد، فرضیه ما تایید می‌شود. در نتیجه فرض صفر رد و فرض اول تایید می‌گردد.

معادله رگرسیون پیش‌بینی هویت اجتماعی دختران

برای ساختن معادله رگرسیون پیش‌بینی متغیر هویت اجتماعی دختران، متغیرهایی که سطح سنجش آن‌ها فاصله‌ای و دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته بوده‌اند، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند و هویت اجتماعی دختران به عنوان متغیر وابسته وارد معادله گردیده است. بررسی نتایج به دست آمده در جدول ۷ بیانگر آن است که معادله پیش‌بینی میزان هویت اجتماعی دختران می‌تواند ۴۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نماید که این مطلب از R^2 یا ضریب تعیین قابل دریافت است.

مقدار R ، میزان همبستگی بین مقادیر واقعی و مقادیری است که به وسیله معادله پیش‌بینی می‌شود. به عبارت دیگر، ۶۵ درصد از مقادیری که پیش‌بینی می‌شود با مقادیر واقعی یکسان هستند. با توجه به سطح معناداری مقادیر که در سطح بالاتر از ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادار می‌باشند، می‌توان گفت که مدل پژوهش توانسته است با استفاده از انتظارات خانواده، میزان تعلق به مدرسه، گروه همسالان و تحصیلات والدین و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی ۴۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۷: تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیر هویت اجتماعی فرهنگی دختران

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
رگرسیون باقیمانده	۶	۶۰۳۲/۴۱ ۸۰۹۹/۳۰	۱۰۰۵/۴۰	۴۱/۲۱	۰/۰۰۰
کل	۳۳۲	۱۴۱۳۱/۷۱	۲۴/۳۹		

$$R^2 = ۴۳ \quad R = ۰/۶۵$$

جدول ۸: مقدار تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل

R	ضریب تعیین	تعدیل شده R	خطای استاندارد
۰/۶۵۳	۰/۴۲۷	۰/۴۱۷	۴/۹۳۹

متغیرهای مستقلى که وارد معادله رگرسیون شده‌اند، به‌قرار زیرند:

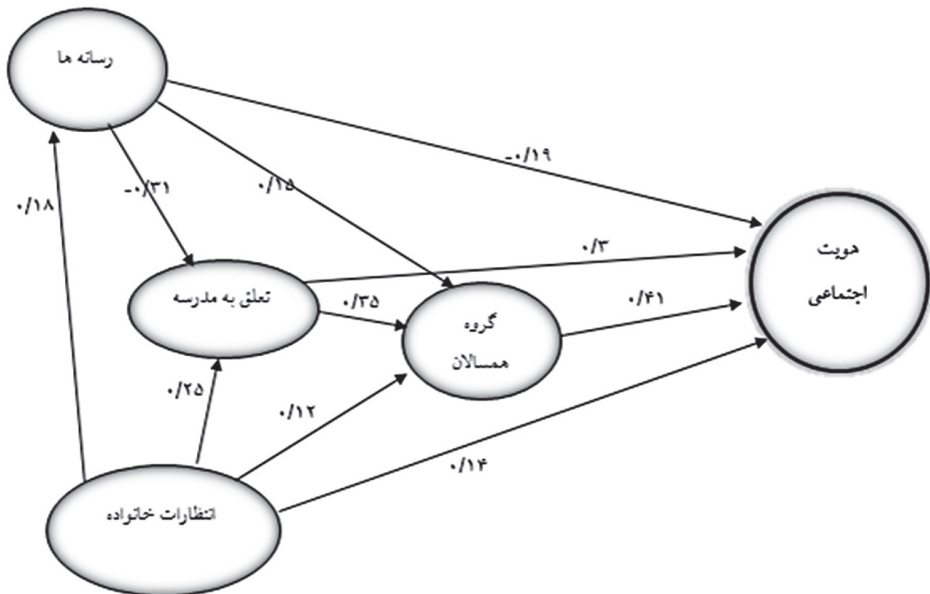
$$(0/181) + (0/163) + (0/158) + (0/187) + (0/200) = Y$$

ارقام مندرج در معادله بالا به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در هر کدام از متغیرهای مستقل، به‌اندازه‌ی بتای (Beta) آن متغیر بر متغیر وابسته یعنی هویت اجتماعی، افزوده خواهد شد. در اینجا ملاحظه می‌شود که متغیر انتظارات خانواده در مقایسه با سایر متغیرها، سهم بیشتری در تبیین هویت اجتماعی دارد.

تحلیل مسیر

متغیر مستقل وضعیت اقتصادی خانواده و متغیر میزان تحصیلات والدین به دلیل معنادار نبودن از مدل حذف شده‌اند.

یکی از روش‌های اصلی تحلیل داده‌های آماری، تحلیل مسیر است که با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام می‌گیرد و می‌تواند مجموعه داده‌ها را برای بررسی روابط غیرقابل پیش‌بینی بین متغیرها آزمون کند- خواه مستقیم باشد، خواه غیرمستقیم- و از طریق مدل‌های مختلف، مناسب‌ترین مدل را به دست آورد (منصور فر، ۱۳۸۸: ۱۹۵).



نمودار تحلیل مسیر

جدول ۹: اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم
رسانه	۰/۱۵ * ۰/۳۱ -	۰/۱۹ -	۰/۳۵ -
تعلق به مدرسه	۰/۳۵	۰/۳	۰/۶۵
انتظارات خانواده	۰/۱۲ * ۰/۲۵ * ۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۶۹
گروه همسالان	-	۰/۴۱	۰/۴۱

نتایج تحلیل مسیر بر اساس اثرات مستقیم و غیرمستقیم در حالت کلی نشان می دهند، به ترتیب انتظارات خانواده، تعلق به مدرسه و گروه همسالان با ۶۹، ۶۵ و ۴۱ درصد بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته دارند و رسانه با ۳۵- درصد به صورت معکوس و منفی بر هویت اجتماعی جوانان تأثیر دارند.

۱۰۸

بحث و نتیجه گیری

در این بخش، رابطه هر کدام از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. اولین متغیر مورد بحث پایگاه اقتصادی می باشد. نتایج تحقق نشان می دهد که ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر پایگاه اقتصادی و شکل گیری هویت اجتماعی فرهنگی ۰/۲۵۵- می باشد که رابطه این دو متغیر در سطح ۵ درصد معنی دار است و این نشان می دهد که رابطه این دو متغیر معکوس است. به عبارت دیگر، هر چه پایگاه اقتصادی بالاتر باشد، هویت اجتماعی در دختران تضعیف می گردد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق فیض درگاه (۱۳۷۴) و یلمن (۱۹۹۸) همخوانی دارد. همچنین نتیجه این فرضیه در تایید نتایج نظریه تاجفل است که معتقد بود پایگاه اجتماعی- اقتصادی، منبع مهمی برای عزت نفس و غرور مردم است. درواقع پایگاه اجتماعی- اقتصادی، یک احساس داشتن هویت اجتماعی و وابسته بودن به جهان اجتماعی را به افراد می دهد. انتظارات خانواده، متغیر بعدی است که با متغیر وابسته رابطه دارد. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر ۰/۱۲۴ می باشد و با توجه به اینکه رابطه این دو متغیر در سطح ۵ درصد معنی دار است، می توان نتیجه گرفت که هر چه سطح انتظارات خانواده از دختران بیشتر باشد، بر شکل گیری هویت اجتماعی دختران تأثیر بیشتری خواهد داشت.

میزان احساس تعلق فرد به مدرسه، متغیر دیگر این پژوهش است. ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر ۰/۴۸۵ می باشد که نشان دهنده همبستگی مستقیم بین دو متغیر است. این بدان معناست که با بالا رفتن احساس تعلق فرد به مدرسه، هویت اجتماعی بالاتر خواهد رفت و رابطه این متغیر در سطح ۵/۰ معنی دار است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق یلمن (۱۹۹۸) همخوانی دارد.

متغیر دیگر تعلق به گروه همسالان است که با متغیر وابسته رابطه دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر مذکور ۰/۵۶۱ می باشد که بیانگر همبستگی مستقیم و زیاد بین دو متغیر میزان تعلق به گروه همسالان و شکل گیری هویت اجتماعی می باشد و با توجه به اینکه رابطه این دو متغیر در سطح ۵ درصد معنی دار است، می توان گفت که هر چه میزان تعلق دختران به گروه همسالان بیشتر باشد، در شکل گیری هویت اجتماعی تأثیر بیشتری دارد. تاجفل معتقد است که هویت اجتماعی فرد با عضویت گروهی پیوند خورده است. از نظر

او هویت اجتماعی عبارت است از: آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منظم به آن عضویت گروهی. بر این اساس، او هویت اجتماعی را بخشی از هویت فرد می‌داند که در گروه به ظهور می‌رسد و خود فرد نیز به این عضویت گروهی آگاهی تام دارد.

بین متغیر سطح تحصیلات والدین و شکل‌گیری هویت اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۲۰۸- رابطه وجود دارد و رابطه این دو متغیر در سطح ۵ درصد معنی‌دار است؛ این بدان معناست که هر چه تحصیلات والدین بالاتر باشد، هویت اجتماعی فرزند افزایش می‌یابد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق فیض درگاه (۱۳۷۴) همخوانی دارد.

آخرین متغیر، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی است که با متغیر وابسته رابطه دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها و شکل‌گیری هویت اجتماعی ۰/۳۶- می‌باشد که بیانگر همبستگی معکوس بین دو متغیر است؛ این بدان معناست که با بالا رفتن میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، هویت اجتماعی تضعیف و در شکل‌گیری هویت اجتماعی تأثیر کمتری دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات افشاریان (۱۳۹۶)، عبدالحسینی و حقیقتیان (۱۳۹۴) و یلمن (۱۹۹۸) همخوانی دارد. گیدنز معتقد است که امروزه تمام تحولات بشری توسط رسانه تحت تأثیر قرار گرفته است و درواقع رسانه‌ها علاوه بر انتقال پیام از فرستنده به گیرنده، نقش هویت بخشی به مخاطبان را نیز به عهده گرفته‌اند. همچنین او معتقد است که رسانه‌ها هم‌زمان نیز می‌توانند نقشی بسیار مخرب نیز بر روی مخاطبان خود برجای بگذارند و درواقع مخاطبان خود را با دنیایی غیرواقعی مواجه سازند و همین مواجهه می‌تواند هویتی کاذب به آنان ببخشد؛ به گونه‌ای که این مخاطبان از کاذب بودن این هویت اطلاعی ندارند و آن را گونه‌ای از واقعیت غایی می‌پندارند.

به‌طورکلی متغیرهای پایگاه اقتصادی، میزان تعلق به مدرسه، گروه همسالان، انتظارات خانواده، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و سطح تحصیلات والدین ۴۳ درصد از واریانس هویت اجتماعی را تبیین می‌کنند. بنابراین طبق یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت پایگاه اقتصادی، تحصیلات والدین و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی ارتباطی معکوس با شکل‌گیری هویت اجتماعی دختران دارد. وجود چنین رابطه‌ای خود حاکی از تغییراتی است که در دیدگاه و نگرش دختران جامعه ما و به‌طورکلی در وضعیت اجتماعی آنان به وجود آمده است. بنابراین همان‌طور که بیان شد نقش عوامل یاد شده که یکی از جلوه‌های آن سطح تحصیلات والدین نسبت به نسل گذشته است، تأثیر به سزایی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی فرزندان به‌ویژه دختران دارد. همچنین تنوع رسانه‌های جمعی، دختران را با فرهنگ دیگری به‌جز فرهنگ جامعه خود آشنا می‌سازد که همین امر باعث می‌شود گرایش آنان نسبت به هویت اجتماعی تضعیف شود. بنابراین همان‌طور که بیان شد رسانه‌ها به‌عنوان یکی از منابع اصلی هویت‌ساز که به‌طور گسترده‌تری در دسترس خانواده‌هایی است که از سطح اقتصادی بالایی برخوردار هستند می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی دختران داشته باشند.

بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که خانواده‌ها با توجه به دوره سنی بسیار حساس جوانی، به مسائل فرزندان خود توجه بیشتری مبذول نمایند و همواره ارتباطی منطقی و معقول بین خواسته‌ها و انتظارات خود از فرزندانشان برقرار سازند تا فرزندان دچار دوگانگی هویتی بین آنچه هستند (هویت واقعی)

و آنچه از نظر والدینشان می خواهند باشند (هویت مورد انتظار) نشوند- که در غیر این صورت این روند به گم گشتی هویتی و از خویش بیگانگی منجر می شود. همچنین با توجه به نقش پررنگ رسانه ها در دنیای مدرن امروزی، پیشنهاد می شود که دست اندرکاران رسانه ای با کمک گرفتن از جامعه شناسان، روانشناسان و مدیران و برنامه ریزان اجتماعی به هدایت جوانان به سمت هویتی واقعی و مستقل (نه کاذب) اهتمام ورزند.

منابع

- ابادی، یوسف و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۲۰.
- افشاریان، ندا. (۱۳۹۶). «پیش‌بینی شکل‌گیری هویت مدرن در دانش جویان دختر بر اساس استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. سال بیست و چهارم، شماره ۸۹، ۱۴۷-۱۲۱.
- آلمال، فرنگیس. (۱۳۷۵). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش آموزان سال سوم دبیرستان منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- برادلی، ب. (۱۹۹۷). «انتظارات خانواده و عملکرد تحصیلی فرزندان». نازنین رادمنش (۱۳۸۲). نشریه علوم تربیتی، شماره ۱۷۶، ۴۴.
- بیرو، آلن. (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی. باقر ساروخانی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات کیهان
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱) هویت اجتماعی. تورج یاراحمدی. تهران: انتشارات شیرازه
- خواجه‌نوری و همکاران. (۱۳۹۳). «مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی در بین جوانان شهر بندرعباس». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره هفتم، شماره ۱، ۹۴-۶۹.
- دواس، دی، ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نابیی. چاپ اول، تهران: نشر نی
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- زیلتین، ایرونک ام. (۱۳۷۲). آینده جامعه بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی. غلام عباس توسلی. تهران: نشر قدس
- شبانی، ملیحه. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران و نگاهی بر مدیریت شهری». مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره سوم، شماره ۶. صص ۵۳-۳۸.
- عبدالحسینی، اشرف و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان)». جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. دوره شش، شماره ۱۸، ۵۲-۳۳.
- عبدالحی، عبدالله. (۱۳۷۵). «مبانی عینی و ذهنی هویت». نامه پژوهشی. شماره ۱۲.
- فیض درگاه، لیل. (۱۳۷۴). «بررسی رشد هویت در دختران نوجوان با تأکید بر هویت شغلی در اواخر نوجوانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۴). «ضرب آلفای کرونیخ و ویژگی‌های آن با تأکید بر کاربرد در پژوهش‌های اجتماعی». مجله پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه اصفهان. جلد نوزدهم، شماره ۲.
- قیطاسی، غلامرضا و طباطبایی، سمانه سادات. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر تنیدگی بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش آموزان دختر متوسطه دوره اول». فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. شماره سی‌وسه، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۸۷-۱۶۹.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۰). «جهانی شدن و بحران هویت». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۱۰
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. چاپ اول، تهران: نشر نی

- مانی، روح انگیز. (۱۳۷۴). «**هویت دینی**». پایان نامه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۰). **جامعه شناسی جامعه اطلاعاتی**. تهران: دیدار
- مرودشتی، فهیمه. (۱۳۸۲). «**بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آن ها**». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، تهران.
- مک کوایل، دنیس. (۱۳۸۲). **درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی**. پرویز اجاللی. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و توسعه رسانه ها
- منصورفر، کریم. (۱۳۸۸). **روش های پیشرفته آماری همراه با برنامه های کامپیوتری**. چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
- وبستر، فرانک. (۱۳۸۳). **نظریه های جامعه اطلاعاتی**. اسماعیل قدیمی. تهران: انتشارات قصیده سرا
- وینداهاال، سون و همکاران. (۱۳۷۶). **کاربرد نظریه های ارتباطات**. علیرضا دهقان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ای

- Baldwin, J. D. (1986). **Geoge Herbert Mead**. London Sage Pubication Inc.
- Barsukova, O. V., Mozgovaya, N. N., Vyshkvyrkina, M. A. & Suroedova, E. A. (2016) . **“Dynamic of Primary School Children’s Personal and Social Identity”**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 233, 498-503.
- Brown, R. (1985). **“Social identity”**. In: Adam and J. Kupper (eds). The Review of Social Science Encyclopedia. London: R. K. P.
- Burk, Petter. (1997). **“An Identity model for network Exchange”**. American Sociological Review, vol. 62(February:134-150), Washington State University
- Burk, petter, Stats, Jan. (2000). **A Sociological approach to self and identity**. Department of Sociology, Washington State University.
- Burke, Peter, J. (1991). **“Process and social stress”**. American sociological Review, Vol.56, No. 6 pp.836-849.
- Farland-Smith, D. (2012). **“Personal and social interactions between young girls and scientists: Examining critical aspects for identity construction”**. Journal of Science Teacher Education, 23(1), 1-18.
- Heilman, Elizabaeth. (1998) **“The struggle for self power and identity in Adlescent Girls”**. Youth & society, vol 3. n. 2.
- Mead, George Herbert. (1967). **Mind Self and Society**. University of Chicago Press.- Newyork. Wadsworth Publishing company
- Singlman, D. (1972). **“Enchange as symbolic interaction”**. American sociological Review. Vol,(73) . N. G.
- Tajfel, H. (1987). **Social identity and intergroup relation**. New York: Cambridgeee University Press
- Trepte, Sabine. (2006). **Social Identity Theory**. University Hamburg.



بررسی جامعه‌شناختی تاثیر عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ورامین)

مسعود دارابی^۱
ناصر رضاپور^۲
سهیل موسی رضایی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

مشارکت، یکی از موضوعات مهمی است که در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و سیاسی به آن توجه خاص می‌شود. امروزه افراد به عنوان یک گروه تاثیرگذار در مشارکت، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارند. در این میان، عوامل تاثیرگذار مهمی همچون پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی وجود دارند که می‌توانند میزان مشارکت را بالا ببرند. هدف پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی، کمک به افراد در معرض آسیب اجتماعی یا آسیب دیده اجتماعی شامل زنان و دختران در معرض آسیب، زنان سرپرست خانوار، زوجین متقاضی طلاق و افراد فاقد مهارت‌های زندگی و سایر افرادی که به نوعی با بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی رو به رو شده‌اند می‌باشد. به منظور دست‌یابی به این هدف، از بین عوامل و متغیرهای گوناگونی که بر مشارکت اجتماعی تاثیرگذارند، متغیرهای اعتماد اجتماعی، حقوق شهروندی، ارتقای مهارت و بسیج اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شدند. مبانی نظری متغیرها و

۱. دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: Masuod.darabi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

پارامترهای این پژوهش، بر مبنای نظریات پاتنام، لرنر، گیدنز، زتومکا و پارسونز تدوین شده است. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه دارای قابلیت اعتماد و اعتبار است. جامعه آماری پژوهش، جوانان ۱۸ سال و بالاتر مناطق دو گانه شهر ورامین (دهوین و ده شریف) در سال ۱۳۹۶ می‌باشد. حجم نمونه ۴۰۰ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به دست آمد. روش اصلی در تحلیل داده‌ها، رگرسیون و تحلیل مسیر است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در کل میانگین مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه ۳/۲۱ بوده که با توجه به اینکه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد، نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی در بین مردمان منطقه تقریباً در حد متوسط روبه بالاست. همچنین بر اساس نتایج تحقیق، میان مشارکت اجتماعی و متغیرهای پایگاه خدمات اجتماعی، میزان اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و جنسیت، درآمد، تحصیلات و نوع شغل رابطه معنادار وجود داشت، اما بین متغیرهای سن و وضع تاهل با مشارکت اجتماعی رابطه وجود ندارد. از میان این متغیرها، پایگاه خدمات اجتماعی دارای قوی‌ترین رابطه با متغیر وابسته است. چهار متغیر پایگاه خدمات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سن وارد معادله رگرسیون شده‌اند. ضریب تعیین گزارش شده برابر ۰/۳۸۷ است. بنابراین متغیرهای فوق به طور کلی بیش از ۳۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی

مقدمه

مشارکت و همکاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان ادامه حیات بشری در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این مهم این امکان را برای افراد فراهم می‌آورد تا در سرنوشت خود و چگونگی محقق شدن تصمیمات حیاتی، نظارت کنند و اثرگذار باشند. اما بحث از مشارکت می‌باید با این پیش فرض همراه گردد که از یک سو مفهوم مشارکت در طول سالیان پشت سرگذاشته شده، با دگرگونی‌های مختلفی همراه بوده است و از سویی دیگر، تحقق مفهوم مشارکت به معنای جامعه‌شناختی آن، تنها در قالب جوامع برخوردار از شهروندی و به طبع آن نهادهای مدنی شکل خواهد گرفت؛ جوامعی که مشارکت را «دخالست مستقیم افراد در تصمیم‌گیری اجتماعی می‌دانند تا حقوق و آزادی‌های افراد از گزند تصمیم‌های گروه‌های کوچک و دور از دسترس و اغلب ناشناس در امان بماند» (آشوری، ۱۳۷۳). اما در دیدی وسیع‌تر مشارکت را می‌توان روند درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و احساس مسئولیت نسبت به این سرنوشت دانست. تقویت شهروندی و مشارکت شهروندان برای تشکیل انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای داوطلبانه و غیردولتی به عنوان حقوق اولیه شهروندی، از مظاهر مهم مشارکت اجتماعی به شمار می‌آید. مشارکت اجتماعی، فرایندی مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری آگاهانه و داوطلبانه است که شرکت همه افراد ذی نفع را در تمام ابعاد برنامه ریزی و تصمیم‌گیری مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل و تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف در بر می‌گیرد. براساس نظریه‌های مشارکت و توسعه، مشارکت به عنوان یک کالای خوب که حیطه‌ای از منافع فردی و جمعی را عرضه می‌کند، ترسیم می‌شود. در سطح فردی، تحقیقات نشان می‌دهند که مشارکت، سرمایه اجتماعی (به معنای ارتباطات و گره‌های اجتماعی) و نیز اعتماد به نفس و احساس خودمختاری مردم را افزایش می‌دهد و در بهزیستی شان سهم دارد. به نظر اوکلی، مشارکت با استفاده از کمک داوطلبانه اجتماعی و بهره‌گیری از منابع داخلی در جهت تحقق توسعه و کاهش هزینه‌های آن موثر است. همچنین، مشارکت اجتماعی از طریق سازماندهی گروه‌ها، سرمایه اجتماعی و عمومی جامعه را گسترش می‌دهد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

عوامل تاثیرگذار مهمی وجود دارند که می‌توانند میزان مشارکت را بالا ببرند که از آن میان می‌توان به نقش و عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی اشاره کرد. پایگاه خدمات اجتماعی، مکانی دولتی یا غیردولتی است که در سکونتگاه واقع شده است و کلیه اقدامات اجرایی از طریق آن ارائه می‌شود. این مکان می‌تواند شامل مراکز دولتی نظیر سازمان بهزیستی یا کلینیک‌های مددکاری اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی و منابع موجود محلی از قبیل فرهنگ سرا، مسجد، مدرسه، پایگاه مقاومت بسیج و ... باشد. در این راستا، کلینیک مددکاری اجتماعی سرروش با مجوز رسمی از سازمان بهزیستی استان تهران (دفتر آسیب‌های اجتماعی) مأموریت دارد تا در منطقه‌های ورامین - از جمله امرآباد و دهوین، ده شریفا - از طریق ایجاد پایگاه خدمات اجتماعی به جامعه هدف سازمان بهزیستی ارائه خدمت نماید. هدف پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی کمک به افراد در معرض آسیب اجتماعی یا آسیب دیده اجتماعی شامل زنان و دختران در معرض آسیب، زنان سرپرست خانوار، زوجین متقاضی طلاق و افراد فاقد مهارت‌های زندگی، کودکان خیابانی، کودکان کار، کودکان بد سرپرست، کودکان بی سرپرست، کودکان بازمانده از تحصیل، بچه‌های طلاق، کودکان دارای والدین معتاد و کلیه کودکان منطقه مورد نظر وسایر افرادی که به نوعی با بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی رو به رو شده‌اند، می‌باشد.

از این رو، در این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال هستیم:
آیا بین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی با میزان مشارکت اجتماعی مردمان منطقه شهر ورامین (دهوین و ده شریف) رابطه معنادار وجود دارد؟
در پایان راهکارهایی اجرایی جهت افزایش این نوع مشارکت را بیان خواهیم نمود.

پیشینه تجربی پژوهش

در ایران مطالعات متعددی در حوزه مشارکت صورت گرفته است. برای نمونه، عطاfer و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند با افزایش مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران، میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان نیز ارتقا می‌یابد. از طرفی، میانگین مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب میزان به کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع دینی - مذهبی و بر حسب میزان به کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع قومی - نژادی نیز متفاوت و معنادار بوده است.

اسدالهی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، جنسیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضعیت تأهل و تقدیرگرایی از دیگر متغیرهای موثر بر مشارکت هستند.

مظلوم خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری، داشتن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایت‌مندی از عملکرد مسئولان شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی رابطه معناداری دارند.

نتایج پژوهش سروش و افراسیابی (۱۳۸۹) نشان داد میزان تحصیلات بر میزان مشارکت تأثیر داشته است. کسانی مشارکت اجتماعی بیشتری می‌کنند که کیفیت روابط بالاتر و از حمایت‌های بیشتری داشته‌اند و بیشتر به هنجار عمل متقابل اعتقاد داشته باشند. به علاوه، جوانانی که دارای هویت ملی و دینی قوی‌تر و هویت جنسیتی مدرن‌تری هستند، مشارکت بیشتری دارند.

نوابخش و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد بین سن و وضعیت تأهل افراد با میزان مشارکت آن‌ها رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) نشان داد که تمامی متغیرهای تحقیق، به غیر از جنسیت و مشارکت رسمی با شادی رابطه دارند. نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره نیز گویای آن است که متغیرهای ارضای نیازها، اعتماد به دیگران و مشارکت اجتماعی غیر رسمی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر شادی دانشجویان دارند.

نوروزی، و بختیاری (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن» که به شیوه پیمایشی با حجم نمونه ۴۰۰ نفر از ساکنان ۳۰ تا ۶۰ ساله‌ی شهرستان خدابنده انجام شد، به بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی افراد پرداختند. متغیر مستقل در این پژوهش سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده - نگری، بیگانگی سیاسی - اجتماعی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی بود که تأثیر این عوامل بر متغیر وابسته یعنی مشارکت اجتماعی - سیاسی سنجیده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین میزان عام‌گرایی، تقدیرگرایی و آینده نگری افراد و

میزان مشارکت آنها ارتباط معناداری وجود ندارد، اما بین میزان بیگانگی اجتماعی- سیاسی، میزان اعتماد، میزان تعلق اجتماعی، میزان شیوه اقناع‌گری تربیتی، میزان استفاده از رسانه‌های گروهی و طبقه اجتماعی با مشارکت اجتماعی- سیاسی افراد ارتباط معناداری دیده می‌شود. البته رابطه بیگانگی اجتماعی- سیاسی و مشارکت معکوس است؛ به این معنا که با افزایش بیگانگی اجتماعی- سیاسی، مشارکت کاهش می‌یابد. همچنین بر اساس تحلیل رگرسیونی، تعلق اجتماعی وزن مهم‌تری را در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی- سیاسی دارد.

محسنی و جلال‌اللهی (۱۳۸۲) مطالعه‌ای را با عنوان «مشارکت اجتماعی در ایران» به سفارش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور در سطح ملی در باره برخی از ابعاد روابط و مشارکت اجتماعی در ایران انجام دادند. این طرح بخشی از طرح ملی بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران (محسنی ۱۳۸۱) است که در ۱۵ شهر کشور انجام شده است. اهداف این پژوهش، بررسی ارتباط عوامل گوناگون جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با سطح مشارکت اجتماعی افراد، یعنی همکاری با نهادها و انجمن‌های علمی و فرهنگی، همکاری با نهادهای اجتماعی نظیر اصناف، باشگاه‌ها و همکاری با نهادهای نوین مبتنی بر انقلاب اسلامی نظیر انجمن‌های اسلامی و جهاد دانشگاهی بوده است. تعداد افراد نمونه در ۱۵ شهر ۳۵۴۰ نفر بوده است. اطلاعات از طریق پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مشارکت مردم به ترتیب در انجمن‌های علمی و فرهنگی، انجمن خانه و مدرسه و اصناف در ایران بسیار ضعیف است. با افزایش کاربرد رسانه‌ها، سطح سواد و اطلاعات عمومی و اعتقاد کم‌تر به جبرگرایی، ارتباط با انجمن‌های علمی و فرهنگی، نهادها و گروه‌های اجتماعی بیش‌تر می‌شود. وضع اشتغال و دسته‌شغلی، عامل موثری بر میزان مشارکت افراد با انجمن‌های علمی و فرهنگی و نهادها و گروه‌های اجتماعی است. مشارکت فرهنگی و علمی افراد طبقه بالا بیشتر از طبقات پایین است. عوامل فرهنگی بیش از عوامل اقتصادی در مشارکت افراد با گروه‌ها نقش دارند. به‌طور کلی دامنه مشارکت اجتماعی در ایران محدود است. سطح سواد، نوع اشتغال و جنسیت با مشارکت اجتماعی نشان از رابطه و تفاوت معناداری دارد.

رویست و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ۶۳ درصد دانش‌آموزان با اظهار نظر در کلاس و ۵۸ درصد در سازماندهی و انتظامات مدرسه مشارکت خود را بروز می‌دهند. دانش‌آموزان با سنین کمتر، مشارکت بیشتری دارند. علاوه بر آن، مشارکت با موفقیت تحصیلی، سلامتی، احساس رضایت از زندگی و نشاط دانش‌آموزان ارتباط دارد (Roiste & et al., 2012).

باب پرایس (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت مدنی» با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ نفر از رهبران انجمن‌های داوطلبانه در تگزاس، نتیجه گرفت که علیرغم تأکیدات بر نقش فرهنگ و ارزش‌ها در چنین فعالیت‌هایی، متغیرهای اقتصادی در متاثر ساختن درگیری و فعالیت افراد در این انجمن‌ها، اهمیت بسیاری دارد.

ایوان اسکوفر و ناریون گوریناس (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی مطالعه عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با دیدگاهی تطبیقی» عضویت در انجمن‌ها را در ۳۲ کشور، با استفاده از روش تحلیل داده‌های ثانویه آزمون کرده‌اند و آن را تحت تاثیر تفاوت بین ساختار دولت‌ها، نهادهای سیاسی و فرهنگ سیاسی ملت‌ها دانسته‌اند. این متغیرها، هم میزان مشارکت و هم نوع انجمن‌هایی که افراد در آن فعالیت می‌کنند (جنس‌های جدید یا قدیمی) تعیین می‌نمایند.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

تالکوت پارسونز^۱

اگر مشارکت اجتماعی را نوعی کنش توسط افراد جامعه در نظر بگیریم، می‌توانیم آن را با استفاده از نظریه کنش پارسونز مورد بررسی قرار دهیم. در تحلیل کنش در سطح خرد، پارسونز معتقد است که هر عملی که از انسان سر می‌زند، سه خصلت عمده دارد:

خصلت اورگانستی، یعنی هر کنشی در جهت پاسخ به نیازی زیستی است؛

خصلت شخصیتی، یعنی هر کنشی تحت تأثیر شخصیت فرد است؛

خصلت فرهنگی، یعنی هر کنشی صبغه فرهنگی دارد و تحت تأثیر فرهنگ جامعه است.

پارسونز ارگانسیم رفتاری را که دارای سه گرایش هنجاری، ارزیابی، و ادراکی یا شناختی است، نخستین منشأ کنش می‌داند. اورگانسیم وسیله‌ای است که انسان به وسیله آن با محیط ارتباط پیدا می‌کند و کارکرد آن، فراهم کردن عوامل تطابق انسان با محیط است. به نظر پارسونز، به دلیل آن که نوزاد انسان در یک نظام فرهنگی^۲ متولد می‌شود، این اورگانسیم در برخورد با فرهنگ و پذیرش مجموعه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای نظام فرهنگی، آن‌ها را درونی می‌کند (از طریق زندگی در میان اعضای خانواده، کسب تحصیلات در گروه‌های آموزشی، یادگیری باورها و ارزش‌ها درباره فایده‌های مشارکت در امور اجتماعی و همکاری و از این دست مفاهیم) و با درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها، نظامی شخصیتی شکل می‌گیرد که کارکرد آن هدف‌یابی است. وقتی نظام شخصیتی شکل گرفت، دیگر انسان نه از اورگانسیم، بلکه از شخصیت خود پیروی می‌کند و شخصیت بر ارگانسیم مسلط می‌شود. (روشه، ۱۳۷۷: ۱۶۸) به عقیده پارسونز، دو عنصر محیط فیزیکی و ارزش‌های غایی نیز بر کنش اثر می‌گذارند. محیط ارگانیک- فیزیکی، تسهیلات محیطی را برای فرد فراهم می‌کند (نظیر امکانات موجود در هر خانواده، محله، و منطقه زندگی مثل وجود سازمان‌ها و نهادهای مشارکتی، ارزیابی از وجود این امکانات و نبودن آن به عنوان مانع مشارکت) و ارزش غایی نیز نمادی ناظر بر آینده است (نظیر امید به آینده و بهبود شرایط با فعالیت فرد). در بین عناصر مطرح شده، عنصری که میزان اطلاعات آن بالاتر است، کنترل بیش تری بر کنش دارد و آن را از بالا به پایین مورد توجه قرار می‌دهد. بر این اساس، محیط طبیعی، اورگانسیم رفتاری، نظام شخصیتی و در نهایت ارزش‌های غایی، به ترتیب کاملترین اطلاعات و بیش‌ترین انرژی را دارند. از نظر پارسونز، انسان در کنش خود آزاد است و کنش نیز گرچه تا حدی ارادی و اختیاری است، ولی آزاد مطلق نیست و کنش‌گر تحت شرایط ساختاری در جامعه عمل می‌کند. بنا براین، عوامل و شرایط سطح کلان، کنش انسان را مقید و مشروط می‌کند و نتیجه این است که انسان هر چند در اعمال خود مقید به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد، می‌تواند با کنش خود این ساختارها را تغییر دهد. (یزدان پناه به نقل از کرایب، ریتزر، توسلی، ۱۳۸۷) «پارسونز منشأ هر رفتار را تمایلاتی نیازی می‌داند که طی فرآیند اجتماعی شدن^۳ شکل می‌گیرند و انگیزه‌های کنش را می‌سازند. یک دسته از این تمایلات نیازی، تمایلاتی است که کنش‌گران را وادار می‌کند در روابط اجتماعی شان به دنبال تأیید و عشق بروند و دسته دیگر، ارزش‌های ملکه ذهن شده‌ای است که شخص را وادار می‌کند معیارهای گوناگون فرهنگی را رعایت

1. Parsons-Talcott

2. Cultural System

3. Socialization

کند» (روشه، ۱۳۷۷: ۱۷۰). بنابراین، تمایل به کسب پاداش‌های مادی و معنوی، از یک سو و تمایل به رعایت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، از سوی دیگر منشأ کنش اند. پارسونز ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را که در عمل، سازنده شرایط ساختی کنش اند، زیر عنوان متغیرهای الگویی دسته بندی می‌کند و منظور وی از متغیر، انتخاب یک گونه از دو گونه‌ای است که کنش گر باید یکی از آن دو را انتخاب کند. از نظر پارسونز، ترکیب الگوها و جهت گیری‌های ارزشی که به وسیله کنش گر در زمان اجتماعی شدن به دست می‌آید، تا اندازه زیادی نتیجه کارکرد ساختار بنیادین جامعه و ارزش‌های مسلط نظام اجتماعی است. بنابراین از نظر وی، هر یک از عوامل ساختاری سطح کلان مانند اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و سطح توسعه، به روش تأثیرگذاری بر ترکیب متغیرهای الگویی، مشروط کننده کنش است. از سوی دیگر، او معتقد است که کنش نیز به طور متقابل بر ساختار جامعه تأثیر می‌گذارد و تغییردهنده شرایط ساختاری است. این تغییرات در جهت تفکیک پذیری و انسجام نظام اجتماعی، شکل گیری ارزش‌ها و اجتماع عام و افزایش توان و ظرفیت تطابق جامعه با محیط صورت می‌گیرد (ریترز، ۱۳۷۷: ۶۲). در مورد ترکیب متغیرهای الگویی در جوامع مختلف، پارسونز معتقد است که هرچه جامعه به طرف صنعتی شدن پیش می‌رود، گرایش به جهت گیری جمعی در مقابل جهت گیری فردی، فعال گرایی در مقابل انفعال گرایی، خردگرایی در مقابل عاطفه گرایی و عامگرایی در مقابل خاص گرایی بیش تر می‌شود. به عبارت دیگر، پارسونز خصوصیات جوامع مدرن را وجود عناصری چون عامگرایی، فعال گرایی، آزادی و عقل گرایی می‌داند. (ازکیا، ۱۳۸۶: ۹۷) بر اساس نظریه پارسونز، افراد مشارکت جو دارای ویژگی هایی چون عامگرایی، فعال گرایی، خردگرایی، امیدوار به آینده و دارای احساس مسئولیت نسبت به جامعه و افراد آن هستند که نمود آن را می‌توان در عضویت در سازمان‌های غیر دولتی، خیریه، انجمن‌های علمی و فرهنگی و.... مشاهده نمود.

یورگن هابرماس^۱ (حوزه عمومی و مشارکت)

هابرماس سه نوع کنش را از هم تفکیک می‌کند: کنش ابزاری^۲، کنش استراتژیک^۳ و کنش ارتباطی^۴. کنش ابزاری، دارای موقعیتی غیر اجتماعی است و در سطح بین فردی عقلانیت ابزاری را همراه می‌آورد؛ یعنی جستجوی سود و به پیش بردن منافع شخصی. اگر از زاویه میان یک شناسنده (سوژه) و یک شناسا (ابژه) دست به کنش بزنیم، گرفتار خرد ابزاری شده و دست به کنش ابزاری زده ایم (کرایب، ۱۳۸۰: ۳۰). کنش استراتژیک یا راهبردی و کنش ارتباطی هر دو دارای موقعیت اجتماعی اند. کنش استراتژیک کنش هدفدار-عقلانی است که به عمل دو یا چند فرد مربوط می‌شود که در تعقیب یک هدف، کنش معقولانه هدفدارشان را هماهنگ می‌کنند. مانند کنش هایی که در درون سازمان‌ها صورت می‌گیرد و این نوع در جستجوی موفقیت است در حالی که در کنش ارتباطی افراد به دنبال موفقیت شخصی شان نیستند، بلکه اهدافشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی شان را بر مبنای تعریف هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند و این واکنش عقلانی و بنیادی است و توجه به آن سبب می‌شود که در آن همه به ابزارهای خرد، فرصت مشارکت در بحث، طرح نظرات و مشارکت در تصمیم‌گیری نهایی دسترسی پیدا کنند. این نوع کنش در جستجوی تفاهم

1. Jurgen-Habermas

2. Instrumental action

3. Strategic action

4. Communicative action

است. توافقی که در ضمن کنش ارتباطی حاصل شده مبنایی عقلانی دارد، زیرا هیچ یک از طرفین نمی‌توانند آن را تحمیل کنند (کرایب، ۱۳۸۰: ۳۰۱). هابرماس فضایی که کنش ارتباطی در آن صورت می‌گیرد را حوزه عمومی^۱ می‌نامد. منظور وی از حوزه عمومی، عرصه و قلمروی از حیات اجتماعی انسان هاست که در آن بتوانند چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل دهند. زمانی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه‌ای آزاد بدون قید و بند - یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، آزادی بیان و چاپ نشر افکار - با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت یک پیکره عمومی رفتار می‌کنند. تعبیر افکار عمومی، به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان به طور غیررسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۲). هابرماس حوزه عمومی را یکی از مقوله‌های جهان مدرن یعنی جامعه بورژوازی^۲ می‌داند. او استدلال می‌کند که حوزه عمومی اساساً شبکه‌ای از ارتباطات است که افراد و گروه‌ها برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی جهت مبادله مبانی بین خود استفاده می‌کنند. حوزه عمومی بر خلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد.

اهمیت تأکید هابرماس بر حوزه عمومی به عنوان مجرای شکل‌گیری هویت جمعی و علایق عمومی اساساً ناشی از تشخیص این نکته است که استمرار حیات جامعه وابسته به عملکرد صحیح ساختارهای ارتباطی است که در غیاب نفوذ فراگیر سنت و عوامل سنتی ایجاد‌کننده مشروعیت و یکپارچگی اجتماعی و توافق بر سر آنچه علایق عمومی و منافع جمعی خوانده می‌شود را ممکن می‌کند.

هابرماس درباره رابطه شکل‌گیری هویت جمعی «ما» با بحث و گفتگو در مجامع و گروه‌ها و انجمن‌های جامعه و حوزه عمومی به طور کلی، در موارد مختلف تأکید کرده و شکل‌گیری هویت را اساساً فعالیت جمعی و توأم با بحث و گفتگوی استدلالی و همراه با اقتباس نقادانه از سنت و علوم و فلسفه می‌داند. عمل و گفتار جمعی است که علایق جمعی و هویت جمعی را شکل می‌دهد (رضایی، ۱۳۷۵: ۶۲). مضمون اصلی بیشتر آثار هابرماس عبارت است از: مشارکت در تدوین و ارائه سیمایی واضح از یک جامعه جهانی بهتر؛ جامعه‌ای که در آن امکانات و تسهیلات بیشتری برای سعادت، شادکامی، صلح و همبستگی همگان فراهم باشد.

به طور کلی منظور هابرماس بر اساس امکانات و تسهیلات وجود سازمان‌ها، انجمن‌ها و مجامع جامعه مدنی است، چرا که اینگونه سازمان‌ها مهمترین ابزار واسطه‌ای میان دولت و افراد جامعه می‌باشند که به عنوان پتانسیل جامعه برای تحقق دموکراسی تلقی می‌شوند - در واقع، دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمن‌هایی امکانپذیر است (الموند^۳، ۱۹۶۵: ۲۴۵).
دانیل لرنر^۴

دانیل لرنر در نیمه دوم قرن بیستم با رویکرد جامعه‌شناختی - روان‌شناختی گذار جوامع از مرحله سنتی به مدرن را در منطقه خاورمیانه مورد مطالعه قرار داده و ارتباط متقابل بین متغیرهای روانی همچون: همدلی، برخوردار شدن از شخصیت انتقالی و متغیرهای جامعه‌شناسی نظیر سطح تحصیلات، میزان شهرنشینی،

1. Public Area
2. Bourgeoisie
3. Almond
4. Daniel Lerner

دسترسی به رسانه‌های گروهی و مشارکت را مورد بررسی قرار داده است. به نظر او جامعه جدید یک جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت جویانه است. به نظر وی، مشارکت در حوزه اقتصادی به فعالیت در بازار و افزایش درآمد، مشارکت سیاسی به شرکت در انتخابات، مشارکت فرهنگی به بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و مشارکت روانی به همدلی و تحرک روانی منجر می‌شود. در اندیشه لرنر، بین متغیرهای شهرنشینی، تحصیلات، دسترسی به رسانه‌های گروهی و مشارکت ارتباط متقابل وجود دارد (لرنر، ۱۹۵۸: ۸۶ به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۰).

نظریه سیمومارتین - لیپست^۱

لیپست از دیگر نظریه پردازان نوسازی نیز در مدل خود می‌کوشد براساس متغیرهای اجتماعی پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویش‌های اجتماعی تبیین کند. مدل لیپست بر آن است که پدیده شرکت یا عدم شرکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را براساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی نظیر انتخابات، انجمن‌ها، سندیکاها، کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن تبیین کند. وی با تبیین الگوی شرکت در انتخابات میان کشورهای مختلف (آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و ...) این الگو را در کشورهای مذکور کم و بیش یکسان می‌بیند و معتقد است در کلیه این کشورها میزان مشارکت در فرایندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیلکرده، متأهلان، شهرنشینان، افراد میانسال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۴). افراد با درآمد پایین در انتخابات شرکت می‌کنند و کارگران و معدنچیان بیشتر از کشاورزان در امور شهری و جامعه‌ای مشارکت دارند.

می‌توان سوال کرد که علت مشارکت اجتماعی بیشتر طبقات بالاتر چیست؟ جامعه‌شناسان پاسخ‌های مختلفی به این سوال داده‌اند؛ از جمله اینکه اعضای طبقات بالا در مشاغل کار می‌کنند که بعد اجتماعی قوی‌تری دارند که علاقه و مهارت‌های آنان را افزایش می‌دهد. همچنین، به علت داشتن سطح تحصیلات بالاتر، آگاهی سیاسی و اجتماعی بیشتری دارند و در نتیجه علاقه بیشتری به مشارکت اجتماعی نشان می‌دهند، در حالی که اعضای طبقات اجتماعی پایین‌تر، از همه این موارد محروم هستند و در نتیجه میزان مشارکت آنها کمتر خواهد بود.

آلموند و پاول

آلموند و پاول ضمن تاکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان، درباره اثرات پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می‌دارند که بیش‌تر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای احتمال بیش‌تری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت‌های که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند می‌تواند آنها را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند. در نتیجه این بررسی‌ها، شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌ترند. کوئن در مورد تاثیر طبقه اجتماعی افراد بر مشارکت اجتماعی آنان معتقد است معمولاً هر چه طبقه اجتماعی بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیری در فعالیت‌های اجتماعی

بیش تر است. به نظر وی سطح مشارکت فعال در باشگاه‌های اجتماعی، انجمن‌های شهری، انجمن‌های خانه و مدرسه و سازمان‌های سیاسی در میان اعضای طبقات پایین نازل تر است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۸۵).

تئوری‌های مربوط به حوزه اعتماد اجتماعی^۱

تئوری زتومکا^۲

زتومکا (۱۹۹۹) در بحث اعتماد اجتماعی، تئوری «صبرورت اجتماعی»^۳ فرهنگ اعتماد^۴ را مطرح می‌کند و معتقد است که ظهور فرهنگ اعتماد با مقداری از فرهنگ اعتماد فطری و ذاتی یعنی سنت اعتمادیابی اعتمادی شروع می‌گردد. پس از آن، شرایط ساختاری واقعی (شامل همبستگی هنجاری، ثبات و نظم اجتماعی، شفافیت، انس و آشنایی و در نهایت پاسخگویی یا فقدان هر یک از آنها) احتمال تجارب مثبت و با ارزش اعتماد و نیز برآورد و یا نقض شروط اعتماد را افزایش و یا کاهش می‌دهند. این شرایط بسته به استعداد کنشگران، فرصت‌های ساختاری را برای پذیرش و یا نادیده گرفتن آسان تر مخاطره اعتماد فراهم و یا مانع می‌گردند. (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۳۶) خلیقات اجتماعی که به عنوان پیامدهای جمعی نشانگان‌های شخصیتی اعتمادپذیری و یا شک و تردید که برای اعضای گوناگون جامعه به صورت مختلفی ظاهر می‌شوند، می‌توانند موجب ترغیب و یا سد راه تبلور فرهنگ اعتماد گردند. به همین ترتیب سرمایه جمعی که به عنوان مجموعه‌ای از منابع گوناگون در تصاحب اعضای جامعه ظاهر می‌شوند، در صورتی که به اندازه کافی غنی باشد، امنیت بیمه و گزینه‌های پشتیبان را فراهم می‌کند و در صورت فقر سرمایه جمعی، ناامنی، عجز و ناتوانی را به بار می‌آورد که در نتیجه محرک و یا مانع ظهور اعتماد و فرهنگ اعتماد می‌شود.

به نظر زتومکا، اعتماد اجتماعی پایین در یک جامعه منجر به انزوا و دوری اعضای جامعه از همدیگر می‌شود و میزان بیگانگی اجتماعی را افزایش می‌دهد. پارسونز عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی را اعتماد می‌داند. به عقیده وی، اعتماد این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به موفقیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. اعتماد این انتظار را موجب می‌شود که دیگران به تعهدات و مسئولیت شان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک نمایند. وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در انجام وظایف شان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظم سیستم اجتماعی کمک می‌کند (انعام، ۱۳۸۰: ۲۵). به عبارت دیگر، در جوامع سنتی، اعتماد درون گروهی و یا سرمایه اجتماعی قدیم و در جوامع جدید و مدرن، اعتماد برون گروهی یا سرمایه اجتماعی جدید حاکم است.

تئوری گیدنز^۵

از نظر گیدنز، جوامع امروزی برای پیشرفت نیازمند مفهوم اعتماد هستند. مفهوم اعتماد تنها به معنای اعتماد به یک شخص خاص نیست، بلکه شامل سازمان‌ها و نهادهای بزرگتر از جمله نظام‌های تخصصی می‌گردد؛ به طوری که این گونه روابط در گذشته بدین وسعت و گستردگی وجود نداشته است. اعتماد به شیرازه زمان و مکان مربوط می‌شود. همچنین، نظریه پردازانی مانند گیدنز، بین دو نوع اعتماد تمایز قایل می‌شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی در برگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد

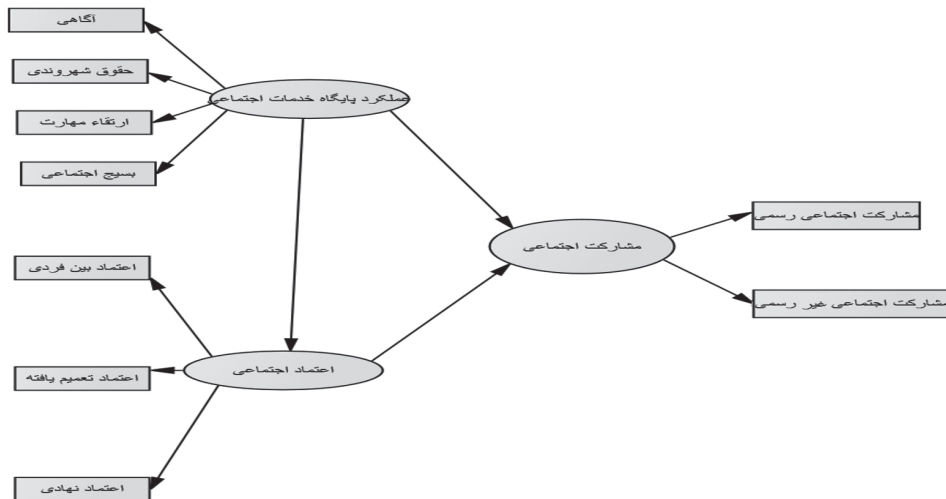
1. Social Trust
2. Sztompka
3. Social Becoming
4. Giddens

اعتماد است. لذا در حالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، بر اساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد، انگیزه‌ها و شایستگی‌های او می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴) از نظر گیدنز اعتماد شیوه ضروری و اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی و از مولفه‌های مدرنیته است. در فرهنگ‌های سنتی چهار زمینه محلی شامل خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی یا دین در ارتباط با اعتماد غالب هستند. طبق نظر گیدنز، منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده‌اند. گیدنز ارتباط ناب را منوط به اعتماد متقابل می‌داند که رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد. گیدنز اعتماد را در جوامع دوره پیش از مدرن^۱ و دوره مدرن^۲ نه تنها متفاوت، بلکه در تضاد با یکدیگر می‌داند. به عبارت دیگر، می‌توان برای فرهنگ هر یک از این جوامع، از محیط‌های اعتماد و محیط‌های مخاطره یاد کرد. در دوره پیش از مدرن، اعتماد محلی^۳ از اهمیت زیادی برخوردار بوده که این امر زمینه عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد را در این جوامع نشان می‌دهد. در جوامع مدرن، اعتماد بین مردم کاهش یافته و زمینه عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد در آن مبتنی بر روابط اعتماد نظام‌های انتزاعی و تخصصی است که از نظر گیدنز دارای ویژگی^۴ یا بی‌ریشگی در دنیای مدرن هستند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲۰). رابرت پاتنام^۵

پاتنام در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی» اعتماد اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد. وی معتقد است که شایع‌ترین شکل سرمایه اجتماعی، اعتماد است که با عنوان «منابع اخلاقی» شناخته می‌شود؛ منابعی که ذخیره‌شان در حین استفاده به جای کاهش، افزایش می‌یابد و در صورت عدم استفاده کاهش می‌یابد. به زعم وی، هر چه دو نفر بیش‌تر به یکدیگر اعتماد کنند، اعتماد متقابل‌شان فزونی می‌یابد (پاتنام و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۹۰). به نظر پاتنام، اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. هنجارهایی که اعتماد را تقویت می‌کنند، توسعه می‌یابند، چرا که هزینه‌های معاملات را کاهش می‌دهند و همکاری را تسهیل می‌کنند. مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل است. معامله متقابل دو نوع می‌باشد: نوع اول، مبادله متوازن خوانده می‌شود که در این نوع مبادله چیزهای با ارزش به طور همزمان مبادله می‌شوند مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل‌شان را با هم عوض می‌کنند. نوع دوم، معامله متقابل عمومی است که به رابطه تبادلی مداوم اشاره دارد که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است، اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند مبنی بر این که سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده پرداخت شود. برای مثال، دوستی اغلب به معامله متقابل عمومی تبدیل می‌شود. هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می‌کند، معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را دارا می‌باشد: دوستی کوتاه مدت و حفظ منافع خود در بلند مدت. به عقیده پاتنام، یک هنجار موثر مبتنی بر معامله متقابل عمومی محتملاً با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط است. در جوامعی که در آنها مردم می‌توانند مطمئن باشند که

1. Pre modern
2. Modern
3. Local Trust
4. Disembedment
5. Rabert Patnam

اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام مبادلات وجود دارد. مبادلات مکرر در طی یک دوره زمانی نیز به نوبه خود، توسعه یک هنجار معامله متقابل عمومی را به دنبال دارد. از سوی دیگر، روابط اجتماعی مداوم نیز می‌تواند انگیزه‌هایی را برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند. هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها اساساً افقی هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند. اما بعضی دیگر شبکه‌های عمودی می‌باشند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند می‌دهند. البته در جهان واقعی تقریباً همه شبکه‌ها مخلوطی از عمودی و افقی هستند. به نظر وی، شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرود خوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب توده‌ای و... کنش افقی شدید را به نمایش می‌گذارند. هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیش‌تری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند (پاتنام و دیگران، ۱۳۸۰، ۲۹۸-۲۹۳) که نتیجه آن افزایش میزان اعتماد در جامعه است



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- بین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات گیدنز، پاتنام)
- بین ارتقای آگاهی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات لرنر، گیدنز)
- بین حقوق شهروندی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات هابرماس)
- بین ارتقای مهارت و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات لیپست)
- بین بسیج اجتماعی و مشارکت اجتماعی منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات لرنر، گیدنز)

- بین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بهزیستی و میزان اعتماد اجتماعی مردم منطقه دهوین رابطه وجود دارد. (نظریات زتومکا، گیدنز)
- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد. (نظریات لیپست، پاول)
- بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات و درآمد) و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. (نظریات لیپست، پاول)

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی و همبستگی می‌باشد و هدف آن شناخت و توصیف وضعیت مشارکت (متغیر وابسته) در جامعه آماری مورد مطالعه و تعیین رابطه آن با ویژگی‌های اجتماعی - فردی و مولفه‌های بیگانگی اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی، اعتماد و رسانه‌ها (متغیر مستقل) می‌باشد. بنابراین از لحاظ روش گردآوری داده‌ها از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش میدانی (پیمایش و مصاحبه) استفاده شده است. در روش اسنادی جهت تدوین جامع چارچوب نظری تحقیق، مطالعات انجام گرفته قبلی و نظریه‌های جامعه‌شناسی در تحلیل مشارکت و صورت آن بررسی شده است و پس از ارزیابی تحقیقات و نظریه‌های مرتبط با موضوع از یک طرف و شناخت وضعیت فعلی جامعه، تدوین شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق انجام گرفته است.

تعریف نظری و عملی مفاهیم و چگونگی اندازه‌گیری متغیرها

مشارکت

الف) تعریف مفهومی: «مشارکت به معنی سهمی در چیزی یافتن و یا از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است» (بیرو، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

مشارکت در واقع نوعی رفتار اجتماعی مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است. مشارکت عبارت است از: میزان دخالت اعضای نظام در فرآیند تصمیم‌گیری. در حقیقت جوهر مشارکت، منابع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد در گروه است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش متغیر مشارکت از دو بعد مشارکت اجتماعی رسمی و مشارکت اجتماعی غیر رسمی استفاده شد. پرسشنامه به صورت محقق ساخته تدوین و سوالات هر مولفه بر اساس طیف لیکرت به صورت پنج گزینه‌ای طراحی شد (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۸).

در ارتباط با مفهوم سازی مشارکت، گویه‌هایی برای سنجش هر یک از ابعاد ذکر شده در نظر گرفته شد. این گویه‌ها به صورت تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق در جدول ۱ آمده است.

مشارکت اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: «مشارکت اجتماعی در معنای وسیعی در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). مشارکت اجتماعی به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۸۲).

ب) تعریف عملیاتی: مشارکت اجتماعی را می‌توان میزان مشارکت مردمان در فعالیت‌های گروهی و جمعی

که در سرنوشت خود آنها اهمیت دارد، دانست. لذا در سنجش آن، به سنجش نگرش پاسخگویان در این زمینه پرداخته شده است. بنابراین برای شاخص مشارکت اجتماعی ۷ گویه در نظر گرفته شده است که از طریق مقیاس لیکرت ساخته شده است.

در ارتباط با مفهوم سازی مشارکت اجتماعی گویه‌هایی برای سنجش هر یک از ابعاد ذکر شده در نظر گرفته شده‌اند. این گویه‌ها به صورت تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: معرف ها، گویه‌ها و سطح سنجش مشارکت اجتماعی

مفهوم	ابعاد	گویه‌ها	نحوه سنجش
مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	انجمن حفظ محیط زیست	ترتیبی
		تمایل به شرکت در شورای محل سکونت	
		تمایل به عضو شدن در انجمن‌ها (گروه‌های صنفی، باشگاه‌ها و غیره)	
		همکاری با نهادها مثل سمن‌ها، هلال احمر، بهزیستی و...	
		شرکت در کارهای خیر و عام‌المنفعه (مانند کار در موسسات خیریه درمانی، مالی و اجتماعی و مددکاری و یا احداث بناهای خیریه و...)	
		تمایل به مشارکت در فعالیت‌های علمی، فرهنگی و ورزشی (مانند مدارس، دانشگاه‌ها، کانون‌های هنر، کتابخانه‌ها، اداره ارشاد اسلامی)	
مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	همکاری در مراسم ازدواج و عروسی و عزا همسایگان و ...	ترتیبی
		همکاری در امور عمومی محله و	
		شرکت در انتخابات هیات مدیره و	
		پیگیری امور محله (آسفالت و ...)	
		تماس با رسانه‌ها برای رفع مشکل	
		شرکت در هیات و روضه	
		خرید جهیزیه	

اعتماد اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: «اعتماد اجتماعی دلالت دارد بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تایید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند و قرین با روابط متقابل تعمیم یافته است» (ازکیا، ۱۳۸۰، ۹). آنتونی گیدنز، اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال‌ها در بحران‌ها و در حال و هوایی آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۳).

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش اعتماد اجتماعی از سه مولفه (اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به غریبه‌ها، اعتماد به نهادها یا سازمان‌های دولتی) استفاده گردیده و سوالات هر مولفه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شده است.

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیرهای اعتماد اجتماعی

مفهوم	ابعاد	گویه ها	سطح سنجش
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین فردی	اعتماد به همسایگان	ترتیبی
		اعتماد به خانواده	
		اعتماد به دوستان و آشنایان	
		اعتماد به فامیل و اقوام و خویشاوندان	
	اعتماد تعمیم یافته	احساس می‌کنم به این محله تعلق ندارم	ترتیبی
		در جامعه در مقایسه با دیگران احساس نابرابری می‌کنم	
		به طور کلی به قوانین کشور پایبند هستم	
		امروزه واقعا نمی‌توان به کسی اعتماد کرد	
		به غریبه‌ها می‌توانم اعتماد کنم	
		مردم به قول و قرارهای خود وفادار نمی‌باشند.	
		اکثر مردم محله من آدم‌های صادقی هستند	
	اعتماد نهادی	صدا و سیما	ترتیبی
		مجلس شورای اسلامی (وضع قوانین)	
		سپاه پاسداران	
		قوه قضائیه و دادگاه‌ها (قضاوت عادلانه)	
		نیروی انتظامی (ایجاد نظم و امنیت)	
		شهرداری و شورای شهر	
		احزاب سیاسی	
		مطبوعات یا رسانه‌های داخلی (اطلاع رسانی)	
		دانشگاه‌ها	
		سازمان بهزیستی	

عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: مکانی دولتی یا غیردولتی که در سکونتگاه واقع شده است و کلیه اقدامات اجرایی از طریق آن ارائه می‌شود. این مکان می‌تواند شامل مراکز دولتی سازمان بهزیستی یا کلینیک‌های مددکاری اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی و منابع موجود محلی از قبیل فرهنگسرا، مسجد، مدرسه، پایگاه مقاومت بسیج و ... باشد.

ب) تعریف عملیاتی: برای سنجش پایگاه خدمات اجتماعی از مفاهیمی چون: آگاهی، مهارت، حقوق شهروندی و بسیج اجتماعی استفاده شده است و سوالات هر مولفه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شده است. در ارتباط با مفهوم سازی پایگاه خدمات اجتماعی، گویه‌هایی برای سنجش هر یک از ابعاد ذکر شده در نظر گرفته شده‌اند. این گویه‌ها به صورت تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: معرف ها، گویه‌ها و سطح سنجش عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی

مفهوم	ابعاد	گویه ها	طیف پاسخگویی
آگاهی از حقوق شهروندی	آگاهی	آموزش همگانی در محله ها	ترتیبی
		برگزاری کارگاه آموزشی در زمینه بهداشت، اعتیاد و مواد مخدر، ازدواج و مهارت زندگی و....	
		بالا بردن دانش عمومی مردمان منطقه در زمینه‌های مختلف	
	حقوق شهروندی	فراهم نمودن دسترسی آسان به خدمات بهداشتی و درمانی در محله	
		توجه به وضعیت روشنایی معابر در منطقه	
		رعایت بهداشت و قرار دادن زباله در کیسه‌های سر بسته در بیرون منزل در ساعت مشخص	
		توجه به بهبود و ارتقای وضعیت بهداشتی منطقه	
		ایجاد کانال و جدول در خیابان و کوچه ها برای رفع مشکل آب گرفتگی به هنگام وقوع بارندگی	
	مهارت	توجه به فضای ظاهری (زیباسازی) محله	
		ساماندهی وضع اشتغال و ایجاد گسترش فرهنگ واقعی اشتغال	
		شناسایی تخصص ها و استعداد های درخشان در بین دانش آموزان و معرفی آنها به نهادهای دولتی	
	بسیج اجتماعی	اهتمام مجدانه و کارشناسانه برای کاهش قاچاق مواد مخدر و سرقت در محله	
		مشارکت مردم در رعایت بهداشت محله	
		مکاتبه با نهادهای دولتی مثل نیروی انتظامی و شبکه بهداشت و شهرداری و اداره برق و آب و فاضلاب برای رفع مشکلات محله	
		تشکیل کمیته راهبردی پایگاه در جهت رفع مشکلات محله	
		پیگیری مسئول پایگاه در مورد امور عمرانی و بهداشتی و	
		وحدت و انسجام مردم در انجام امور مربوط به محله	
		کمک‌های مادی و معنوی به نیازمندان شناسایی شده و ..	

اعتبار و روایی ابزار اندازه گیری

در این پژوهش جهت برآورد اعتبار سوالات پرسشنامه، از اعتبار محتوایی استفاده شده است. اعتبار محتوایی به معنی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران می‌باشد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر پژوهشگران از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص گنجانده شده در سوالات پرسشنامه معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند. همچنین برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه مورد پیش آزمون قرار گرفت. به این صورت که تعداد ۶۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه تنظیم شده را تکمیل نمودند. پس از تکمیل، پرسشنامه‌های مذکور کدگذاری و در نرم افزار SPSS وارد شدند و پایایی آن‌ها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید که در غالب موارد بیش از ۷۰ درصد و نشان دهنده پایایی و قابلیت اعتماد پرسشنامه بود. داده‌ها با نرم افزار spss در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفت. همچنین برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده گردید.

جدول ۴: ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های تحقیق

متغیرهای پنهان		تعداد	ضریب آلفای کرونباخ	
مقیاس	خرده مقیاس		خرده مقیاس	مقیاس
مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی رسمی	۶	۰/۸۷	۰/۸۲
	مشارکت اجتماعی غیر رسمی	۷	۰/۷۲	
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین شخصی	۴	۰/۸۱	۰/۸۶
	اعتماد تعمیم یافته	۷	۰/۸۵	
	اعتماد نهادی	۱۰	۰/۷۷	
پایگاه خدمات اجتماعی	آگاهی	۳	۰/۷۵	۰/۷۵
	حقوق شهروندی	۶	۰/۸۳	
	ارتقای مهارت	۲	۰/۷۴	
	بسیج اجتماعی	۷	۰/۸۵	

جامعه و نمونه آماری و استراتژی نمونه گیری و تعیین حجم نمونه

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و اهداف مورد نظر، جامعه آماری تحقیق حاضر شامل گروه سنی ۱۸ سال و بالاتر می‌باشند که با توجه به تعریف جامعه آماری هر یک از افراد این گروه سنی به عنوان واحد آماری محسوب می‌شود. براساس آمار سال ۱۳۹۰، جامعه آماری تحقیق برابر ۲۴۵۲۸ نفر است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰) که از این تعداد، ۱۲۰۷۳ نفر زن و ۱۲۴۵۵ نفر مرد هستند. در این پژوهش با توجه به حجم جامعه آماری (گروه سنی ۱۸ سال و بالاتر) و با استفاده از فرمول ذیل:

$$n = \frac{nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

که در آن حد مطلوب اطمینان در این پژوهش ۰/۹۵ در نظر گرفته شده، در نتیجه سطح احتمال مورد نظر (d) برابر با ۰/۰۵ و اندازه متغیر در توزیع طبیعی یا ضریب اطمینان (t) برابر با ۱/۹۶ است. برای تعیین واریانس، می توان از پیش برآورد استفاده کرد. بزرگترین نمونه لازم برای پاسخ گویی به سوالات یک تحقیق وقتی به دست می آید که احتمال دارا بودن صفت یا قرار گرفتن در نمونه (p) برابر ۰/۵ باشد. در این صورت، اشتباه استاندارد کمترین مقدار را به خود می گیرد. همچنین، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جامعه آماری (N) افراد گروه سنی ۱۸ سال و بالاتر ساکن در شهر ورامین (دهوین) برابر با ۲۴۵۲۸ است. در نهایت، با توجه به داده های بالا و فرمول کوکران حجم نمونه (n) برابر با ۳۸۴ نفر تعیین گردید که این مقدار را برای کاهش خطای ناشی از نمونه گیری و احتمال ناقص بودن برخی از پرسشنامه ها، به ۴۰۰ نفر افزایش داده شد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها در چند مرحله و با استفاده از نرم افزار اس پی اس^۱ انجام شد و به تناسب سئوالات و فرضیات تحقیق از روش توصیفی یا تبیینی استفاده گردید. در بخش آمار توصیفی با توجه به سطوح سنجش متغیرها، از آماره های میانگین و انحراف استاندارد استفاده گردید و برای ایجاد مفاهیم مورد نظر- زمانی که سطوح سنجش گویه ها و سئوالات با هم متفاوت بودند- از طریق استاندارد سازی امکان جمع آوری آنها فراهم آمد. در تحلیل دو متغیری نیز بنا به سطح سنجش متغیرها از آزمون های مقایسه میانگین ها^۲، تحلیل واریانس^۳ و آزمون پیرسون استفاده گردید. به منظور انجام تحلیل چند متغیری و مشخص کردن سهم هر یک از متغیرها در تبیین تغییرات متغیر وابسته، تحلیل رگرسیون چند متغیری انجام و تحلیل مسیر نیز برای تعیین اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بکار گرفته شد.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

بر اساس آمار از ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن بوده اند. بنابراین جامعه نمونه دارای تناسب در ترکیب جمعیتی می باشد که از این تعداد، ۱۸۱ نفر (۰/۲۳ درصد از پاسخگویان) متعلق به گروه سنی ۱۸ تا ۲۷ سال می باشند. ۱۳۱ نفر (حدود ۰/۳۳ درصد) نیز به گروه سنی ۲۸ تا ۳۷ سال تعلق دارند که نمای این توزیع را می سازد. همان طور که انتظار می رود، کمترین تعداد و درصد پاسخگویان به گروه سنی بالاتر از ۵۸ سال تعلق دارد که ۰/۰۸ درصد است. میانگین سن پاسخگویان، ۳۳ سال می باشد که با توجه به نمای توزیع، نشان دهنده غیرنرمال بودن این توزیع است. از لحاظ وضعیت تأهل ۱۸/۷ درصد مجرد، ۷۴/۷ درصد متأهل و ۴/۳ درصد همسر طلاق گرفته و ۲/۳ درصد همسر فوت کرده می باشند. مقایسه درصدهای فوق نشان می دهد که افراد متأهل با ۷۵ درصد بیشترین تعداد و افراد بدون همسر به دلیل فوت با ۲/۳ درصد کمترین تعداد را به خود اختصاص داده اند.

از نظر سطح تحصیلات، سطح سواد ۱۳۶ نفر از پاسخگویان (۰/۳۴ درصد) دیپلم ناقص یا کامل تا پیش دانشگاهی بوده که نمای توزیع است و بیشترین تعداد و درصد پاسخگویان را شامل می شود. تعداد و

1. spss
2. T-test
3. F-test

درصد قابل ملاحظه‌ای از پاسخگویان نیز که ۷۹ نفر (۲۰ درصد) می‌باشند، در سطح فوق دیپلم تا لیسانس بوده‌اند و بقیه پاسخگویان در سایر سطوح تحصیلی توزیع شده‌اند. به نظر می‌رسد که میانگین سواد پاسخگویان، قدری بالاتر از میانگین سواد جامعه آماری باشد. وضعیت فعالیت نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که حدود ۰/۴۷ درصد خانه‌دار، حدود ۰/۱۲ درصد شاغل تمام وقت و یا نیمه وقت، نزدیک به ۰/۱۵ درصد دانشجوی و ۰/۲۳ درصد شغل آزاد و بقیه بیکار بوده‌اند. مقایسه درصدهای فوق نشان می‌دهد که افراد خانه‌دار با ۰/۴۷ درصد بیشترین مقدار بوده و پس از آن افراد با شغل آزاد (۰/۲۳ درصد) قرار دارند. در حدود ۰/۶۰ درصد از پاسخگویان در مناطق دهوین و حدود ۰/۴۰ درصد در منطقه ده شریفا سکونت داشته‌اند. وضعیت درآمد افراد نشان می‌دهد که در حدود ۴۸ درصد از پاسخگویان میزان درآمد خانواده را درآمدی بین ۱ تا ۱/۵ میلیون بیان نموده‌اند. این طبقه به علاوه افرادی که بین ۱/۵ تا ۲ میلیون درآمد دارند و ۱۳/۶ درصد هستند، جمعاً طبقه متوسط محسوب می‌شوند و لذا بیشتر افراد نمونه آماری از نظر درآمدی جزو طبقات متوسط محسوب می‌گردند. میانگین درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان ۱۲۵۰,۰۰۰ هزار تومان است - کمترین میزان درآمد ۴۰ هزار تومان و بیشترین درآمد نیز ۴ میلیون تومان بیان شده است. گفتنی است که شاخص‌های انحراف استاندارد و واریانس مربوط به این متغیر بسیار بزرگ است و بدین معناست که فاصله درآمد پاسخگویان با یکدیگر و لذا فاصله طبقاتی آنان بسیار زیاد است. بر اساس محاسبات صورت گرفته حدود ۰/۰۹ درصد خانواده‌های پاسخگویان پایگاه اقتصادی - اجتماعی خیلی پایین داشته و حدود ۰/۱۸ درصد از آنان نیز در پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین قرار گرفته‌اند. حدود ۰/۵۹ درصد از خانواده‌ها نیز به پایگاه متوسط تعلق داشتند. پایگاه اقتصادی - اجتماعی حدود ۰/۱۲ درصد از خانواده‌های مورد مطالعه بالا و ۰/۰۳ درصد خیلی بالا گزارش شده است. بنابراین جمعاً حدود ۰/۲۷ درصد از پاسخگویان در پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، ۰/۵۹ درصد در طبقه متوسط و ۰/۱۵ درصد نیز در پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا قرار داشتند.

عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی

متغیر وابسته پژوهش، پایگاه خدمات اجتماعی است که در چهار بعد آگاهی، مهارت، حقوق شهروندی و بسیج اجتماعی با پرسشنامه محقق ساخته - که سوالات هر مولفه بر اساس مقیاس طیف لیکرت طراحی شده - مورد سنجش قرار گرفته است. گویه‌های طراحی شده با همدیگر تشکیل پایگاه خدمات اجتماعی را می‌دهند.

جدول ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب پایگاه خدمات اجتماعی

ابعاد پایگاه خدمات اجتماعی	میزان عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی			میانگین
	زیاد	متوسط	کم	
آگاهی	۲۸/۷	۴۹/۲	۲۲/۱	۳/۳۷
ارتقای مهارت	۲۴	۵۷/۶	۱۸/۴	۳/۱۰
حقوق شهروندی	۲۱/۲	۵۹/۵	۱۹/۳	۳/۲۴
بسیج اجتماعی	۳۱/۹	۴۹/۸	۱۸/۳	۳/۵۲
شاخص عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی	۲۶/۵	۵۴	۱۹/۵	۳/۳۱

همان طور که در این جدول دیده می‌شود، میانگین همه عوامل بالاتر از ۳ می‌باشد و مولفه بسیج اجتماعی بیشترین میانگین را (۳/۵۲) در بین چهار مولفه داراست - کمترین مقدار میانگین متعلق به مولفه ارتقای مهارت (۳/۱۰) می‌باشد. و در کل میانگین عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی در جامعه مورد مطالعه ۳/۳۱ است که با توجه به اینکه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد، نشان می‌دهد که عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی تقریباً در حد مطلوب و بالاست.

اعتماد اجتماعی

برای سنجش مفهوم اعتماد اجتماعی از سه بعد یا مولفه (اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی) استفاده شده و سوالات هر مولفه بر اساس طیف لیکرت طراحی گردیده است.

جدول ۶: توزیع پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی

میانگین	میزان اعتماد			ابعاد اعتماد اجتماعی
	کم	متوسط	زیاد	
۳/۴۳	۱۷/۱	۳۵/۱	۴۷/۸	اعتماد بین فردی
۳/۲۳	۱۹/۴	۵۷/۲	۲۳/۴	اعتماد تعمیم یافته
۲/۹۸	۳۳/۴	۴۹/۱	۱۷/۵	اعتماد نهادی
۳/۲۱	۲۳/۳	۴۷/۱	۲۹/۶	مقیاس کل اعتماد اجتماعی

همان طور که در این جدول دیده می‌شود، بیشترین میزان اعتماد به ترتیب اعتماد بین فردی با میانگین ۳/۴۳ و اعتماد تعمیم یافته با میانگین ۳/۲۳ بوده است. هم چنین کمترین میزان اعتماد مربوط به مولفه اعتماد نهادی با میانگین ۲/۹۸ می‌باشد.

مشارکت اجتماعی

برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی از دو عامل مشارکت اجتماعی رسمی و مشارکت اجتماعی غیررسمی استفاده شده که سوالات به صورت محقق ساخته بوده است.

جدول ۷: توزیع پاسخگویان بر حسب مقیاس‌های مشارکت اجتماعی

میانگین	میزان مشارکت			ابعاد مشارکت
	کم	متوسط	زیاد	
۲/۷۷	۲۷/۸	۴۷/۲	۲۵	مشارکت رسمی
۳/۶۷	۲۳/۵	۴۱/۷	۳۴/۸	مشارکت غیر رسمی
۳/۲۲	۲۵/۶	۴۴/۵	۲۹/۹	مقیاس کل مشارکت اجتماعی

جدول ۷، توزیع پاسخگویان را بر حسب شاخص یا مقیاس‌های نوع مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، بیشترین مشارکت به ترتیب مشارکت غیر رسمی با میانگین (۳/۶۷) و همچنین کمترین میزان مشارکت، از آن مشارکت اجتماعی رسمی با میانگین (۲/۷۷) بوده است. در مجموع، میانگین

اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه ۳/۲۱ بوده که با توجه به اینکه حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد، نشان می‌دهد که میزان اعتماد در بین پاسخگویان تقریباً در حد متوسط رو به بالاست.

تحلیل توزیع نرمال متغیرهای اصلی پژوهش

در استفاده از تکنیک‌های آماری، ابتدا باید مشخص کرد که داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا غیر نرمال؟ چون در صورت نرمال بودن توزیع داده‌های جمع‌آوری شده برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیرنرمال بودن از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کرد. بنابراین با استفاده از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف - بعنوان نوعی از آزمون‌های آماری ناپارامتری، نمونه‌ای از اندازه‌های کمی در اختیار محقق است و می‌خواهد (برای بررسی اطمینان از نرمال بودن داده‌ها) تعیین کند که آیا این نمونه از جامعه‌ای با توزیع نرمال به دست آمده یا خیر؟ در واقع این آزمون، یک آزمون تطابق توزیع برای داده‌های کمی است و با استفاده از آن می‌توان تعیین کرد که آیا داده‌های نمونه از یک توزیع خاص (نرمال، یکنواخت، پواسون و نمایی) پیروی می‌کنند یا نه. بنابراین براساس پارامترهای توزیع نرمال یعنی میانگین و انحراف معیار و همچنین برآورد حداکثر نهایت اختلافات اعم از مطلق، مثبت و منفی، می‌توان گفت:

فرض صفر، خطای بیشتر از ۰/۰۵: اگر در مقدار پارامتر ضریب معناداری یا معیار تصمیم، خطا بیشتر از ۰/۰۵ باشد، این امر نشان از پذیرش فرض صفر دارد؛ یعنی دلیلی برای رد این فرض که نمونه مورد نظر از توزیع نرمال به دست آمده وجود ندارد و توزیع داده‌های متغیر مربوطه، نرمال است.

فرض یک، خطای کمتر از ۰/۰۵: اگر در مقدار پارامتر ضریب معناداری یا معیار تصمیم، خطا کمتر از ۰/۰۵ باشد، این امر نشان از پذیرش فرض یک دارد؛ یعنی دلیلی برای پذیرش این فرض که نمونه مورد نظر از توزیع نرمال به دست آمده وجود ندارد و توزیع داده‌های متغیر مربوطه، غیرنرمال است.

جدول ۸: تحلیل توزیع نرمال متغیرهای اصلی بر مبنای آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای^۱

متغیرهای اصلی تحقیق		پایگاه خدمات اجتماعی	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
پارامترهای نرمال a, b	میانگین ۳	۳۱۹۴/۳	۲۱۱۱/۳	۲۲۸/۳	۷۲۳۴/۲
	انحراف معیار ۴	۷۹۸۴۲/۰	۶۲۳۸۹/۰	۶۷۱۲۶/۰	۶۲۳۹۱/۰
حداکثر مقدار اختلاف‌ها	مقدار مطلق ۶	۰۷۲/۰	۰۶۷/۰	۰۸۷/۰	۰۸۱/۰
	مقدار مثبت ۷	۰۳۹/۰	۰۸۴/۰	۰۶۳/۰	۰۶۱/۰
	مقدار منفی ۸	-۰۷۴/۰	-۰۸۴/۰	-۰۸۹/۰	-۰۷۱/۰
مقدار آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف ۹		۳۲۱/۰	۴۲۵/۰	۵۷۸/۰	۴۸۷/۰
سطح معناداری تقریبی (دو مقداری) ۱۰		۰/۷۸	۰/۵۹	۰/۵۷	۰/۹۴
توزیع داده‌های آزمون، نرمال است a					
حساب شده از داده‌های آزمون b					

تفسیر آزمون کولموگورف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای

در این تحقیق با توجه به مقدار پارامتر ضریب معناداری در ارتباط با داده‌های عددی مربوط به هر یک از متغیرهای کمی پیوسته، می‌توان گفت دلیلی برای رد این فرض که نمونه مورد نظر از توزیع نرمال به دست آمده است، وجود ندارد (فرض صفر بیشتر از ۰/۰۵). به عبارت دیگر، داده‌های عددی مربوط به هر یک از متغیرها از همقواری و توزیع نرمال برخوردار هستند. از آنجایی که مقدار معنا داری کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، پس می‌توان بیان داشت که پراکندگی داده‌ها نرمال بوده و برای ارزیابی این موضوع از آماره‌های استنباطی پارامتریک استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

همانطور که داده‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری گزارش شده، بین تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با مشارکت رابطه معناداری وجود دارد، اما بین سن و میزان مشارکت رابطه معناداری دیده نمی‌شود. سطح معناداری و ضرایب همبستگی هر یک از متغیرها در جدول فوق به تفکیک آمده است. نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که میان جنسیت (زن و مردان) با مشارکت اجتماعی و دو بعد آن تفاوت معنادار آماری وجود دارد. بنابراین مشارکت اجتماعی در هر دو جنس (مرد و زن) مورد مطالعه یکسان نیست و میانگین زنان بیشتر از مردان بوده است. همچنین نتایج تست لیون^۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری به دست آمده برابر است با ۰/۰۰۰. از آنجایی که این عدد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و با توجه به نتایج آزمون t در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، با درجه آزادی ۳۹۸ و ۳/۹۳، سطح معناداری به دست آمده برابر است با ۰/۰۰۰. به عبارت دیگر، فرضیه H_۰ رد و فرضیه H_۱ (فرضیه پژوهش) تایید می‌شود.

جدول ۹: جدول آماره‌های توصیفی دو گروه مردان و زنان

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
مرد	۲۰۰	۴۵/۹۸	۸/۱۲۰	۳/۹۳۲	۳۹۸	۰/۰۰۰
زن	۲۰۰	۴۸/۲۸	۹/۹۴۱			

جدول ۱۰: ضریب همبستگی پیرسون بین پیگانگی اجتماعی جوانان و صور مشارکت آنان

متغیر مستقل	ضرایب و سطح معناداری	مشارکت اجتماعی
عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۳۵**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰
	نتیجه آزمون	تایید

سطح تحصیلات	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۴۳**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰
	نتیجه آزمون	تایید
اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۷۸**
	سطح معناداری	۰/۰۰۶
	تعداد	۴۰۰
	نتیجه آزمون	تایید
سن	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۰۸۴**
	سطح معناداری	۰/۲۲۳
	تعداد	۴۰۰
	نتیجه آزمون	تایید
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۷۳
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۹۰
	نتیجه آزمون	تایید

آزمون رگرسیون چندگانه

نتایج معادله رگرسیونی که متغیر میزان مشارکت اجتماعی متغیر وابسته آن و متغیرهای پایگاه خدمات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی می‌باشند در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱۱: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل موثر مشارکت اجتماعی

مدل	R	۲R	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	۰/۶۲۲	۰/۳۸۷	۰/۳۴۶	۱/۲۱۳۴۷

جدول ۱۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی

ضرایب	مجموع مجزورات	df	میانگین	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۹۷/۵۲۴	۴	۴۹/۳۸۱	۲۰/۳۸	۰/۰۰۰
باقیمانده	۹۵۴/۷۲۱	۳۹۴	۲/۴۲۳		
کل	۱۱۵۲/۲۴۵	۳۹۸	۰		

جدول ۱۳: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی

عنوان متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		مقدار T	سطح معناداری
	B	اشتباه استاندارد	Beta			
عدد ثابت (Constant)	۳/۷۵	۲/۴۱	-		۱/۵۵۶	۰/۰۰۰
پایگاه خدمات اجتماعی	۰/۵۴۵	۲۹۷/۰	۰/۴۳۷		۱/۸۳۵	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۴۲۴/۰	۱۵۷/۰	۳۸۹/۰		۲/۷۰۰	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۳۵۱	۰/۲۱۱	۰/۲۷۸		۱/۶۶۳	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۱۳	۰/۰۸۲	۰/۰۴۳		۰/۱۵۸	۰/۲۱۴

نتایج معادله رگرسیون با توجه به میزان F و سطح معناداری آن نشان می دهد که معادله رگرسیون معادله معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد. متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رابطه معناداری را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می دهد. میزان همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق که مشارکت اجتماعی است برابر با ۰/۶۲ درصد و ضریب تعیین برابر با ۰/۳۸ درصد است؛ یعنی ۰/۳۸ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می شود. از میان متغیرهایی که رابطه معنادار با متغیر وابسته دارند، بیشترین تاثیر مربوط به متغیر عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی می باشد و کمترین تاثیر مربوط به متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی است.

به این ترتیب معادله رگرسیونی پژوهش عبارت است از:

$$Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + b_4x_4 + b_5x_5$$

اعتماد اجتماعی ۳۸۹٪ پایگاه خدمات ۴۳۷٪ + مقدار ثابت (۳،۷۵) = مشارکت اجتماعی سن ۰۴۳٪ + پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۲۷۸٪

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی جامعه شناختی تاثیر پایگاه خدمات اجتماعی سازمان بهزیستی بر مشارکت اجتماعی پاسخگویان منطقه دهوین است که در این مقاله ضمن ارائه یافته های پژوهش، به تبیین آنها پرداخته و در خاتمه در راستای نتایج به دست آمده پیشنهادات کاربردی و پژوهشی ارائه می شود.

فرضیه اول: بین ارتقای مهارت مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و مهارت مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی دار تقریباً متوسطی وجود دارد؛ بدین معنی که با ارتقای مهارت مردم منطقه میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش می یابد. این یافته ها با تحقیقات محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲)، همخوانی دارد.

فرضیه دوم: بین ارتقای آگاهی مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی داری وجود دارد. جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه ای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی آگاهی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی دار متوسطی وجود دارد؛ بدین معنی که با آگاهی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین میزان مشارکت

اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با تحقیقات لیک و هاجفلد (۱۹۹۸) و یزدان پناه (۱۳۸۳) همخوانی دارد. بر اساس این نتایج می‌توان گفت که با مشارکت بیشتر مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین در نهادهای مردمی و سازمان بهزیستی، آنها نسبت به منافع خود آگاهی بیشتری می‌یابند، چرا که انجمن‌های مختلف در جهت منافع مردم و حمایت از آنها به وجود آمده‌اند و مشارکت در این انجمن‌ها می‌تواند بر میزان آگاهی افراد از منافعشان تاثیر گذار باشد.

فرضیه سوم: بین حقوق شهروندی مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و حقوق شهروندی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه متوسط می‌باشد. بر اساس نتایج می‌توان گفت که مشارکت بیشتر شهروندان در انجمن‌ها و سازمان بهزیستی سبب می‌شود که افراد بیشتر به فکر منافعشان باشند و مطالباتشان را بیشتر پیگیری کنند. در این مورد می‌توان گفت که مطالبات جمعی را بیشتر می‌توان از طریق انجمن‌ها و سازمان بهزیستی - در مقایسه با پیگیری مطالبات شخصی - پیگیری کرد و از این رو، افزایش مشارکت اجتماعی می‌تواند موجب شود که حقوق شهروندی افراد توسعه بیابد و مطالبات مدنی بیشتری پیگیری شود.

فرضیه چهارم: بین بسیج اجتماعی مردم منطقه دهوین با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و بسیج اجتماعی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. این یافته‌ها با یافته‌های لیک و هاجفلد (۱۹۹۸) و یزدان پناه (۱۳۸۳) همخوانی دارد. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که همبستگی اجتماعی و وجود انسجام در محلات می‌تواند بر همکاری میان مردم تاثیرگذار باشد و این عامل به نوبه خود بر میزان مشارکت افراد بیفزاید. به نظر کولین، مشارکت وقتی معنای واقعی کامل خود را پیدا می‌کند که در سازوکارهای مرکزی حیات اجتماعی نفوذ کند و بر تنظیم کارکرد زندگی اجتماعی تاثیر بگذارد. بدون چنین عملکردی مشارکت نمی‌تواند بر نظام قدرت تاثیرگذار باشد و به نوعی قدرت تبدیل گردد.

فرضیه پنجم: بین مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت تفاوت معناداری معنی‌داری وجود دارد. جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت مقایسه‌ای پژوهش، از آزمون تی مستقل (t test) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی بین دو جنس متفاوت نیست. این یافته‌ها با یافته‌های زاهدی اصل (۱۳۷۷) همخوانی دارد و برخلاف یافته‌های محسنی (۱۳۸۲) و فرهادی (۱۳۸۵) می‌باشد.

فرضیه ششم: بین سن با مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین رابطه معنی‌داری وجود دارد. جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه‌ای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و سن مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها با یافته‌های محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲) و زاهدی اصل همخوانی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نیز می‌توان گفت که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، بر میزان گرفتاری، مشغله و مشکلات مردم افزوده می‌شود و در عوض توانایی و انگیزه آنها برای انجام امور دیگر همچون مشارکت اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و کاهش می‌یابد. این امر در حالی است که جوانان، در قیاس با بزرگسالان انرژی، انگیزه و توانایی‌های بیشتری دارند، سطح تحصیلاتشان - معمولاً - بالاتر است و گرفتاری و

مشکلات کمتری دارند و از این رو، بیشتر می‌توانند در امور مختلف مشارکت داشته باشند.

فرضیه هفتم: بین مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین بر حسب تحصیلات رابطه معنی‌داری وجود دارد. جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه‌ای پژوهش، از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و میزان تحصیلات مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنی که با بالا رفتن تحصیلات مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، میزان مشارکت اجتماعی آنها افزایش می‌یابد و برعکس، هرچه تحصیلات مردم منطقه دهوین پایین‌تر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنها کاهش می‌یابد. این یافته‌ها با یافته‌های محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲)، تنی و هانکونیت (۲۰۱۲)، لرنر (۱۹۵۲) و یزدان پناه (۱۳۸۳) همخوانی دارد.

فرضیه هشتم: بین مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت تاهل تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت مقایسه‌ای پژوهش، از آزمون تی مستقل (t test) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی بین افراد مجرد و متاهل متفاوت است. در این زمینه میانگین مشارکت اجتماعی افراد مجرد منطقه دهوین شهرستان ورامین، از افراد متاهل بیشتر است. این یافته‌ها برخلاف یافته‌های زاهدی اصل (۱۳۷۷) می‌باشد که در پژوهشی نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی در بین افراد مجرد و متاهل برابر است. در این رابطه می‌توان گفت که افراد متاهل معمولاً گرفتاری و مشکلات شخصی بیشتری نسبت به افراد مجرد دارند. معمولاً آنها بیشتر به خانواده، شغل و مشکلات شخصی و زندگی زناشویی خود توجه بیشتری دارند و از این رو، میزان مشارکت اجتماعی آنان پایین‌تر است. این در حالی است که افراد مجرد، دغدغه و مشکلات کمتری دارند و از این رو، بیشتر می‌توانند در انجمن‌ها، نهادها و امور مختلف مشارکت و همکاری داشته باشند.

فرضیه نهم: بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جهت بررسی این سوال بنا به ماهیت رابطه‌ای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که بین مشارکت اجتماعی و درآمد مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین، رابطه مثبت معنی‌دار نسبتاً قوی وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش درآمد، مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین شهرستان ورامین افزایش می‌یابد و با کاهش درآمد، مشارکت اجتماعی مردم منطقه دهوین کاهش پیدا می‌کند. این یافته‌ها با یافته‌های تنی و هانکونیت (۲۰۱۲) و محسنی و جاراللهی (۱۳۸۲) همخوانی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان استدلال کرد که افراد دارای درآمد بالاتر نسبت به افراد دارای درآمد کمتر، بیشتر از آنکه به فکر درآمد باشند، به دنبال کسب سرمایه فرهنگی هستند تا از این طریق بر شهرت و اعتبار خود بیفزایند. الموند و پاول در این باره بر این باورند که منابع و مهارت‌هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند می‌تواند آنها را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند. در نتیجه این بررسی‌ها شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌ترند. کوئن در مورد تأثیر طبقه اجتماعی افراد بر مشارکت اجتماعی معتقد است معمولاً هر چه طبقه اجتماعی بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیری در فعالیت‌های اجتماعی بیش‌تر است. به نظر وی، سطح مشارکت فعال در باشگاه‌های اجتماعی، انجمن‌های شهری، انجمن‌های خانه و مدرسه و سازمان‌های

سیاسی در میان اعضای طبقات پایین نازل تر است.

پیشنهادهای پژوهش

در پایان باتوجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

دولت از طریق سازمان بهزیستی مردم را در برنامه‌ها، طرح‌ها و امور مختلف مشارکت بدهد و با انتقال قدرت تصمیم‌گیری به بخش‌های کوچکتر (مثل اداره منطقه) به نوعی مردم را در فرایند تصمیم‌گیری شریک گرداند تا بدین طریق از کمک مردم و بسیج آنها بخوبی استفاده گردد.

سازمان بهزیستی دلایل مشارکت کمتر قشرهایی از قبیل افراد متاهل، دارای تحصیلات و درآمد کمتر و با سن بالاتر را بررسی کند تا با فراهم آوردن زمینه شرکت آنان در سازمان و انجمن‌های وابسته بتواند از حقوق اجتماعی، شهروندی و غیره خود بهتر دفاع کنند. همچنین، سازمان بهزیستی به اقشار آسیب‌پذیرتر کمک نماید تا بیشتر در جریان امور مشارکت نمایند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان
- اسدالهی، ر.؛ حسین‌زاده، ع.؛ محسنی‌تبریزی، ع. و نبوی، ح. (۱۳۹۲). «سبک زندگی شهری و مشارکت اجتماعی شهروندان سالمند اهوازی؛ یک پیمایش منطقه‌ای». مجله جامعه‌شناسی کاربردی. ش ۱، ص ۱۶-۱
- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید
- انعام، راحله. (۱۳۸۰). «بررسی اعتماد بین شخصی در میان روستاییان شهریار». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. باقر ساروخانی. تهران: کیهان
- پاتنام، رابرت؛ لئوناردی، روبرت و نانتی، رافائلا. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذر. محمد تقی دلفروز. تهران: نشر روزنامه سلام
- پناهی، م. و دهقانی، ح. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی. ش ۴۷(۳)، ص ۵۰-۸۰.
- پناهی، م. و یزدان‌پناه، ل. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی». فصلنامه علوم اجتماعی. ش ۲۶، ص ۶۹-۱۰۷.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک (رابطه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی با مشارکت اجتماعی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۵). «مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه». اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره‌ی ۱۰۹.
- روشه، گی. (۱۳۷۷). تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی. تهران: نشر نی
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۷). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶). اعتماد، نظریه جامعه‌شناختی. غلامرضا غفاری. چاپ دوم، تهران: انتشارات شیرازه
- سروش، م. و افراسیابی، ح. (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز». دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. ش ۵، ص ۱۲۳-۱۵۵.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن». نامه انجمن جامعه‌شناسی. سال اول، شماره ۱.
- عطاfer، ع.؛ سهرابی‌رنانی، م. و صادق‌زاده تبریزی، م. (۱۳۹۲). «نقش مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران در ارتقای سطح بهره‌وری مدارس (با استفاده از سنجش مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان)». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. ش ۲۱(۲)، ص ۹۹-۱۲۸.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نشر نزدیک
- کرایب، یان. (۱۳۸۰). نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی از پارسونز تا هابرماس. محبوبه مهاجر. تهران: سروش
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیت. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز

- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۳). «بحران محیط زیست و توسعه همه جانبه و پایدار». مجموعه مقالات مسائلی اجتماعی ایران. تهران: انجمن جامعه شناسی ایران و آگه.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۹۰). بررسی برخی از ابعاد مشارکت اجتماعی در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات آرون
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۰). «بیگانگی، مفهوم سازی و گروه بندی تئوری ها در حوزه های جامعه شناسی و روان شناسی». نامه علوم اجتماعی. ش ۲، ص ۷۲-۲۵.
- مظلوم خراسانی، م.؛ نوغانی، م. و خلیفه، م. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷». جامعه شناسی کاربردی. ش ۴۵ (۱)، ص ۵۰-۸۰.
- نوابخش، م.؛ رضایی، م. و رحیمی، م. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام)». فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری. ش ۱۰، ص ۱-۲۷.
- نوذری، حسین علی. (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس؛ درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های یورگن هابرماس. تهران: نشر چشمه
- نوروزی، فیضاله و بختیاری، مهناز. (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». فصلنامه راهبرد. سال هجدهم، شماره ۵۳، زمستان ۸۸.
- Al.Mizjaji, Almad Dawood. (2001). **“Public Apathy Towards Bureaucracy As a Constraint On The Development Of Saudi Arabia”**. Public Administration Quarterly, 25,3/4,ABI/Inform Global. P: 270.
- Almond , Gobriel. (1995). **The civic culture**. Boston: Little brown company
- Field , john. (2003). **Social capital**. Routledge: london and newyork, p 11-29.
- Keyes , C .L . M. (2004). **Complete mental health: an agenda for the 21 centry**. Washington.
- Letki, Natalia. (2003). **“Explaining political participation in east-central Europe: social capital, democracy and the communist past”**.
- Lipset,Seymour Martin. (1963). **Political Man The Social Bases of Politics**. Anchor Books,New York
- Roiste, A. Kelly, C. Molcho, M. Gavin, A. and Gabhainn, S.N. (2012). **“Is School Participation Good for Children? Associations with Health and Wellbeing”**. Health Ed, 112(2): 88-104.
- Sztompka, P. (1999). **Trust: A sociological theory**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Teney, C. and Hanquinet, L. (2012). **“High Political Participation, High Social Capital? A Relational Analysis of Youth Social Capital and Political Participation”**.

Social Science Research, 41(5):1213-1226.

- Van, Snippenburg, Leo, B. & Peer, Scheepers. (1991). **“Social Class and Plitical Behavior During a Period of Economic Stagnation: Apathy and Radicalism in the Netherland,1985”**. Political Psychology. Vol 12. No 1.



دیپلماسی ورزشی: ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی

محمد خبیری^۱
ابوذر فتاحی زاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۲

در سده اخیر، سیاست بنا به ماهیت سیال خویش و نیز روند دموکراتیزاسیون وارد حوزه‌هایی شده است که پیش از این دخیلی بدان نداشته‌اند و یا دارای پیرنگی سیاسی قلمداد نمی‌شدند. ورزش یکی از مهمترین این قلمروهای جدید سیاست و سیاست‌ورزی است. سیاست و ورزش حرفه‌ای بنا به مردمی شدن روزافزون، حدود و ثغور متفاوتی یافته‌اند و این رخداد، به ایجاد قلمروهای مشاعی برای هر دو انجامیده است. دیپلماسی و روندهای دیپلماتیک یکی از این مشاعات است که بین‌المللی شدن ورزش، آن را به ناچار وارد این حوزه کرده است. این تداخل/تزام باعث طرح مفهوم متأخر و راهبردی «دیپلماسی ورزشی» شده است. هدف این مقاله، پاسخگویی به این پرسش بود که مراد از دیپلماسی ورزشی چیست؟

برای این منظور با رویکردی اکتشافی به تحلیل و تبیین مفهومی پرداختیم و با استفاده از روش اسنادی داده‌های مورد نیاز را جمع‌آوری کردیم. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش، ۱۵ ابزار برآمده از تجارب زیسته و عینی در قلمرو دیپلماسی ورزشی هستند که می‌توان از این ابزارها برای پیشبرد توسعه، اعمال قدرت نرم، ایجاد محملی برای گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی و ارتقای روابط صلح‌آمیز میان دولت‌ها بهره گرفت.

واژگان کلیدی: دیپلماسی ورزشی، تجربه زیسته، مفهوم‌سازی، کارکردها و ابزارها

۱. دانشیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Mkhabiri@ut.ac.ir

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

مقدمه

ورزش در سده اخیر حضور چشمگیری در تبادلات دیپلماتیک بین دولت-ملت‌ها داشته و به یکی از حوزه‌های همکاری و منازعه میان دولت‌ها تبدیل شده است. دموکراتیزاسیون، سیاست را به حوزه‌هایی وارد ساخته است که پیشتر سیاسی دانسته نمی‌شدند و یا اینکه رنگ و بویی سیاسی نداشتند. ورزش از جمله مهمترین این حوزه‌های جدید است که سیاستمداران، متأثر از رواج ارزش‌های دموکراتیک و توجه مردمی بدان حداقل طی یک قرن گذشته کوشیده‌اند آن را به استخدام خود درآورند. این امر باعث شده است میدان‌های کنش مشترکی میان سیاست و ورزش شکل گیرند.

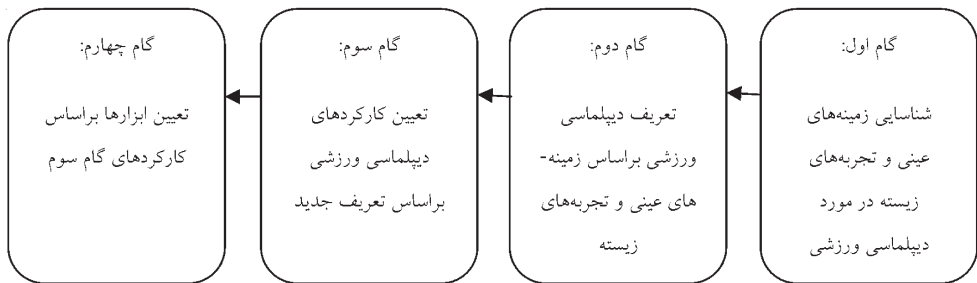
دیپلماسی و روندهای دیپلماتیک یکی از این میدان‌های مشترک است که بین المللی شدن ورزش نقش انکارناپذیری در ایجاد آن داشته است. این میدان مشترک باعث طرح مفهوم متأخر و راهبردی «دیپلماسی ورزشی» شده است. با وجود این و به رغم طرح این مفهوم در نوشته‌های آکادمیک، تاکنون تلاشی برای درک چیستی و شرح ملحقات آن صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، در این نوشته‌ها نه تنها مفهوم دیپلماسی ورزشی تعریف نشده است، بلکه زمینه‌های اجتماعی و سیاسی پیدایش آن یا همان شرایط امکان دیپلماسی ورزشی نیز به درستی شرح و بسط داده نشده‌اند. از سوی دیگر، هیچ یک از پژوهشگران در این حوزه تلاش نکرده‌اند ابزارهای دیپلماسی ورزشی و شیوه و هدف به کارگیری آنها را به درستی دسته‌بندی کنند (برای نمونه بنگرید به: صباغیان، ۱۳۹۴؛ شریعتی و اکبری، ۱۳۹۴؛ التیامی نیا و محمدی عزیزآبادی، ۱۳۹۴).

با توجه به این ضرورت، مقاله حاضر در پی کشف چیستی «دیپلماسی ورزشی» به مثابه یک مفهوم راهبردی است و این پرسش اساسی را بررسی می‌کند که دیپلماسی ورزشی چیست؟ این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی چندی را نیز باعث می‌شود. نخست آنکه به چه دلایلی دیپلماسی ناگزیر از رجوع به حوزه ورزش شده، آن را راهبردی تلقی کرده و این ژانر دیپلماتیک را خلق نموده است؟ دوم آنکه در پرتو این ضرورت‌های نوین، چه تعریفی می‌توان از دیپلماسی ورزشی به مثابه یک مفهوم به دست داد؟ پرسش فرعی سوم این است که متناسب با این مفهوم‌سازی، دیپلماسی ورزشی چه کارکردهایی می‌تواند داشته باشد؟ پرسش چهارم حول این موضوع سیر می‌کند که براساس کارکردهای بررسی شده در پرسش سوم، چه بازیگران و ابزارهایی را می‌توان برای دیپلماسی ورزشی متصور شد؟ در اینجا تلاش خواهیم کرد با رویکرد اکتشافی^۱ و با کمک روش اسنادی^۲ پیرنگی از دیپلماسی ورزشی را ترسیم نماییم. از رویکرد اکتشافی معمولاً برای بررسی پدیده‌هایی استفاده می‌شود که هنوز به روشنی مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته‌اند و جمع‌آوری داده برای آنها مشکل به نظر می‌رسد (ببی، ۲۰۰۷: ۸۷). هدف اصلی پژوهشگر از توسل به چنین رویکردی، فراهم آوردن زمینه‌های منسجم لازم برای یک برنامه‌ی پژوهشی جامع، ارائه تعاریف عملیاتی و راه‌حل‌ها و روش‌های عملی است (شیلدز و رانگارجان، ۲۰۱۳: ۱۱۰-۱۰۹). روش اسنادی یکی از روش‌های کیفی است که می‌توان از آن برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز پژوهش اکتشافی بهره گرفت. در این روش تلاش بر این است که از اسناد یا تجربه‌های زیسته مستند برای جمع‌آوری اطلاعات پیرامون موضوعی استفاده کرد که داده‌های مربوط بدان

1. Exploratory approach
2. Documentary method
3. Babbie
4. Shields & Rangarjan

پراکنده هستند و حتی گاهی ناهمگون به نظر می‌رسند (احمد^۱، ۲۰۱۰: ۱۴-۱). در شکل ۱، مدل مفهومی پژوهش پیش رو ترسیم شده است.

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش



زمینه‌های عینی و زیسته طرح مفهوم دیپلماسی ورزشی

در روابط بین‌الملل معاصر، ورزش یکی از حوزه‌های موضوعی بسیار رایج و گسترده بوده است. از اواخر قرن نوزدهم میلادی، دو روند همزمان افزایش روزافزون تعاملات بین‌المللی و بین‌المللی شدن ورزش در جریان بوده‌اند. به رغم توجه امروزین دانش سیاست و به تبع آن، زیرحوزه دانش روابط بین‌الملل به بسیاری از حوزه‌هایی که پیشتر در این دو دانش چندان وقعی بدان‌ها نهاده نمی‌شد، حوزه ورزش سیاسی همچنان در حاشیه این دو دانش به سر می‌برد و عنایتی جدی به آن معطوف نشده است. در عصر کنونی وجوه سیاسی و فرهنگی ورزش به صورت گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده‌اند و ورزش بین‌المللی جزئی جدایی‌ناپذیر از پویای روابط میان ملت‌هاست. این تحول در ماهیت ورزش و توسعه دامنه جغرافیایی آن بخشی از تحولاتی است که طی قرن گذشته در حوزه روابط بین‌الملل اتفاق افتاده است. جهانی شدن، اهمیت یافتن سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در سیاست‌گذاری‌ها، تأثیر شگرف جنبش‌های فراملی بر حاکمیت و تغییر روابط میان هویت و مکان، بخشی دیگر از این تحولات در محیط بین‌الملل هستند.

ورزش در مقام زبان مشترک، گفتگو میان افراد و ملت‌ها را تسهیل می‌کند و حتی گاهی تفاوت‌های سنتی و فرهنگی میان آنان را کمرنگ می‌سازد. با توجه به محیط به شدت رقابتی که اغلب در میدانی ورزشی با آن مواجه هستیم، این امر دستاوردی بزرگ است. تبادل ایده‌ها در درون نهادهای جهانی در خلال رخدادهای عمده ورزشی نظیر المپیک و جام جهانی فوتبال، فهم متقابل میان افراد و ملت‌ها را افزایش می‌دهد؛ هرچند دهه‌های گذشته شاهد برخی درگیری‌ها بین ملت‌ها در بعضی از رخدادهای مانند جام ملت‌های اروپا بوده است (برای بررسی جامع این درگیری‌ها بنگرید به: کوپر، ۱۳۸۸؛ کارنیبلا و همکاران^۲، ۱۹۹۶). به عنوان مثال، در رقابت‌های سال ۲۰۰۰ میلادی، این درگیری را به خوبی می‌شد میان بلژیکی‌ها و هلندی‌ها مشاهده کرد. جام ملت‌های اروپای سال ۲۰۰۸ میلادی نیز شاهد خصومت مشابهی میان سوئیسی‌ها و اتریشی‌ها بود. به رغم این

1. Ahmed

2. Carnibella et al

واقعیت، حضور هریک از دو کشور متخاصم در چنین رخداد بزرگی نشان می‌دهد که آنها به رغم اختلاف نظر همچنان خواهان گفتگوی دوجانبه هستند.

نظریه‌پردازان دیپلماسی مدعی هستند که در حال حاضر تحولی عظیم در رویه‌های دیپلماتیک به وقوع پیوسته که این تحول همان گسترش و سرریز شدن فعالیت دیپلماتیک به دامنه وسیعی از فعالیت‌های اجتماعی است. همیلتون و لانگهورن^۱ به تعدادی روزافزونی از «کارکردهای» منتسب به دولت در این زمینه اشاره می‌کنند. آنان خاطرنشان می‌سازند که پذیرش فقدان تمایز میان سیاست بین‌الملل و اقتصاد از سوی دولت‌ها ناشی از تجربه آنها از فضای بازسازی دوران پس از جنگ جهانی دوم است. افزون بر این، از نظر آنها بین‌المللی شدن روزافزون موضوعات صنعتی، اجتماعی و تکنولوژیک سبب شده است که هر یک از این موارد وجهی دیپلماتیک به خود بگیرند (همیلتون و لانگهورن، ۱۹۹۵: ۱۸۳). توسعه ورزش و ارتباط یافتن آن با دیپلماسی در این فضا و اتمسفر رخ داده است. واتسون نشان می‌دهد که دیپلمات‌ها هر روز با دامنه گسترده‌تر از موضوعات نوین سر و کار پیدا می‌کنند که پیش از این هیچ ربطی بدان‌ها نداشت. او همچنین استدلال می‌کند که مکانیسم‌ها و اشکال دیپلماسی معاصر «همچنان همان مرده ریگ نظام دول اروپایی [در قرن نوزدهم] است» (واتسون^۲، ۱۹۸۲: ۱۲۱).

همان گونه که گفتیم، تغییر ماهیت دیپلماسی چالشی نوین برای نقش سنتی دیپلمات و رابطه او با منافع سیاسی داخلی پدید آورده است. افزایش اهمیت نهادهای غیردولتی بین‌المللی سبب شده است که بسیاری از آنها موقعیتی شبه‌دیپلماتیک پیدا کنند. سازمان‌های ورزشی بین‌المللی به ویژه کمیته بین‌المللی المپیک از جمله‌ای این سازمان‌ها هستند. فعالیت این کمیته طی دو دهه گذشته گویای چنین ارتقای موقعیتی در نظام بین‌المللی است. در این سال‌ها، مسئولان این سازمان ادبیات دیپلماتیک خاص خود را پدید آورده‌اند، هویت ویژه‌ای را خلق کرده‌اند و پرچم المپیک را ورای قلمروهای سرزمینی حاکمیت‌های موجود برافراشته‌اند (بلک و پیکاک^۳، ۲۰۱۳: ۵۳۶-۵۳۷). در عین حال این سازمان توانسته است با استفاده از کمیته‌های ملی المپیک، دولت‌ها را تا حد زیادی وامدار خود سازد و نقشی بی‌بدیل در پویش‌های سیاسی مرتبط با ورزش در کشورها داشته باشد. فدراسیون جهانی فوتبال یا فیفا نیز تحول مشابهی را از سر گذرانده است (رینکه و شیلر^۴، ۲۰۱۴). دیپلمات‌های سنتی به صورت روزافزونی درگیر سازمان‌های ورزشی و اصحاب ورزش می‌شوند. این شبکه در حال ظهور باعث شده است که اصطلاح دیپلماسی ورزشی به واژگان حرفه‌ای آنها راه پیدا کند (مورای^۵، ۲۰۱۲: ۸). دیپلماسی سنتی این رویه را تسهیل می‌کند و از اصحاب ورزش و رخدادهای ورزشی برای درگیر ساختن، اطلاع و خلق تصویری مطلوب نزد سازمان‌ها و افکار عمومی خارجی استفاده می‌کند تا ادراک‌های آنان را به صورتی شکل دهد که به تحقق اهداف سیاست خارجی دولت متبوع خویش کمک نماید. در حالی که دیپلماسی سنتی ابزار نیل به اهداف سیاست خارجی دولت است، دیپلماسی ورزشی ابزاری در خدمت این ابزار است.

به هفت دلیل می‌توان از موضوعی به نام دیپلماسی ورزشی یا ورزشی‌سازی دیپلماسی سخن گفت (مورای، ۲۰۱۲: ۹-۱۲). نخست آنکه تغییرات بسیاری در محیط دیپلماتیک طی چند دهه گذشته صورت گرفته است

1. Hamilton & Langhorne
2. Watson
3. Black & Peacock
4. Rinke & Schiller
5. Murray

که دیپلماسی ناگزیر از همراهی و تطبیق با آنهاست. جهانی شدن ورزش یکی از این تغییرات مهم است. همراهی و تطبیق یک دولت با دیپلماسی ورزشی نشان دهنده پاسخ کنشگرانه دولت به مباحثات بی‌ربط، منسوخ و کهنه پساجنگ سردی است. به کارگیری ورزش‌های مختلف به مثابه ابزارهایی غیرمستقیم برای برآورده ساختن اهداف سیاست خارجی، تصویر سیاست خارجی دولت در افکار عمومی را از تصویری گنگ، پیچیده و بی‌ربط به تصویری مبتکرانه، مؤثر و عمومی - و یا حتی سرگرم کننده - تبدیل می‌کند.

دوم اینکه دایره فعالیت، قدرت و جذابیت ورزش و نهادهای ورزشی در حال افزایش است. حکومت‌ها معمولاً به اشتیاق‌های جدید افراد در حوزه عمومی توجه ویژه‌ای دارند. از این رو تمایل دارند تحول یادشده در ورزش را به سود خود مصادره کنند و قدرت بازیگران قدرتمند غیردولتی مانند فیفا یا دیوید بکهام را در اختیار خود داشته باشند. همه آدمیان به نحوی با ورزش در ارتباط هستند و به جرأت می‌توان مدعی شد ورزش جزء معدود عناصر اجتماعی است که هیچ مخالفتی با نفس آن وجود ندارد (ریدکر^۱، ۲۰۰۸: ۴۹۶-۴۹۵). اگر دیپلمات‌ها و سیاستمداران در افکار عمومی همراهی هم تصور شوند نوعی نزدیک‌بینی اخلاقی جمعی شکل می‌گیرد. دولت‌ها رؤیای دستیابی به جادویی نظیر ورزش در افکار عمومی را دارند.

سوم اینکه عامه مردم تجربه خشونت‌های گسترده‌ای طی قرن بیستم و اوایل قرن حاضر داشته‌اند و وقوع دو جنگ جهانی، جنگ سرد و خشونت‌های و جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای به شدت آنها را خسته و مضطرب ساخته است. به همین دلیل بیش از آنکه قدرت سخت دولت برای آنها جذابیتی داشته باشد، مسحور قدرت نرم آن نظیر تبادلات فرهنگی یا ورزشی آن می‌شوند. در عصر اطلاعات، ورزش، فرهنگ و دیپلماسی، دیگر نهادهایی حاشیه‌ای نیستند، بلکه به ابزارهایی قدرتمند برای سیاست خارجی تکامل یافته‌اند. کاربست قدرت سخت در دیپلماسی - مانند قراردادهای تسلیحاتی، جا به جایی مرزها یا ائتلاف‌ها - دیگر جذابیت پیشین را برای عامه مردم ندارد.

چهارم اینکه ورزش بخش مهمی از زندگی مدرن است که رسانه‌های جدید مخاطبانی جهانی برای آن یافته‌اند. اگر تصویر و پیام دیپلماتیک به صورتی هوشمندانه و استادانه چارچوب‌بندی شود و در امتداد ارزش‌های ورزشی مثبت قرار داده شود، ادراکات افکار عمومی خارجی را می‌توان به نحو مؤثری تغییر داد. چینی‌ها در جریان المپیک سال ۲۰۰۸ میلادی تصمیم گرفتند توفیق‌ها و دیدگاه‌های خاص کشورشان را در قالب نشانه‌ها، ارزش‌ها و آیین‌های سایر نقاط جهان به مردمان آن مناطق معرفی کنند. به نظر می‌رسد برزیل برای برگزاری جام جهانی ۲۰۱۴ فوتبال و بازی‌های المپیک سال ۲۰۱۶ میلادی در این کشور نیز چنین هدفی را دنبال می‌کرد (گریکس^۲ و هولیهان، ۲۰۱۵).

پنجمین دلیل این است که ورزش و دیپلماسی به سمت بازنمایی ارزش‌هایی مشابه حرکت می‌کنند و یا حداقل نظام ارزشی مسلط بر آنها در حال نزدیک شدن به هم است. دیپلماسی در مقام یک نهاد اجتماعی در پی صلح و مفهوم جامعه بین‌المللی در تقابل با آنارشی بین‌المللی است. این نهاد در تلاش است از طریق مذاکره، مصالحه و توافق مبتنی بر ارتباطات روشن و مناسب، ارزش‌های اصیل را - حداقل بر روی کاغذ - محقق سازد. حتی رفتار حاضران در این نهاد یعنی دیپلمات‌ها نیز ارزشمدارانه است. آنها به صورت عام افرادی

1. Redeker

2. Grix

متشخص، اجتماعی، آرام، صبور و مسلط بر رفتار خویش هستند (بول^۱، ۱۹۷۷: ۱۵۶). ورزش نیز ارزش‌هایی را نمایندگی می‌کند که برای دولت‌ها و دیپلمات‌ها جذاب هستند. ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر از ورزش برای ایجاد ارتباط با جوانان مسلمان در آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوبی استفاده کرد؛ یعنی مکان‌هایی که بیشترین ناهمگونی فرهنگی با این کشور را طی دهه‌های گذشته از خود نشان داده‌اند (والترز^۲، ۲۰۰۷). تبادلات در حوزه دیپلماسی ورزشی می‌تواند فهم متقابل و دوستی‌های بین‌المللی را بهبود بخشد و کلیشه‌ها و قضاوت‌های پیشینی را که ملت‌ها در باب هم دارند، کاهش دهد. جالب تر اینکه این گونه مبادلات به سبب ریسک کمتر، هزینه‌اندک و وجهه‌ای که دارند مقرون به صرفه‌تر هستند (کیچ و هولیهان^۳، ۱۹۹۹: ۱۲۱-۱۰۹). ششم آنکه دیپلماسی و ورزش پیوستگی‌های ضعیفی داشته‌اند که جهانی شدن آنها را تقویت کرده است. همان گونه که در حال حاضر یک سرباز دیگر صرفاً یک سرباز نیست و قادر است نقش‌های دیگری مانند کارگر، پیمانکار یا دیپلمات نیز داشته باشد، ورزشکاران و دیپلمات‌ها نیز این گونه هستند. نقش‌های این دو گروه در حال تغییر هستند و افزایش آگاهی اجتماعی، موجب تقاضای عمومی بیشتری از این دو حرفه شده است. در چنین شرایطی، دیپلماسی و ورزش به صورتی طبیعی برای هم جاذبه پیدا می‌کنند. وطن‌پرستانی کارگزاران این دو نهاد هستند که دولت متبوعشان را بنا به وظیفه‌ای بین‌المللی که برای خود متصورند نمایندگی می‌کنند؛ ورزشکاران و دیپلمات‌ها فارغ از اینکه سر میز مذاکره باشند یا سر میز تنیس، هر دو خواهان پیروزی دولت خود هستند. بنابراین همزیستی واضحی میان این دو متصور است.

هفتم آنکه دیپلماسی ورزشی می‌تواند شیوه‌ای نرم برای ارسال پیام‌های سیاسی بین دولت‌های بیگانه باشد. دیپلماسی پینگ‌پونگ بین چین و آمریکا در سال ۱۹۷۱ میلادی بهترین مثال برای این استدلال است. دیپلماسی کریکت هند و پاکستان نیز چنین نقشی داشته است. در مارس سال ۲۰۱۱ میلادی، گیلانی، نخست وزیر وقت پاکستان دعوت همتای هندی خود مانموهان سینگ برای شرکت در مسابقه رده‌بندی جام جهانی کریکت را که میان این دو دولت متخاصم آسیای جنوبی برگزار شد پذیرفت. این دعوت در حالی صورت گرفت که در پی رخدادهای تروریستی سال ۲۰۰۸ میلادی در مومبای هندوستان، روابط دو کشور به شدت تیره بود و جو خصومت‌آمیز شدیدی علیه پاکستان در افکار عمومی هندیان وجود داشت (روپرت^۴، ۲۰۱۱). پس از این دعوت، در میانه همین سال ابتدا وزرای تجارت دو کشور و پس از آن وزیران امور خارجه هر دو دولت با هم جلساتی را ترتیب دادند. دیپلماسی کریکت نشانگر توان بالقوه دیپلماسی ورزشی است.

حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان این ابتکارات پراکنده را در ذیل چتر واحدی گرد آورد و تبیین کرد؟ به عبارت دیگر، به رغم اینکه مفهوم دیپلماسی ورزشی در حال حاضر بدل به مفهومی رایج در میان دیپلمات‌ها و مدیران ورزشی شده است، این مفهوم همچنان برای آنها گنگ و کدر به نظر می‌رسد؛ به نحوی که اولاً، هیچ یک قادر نیستند آن را به صورتی تعریف کنند که تمامی ابتکارات موجود در این حوزه را پوشش دهد؛ ثانیاً، به سبب این نامفهوم‌ی معنایی نمی‌توانند ابزارهای زیادی را برای صورت بخشیدن عملی به این نوع دیپلماسی به کار گیرند و اگر هم به کار گیرند بر این نکته وقوف ندارند که این

1. Bull
2. Walters
3. Keech&Houlihan
4. Rupert

ابزارها در راستای چه کارکردهای سیاسی و دیپلماتیکی عمل می‌کنند. بنابراین لازم است تعریفی دقیق از این مفهوم به دست داد تا بتوان متناسب با این تعریف، کارکردهایی را به دیپلماسی ورزشی منتسب ساخت و به تناسب این کارکردها، ابزارهای آن را شناسایی کرد.

دیپلماسی ورزشی به مثابه یک مفهوم

در باب مفهوم دیپلماسی ورزشی تعاریف بسیاری ارائه شده است. برخی از این تعاریف صرفاً دیپلماسی ورزشی را در وضعیت وجود یا ایجاد همکاری میان دولت‌ها تصور کرده‌اند. به عنوان مثال، دیوید راو^۱ دیپلماسی ورزشی را یکی از ابزارهای ملایم و نسبتاً مطمئن «دوستیابی» و کاهش تعارضات تعریف می‌کند (راو، ۲۰۱۱: ۱۱۵). ژاک لُتان^۲ نیز به تبعیت از این تلقی، دیپلماسی ورزشی را ابزار افزایش روابط موجود میان دولت‌ها می‌داند (لتان، ۲۰۱۳: ۸۱). برخی دیگر این مفهوم را موسّع‌تر تعریف می‌کنند و آن را ابزار افزایش روابط دیپلماتیک و گاهی تعمیق آن تعریف می‌کنند (کشمور^۳، ۲۰۰۳؛ ساکسینا^۴، ۲۰۱۱). با این تعریف می‌توان علاوه بر روابط موجود دو دولت دوست، استفاده از ورزش در روابط دیپلماتیک خصمانه دو دولت دشمن یا رقیب را نیز بررسی کرد. به عبارت دیگر، تعریف حاضر این امکان را فراهم می‌آورد که ابزارهایی چون تحریم ورزشی را به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی ورزشی در نظر گرفت- در صورتی که تعاریف لُتان و راو فاقد چنین امکانی هستند. گروهی دیگر دیپلماسی ورزشی را ابزار دولت جهت کسب پرستیژ در محیط بین‌المللی تعریف می‌کنند (مک‌کلوری^۵، ۲۰۱۲: ۷). مشکل این تعریف این است که تنها کاربست ابزارهایی چون برگزاری و یا شرکت در رخدادهای ورزشی را می‌توان با آن تبیین کرد. ضمن اینکه تعریف این گروه از دیپلماسی ورزشی، کاربست آن در شرایط منازعه را نادیده می‌گیرد. علاوه بر این، این تعریف و دیگر تعاریف ذکر شده، نقش اصحاب ورزش در این نوع دیپلماسی را نادیده می‌گیرند و آن را صرفاً به دولت نسبت می‌دهند.

رویکرد دیگر که موسّع‌ترین و کارآمدترین رویکرد به نظر می‌رسد، تعریف دیپلماسی ورزشی در ذیل دیپلماسی عمومی است. به بیان دیگر، دیپلماسی ورزشی در این رویکرد از قالب دیپلماسی سنتی خارج می‌شود و به جای اینکه نوعی دیپلماسی دولت با دولت تلقی شود، دیپلماسی یک دولت یا یک ملت با ملتی دیگر شمرده می‌شود. این رویکرد، رویکردی است که پژوهشگران در این حوزه در حال رسیدن به اجماع بر سر آن هستند. به عنوان مثال، بیاتا اُسیپکا^۶ معتقد است که ورزش نقشی اساسی در دیپلماسی عمومی دارد و می‌شود از آن برای قدرتمندتر ساختن مواضع بین‌المللی دولت بهره برد (اُسیپکا، ۲۰۱۳: ۱۳). به عبارت دیگر، اینان باور دارند که دیپلماسی ورزشی، با توجه به ماهیت نرم قدرت مستتر در آن، یکی از اشکال دیپلماسی عمومی است. ازاین رو، هر تعریفی از آن که به دست داده می‌شود به ناگزیر باید با لحاظ این رابطه همراه باشد. براین اساس، استوارت مورای^۷ معتقد است دیپلماسی ورزشی را می‌توان «فعالیت‌های دیپلماتیک و نمایندگی

1. David Rowe

2. L'Etang

3. Cashmore

4. Saxena

5. McClory

6. Beata Ociepka

7. Stuart Murray

اصحاب ورزش به نیابت از دولت متبوع آنها» تعریف کرد (مورای، ۲۰۱۲: ۸). هرچند تعریف مورای بسیار کارآمدتر از سایر تعاریف به نظر می‌رسد، می‌توان مشکل دیگری را بدان نسبت داد. اگر دیپلماسی عمومی را امری متوجه فهم متقابل و تبادلات فرهنگی میان ملت‌ها تعریف کنیم، ورزش گونه‌ای از این نوع دیپلماسی خواهد بود. بنابراین تعریف فوق به رغم جامع بودن، مانع از دخول عناصر قدرت سخت در دایره مصادیق احتمالی خود نمی‌شود. به همین دلیل نگارندگان تعریف زیر را تعریفی به نسبت جامع‌تر و مانع‌تر از تعریف مورای می‌دانند: دیپلماسی ورزشی عبارت است از فعالیت‌های دیپلماتیک و نمایندگی اصحاب ورزش به نیابت از دولت-ملت متبوع آنها برای اثرگذاری بر اذهان مردمان و دولت‌های دیگر و اقتناع و انگیزش آنها جهت تحقق اهداف سیاست خارجی دولت-ملت مبدأ خویش. به چند دلیل تعریف حاضر، تعریفی جامع و مانع است. نخست آن که در این گزاره، نه تنها دیپلماسی ورزشی ذیل دیپلماسی عمومی تعریف شده، بلکه ماهیت نرم قدرت مستتر در آن نیز در نظر گرفته شده است. دوم اینکه مرجع صدور دیپلماسی ورزشی صرفاً دولت نیست و با آن می‌توان ابتکارات فردی و زیرملی را پوشش داد. دلیل سوم این است که نافی قدرت سخت اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های امکان‌پذیری دیپلماسی ورزشی نیست و دلیل چهارم اینکه صرفاً مردمان عادی را آماج دیپلماسی ورزشی قلمداد نمی‌کند و به دولتمردان و اهل سیاست نیز نیم‌نگاهی دارد. حال که دیپلماسی ورزشی را در ذیل دیپلماسی عمومی تعریف کردیم، این پرسش مطرح می‌شود که متناسب با این جایگاه باید چه کارکردهایی را از آن انتظار داشت؟ و به تناسب این کارکردها از چه ابزارهایی می‌توان برای نیل به اهداف آن استفاده کرد؟

کارکردهای دیپلماسی ورزشی

بیشتر دولت‌ها برای نیل به دو هدف است که در نهادها و رخدادهای بین‌المللی ورزشی مشارکت می‌کنند: استفاده از ورزش برای بهبود تصویر بین‌المللی خود و بهبود روابط با سایر دولت‌ها. افزون بر این، برخی دولت‌ها می‌کوشند از ورزش به عنوان شیوه‌ای برای پذیرش در جامعه جهانی استفاده کنند. در گذشته آلمان شرقی در سطح بین‌المللی با این هدف از ورزش استفاده می‌کرد. در حال حاضر برخی کشورها که در گذشته کشور واحدی بودند، سپس به دلایل تاریخی و سیاسی از هم جدا شدند و در حال حاضر مایل هستند از طریق ادغام قلمرو سرزمینی‌شان واحد سیاسی پیشین را از نو تشکیل دهند، از این راهبرد به صورت گسترده‌ای استفاده می‌کنند. آلمان شرقی و آلمان غربی در دهه ۱۹۹۰ میلادی برای تسریع فرایند ادغام دو کشور از ظرفیت‌های وحدت‌بخش فوتبال به نحو شایسته‌ای بهره‌برداری کردند. چین و تایوان و نیز دو کره، نمونه‌های بارز و کنونی اینگونه استفاده سیاسی از ورزش در محیط بین‌المللی هستند (مرکل^۱، ۲۰۰۸). بخش‌های استقلال یافته از قلمرو سرزمینی یک دولت نیز گاهی تلاش می‌کنند از طریق شرکت در رخدادهای ورزشی بین‌المللی زمینه شناسایی حاکمیت جدید خود را مهیا کنند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۱ میلادی، سودان جنوبی از طریق یک مسابقه فوتبال تشکیل دولت مستقل سودان جنوبی را اعلام داشت (رایس^۲، ۲۰۱۱). فلسطینی‌ها نیز سال‌هاست که در زمینه سیاستگذاری ورزشی، سیاست مشابهی را در پیش گرفته‌اند (گالیلی^۳، ۲۰۰۳). ورزش

1. Merkel

2. Rice

3. Galily

همچنین ممکن است تبدیل به وسیله‌ای برای سرزنش دولت از سوی جامعه جهانی شود. در پی افزایش فساد سیاسی و اقتصادی در زیمبابوه به سال ۲۰۰۸ میلادی، دولت بریتانیا هرگونه رابطه ورزشی و اقتصادی شهروندانش با تیم کریکت این کشور را به حالت تعلیق درآورد (سایت روزنامه گاردین^۱). این موارد نشان می‌دهند که دیپلماسی ورزشی گونه‌ای دیپلماسی عمومی است و بنابراین برای توسل به آن باید کارکردهای آن را در ذیل دیپلماسی عمومی تعریف کرد. براین اساس، به صورت کلی می‌توانیم کارکردهای اصلی دیپلماسی ورزشی را در چهار حوزه موضوعی یعنی توسعه، قدرت - به ویژه قدرت نرم -، صلح و همگرایی دسته‌بندی کنیم که در ادامه به صورت مفصل هر یک از این موارد را شرح خواهیم داد.

۱- ورزش به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور و شتاب بخشیدن به توسعه در کشورهای دیگر

ورزش نقشی حیاتی در تلاش‌های دولت‌ها و سازمان ملل متحد برای بهبود زندگی مردمان سراسر جهان ایفا می‌کند. یکی از کاربردهای ورزش در روابط بین‌الملل معاصر، بهره‌هایی است که دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در زمینه مسائل مربوط به توسعه و تبلیغ ارزش‌های توسعه‌گرایانه مدنظر سیاست خارجی خود از آن برده‌اند. ورزش می‌تواند با فرصت‌سازی برای گروه‌های اجتماعی در حاشیه از جمله پناهندگان و کودکان بی‌سرپرست و خیابانی، مهیا کردن شرایط تحصیلی و تسهیل ادغام و بازگشت آنها به جامعه، به تحقق اهداف برنامه توسعه هزاره ملل متحد^۲ یاری رساند. «صلح المپیک» این امکان را ایجاد می‌کند که در طول مخاصمات مسلحانه بتوان کمک‌های بشردوستانه را به سهولت در اختیار جنگ‌زدگان ساکن در مناطق بحرانی قرار داد (گروه کاری ورزش برای صلح بین‌المللی و توسعه^۳، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، ورزش و بازی‌های ورزشی در فرایند رشد و سلامت کودک نقشی اساسی دارند. از این رو، بهبود شرایط و امکانات ورزشی در سطح جوامع داخلی به تحقق اهداف برنامه‌های توسعه داخلی نیز کمک بسیاری می‌کند. در سطح بین‌المللی، این ارتقا به صورت غیرمستقیم و خود به خود در راستای اهداف تعریف شده برای سازمان‌ها و ارکان سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، بهبود کیفیت و کمیت ورزش کودکان در سطح داخلی کشورهای عضو سازمان، دستاوردهای یونسف یا همان صندوق کودکان ملل متحد را دوچندان خواهد ساخت (یونسف^۴، ۲۰۰۴). برنامه‌های داخلی بسیاری نیز وجود دارند که در پی ادغام کودکان و نوجوانان در محیط اجتماعی جهانی هستند. برای مثال، در کلمبیا سازمان‌های مردم نهاد بسیاری وجود دارند که چند پروژه در این زمینه را دنبال می‌کنند. جامعه هدف این سازمان‌ها کسانی تعریف شده‌اند که در معرض تأثیرات مخرب تروریسم، خشونت و تکنولوژی بوده‌اند.

۲- ورزش به مثابه ابزار قدرت نرم

جوزف نای^۵، قدرت نرم را توان یک کشور برای دستیابی به اهدافش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه تعریف می‌کند. این جذابیت با سخت‌افزارهای قدرت حاصل نمی‌شود و ناشی از مولفه‌های نرم قدرت آن کشور است که در یک کلمه می‌توان آن را ذیل پرستیژ آن کشور رده‌بندی کرد. از آنجا که ورزش پیوندی ناگسستنی با کسب پرستیژ در سطح بین‌المللی دارد، قادریم آن را در ذیل قدرت نرم دولت - ملت بگنجانیم. یک دولت - ملت مفروض قادر است میراث فرهنگی، تاریخ و ورای آن، شجاعت ملی و موفقیت اقتصادی

1. www.theguardian.com

2. UN Millenium Development

3. Sport for Development and Peace International Working Group

4. UNICEF

5. Joseph Nye

خویش را با استفاده از ورزش به جهانیان نشان دهد. برای مثال، چین در المپیک ۲۰۰۸ بیجینگ از چنین راهبردی استفاده کرد و در قالب جشن‌هایی باشکوه و صرف هزینه‌های بسیار کوشید فرهنگ چینی و توان اقتصادی خود را در سطح بین‌المللی و برای سایر ملل به نمایش بگذارد (ژو^۱، ۲۰۰۶). همواره ورزش در سطح بین‌المللی وجه اقتصادی بسیار پررنگی دارد و کشورها از میزبانی جام جهانی فوتبال، بازی‌های المپیک یا حتی تورنمنت‌هایی که سطح پایین‌تری دارند، سود بسیار کلانی عایدشان می‌شود. دلیل این امر این است که بسیاری از کشورها هزینه‌های زیادی را صرف این گونه رقابت‌ها می‌کنند و به همین دلیل، ترتیباتی را اتخاذ می‌کنند که سود هنگفتی از قبل این هزینه‌ها نصیبشان شود.

رخدادهای ورزشی بین‌المللی همچنین می‌توانند واسطه‌ای مؤثر برای بیان نارضایتی میان دو کشور باشند. هرچند ممکن است تحمیل تحریم‌های اقتصادی نیازمند قطعنامه سازمان ملل باشد و باعث بیکاری و فقر در کشور هدف شود، اما تحریم یک رخداد ورزشی به چنین مجوزی احتیاج ندارد. دولت‌ها گاهی به دلایل سیاسی بازی‌های المپیک را تحریم می‌کنند. برای مثال، ایالات متحده در اعتراض به اشغال افغانستان از شرکت در بازی‌های المپیک سال ۱۹۸۰ میلادی مسکو خودداری کرد. ورزش همچنین نشان داد که ابزار مخالفت مؤثری علیه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بوده است (اندلوی^۲، ۲۰۱۰). افزون بر این، ۲۰ کشور آفریقایی در سال ۱۹۷۶ میلادی تصمیم به تحریم بازی‌های مونترال به دلیل حضور نیوزیلند در این رقابت‌ها گرفتند؛ چرا که چند ماه پیشتر، دولت این کشور اجازه داده بود تیم ملی راگبی آن با تیم راگبی آفریقای جنوبی که اعضای آن براساس معیارهایی نژادپرستانه به تیم ملی رژیم مذکور دعوت شده بودند، مسابقه دهد (پارک^۳، ۲۰۰۱). موفقیت‌های تیم‌های ملی یا ورزشکاران یک کشور به صورت معمول موفقیت کشور آنها تلقی می‌شود. برای مثال، پیروزی تیم ملی فوتبال زنان ژاپن در مسابقه با آمریکا در فینال رقابت‌های جام جهانی زنان نشانه بازگشت قدرت ملی این کشور پس از زلزله و سونامی مارس سال ۲۰۱۱ میلادی تفسیر می‌شد (کوئینگ^۴، ۲۰۱۱). شواهد دیگری نیز در باب رابطه ورزش و قدرت نرم وجود دارند. در واقع، برخی از کشورها بهترین و شناخته‌شده‌ترین ورزشکارانشان—که بیشتر آنها سوپرستاره‌هایی شناخته شده در سراسر جهان هستند—را به ماموریت‌های دیپلماتیک در خارج از مرزهایشان گسیل می‌دارند تا حضور و تصویر خوب از خود در بیرون از مرزها را تضمین کنند.

۳- ورزش به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند

افراد از طریق مشارکت در فعالیت‌های ورزشی می‌توانند تجربه میان‌قومی بیشتری کسب کنند و اعتمادسازی نسبت به دیگران را افزایش دهند. ورزش چه در قالب فردی و چه در قالب گروهی می‌تواند روابط بین افراد را تقویت کند. اگر فرد در جریان رقابت ورزشی به رقیبان خویش احترام بگذارد، آنان نیز تمایل پیدا می‌کنند وی را بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، نژاد، مذهب و یا سایر ویژگی‌های متفاوت او بپذیرند. مطالعات نشان داده‌اند که در این وضعیت، طرف مقابل حتی اگر در آغاز قضاوت‌های پیشینی در باب رقیب خود داشته باشد،

1. Xu
2. Ndlovu
3. Park
4. Koenig

این تصویر پیشینی به سرعت تغییر می‌کند. همچنین در صورتی که ورزشکاران دارای زمینه نژادی و فرهنگی متفاوت در جریان رقابت در قالب یک تیم با هم همکاری کنند، نگاه آنها به زمینه اجتماعی و فرهنگی هم تبدیل به نگاهی مثبت می‌شود. شولنکرف^۱ در پژوهشی نشان داده است که حتی یک رخداد ورزشی ممکن است احساس با هم‌بودگی را قوی سازد و مرزهای تمایز را از میان بردارد (آدایر و راو^۲، ۲۰۱۰: ۵). این مسئله دقیقاً همان نقطه ثقل کارآمدی است که دیپلماسی ورزشی باید در سیاست خارجی یک کشور بر آن تکیه کند. نمونه‌های بسیاری از کاربرد این وجه در ورزش در سراسر جهان وجود دارد. برای مثال، ثابت شده است که ادغام نسل دوم ورزشکاران مهاجران در تیم‌های ورزشی، روشی مناسب برای ایجاد تعادل نژادی در جوامع مهاجرپذیر است. حتی هواداران افراطی تیم‌ها نیز ورزشکاری را قبول دارند که برای تیمشان افتخارآفرینی کند و این عامل را بر ملاحظات نژادی و فرهنگی ترجیح می‌دهند. به عنوان مثال، عملکرد بازیکنان لهستانی تبار و ترک‌تبار تیم ملی فوتبال آلمان در موفقیت‌های این تیم بسیار تأثیرگذار بوده است و به همین دلیل، نگاه‌های نژادپرستانه سابق به مهاجران در این کشور تا حد زیادی تعدیل شده است. این ورزشکاران، الگوی مهاجران جوان هستند. بدون شک نشان دادن اثبات‌گرایانه تأثیرات مثبت ورزش بسیار مشکل است. ورزش همچون شمشیری دولبه است. اگر افتراق میان فرهنگ‌های متفاوت یا اقوام خود را در رقابت میان افراد یا تیم‌ها نشان دهد، فشار این رقابت می‌تواند فضایی نامطلوب ایجاد کند که تجلی اختلافات میان آنها باشد و به فاصله‌گذاری بیشتر میان آنها منجر شود. ایده تشویق رقابت‌های میان‌فرهنگی به مردم نشان خواهد داد که میدان ورزش به روی همه باز است و این حوزه، میدان نبرد نژادها و فرهنگ‌ها نیست.

۴- ورزش به مثابه ابزار ارتقای روابط صلح‌آمیز دولت در سطح بین‌المللی

دولت‌ها ممکن است از ورزش برای افزایش پرستیژ ملی خود در سطح بین‌المللی استفاده کنند و پس از آن، با به کارگیری قدرت نرم ایجاد شده از این طریق، نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود را گسترش دهند. علاوه بر این، رخدادهای بین‌المللی می‌توانند محلی برای ملاقات‌های رؤسای کشورها و سازمان‌های فراملی در چارچوبی صلح‌طلبانه باشند. در همه این موارد، یک امر مشترک وجود دارد و آن این است که ورزش می‌تواند با ایجاد فرصت گفتگویی صلح‌جویانه در محیطی صلح‌آمیز مردمان را به هم نزدیک‌تر سازد.

ورزش همچون سایر حوزه‌های مشترک بین‌المللی از جهانی شدن تأثیر پذیرفته است و در حال حاضر بخشی از فرهنگی عامه‌پسند است که در سراسر زیست‌کره گسترش یافته است. آندره مارکوویتس^۳ و لارس رنزمان^۴ معتقد هستند که ورزش «نقشی حیاتی در شکل‌دهی به هویت‌های جمعی کلان‌تر» ایفا می‌کند (مارکوویتس و رنزمان، ۲۰۱۰: ۲). برای مثال، رقابت‌های باشگاهی قاره‌ای، طرفدارانی از کشورها و قاره‌های دیگر دارند که این امر سبب می‌شود این مردمان «بیگانه»، ورزشکارانی «خارجی» یا متعلق به اقلیت‌های قومی و نژادی دیگر را تحسین کنند. مفهوم سرمایه اجتماعی پیوندی^۵ رابرت پوتنام^۵ را می‌توان به عنوان بهترین مفهوم برای اشاره به این توان بالقوه ورزش به کار برد. این مفهوم به سرمایه‌های اجتماعی اشاره دارد

1. Schulenkorf

2. Adair & Rowe

3. Andrei Markovits

4. Lars Rensmann

5. Bridging social capital

6. Robert Putnam

که به صورت بالقوه می‌توانند گروه‌های اجتماعی متفاوت را و رای مرزهای فرهنگی شان گرد هم آورند. در حال حاضر ورزش مهمترین بخش صنعت سرگرمی‌های بین‌المللی است. به عنوان نمونه، پخش تلویزیونی بازی‌های المپیک و جام جهانی فوتبال بیشترین بینندگان در جهان را به خود اختصاص داده‌اند. افزون بر این، در دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم ورزش بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ خود اهمیت پیدا کرده است. از این رو، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی چاره‌ای ندارند جز اینکه این عامل را در محاسبات خود بگنجانند. در آوریل ۱۹۷۱ میلادی، تاثیرگذارترین نمونه استفاده از ورزش به مثابه ابزار دیپلماسی عمومی برای تحقق روابط صلح‌آمیز به وقوع پیوست. در این زمان جنگ سرد همچنان برقرار بود. با وجود این، تیم پینگ‌پونگ ایالات متحده به رغم عدم شناسایی رسمی حکومت جمهوری خلق از سوی دولت این کشور، دیداری یک هفته‌ای از چین داشت. در پی این رخداد، مائو از ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا دعوت به عمل آورد از کشور متبوعش دیدار کند (دیگروت^۱، ۲۰۱۱). دیپلماسی کریکت هند و پاکستان، دیپلماسی بسکتبال یونان و ترکیه و همچنین تلاش‌هایی چون تشکیل تیم فوتبال مشترک فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها در استرالیا در سطح جامعه مدنی، نمونه‌های دیگری از فرایند مصالحه دوجانبه از طریق رخدادهای ورزشی هستند (مجله وال استریت ژورنال^۲). ابتکارهای دیگری نیز وجود دارند که باید به آنها اشاره کرد. برای مثال، ورزش همچنین می‌تواند روابط صلح‌آمیز چندجانبه را توسعه دهد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۹ میلادی، تایلند، برونی، فیلیپین، اندونزی، مالزی و سنگاپور، لیگ بسکتبال آسه‌آن^۳ را پایه‌ریزی کردند که در این لیگ، هرکدام از کشورهای یادشده یک تیم داشتند. در سطح جهانی نیز مواردی از این دست نیز وجود دارند. برای مثال، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ میلادی قطعنامه ۵۴/۳۴ خود را با عنوان «ساختن جهانی بهتر از طریق ورزش و آرمان المپیک»^۴ به تصویب رساند (بیکام^۵، ۲۰۰۰).

تیم‌ها و ستارگان ملی که نفوذ و تأثیری جهانی دارند می‌توانند فرایند صلح‌سازی در جوامع چندپاره را تسریع بخشند. برای مثال، تیم ملی فوتبال رواندا در چند جام جهانی پس از نسل‌کشی و خشونت‌های قومی دهه ۱۹۹۰ میلادی در این کشور توانسته است روند اعتمادسازی میان توتسی‌ها و هوتوها را شدت دهد. دیدییر دروگبا و سایر بازیکنان تیم ملی ساحل عاج در سال ۲۰۰۷ میلادی توانستند چنین نقشی ایفا نمایند. آنها در مقابل دوربین‌های تلویزیونی از مردم کشورشان خواستند به جنگ داخلی در این کشور پایان دهند (مجله جهانی فیفا^۶، ۲۰۱۱). هرچند ورزش به تنهایی نمی‌تواند همه تعارضات بین‌المللی و داخلی را حل و فصل نماید، اما قادر است به عنوان محرکی قوی، مردم، سیاستمداران و نمایندگان را به سمت راه‌حل‌های صلح‌آمیز و یا حداقل بهبود وضعیت موجود سوق دهد. در جدول ۱ سعی شده است مهمترین کارکردهای دیپلماسی ورزشی به عنوان گونه‌ای دیپلماسی عمومی در سطوح داخلی، ملی و بین‌المللی به صورت خلاصه فهرست شوند.

1. De Groot
2. <http://online.wsj.com>
3. ASEAN Basketball League
4. building a better world through sport and the Olympic Ideal
5. Beacom
6. FIFA World Magazine

جدول ۱: کارکردهای دیپلماسی ورزشی

کارکرد	سطح	بازیگران	نمونه‌ها
به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور و شتاب بخشیدن به توسعه در کشورهای دیگر	ملی	اصحاب ورزش دولت	همکاری ورزشکاران با برنامه توسعه هزاره ملل متحد
	بین‌المللی	سازمان‌های بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی	
به مثابه ابزار قدرت نرم کشور	ملی	اصحاب ورزش دولت	دستاوردهای کشورهای مخلف در رخدادهای ورزشی بین‌المللی
	بین‌المللی	سازمان‌های غیردولتی	
	جهانی	سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی	
به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامعی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند	بین‌المللی	اصحاب ورزش دولت سازمان‌های غیردولتی	عملکرد بازیکنان لهستانی تبار و ترک‌تبار تیم ملی فوتبال آلمان
به مثابه ابزار ارتقای روابط صلح‌آمیز دولت در سطح بین‌المللی	ایجاد چارچوبی برای مصالحه ملی	اصحاب ورزش دولت سازمان‌های بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی سازمان‌های جهانی بین‌الدولی	تیم ملی فوتبال رواندا، تیم ملی فوتبال ساحل عاج، تیم ملی راگیبی آفریقای جنوبی (هولاند و سوندبرگ، ۲۰۰۸)
	ایجاد چارچوبی برای مصالحه بین‌المللی دوجانبه		دیپلماسی پینگ‌پونگ، دیپلماسی کریکت، دیپلماسی ورزشی میان دو کره (چوئی، ۲۰۰۲)
	ایجاد چارچوبی برای ایجاد و تحکیم پیوندهای چندجانبه و منطقه‌ای		لیگ بسکتبال آسیا
	به مثابه محملی برای طرح ابتکارات بین‌المللی در زمینه گسترش صلح میان ملت‌ها		قطعه‌نامه ۵۴/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

ابزارهای دیپلماسی ورزشی

معمولاً دیپلماسی عمومی را به دو زیرگونه اصلی دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای تقسیم می‌کنند. گونه‌های خرد دیپلماسی عمومی در تحلیل نهایی در ذیل یکی از این دو جای می‌گیرند، اما دیپلماسی ورزشی جایی میان این دو دسته واقع می‌شود. ازاین رو، ابزارهای دیپلماسی ورزشی ترکیبی از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای هستند. «شرکت در رخدادهای ورزشی بین‌المللی و میزبانی آنها»، «رسانه‌ای‌سازی بین‌المللی تحولات ورزشی داخل کشور»، «معرفی و تربیت سفیران ورزشی»، «بهره‌گیری از صنعت سرگرمی‌های ورزشی (به ویژه سینمای ورزشی)»، «استفاده از سنت‌های ورزشی کشور هدف»، «توسعه بین‌المللی سازمان‌های ورزشی داخلی»، «برگزاری میهمانی‌های ورزشی»، «تدوین دستورالعمل اجرایی-رفتاری هیئت‌های ورزشی اعزامی به رخدادهای بین‌المللی»، «تحریم ورزشی»، «برگزاری بازی‌های دوستانه ورزشی در کشور هدف»، «شرکت ورزشکاران در فعالیت‌های خیریه بین‌المللی»، «استفاده از ورزش برای معرفی تغییرات اجتماعی مثبت داخلی به افکار عمومی جهانی»، «تبادلات ورزشی بین شهرهای خواهرخوانده»، «اعطای بورسیه‌های ورزشی» و «گردشگری ورزشی» مهمترین ابزارهایی هستند که نگارندگان با رویکرد اکتشافی و به مدد روش اسنادی توانسته‌اند از تجربه‌های زیسته در ساحت ورزش استخراج کنند. ابتدا این ابزارها را ردیف اول جدول ۲ نام برده‌ایم. سپس در ردیف دوم گفته‌ایم که این ابزارها در راستای کدام یک از کارکردهای دیپلماسی ورزشی عمل می‌کنند. آنگاه هدف یا اهداف عینی برآمده از این کارکردها را خاطرنشان ساخته و نمونه‌هایی از کاربری این ابزارها را بیان کرده‌ایم.

جدول ۲: ابزارهای دیپلماسی ورزشی

ردیف	ابزار	کارکرد و هدف ذهنی در دیپلماسی ورزشی	هدف عینی	نمونه‌ها
۱	شرکت در رخدادهای ورزشی بین‌المللی و میزبانی آنها	به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور	رونق بخشیدن به اقتصاد کشور	عواید مالی المپیک ۲۰۰۸ برای چین (برنارد، ۲۰۰۸)
		به مثابه ابزار قدرت نرم	ایجاد ذهنیت مثبت در افکار عمومی خارجی	ایجاد لیگ تنیس مردان و زنان دوبی، جام سوارکاری دوبی و قهرمانی گلف کلاسیک دوبی توسط دولت امارات متحده عربی (دیویدسون، ۲۰۰۹؛ جمیلی و همکاران، ۲۰۱۶)
		به مثابه ابزار ارتقای روابط صلح‌آمیز	رفع تنش سیاسی با همسایگان و دیگر دولت‌ها	شرکت چین در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول و میزبانی این بازی‌ها در سال ۱۹۹۰ میلادی (سایت پایگاه داده‌های مرجع ورزش و سایت کمیته المپیک آسیا ^۱)
۲	رسانه‌ای‌سازی بین‌المللی تحولات ورزشی داخل کشور	به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور	جذب سرمایه‌گذاری خارجی	مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در مالکیت باشگاه‌های فوتبال بریتانیا (کوک، ۲۰۱۵)
		به مثابه ابزار قدرت نرم	جذب هواداران خارجی برای لیگ‌های داخلی به منظور افزایش ضریب تأثیرگذاری بر اذهان عمومی در سطح بین‌المللی	شهرت بین‌المللی ان‌بی‌ای شهرت بین‌المللی لالیگا

۳	سفیران ورزشی	به مثابه ابزار قدرت نرم	استفاده از چهره‌های مشهور ورزشی داخلی و خارجی برای ارتقای پرستیژ بین‌المللی دولت	انتخاب مارادونا به عنوان سفیر ورزشی دولت امارات متحده عربی (سایت فوتبال آنلاین ^۳) انتخاب برخی ورزشکاران به عنوان سفیر ورزشی دولت روسیه در المپیک سوچی (سایت رسمی المپیک ۲۰۱۴ سوچی ^۴)
۴	صنعت سرگرمی‌های ورزشی به ویژه سینمای ورزشی	به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور	روتق بخشیدن به اقتصاد فرهنگی داخلی	درآمد دولت چین و هنگ کنگ از قبل سینمای رزمی (ژوخیانگ، ۲۰۱۸)
		به مثابه ابزار قدرت نرم	جذب هواداران خارجی به ورزش‌های سنتی داخلی به منظور افزایش ضریب تاثیرگذاری بر اذهان عمومی در سطح بین‌المللی	اقبال عمومی گسترده در سطح بین‌المللی به ورزش‌های رزمی پس از توزیع بین‌المللی فیلم‌های بروس لی در دهه ۱۹۷۰ میلادی و نیز آثار جکی چان (دیهارت، ۲۰۱۳)
۵	بهره‌گیری از سنت‌های ورزشی کشور هدف	به مثابه ابزار قدرت نرم	نشان دادن پیوندهای فرهنگی مشترک به منظور ایجاد بینادذهنیت مثبت	برگزاری مسابقات بین‌المللی کشتی با چوخه
		به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند	ایجاد ذهنیت مثبت در افکار عمومی خارجی	برگزاری مسابقه بادبادک‌بازی (ورزشی سنتی افغانستانی‌ها) توسط نیروهای نظامی آلمانی مستقر در افغانستان با شعارهایی در باب صلح‌طلبی ایساف (زولتر، ۲۰۰۹: ۲۶۶)
۶	توسعه بین‌المللی سازمان‌های ورزشی داخلی	به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور	استفاده از پتانسیل‌های ورزشکاران خارجی برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ورزشی داخلی	خرید بازیکنان خارجی در لالیگا خرید بازیکنان خارجی در ان‌بی‌ای (گروسیوس و هیل، ۲۰۱۸)
		به مثابه ابزار قدرت نرم	جذب هواداران خارجی برای لیگ‌های داخلی به منظور افزایش ضریب تاثیرگذاری بر اذهان عمومی در سطح بین‌المللی	پخش بین‌المللی مسابقات لیگ داخلی فوتبال اسپانیا و بریتانیا
		به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند	جذب هواداران خارجی برای لیگ‌های داخلی به منظور افزایش ضریب تاثیرگذاری بر اذهان عمومی در سطح بین‌المللی	توجه دولت فرانسه به حضور فوتبالست‌های آفریقایی اهل مستعمرات سابق در لیگ فوتبال این کشور به منظور حفظ ضریب نفوذ فرهنگی در این کشورها (ویلیمز، ۲۰۱۷)
		به مثابه ابزار ارتباط صلح‌آمیز	جذب هواداران خارجی برای لیگ‌های داخلی به منظور افزایش ضریب تاثیرگذاری بر اذهان عمومی در سطح بین‌المللی	علاقه کیم جونگ اون رهبر کره شمالی به بسکتبالست آمریکایی دنیس رادمن و استفاده وزارت خارجه ایالات متحده از این فرصت به منظور از سرگیری مذاکرات با این کشور (بودا و شیم، ۲۰۱۵)
		به مثابه ابزار قدرت نرم	استفاده از چهره‌های مشهور ورزشی داخلی و خارجی برای ارتقای پرستیژ بین‌المللی دولت	برگزاری میهمانی‌های ورزشی و دعوت از ورزشکاران توسط سفارتخانه‌های جمهوری خلق چین پیش از المپیک ۲۰۰۸ بیجینگ (سایت سفارت جمهوری خلق چین در جمهوری آلبانی ^۵)
۷	برگزاری میهمانی‌های ورزشی در سفارتخانه‌های کشور	به مثابه ابزار قدرت نرم	استفاده از چهره‌های مشهور ورزشی داخلی و خارجی برای ارتقای پرستیژ بین‌المللی دولت	برگزاری میهمانی‌های ورزشی و دعوت از ورزشکاران توسط سفارتخانه‌های جمهوری خلق چین پیش از المپیک ۲۰۰۸ بیجینگ (سایت سفارت جمهوری خلق چین در جمهوری آلبانی ^۵)

۸	تدوین دستورالعمل اجرایی - رفتاری هیئت‌های ورزشی اعزامی به رخدادهای بین‌المللی	به مثابه ابزار قدرت نرم	ایجاد ذهنیت مثبت در افکار عمومی خارجی، کاهش تنش‌ها در سازمان‌های بین‌المللی و ارتقای پرستیژ بین‌المللی دولت	دستورالعمل انجمن دانشجویان یهودی در ایالات متحده در باب دیپلماسی عمومی (انجمن جهانی دانشجویان یهودی، ۲۰۰۲)
۹	برگزاری بازی‌های دوستانه ورزشی در کشور هدف	به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور	اهداف عینی چندگانه و در راستای ایجاد شرایط امکان برای کاربرست سایر ابزارها	عمده نمونه‌های یادشده در این جدول
		به مثابه ابزار قدرت نرم		
		به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند		
		به مثابه ابزار ارتقای روابط صلح‌آمیز		
۱۰	شرکت ورزشکاران در فعالیتهای خیریه بین‌المللی	به مثابه ابزار قدرت نرم	ایجاد ذهنیت مثبت در افکار عمومی خارجی	فعالیت‌های خیریه محمدعلی کلی در دوران بازنشستگی (اسنایدر، ۲۰۱۶)
		به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند	ایجاد همگرایی در جامعه‌ی هدف به منظور کاهش تنش‌هایی که اهداف دولت مبدأ در کشور مقصد را با تهدید مواجه می‌کنند	فعالیت‌های خیریه گروهی از ورزشکاران آمریکایی در قالب سازمان «داوطلبان سپاه صلح» ^{۱۱} (دک وورث ^{۱۲} و هانت ^{۱۳} ، ۲۰۱۷)
۱۱	تحریم ورزشی	به مثابه ابزار قدرت نرم	همراهی با افکار عمومی داخلی کشور مقصد یا افکار عمومی منفی بین‌المللی علیه دولت آن	تحریم رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی (کید ^{۱۴} ، ۱۹۸۸)
		به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند		
		به مثابه ابزار ارتقای روابط صلح‌آمیز		

۱۲	استفاده از ورزش برای معرفی تغییرات اجتماعی مثبت داخلی به افکار عمومی جهانی	به مثابه ابزار پیشبرد توسعه کشور	جلب سرمایه‌گذاری خارجی
		به مثابه ابزار قدرت نرم	ایجاد تغییر در افکار عمومی منفی بین‌المللی نسبت به کشور
		به مثابه ابزار گفتگو و همگرایی در جوامع چندفرهنگی که اختلافات فرهنگی در آنجا مانعی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی دولت هستند	قوام بخشیدن به وحدت ملی در دولت تازه تأسیس
		به مثابه ابزار ارتقای روابط صلح‌آمیز	تغییر در رویه‌های دیپلماتیک سابق با سایر دولت‌ها
۱۳	تبادلات ورزشی بین شهرهای خواهر خوانده	به مثابه ابزار قدرت نرم	ایجاد ذهنیت مثبت در افکار عمومی خارجی
۱۴	بورسیه‌های ورزشی	به مثابه ابزار قدرت نرم	استفاده از پتانسیل‌های ورزشکاران خارجی به منظور افزایش ضریب تاثیرگذاری بر اذهان عمومی در سطح بین‌المللی
۱۵	گردشگری ورزشی	همه کارکردهای یادشده	اهداف عینی چندگانه و در راستای ایجاد شرایط امکان برای کاربست سایر ابزارها
			عمده نمونه‌های یادشده در این جدول (بنگرید به: مجتبی و بهمن پور، ۱۳۸۷: ۲۵-۳۱)

1. www.sports-reference.com
2. www.ocasia.org
3. http://footballonline.ir
4. www.sochi2014.com
5. DeHeart
6. Zöllner
7. http://al.china-embassy.org
8. The World Union of Jewish Students
9. Snyder
10. Peace Corps
11. Duckworth
12. Hunt
13. Kidd
14. Eastwood
15. Kaltenbrunner & et al
16. www.fulbright.org

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشیدیم شرایط امکان مفهوم دیپلماسی ورزشی را با کمک رویکرد اکتشافی و به مدد روش اسنادی از طریق تدقیق تعاریف موجود از این مفهوم و نیز تجارب زیسته در این حوزه موضوعی ترسیم کنیم. از این رو، ابتدا زمینه‌های عینی همگرایی‌های ایجاد شده میان ورزش و سیاست در محیط بین‌المللی را که به طرح مفهوم دیپلماسی ورزشی انجامیده است، شرح دادیم تا شرایط امکان خود را هویدا کنند. در این بخش از تجارب زیسته‌ای استفاده کردیم که در اسناد و مدارک مکتوب موجود هستند. سپس مراد از دیپلماسی ورزشی را در مقام یک مفهوم و دانش‌واژه علمی توضیح دادیم و تعریفی جامع و مانع از آن ارائه کردیم. هدف از این کار فراتر رفتن از صرف شناسایی شرایط امکان و عملیاتی‌سازی این فهم جدید در ذیل دیپلماسی عمومی بود؛ یعنی تلاش کردیم در راستای رویکرد اکتشافی پژوهش، از نمونه‌های انضمامی به الگوهای انتزاعی برسیم. آنگاه با توجه به اینکه دیپلماسی ورزشی را گونه‌ای دیپلماسی عمومی مفهوم‌پردازی کرده بودیم، به این تناسب، کارکردهایی را برای آن ترسیم نمودیم تا دریابیم که چگونه می‌شود از این مفهوم‌پردازی عملیاتی، بهره عملی برد. در آخر نیز با عنایت به تبیین مفهومی و کارکردی آن، پانزده ابزار را برای بهره‌گیری عملی از دیپلماسی ورزشی از میان تجربه‌های زیسته موجود شناسایی کردیم.

پیشتر در مورد ضعف پژوهش‌های موجود در این زمینه سخن گفتیم. با آن که این پژوهش‌ها اهمیت موضوع را به درستی دریافته‌اند، اما سه مشکل عمده دارند. نخست آنکه شرایط امکان دیپلماسی ورزشی را به درستی و به صورت سازمان‌یافته شناسایی نکرده‌اند؛ دوم آنکه دیپلماسی ورزشی را به صورت علمی مفهوم‌پردازی ننموده‌اند. در نتیجه مشکل سوم در آنها به چشم می‌خورد؛ یعنی کارکردهایی که در این پژوهش‌ها برای دیپلماسی ورزشی برشمرده شده، مغشوش و ناقص هستند. مشکل چهارمی که به تبع سه مشکل پیشین به وجود آمده، آن است که ابزارهای دیپلماسی ورزشی را به درستی و به صورت سازمان‌یافته تحدید نکرده‌اند. تفاوت مقاله حاضر با این آثار در این است که ما سعی کرده‌ایم برای این سه معضل پاسخی بیابیم. در این راستا در تجربه‌های زیسته بین‌المللی، مناطق و موضوعاتی را شناسایی کردیم که دیپلماسی و ورزش به یکدیگر برخورد کرده‌اند. سپس کوشیدیم معنا و مفهومی برای این تصادم‌ها و همراهی‌ها بیابیم و دیپلماسی ورزشی را پس از تحلیلی مفهومی، «فعالیت‌های دیپلماتیک و نمایندگی اصحاب ورزش به نیابت از دولت-ملت متبوع آنها برای اثرگذاری بر اذهان مردمان و دولت‌های دیگر و اقناع و انگیزش آنها جهت تحقق اهداف سیاست خارجی دولت-ملت مبدأ خویش» تعریف کردیم و آن را در ذیل دیپلماسی عمومی گنجانیدیم. در ادامه در راستای این جایگاه جدید که برای آن تعریف شد، چهار کارکرد توسعه‌ای، قدرتی، گفتگویی و روابط‌های آن و همچنین ابزارهای ایجابی ناشی از این کارکردها خود را آشکار ساختند.

حال مدعی هستیم که با این طرح نظری حداقلی و وجوه عملی آن، جدای از هموار ساختن پژوهش‌های نظری دیگر، می‌توان مطالعات موردی بسیاری را برای عملیاتی ساختن دیپلماسی ورزشی در دیپلماسی عمومی به اجرا درآورد. در مورد مباحث نظری، پژوهش‌های آتی می‌توانند مفاهیم، کارکردها و ابزارهای شناسایی شده در این پژوهش را بهبود ببخشند- اما مطالعات موردی در باب دیپلماسی عمومی نیز می‌توانند از این نوشته بهره‌مند شوند.

بهره‌گیری از دیپلماسی ورزشی با این مفهوم‌پردازی جدید در راستای اهداف سیاست خارجی، در مطالعات

موردی که قرار است در حوزه‌ها و با اهداف زیر انجام شوند، امکانپذیر است:

۱- تسریع در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات با کشورهای همسایه به منظور تغییر در نگرش‌های دولت و مردمان آنان، استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی آنها، مشارکت در حل بحران‌های امنیتی داخلی این قبیل کشورها به منظور جلوگیری از سرریز این بحران‌ها به حوزه‌ی داخلی و در نتیجه ارتقای روابط صلح‌آمیز دوجانبه و چندجانبه؛

۲- تسریع در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات با قدرت‌های بزرگ به منظور تغییر در نگرش‌های دولت و مردمان آنان، استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی و دور نگه داشتن این قدرت‌ها از مداخله در امور داخلی کشور و در نتیجه ارتقای روابط صلح‌آمیز دوجانبه و چندجانبه؛

۳- ایجاد پیوندهای مستحکم‌تر با سازمان‌های بین‌المللی، بهره‌گیری از مقبولیت جهانی این سازمان‌ها و استفاده از امکانات و توانمندی‌های آنها در راستای توسعه اقتصادی، جذب منابع مالی بین‌المللی و در نتیجه ارتقای روابط صلح‌آمیز دوجانبه و چندجانبه.

همان گونه که قاعدتاً می‌بایست تا بدینجا روشن شده باشد، نوآوری عمده نوشته پیش رو، تعریف دیپلماسی ورزشی به مثابه یک برنامه پژوهشی بوده است که انجام پژوهش‌های بسامان و نوینی را ممکن می‌سازد؛ برنامه‌ای که هیچ یک از پژوهش‌های موجود در باب دیپلماسی ورزشی تاکنون بدان توجهی نداشته‌اند. هرچند با توجه به محدودیت ناشی از ماهیت در حال کشف موضوع نمی‌توانیم مدعی شویم که این برنامه پژوهشی، برنامه‌ای کامل و بی‌نقص است.

منابع

- التیامی نیا، رضا و محمدی عزیزآبادی، مهدی. (۱۳۹۴). «نقش تبعی و تسریع کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت ها». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. ش ۲۲، صص ۱۷۹-۱۴۹.
- شریعتی، محمدتقی، اکبری، رامین. (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزشی ایالات متحده آمریکا». فصلنامه مطالعات منطقه‌ای. ش ۵۶، صص ۹۹-۱۱۲.
- صباغیان، علی. (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزشی». فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات. س ۱۶، ش ۳۱، صص ۱۳۲-۱۵۱.
- کوپر، سایمون. (۱۳۸۸). فوتبال علیه دشمن. عادل فردوسی پور. تهران: نشر چشمه
- مجتبوی، سید کوروش و بهمن پور، هومن. (۱۳۸۷). **توریسم ورزشی**. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک
- Adair, D., & Rowe, D. (2010). **“Beyond boundaries? Race, ethnicity and identity in sport”**. International Review for the Sociology of Sport, 45(3), 251-257.
- Ahmed, J. U. (2010). **“Documentary research method: New dimensions”**. Indus Journal of Management & Social Sciences, 4(1), 1-14.
- Babbie, Earl. (2007). **The Practice of Social Research**. 11th edition. Belmont CA: Thompson - Wadsworth
- Beacom, A. (2000). **“Sport in International Relations: a case for cross-disciplinary investigation”**. Sports Historian, 20 (2), 1-23.
- Bernard, A. B. (2008). **Going for the gold: who will win the 2008 Olympic Games in beijing**. Tuck School of Business at Dartmouth, Hanover, NH, 3755
- Black, D., & Peacock, B. (2013). **Sport and diplomacy**. In The Oxford Handbook of Modern Diplomacy
- Buda, D. M., & Shim, D. (2015). **“Desiring the dark: a taste for the unusual in North Korean tourism?”**. Current Issues in Tourism, 18(1), 1-6.
- Bull, Hedley. (1977). **The Anarchical Society: a Study of Order in World Politics**. New York: Columbia University Press
- Carnibella, G., Fox, A., Fox, K., McCann, J., Marsh, J., & Marsh, P. (1996). **Football violence in Europe**. Unpublished report to the Amsterdam Group.
- Cashmore, E. (2003). **Sports culture: an AZ guide**. Routledge.
- Choi, D. S. (2002). **“Building bridges: the significance of Inter-Korean sports and cultural exchange”**. East Asian Review, 14(4), 107-115.
- Cook, M., & Fallon, G. (2015). **The determinants of inward foreign direct investment into the English Premier League**.
- De Groot, G. (2011). **Sport and Politics–Sometimes a Good Mix**. International Relations and Security. Network, ETH Zurich
- DeHeart, Jonathan. (2013). **Jackie Chan is drafted by Beijing to help with its soft**

power push.

- Duckworth, A., & Hunt, T. M. (2017). **“Learning the American Way: Sports International and American Soft Power”**. The International Journal of the History of Sport, 34(11), 1112-1127.
- Eastwood, C. (2009). **Invictus: the movie**. Warner Bros. USA.
- FIFA World Magazine. (2011). **Rwanda’s New Hopes**. No.20,
- Galily, Yair. (2003). **“Playing hoops in Palestine: The early development of basketball in the land of Israel, 1935-56”**. The International Journal of the History of Sport, 20 (1), 143-151.
- Grix, J., Brannagan, P. M., & Houlihan, B. (2015). **“Interrogating states’ soft power strategies: a case study of sports mega-events in Brazil and the UK”**. Global society, 29(3), 463-479.
- Groothuis, P. A., & Hill, J. R. (2018). **“Career Duration in the NBA: Do Foreign Players Exit Early?”**. Journal of Sports Economics, 19(6), 873-883.
- Höglund, K., & Sundberg, R. (2008). **“Reconciliation through sports? The case of South Africa”**. Third World Quarterly, 29 (4), 805-818.
- Kaltenbrunner, A., Aragón, P., Laniado, D., & Volkovich, Y. (2013, May). **“Not all paths lead to Rome: Analysing the network of sister cities”**. In *International Workshop on Self-Organizing Systems* (pp. 151-156). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Keech, Marc & Houlihan, Barrie. (1999). **“Sport and the end of apartheid”**. The Commonwealth Journal of International Affairs, No.349, 109-121.
- Kidd, B. (1988). **“The campaign against sport in South Africa”**. International Journal, 43(4), 643-664.
- L’Etang, J. (2013). **Sports public relations**. Sage.
- Merkel, U. (2008). **“The politics of sport diplomacy and reunification in divided Korea: One nation, two countries and three flags”**. International Review for the Sociology of Sport, 43(3), 289-311.
- McClory, J. (2012). **The New Persuaders III: A 2012 Global Ranking of Soft Power**.
- Murray, Stuart. (2012). **“Sports-Diplomacy: a Hybrid of Two Halves”**. A paper presented at ISA San Diego Convention in 2012.
- Ndlovu, S. M. (2010). **“Sports as cultural diplomacy: the 2010 FIFA World Cup in South Africa’s foreign policy”**. Soccer & Society, 11(1-2), 144-153.
- Ociepa, B. (2013). **“Miękka siła i dyplomacja publiczna Polski”**. Wydawnictwo Naukowe Scholar Sp. z oo.
- Park, C-H. (2001). **Sports Politics in the Modern Society**. Berlin: Mensch und Buch Verlag.

- Rinke, S. H. & Schiller, K. (2014). **The FIFA World Cup 1930-2010: Politics, Commerce, Spectacle and Identities**. Göttingen: Wallstein Verlag
- Rice, X. (2011). “South Sudan marks statehood with football match”. The Guardian magazine
- Redeker, R. (2008). “Sport as an opiate of international relations: The myth and illusion of sport as a tool of foreign diplomacy”. Sport in Society, 11(4), 494-500.
- Rupert, James. (2011). **Cricket Diplomacy May Smooth Tension Between India, Pakistan**. Bloomberg
- Saxena, A. (2011). **The Sociology of Sport and Physical Education**. Sports Publication, New Delhi
- Shields, P. M., & Rangarajan, N. (2013). “A playbook for research methods: Integrating conceptual frameworks and project management”. New Forums Press.
- Snyder, J. D. (2016). “The Legacy of Muhammad Ali 45 Years after Clay v. United States: Why a Case on Selective Service Still Matters”. Va. Sports & Ent. LJ, 16, 34.
- Sport for Development and Peace International Working Group. (2008). **Harnessing the Power of Sport for Development and Peace: Recommendations to Governments**.
- The World Union of Jewish Students. (2002). **Hasbara Handbook: Promoting Israel on Campus**. Jerusalem: WUJS
- Xu, X. (2006). “Modernizing China in the Olympic spotlight: China’s national identity and the 2008 Beijing Olympiad”. The Sociological Review, 54(s2), 90-107.
- Williams, J. (2017). **Games without frontiers: Football, identity and modernity**. Routledge
- Zöllner, O. (2009). **German public diplomacy: The dialogue of cultures**. In Routledge handbook of public diplomacy. London: Routledge
- Zhouxiang, L. (2018). **Politics and Identity in Chinese Martial Arts**. Routledge.



تدوین مدل تفکر استراتژیک به منظور ارتقای عملکرد مدیران ورزشی (مطالعه موردی: فدراسیون های ورزشی جمهوری اسلامی ایران)

سید امیر موسویان^۱
عبدالرحمن مهدی پور^۲
محمد خدامرادی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۰

هدف از پژوهش حاضر، تدوین مدل تفکر استراتژیک مدیران عالی فدراسیون های ورزشی است. در این پژوهش از مدل های مطالعات آمیخته اکتشافی استفاده شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. برای مدل مفهومی پژوهش، از مطالعات کتابخانه ای و از روش دلفی دو مرحله ای استفاده گردید. در مرحله اول، ۱۰۸ مؤلفه از بین مؤلفه های الگوهای رایج شناسایی و سپس ۲۸ مؤلفه انتخاب شد. در مرحله دوم نیز از ۲۸ مؤلفه انتخابی، ۸ مؤلفه مورد تایید خبرگان قرار گرفت. جامعه آماری ۲۰۰ نفر از رؤسا، نواب رئیس زن و مرد و دبیران فدراسیون های ورزشی بود که برای تعیین حجم نمونه ابتدا تعداد ۸۰ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب و سپس با سطح خطای ۲ درصد تعداد ۲ برابر آن (۱۶۰ نفر) تعیین شدند. ابزار اندازه گیری، پرسشنامه تفکر استراتژیک و عملکرد مدیران ورزشی محقق ساخته، با روایی صوری مورد تایید خبرگان و روایی سازه که از طریق تحلیل عامل اکتشافی و پایایی حاصل گردید. نتایج پرسشنامه تفکر استراتژیک (۰/۷۵۱) و عملکرد مدیران ورزشی (۰/۸۳۷) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین گردید. نتایج پژوهش نشان داد که تفکر مفهومی، تفکر در طول زمان، تفکر سیستمی، آینده نگری و چشم انداز دارای

۱. دکترای مدیریت استراتژیک، دانشگاه صنایع و معادن ایران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) Email: sam133543@yahoo.com

۲. دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳. دانشیار، آمار، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

بیشترین، فرضیه محوری، فرصت طلبی هوشمندانه و عزم استراتژیک دارای کمترین همبستگی بودند. نتایج پژوهش نشان داد که بین مؤلفه های هشت گانه تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران ورزشی رابطه معناداری ($r=0/76$, $\alpha=0/01$) وجود دارد. لذا می توان گفت مؤلفه های مدل تفکر استراتژیک تدوینی موجب ارتقای عملکرد مدیران عالی فدراسیون های ورزشی می گردد.

واژگان کلیدی: تفکراسراتژیک، عملکرد مدیران ورزشی و فدراسیون های ورزشی

مقدمه

سازمان‌های ورزشی، از یک سو با محیطی متغیر و تهدیدکننده رو به رو بوده و از سویی دیگر، با افزایش سطح توقعات، خواسته‌ها و مطالبات جدید و بیش‌تر جامعه و جامعه ورزشی و مضاف برآن پیشرفت، سرمایه‌گذاری‌های کلان و توسعه پایدار رقبای قدر، تغییرات و برنامه ریزی‌های زیربنایی برای سازمان‌های ورزشی ایجاب می‌کند. با این وصف، آنها از یک سو باید به نیازها، خواسته‌ها و توقعات مذکور واکنشی به موقع، به جا و شایسته از خود نشان دهند و از سوی دیگر، برای خروج از این شرایط و مقابله با سایر تهدیدهای محیطی، حفظ بقا و پویایی حال و آینده سازمان به توسعه پایدار همت گمارند و برای کسب هدایت منابع تلاش وافر نمایند. در غیر این صورت سازمانی که خود را با امواج تغییر همراه نسازد، محکوم به فناست (غفاریان و علی احمدی، ۲۰۰۲).

۱۶۷

در این راستا سازمان‌های ورزشی باید از ابزارهای گوناگون مدیریتی و نیز فرایندهای مدیریتی مناسب استفاده کنند و دست به حرکتی اصولی و زیربنایی بزنند. یکی از این ابزارهای کارا و اثربخش مدیریتی، برنامه ریزی استراتژیک است. برنامه ریزی استراتژیک، آماده سازی سازمان برای پاسخگویی مناسب و به هنگام در مقابل تغییرات محیط داخل و خارج سازمان می‌باشد و به همین جهت از پویایی برخوردار است (سکت و اردلی، ۲۰۰۵).

اما داشتن برنامه ریزی استراتژیک نیز، به نوبه خود مستلزم وجود تفکر استراتژیک فردی و سازمانی در شالوده‌های مدیریتی و تشکیلاتی است. تحقیقات زیادی نیز نشان داده‌اند که وجه اشتراک موفقیت در سازمان‌های موفق جهانی، تنها داشتن برنامه ریزی استراتژیک نیست، بلکه وجود تفکر استراتژیک در آن سازمان است (احراری و نوری، ۱۳۹۱). در این راستا میتزبرگ^۱ (۱۹۹۸) نیز تأکید می‌کند: «برنامه ریزی استراتژیک فرایندی است که باید پس از تفکر استراتژیک واقع شود». صادقی نیارکی (۱۳۹۰) می‌نویسد: «تفکر استراتژیک پیش بینی آینده نیست، بلکه تشخیص به موقع خصوصیات میدان رقابت و دیدن فرصت‌هایی است که رقبا نسبت به آن غافل هستند».

بنابراین تفکر استراتژیک عامل اصلی تغییر قالب رقابت، تغییر وضع موجود فدراسیون‌های ورزشی، توانمندسازی مدیران، ایجاد موفقیت‌های فردی و سازمانی مدیران، تداوم پیشرفت و بقای این سازمان‌ها می‌باشد. علاوه بر این‌ها، فدراسیون‌هایی که فاقد تفکر استراتژیک می‌باشند، نه تنها دارای هزینه‌های بالایی هستند، بلکه از اثر بخشی و کارایی، و در نهایت بهره وری کمتری نیز برخوردار می‌باشند.

امروزه در مباحث مدیریتی، از مدل یا مدل‌های مفهومی خاص و مرتبط، برای توجیه ذهنی و تقریب ذهن با موضوع استفاده می‌شود. مدل تفکر استراتژیک بیان‌کننده فرآیند یادگیری به صورت پویا، تعاملی و تجربی و در برگیرنده عوامل فردی، تجربیات کاری و عواملی سازمانی است که با کمک دانش و عمل به آن باعث می‌شود تا مدیران توانایی تفکر استراتژیک را به دست آورند (کیسی و گلدمن^۳، ۲۰۱۳). با مرور پیشینه تحقیق، مشاهده گردید که در بخش‌های مختلف صنعتی، اقتصادی و تجاری، مدل‌های معتبر و رایج فراوانی در زمینه تفکر استراتژیک طراحی و تدوین شده‌اند. البته هر یک از این مدل‌ها، دارای ویژگی‌های خاص خود بوده

1. Sekeete and Ardalie
2. Mintzberg, H
3. Casey AJ & Goldman EF

و از منظر خاصی به این رویکرد نگریسته اند (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۳). اما متأسفانه در میان فراوانی مدل های تفکر استراتژیک، هیچ مدل خاصی برای مقوله ورزش که در عرصه ها و میادین ورزشی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، دارای وزن بالایی می باشد، طراحی و تدوین نشده است.

با توجه به تغییرات محیطی، مطالبات جامعه، پیشرفت رقبا و نیز سایر موارد یاد شده و لزوم برنامه ریزی استراتژیک در سازمان های ورزشی به عنوان راه حل مشکلات مذکور و با توجه به این که تفکر استراتژیک بر برنامه ریزی استراتژیک تقدم دارد و مدیران ورزشی نیز به عنوان مجریان این برنامه استراتژیک، باید به این تفکر مجهز گردند، لذا فقدان مدل تفکر استراتژیک مدیران ورزشی به منظور ارتقای عملکرد آنان مسئله این پژوهش است.

هدف های پژوهش

هدف اصلی پژوهش

هدف اصلی پژوهش، تدوین مدل تفکر استراتژیک به منظور ارتقای عملکرد مدیران عالی فدراسیون های ورزشی است.

هدف های فرعی پژوهش

هدف های فرعی پژوهش نیز شناسایی، بررسی و تعیین مؤلفه های تفکر استراتژیک مدیران عالی فدراسیون های ورزشی شامل تفکر مفهومی، تفکر سیستمی، فرصت طلبی هوشمندانه، آینده نگری، تفکر در طول زمان، عزم استراتژیک، تفکر فرضیه محور و داشتن چشم انداز به منظور ارتقای عملکرد آنان می باشد.

مبانی نظری پژوهش

بررسی ها نشان می دهند که تاکنون تفکر استراتژیک به صورت یک پارچه و همه جانبه مورد بررسی قرار نگرفته و مؤلفه های آن نیز در قالب یک مدل منسجم و جامع که مورد توافق همگان باشد، ارائه نشده است. در مورد بنیان های نظری موضوع پژوهش، می توان به مواردی که نیازهای موضوع تفکر استراتژیک را پوشش دهد، اشاره کرد:

تفکر

ویناک^۱ (۲۰۱۰) می گوید: «فکر عملی ذهنی است که فرد با استفاده از آن، توانایی شناخت و یا تحلیل مسائل به صورت عملی و استدلالی را به دست می آورد».

استراتژی

چاندلر^۲ (۱۹۶۲) می گوید: «استراتژی عبارت است از یک طرح واحد، همه جانبه و تلفیقی که نقاط قوت و ضعف سازمان را با فرصت ها و تهدیدهای محیطی مربوط ساخته و دستیابی به هدف های اصلی سازمان را میسر می سازد».

هارپر و رویز^۳ (۱۹۷۱) نیز در این مورد چنین اعتقاد دارند: «استراتژی عبارت است از مدل منظورها، مقاصد، هدف ها، خط مشی های اصلی و طرح هایی جهت دستیابی به هدف ها».

1. Vynak

2. Chandler

3. Harper and Royce

تفکر استراتژیک

غفاریان و علی احمدی (۲۰۰۲) می‌گویند: «اگر تعاریفی در این مورد (تفکر استراتژیک) وجود داشته باشد، با نگاهی به ادبیات موجود در می‌یابیم که هیچ تعریفی مورد توافق و قطعی از تفکر استراتژیک نیز وجود ندارد، گرچه علی رغم بیش از دو دهه که از مطرح شدن نظریه تفکر استراتژیک در حوزه استراتژی می‌گذرد، مطالعات تجربی قابل اتکا نیز در این حوزه به نسبت محدود است». جدول ۱ تعریف تفکر استراتژیک از نظر برخی از صاحب‌نظران تفکر استراتژیک را نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعریف تفکر استراتژیک از نظر برخی از صاحب‌نظران تفکر استراتژیک

نام صاحب نظر	تعریف تفکر استراتژیک
جین لیدکا ^۱ (۱۹۹۸)	تفکر استراتژیک را مدلی ذهنی کامل از نظام خلق ارزش برای مشتری می‌نامد.
گلدمن و کیسی ^۲ (۲۰۱۳)	تفکر استراتژیک فرایندی تکرار شونده، تعاملی و پویاست.
میتزبرگ ^۳ (۱۹۹۴)	تفکر استراتژیک بر فرایند سنتز ذهنی با استفاده از شهود و خلاقیت، دیدگاه‌های یک پارچه‌ای از کسب و کار ایجاد می‌کند.
گری هامل و پراهالاد ^۴ (۱۹۹۴)	تفکر استراتژیک معماری هنرمندانه استراتژی بر اساس خلاقیت، کشف و درک ناپیوستگی‌های کسب و کار است.
بُن ^۵ (۲۰۰۱)	تفکر استراتژیک راه حل استراتژیک مشکلات است که ترکیبی از یک رویکرد منطقی و همگرا با فرایندهای تفکر خلاق و واگرا می‌باشد.
گلد اسمیت ^۶ (۱۹۹۶)	تفکر استراتژیک توانایی یادگیری از محیط، در عین داشتن ذهنی باز و گسترده است که از ویژگی‌های مدیریت خوب است.

عناصر تفکر استراتژیک

عناصر تفکر استراتژیک، در حقیقت اجزای تشکیل‌دهنده سازه تفکر استراتژیک هستند که مدیر ورزشی با دارا بودن آن‌ها، از امتیازات مثبت تفکر استراتژیک برخوردار می‌گردد که این نیز به نوبه خود بر رشد، توسعه و بالندگی سازمان ورزشی مؤثر خواهد بود.

1. Jeanne M. Liedtka
2. Casey AJ & Goldman E. F
3. Mintzberg, H
4. Hamel, G., & Prahalad, C. K.
5. Bonn, Ingrid
6. Goldsmith

جدول ۲: مؤلفه های مدل تفکر استراتژیک ۱۸ صاحب نظر تفکر استراتژیک و جایگاه مؤلفه های انتخابی مدل مفهومی پژوهش در مدل های آنان

● صاحب نظر (سال)	● مؤلفه های مدل تفکر استراتژیک صاحب نظران تفکر استراتژیک و جایگاه مؤلفه های مدل تدوینی پژوهش در مؤلفه های آنان
● جین لیدکا ^۱ (۱۹۹۸)	تفکر سیستمی، تمرکز بر هدف، فرصت جویی هوشمندانه، تفکر فرضیه محور و تفکر در زمان.
● برلی ^۲ (۱۹۹۶)	● تفکر مفهومی، تفکر خلاق، شهود، استقلال فکری، تفکر انتقادی و ریسک پذیری.
● گری هامل و پراهلاد (۱۹۹۴)	● عزم استراتژیک، خلاقیت، اکتشاف و درک ناپیوستگی.
● آلن گلدمن ^۳ (۱۹۹۸)	● تفکر مفهومی، تفکر سیستمی، آینده نگری و فرصت طلبی هوشمندانه.
● مینتزرگ (۱۹۹۴)	● تفکر مفهومی، ترکیب، شهود، خلاقیت و چشم انداز.
● بون ^۴ (۲۰۰۱ و ۲۰۰۵)	● خلاقیت، واگرا، عمل گرا، تفکر سیستمی، چشم انداز، دیالوگ و ارتباطات.
● مورسی ^۵ (۱۹۸۹)	● خلاقیت و چشم انداز.
● اوشاناسی ^۶ (۲۰۰۳)	● مولد، خلاق، ترکیبی، واگرا، چشم انداز، حل مسئله، عزم استراتژیک، تفکر در طول زمان و مشارکت ذی نفعان داخلی و خارجی.
● مون ^۷ (۲۰۱۳)	● تفکر سیستمی، خلاق، چشم انداز و بازارگرا.
● کافمن، براون، واتکینز و لی ^۸ (۲۰۰۳)	● چشم انداز و دید کل نگر (سیستمی).

به لحاظ عدم نیاز، تنها به تعاریف آن دسته از مؤلفه هایی که جهت مدل مفهومی پژوهش از جدول فوق استخراج گردیده و تحت عنوان مؤلفه های ۸ گانه مدل مفهومی پژوهش انتخاب گردیده اند به طور خلاصه پرداخته می شود:

- تفکر مفهومی: توانایی درک یک موقعیت به وسیله شناسایی مدل ها و نشان دادن مسئله محوری است که شامل ادغام مسائل و عوامل در یک چهارچوب مفهومی است (استیسی^۹، ۱۳۹۲).

- تفکر سیستمی: تفکر سیستمی در معنای عام، دربرگیرنده مجموعه بزرگ و بی شماری از روش ها، ابزارها و اصولی است که همه آنها متوجه روابط متقابل میان نیروها و نیز دیدن آنها، در بطن یک فرآیند واحد است (سنگه و همکاران، ۱۳۸۷).

1. Jeanne M. Liedtka
2. Beryl
3. Goldman F. Ellen
4. Bonn, Ingrid
5. Maurice
6. T.O,shannassy
7. Moon, Byeong-joon
8. Kaufman, Brown, Watkins and Lee
9. R.Stacey

- داشتن چشم انداز: چشم انداز یک افق درازمدت است که گاهی جهانی را که سازمان در آینده در آن فعالیت می کند توصیف می نماید (ویکی پدیا، ۱۳۹۲).

- تفکر در طول زمان: سازمان صرفاً در زمان حال زندگی نمی کند، بلکه این گذشته سازمان است که او را از حال به آینده می راند. آینده بر مبنای گذشته شکل می گیرد و نقطه آغاز آن شرایط حال است (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۳).
- آینده نگری: داشتن افق و چشم انداز گسترده و فراتر از زمان حال در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت است که نتیجه آن، بازشناسی احتمالی جایگاه، کارکرد و نقش چیزی در آینده است (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۱).
- فرصت طلبی هوشمندانه: هوشمندی نسبت به محیط را شامل می شود و توجه به تحولات فضای کسب و کار و فرصت های حاصل از آن را می طلبد (وفایی راد، ۱۳۹۲).

عزم استراتژیک: عزم استراتژیک است که اراده ای درونی و استوار در راستای رسیدن به هدف ها و آرمان ها و تمرکز در جهت دار ساختن و قدرتمند نمودن استراتژی ها را می طلبد (منوریان، آقازاده، شهابت نژاد، ۱۳۹۱).
- فرضیه محوری: هدف از پیش روی براساس رویکرد علمی، افزایش توان فرضیه سازی خلاقانه و آزمودن مدبرانه فرضیه هاست (منوریان، آقازاده، شهابت نژاد، ۱۳۹۱).

مدل های رایج تفکر استراتژیک

امروزه در تفکر استراتژیک با مدل های فراوانی روبرو می شویم. هر یک از این مدل ها، دارای ویژگی های خاص خود بوده و از منظر خاصی به این رویکرد نگریسته اند - هر چند وجوه مشترک آن ها نیز قابل توجه است (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۰). در حقیقت هر یک از این مدل ها براساس عناصر اصلی تفکر استراتژیک از دیدگاه هر یک از صاحب نظران ارائه شده اند؛ مانند مدل تفکر استراتژیک جین لیدکا (۱۹۹۸)، آلن گلدمن (۲۰۱۰)، هنری مینتزبرگ (۱۹۹۵)، گری هامل (۱۹۹۴)، بوئن (۲۰۰۵)، کیلروی و مکینلی (۱۹۹۷)، بُن (۲۰۰۱)، واتن و مورن^۲ (۲۰۱۰).

ارتقای عملکرد مدیران ورزشی

عملکرد مدیر ورزشی، مجموعه فعالیت هایی خواهد بود که براساس وظائف و کارهای سازمانی و با بهره گیری از توانایی های مدیریتی عمومی و ورزشی خود و با استفاده از ابزارهای مختلف مدیریتی در راستای اهداف سازمانی انجام می پذیرد. بنابراین ارتقای عملکرد مدیران ورزشی از نظر عملیاتی در مجموعه کارهای انجام شده ای است که نسبت به کارهای مشابه قبلی، از کمیت و کیفیت بیش تر و بهتری برخوردار باشد. این امر در حیطه کاری مدیر، بستگی به میزان استفاده و به کارگیری وی از روش ها و فرآیندهای کمی و کیفی در افزایش توانایی او دارد. در این شرایط است که گفته می شود که مدیر ارتقای عملکرد یافته است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش

بین مدل تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی پژوهش

بین مؤلفه های تفکر مفهومی، تفکر سیستمی، فرصت طلبی هوشمندانه، آینده نگری، تفکر در زمان، عزم

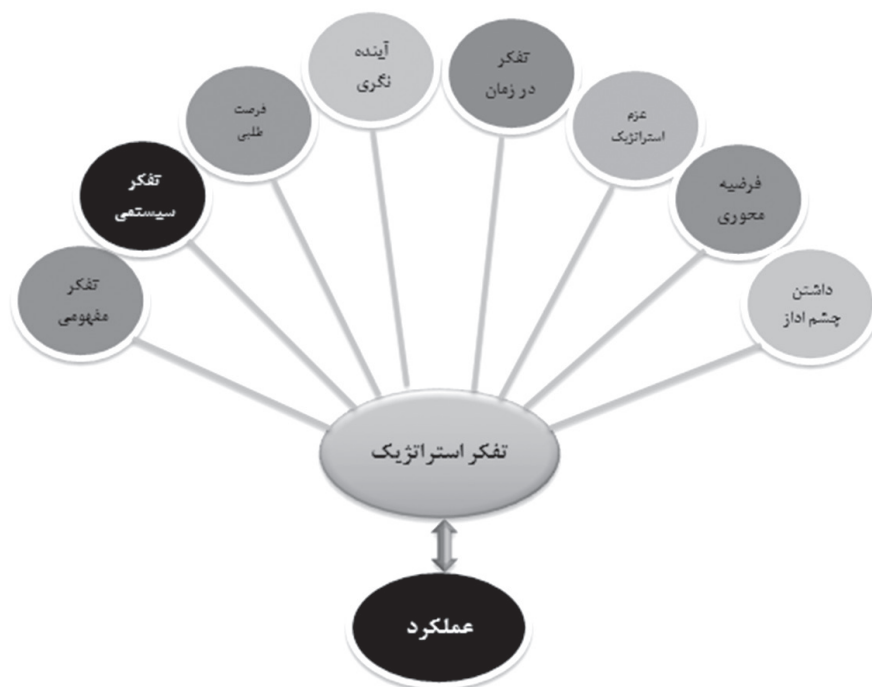
1. Kyrlyvy and McKinley

2. Vattenfall and Moran

استراتژیک، تفکر فرضیه محور، داشتن چشم انداز و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

مدل مفهومی پژوهش

در تدوین مدل مفهومی پژوهش، به صورت روش دلفی دو مرحله ای اقدام گردید. در مرحله اول و با مطالعه کتابخانه ای، مبانی نظری تفکر استراتژیک، فرضیه ها، سؤالات و مدل های رایج و معتبر تفکر استراتژیک و عملکرد مدیران ورزشی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. ابتدا تعداد ۱۰۸ عنصر از بین عناصر تشکیل دهنده مدل های تفکر استراتژیک صاحب نظران، شناسایی و مبنای مطالعه دلفی دو مرحله ای قرار گرفت. سپس مؤلفه های یاد شده از سوی اساتید راهنما، مشاور و خبرگان مطالعه و بررسی شد و ۲۸ مؤلفه نهایی انتخاب گردید. پس از بررسی ۲۸ مؤلفه انتخابی، تعداد ۸ مؤلفه کلیدی برای مدل مفهومی پژوهش تایید شد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل رؤسا، نایب رئیسان مرد و زن و دبیران ۵۰ فدراسیون ورزشی (از هر فدراسیون ۴ نفر) مستقر در کلان شهر تهران بزرگ به تعداد ۲۰۰ نفر بوده است ($N=200$). حجم نمونه مورد مطالعه نیز ۸۰ نفر بود که براساس فرمول آماری کوکران با سطح خطای ۲ درصد تعیین گردید. از آن جا که محقق به دنبال دقت و خطای کمتر در انتخاب حجم نمونه بود، لذا دو برابر این تعداد نمونه، یعنی ۱۶۰ نفر را

در نظر گرفت ($n = 160$). ابزار گردآوری داده، پرسشنامه محقق ساخته‌ای به تعداد ۷۲ گویه بود که ۳۸ گویه آن مربوط به مؤلفه‌های هشت گانه متغیر تفکر استراتژیک و تعداد ۳۴ گویه آن نیز مربوط به متغیر عملکرد مدیران عالی فدراسیون‌های ورزشی بوده است. جهت تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، گویه‌های اطلاعات دموگرافیک یا جمعیت شناختی، عناصر تفکر استراتژیک و مؤلفه‌های عملکرد، در اختیار ۱۰ تن از خبرگان، کارشناسان و اساتید راهنما و مشاور قرار گرفت. به منظور بررسی روایی سازه ابزار تحقیق نیز از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. بدین منظور از روش تحلیل عناصر اصلی^۱ با چرخش عمودی^۲ و با تکنیک واریماکس^۳ استفاده شد. از آزمون (KMO) و کرویت بارتلت نیز برای کفایت نمونه گیری به منظور بررسی وضعیت همبستگی بین زوج متغیرها استفاده گردید. اندازه کفایت نمونه برداری (KMO) باید حداقل ۰/۶ باشد که در این پژوهش ۰/۷۶۱ بود و نشان داد که این اندازه نمونه‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است. همچنین از آزمون کرویت بارتلت به منظور تحقیق در این که ماتریس همبستگی داده‌ها صفر نیست استفاده شد که اندازه آن نیز ۱۵۱۱۴/۹۷۲ به دست آمد.

جدول ۳: نتایج آزمون KMO و کرویت بارتلت

آزمون KMO	آزمون کرویت بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۷۶۱	$\chi^2 = 972/15114$	۱۴۳۱	۰۰۰۰/۰

با انجام تحلیل عاملی اکتشافی و دوران عمودی هشت عامل اصلی برای تفکر استراتژیک شناسایی شد. در این تحقیق نیز با حذف گویه‌هایی که بار عاملی آن‌ها کمتر از ۰/۴۵ بود، از ۳۸ گویه تفکر استراتژیک، ۳۳ گویه به دست آمد و از ۳۴ گویه عملکرد مدیران نیز همان ۳۴ گویه به جای ماند. پایایی پرسشنامه (۶۷ گویه‌ای) به روش آلفای کرونباخ، برای گویه‌های مربوط به تفکر استراتژیک ۰/۷۵۱ و برای گویه‌های مربوط به عملکرد مدیران ۰/۸۳۷ به دست آمده است که بیانگر همبستگی بالای سوالات پرسشنامه است.

آزمون مدل مفهومی تحقیق

برازش مدل اندازه گیری

برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، سه معیار روایی هم‌گرا و روایی واگرا و پایایی استفاده می‌شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). در بررسی مدل اندازه‌گیری این تحقیق، تحلیل بر اساس سوالات و در برازش مدل اندازه‌گیری انجام شد.

1. Principle Components Method (PCM)
2. Orthogonal Rotation
3. Varimax

جدول ۴: بررسی پایایی مدل تحقیق

سازه	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی ($CR > 0.7$)	میانگین واریانس استخراجی ($AVE > 0.5$)
آینده نگری	۰/۷۵۳	۰/۸۳۸	۰/۵۱۶
عزم استراتژیک	۰/۷۷۴	۰/۸۱۴	۰/۶۰۵
چشم انداز	۰/۷۶۷	۰/۸۴۸	۰/۶۵۵
فرضیه محوری	۰/۹۴۳	۰/۹۶۳	۰/۹۲۹
فرصت طلبی	۰/۷۸۲	۰/۸۲۵	۰/۶۱۲
تفکر مفهومی	۰/۷۴۱	۰/۸۰۶	۰/۵۳۵
تفکر سیستمی	۰/۷۷۷	۰/۷۹۵	۰/۵۰۱
تفکر در طول زمان	۰/۷۳۹	۰/۸۴۷	۰/۷۳۵
تفکر استراتژیک (بصورت کلی)	۰/۷۵۱	۰/۷۸۲	۰/۵۲۴
عملکرد مدیران ورزشی	۰/۸۳۷	۰/۸۳۴	۰/۵۰۹

برای بررسی روایی واگرایی مدل از روش ماتریس فورنل و لارکر^۱ استفاده شد. در این روش، میزان همبستگی یک سازه با شاخص هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه ها مقایسه می شود. در قطر اصلی این ماتریس، جذر AVE متغیرها وارد می شود و جهت تایید روایی واگرا لازم است، این مقدار بیش از همبستگی میان آن متغیر با سایر متغیرهای بیشتر باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). با توجه به نتایج جدول ۵ جذر AVE که در قطر اصلی ماتریس زیر آمده بیش از میزان همبستگی هر سازه با دیگر متغیرهاست که نشان دهنده روایی واگرایی مناسب و برازش خوب مدل های اندازه گیری می باشد.

جدول ۵: بررسی روایی و اگرای مدل به روش فورنل و لارکر

سازه	آینده نگری	عزم استراتژیک	چشم انداز	فرضیه محوری	فرصت طلبی	تفکر مفهومی	تفکر سیستمی	تفکر در طول زمان	تفکر استراتژیک	عملکرد مدیران
آینده نگری	۰/۷۱۸									
عزم استراتژیک	۰/۶۳۱	۰/۷۷۷								
چشم انداز	۰/۱۱۱	-۰/۵۰۴	۰/۸۰۹							
فرضیه محوری	۰/۰۵۱	۰/۰۶۱	-۰/۱۳۱	۰/۹۶۳						
فرصت طلبی	۰/۳۳۴	-۰/۳۱۵	۰/۰۲۸	۰/۱۴۴	۰/۷۸۲					
تفکر مفهومی	۰/۲۲۸	-۰/۲۸۹	۰/۱۰۹	۰/۱۳۴	۰/۳۱۳	۰/۷۳۱				
تفکر سیستمی	۰/۲۷۳	-۰/۰۸۴	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	۰/۳۴۲	۰/۴۰۷	۰/۷۰۷			
تفکر در طول زمان	۰/۳۲۵	-۰/۳۷۰	۰/۱۶۴	۰/۰۰۰	۰/۳۴۲	۰/۳۰۴	۰/۴۴۵	۰/۸۵۷		
تفکر استراتژیک (به صورت کلی)	۰/۶۳۱	-۰/۵۸۹	۰/۳۳۲	۰/۰۹۳	۰/۶۶۳	۰/۶۴۸	۰/۶۲۹	۰/۶۸۹	۰/۷۲۳	
عملکرد مدیران	۰/۴۴۵	-۰/۵۶۳	۰/۲۹۶	۰/۰۸۰	۰/۴۶۰	۰/۴۵۶	۰/۵۷۵	۰/۵۵۶	۰/۶۵۶	۰/۷۱۳

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرهای مورد بررسی

در بخش یافته‌های توصیفی، ویژگی‌های فردی (داده‌های جمعیتی یا دموگرافیک) پاسخ دهندگان با آزمودنی‌ها به صورت فراوانی، درصد و درصد تجمعی، جنسیت، سن، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، سابقه ورزشی، شغل سازمانی (سمت در فدراسیون)، سابقه کار، مدیران عالی فدراسیون‌ها، به شرح مندرج در جدول ۶ مورد توصیف آمار توصیفی قرار گرفتند.

جدول ۶: فراوانی داده های دموگرافیک مدیران فدراسیون های ورزشی

شاخص		معیارهای سنجش				کل آزمودنی
جنسیت	جنس	مرد	زن	—	—	کل آزمودنی
	فراوانی	۱۱۸	۳۴	—	—	۱۶۰
	درصد فراوانی	۷۷/۶	۲۲/۶	—	—	٪۱۰۰
سن	سن	زیر ۳۰ سال	۳۰ تا ۴۰	۴۰ تا ۵۰	۵۰ تا ۶۰	۶۰ به بالا
	فراوانی	۰	۴	۸۶	۵۳	۹
	درصد فراوانی	۰	۲/۶	۵۶/۶	۳۴/۹	۵/۹
تحصیلات	تحصیلات	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری
	فراوانی	۱	۱	۵۲	۸۴	۱۴
	درصد فراوانی	۰/۰۷	۰/۰۷	۳۴/۲	۵۵/۳	۹/۱
رشته تحصیلی	رشته تحصیلی	ورزشی	غیرورزشی	—	—	—
	فراوانی	۲۶	۱۳۶	—	—	—
	درصد فراوانی	۱۷/۱	۸۲/۹	—	—	—
سابقه	سابقه	زیر ۲ سال	۲ تا ۴	۴ تا ۶	۶ تا ۸	۸ به بالا
	فراوانی	۶۹	۶۶	۵	۴	۸
	درصد فراوانی	۴۵/۴	۴۳/۴	۳/۳	۶/۲	۵/۳
سمت / شغل	سمت / شغل	رئیس	نائب رئیس مرد	نائب رئیس زن	دبیر	—
	فراوانی	۴۰	۳۴	۳۳	۴۵	—
	درصد فراوانی	۲۶/۳	۲۲/۴	۲۱/۷	۲۹/۶	—
سابقه ورزشی	سابقه ورزشی	کمتر از ۲ سال	بین ۲ تا ۳ سال	بین ۳ تا ۴ سال	بین ۴ تا ۵ سال	بیش از ۵ سال
	فراوانی	۱۱	۴۴	۶۷	۲۰	۱۰
	درصد فراوانی	۷/۲	۲۸/۹	۴۴/۱	۱۳/۲	۶/۶

در بخش متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای تفکر استراتژیک و عملکرد مدیران ورزشی بر مبنای همبستگی پیرسون و سطح معناداری آن توصیف می‌شوند:

جدول ۷: آزمون همبستگی مدل تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی

متغیرها	تعداد	همبستگی پیرسون	جهت همبستگی	سطح معناداری
الگوی مناسب تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی	۱۶۰	۰/۷۶	مثبت	۰/۰۰۰

فرضیه اصلی پژوهش: بین مدل مناسب تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس مقدار ضریب همبستگی، بین تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی برابر ۰/۷۶ است. این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است و از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه برقرار می‌باشد؛ یعنی این که مدیران فدراسیون‌های ورزشی اظهار داشته‌اند که عناصر مدل تفکر استراتژیک بر ارتقای عملکرد آنان موثر است.

فرضیه‌های فرعی پژوهش

فرضیه اول: بین مؤلفه تفکر مفهومی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه تفکر مفهومی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی برابر ۰/۵۷ می‌باشد. این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است و از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین مؤلفه تفکر مفهومی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معنادار وجود دارد. این بیانگر آن است که هرچه مدیران فدراسیون‌های ورزشی تفکر مفهومی بهتری داشته باشند، عملکرد آنان بیشتر ارتقا خواهد یافت.

فرضیه دوم: بین مؤلفه تفکر سیستمی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی بین تفکر سیستمی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی برابر ۰/۴۳ می‌باشد. این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است و از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که یک رابطه معنادار نسبتاً قوی بین تفکر سیستمی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی دیده می‌شود، که بیانگر آن است که هرچه مدیران فدراسیون‌های ورزشی تفکر سیستمی بهتری داشته باشند، عملکرد آنان بیشتر ارتقا خواهد یافت.

فرضیه سوم: بین مؤلفه فرصت طلبی هوشمندانه و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه فرصت طلبی هوشمندانه و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های

ورزشی برابر ۰/۱۹ گردیده که این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است و از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین نتیجه می گیریم که بین مؤلفه فرصت طلبی هوشمندانه و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معنادار وجود دارد. این بیان گر آن است که هرچه مدیران عالی فدراسیون های ورزشی فرصت طلبی هوشمندانه بهتری داشته باشند، عملکرد آنان بیشتر ارتقا خواهد یافت. **فرضیه چهارم: بین مؤلفه آینده نگری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.**

مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه آینده نگری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی برابر ۰/۳۵ گردیده که این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است. از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم که بین مؤلفه آینده نگری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معنادار وجود دارد. این بیانگر آن است که هرچه مدیران فدراسیون های ورزشی مؤلفه آینده نگری بهتری داشته باشند، عملکرد آنان بیشتر ارتقا خواهد یافت.

فرضیه پنجم: بین مؤلفه تفکر در طول زمان و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه تفکر در زمان و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی برابر ۰/۴۴ گردیده که این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است. از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم که بین مؤلفه تفکر در زمان و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معنادار وجود دارد. این بیانگر آن است که هرچه مدیران فدراسیون های ورزشی تفکر در زمان بهتری داشته باشند، عملکرد آنان بیشتر ارتقا خواهد یافت.

فرضیه ششم: بین مؤلفه عزم استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه عزم استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی برابر ۰/۱۱ گردیده که این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است. از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم که بین مؤلفه عزم استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معنادار وجود دارد. این بیانگر آن است که هرچه مدیران فدراسیون های ورزشی عزم استراتژیک بهتری داشته باشند، عملکرد آنان بیشتر ارتقا خواهد یافت.

فرضیه هفتم: بین مؤلفه تفکر فرضیه محور و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه فرضیه محوری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی برابر ۰/۲۲ گردیده که این مقدار در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شده است. از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم که بین مؤلفه فرضیه محوری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معنادار وجود دارد. این بیانگر آن است که هرچه مدیران فدراسیون های ورزشی فرضیه محوری بهتری داشته باشند، عملکرد آنان بیشتر ارتقا خواهد یافت.

فرضیه هشتم: بین مؤلفه داشتن چشم انداز و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه

معناداری وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی بین مؤلفه داشتن چشم انداز و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی برابر $0/33$ گردیده که این مقدار در سطح $0/00$ معنادار شده است. از آنجا که سطح قابل قبول معناداری کمتر از $0/05$ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین مؤلفه داشتن چشم انداز و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه ای معنادار وجود دارد. این بیانگر آن است که هرچه چشم انداز بهتری داشته باشند، عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی بیشتر ارتقا خواهد یافت.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به این که در زمینه تدوین مدل تفکر استراتژیک مدیران ورزشی و نیز عناصر متشکله آن پژوهش خاصی در نمونه‌های خارجی انجام نگرفته است، لذا نمی‌توان پیرامون مقایسه یافته‌های این پژوهش با سایر پژوهش‌های ورزشی خارجی انجام شده در موضوع پژوهش، به طور مستقیم مقایسه‌ای انجام داد، اما می‌توان بدون در نظر گرفتن فقدان وجود بُعد ورزشی آن‌ها، به‌اندازه نیاز مقایسه‌هایی کرد.

فرضیه اصلی پژوهش

بین مدل تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه وجود دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش در مورد همخوانی نتایج فرضیه اصلی با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی، باید گفت که پژوهش‌های بی‌یونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، واکاباشی و همکاران^۲ (۲۰۰۱)، گل محمدی و همکاران (۱۳۹۲)، ملکوتی‌خواه و کارنامه حقیقی (۱۳۹۴)، ناظمی و همکاران (۱۳۸۹) و گل محمدی و همکاران (۱۳۹۲) با نتایج فرضیه اصلی همخوان است. به عنوان مثال، گل محمدی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که حاکمیت تفکر استراتژیک بر سازمان، سازمان را به سمت خلق برنامه‌های استراتژیک سوق می‌دهد و سپس به عملکرد بهتر می‌انجامد. نتایج تحقیق ملکوتی‌خواه و کارنامه حقیقی (۱۳۹۴) نیز نشان داد که تفکر استراتژیک مدیران می‌تواند بر عملکرد مدیران مؤثر باشد. لذا با توجه به نتیجه فرضیه اول پژوهش حاضر که با ضریب $0/76$ درصد نشان داد بین مدل تفکر استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد، بنابراین فرضیه فرعی اول پژوهش تایید گردید.

فرضیه‌های فرعی پژوهش

فرضیه‌ی اول: بین مؤلفه تفکر مفهومی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش در مورد همخوانی نتایج فرضیه فرعی اول با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی، باید گفت که پژوهش‌های ناظمی و همکاران (۱۳۸۹) و حسینی (۱۳۹۳) با نتایج فرضیه اول همخوانی دارد. تحقیق ناظمی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که مقدار 95 درصد همبستگی و سطح معنی‌داری بین دو متغیر تفکر مفهومی و عملکرد وجود دارد و این نشانگر آن است که بین تفکر مفهومی و عملکرد ارتباط مستقیم و قوی وجود دارد. نتایج پژوهش حسینی (۱۳۹۳) نشان داد که از بین مؤلفه‌های تفکر استراتژیک، مؤلفه تفکر مفهومی بیش‌ترین سهم را در تبیین عملکرد مدیران دارد. لذا با توجه به نتیجه

1. Byeong-Joon, Moon

2. Wakabayashi, Mitsuru, Kondo, Mari & Ziguang, Chen

فرضیه اول پژوهش حاضر که با ضریب ۵۷ درصد نشان داد بین مؤلفه تفکر مفهومی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معنی داری وجود دارد، بنابراین فرضیه فرعی اول پژوهش تایید گردید. فرضیه دوم: بین مؤلفه تفکر سیستمی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

در مورد همخوانی نتایج فرضیه اول پژوهش حاضر با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی، باید گفت که پژوهش های کیرالی و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، ملکوتی خواه و کارنامه حقیقی (۱۳۹۴)، ناظمی و همکاران (۱۳۸۹)، معمایی و همکاران (۱۳۹۲)، خاکسار و همکاران (۱۳۹۲)، منوریان و همکاران (۱۳۹۱)، آقاجانیان و رستمی (۱۳۹۰) و کفچه (۱۳۸۸) با نتایج این فرضیه همخوانی دارد. ملکوتی خواه و کارنامه حقیقی (۱۳۹۴) نیز طی پژوهشی نشان داد که بر اساس نظرسنجی تفکر استراتژیک مدیران، ابعاد یا عناصر تفکر استراتژیک می تواند بر عملکرد مدیران بانک صادرات مؤثر باشد. با توجه به نتیجه فرضیه دوم پژوهش که با ضریب همبستگی ۰/۴۳ یک رابطه معنی دار نسبتاً قوی بین تفکر سیستمی و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی را نشان می دهد، بنابراین فرضیه فرعی دوم پژوهش نیز تایید گردید. فرضیه سوم: بین مؤلفه فرصت طلبی هوشمندانه و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

در مورد همخوانی نتایج فرضیه سوم پژوهش با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی، پژوهش های واکاباشی و همکاران (۲۰۰۱)، معمایی و همکاران (۱۳۹۲)، حسینی (۱۳۹۳)، ملکوتی خواه و کارنامه حقیقی (۱۳۹۴)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، آقاجانیان و رستمی (۱۳۹۰)، خاکسار و همکاران (۱۳۹۲) و معمایی و همکاران (۱۳۹۲) با نتایج فرضیه سوم همخوان است. نتایج پژوهش حسینی (۱۳۹۳) نشان داد که رابطه مثبت و معنی داری بین تفکر استراتژیک و همه مؤلفه های آن از جمله فرصت طلبی هوشمندانه با عملکرد مدیران وجود دارد. در پژوهشی دیگر، نادری و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان دادند که تفکر راهبردی مدیران بر تحول بانک انصار تأثیر معناداری دارد و باید مؤلفه های تفکر استراتژیک از جمله فرصت طلبی هوشمندانه به صورت متوازن توسعه یابد. با توجه به نتیجه فرضیه سوم پژوهش که با ضریب همبستگی ۰/۱۹ یک رابطه معنی دار نسبتاً قوی بین فرصت طالب هوشمندانه و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی را نشان می دهد، لذا فرضیه فرعی سوم پژوهش نیز تایید گردید.

فرضیه چهارم: بین مؤلفه آینده نگری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

در مورد همخوانی نتایج فرضیه چهارم پژوهش حاضر با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی، پژوهش های مون (۲۰۰۱)، لیدکا (۱۹۹۸)، ناظمی و همکاران (۱۳۸۹)، معمایی و همکاران (۱۳۹۲) و نادری و همکاران (۱۳۹۳) با نتایج فرضیه چهارم همخوان است. ناظمی و همکاران (۱۳۸۹) طی تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین مؤلفه های تفکر استراتژیک و عملکرد رابطه مستقیم وجود دارد- از جمله بین آینده نگری و عملکرد ارتباط مستقیم و قوی دیده شده است. معمایی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در تحقیقی نشان دادند که کلیه مؤلفه های مدل تفکر استراتژیک در سازمان اجرا گردیده و همگی از جمله آینده نگری دارای همبستگی

معناداری بودند. با توجه به این که مقایسه بین یافته‌های فرضیه چهارم پژوهش با سایر پژوهش‌ها، با ضریب ۰/۳۵ نشان داده شد که یک رابطه معنی‌دار نسبتاً قوی بین آینده‌نگری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی وجود دارد، بنابراین فرضیه فرعی چهارم پژوهش نیز تایید گردید.

فرضیه پنجم: بین مؤلفه تفکر در زمان و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

در این خصوص مباحث و تحقیقاتی چند از سوی محققان این حوزه صورت گرفت. در زمینه همخوانی نتایج فرضیه پنجم این پژوهش با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی نیز باید گفت پژوهش‌های کالابریس و کوستا (۲۰۱۵)، سالاری‌نهند (۱۳۸۹)، احد طجری (۱۳۸۷)، خاکسار و همکاران (۱۳۹۲) و معمایی و همکاران (۱۳۹۲) با نتایج فرضیه چهارم همخوان است. نتایج پژوهش خاکسار و همکاران (۱۳۹۲) نیز حاکی از این بود که بین پنج رکن مدل تفکر استراتژیک از جمله تفکر در طول زمان با عملکرد سازمانی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. سالاری‌نهند (۱۳۹۰) نیز در میان شش مؤلفه مدل تفکر استراتژیک، تفکر در زمان را برای تفکر استراتژیک تعیین کرد. با توجه به یافته فرضیه پنجم پژوهش که نشان داد با ضریب همبستگی ۰/۴۴ بین مؤلفه تفکر در زمان و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد، بنابراین فرضیه فرعی پنجم پژوهش تایید گردید.

فرضیه ششم: بین مؤلفه عزم استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری معنی‌داری وجود دارد.

در مورد همخوانی نتایج فرضیه ششم پژوهش با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی، باید گفت که پژوهش‌های اوشاناسی (۲۰۰۳)، لیدکا (۱۹۹۸) و ملکوتی خواه و کارنامه حقیقی (۱۳۹۴) با نتایج فرضیه ششم پژوهش همخوان است. اوشاناسی (۲۰۰۳) ده مؤلفه را برای تفکر استراتژیک برشمرد که یکی از آن‌ها را عزم استراتژیک تعیین کرد. لذا با توجه به این مقدار، همبستگی مستقیم و معناداری ۰/۱۱ بین مؤلفه عزم استراتژیک و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی دیده شد. بنابراین فرضیه فرعی ششم پژوهش تایید گردید.

فرضیه هفتم: بین مؤلفه محوری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.

در زمینه همخوانی نتایج فرضیه هفتم این پژوهش با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی نیز پژوهش‌های لیدکا (۱۹۹۸)، ملکوتی خواه و کارنامه حقیقی (۱۳۹۴)، خاکسار و همکاران (۱۳۹۲) و آقاجانین و رستمی (۱۳۹۰) با نتایج فرضیه هفتم پژوهش همخوان است. لیدکا (۱۹۹۸) در پژوهش خود فرضیه محوری را یکی از مؤلفه‌های مدل تفکر استراتژیک خود برشمرد. آقاجانین و رستمی (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی مؤلفه‌های کلیدی تفکر استراتژیک را دسته‌بندی کردند و نشان دادند که مؤلفه فرضیه محوری، یکی از مؤلفه‌های مدل تفکر استراتژیک آنان می‌باشد. با توجه به یافته فرضیه هفتم پژوهش که نشان داد با ضریب همبستگی ۰/۲۲ بین مؤلفه فرضیه محوری و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معنی‌داری وجود دارد، فرضیه فرعی هفتم پژوهش تایید گردید.

فرضیه هشتم: بین مؤلفه داشتن چشم انداز و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون‌های ورزشی رابطه معناداری

وجود دارد.

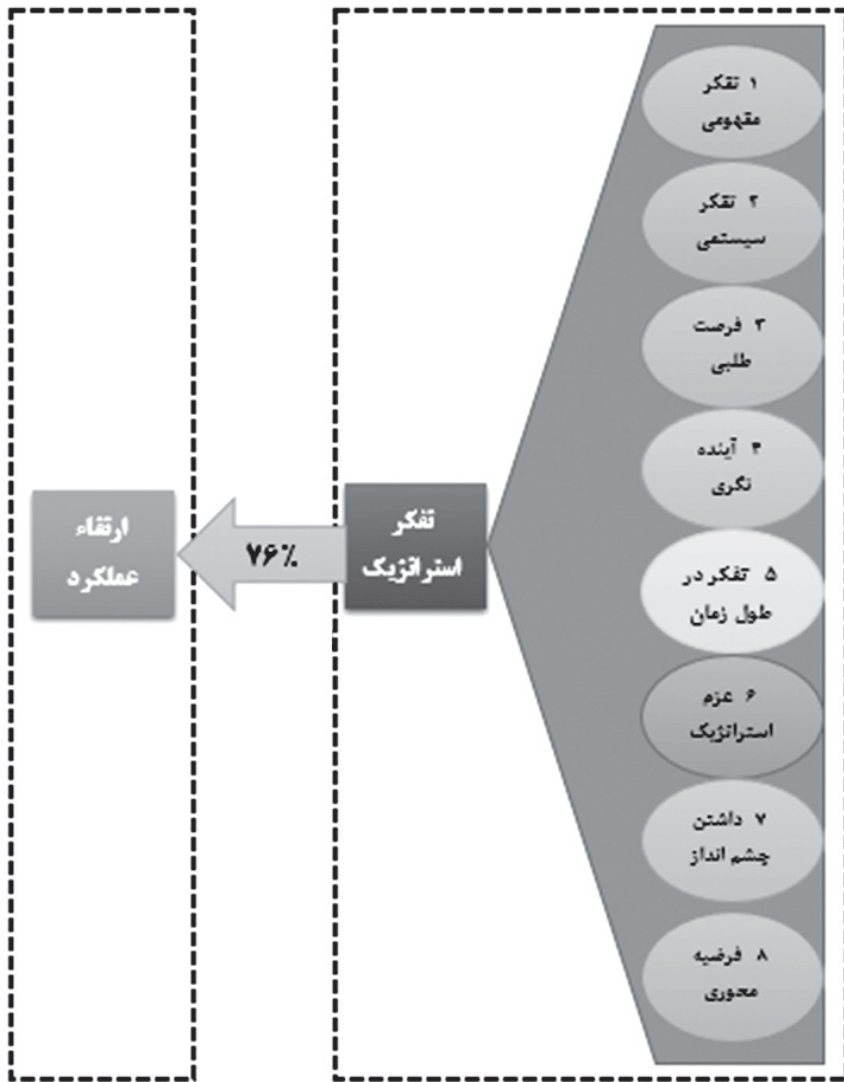
در زمینه همخوانی نتایج فرضیه هشتم پژوهش حاضر با سایر تحقیقات انجام شده خارجی و داخلی، باید گفت که پژوهش های اوشاناسی (۲۰۰۳)، مون (۲۰۱۳)، آقاجانیان و رستمی (۱۳۹۰)، کفچه (۱۳۸۸) و احد طجری (۱۳۸۷) با نتایج فرضیه هشتم پژوهش همخوان است. آقاجانیان و رستمی (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی داشتن چشم انداز را از مؤلفه های مدل تفکر استراتژیک دانستند. تحقیق دیگری توسط کفچه (۱۳۸۸) با هدف شناسایی عناصر یا مؤلفه های تفکر استراتژیک انجام شد. او مؤلفه داشتن چشم انداز را به عنوان یکی از عناصر تفکر استراتژیک شناسایی کرد. با توجه به یافته فرضیه هشتم پژوهش که نشان داد با ضریب همبستگی ۰/۳۳ بین مؤلفه داشتن چشم انداز و ارتقای عملکرد مدیران فدراسیون های ورزشی رابطه معنی داری وجود دارد، فرضیه فرعی هشتم پژوهش تایید گردید.

نتیجه گیری کلی

سازمان های ورزشی باید برای پیشرفت در عرصه های مدیریتی و رقابت های ورزشی و پاسخ به مطالبات و توقعات جامعه، مقابله با تهدیدات و تغییرات محیطی، حفظ بقا و پویایی آینده رشته ورزش مربوطه و ... به توسعه پایدار همت گمارند و برای کسب و هدایت منابع و ... با استفاده از ابزارهای گوناگون مدیریتی به حرکتی زیربنایی دست بزنند. در غیر این صورت سازمانی که خود را با امواج تغییر همراه نسازد، محکوم به فناست (غفاریان و علی احمدی، ۲۰۰۲). یکی از این ابزارها، برنامه ریزی استراتژیک است. مینتزبرگ^۱ (۱۹۹۸) برنامه ریزی استراتژیک را فرایندی می داند که باید پس از تفکر استراتژیک واقع شود. اما براساس چه چیزی می توان تفکر استراتژیک را سنجید و سپس در ذهن و عملکرد مدیران ورزشی ایجاد، توسعه و نهادینه کرد؟ بنابراین ابتدا باید مدل تفکر استراتژیک مدیران ورزشی در دسترس باشد تا بر اساس آن، مدیران ورزشی را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد و برنامه های آموزشی و یادگیری تفکر استراتژیک و توسعه آن را در برنامه های پرورش مدیران ورزشی لحاظ کرد. پس از آن است که تغییر رفتار و ارتقای عملکرد در آنان مشاهده می گردد. متأسفانه در میان فراوانی مدل های تفکر استراتژیک معتبر و رایج، هیچ مدل خاصی برای مقوله ورزش، طراحی و تدوین نشده است. لذا با توجه به فقدان وجود چنین مدلی، محقق در صدد تدوین مدل تفکر استراتژیک مدیران ورزشی، به ویژه در حوزه فدراسیون های ورزشی و قابلیت کاربرد آن در سایر سازمان های ورزشی مشابه برآمد. با تدوین مدل تفکر استراتژیک مدیران ورزشی است که فرایند «مدل - سنجش - ارزیابی - یادگیری - ارتقای عملکرد» تحقق می یابد.

مدل تدوینی تفکر استراتژیک مدیران ورزشی

براساس نتایج حاصله از آزمون های مدل مفهومی تحقیق، مؤلفه های هشت گانه مدل تفکر استراتژیک مدیران ورزشی مورد تایید قرار گرفت و در نهایت مدل تدوینی تفکر استراتژیک مدیران ورزشی پژوهش تدوین گردید. از نظر پیش بینی نیز مدل تفکر استراتژیک تدوینی با مؤلفه های هشت گانه خود، با احتمال ۷۶ درصد ارتقای عملکرد را پیش بینی می کند؛ یعنی عملکرد و ارتقای آن بسته به مؤلفه های هشت گانه تفکر استراتژیک خواهد بود که میزان این وابستگی بسیار بالا می باشد (شکل ۲).



(متغیر وابسته (ملاک)

(متغیر مستقل (پیش بین)

شکل ۲: مدل تدوینی تفکر استراتژیک مدیران ورزشی (موسویان، ۱۳۹۵)

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق، جهت فدراسیون‌های ورزشی پیشنهاد می‌گردد: با توجه به داده‌های دموگرافیک، فدراسیون‌های ورزشی در ساختار مدیریت عالی خود از گروه‌های سنی جوان، گروه‌های تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم، افراد دارای رشته تحصیلی تربیت بدنی، افراد ورزشی، مدیران دارای سابقه ورزشی آسیایی، المپیک و جهانی، افراد دارای سابقه کار بیش‌تر و نیز بانوان چندان بهره‌مند نبوده‌اند. پیشنهاد می‌گردد که از این ظرفیت‌ها در فدراسیون‌های ورزشی بیشتر استفاده شود.

همچنین به این سازمان‌ها پیشنهاد می‌گردد تا نسبت به ایجاد و تقویت مؤلفه‌های تفکر مفهومی، تفکر سیستمی، فرصت طلبی هوشمندانه، آینده نگری، تفکر در زمان، عزم استراتژیک، فرضیه محوری، داشتن چشم‌انداز برای تثبیت تفکراستراتژیک در اندیشه و عمل مدیران سطوح عالی خود- با هدف ایجاد درک موقعیت، فهم کل سیستم و اجزای آن، هوشمندی نسبت به محیط، حس فراتر از زمان حال، توانایی اتصال گذشته به حال و حال به آینده، تقویت اراده درونی و استوار، پیش روی بر اساس رویکرد علمی و ایجاد یک افق درازمدت در اندیشه و عمل تلاش نمایند و در راستای تحقق این اهداف، مدل تدوینی این پژوهش را مبنای سنجش و آموزش آنان قرار دهند.

منابع

- آقاجانیان، سمینه و رستمی، مرضیه. (۱۳۹۰). «تعیین عناصر تشکیل دهنده سازه تفکر استراتژیک». فصلنامه نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت.
- احرار نوری، اسماعیل. (۱۳۹۱). «سنجش تفکر استراتژیک در فدراسیون فوتبال ایران بر مبنای مدل تکمیلی دانشکده صنعتی امریکا». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته MBA، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، مرکز تهران غرب.
- استیسی، رالف. (۲۰۱۲). تفکر استراتژیک و مدیریت تحول. جعفری و کاظمی موحد. تهران: نشر رسا
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه. (۱۳۹۳). «آینده نگری درحوزه».
- خاکسار، منصور؛ خاقانی، معصومه و زارعی، امجد. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین تفکر استراتژیک و نوآوری سازمانی». فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. سال هشتم. شماره ۲۶.
- حسینی، فاطمه سادات. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین تفکر استراتژیک و عملکرد مدیران مدارس دوره متوسطه شهر اقلید». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار smartpls ۲. چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- سایت مریم وفایی راد. (۱۳۹۲). «مدیریت استراتژیک».
- سالاری نهند، ابراهیم. (۱۳۹۰). «شناسایی مؤلفه‌های تفکر استراتژیک و رابطه آنها در بهبود فرآیند تصمیم گیری». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس قم.
- سنگه، پیتر و همکاران. (۱۳۸۷). پنجمین فرمان، خلق سازمان یادگیرنده. حافظ کمال هدایت و محمد روشن. چاپ سوم، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
- صادقی نیارکی، مهدی. (۱۳۹۰). «مبانی تفکر استراتژیک». مجله تدبیر.
- غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا. (۱۳۸۰). استراتژی اثربخش. تهران: نشر فرا
- غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا. (۱۳۸۳). پنج فرمان برای تفکر استراتژیک. تهران: نشر مدیریت فردا
- کفجه، پرویز و رحمان سرشت، حسین. (۱۳۸۷). «مدل سازمانی برای تفکر استراتژیک». مجله پیام مدیریت. شماره ۲۸.
- گل محمدی، عماد؛ محمدی، نشاط و برومندان، زهرا. (۱۳۹۲). «فرامین و مدل یادگیری تفکر استراتژیک». فصلنامه راهبرد توسعه. شماره ۳۶.
- نادری، علیرضا؛ بازرگانی، محمد و صفری، جلیل. (۱۳۹۳). «ضرورت تفکر راهبردی مدیران در تحول بانک انصار». فصلنامه توسعه مدیریت پولی و بانکی. سال دوم. شماره ۴.
- معمای، هاجر؛ امینی، محمدتقی؛ درگاهی، حسین؛ مشایخ، محمدرضا و جان بزرگی، محمد. (۱۳۹۲). «سنجش تطابق تفکر استراتژیک سازمان». مجله مدیریت سلامت. شماره ۵۲.
- ملکوتی خواه، حمیدرضا و کارنامه حقیقی، حسن. (۱۳۹۴). «نقش تفکر استراتژیک مدیران بر عملکرد مالی». تهران: کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی.

- منوریان، عباس؛ آقازاده، هاشم و شهامت نژاد، مینا. (۱۳۹۱). «سنجش تفکر استراتژیک در مدیران شهرداری تهران». فصلنامه دانشکده مدیریت تهران. دوره ۴. شماره ۱۲. ص ۱۲۹، ۱۴۶.
- ناظمی، شمس الله؛ مرتضوی، سعید و جعفریانی، حسن. (۱۳۸۹). «ارتباط تفکر راهبردی و عملکرد». نشریه چشم انداز مدیریت بازرگانی. شماره ۲.
- ویکی پدیا، دانشنامه آزاد. (۲۰۱۷). «برنامه ریزی راهبردی».
- ویناک. (۲۰۱۰). «روانشناسی تفکر». سایت دانش تفکر.
- Alfred, Dupont Chandler. (1962). **Strategy and structure: Chapters in the history of the industrial enterprise.**
- Ghaffarian, V. & Aliahmadi AR. (2002). “New approaches to strategy”. Tadbir; 1(130): 28-31[Article in Persian].
- Casey AJ & Goldman E. F. (2013). **Enhancing the ability to think strategically: A learning model.**
- Harper and Ros. (1971). “**Organisational Innovations: A Sociological Analysis of Planned Change**”. New York: Lewin, K. Science Education in Malaysia and Sri Lanka.
- Liedtka, J.M. (1998). “**Strategic thinking: can it be taught?**”. Long Range Planning, 31, 120-129.
- Mintzberg, H., Ahlstrand, B., & Lampel, I. (1998). **Strategy Safari: A Guided Tour through the Wilds of Strategic Management.** (1 nd ed.). New York, NY: Free Press
- O'Shannassy, T. (2003). **Lessons from Evolution of the Strategy Paradigm.** RMIT Business, School of Management
- Sackett, KJ. J. & Erdley, W. (2005). “**Incorporating healthcare informatics into the strategic planning process in nursing education**”. Journal of Nursing Leadership Forum. Vol 9, No 3, 98-104.

طراحی مدل راهبردی عوامل مؤثر در پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز در ورزش

علیرضا قلعه نوئی^۱
حسن فهیم دوین^۲
حسین پیمانی زاد^۳
محمدرضا اسماعیل زاده^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۵/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۱

هدف کلی این پژوهش، طراحی مدل راهبردی عوامل مؤثر در پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز در ورزش بود. پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شد. جامعه آماری در مرحله کیفی، شامل ۲۰ نفر از صاحب نظران محیط زیست و اساتید مدیریت ورزشی و در مرحله کمی، تمامی مدیران ورزشی و کارشناسان حوزه محیط زیست و اساتید دانشگاه بودند. با توجه به تنوع و غیر قابل شمارش بودن جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و بنا بر روش قضاوتی و خبرگی محقق، تعداد ۳۵۷ نفر نمونه انتخاب شد. در مرحله کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته، داده ها جمع آوری و بعد از کد گذاری، پرسشنامه محقق ساخته با ۳۹ سؤال تهیه گردید. روایی صوری و نرمال بودن توزیع متغیرها تأیید و ضریب پایایی پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد. در تحلیل داده ها با نرم افزار spss نسخه ۱۶ از سطح معنی داری ($P \leq 0/05$) بهره گیری شد. برای آزمون کردن الگو و شناسایی روابط میان متغیرها از مدل

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
۲. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
Email:Fahim_pe@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۴. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

سازی معادلات ساختاری و برای رتبه بندی اهمیت هریک از مؤلفه ها، از تحلیل ماتریس اهمیت- عملکرد استفاده گردید. نتایج پژوهش، هفت عامل آموزش و پژوهش، نیروی انسانی، فرهنگ و نگرش، قوانین و مقررات، کنترل و نظارت، مدیریت و برنامه ریزی و کالبدی را به عنوان عوامل مؤثر در بهره وری سبز در ورزش شناسایی و معرفی نمود. همچنین، بین تمامی متغیرها روابط مثبت و معنا داری وجود داشت. بنابراین، پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز در ورزش مستلزم توجه به عوامل مؤثر یاد شده می باشد.

واژگان کلیدی: مدل راهبردی، بهره وری سبز، استراتژی بهره وری سبز و ورزش

مقدمه

مفهوم بهره‌وری سبز^۱ در سال ۱۹۹۴ توسط سازمان بهره‌وری آسیا^۲ معرفی شد. بهره‌وری سبز، یکی از پنج حوزه اصلی فعالیت سازمان بهره‌وری سبز آسیایی است که در کنار حوزه‌های مهمی همچون: مدیریت دانش^۳، تقویت صنایع کوچک و متوسط^۴، توسعه سازمان‌های ملی بهره‌وری^۵ و توسعه یکپارچه جوامع محلی^۶ مورد تأکید می‌باشد. بهره‌وری سبز، استراتژی انتخاب شده‌ای برای توسعه پایدار^۷ محیطی است. هدف اصلی آن، افزایش بهره‌وری و توسعه اقتصادی-اجتماعی است؛ به نحوی که موجب حفاظت و ایمنی محیطی گردد (فلاح، رضوی، ایمانی و امامقلی زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۸). استراتژی بهره‌وری سبز، کاربرد روش‌ها، فناوری‌ها و سیستم‌های مدیریتی خاص برای تولید کالاها و خدمات سازگار با محیط زیست است (اسدی، ۱۳۹۱: ۹). متدولوژی این استراتژی از سه بخش تشکیل شده و هر بخش دارای مراحل و گام‌های متعدد بوده که نیازمند ابزارها، تکنیک‌ها و تکنولوژی ویژه است. (عابدی و شریعت مداری، ۱۳۹۵: ۴۳). در بهره‌وری سبز، «توسعه و محیط زیست» دو روی یک سکه هستند و این بدان معنا می‌باشد که هر استراتژی توسعه که بخواهد پایدار باشد باید بر روی کیفیت، سودآوری و محیط زیست تمرکز نماید و این سه عامل «کیفیت، سودآوری و محیط زیست»، سه ضلع مثلث بهره‌وری سبز را تشکیل می‌دهند (شکاری، ۱۳۸۴: ۷۸). استراتژی بهره‌وری سبز در تمام بخش‌های خدماتی، کشاورزی و تولیدی قابل بکارگیری است (اسدی، ۱۳۹۱: ۹). ورزش به عنوان یکی از پدیده‌های محبوب عصر ما، از محورهای اساسی دستیابی به توسعه پایدار بوده که نیازمند توجه به استراتژی بهره‌وری سبز است (چرنوشنکو، ۱۳۸۴: ۵). از این رو، شناسایی عوامل اثرگذار در پیاده‌سازی این استراتژی، یکی از مباحث کلیدی و اصلی آتی سازمان‌های ورزشی است و انجام تحقیق در این زمینه، یک ضرورت و حرکتی نو و پایدار می‌باشد. بیشتر تحقیقات بهره‌وری سبز در ایران و جهان، در صنایع و شرکت‌های تولیدی و خدماتی انجام شده و به دنبال شناسایی راهکارهایی برای ارتقای کارایی و بهره‌وری شرکت و سازمان مربوطه بودند. برخی از تحقیقات، به موانع و مشکلات اجرای استراتژی بهره‌وری سبز اشاره نمودند. فلاح و همکاران (۱۳۹۴) چهار عامل عدم تعهد مدیریت، عدم انتقال صحیح استراتژی، فقدان منابع کافی و عدم همسویی کارکنان را از جمله موانع بهره‌وری سبز در سازمان مترو تهران بیان کردند (فلاح، رضوی، ایمانی و امامقلی زاده، ۱۳۹۴: ۱۷۳). مسعود و عباسی^۸ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «بهره‌وری سبز در پاکستان»، فقدان آموزش و آگاهی، فقدان چارچوب برای بهره‌وری سبز، فقدان فن‌آوری برای تولید و اجرای منابع جایگزین انرژی، علاقه دولت به راه حل‌های کوتاه مدت برای مشکل بحران انرژی، فقدان هماهنگی و همکاری دستگاه‌های دولتی را برشمردند (به نقل از سجده ای، ۱۳۹۵: ۴۹). همچنین، کامرال و شمس^۹ (۲۰۱۷) مهم‌ترین چالش‌های موجود اجرای برنامه‌های سبز استرالیا را فقدان قوانین مربوط به تدارکات

1. Green Productivity
2. Apo
3. Knowledge management (KM)
4. SMES
5. DON
6. ICD
7. Sustainable development
8. Masood & Abbasi
9. Kamrul & Shams

سبز، حمایت از مدیریت ارشد سبز، انگیزه‌های دولت برای خرید سبز و عدم حمایت مالی دانستند (کامرال و شمس، ۱۳۹۰: ۲۰۱۷). برخی تحقیقات نیز به راه کارهایی پیرامون افزایش بهره وری سبز اشاره کردند. زمانی (۱۳۹۰) دو شاخص آنالیز هزینه-منفعت و رضایت مندی پرسنل را به عنوان مهمترین عوامل اجرای نظام بهره وری سبز در شرکت سایپا معرفی نموده است (زمانی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). حاج حسینی مهریزی و همکاران (۱۳۹۰) تخصص و مهارت و افزایش سطح مشارکت نیروی انسانی، هدف گذاری (تعیین اهداف سیستم)، تحقیق و توسعه مؤثر، استفاده بهتر از منابع، رهبری و انگیزش پرسنل را از راهکارهای تحقق بهتر استراتژی بهره وری سبز در صنایع نساجی دانسته است (حاج حسینی مهریزی، محرم نژاد و سالاری، ۱۳۹۰: ۵). طوبی (۱۳۹۳) تنظیم ضوابط و معیارهای دقیق را بهترین گزینه در بهره وری سبز کارخانه زمزم تهران ذکر کرده است (طوبی، ۱۳۹۳: ۱۸). گاندهی و همکاران^۱ (۲۰۱۵: ۹۶) برخورداری از مدیریت فعال و پویا و لوگاموسو و سوهایز^۲ (۲۰۱۰: ۴۹) کیفیت انگیزش، سلامت و ایمنی کارکنان و هویتی شی و همکاران^۳ (۲۰۱۷) هر دو عامل «نظارت و کنترل» و «اتخاذ مقررات استراتژیک» مبتنی بر بازار را از عوامل اصلی بهره وری سبز در ۳۰ استان چین مطرح نمودند (هویی شی، یوجون و جینگ جینگ^۴، ۲۰۱۷: ۱۰۵). در این راستا باتوویتاج^۵ (۲۰۱۵) پیشنهاد پروژه معرفی و اشاعه بهره وری سبز، برنامه آموزش مدرسان بهره وری سبز و افزایش دسترسی به اساتید متخصص را برای ارتقای بهره وری سبز در کشور سری لانکا مطرح نمود (باتو ویتاج، ۲۰۱۵: ۵۴). اینمیکسای^۶ (۲۰۱۷) هم در گزارشی با عنوان «بهره وری سبز در لائوس»، آگاه سازی از بهره وری سبز را گام اول در مسیر رشد بهره وری پایدار بیان نمود و در کنار ترویج و آگاه سازی از ابزارهای بهره وری سبز، استفاده از آن را ضروری دانسته است (به نقل از هورسان و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵). در حوزه تحقیقات ورزشی، نداری (۱۳۸۸) به شش بخش کلی نظارت و ارزیابی، نیروی انسانی، مدیریت و برنامه ریزی، مشتری مداری، مالی و کالبدی به عنوان عوامل بهره وری اماکن ورزشی استان لرستان اشاره کرده است (نداری، ۱۳۸۸: ۱۱۹). غلامرضا پور (۱۳۸۹) عوامل زمان و نحوه فعالیت، مدیریت، رعایت مشتری مداری، نیروی انسانی، نظارت و ارزیابی، برنامه ریزی، تعمیر و نگهداری، ساختار سازمانی، امکانات و تجهیزات و وضعیت مالی را بر بهره وری اماکن ورزشی استان مازندران مؤثر دانسته است (غلامرضا پور، ۱۳۸۹: ۱۷۵). در تحقیق فروغی پور و همکاران (۱۳۹۰) عوامل نیروی انسانی، کالبدی، برنامه ریزی، مدیریت، کنترل و نظارت، تعمیر و نگهداری و مالی به عنوان عوامل اثرگذار بر بهره وری اماکن ورزشی همدان معرفی شده است (فروغی پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸). همچنین در پژوهش آرمین و همکاران (۱۳۹۱) به شش بخش مدیریت و برنامه ریزی، نیروی انسانی، مشتری مداری، نظارت و ارزیابی و بخش مالی به عنوان عوامل مهم در بهره وری ورزش کرمان اشاره شده که در آن بخش مدیریت به عنوان موثرترین عامل مطرح گردیده است (آرمین و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸). همچنین در یافته‌های پژوهش مسجدی و رضایی صوفی (۱۳۹۵) مؤلفه‌های کاربر، نظارت و کنترل، مدیریت و برنامه ریزی، امکانات و تجهیزات فیزیکی، نیروی انسانی ماهر و بودجه و اعتبارات کافی به ترتیب دارای بیشترین

1. Gandhi et al
2. Logamuthu & Suhaiza
3. hui Xie et al
4. hui X, Yi-jun & Jing-jing
5. Batuwitige
6. Inmyxai

وزن و بار عاملی بر افزایش بهره وری اماکن و فضاهای ورزشی شهرداری اصفهان بودند (مسجدی و رضایی صوفی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). در تحقیق راستگو و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «طراحی مدل مفهومی عوامل موثر بر بهره‌وری نیروی انسانی در فدراسیون‌های ورزشی ایران»، از بین عوامل مؤثر بر بهره وری نیروی انسانی اثر عوامل مدیریتی، اقتصادی و محیطی، سازمانی و روانی بر بهره وری تأیید شد. عوامل مدیریتی در اولویت اول و عوامل فردی در انتها قرار گرفت (راستگو و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱) - تمامی تحقیقات ذکر شده به نوعی بر عوامل مؤثر اجرای استراتژی بهره وری تأکید دارند.

کمبرود سرانه فضاهای ورزشی و فاصله زیاد سرانه فضای ورزشی ایران با استاندارد جهانی، ضعف مدیریت اماکن و فضاهای ورزشی (کاشف، ۱۳۸۸: ۷۹)، اتکای ورزش به اعتبارات مالی محدود دولت و کم توجهی به ملاحظات زیست محیطی در ورزش - علیرغم این که «محیط زیست» به عنوان ضلع سوم مثلث المپیزم در کنار «ورزش» و «فرهنگ» مورد توجه است - (چرنوشنکو، ۱۳۸۴: ۱۳) و نیز نقش ارزنده بهره وری سبز در اقتصاد ورزش، ضرورت پرداختن به استراتژی «بهره‌وری سبز در ورزش» را بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد.

تاکنون پژوهشی در زمینه «بهره وری سبز و ورزش» در ایران و جهان انجام نشده است. محقق بر آن شد که طی پژوهشی عوامل موثر بر این استراتژی را شناسایی، اولویت بندی و مدل سازی نماید. در واقع محقق به دنبال پاسخ به دو سؤال اساسی است تا ضمن شناخت فرصت‌ها و راه کارهای اجرایی، مدل راهبردی مناسبی جهت ارتقا و بهبود وضعیت موجود و برنامه‌های آتی ورزش طراحی و ارائه نماید:

اول آن که عوامل مؤثر بر پیاده سازی بهره وری سبز در ورزش کشور کدام اند؟

دوم این که اولویت بندی این عوامل چگونه است؟

نتایج کاربرد مدل بهره وری سبز می‌تواند موجب برخورداری کمیته بین المللی المپیک از حق میزبانی بازی‌های المپیک، افزایش سودآوری سازمان‌های ورزشی از طریق بهره برداری بهینه از امکانات و تجهیزات موجود، افزایش عملکرد و سطح مشارکت نیروی انسانی، کاهش هزینه احیا و رفع ضایعات احتمالی در فضاهای ورزشی، ایجاد تعهد و انگیزه، توجه به بهداشت و ایمنی کارکنان و ورزشکاران و سایر استفاده کنندگان از کالاهای و خدمات ورزشی گردد.

روش شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از حیث ماهیت اکتشافی و روش اجرا، از نوع توصیفی - تحلیلی بود که به صورت ترکیبی (کیفی - کمی) و به روش میدانی در سال ۹۷-۱۳۹۶ انجام گردید. جامعه آماری در بخش کیفی شامل ۲۰ نفر از صاحب نظران محیط زیست و اساتید مدیریت ورزشی دانشگاه بودند که به شیوه هدفمند^۱ انتخاب و جهت شناسایی ابعاد و عوامل مؤثر (مؤلفه های) بهره وری سبز در ورزش با آنان مصاحبه علمی شد. در بخش کمی اساتید مدیریت ورزشی دانشگاه ها، معلمان (با مدرک دکتری تربیت بدنی و دانشجوی دکتری)، معاونان تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش و استان ها، مدیران کل ورزش و جوانان، مدیران کمیته ملی المپیک، مدیران کل توسعه و تجهیز

نوسازی، مدیران کل محیط زیست، رؤسا، دبیران و مدیران فدراسیون های ورزشی بودند. با توجه به تنوع و غیر قابل شمارش بودن جامعه آماری، با استفاده از نمونه گیری هدفمند و با کمک روش قضاوتی^۱ و خبرگی محقق و از طریق جدول مورگان، حجم نمونه به تعداد ۳۵۷ نفر انتخاب شد.

برای گردآوری اطلاعات در مرحله کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته، داده ها جمع آوری و بعد از کدگذاری، پرسشنامه اولیه متشکل از ۷۰ گویه طراحی که پس از انجام اصلاحاتی، پرسشنامه محقق ساخته نهایی در هفت مؤلفه و ۳۹ گویه (سؤال) براساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تهیه گردید. بخش اول پرسشنامه، مشخصات فردی (جنسیت، سن، مدرک تحصیلی، سابقه خدمت، محل اشتغال، پست سازمانی) و بخش دوم آن شامل عوامل مؤثر بر اجرای استراتژی بهره وری سبز در ورزش بود. محتویات آن شامل عوامل مدیریت و برنامه ریزی (۷ گویه)، عوامل کالبدی (۵ گویه)، عوامل فرهنگ و نگرش (۴ گویه)، عوامل نیروی انسانی (۴ گویه)، عوامل آموزش و پژوهش (۶ گویه)، عوامل کنترل و نظارت (۶ گویه) و قوانین و مقررات (۷ گویه) بود. پرسشنامه نهایی به سه طریق (ارسال با تلگرام، ایمیل و به صورت حضوری) بین جامعه آماری توزیع شد. از مجموع ۱۰۵۰ پرسشنامه پخش شده، ۴۰۲ پرسشنامه برگشت داده شد. پس از کنار گذاشتن موارد مخدوش و ناقص ۳۳۲ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل قابل استفاده بود.

روایی صوری پرسشنامه با بهره گیری از نظرات اصلاحی اساتید تعیین شد. برای تأیید اندازه نمونه از شاخص کفایت نمونه برداری^۲ (KMO) استفاده گردید. پایایی شاخص سازه های ابزار از طریق ضرایب آلفای کرونباخ^۳ و پایایی ترکیبی^۴ و روایی همگرا^۵ از روش فورنل و لارکر^۶ محاسبه شد. نتایج این شاخص ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: بررسی پایایی شاخص و روایی همگرا سازه های بهره وری سبز

عامل	بارهای عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا
مدیریت و برنامه ریزی	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۸۹	۰/۵۳۰
کالبدی	۰/۷۴	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۶۰۳
فرهنگ و نگرش	۰/۷۶	۰/۷۴	۰/۸۴	۰/۵۶۰
نیروی انسانی	۰/۷۲	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۶۰۸
آموزش و پژوهش	۰/۸۰	۰/۸۰	۰/۸۶	۰/۵۱۱
کنترل و نظارت	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۵۱۸
قوانین و مقررات	۰/۷۲	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۵۱۶
بهره وری سبز	—	۰/۸۷	۰/۹۰	۰/۵۵۹

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در حوزه آمار توصیفی

1. judgmental
2. Kaiser-Meyer-Olkin (KMO)
3. Cronbach Alpha
4. Composite Reliability (CR)
5. Average Variance Extracted (AVE)
6. Fornell & Larcker

جهت محاسبه فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و درحوزه آماراستنباطی، برای تحلیل ارتباط میان عوامل و شناسایی عوامل مرتبط با متغیر اصلی (پیاده سازی بهره وری سبز) از روش تحلیل عاملی اکتشافی در نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و برای مدل سازی معادلات ساختاری بر اساس روش کمترین مربعات جزئی (PLS) از نرم افزار ۳. Smart PIs استفاده شد (آذر و همکاران، ۱۳۹۱).

یافته‌های پژوهش

جدول ۲: شاخص‌های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

شاخص	گروه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
جنسیت	مرد	۲۴۶	۷۴/۱	۷۴/۱
	زن	۸۶	۲۵/۹	۱۰۰
میزان تحصیلات	کارشناسی	۱۸	۵/۴	۵/۴
	کارشناسی ارشد	۱۱۰	۳۳/۱	۳۸/۶
	دانشجوی دکتری	۱۰۴	۳۱/۳	۶۹/۹۹
	دکتری	۱۰۰	۳۰/۱	۱۰۰
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	۲۹	۸/۷	۸/۷
	۶ تا ۱۰ سال	۶۶	۱۹/۹	۲۸/۶
	۱۱ تا ۱۵ سال	۸۵	۲۵/۶	۵۴/۲
	۱۶ تا ۲۰ سال	۵۶	۱۶/۹	۷۱/۱
	۲۱ تا ۲۵ سال	۴۹	۱۴/۸	۸۵/۸
	۲۶ تا ۳۰ سال	۲۵	۷/۵	۹۳/۴
	بیشتر از ۳۰ سال	۲۲	۶/۶	۱۰۰
سازمان/اداره محل اشتغال	کمیته ملی المپیک	۱۰	۳/۰	۳/۰
	سازمان توسعه و تجهیز مدارس	۱۹	۵/۷	۸/۷
	سازمان محیط زیست	۱۷	۵/۱	۱۳/۹
	سازمان ملی بهره وری	۷	۲/۱	۱۶/۰
	فدراسیون‌های ورزشی	۴۴	۱۳/۳	۲۹/۲
	وزارت آموزش عالی	۹۳	۲۸/۰	۵۷/۲
	وزارت آموزش و پرورش	۸۴	۲۵/۳	۸۲/۵
	وزارت ورزش و جوانان	۴۴	۱۳/۳	۹۵/۸
	سایر ادارات	۱۴	۴/۲	۱۰۰

۱۱/۴	۱۱/۴	۳۸	دبیر آموزشگاه	پست سازمانی
۱۹/۹	۸/۴	۲۸	کارشناس	
۳۳/۷	۱۳/۹	۴۶	کارشناس مسئول	
۴۶/۱	۱۲/۳	۴۱	رئیس اداره	
۶۳/۰	۱۶/۹	۵۶	مدیر میانی سازمان	
۶۷/۵	۴/۵	۱۵	مدیر ارشد سازمان	
۹۶/۱	۲۸/۶	۹۵	مدرس دانشگاه	
۱۰۰	۳/۹	۱۳	سایر	

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی جدول ۲ نشان داد، بیشتر نمونه‌ها در مرحله کیفی مرد بودند. همه آن‌ها بیش از ۱۵ سال سابقه پژوهشی یا اجرایی مرتبط با موضوع تحقیق داشتند. اکثر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و دارای مدرک دکتری و دانشجوی دکتری بودند و حوزه مطالعاتی و کاری آن‌ها مدیریت ورزشی و محیط زیست بود. در بخش کمی نیز ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. حدود ۷۵ درصد شرکت کنندگان در پژوهش مرد بودند. میانگین سنی آنان حدود ۴۱ سال بود. بیشتر (۷۲ درصد) شرکت کنندگان سابقه کاری ۱۰ سال و بیشتر داشتند. حدود ۹۵ درصد شرکت کنندگان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. بیشترین درصد پاسخ دهندگان در آموزش عالی و کمترین درصد در سازمان ملی بهره وری مشغول به کار بودند. بیشترین نسبت شرکت کنندگان اعضای هیئت علمی دانشگاه، مدیر میانی سازمان، کارشناس مسئول، رئیس اداره، دبیر آموزشگاه، کارشناس ادارات ورزش و کمترین نسبت، مدیران ارشد سازمان بودند.

در ابتدا تحلیل عاملی اکتشافی با الگوی مؤلفه‌های اصلی^۱ روی داده‌ها صورت گرفت و از آزمون کرویت بارتلت^۲ و ماتریس چرخش یافته استفاده شد. مقدار $KMO=0/94$ و آزمون بارتلت ($P=0/001$)، $df=741$ ، $710/08$ بارتلت) در جدول ۳ نشان دهنده قابل توجیه بودن اجرای تحلیل عاملی بود. (میرزآو همکاران، ۱۳۹۶)

جدول ۳: اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت

KMO	کرویت بارتلت	df	سطح معناداری
۰/۹۴	۷۱۰/۰۸	۷۴۱	۰/۰۰۱

در ادامه جهت تصمیم گیری پیرامون تعداد عامل‌های استخراجی، به ارزش ویژه^۳ - که باید حداقل ۱ باشد- نسبت واریانس تبیین شده توسط هر عامل و نمودار چرخش یافته ارزش‌های ویژه اسکر^۴ استناد گردید. تحلیل اولیه ساختاری، ۱۵ عامل با واریانس تبیین شده ۶۷/۲۶ درصد را به دست می‌داد. در این ساختار

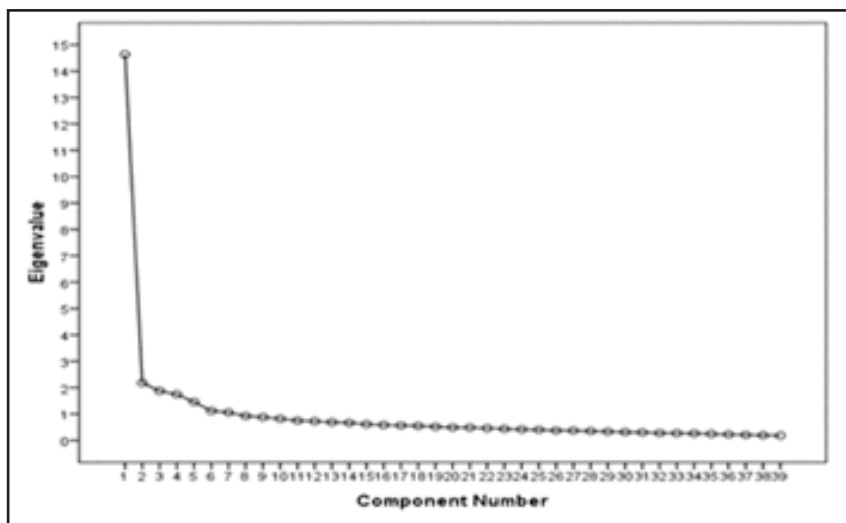
1. principal Components(PC)
2. Bartlett's test
3. Meyers
4. Eigenvalue
5. Scree

عبارت هایی فاقد بار عاملی مورد نظر (۰/۳۰) و نیز عبارت هایی با بار عاملی مغشوش ذیل سه یا دو عامل وجود داشت. نمودار اسکری از این ساختار حمایت نمی کرد. با حذف عبارت های فاقد شرایط فوق، تحلیل مجدداً اجرا شد. نتیجه نشان داد که واریانس تبیین شده در ساختار هفت عاملی برابر با ۶۱/۷۷ بوده و تمامی عبارت ها تنها ذیل یک عامل بار شدند. نمودار اسکری از این ساختار حمایت کرد و حداقل ارزش ویژه برای عامل ها ۱/۰۶ بود. مشخصه آماری اولیه حاصل از اجرای تحلیل مؤلفه های اصلی در شکل ۱ آمده است. در ادامه جهت استخراج عامل های مناسب، تحلیل عاملی با چرخش پرومکس اجرا شد (هومن، ۱۳۹۳). بررسی مشخصه های آماری اولیه و ماتریس ساختار حاصله، در جدول ۴ نشان داد که عبارات فاقد پیچیدگی و عامل ها شفاف هستند.

جدول ۴: مشخصه های آماری اولیه و ماتریس ساختار ۷ عاملی چرخش یافته در بهره وری سبز در ورزش

ردیف	شماره عبارت	عامل ها				ردیف	شماره عبارت	عامل ها			ردیف	شماره عبارت
		اول	دوم	سوم	چهارم			اول	دوم	سوم		
۱	۵	۰/۸۵				۲۶	۴۴	۰/۸۴				
۲	۴	۰/۸۲				۲۷	۴۵	۰/۷۹				
۳	۹	۰/۷۹				۲۸	۴۷	۰/۷۳				
۴	۷	۰/۷۱				۲۹	۴۶	۰/۷۱				
۵	۸	۰/۶۸				۳۰	۳۹	۰/۶۵				
۶	۱۰	۰/۶۷				۳۱	۵۰	۰/۳۷				
۷	۳	۰/۵۶				۳۲	۳۷	۰۰/۸۱				
۸	۵۸		۰/۷۸			۳۳	۳۴	۰/۸۱				
۹	۵۷		۰/۷۷			۳۴	۳۵	۰/۷۰				
۱۰	۵۶		۰/۷۷			۳۵	۳۸	۰/۵۵				
۱۱	۵۴		۰/۷۶			۳۶	۲۵	۰۰۰۰/۷۰				
۱۲	۵۳		۰/۷۶			۳۷	۲۶	۰/۶۵				
۱۳	۵۲		۰/۶۱			۳۸	۲۸	۰/۶۳				
۱۴	۱۵			۰/۸۲		۳۹	۲۹	۰/۵۹				
۱۵	۱۳			۰/۷۹								
۱۶	۱۴			۰/۷۹								
۱۷	۲۴			۰/۷۹								
۱۸	۲۳			۰/۶۹								

					۰/۸۴				۶۳	۱۹
					۰/۷۲				۶۷	۲۰
					۰/۷۱				۶۶	۲۱
					۰/۶۴				۶۱	۲۲
					۰/۶۳				۶۸	۲۳
					۰/۵۷				۶۴	۲۴
					۰/۴۳				۶۹	۲۵
۱/۰۶	۱/۱۲	۱/۴۶			۱/۷۵	۱/۸۸	۲/۱۸	۱۴/۶۴	ارزش ویژه	
۲/۷۲	۲/۸۸	۳/۷۴			۴/۴۸	۴/۸۲	۵/۶۰	۳۷/۵۳	درصد واریانس تبیین شده	
۶۱/۷۷	۵۹/۰۵	۵۶/۱۷			۵۲/۴۳	۴۷/۹۴	۴۳/۱۳	۳۷/۵۳	درصد تجمعی	



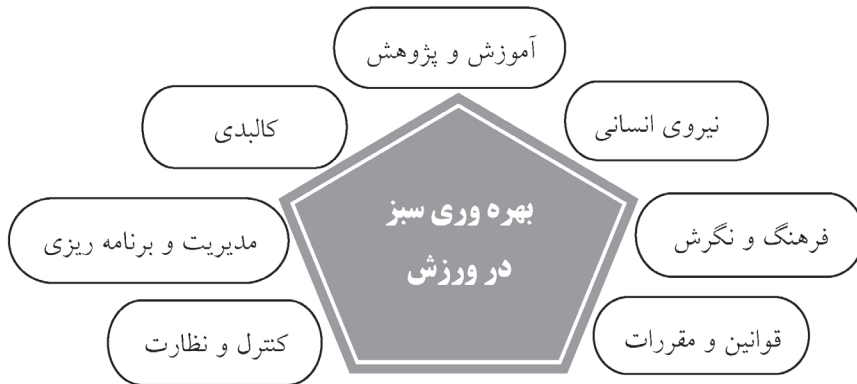
شکل ۱: نمودار اسکری مجموعه ۳۹ عبارتی

بر پایه این ماتریس، عبارت هایی که به طور مشترک با یک عامل همبسته بودند، تشکیل یک زیر مقیاس دادند. این زیر مقیاس ها به ترتیب بیشترین بار عاملی و نیز مقایسه با ساختار نظری اولیه نام گذاری گردید. تعداد عبارات و نام هر یک از آن ها در جدول ۵ نشان داده شده است. مقایسه ساختار این جدول با نسخه اولیه نشان می دهد که از عامل مدیریت و برنامه ریزی، ۵ عبارت، از عامل کالبدی، ۷ عبارت، از عامل فرهنگ دانش، ۴ عبارت، از عامل نیروی انسانی، ۲ عبارت، از عامل آموزش و پژوهش، ۶ عبارت، از عامل کنترل و نظارت، ۴ عبارت و در نهایت از عامل قوانین و مقررات، ۳ عبارت به علت نداشتن بار عاملی حداقلی (۰/۳۰) یا بار شدن ذیل دو عامل و بیشتر حذف شدند.

جدول ۵: تعداد عبارات و عوامل تشکیل دهنده پرسشنامه بهره وری سبز در ورزش

عامل	تعداد عبارات	عبارات	نام عامل
اول	۷	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷	مدیریت و برنامه ریزی
سوم	۵	۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸	کالبدی
هفتم	۴	۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹	فرهنگ و نگرش
ششم	۴	۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵	نیروی انسانی
پنجم	۶	۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱	آموزش و پژوهش
دوم	۶	۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳	کنترل و نظارت
چهارم	۷	۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵	قوانین و مقررات

جهت پاسخ به سوال اول تحقیق مبنی بر شناسایی عوامل مؤثر در پیاده سازی بهره وری سبز در ورزش و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر- بر اساس ماتریس چرخش یافته مندرج در جدول ۴ و تعداد عبارات و عوامل مندرج در جدول ۵- هفت عامل مدیریت و برنامه ریزی، کالبدی، نیروی انسانی، فرهنگ و نگرش، آموزش و پژوهش، کنترل و نظارت و قوانین و مقررات به عنوان عوامل مؤثر در پیاده سازی بهره وری سبز در ورزش کشور شناسایی و معرفی گردید. عوامل ذکر شده در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲: عوامل (مولفه های) بهره وری سبز در ورزش

برای شناسایی ارتباط درونی عوامل از مدل سازی معادلات ساختاری با PLS استفاده گردید و همبستگی متغیرهای پژوهشی به عنوان زیربنای مدل های ساختاری انجام شد. ماتریس همبستگی این متغیرها در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهشی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
مدیریت و برنامه ریزی	۱							
کالبدی	۰/۵۰**	۱						
فرهنگ و نگرش	۰/۵۲**	۰/۴۷**	۱					
نیروی انسانی	۰/۵۰**	۰/۴۶**	۰/۴۶**	۱				
آموزش و پژوهش	۰/۴۹**	۰/۴۹**	۰/۵۸**	۰/۵۳**	۱			
کنترل و نظارت	۰/۴۸**	۰/۴۹**	۰/۴۵**	۰/۴۳**	۰/۵۶**	۱		
قوانین و مقررات	۰/۴۴**	۰/۴۶**	۰/۴۹**	۰/۴۱**	۰/۵۱**	۰/۴۸**	۱	
بهره وری سبز	۰/۷۷**	۰/۷۳**	۰/۷۲**	۰/۷۱**	۰/۷۹**	۰/۷۵**	۰/۷۵**	۱
							$P \leq 0.05$	$P \leq 0.01$

یافته‌های جدول ۶ نشان از روابط مثبت و معناداری بین تمامی متغیرها داشت ($P \leq 0.01$). بیشترین ضریب همبستگی خرده مقیاس‌ها، میان فرهنگ و نگرش با آموزش و پژوهش ($r=0.58$) و کمترین آن میان نیروی انسانی با قوانین و مقررات ($r=0.41$) مشاهده شد. آموزش و پژوهش بیشترین ($r=0.79$) و مدیریت و برنامه ریزی ($r=0.77$)، عوامل کنترل و نظارت ($r=0.75$)، قوانین و مقررات ($r=0.75$)، عوامل کالبدی ($r=0.73$)، عوامل فرهنگ و نگرش ($r=0.72$) و نیروی انسانی ($r=0.71$) کمترین همبستگی را با پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز داشتند.

در ادامه جهت پاسخ به سوال دوم پژوهش مبنی بر اولویت بندی عوامل مؤثر بهره وری سبز در ورزش کشور، از تحلیل ماتریس اهمیت- عملکرد براساس نتایج مدل سازی مسیری استفاده شد. نتایج تحلیل در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: تحلیل اهمیت- عملکرد

اولویت ها	عملکرد		اهمیت		سازه
	رتبه	ضریب	رتبه	ضریب	
۶	۴	۷۶/۱۹۸	۵	۰/۱۸۱	مدیریت و برنامه ریزی
۷	۱	۷۶/۶۲۰	۶	۰/۱۷۶	کالبدی
۳	۵	۷۵/۳۳۹	۴	۰/۱۸۵	فرهنگ و نگرش
۲	۷	۷۳/۲۰۳	۴	۰/۱۸۵	نیروی انسانی
۱	۶	۷۴/۹۰۲	۱	۰/۲۱۵	آموزش و پژوهش
۵	۲	۷۶/۲۸۷	۲	۰/۲۰۱	کنترل و نظارت
۴	۳	۷۶/۲۶۶	۳	۰/۱۹۰	قوانین و مقررات

نتایج جدول ۷ نشان داد که آموزش و پژوهش دارای بیشترین اهمیت و عامل کالبدی دارای کمترین اهمیت است. در بعد عملکرد نیز کالبدی دارای بیشترین عملکرد و نیروی انسانی دارای کمترین عملکرد است. بر این اساس به ترتیب عوامل آموزش و پژوهش، نیروی انسانی، فرهنگ و نگرش، قوانین و مقررات، کنترل و نظارت، مدیریت و برنامه ریزی و در نهایت مؤلفه کالبدی در اولویت‌های استراتژی بهره‌وری سبز در ورزش کشور قرار گرفتند.

بر اساس یافته‌های تحقیق، گویه‌های هر یک از عوامل مؤثر معرفی شدند. تربیت نیروی انسانی دانشگاهی با گرایش تحصیلی بهره‌وری سبز، بررسی تحلیلی انواع فناوری جدید در صرفه‌جویی منابع و انرژی، بررسی اثرات مثبت توسعه و پیاده‌سازی بهره‌وری سبز بر کیفیت زندگی و ایمنی افراد، بررسی راهکارهای تدوین برنامه جامع ورزش، آموزش استراتژی و اهداف بهره‌وری سبز، تشریح و تبیین ویژگی‌های کالا و خدمات مطلوب ورزشی به ترتیب از مهم‌ترین زیر مؤلفه «آموزش و پژوهش» بود. تخصیص حقوق کافی و تسهیلات رفاهی به کارکنان و مدیران مجری استراتژی بهره‌وری سبز، به کارگیری مربیان و مدیران ورزشی کارآمد و کارآزموده، میزان تحصیلات تخصصی و تجربه مدیران ورزش به ترتیب از مهم‌ترین زیر مؤلفه «نیروی انسانی» ذکر شدند. ترویج روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری، تغییر نگرش افراد نسبت به بهره‌وری سبز و نقش آن در توسعه پایدار ورزش، ترویج فرهنگ سبز اندیشیدن در فضای کاری، ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و کاهش هزینه در ورزش، به ترتیب از مهم‌ترین گویه‌های مؤلفه «فرهنگ و نگرش» بودند. تنظیم آیین نامه امتیاز دهی زیست محیطی در فضاهای ورزشی، تنظیم و ارائه اصول و نظام هدایتگر در استراتژی بهره‌وری سبز و الزام همه کارگزاران در اقدام به آن، اتخاذ سیاست‌های حمایتی و تشویقی جهت مجریان بهره‌وری سبز، تعیین ضوابط و معیارهای لازم جهت کاهش مصرف منابع و انرژی، تعیین ضوابط و معیارهای ایمنی در روند طراحی، احداث و بهره‌برداری از اماکن ورزشی، اعمال مقررات منع ایجاد مزاحمت‌های صوتی و

بلاخره تبیین و تنظیم دستور العمل کیفیت کالا و خدمات ارائه شده در سازمان های ورزشی، از مهم ترین زیر مؤلفه های «قوانین و مقررات» می باشد. واریسی و تعمیر منظم وسایل و تجهیزات، نظارت بر تهیه وسایل و تجهیزات ورزشی مورد نیاز منطبق با شاخص های زیست محیطی و استانداردهای فدراسیون جهانی، تعیین و استخراج شاخص های اندازه گیری، ارزیابی دوره های منظم و تدوین چک لیست های نظارتی، ارزیابی و نظارت کافی در فرایند ساخت، بهره برداری و مدیریت فضاهای ورزشی، کنترل و بازبینی کیفیت روشنایی، سیستم های سرمایشی، گرمایشی و تهویه هوا و بلاخره نظارت و کنترل بر اعتبارات و نحوه هزینه کرد آن، به ترتیب از مهم ترین گویه های «کنترل و نظارت» است. برنامه ریزی جهت مشارکت سازمان یافته و مؤثر کارکنان، همکاری و تعامل با حامیان مالی و تامین کنندگان مواد اولیه در پروژه های زیست محیطی، طراحی سبک مدیریتی مبتنی بر نظام زیست کارآمد، برخورداری مدیران ورزشی از دانش زیست محیطی، تعامل با سایر سازمان ها، عملکرد مدیران ورزشی در قبال ایمنی، رفاه و آسایش کارکنان و کسب مشارکت فکری از آنان و بلاخره پیش بینی و اختصاص بودجه کافی برای ساخت، نگهداری، و مدیریت فضاهای ورزشی از مهم ترین زیر مؤلفه بخش «مدیریت و برنامه ریزی» می باشد. قابلیت توسعه پذیری فضاها، ملاحظه شرایط فرهنگی و اجتماعی، توجه به ضرورت احداث فضای ورزشی جدید، انطباق پذیری و انعطاف پذیری اماکن ورزشی و نیز توجه به استانداردها و معیارهای بین المللی رشته ورزشی مورد نظر، به ترتیب از مهم ترین شاخص های عوامل «کالبدی» بیان گردید.

عوامل هفتگانه شناسایی شده- با توجه به بزرگی ضرایب و اهمیت- به همراه گویه های هر مؤلفه، با عنوان مدل مفهومی تحقیق (به صورت دایره ای در جهت عقربه های ساعت) چیدمان و در شکل ۳ ارائه شده است. در ضمن از معیارهای R² و Q² برای بررسی برازش مدل های ساختاری و قدرت پیش بینی آن و نیز از معیار برازش (GoF) به منظور ارزیابی کلی مدل استفاده شد. نتایج ضرایب استخراجی آن به ترتیب ۰/۹۹ و ۰/۵۲ و مقدار GoF (۰/۵۸) به دست آمده، نشان دهنده برازش قوی مدل (۰/۳۶ < ۰/۵۸) و مطلوب بودن آن بود. معیارهای مذکور در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: بررسی معیارهای برازش مدل

معیار	ضریب استخراجی	وضعیت
معیار R ²	۰/۹۹	مطلوب
معیار Q ²	۰/۵۲	مطلوب



شکل ۳. مدل مفهومی تحقیق

بارهای عاملی نشانگرها بر روی سازه هفتگانه بهره‌وری سبز محاسبه و در جدول ۹ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که ضرایب t در تمامی نشانگرها بر روی سازه‌های متناظر با آن‌ها از ۱/۹۶ (در سطح ۰/۰۵) بزرگتر بوده و معنادار هستند. (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲)

جدول ۹: بارهای عاملی نشانگرها بر روی سازه هفتگانه بهره وری سبز در ورزش

مقادیر t	محتوای نشانگرها	سازه
۲۴/۵۷	طراحی سبک مدیریتی مبتنی بر نظام «زیست کارآمد» در ورزش کشور.	بهره وری سبز
۱۹/۵۵	تعامل با سازمانها در مبحث «بهره وری سبز» جهت استفاده از ظرفیت و مساعدت آنها در ورزش کشور	
۲۹/۷۳	برخورداری مدیران ورزشی کشور از دانش «زیست محیطی» و به کارگیری آن در اجرای بهره وری سبز	
۲۶/۳۹	برنامه ریزی جهت مشارکت کارکنان و مشتریان در اجرای استراتژی بهره وری سبز	
۲۷/۷۱	همکاری و تعامل باحامیان مالی و تامین کنندگان مواد اولیه...و سازندگان اماکن ورزشی	
۱۱/۹۶	عملکرد مدیران ورزشی در قبال ایمنی، رفاه و آسایش کارکنان و کسب مشارکت فکری از آنان.	
۱۶/۷۲	۷. پیش بینی و اختصاص بودجه کافی برای ساخت، نگهداری، تعمیر و مدیریت فضاهای ورزشی بر اساس استانداردهای زیست محیطی.	
۲۲/۵۶	۱۴. توجه به ضرورت احداث «فضای ورزشی جدید» با نظر به هزینه های درازمدت آن.	کالایی
۲۳/۲۴	۱۵. توجه به استانداردها و معیارهای جهانی و بین المللی رشته ورزشی مورد نظر.	
۲۸/۹۰	۱۶. توجه به شرایط فرهنگی اجتماعی منطقه در طراحی واحداث فضاهای ورزشی.	
۳۵/۱۵	۱۷. توسعه پذیری فضاهای ورزشی طراحی شده و تناسب آن با جمعیت استفاده کنندگان در آینده.	
۲۵/۲۳	۱۸. انطباق پذیری و انعطاف پذیری اماکن ورزشی کشور با نیازهای گروه های سنی مختلف کاربران.	
۲۵/۶۹	۳۶. ترویج فرهنگ سبز اندیشیدن در فضای کاری دستگاه های ورزشی کشور	فرهنگ ورزشی
۲۳/۷۷	۳۷. تغییر نگرش مدیران و افراد جامعه به این مهم که: تحقق و پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز، یکی از... زیر بناهای اصلی توسعه پایدار ورزش کشور است.	
۳۵/۲۶	۳۸. ترویج روحیه مسئولیت پذیری و تعهد در بین کارکنان و مدیران ورزشی و سایر افراد جامعه نسبت به استراتژی بهره وری سبز.	
۱۵/۱۳	۳۹. ترویج فرهنگ صرفه جویی و کاهش هزینه دستگاه های ورزشی و احساس مسئولیت در خصوص نسل های آینده.	
۳۰/۰۵	۳۲. میزان تحصیلات تخصصی کارکنان، مدیران و سرپرستان ورزش کشور.	
۲۶/۲۸	۳۳. میزان تجربه کارکنان، مدیران و سرپرستان شاغل در بخش های متعدد ورزش.	نیروی انسانی
۳۷/۱۰	۳۴. تخصیص حقوق کافی و سایر تسهیلات رفاهی برای کارکنان، مدیران و مجریان استراتژی بهره وری سبز در ورزش کشور.	
۲۹/۱۹	۳۵. به کارگیری مربیان و مدیران ورزشی کارآمد و کارآموده جهت ارائه کالا و خدمات مناسب به منظور جذب مشتریان جدید.	

۱۵/۱۹	۲۶. آگاه سازی و آموزش استراتژی و اهداف بهره وری سبز به کارکنان، متقاضیان و استفاده کنندگان از ... کالاهای و خدمات ورزشی.	توسعه و پایداری
۳۲/۵۶	۲۷. تربیت نیروی انسانی دانشگاهی با گرایش تحصیلی « بهره وری سبز » جهت مدیریت اماکن ورزشی	
۱۸/۶۶	۲۸. بررسی اثرات مثبت توسعه و پیاده سازی بهره وری سبز بر کیفیت زندگی و... استفاده کنندگان از کالا و خدمات ورزشی	
۳۰/۴۶	۲۹. بررسی تحلیلی انواع فناوری های جدید مورد استفاده در افزایش صرفه جویی منابع . در بخش های ... عملیاتی ورزش کشور	
۱۹/۹۵	۳۰. بررسی راهکارهای تدوین برنامه های جامع و هماهنگ به منظور تعیین خط و مشی های زیست محیطی ورزش کشور.	
۱۶/۸۱	۳۱. بررسی، تشریح و تبیین ویژگی های مطلوب کالا و خدمات ورزشی مناسب جهت عرضه به متقاضیان	ارزیابی و نظارت
۱۹/۷۷	۸. تعیین و استخراج شاخص های اندازه گیری، ارزیابی دوره ای منظم و... بهره وری سبز در ورزش کشور.	
۱۹/۵۳	۹. ارزیابی و نظارت کافی در فرایند ساخت، بهره برداری ... و مدیریت اماکن و فضاهای ورزشی کشور.	
۲۰/۲۱	۱۰. کنترل و نظارت بر تهیه وسایل و تجهیزات ورزشی مورد نیاز منطبق با شاخص های زیست محیطی و استانداردهای فدراسیون های	
۱۸/۸۱	۱۱. کنترل و بازبینی کیفیت روشنائی، سیستم های سرمایشی، گرمایشی و تهویه هوا (به ویژه در اماکن سر پوشیده	
۲۸/۵۳	۱۲. معاینه، واریسی، تعمیر و ترمیم روزانه وسایل و تجهیزات ورزشی پس از انجام تمرین و مسابقات	توسعه و پایداری
۱۸/۰۴	۱۳. نظارت و کنترل بر اعتبارات تخصیص یافته ونحوه هزینه کرد آن در طی فرایند طراحی و... اماکن ورزشی	
۲۴/۶۰	۱۹. تنظیم و ارائه اصول و نظامی هدایتگر جهت دستیابی و پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز در ورزش	
۲۶/۱۵	۲۰. اتخاذ ضوابط و تمهیدات لازم جهت حمایت (سیاست های تشویقی) از مالکان، مدیران و... پایبند به استراتژی سبز	
۳۰/۸۰	۲۱. تنظیم آیین نامه امتیاز دهی زیست محیطی به فضاهای ورزشی و ارائه تسهیلات بهتر به مجریان بهره وری ..	
۱۹/۴۱	۲۲. تعیین ضوابط و معیارهای لازم جهت کاهش مصرف منابع وانرژی و مدیریت بهینه آن در اماکن ورزشی	توسعه و پایداری
۲۰/۲۵	۲۳. تعیین ضوابط و معیارهای ایمنی در روند طراحی، احداث و بهره برداری از اماکن ، تجهیزات... ورزشی	
۱۷/۳۰	۲۴. تبیین و تنظیم دستور العملی در خصوص کیفیت کالا و خدمات ارائه شده توسط سازمان های ورزشی	
۲۰/۷۴	۲۵. اعمال مقررات منع ایجاد مزاحمت های صوتی در اماکن و فضاهای ورزشی کشور	

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می دهد که هفت عامل آموزش و پژوهش، نیروی انسانی، فرهنگ و نگرش، قوانین و مقررات، کنترل و نظارت، مدیریت و برنامه ریزی و کالبدی در پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز در ورزش مؤثر می باشد.

در پژوهش حاضر اثر گذارترین عامل (مؤلفه) در بهره وری سبز، آموزش و پژوهش بود. این یافته ها با نتایج سایر تحقیقات همخوانی دارد. در این زمینه، براتیسادا^۱ (۲۰۱۵: ۲۳) به ضرورت افزایش آگاهی و توسعه مهارت ها جهت ارتقای توسعه سبز (با تمرکز بر بهره وری سبز) اشاره داشته است. فلاح و همکاران (۱۳۹۴: ۱۸۶) عامل آموزش و پژوهش را به عنوان سومین مؤلفه اصلی بهره وری سبز ذکر کردند. اینمیکسای (۲۰۱۷) آگاه سازی را گام اول در مسیر بهره وری پایدار معرفی و اطلاع از ابزارهای آن را برای رشد بهره وری سبز ضروری دانسته است (به نقل از هورسان و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵). به نظر می رسد عامل آموزش و پژوهش، از طریق آگاه سازی و آموزش اهداف (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) بهره وری سبز، قدرت تولید نیروی کار را افزایش می دهد و موجب عرضه کالا و خدمات ورزشی بهتر و ارزنده تری می شود. بنابراین با تمرکز بر آموزش و توسعه کارکنان و برگزاری دوره های آموزشی مورد نیاز و انتخاب روش های مناسب کار و نیز انجام پژوهش های کاربردی و بنیادی مرتبط، می توان تمهیدات لازم برای پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز را فراهم آورد.

اولویت دوم در پیاده سازی بهره وری سبز، عامل (مؤلفه) نیروی انسانی می باشد. با نگاهی به تحقیقات صورت گرفته روشن می شود که نتایج این تحقیقات همراستا با پژوهش حاضر است. عامل نیروی انسانی در تحقیقات ندری (۱۳۸۸: ۱۹۹)، غلامرضا پور (۱۳۸۹: ۱۷۵) و فروغی پور و همکاران (۱۳۹۰: ۱۸) به عنوان عوامل مؤثر در بهره وری اماکن ورزشی استان های لرستان، مازندران و همدان بیان گردیده است. آرمین و همکاران (۱۳۹۱: ۵۹) نیروی انسانی را (به لحاظ اهمیت) به عنوان دومین عامل مؤثر در افزایش بهره وری اماکن و فضاهای سرپوشیده استان کرمان معرفی کرده است. مسجدی و رضایی صوفی (۱۳۹۵: ۱۵۴) نیروی انسانی ماهر و تعداد استفاده کنندگان از اماکن ورزشی را از عوامل مؤثر افزایش بهره وری اماکن ورزشی شهرداری اصفهان اعلام نموده است. زمانی (۱۳۹۰: ۱۴۷) نیروی انسانی را به عنوان چهارمین جزء نظام بهره وری سبز در شرکت سایپا معرفی نمود. لوگاموسو و سوهایزا (۲۰۱۰: ۴۹) سلامت و ایمنی کارکنان و افزایش سطح مشارکت نیروی انسانی را موجب بهبود بهره وری سبز دانستند. همچنین، گاندهی و همکاران (۲۰۱۵: ۹۶) به ضرورت تخصص فنی انسانی برای موفقیت طرح های زنجیره تامین سبز اشاره داشتند. لونو و هاریانی^۲ (۲۰۱۷) هم عامل کیفیت منابع انسانی را در رشد بهره وری سبز مؤثر دانستند (به نقل از هورسان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱). به نظر می رسد تخصص مرتبط مدیران و توجه آنان به داشتن کارکنانی با سابقه، با انگیزه و مثبت نگر و ایجاد جوی صمیمانه در محیط کار در پیشبرد اهداف سازمان های ورزشی و بالا بردن عملکرد افراد تأثیر بسزایی دارد. همچنین، وجود سیستم مناسب پرداخت حقوق و دستمزد و پاداش بر اساس عملکرد، سبب بوجود آمدن حس رقابت و افزایش بهره وری سازمان می شود (کیانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶). لذا لازم

1. Bratasida

2. Lelono & Haryani

است جهت اجرای سیاست‌های کارآمد بهره‌وری سبز به نیروی انسانی به عنوان دارایی‌های هوشمند سازمان ورزشی توجه شود.

عامل (مؤلفه) فرهنگ و نگرش، اولویت سوم در پیاده‌سازی بهره‌وری سبز در ورزش را به خود اختصاص داد. نتایج این بخش در راستای یافته‌های سایر تحقیقات بود. حاج حسینی مهریزی و همکاران (۱۳۹۰: ۵) ایجاد و حفظ انگیزش پرسنل در کل فرایند صنایع نساجی و صالحی و همکاران (۱۳۹۱: ۸۳) ایجاد جوی صمیمانه در محیط کار بین کارکنان و مدیران را از عوامل تاثیر گذار در بهره‌وری سازمان بیان کردند. جعفری (۱۳۹۴: ۱۲) عوامل اجتماعی - فرهنگی و حفاظت از محیط زیست را در بهره‌وری سبز مؤثر دانسته است. فلاح و همکاران (۱۳۹۴: ۱۸۶) عامل فرهنگ را به عنوان دومین مؤلفه اصلی بهره‌وری سبز در سازمان مترو تهران معرفی کردند. همچنین، لونو و هاریانی (۲۰۱۷) عامل فرهنگ را در رشد بهره‌وری سبز اثر گذار و جعفری و معمار زاده طهران (۱۳۹۶: ۲۴۰) عامل فرهنگ را در رشد بهره‌وری سبز و بهره‌وری کارکنان مؤثر دانستند. به نظر می‌رسد که ترویج تفکر سبز اندیشیدن و مشارکت دادن کارکنان در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین اهداف و برنامه‌های بهره‌وری سبز باعث احساس مسئولیت بیشتر کارکنان و در نهایت افزایش بهره‌وری و کارایی سازمان می‌شود. در واقع می‌توان گفت که فرهنگ عامل تعیین‌کننده رفتارهای افراد در جامعه است و رفتارهای تک تک افراد نشأت گرفته از این عامل مهم می‌باشد (ادهمی و اکبر زاده، ۱۳۹۰: ۵۶). از این رو جهت پیاده‌سازی استراتژی بهره‌وری سبز باید مد نظر قرار گیرد.

اولویت چهارم در پیاده‌سازی بهره‌وری سبز در ورزش، عامل (مؤلفه) قوانین و مقررات می‌باشد. هویی شی و همکاران (۲۰۱۷: ۱۰۵) اتخاذ مقررات استراتژیک را به طور مثبت با بهره‌وری سبز مرتبط دانسته و کامرال وشمس (۲۰۱۷: ۱۹۱) فقدان قوانین مربوط به بهره‌وری سبز، نبود حمایت از مدیریت ارشد و کمبود انگیزه‌های دولت و عدم حمایت مالی را از مهم‌ترین چالش‌های برنامه‌های سبز قلمداد نموده‌اند. در تحقیق فلاح و همکاران (۱۳۹۴: ۱۸۶) مؤلفه قوانین و مقررات به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه بهره‌وری سبز در سازمان مترو تهران معرفی شده است. یافته‌های تحقیق، بیانگر گستردگی و عمق این مولفه است و باید اذعان نمود که رعایت قوانین و مقررات و تلاش برای درست انجام دادن کارها باعث تداوم، رشد و شکوفایی سازمان می‌شود که خود اشاره به مفهوم بهره‌وری دارد. به نظر می‌رسد که لزوم ارائه دستورالعمل‌ها و تنظیم آیین‌نامه‌ها از سوی سازمان‌های بالادستی - جهت پیاده‌سازی استراتژی بهره‌وری سبز - در اولویت‌های پایین‌تر از آموزش و پژوهش، نیروی انسانی و فرهنگ و نگرش قرار گرفته است. شاید دلیل آن مربوط به مفهوم و ماهیت بهره‌وری سبز است، چرا که آن بیشتر طرز نگرش و مدیریت است و چه بسا که الزام کارگزاران در اقدام به آن تاثیر چندانی نداشته باشد.

عامل (مؤلفه) کنترل و نظارت، در اولویت پنجم پیاده‌سازی بهره‌وری سبز در ورزش جای گرفت. نتایج این بخش با یافته‌های پژوهش ندری (۱۳۸۸: ۱۱۹)، غلامرضا پور (۱۳۸۹: ۱۷۵) و آرمین و همکاران (۱۳۹۱: ۵۸) که بخش نظارت و ارزیابی را به عنوان عامل مؤثر در بهره‌وری اماکن ورزشی استان‌های لرستان، مازندران و کرمان عنوان کرده‌اند، همخوانی دارد. همچنین جعفری و معمار زاده طهران (۱۳۹۶: ۲۴۰) مؤلفه ارزیابی عملکرد را از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بهره‌وری سازمان و نیروی انسانی معرفی کردند. هویی شی و همکاران (۲۰۱۷: ۱۰۵) عامل نظارت و کنترل را بطور مثبت با بهره‌وری سبز مرتبط دانسته است. شاید یکی از دلایل

قرار گرفتن این مؤلفه در اولویت پایین تر، مشخص نبودن شاخص های موجود و ملاک های مد نظر (مطابق با ملاحظات زیست محیطی) در بهره وری سبز ورزش باشد. پس باید شرح وظایف، تعیین و ملاک ها به طور شفاف بیان گردند. مؤلفه کنترل و نظارت به عنوان ابزاری مطمئن، با ایجاد نظم در تمام فرایند سازمان های ورزشی موجب تحقق برنامه های استراتژی بهره وری سبز می شود.

عامل ششم در پیاده سازی بهره وری سبز در ورزش، مؤلفه مدیریت و برنامه ریزی می باشد. در این راستا، فروغی پور و همکاران (۱۳۹۰: ۱۸) بخش مدیریت و برنامه ریزی را عامل مؤثر در بهره وری اماکن ورزشی همدان اعلام کرده اند. غلامرضا پور (۱۳۸۹: ۱۷۵) عوامل «مدیریت» و عوامل «برنامه ریزی» را به طور مجزا به عنوان دو مؤلفه اصلی مؤثر در شیوه های بهره وری اماکن ورزشی مازندران اعلام کرد و آرمین و همکاران (۱۳۹۱: ۵۸) بخش مدیریت را به عنوان مؤثرترین عامل در بهره وری اماکن ورزشی سرپوشیده استان کرمان معرفی کردند. گاندهی و همکاران (۲۰۱۵: ۹۶) تعهد بالای مدیریتی را از عوامل مؤثر در موفقیت طرح های زنجیره تامین سبز مطرح نمودند. در تحقیق فلاح و همکاران (۱۳۹۴: ۱۸۶) مؤلفه مدیریت جزو مؤلفه های اصلی و از لحاظ رتبه بندی در جایگاه چهارم قرار گرفته است. در تحقیق راستگو و همکاران (۱۳۹۶: ۱۱) اثر عوامل مدیریتی بر بهره وری مورد تأیید و جعفری و معمار زاده طهران (۱۳۹۶: ۲۴۰) مؤلفه حمایت سازمانی، وضوح شغل و سبک مدیریت را در بهره وری کارکنان مؤثر دانستند. ژیانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۷) رشد بهره وری سبز را مستلزم تغییر کارایی ساختاری عنوان نمودند (ژیانگ، جین فیلیپ و هرو^۲، ۲۰۱۷: ۳۷). علیرغم این که این مؤلفه در اولویت های پایین تر جای گرفته، لیکن با اتخاذ سبک مدیریتی صحیح و برنامه ریزی اصولی می توان موجبات پیاده سازی استراتژی بهره وری سبز را فراهم آورد.

در آخرین اولویت از نظر تاثیر گذاری، عامل (مؤلفه) کالبدی قرار دارد. نتایج این بخش تحقیق در راستای پژوهش ندری (۱۳۸۸: ۱۱۹) و فروغی پور و همکاران (۱۳۹۰: ۱۸) بوده که بخش کالبدی را به عنوان عامل مؤثر در بهره وری اماکن ورزشی استان لرستان و همدان بیان کردند. همچنین غلامرضا پور (۱۳۸۹: ۱۷۵) و مسجدی و رضایی صوفی (۱۳۹۵: ۱۵۴) امکانات و تجهیزات را به عنوان عامل مؤثر در بهره وری اماکن ورزشی استان مازندران و شهرداری اصفهان برشمردند. ژیانگ و همکاران (۲۰۱۷: ۳۷) رشد بهره وری سبز در سطح کلان را مستلزم پیشرفت تکنولوژی، تغییر کارایی فنی و تغییر کارایی ساختاری دانستند. علیرغم این که این مؤلفه از حیث اهمیت در آخرین اولویت قرار گرفته، اما به دلیل گستره ی تاثیرش در طراحی، ساخت، تعمیرات و نگهداری فضاها و ورزشی از عوامل حائز اهمیت است و از آن جا که اماکن و تأسیسات ورزشی از ارکان مهم ورزش کشور هستند، باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

در مجموع با توجه به یافته های تحقیق مبنی بر وجود هفت مؤلفه اثر گذار در پیاده سازی بهره وری سبز در ورزش، پیشنهاد می شود مدیران سازمان های ورزشی با اتخاذ تصمیمات درست، بسترهای لازم برای اجرای استراتژی بهره وری سبز را فراهم آورند. به منظور تحقق این مهم می باید به طور مستمر به ایجاد ساز و کارهای آموزشی و پژوهشی در راستای ایجاد، حفظ و تداوم بهره وری سبز پرداخت، چرا که آموزش و پژوهش یکی از مهمترین اقدامات برای افزایش کارآمدی و افزایش بهره وری سازمان های ورزشی محسوب می شود. نظر به این که ارتباط بهره وری سبز با نیروی انسانی انکار ناپذیر است و انسان صاحب دانش و تخصص

1. Zhiyang

2. Zhiyang, Jean-Philippe & Hervé

می‌تواند از منابع سازمان بهترین استفاده را نماید، پیشنهاد می‌شود به مؤلفه «نیروی انسانی» به عنوان دارایی‌های هوشمند در سازمان‌های ورزشی توجه ویژه شود. اجرای بهره‌وری سبز بدون توجه به مقوله فرهنگ، بسیار مشکل است. فرهنگ سازمان هم نشأت گرفته از فرهنگ و نگرش افراد است. لذا پیشنهاد می‌شود برنامه ریزی لازم جهت نهادینه شدن مؤلفه فرهنگ و نگرش - به عنوان عامل حیاتی به منظور هدایت رفتارهای اعضای جامعه به سوی بهره‌وری سبز - صورت پذیرد.

نظر به این که عامل کنترل و نظارت، ابزار مطمئنی برای رشد و توسعه و بهره‌وری سازمان‌های ورزشی است، پیشنهاد می‌شود دستور العمل‌های دقیق نظارتی به همراه قوانین و مقررات لازم با همکاری دستگاه‌های ورزشی در راستای اهداف بهره‌وری سبز تهیه و جهت اجرا ابلاغ گردد. همچنین برای بهبود و ارتقای بهره‌وری سبز باید مهارت‌های فنی مورد نیاز مدیران ورزشی شناسایی و برنامه ریزی لازم جهت ارتقای آن انجام گیرد.

همچنین سعی شود با ملاحظه شرایط فرهنگی و اجتماعی هر منطقه با توجه به استانداردها و معیارهای بین‌المللی رشته ورزشی مورد نظر، امکان استفاده بهینه و مقرون به صرفه از اماکن و تأسیسات ورزشی - به عنوان ارکان مهم ورزش کشور - محقق گردد و زمینه اجرای هر چه سریعتر بهره‌وری سبز در ورزش فراهم آید.

منابع

- ادهمی، عبدالرضا؛ اکبرزاده، الهام. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل فرهنگی موثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران (مطالعه موردی: مناطق ۵ و ۱۸ تهران)». نشریه جامعه شناسی مطالعات جوانان. شماره ۱، صص ۶۲-۳۷.
- اسدی، رضا. (۱۳۹۱). «بهره وری سبز کلید توسعه پایدار». ماهنامه استاندارد. تهران. شماره ۲۳۰، صص ۱۱-۶.
- آذر، عادل؛ غلامزاده، رسول و قنواتی، مهدی. (۱۳۹۱). مدل سازی مسیری- ساختاری در مدیریت. چاپ اول، نشر نگاه دانش
- آرمین، مهدی؛ قهرمان تبریزی، کوروش و نورایی، طهمورث. (۱۳۹۱). «بررسی شیوه های افزایش بهره وری اماکن و فضاهای سرپوشیده ورزشی از دیدگاه مدیران ورزشی استان کرمان». پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، گرایش مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- جعفری، امیر و معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۹۶). «شناسایی مولفه های موثر بر بهره وری کارکنان در یک سازمان بهداشت و درمان نظامی». مجله طب نظامی. شماره ۳، صص ۲۴۴-۲۳۴.
- جعفری، سیده فرزانه. (۱۳۹۴). «ارائه مدلی به منظور شناسایی عوامل موثر بر بهره وری سبز در صنایع بوشهر و تأثیر آن بر کاهش آلودگی محیط زیست (مورد مطالعه: شهرک صنعتی منطقه ویژه اقتصادی بوشهر)». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خلیج فارس.
- چرنوشنکو، دیوید. (۱۳۸۴). مدیریت پایدار ورزش. مهری آزادی. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک
- حاج حسینی مهریزی، کاظم؛ محرم نژاد، ناصر؛ سالاری، امیرحسین و سالاری، شبنم. (۱۳۹۰). «ارائه مدل اجرایی مدیریت بهره وری سبز در صنایع نساجی». سومین کنفرانس ملی مهندسی نساجی و پوشاک. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- داوری، علی؛ رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار pls. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- راستگو، سمانه؛ میرکاظمی، سیده عدرا؛ خراشادیزاده، محمد. (۱۳۹۶). «طراحی مدل مفهومی عوامل موثر بر بهره وری نیروی انسانی در فدراسیون های ورزشی کشور». فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. دانشگاه گیلان، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۵-۱.
- زمانی، محسن. (۱۳۹۰). «شناسایی الزامات اجرا نظام بهره وری سبز و اولویت بندی آنها با استفاده از تکنیک های تصمیم گیری چندمعیاره MCDM (مورد مطالعه شرکت سایپا)». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- سجده ای، فراز. (۱۳۹۵). کارگاه تدوین سیاست های ارتقای بهره وری سبز در تایپه- تایوان. تهران: شرکت بهینه سازی مصرف سوخت ایران
- صالحی، سید رسول؛ حسین پور، محمد؛ برکت، غلامحسین. (۱۳۹۱). «عوامل موثر بر افزایش بهره وری نیروی انسانی در شهرداری اهواز». فصلنامه مطالعات مدیریت شهری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۱۲، صص ۹۵-۷۸.
- طوبی، زینب. (۱۳۹۳). «شناسایی و اولویت بندی مولفه های بهره وری سبز در کارخانه زمزم تهران با استفاده از روش TOPSIS». اولین کنفرانس بین المللی مهندسی محیط زیست.

- عابدی، زهرا و شریعت مداری، آیدا. (۱۳۹۵). «نگاهی به بهره وری سبز». دوره آموزشی بهره وری سبز و محیط زیست.
- غلامرضایپور، مصیب. (۱۳۸۹). «بررسی شیوه بهره برداری و تعیین عوامل موثر بر بهره وری اماکن ورزشی استان مازندران». پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی و غیر انتفاعی شمال-آمل.
- فروغی پور، حمید؛ صابونچی، رضا و تیب، هادی. (۱۳۹۰). «ارزیابی بهره وری اماکن ورزشی از دیدگاه دبیران تربیت بدنی همدان». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۱۱. صص ۸۹-۹۷.
- فلاح، صابر؛ رضوی، سیدحمیدرضا؛ ایمانی، عبدالمجید و امامقلی زاده، سعید. (۱۳۹۴). «شناسایی و رتبه بندی مولفه های استراتژی بهره وری سبز با رویکرد FAHP (سازمان مترو تهران)». نشریه پژوهش های مدیریت عمومی. شماره ۲۸. صص ۱۶۷-۱۹۱.
- کیانی، ندا و رادفر، رضا. (۱۳۹۴). «شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر بهره وری سازمان با استفاده از مدل دیماتل». فصلنامه مدیریت بهره وری دانشگاه آزاد اسلامی. شماره ۳۵. صص ۱۳۰-۱۱۱.
- کاشف، میر محمد. (۱۳۸۸). مدیریت اماکن و فضاهای ورزشی. تهران: انتشارات بامداد کتاب
- مسجدی، محمد و رضایی صوفی، مرتضی. (۱۳۹۵). «عوامل موثر برافزایش بهره وری اماکن و فضاهای ورزشی شهرداری دراستان اصفهان». مقالات پوستر دومین همایش ملی انجمن علمی مدیریت ورزشی.
- ندری، امیر. (۱۳۸۸). «مطالعه میزان بهره وری اماکن ورزشی استان لرستان و ارائه مدل». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هورسان، حسام؛ هورسان، فائزه و بهرام نژاد، پریسا. (۱۳۹۶). «مجموعه سخنرانی ها و گزارش های کشوری پنجاه و نهمین اجلاس شورای حکام سازمان بهره وری آسیا». سازمان ملی بهره وری ایران. صص ۲۷-۲۱.
- Batuwitage, L. P. (2015). "Policy Development for Green Productivity Promotion in the Srilanka". Workshop on Policy Development for Green Productivity Promotion, Taipei, Republic of China, PP 54-55.
- Bratasidam, L. (2015). "Green Productivity and sustainable development". Workshop on Policy Development for Green Productivity Promotion, Taipei, Republic of China, PP 23-26.
- Gandhi, M., Selladurai, V., Santhi, P. (2006). "Green productivity indexing: A practical step towards integrating environmental protection into corporate performance". International Journal of Productivity and Performance Management, Vol. 55. No. 7.
- Hui, X., Yi-jun, Yuan. , Jing-jing, H. (2017). "Different Types Environmental Regulations and Heterogeneous Influence on "Green" Productivity: Evidence from China". Ecological Economics. Vol. 132, PP 104-112.
- Hulland, J. (1999). "Use of Partial Least Squares (PLS) in Strategic Management Research: A Review of Four Recent Studies". Strategic Management Journal, vol. 20, NO 2, PP 195-204.

- Kamrul .A, Shams. R. (2017). **“Green public procurement implementation challenges in Australian public healthcare sector”**. Journal of Cleaner Production, Vol. 152. PP 181-197.
- Logamuthu, L., Suhaiza, Z. (2010). **“Factors Influencing the Implementation of Green Productivity Practices and its Effect on the Organisational Performance: A Comparision Study Between EMS 14001 and ISO 9000 Certified Companies in Malaysia”**. Asian Journal of Information Technology, PP 45-53.
- Myers, L. S, Gamest. G & garuno, A. J. (2017). **Applied Multivariate Research (Design and Interpretation)**. Tehran, Rosh
- Zhiyang .S, Jean-Philippe. B, Hervé .L. (2017). **“Aggregate green productivity growth in OECD’s countries”**. International Journal of Production Economics, Vol. 189, PP 30-39.

تحلیل وضعیت تولید برنامه‌های ورزشی تلویزیون

پروانه گلرد^۱

مهدی مرادی^۲

داوود عزیزی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۰

هدف این تحقیق، بررسی وضعیت موجود تأمین محتوای برنامه‌های ورزشی تلویزیون و عوامل پیدایش آن و تبیین وضعیت مطلوب بود. روش این پژوهش، کیفی و از نوع نظریه زمینه‌ای یا مبنایی بود. جامعه آماری پژوهش برگرفته از دو بخش متخصصان رسانه‌ای درون سازمان صدا و سیما و خارج از سازمان بود. متخصصان سازمان صدا و سیما شامل سه گروه تهیه‌کنندگان، کارگردانان و نویسندگان برنامه‌های ورزشی، مدیران گروه‌های ورزش تلویزیون و سیاست‌گذاران ورزش سازمان صدا و سیما بودند و در بخش متخصصان رسانه‌ای بیرون از سازمان صدا و سیما نیز از نظرات متخصصان رسانه‌ای/ورزشی و اساتید دانشگاه استفاده شد. روش نمونه‌گیری نظری و ابزار تحقیق مصاحبه نیمه ساخت یافته بود. با اینکه پس از انجام ۱۷ مصاحبه به این نتیجه دست یافتیم که اطلاعات جدید همان تکرار اطلاعات قبلی است، به منظور افزایش تنوع و غلظت مفهومی بیشتر نظریه، تا ۲۰ مصاحبه انجام شد. یافته‌ها اذعان داشت که برای تأمین محتوای چندوجهی و مطلوب، باید تلویزیون از انحصار دولت خارج شود تا با تمرکززدایی و ایجاد فضایی مبتنی بر شایسته سالاری بتوان تعامل و همکاری تلویزیون و متولیان ورزش را ایجاد کرد. بنابراین، استفاده از کارشناسان و متخصصان در تولید محتوا، تأمین محتوا بر اساس نرم‌افزارهای آنالیز، تشکیل گروه مطالعاتی پیش از تولید، سهم‌بندی عادلانه مؤلفه‌های ورزش، دعوت از صاحب‌نظران با تخصص‌های مختلف در برنامه، شناخت نیازهای واقعی مخاطبان و تعامل دو سویه با آن‌ها می‌تواند چنین رویکردی را محقق سازد.

واژگان کلیدی: تأمین محتوا، نظام تولید، برنامه‌های ورزشی، تلویزیون، ورزش قهرمانی و ورزش همگانی

۱. دانشیار، دانشکده مدیریت، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: p_gelard@yahoo.com

۲. دکترای تربیت بدنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکترای مدیریت دولتی، گرایش تصمیم‌گیری و خط مشی دولتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

ورزش در سطح بین‌المللی به صورت بخشی از زندگی روزمره هر فردی در روابط مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، سازمانی، اجتماعی و میان فردی درآمده است و قدرت ورزش فراتر از نقش نمادین آن می‌باشد (ایتانگ، ۲۰۰۶: ۳۹۴-۳۸۶). سازمان تربیت بدنی و ورزش کشور (وزارت ورزش و جوانان کنونی) در راستای توسعه ورزش، مدلی جامع بر اساس مطالعات تطبیقی و کسب نظر از خبرگان و صاحب‌نظران طراحی کرده است. این مدل شامل چهار مؤلفه کلان توسعه راهبردها و سیاست‌ها، توسعه ورزش و تفریحات سالم، پشتیبانی برای توسعه ورزش و تفریحات سالم، و هماهنگی و نظارت می‌باشد. ورزش و تفریحات سالم به عنوان فرآیند اصلی نظام جامع به چهار دسته ورزش همگانی، ورزش آموزشی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای تقسیم شده است (مرادی، ۱۳۸۹: ۸).

ورزش آموزشی^۱ (تربیتی) به ورزش مدارس و دانشگاه‌ها می‌پردازد. هر یک از مراحل رشد، بازی‌های خاص خود را دارد. بازی‌ها به کودکان کمک می‌کنند تا دنیای خود را کشف و با محیط و جامعه تعامل برقرار کنند. در بازی و دروس تربیت بدنی و ورزش، دانش‌آموزان نقش‌های گوناگون را تجربه می‌کنند (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۱۸۴-۱۱۸). ورزش همگانی^۲ به عنوان تربیت بدنی و ورزش برای همه تعریف می‌شود و هرگونه فعالیت جسمی با هدف بهبود جسمانی و روانی برای همه اقشار جامعه است (مرادی، ۱۳۸۹: ۹). فعالیت بدنی، همواره جزء مکملی از زندگی فرد و خانواده بوده است و در ارتباط خانوادگی و فعالیت‌های اجتماعی نقش به سزایی داشته است. با فعالیت‌های تفریحی در اوقات فراغت، اعضای خانواده به لذت و شادی دست می‌یابند و در پی آن امنیت و آسایش روانی و اجتماعی، تأمین بهداشت و زندگی سالم (به عنوان یکی از دستاوردهای تربیت بدنی) فراهم می‌شود (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۱۸۴-۱۱۸). ورزش قهرمانی^۳ به عنوان تربیت بدنی و ورزش برای کسب جایگاه رتبه‌مند تعریف می‌شود و عبارت است از ورزش‌های رقابتی و سازمان یافته‌ای که با توجه به قوانین و مقررات خاص برای ارتقای رکوردهای ورزشی و کسب رتبه یا مدال انجام می‌شوند. ورزش حرفه‌ای^۴ فعالیت‌های ورزشی و سازمان یافته‌ای است که به صورت رتبه‌مند و هدفمند، به منظور کسب درآمد و برای توسعه ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شود. ویژگی این ورزش، «رونق‌زایی» است. یکی از منابع مالی ورزش حرفه‌ای در سند نظام جامع توسعه ورزش کشور، پخش تلویزیونی در نظر گرفته شده است (سازمان تربیت بدنی سابق، ۱۳۸۴: ۸۱-۵۶).

در عصر کنونی، تلویزیون قدرتمندترین رسانه و یکی از پایه‌های اصلی وسایل ارتباط جمعی است که به منزله پلی ارتباطی میان میدان‌های ورزشی و افکار عمومی عمل می‌کند (عبدلی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). تلویزیون از حدود سال‌های ۱۹۵۰ به بعد، به کالای مصرفی عمومی تبدیل شد، خانواده‌ها آن را به سرعت پذیرفتند و به جمع خانوادگی خود راه دادند (سعدی‌پور و علی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰۹). برخی از کشورها اقدام به راه‌اندازی شبکه‌های تخصصی برای این چهار دسته ورزش نموده‌اند و در عین حال، رویدادهای این حوزه‌ها از اقبال زیادی در بین برنامه‌سازان تلویزیونی ورزشی کشورهای پیشرفته برخوردار است (صادقی، ۱۳۹۰: ۹۸-۵۴).

1. Educational Sport
2. Public Sports
3. Athletic Sports
4. Professional Sports

صاحب‌نظران رسانه، تلویزیون را از سه منظر مطالعه می‌کنند. این سه منظر یا به تعبیر دالگرن^۱ سه بعد منشور، شامل صنعت (تولید)، مجموعه‌ای از متون دیداری - شنیداری و نیز یک تجربه اجتماعی - فرهنگی (مخاطبان) است.

منظر اول، منظری است که در آن به تولید تلویزیون پرداخته می‌شود. در تولید به سازمان رسانه‌ای به عنوان جایگاه معینی که در آن فرآورده‌های رسانه‌ای تولید می‌شود، توجه می‌گردد (دالگرن، ۱۳۹۰: ۱۸).

منظر دوم، متن تلویزیونی مد نظر است. مشهورترین و در دسترس‌ترین گواه فعالیت رسانه‌های جمعی، آثاری است که توسط آن‌ها تولید و پخش می‌شود. به همین دلیل است که این آثار بیش از سایر جنبه‌های دیگر رسانه‌ها، توجه پژوهشگران و مفسران را به خود جلب کرده است. این مجموعه مطالب گسترده، متنوع و دگرگون شونده را بر حسب قرارداد «محتوای رسانه‌های جمعی» خوانده‌اند (مک‌کوائل، ۱۳۸۸: ۸۲).

نتیجه پرداختن به محتوای تلویزیون در طی سالیان متمادی، رسیدن به نوعی طبقه‌بندی و مقوله‌بندی محتوایی و ژانری برای تولیدکنندگان و برنامه‌سازان تلویزیونی بوده است (بلاک و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۸ - ۳۲). مقوله یا گونه را می‌توان ابزاری دانست که رسانه جمعی به کمک آن می‌تواند به نحوی مستمر و مؤثر تولید کند و تولیدات خود را با توقعات مشتریان هماهنگ سازد (مک‌کوائل، ۱۳۸۸: ۹۰). این گونه (ژانر) در تحلیل برنامه به کار می‌رود و تمامی روش‌های تولید، عناصر صوری برنامه و نیز توقع و سلیقه مخاطبان از اجزای آن به حساب می‌آید (دالگرن، ۱۳۹۰: ۶۳) و لذا همه ژانرها از قراردادهای معینی پیروی می‌کنند (آسابرگر، ۱۳۸۹: ۲۷).

منظر سوم، به مخاطبان تلویزیون می‌پردازد. در واقع بسیار مهم است که بدانیم مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی چه معنایی را از محتوای تلویزیون دریافته‌اند و سپس بدانیم چه تأثیری را برای مخاطبان در پی داشته است. بینندگان با آنچه که در صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود، تماس برقرار و تفسیر می‌کنند و لذا، برنامه تلویزیونی از این طریق به واسطه تعامل اجتماعی، در دنیای اجتماعی مخاطبان مشارکت می‌کند و در طیف وسیعی از گفتمان‌ها حضور می‌یابد و در معرض تأویل‌های پیاپی قرار می‌گیرد (دالگرن، ۱۳۹۰: ۵۲). از همین منظر، مک‌کوائل مخاطبان را این گونه تعریف می‌کند: «مخاطبان هم محصول زمینه اجتماعی هستند که به ایجاد علایق فرهنگی، فهم‌ها و نیازهای اطلاعاتی مشترکی می‌انجامد و هم واکنشی به الگوهای خاص شرایط رسانه‌ای هستند. در بیشتر موارد مخاطبان هر دوی این‌ها هستند» (مک‌کوائل، ۱۳۸۸: ۸۳). ون د دونک^۲ و همکاران (۲۰۰۵) شش کارکرد رسانه‌ها را شامل نقش خبری، نظرسنجی و گفتگو، فرهنگ، هنر و آموزش، اطلاعات خاص، سرگرمی، تبلیغات تجاری دانستند. از سوی دیگر، وی و یان^۳ (۲۰۰۸) شش کارکرد خبررسانی و اطلاعات، تحلیل و تفسیر، آموزش و جامعه‌پذیری، اقناع و روابط عمومی، فروش و تبلیغات و سرانجام سرگرمی را به عنوان کارکردهای رسانه مطرح کرده بود.

حال با توجه به نقش انکارناپذیر تلویزیون در شکل‌دهی و جهت‌دهی باورها، نگرش و افکار جامعه و همچنین ساخت بستری مناسب در عرصه ورزش، برآنیم تا ببینیم که محتوای برنامه‌های ورزشی تلویزیون تا چه میزان از کیفیت لازم برخوردار می‌باشد؟ چه عواملی موجب پیدایش وضعیت موجود شده است؟ وضعیت

1. Dalgren
2. Van de Donk
3. Vivian

مطلوب تأمین محتوای برنامه های ورزشی تلویزیون کدام است؟
 بنابراین سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از: وضعیت تأمین محتوای برنامه های ورزشی تلویزیون چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش کیفی و از نوع نظریه زمینه ای^۱ یا مبنایی، از نظر هدف بنیادی و از نظر زمان مقطعی بود. جامعه آماری پژوهش برگرفته از دو بخش متخصصان رسانه ای درون سازمان صدا و سیما و خارج از سازمان می باشد. متخصصان سازمان صدا و سیما شامل سه گروه تهیه کنندگان، کارگردانان و نویسندگان برنامه های ورزشی، مدیران گروه های ورزش تلویزیون و سیاست گذاران ورزش سازمان صدا و سیما می باشد. در بخش متخصصان رسانه ای بیرون از سازمان صدا و سیما نیز از نظرات متخصصان رسانه ای/ورزشی و اساتید دانشگاه استفاده نمودیم.

شیوه نمونه گیری در روش نظریه مبنایی متفاوت از شیوه های مرسوم در اغلب روش های دیگر و منطبق با اهداف و ویژگی های خاص این روش می باشد. عنوان نمونه گیری نظری به این دلیل به این شیوه نمونه گیری اطلاق می گردد که مبتنی است بر مفاهیمی که ارتباط نظری آن ها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده است (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ۱۲۷-۲۸). در این تحقیق با اتکا به اصول نمونه گیری در روش نظریه مبنایی، به عنوان نمونه تهیه کنندگان، کارگردانان، نویسندگان و مدیر گروه های ورزش تلویزیون را مورد مطالعه قرار دادیم. پس از آن با ورود به میدان تحقیق و انجام مصاحبه ها با آن ها، همزمان نمونه گیری نظری خود را از متن مصاحبه ها آغاز کردیم. کشفیات و اطلاعات جدیدی که پس از هر مصاحبه به دست می آمد، یاری گر ما در انتخاب نمونه های بعدی بود. بر این اساس سعی بر آن شد تا با انجام مصاحبه های بیشتر، تنوع داده های خود را بالا ببریم و بر غلظت نظریه مبنایی حاصل از تحقیق -که در نتیجه کدگذاری مصاحبه ها و استخراج مقولات از آن ها ساخته و پرداخته می شود- بیفزاییم. در نهایت، با اینکه پس از انجام ۱۷ مصاحبه به این نتیجه دست یافتیم که اطلاعات جدید همان تکرار اطلاعات قبلی است، به منظور افزایش تنوع و غلظت مفهومی بیشتر نظریه، تا ۲۰ مصاحبه را به انجام رساندیم.

یافته های پژوهش

پس از جمع آوری داده ها، اطلاعات کلی در مورد سطح تحصیلات، رشته تحصیلی، حوزه فعالیت، سن و سابقه فعالیت در جدول ۱ بیان شد.

جدول ۱: توصیف آماری برخی از ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

درصد فراوانی	فراوانی	مشخصات	
۴۰	۸	کارشناسی	سطح تحصیلات
۳۵	۷	کارشناسی ارشد	
۲۵	۵	دکتری	
۴۰	۸	تربیت بدنی و علوم ورزشی	رشته تحصیلی
۲۰	۴	علوم ارتباطات	
۴۰	۸	سایر	
۲۰	۴	اجرایی ورزش	حوزه فعالیت
۴۵	۹	اجرایی رسانه	
۳۵	۷	صدا و سیما	
۲۰	۴	زیر ۴۰ سال	سن
۱۰	۲	۴۰ تا ۴۵ سال	
۵	۱	۴۶ تا ۵۱ سال	
۳۰	۶	۵۲ تا ۵۷ سال	
۳۵	۷	بالای ۵۷ سال	
-	-	زیر ۵ سال	سابقه فعالیت
۲۰	۴	۵ تا ۱۵ سال	
۳۵	۷	۱۶ تا ۲۶ سال	
۴۵	۹	بالای ۲۶ سال	

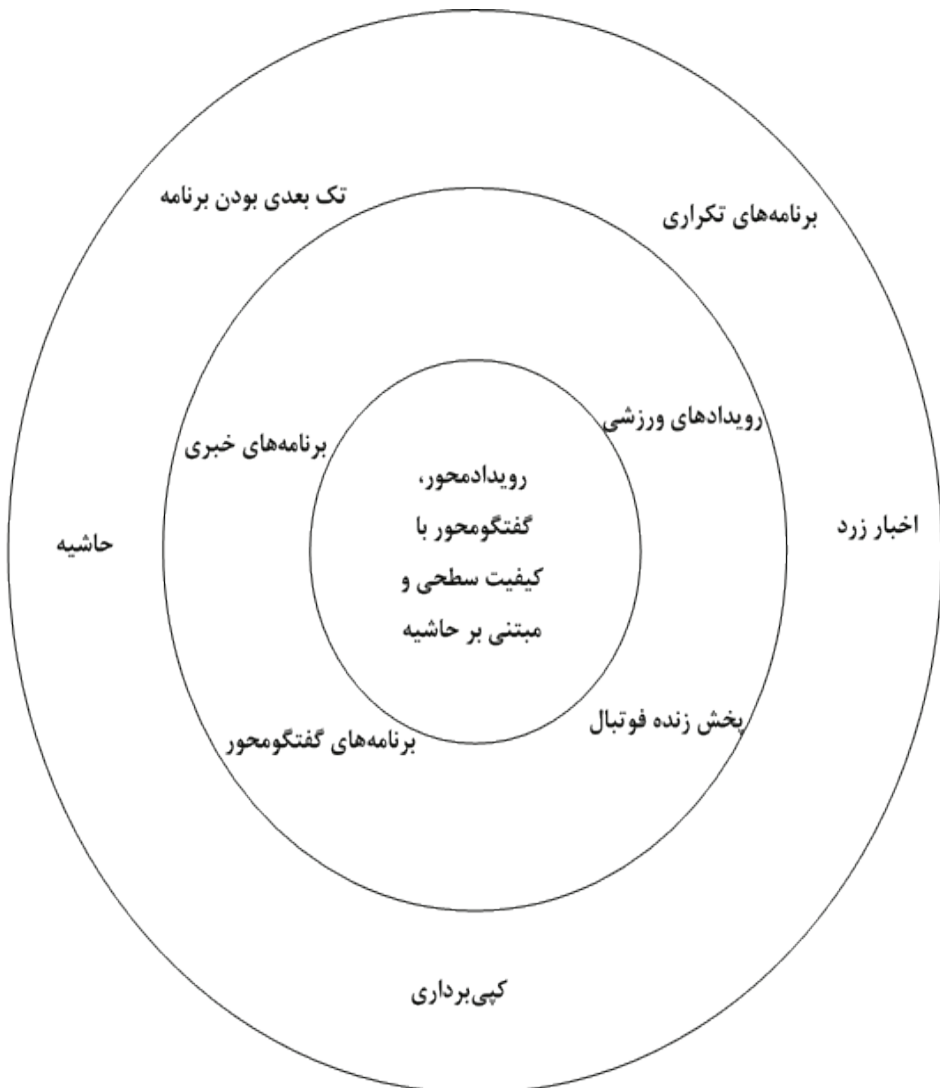
در جدول زیر، انتخاب مقولات و کدگذاری آن‌ها در شرایط علی تأمین محتوای نظام تولید برنامه‌های ورزشی تلویزیون به عنوان نمونه بیان شده است:

جدول ۲: کدگذاری مقولات شرایط علی تأمین محتوای نظام تولید برنامه های ورزشی تلویزیون

ردیف	مقولات حاصل از کدگذاری باز مصاحبه ها	مقولات حاصل از کدگذاری محوری مصاحبه ها	مقولات حاصل از کدگذاری گزینشی مصاحبه ها	جایگاه مقولات در مدل پارادایمی
۱	مدیریت ضعیف تلویزیون - مدیران غیرمتخصص - وجود گروه برنامه ساز غیرمتخصص - نقش تهیه کننده در تولید برنامه های ورزشی بسیار کم رنگ است - برنامه های ورزشی در اولویت آخر صدا و سیما قرار دارد - کمترین میزان بودجه به برنامه های ورزشی اختصاص داده می شود - شناخت سطحی از رسانه - محدودیت فضای کاری در تلویزیون - اولویت نبودن ورزش در سیاست گذاری کلان کشور و تلویزیون - کمبود بودجه و مشکلات مالی - عدم تصمیم گیری مدیران ورزشی در برنامه سازی - الزام به تولید برنامه های کم هزینه - عدم تخصص دست اندکاران تهیه برنامه - انحصاری بودن تلویزیون - عدم امکان ورود افراد خلاق در تلویزیون - اقبال فراوان مخاطب به ورزش قهرمانی و حرفه ای - دولتی بودن تلویزیون - فقدان برنامه مدون تولید برنامه های ورزشی - عدم هم افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی - در اولویت نبودن تولید برنامه های ورزشی در تلویزیون - استفاده ابزاری از ورزش - حذف گروه های ورزشی در شبکه ها - عدم امکان ورود افراد مستعد و متخصص - انحصاری و دولتی بودن تلویزیون - فقدان ضرورت برای تهیه محتوای مطلوب - کمبود امکانات فنی و اجرایی	مدیریت برنامه های ورزشی توسط افراد غیرمتخصص - کم رنگ شدن نقش تهیه کننده در تولید برنامه های ورزشی - بودجه حداقلی برنامه های ورزشی - عدم شناخت برنامه سازان ورزشی از مقوله ورزش - شناخت سطحی از رسانه - محدودیت فضای کاری در تلویزیون - فقدان نظام ارزشیابی کیفیت و محتوا - اولویت نبودن ورزش در سیاست گذاری کلان کشور و تلویزیون - کم هزینه به تولید برنامه های کم هزینه - اقبال فراوان مخاطب به ورزش قهرمانی و حرفه ای - فقدان برنامه مدون تولید برنامه های ورزشی - عدم هم افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی - در اولویت نبودن تولید برنامه های ورزشی در تلویزیون - استفاده ابزاری از ورزش - حذف گروه های ورزشی در شبکه ها - عدم امکان ورود افراد مستعد و متخصص - انحصاری و دولتی بودن تلویزیون - فقدان ضرورت برای تهیه محتوای مطلوب - کمبود امکانات فنی و اجرایی	مدیران و تهیه کنندگان غیرمتخصص - بودجه محدود - اولویت نبودن ورزش در سیاست گذاری کلان کشور و تلویزیون - فقدان نظام ارزشیابی کیفیت و محتوا - جذابیت بیشتر ورزش قهرمانی و حرفه ای برای مخاطب - حذف گروه های ورزش در شبکه های تلویزیونی - عدم هم افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی	شرایط علی

همان طور که در ادامه مشاهده می‌شود: شکل ۱ به مدل تأمین محتوای موجود نظام تولید برنامه‌های ورزشی تلویزیون، شکل ۲ به مدل شرایط علی وضعیت موجود تأمین محتوای برنامه‌های ورزشی تلویزیون و شکل ۳ به مدل تأمین محتوای نظام تولید مطلوب برنامه‌های ورزشی تلویزیون اشاره دارد.

- تأمین محتوای موجود نظام تولید برنامه‌های ورزشی تلویزیون



شکل ۱: مدل تأمین محتوای موجود نظام تولید برنامه‌های ورزشی تلویزیون

رویدادمحور، گفتگومحور با کیفیت سطحی و مبتنی بر حاشیه

یافته های پژوهش نشان می دهد که از دیدگاه متخصصان مورد مطالعه، وضعیت تولید برنامه های ورزشی تلویزیون از حیث تأمین محتوا شامل برنامه های رویدادمحور و گفتگومحور با کیفیت سطحی و مبتنی بر حاشیه بوده است. در این راستا، اصول، چارچوب و آیین نامه مشخصی در بین دست اندرکاران و تهیه کنندگان برنامه های ورزشی تلویزیون وجود ندارد که بر اساس آن به برنامه سازی بپردازند. یافته ها اذعان دارد که بیشتر رویدادها ورزشی، گزارش ها و برنامه های گفتگو محوری که پخش می شود تک بعدی، ضعیف و سطحی بوده است که می توان از جمله آن ها به پخش زنده با گزارش های ضعیف، برنامه های تکراری مبتنی بر کپی برداری ناقص، تمرکز بر اخبار و حواشی ورزش و عدم تناسب فرم و محتوا اشاره کرد. این عبارات را می توان در موارد زیر مشاهده نمود:

«غالب برنامه های ورزشی تلویزیون، سطحی و در قالب گزارش های ورزشی، گفتگومحور و جُنگ می باشد». «برنامه های ورزشی تلویزیون بیشتر مبتنی بر رویدادهای ورزشی (پخش زنده و غیرزنده مسابقات)، برنامه های ترکیبی و گفتگومحور است. این برنامه ها جنبه آموزشی ندارند و فقط به اطلاع رسانی می پردازند و سطحی هستند».

«برنامه های ورزشی شامل پخش مسابقات و رویدادهای ورزشی، تحلیلی (گفتگومحور) و ترکیبی می شود که پخش رویدادها و مسابقات را نمی توان تولید برنامه ورزشی نامید، زیرا برنامه های تحلیلی عمیق و نه سطحی و کپی برداری شده، می تواند برنامه تولیدی قلمداد شود. برنامه ها حالت عمومی دارند و برای عامه مردم پخش می شود».

«برنامه های ورزشی غالباً پخش زنده مسابقات، فوتبال اروپا و برنامه های گفتگومحور یا ترکیبی است». «برنامه های ورزشی بیشتر جنبه سطحی و زرد داشته و مبتنی بر حاشیه اند. بیشتر برنامه ها به پخش رویدادها می پردازند و در کنار آن نیز چند گفتگو و تحلیل نیز پخش می شود».

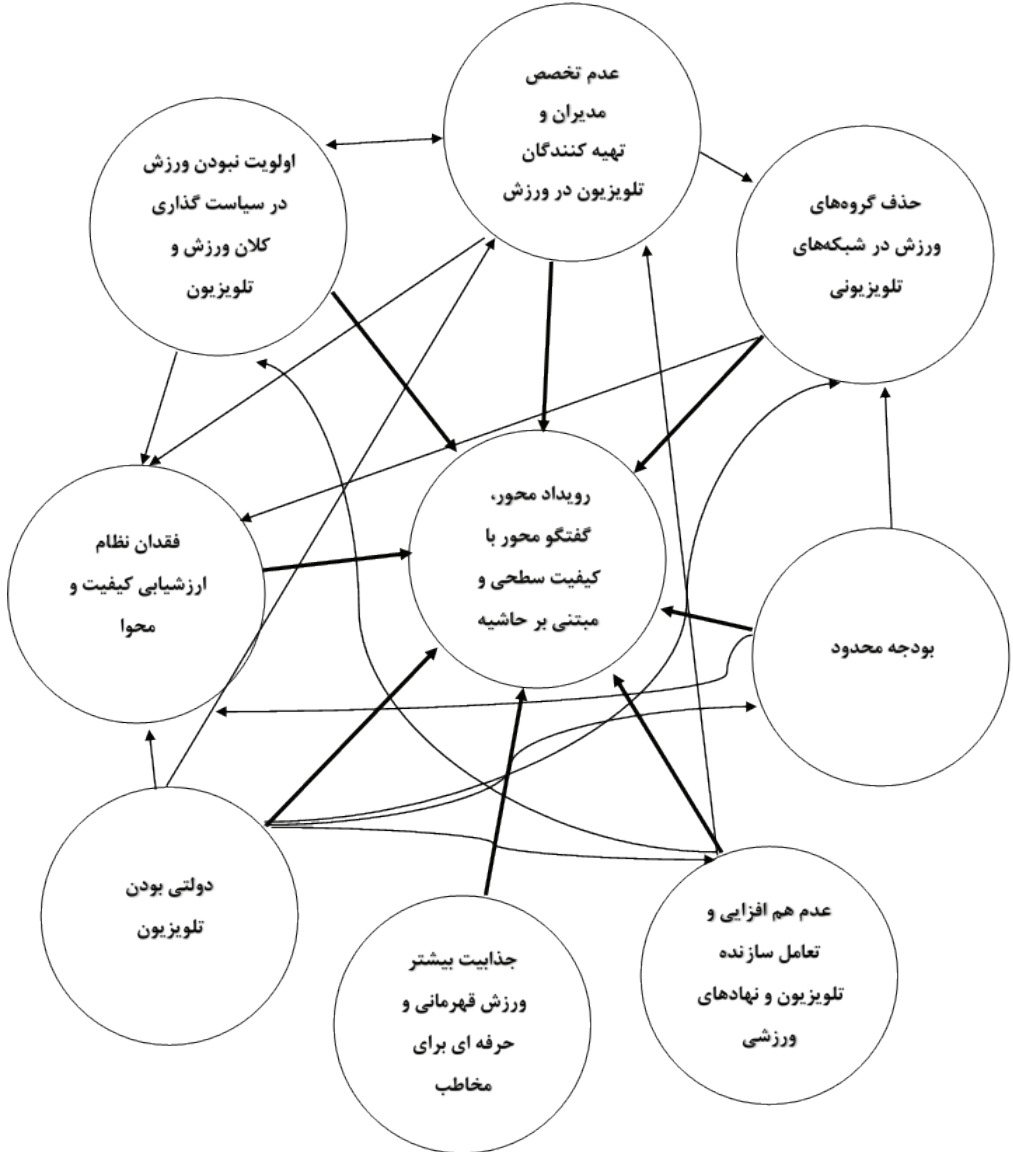
«سطحی کیفی برنامه های ورزشی بسیار پایین و در سطح «ج» و «د» برنامه سازی تلویزیونی است. عمده ترین برنامه های ورزشی تلویزیون، گفتگومحور و رویدادهای ورزشی (به صورت پخش زنده) می باشد. اکثر برنامه های ورزشی جنبه گفتگومحوری و پس از آن اطلاع رسانی دارد. ورزش رسانه، ورزش متن نیست و ورزش حاشیه است».

«برنامه ها به لحاظ کیفی، سطحی و به دنبال حاشیه های ورزش هستند».

«برنامه های ورزشی بسیار نازل و سطحی هستند».

«برنامه های ورزشی به لحاظ کیفی ضعیف و سطحی هستند و برنامه های گفتگومحور و جُنگ های تلویزیونی تفاوتی با برنامه های رادیویی ندارد».

- شرایط علی وضعیت موجود تأمین محتوا در برنامه‌های ورزشی تلویزیون



شکل ۲: مدل شرایط علی وضعیت موجود تأمین محتوای برنامه‌های ورزشی تلویزیون

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه متخصصان مورد مطالعه، عوامل مؤثر در شکل‌گیری تأمین محتوای موجود برنامه‌های ورزشی در تلویزیون (رویدادمحور، گفتگو محور با کیفیت سطحی و مبتنی بر حاشیه)، شامل مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، بودجه محدود، اولویت نبودن ورزش در سیاست‌گذاری

کلان کشور و تلویزیون، فقدان نظام ارزشیابی کیفیت و محتوا، جذابیت بیشتر ورزش قهرمانی و حرفه‌ای برای مخاطب، حذف گروه‌های ورزش در شبکه‌های تلویزیونی، عدم هم‌افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی می‌باشد. این عبارات را می‌توان در موارد زیر مشاهده نمود:

«بودجه محدود، مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، دولتی و انحصاری بودن تلویزیون».

«مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، عدم هم‌افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی موجب پیدایش وضعیت موجود تأمین محتوای برنامه‌های ورزشی تلویزیون».

«مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، فقدان نظام ارزشیابی کیفیت و محتوا».

«دولتی و انحصاری بودن تلویزیون، عدم هم‌افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی، مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص».

«مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص و بودجه محدود».

«فقدان نظام ارزشیابی کیفیت و محتوا».

«مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، اولویت نبودن ورزش در سیاست‌گذاری کلان کشور و تلویزیون».

«مدیریت».

«تأمین محتوای برنامه‌های ورزشی، بودجه محدود، مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، دولتی و انحصاری بودن تلویزیون، فقدان نظام ارزشیابی کیفیت و محتوا».

«بودجه محدود».

«بودجه محدود، دولتی و انحصاری بودن تلویزیون، مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص عوامل تأثیرگذارند».

«مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، دولتی و انحصاری بودن تلویزیون از عوامل اصلی است».

«عوامل اصلی تأثیرگذار شامل حذف گروه‌های ورزش در شبکه‌های تلویزیونی، اولویت نبودن ورزش در سیاست‌گذاری کلان کشور و تلویزیون دولتی و انحصاری بودن تلویزیون، مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص می‌شود».

«دلایل عمده، دولتی و انحصاری بودن تلویزیون، مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص است».

«مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص، اولویت نبودن ورزش در سیاست‌گذاری کلان کشور و تلویزیون،

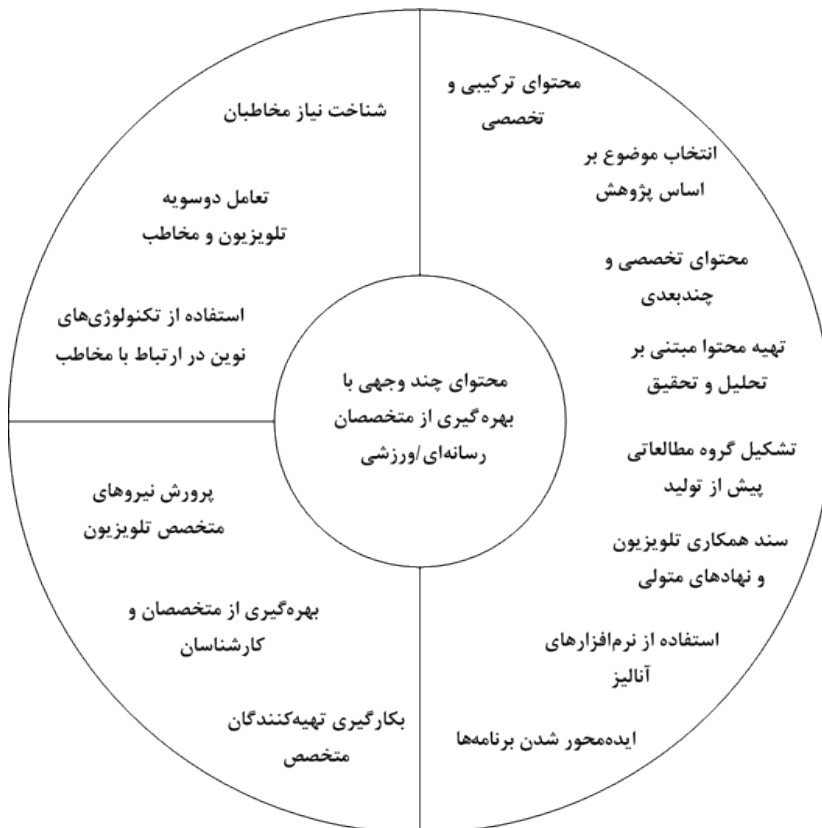
بودجه محدود، حذف گروه‌های ورزش در شبکه‌های تلویزیونی، عوامل اصلی است».

«عدم هم‌افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی، دولتی و انحصاری بودن تلویزیون عوامل عمده است».

«بودجه محدود، اولویت نبودن ورزش در سیاست‌گذاری کلان کشور و تلویزیون از عوامل اصلی محسوب

می‌شود».

- تأمین محتوای نظام تولید مطلوب برنامه‌های ورزشی تلویزیون



شکل ۳: مدل تأمین محتوای نظام تولید مطلوب برنامه‌های ورزشی تلویزیون

- محتوای چندوجهی با بهره‌گیری از متخصصان (رسانه‌ای/ورزشی)

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه متخصصان مورد مطالعه، تولید محتوای برنامه‌های ورزشی مطلوب تلویزیون شامل محتوای چندوجهی با بهره‌گیری از متخصصان (رسانه‌ای/ورزشی) است. در این راستا، محتوای برنامه‌ها باید غالباً ترکیبی و برآمده از دیدگاه عمیق دانشی و تخصصی باشد. این عبارات را می‌توان در موارد زیر مشاهده نمود:

«می‌تواند شامل تهیه محتوا قبل از برنامه، آنالیز تخصصی مسابقات یا برنامه‌ها با استفاده از نرم افزارهای آنالیز، استفاده از مجری، گزارشگر و تیم تهیه مسلط باشد که با بهره‌گیری از متخصصان رسانه‌ای و ورزشی این امر میسر می‌شود».

«محتوای مطلوب برنامه ورزشی شامل ترکیب سلاقی مختلف و متنوع به طوری که ماهیت اصلی برنامه تغییر نکند، مدت زمان متناسب برنامه، استفاده از دکور و عکس و زمینه‌های بصری نو، لحاظ کردن جنبه

آموزشی و سرگرمی، استفاده از مجری متخصص رسانه و ورزش است که با کمک تیم تهیه متخصص (رسانه ای/ورزشی) به سرانجام می رسد».

«محتوای برنامه ها، چند وجهی با بهره گیری از مؤلفه های ورزش و مبتنی بر آموزش به مردم باشد».

«باید از متخصصان ورزش و رسانه ای استفاده نمود و محتوای برنامه ها ترکیبی بشود و به همه ورزش ها به فراخور نیاز بپردازد».

«باید به ابعاد مختلف ورزش از نقش سلامتی گرفته تا مدال آوری توجه داشت، اتاق فکر برای برنامه ایجاد کرد و از متخصصان ورزشی و رسانه ای در حوزه های مختلف بهره مند شد».

«با توجه به اهداف و سیاست های تلویزیون تلاش می کنیم که شرایط به نحوی پیش رود که ورزش های مختلف را با عدالت توزیعی پوشش دهیم و ورزش همگانی و ورزش بانوان در اولویت باشند».

«تأمین محتوای به لحاظ کمی مشکلی ندارد و مخاطبان خود را دارد، ولی به لحاظ کیفی ضعیف هستیم و برای رسیدن به محتوای مطلوب باید در حوزه ورزش و رسانه عمیق تر و تخصصی تر عمل کنیم و دانش خود را افزایش دهیم».

«باید از افراد متخصص در هر حوزه و هم از بعد رسانه ای و هم ورزشی استفاده نمود».

«باید از شورای تخصصی برنامه سازی برای تأمین محتوای برنامه های مطلوب استفاده کرد و تمرکز بر استعدادیابی دقیق، علمی و مبتنی بر برنامه محوری باشد».

«باید نیازسنجی و مخاطب شناسی مبتنی بر پژوهش صورت گیرد و بر اساس نیاز جامعه و مخاطب برنامه تهیه کرد و ذائقه مخاطب را پرورش داد که انجام چنین مواردی با بهره گیری از متخصصان رسانه ای و ورزشی امکان پذیر است».

«محتوا باید ترکیبی و چند وجهی باشد و به فراخور شرایط و نیاز جامعه اولویت ها را تغییر داد».

«زمانی حاصل می شود که تخصصی نگاه کنیم، یعنی از متخصصان رسانه ای و ورزشی بهره مند شویم و محتوای را بر اساس علم واقعی همراه با خلاقیت و ابتکار بیاراییم و به مخاطبان ارائه دهیم».

«باید تهیه کننده قوی و مسلط به کار داشت و در قدم بعد تیم سازی کرد و متخصصان رسانه ای و ورزشی را به کار گرفت و مبنای کار، اعتماد مخاطب، خلاقیت، نوآوری و توجه به پژوهش، استفاده از پشتوانه اطلاعات و استفاده صحیح از ابزارهای رسانه باشد».

«ابتدا باید زیرساخت مناسب را در تلویزیون و در بین همه شبکه ها ایجاد کرد و در قدم بعد از شورای تخصصی برنامه سازی ورزشی در هر شبکه استفاده کرد».

«باید تخصص ورزشی و رسانه ای در اولویت باشد و به اجزای دو حوزه ورزش و رسانه، نگاه تخصصی و فنی داشت».

«چند وجهی با بهره گیری از متخصصان (رسانه ای/ورزشی) باشد».

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان می دهد که مسئولان و تهیه کنندگان برنامه های ورزشی تلویزیون از تخصص لازم برخوردار نیستند. عدم تخصص دست اندرکاران تهیه برنامه موجب ایجاد شناخت سطحی از رسانه شده که در

پی آن ضرورتی برای تهیه محتوای مطلوب نمی‌بینند. بنابراین، هرگاه نیروهای متخصص در تولید محتوا نقشی نداشته باشند، برنامه‌هایی سطحی و بدون پژوهش تهیه می‌شود. از سوی دیگر، چون تلویزیون انحصاری و دولتی است محدودیت فضای کاری وجود دارد، برنامه مدونی برای تولید برنامه‌های ورزشی موجود نیست و ورود افراد خلاق در تلویزیون امکان‌پذیر نمی‌شود. بنابراین فضای رقابتی برای تهیه برنامه‌های ورزشی از بین می‌رود و برای پر کردن برنامه‌ها به پخش رویدادها و مسابقات ورزشی و گفتگوهای سطحی و حاشیه‌ای روی می‌آورند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بودجه محدودی برای تولید برنامه‌های ورزشی وجود دارد، چون که ورزش، اولویت آخر تلویزیون محسوب می‌شود. از سوی دیگر، دولتی بودن تلویزیون و کمبود بودجه و مشکلات مالی موجب شده که تأکید بیشتری روی تولید برنامه‌های کم‌هزینه باشد. بنابراین بهترین حالت پر کردن آنتن با توجه به این شرایط و همچنین راضی نگه داشتن حداقلی مخاطبان، پخش زنده و غیر زنده رویدادهای ورزشی و برنامه‌های گفتگو محور است که چنین برنامه‌هایی نیز بسیار سطحی و مبتنی بر حاشیه هستند، زیرا از گزارشگران ناآشنا و غیرمتخصص به آن رشته استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سیاست‌گذاری کلان کشور و تلویزیون از ورزش به عنوان اولویت یاد نمی‌شود. بنابراین کمترین میزان بودجه به برنامه‌های ورزشی اختصاص داده می‌شود و با توجه به فضای انحصاری و دولتی تلویزیون، فضای کاری محدود شده و از افراد متخصص و خلاق در تلویزیون بهره‌ای نمی‌برند. در چنین شرایطی، ضرورتی برای پژوهش و تولید محتوای مطلوب وجود ندارد، زیرا شناخت سطحی در بین دست‌اندرکاران وجود دارد. از سوی دیگر، چون ورزش قهرمانی و حرفه‌ای در بین مخاطبان از اقبال فراوانی برخوردار است، به پخش رویدادهایی مختلف ورزشی می‌پردازند و جهت سرگرم کردن آن‌ها نیز حاشیه‌های این ورزش‌ها را در قالب برنامه‌های گفتگو محور و با کیفیت محدود و سطحی ارائه می‌دهند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام ارزشیابی جهت بررسی کیفیت و محتوای برنامه‌های ورزشی تلویزیون وجود ندارد. هرگاه مسند امور در دستان مدیران غیر متخصص باشد و ورزش نیز به عنوان اولویت آخر تلویزیون قلمداد و نیز کمترین میزان بودجه به برنامه‌های ورزشی اختصاص داده شود، برنامه مدونی نمی‌توان برای تولید برنامه‌های ورزشی ترسیم کرد. بنابراین برای پر کردن و یا تولید برنامه‌ها، راهی جز سطحی‌نگری و پرداختن به پخش رویدادها و برنامه‌های خنثی و کلیشه‌ای گفتگو محور ندارند که بیشتر مبتنی بر حاشیه‌های ورزش قهرمانی و حرفه‌ای است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای تولید محتوای برنامه‌های ورزشی تلویزیون، ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از جذابیت بیشتری در نزد مخاطبان برخوردار است. به نظر می‌رسد مدیریت ضعیف تلویزیون و عدم تصمیم‌گیری مدیران ورزشی در برنامه‌سازی موجب شده است که از مدیران و تهیه‌کنندگان غیرمتخصص در این حوزه استفاده کنند. از سوی دیگر، با توجه به دولتی و انحصاری بودن تلویزیون، در اولویت نبودن تولید برنامه‌های ورزشی و اختصاص کمترین بودجه به این برنامه‌ها موجب شده محدودیت زیادی جهت برنامه‌سازی دقیق و اصولی به وجود بیاید. بنابراین از نیروهای غیرمتخصص و غیرخلاق در تولید محتوا استفاده می‌شود که خروجی آن پخش رویداد و رقابت‌های ورزشی است که بیشتر خارجی بوده و همچنین تولید برنامه‌های گفتگو محور سطحی و بدون محتوای مطلوب که بیشتر آن‌ها مبتنی بر حاشیه و جنجال‌زایی است.

یافته های پژوهش نشان می دهد که گروه های ورزش در شبکه های تلویزیونی وجود ندارد. به نظر می رسد وجود مدیران غیرمتخصص در تلویزیون و شناخت سطحی آن ها از رسانه و ورزش موجب شده که ورزش در اولویت آخر قرار گیرد.

همچنین، با توجه به وضعیت اقتصادی نامساعد تلویزیون و دولتی بودن آن، فضای رقابتی وجود ندارد. بنابراین برای کاهش هزینه ها، اقدام به حذف گروه های ورزش در شبکه های تلویزیونی می کنند که این تصمیم، تبعاتی را نیز به دنبال دارد. از جمله می توان به مدیریت برنامه های ورزشی توسط افراد غیرمتخصص، انحصاری شدن تولید برنامه های ورزشی برای شبکه ۳، محدودیت فضای کاری در تلویزیون، عدم تصمیم گیری مدیران ورزشی در برنامه سازی، نبود نیروهای متخصص در تولید محتوا، فقدان فضای رقابتی در برنامه های ورزشی تلویزیونی، فقدان ضرورت برای تهیه محتوای مطلوب و عدم تخصص دست اندرکاران تهیه برنامه اشاره نمود. محصول چنین رویکردی تولید برنامه هایی بدون پژوهش، سطحی و حاشیه ای است که در قالب پخش رویدادهای ورزشی و برنامه های گفتگو محور نمود پیدا می کند.

یافته های پژوهش نشان می دهد که بین تلویزیون و نهادهای ورزشی (وزارت ورزش و جوانان، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ...) تعامل و هم افزایی وجود ندارد که موجب در اولویت نبودن ورزش در تلویزیون، برنامه سازی بدون پژوهش، بها ندادن به مدیران ورزشی، وجود گروه برنامه ساز غیرمتخصص، عدم تصمیم گیری مدیران ورزشی در برنامه سازی، فقدان برنامه مدون تولید برنامه های ورزشی، فقدان ضرورت برای تهیه محتوای مطلوب شده است. از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی نامساعد تلویزیون، بودجه محدود برنامه های ورزشی و همچنین دولتی بودن آن باعث شده افراد متخصص و خلاق در امر برنامه سازی ورزشی استفاده نشود. به نظر می رسد که خروجی چنین مدیریت غیرمتخصصی در بخش ورزش، فراتر از پخش زنده و غیرزنده رویدادهای ورزشی و برنامه های گفتگو محور سطحی و مبتنی بر حاشیه نرود.

یافته های پژوهش نشان می دهد که تلویزیون دولتی و انحصاری است. از این رو فضای رقابتی در تولید برنامه های ورزشی وجود ندارد و این انحصار موجب شده که از مدیران و گروه های برنامه ساز غیرمتخصص استفاده شود. از سوی دیگر، چون ورزش و برنامه های ورزشی اولیتی در تلویزیون نداشته و فضای تلویزیون دولتی و انحصاری است، بنابراین ورود افراد متخصص، مستعد و خلاق امکان پذیر نیست، مدیران ورزشی در برنامه سازی تصمیم گیری نمی کنند، فضای کاری محدود شده، از ورزش استفاده ابزاری می شود، مشکلات مالی و کمبود بودجه وجود دارد، الزام به تولید برنامه های کم هزینه است، برنامه مدون تولید برنامه های ورزشی و نظام ارزشیابی کیفیت و محتوا وجود ندارد، کمبود امکانات فنی و اجرایی مشهود است، گروه های ورزشی در شبکه ها حذف شده است و هم افزایی و تعامل سازنده تلویزیون و نهادهای ورزشی وجود ندارد.

در چنین فضایی، شناخت سطحی مدیران از تلویزیون و نقش های آن موجب می شود بودجه محدودی جهت تولید برنامه های ورزشی اختصاص دهند و ضرورتی برای پژوهش و تولید محتوای مطلوب وجود ندارد. از سوی دیگر، چون ورزش قهرمانی و حرفه ای در بین مخاطبان از اقبال فراوانی برخوردار است، به پخش رویدادهایی مختلف ورزشی می پردازند و جهت سرگرم کردن آن ها نیز حاشیه های این ورزش ها را در قالب برنامه های گفتگو محور و با کیفیت محدود و سطحی ارائه می دهند.

یافته‌ها اذعان دارد که برای تأمین محتوای چندوجهی و مطلوب، باید تلویزیون از انحصار دولت خارج شود، تا با تمرکززدایی و ایجاد فضایی مبتنی بر شایسته سالاری بتوان تعامل و همکاری تلویزیون و متولیان ورزش را ایجاد کرد.

از سوی دیگر، استفاده از کارشناسان و متخصصان در تولید محتوا، تأمین محتوا بر اساس نرم افزارهای آنالیز، تشکیل گروه مطالعاتی پیش از تولید، سهم‌بندی عادلانه مؤلفه‌های ورزش، دعوت از صاحب‌نظران با تخصص‌های مختلف در برنامه، شناخت نیازهای واقعی مخاطبان و تعامل دوسویه با آنها می‌تواند چنین رویکردی را محقق سازد.

منابع

- آسبرگر، آرتور. (۱۳۸۹). **روش های تحلیل رسانه ها**. پرویز اجلالی. چاپ چهارم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها ص ۶۰-۲۵.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۷). **اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايي، رویه ها و شیوه ها**. بیوک محمدی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ص ۱۲۷-۲۸.
- انورالخولی، امین. (۱۳۸۳). **ورزش و جامعه**. حمیدرضا شیخی. مشهد و تهران: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) ص ۱۸۴-۱۱۸.
- بلیک، رید و هارولدسن، ادوین. (۱۳۸۴). **طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات**. مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش ص ۹۸.
- دالگرن، پیترو. (۱۳۹۰). **تلویزیون و گستره عمومی: جامعه مدنی و رسانه های گروهی**. مهدی شفقتی. چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش ص ۶۳-۱۸.
- سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران سابق (وزارت ورزش و جوانان کنونی). (۱۳۸۴). **سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور**. جلد سوم، ص ۸۱-۵۶.
- سعدی پور، اسماعیل و علی پور، احمد. (۱۳۸۶). «**تحلیل محتوای سریال های تلویزیونی ایرانی از نظر روش های تربیتی**». فصلنامه پژوهش و سنجش. سال پانزدهم، شماره ۵۱، ص ۱۰۹.
- صادقی، فرشاد. (۱۳۹۰). «**طراحی و تدوین برنامه راهبردی شبکه تلویزیونی ورزش**». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ص ۹۸-۵۴.
- عبدلی، بهروز. (۱۳۹۳). **مبانی روانی اجتماعی تربیت بدنی و ورزش**. چاپ پنجم، تهران: بامداد کتاب، ص ۱۴۱.
- عسگری، بهمن؛ قاسمی، حمید و کشکر، سارا. (۱۳۹۰). «**مطالعه محتوای کمی برنامه های ورزشی شبکه ۳ سیما**». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های ارتباطی. سال هجدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۸)، ص ۱۵۱-۱۳۵.
- قاسمی، حمید. (۱۳۸۶). «**بررسی نقش رسانه های گروهی در توسعه ورزش کشور**». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ص ۶۴-۳۲.
- قاسمی، حمید و همکاران. (۱۳۸۷). **فعالیت های رسانه ای در ورزش**. تهران: انتشارات بامداد کتاب، ص ۲۰-۸.
- قنادان، محمود. (۱۳۸۶). **کلیات علم اقتصاد**. تهران. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۰۳.
- کردی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «**بررسی نقش مطبوعات و رسانه های گروهی در ورزش ایران**». طرح پژوهشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، ص ۶۲.
- مرادی، مهدی. (۱۳۸۹). «**بررسی نقش چهارگانه رسانه های ورزشی در توسعه فرهنگ ورزش همگانی و قهرمانی**». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۸.
- مک کوائل، دنیس. (۱۳۸۸). **درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی**. پرویز اجلالی. چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ص ۸۲.

● منتظر قائم، مهدی و معتمدی، بشیر. (۱۳۹۰). «بررسی نظام تولید برنامه‌های دینی تلویزیون در سازمان صدا و سیما». دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات. سال هجدهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۹)، ص ص: ۱۸۶-۱۴۷.

● میناوند، محمدقلی؛ باقری، سعید و قاسمی، حمید. (۱۳۹۴). «روش‌های نهادینه کردن ورزش همگانی از طریق رسانه ملی از دیدگاه کارشناسان». فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. سال بیست و دوم، شماره ۱ (پیاپی ۸۱): ۹-۳۴.

- Asayesh, L. Karkon, H. (2013). "The Challenges of Athletics in Iran: A Delphi Study". *European Journal of Experiment Biology*, 3(6) 6672.
- Ballaard, M & Gray, M & Reilly, J & Noggle, M. (2009). "Correlates of video game screen time among mles: Body, physical activity, and other media use". *Eating Behaviors* 10, pp 161-167.
- Bignel, Jonathan. (2004). *An Introduction to Television Studies*. London: Routledge
- Block, P. Houseley, W. Nicholls, T. Southwell, R. (2001). *Managing in the Media*. Oxford: Focal Press, p 32-58.
- Casey, B.; Casey, N.; Calvert, B.; French, L.; Lewis, J. (2002). *Television Studies; The Key concepts*. (2nd ed.), London: Routledge
- Chan-Olmsted, S.M. (2006). *Competitive Strategy for Media firms; Strategic and Brand Management in Changing Media Markets*. Lawrence Erlbaum Associates
- Defleur, Melvin L. & Dennis, Everette E. (1998). *Understanding Mass Communication: A Liberal Arts Perspective*. Boston & New York: Houghton Mifflin Company
- Drayer, J & Shapiro, S & Morse, A & White, J. (2009). "The effects of fantasy football participation on NFL consumption: A qualitative analysis". *Sport management review*.
- Etang, J. (2006). "Public relations and sport in sport in promotional culture". *Public Relations Review*. Vol 32. PP 386-394.
- Hallal, P. C., Andersen, L. B., Bull, F. C., Guthold, R., Haskell, W., & Ekelund, U. (2012). "Global physical activity levels: Surveillance progress, pitfalls, and prospects". *The Lancet*, Vol. 380, Pp: 247-257.
- Hassan, Ali. Daniyal, Muhammad. (2013). "Impact of television programs and advertisements on school going adolescents: A case study of Bahawalpur City, Pakistan". *Bulgarian Journal of Science and Education Policy*, Vol 7:26-37.
- Hwang, Y. Lim, J, S. (2015). "The impact of engagement motives for social TV on social presence and sports channel commitment". *Tele matics and Informatics*, Volume 32, Issue 4: 755-765.
- Ward, D. (2008). "Television and Public Policy: Change and Continuity in an Era

- of Globalization”**. Lawrence Erlbaum Association, pp 92-122.
- Van de Donk, W.B.H.J., Hancher, L., Van Lieshout, P.A.H., Meurs, P.L., Pelkmans, J.L.M., Schoonenboom, I.J., Theeuwes, J.J.M., Winsemius, P. (2005). **Media Policy for the Digital Age. The Netherlands Scientific Council for Government Policy, Amsterdam**. Amsterdam University Press, pp 118-125.

سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی فراغتی ورزشکاران نخبه

احسان محمدی ترکمانی^۱

علی مقدم زاده^۲

حسین خنیفر^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۷/۷

سبک زندگی، عرصه قابل انتخاب فعالیت‌های زندگی است و یکی از شاخص‌های مهم در سنجش سبک‌های زندگی امروزی فعالیت‌های فراغتی می‌باشد. امروزه ورزشکاران نخبه یکی از گروه‌های مهم در جوامع هستند که سبک زندگی آنان مورد توجه همگان قرار می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر، سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی فراغتی ورزشکاران نخبه بود. روش این تحقیق، کیفی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های عمیق بود. جامعه آماری پژوهش، افراد خبره آشنا با زندگی ورزشکاران نخبه با تعداد نامعلوم بودند که ۱۹ نفر از آن‌ها به شکل هدفمند و گلوله برفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با فن تحلیل تم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ۷۵ کد شناسایی شده در ۱۲ تم فرعی و چهار تم اصلی طبقه‌بندی شدند. چهار تم اصلی، سبک‌های زندگی ورزشکاران نخبه را نشان می‌داد که سبک خانواده محور، سبک متمایز، سبک مجازی و سبک بسته نام‌گذاری شد و در ادامه ویژگی‌های هر سبک بیان گردید. همچنین تحلیل‌ها نشان داد در سنخ‌شناسی سبک زندگی ورزشکاران نخبه، نحوه بروز و مکان انجام فعالیت‌های فراغتی، مهم‌تر از خود فعالیت‌های فراغتی می‌باشد و با توجه به تغییرات در شرایط زندگی ورزشکاران امکان بروز سبک‌های زندگی مختلف در طی زمان وجود دارد.

واژگان کلیدی: ورزشکار نخبه، سبک زندگی، فراغت و تمایز

۱. دکترای مدیریت ورزشی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: Ehsan.mohamadi@ut.ac.ir

۲. استادیار، سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استاد تمام، گروه آموزشی مدیریت دولتی و امور عمومی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

سبک زندگی، اصطلاحی است که از دهه ۱۹۲۰ به بعد در زبان انگلیسی رواج یافته و به نظر می‌رسد تا پیش از آن جامعه و فرهنگ غربی نیازی به این مفهوم نداشته است. امروزه این اصطلاح، کاربرد عامیانه زیادی دارد و بیشتر برای توصیف نوع و گونه خانه و اسباب و اثاثیه‌ای که فرد آن را مطلوب و ایده آل خود می‌داند به کار می‌رود (پولادی، ۱۳۹۲). در طول سال‌های ۱۹۷۰ به بعد مفهوم سبک زندگی از سوی جامعه‌شناسان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. عمده مطالعات آنان در این زمینه پیرامون ارتباط این مفهوم با ساختار اجتماعی بوده است و کسانی مثل سوبل^۱ (۱۹۸۱)، بوردیو^۲ (۱۹۸۴) و شیز^۳ (۱۹۸۶) به پتانسیل این مفهوم در مطالعات فراغت توجه کرده‌اند. اگرچه جامعه‌شناسانی همچون وبر و زیمل^۴ ابعادی از این مفهوم را بررسی کرده‌اند، اما در واقع می‌توان گفت این مفهوم متعلق به دوران رشد و گسترش طبقه متوسط است و همراه با این طبقه کاربرد آن فزونی یافته است (گوشبر، ۱۳۸۴: ۲۱).

۲۳۰

رابرتز^۵ (۱۹۷۸) با انتشار کتابی درباره جامعه معاصر و رشد فراغت، معتقد بود جامعه اروپایی جامعه متنوعی است و تحلیل مارکسیستی توان پاسخگویی به این تنوع را در زمینه سبک زندگی و اوقات فراغت ندارد. رابرتز در این زمینه از یک اصطلاح کلیدی با عنوان «کثرت در فراغت» نام می‌برد و بیان می‌دارد که آزادی در انتخاب الگوهای سبک زندگی وجود دارد که منشأ آن یک کثرت‌گرایی فرهنگی اجتماعی در جامعه می‌باشد. همچنین در طول دهه ۹۰ افرادی مانند مورهاوس^۶ (۱۹۸۹) و دورنتای^۷ (۱۹۸۸) معتقد بودند که باید تحقیقات بین‌رشته‌ای در مورد اوقات فراغت و سبک زندگی صورت گیرد. استدلال آن‌ها این بود که از طریق سبک زندگی می‌توان راهی جهت تحلیل علمی اوقات فراغت به دست آورد (ویل^۸، ۲۰۰۱).

می‌توان گفت تحلیل‌های سنتی درباره فعالیت‌های فراغتی از طریق فهم رابطه آن‌ها با ساختار شغلی بررسی می‌شده است؛ یعنی در این بررسی‌ها فراغت به عنوان فعالیت‌هایی که در وقت آزاد صورت می‌گیرد، از روی شغل افراد تعیین می‌شود. پارکر^۹ (۱۹۷۱) معروف‌ترین نظریه‌پرداز این موضوع مدعی است که نقش ماهیت فراغت به عنوان یک‌بر ساخته اجتماعی فقط در ارتباط با کار قابل درک است. بدون کار، فراغتی وجود ندارد و فعالیت‌های کاری جامعه صنعتی است که توسعه فعالیت‌های فراغتی را موجب می‌شود و هر تلاشی برای درک پیدایش مفهوم مدرن فراغت مستلزم بررسی پیدایش آن در طول فرایندهای صنعتی شدن است (ابازری و چاووشیان، ۱۳۸۱: ۱۳). یکی از نقدهای مهمی که بر نظریه پارکر (۱۹۷۱) وارد شده، موضع‌گیری تلویحی آن است که فراغت را ضمیمه و دنباله‌ای از کار می‌داند. لذا طی سال‌های بعدی شماری از محققان و صاحب‌نظران به‌طور بنیادی و ماهوی شیوه‌های رایج پژوهش در مطالعات مربوط به فراغت را نقد کردند. شالوده اصلی غالب انتقادهای نقد نفس مفهوم فراغت است. یکی از این انتقادهای دیدگاه فمینیستی مطرح کرده است که بنا به آن

1. Sobel
2. Bourdieu
3. Scheys
4. Weber & Simmel
5. Roberts
6. Moorhouse
7. Durantaye
8. Veal
9. Parker

نفس طرح مفهوم فراغت در افتادن به تعریفی جنسیتی است (دیم^۱)، ۱۹۸۶ به نقل از ابازری و چاووشیان، ۱۳۸۱: ۱۴). به عبارت ساده‌تر، تعریف فراغت در رابطه با کار به‌ناچار در فهم رابطه‌ای که بیشتر زنان با کار و فراغت دارند، شکست می‌خورد. مطالعات متعددی نشان داده است که فراغت برای زنان، فعالیت مخفی و پنهان محسوب می‌شود؛ فعالیتی که در پس انبوهی از فعالیت‌های خانه و خانواده پنهان می‌ماند (همان منبع: ۱۴). به نظر می‌رسد مفهوم سبک زندگی در سال‌های اخیر مجدداً مورد بازآفرینی قرار گرفته است و رایمر^۲ چهار دلیل زیر را برای تجدید حیات این مفهوم شمرده است:

۱. فرآیندهای فردی شدن که آزادی و حق انتخاب بیش‌تری را بخصوص برای جوانان در شرایط به‌سرعت رو به تغییر جهان داشته‌اند.

۲. رشد طبقه متوسط جدیدی که جهت‌گیری آن‌ها آشکارا به‌سوی سرگرمی و مصرف است و عمدتاً جوانان شهری دارای مهارت‌های حرفه‌ای را در برمی‌گیرد.

۳. افزایش روزافزون مباحث آکادمیک در مورد پست‌مدرنیسم که در آن ظهور ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جدید نقش کلیدی را ایفا می‌کند.

۴. سهم مؤثر آثار بوردیو در موضوع سبک‌های زندگی به‌خصوص کتاب او در موضوع تمایز (گیبینز^۳ و رایمر، ۱۹۹۹).

مطالعه سیر تحول مفهوم سبک زندگی نشان می‌دهد در ادبیات جامعه‌شناسی از سبک زندگی دو برداشت وجود دارد: در فرمول‌بندی نخست که سابقه آن به دهه ۱۹۲۰ بازمی‌گردد سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و اغلب به‌عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار می‌رفته است؛ در فرمول‌بندی دوم، سبک زندگی نه در مطالعات قشربندی اجتماعی و راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی مدرنی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی دوران مدرن و رشد و گسترش فرهنگ مصرف معنا می‌یابد. در این معنا، سبک زندگی راهی برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها یا هویت افراد می‌باشد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه‌روز افزایش یافته است (چاووشیان، ۱۳۸۱).

در دیدگاه پست‌مدرنیته نیز سبک زندگی تعریف دیگری می‌یابد. فرض اصلی این دیدگاه این است که مردم اکنون بیشتر از قبل خود را در برابر آنچه می‌خواهند با زندگی‌شان بکنند، مسئول می‌دانند. قیدوبندهای سنتی برداشته شده است و دنبال کردن روش زندگی والدین به‌صورت خودکار دیگر نه ضروری است و نه ممکن (گیبینز و رایمر، ۱۹۹۹: ۱۰۲). بنا بر این استدلال، در عصر پست‌مدرنیته مردم قدرت و توان انتخاب‌های فراوانی دارند که می‌توانند در یک عرصه جایگزینی انتخاب‌هایشان را در صورت لزوم با همدیگر عوض نمایند. به نظر پست‌مدرنیست‌ها، سبک‌های زندگی در جامعه پست‌مدرنیته نسبت به جامعه مدرن و جامعه سنتی هم ناهمگون‌تر و هم شیوه‌ها و روش‌های گوناگون جهت انجام آن‌ها وجود دارد. راه و روشی که شخصی در حوزه‌ای عمل می‌کند، اصلاً ربطی به روشی که او در حوزه دیگری عمل می‌کند، ندارد. به نظر نظریه‌پردازان پست‌مدرنیته، سبک زندگی نتیجه همه انتخاب‌ها و گزینش‌هایی است که شخص نسبت به زندگی خود انجام می‌دهد که این شامل انتخاب کار و فعالیت‌های مربوط به فراغت نیز می‌شود. بحث دوم در پست‌مدرنیته این

1. Deem
2. Reimer
3. Gibbins

است که سبک زندگی، نتیجه و محصول انتخاب‌هایی است که در زندگی روزمره صورت می‌گیرد، اما این همواره نتیجه‌ای موقتی است و افرادی که بین حوزه‌های مختلف در زندگی روزمره در حرکت‌اند، دائماً دست به انتخاب‌های جدید می‌زنند. به‌هر حال سبک زندگی و تفسیر و تحلیل و چگونگی تنوع آن‌ها در گروه‌های مختلف اجتماعی با هر دیدگاهی چه مدرن و یا پست‌مدرن بررسی شود، امروزه به‌عنوان شیوه زیست انسان‌ها به‌ویژه گروه‌های جوان، زنان و افراد واقع در طبقات مختلف اهمیت یافته است.

از دهه ۱۹۵۰ به بعد با افزایش مدت‌زمان اوقات فراغت افراد جامعه، از یک‌طرف و افزایش آگاهی مردم نسبت به اثرات مثبت ورزش از طرف دیگر، شاهد گرایش روزافزون مردم به انواع مختلف فعالیت‌های ورزشی بوده‌ایم، اما می‌توان گفت اوج اهمیت ورزش و توجه بخش‌های مختلف جامعه به آن در برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی نظیر بازی‌های المپیک، بازی‌های قاره‌ای و مسابقات جام جهانی رشته‌های مختلف ورزشی مشهود است. امروزه برگزاری موفق رویدادهای ورزشی چه در عرصه بین‌المللی و چه در عرصه ملی به وجود ورزشکاران به‌عنوان افرادی که رقابت را شکل می‌دهند، وابسته است. به عبارتی می‌توان اذعان کرد که تأمل در اصل «سریع‌تر، بالاتر، قوی‌تر»^۱ المپیک (سجادی، ۱۳۸۵) نشان‌دهنده این است که امروزه رقابت در بهترین و بالاترین سطح ورزش و خلق صحنه‌های خارق‌العاده و جذاب ورزشی، توسط ورزشکاران برجسته هر رشته ورزشی از عوامل مهم لذت‌بخش نمودن ورزش برای افراد جامعه هستند که موجبات علاقه‌مندی اقشار مختلف مردم به تماشای مسابقات ورزشی و مشارکت در ورزش را نیز فراهم می‌کنند. همچنین همواره وجود ورزشکاران و قهرمانان مطرح ورزشی در جامعه نقش الگویی برای افراد مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان دارد (جلالی‌فراهانی و علی دوست قهفرخی، ۱۳۹۰) و بسیاری از کودکان و نوجوانان با الگو قرار دادن ورزشکاران، آرزو دارند در آینده تبدیل به ستاره‌هایی معروف در رشته‌های مختلف ورزشی شوند. علاوه بر تأثیر نقش الگویی ورزشکاران در گرایش افراد مختلف به ورزش، رفتار و عقاید ورزشکاران محبوب و مطرح در جامعه نسبت به مسائل مختلف از جمله مصرف سیگار می‌تواند الگویی برای طرفدارانشان باشد و برعکس وجود عادات صحیح در زندگی ورزشکاران بر روی جوانان و نوجوانان تأثیر مثبت خواهد داشت (حسامی و همکاران، ۱۳۸۹).

از طرف دیگر، امروزه توسعه روزافزون فناوری‌های ارتباطی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب و شبکه‌های مجازی تلفن همراه نظیر تلگرام و اینستاگرام موجب شده است مرزهای حریم خصوصی زندگی افراد پیش از پیش از بین برود. به‌عنوان مثال، در حال حاضر اینستاگرام به دلیل در دسترس بودن بیشتر و سهولت کار با آن به‌سرعت در حال رشد است؛ به طوری که هم‌اکنون بیشتر افراد سرشناس و معروف ایرانی مثل ورزشکاران عضو اینستاگرام هستند و طرفدارانشان هم صفحه اجتماعی آن‌ها را دنبال می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که پرتعدادترین ورزشکاران ایرانی در اینستاگرام، در رشته‌های والیبال و فوتبال هستند. موارد فوق نشان می‌دهد اگرچه در دهه‌های گذشته زندگی افراد معروف و محبوب نظیر ورزشکاران در کانون توجه رسانه‌ها و مردم بود، اما با فناوری‌های امروزی عملاً جزئیات ریز زندگی این افراد نیز از دید عموم مردم دور نمی‌ماند و علایق، ترجیحات، نوع پوشش، الگوهای مصرف و تفریح و در یک کلام سبک زندگی این افراد نسبت به زمان‌های قبل بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

برخی از تحقیقاتی که می‌توانند نشانگر سنخ‌های متفاوت سبک زندگی در بین شهروندان باشند و به درک مسئله تحقیق حاضر کمک نمایند، به قرار زیرند. زارع و فلاح (۱۳۹۱) در بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، چهار سبک زندگی زیبایی‌شناختی - لذت جویانه، کارکردگرایانه، خرده‌فرهنگی و منفعلانه را شناسایی کردند. ویژگی سبک زندگی لذت جویانه - زیبایی‌شناسانه حس تمایز و تفاوت آن با دیگران بود، در سبک زندگی کارکردگرایانه فرد به دنبال رشد آگاهی و دانش در اوقات فراغت خود بود. سبک زندگی خرده‌فرهنگی نمایانگر نزدیک شدن فرد به آرمان‌ها و شخصیت واقعی خود بود و در سبک زندگی منفعلانه فرد هدف خاصی ندارد و به شکل اتفاقی از آن استفاده می‌کند. هارکر و همکاران^۱ (۲۰۰۴) در تحقیقی ضمن نشان دادن تفاوت‌های مصرف‌کنندگان آمریکایی و کانادایی با استفاده از سیستم‌های AIO و VALS مصرف‌کنندگان ساکن آمریکای شمالی را در هفت گروه آگاه اقتصادی (صرفه‌جو و خریدهای دقیق)، فعال و سلامت‌محور (مشارکت در ورزش و استفاده از رژیم غذایی سالم)، خانه‌محور (سپری کردن زمان در خانه)، آگاه اجتماعی (مشارکت اجتماعی بالا)، مدگرا (پوشش به خاطر مد و تمایز نه برای راحتی)، خانواده‌محور (توجه به اعضای خانواده و راحتی آن‌ها) و مستقل (مستقل بودن و توانایی تأثیرگذاری بر اطرافیان) طبقه‌بندی کردند. تلاما، ناپونن و پرون^۲ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای بر روی جوانان بلژیکی و فنلاندی بر اساس شیوه‌های گذران اوقات فراغت افراد، پنج سبک زندگی را شناسایی کردند. این محققان سبک‌های زندگی پنج‌گانه را با عناوین اجتماعی آسان (رفتن به مهمانی و ملاقات با دوستان، گذران وقت با دوست‌دختر/ پسر، خرید)، فعالیت‌های وظیفه‌ای (کمک به امورات خانه، فعالیت‌های داوطلبانه و کسب درآمد)، ورزشی (شرکت در رقابت‌های ورزشی سازمان‌یافته و سازمان نیافته و رویدادهای ورزشی) و بازی‌های کامپیوتری و تلویزیون و هنری مستقل (موسیقی، انجام کارهای هنری و دستی) نام‌گذاری کردند. در تحقیق دیگری سوینین و استورم^۳ (۲۰۱۰) برای جوانان فنلاندی چهار مؤلفه عشق و دوستی (به خانواده و دوستان)، ارزش‌ها (اعتقادات و احساسات)، داشته‌ها (استانداردهای زندگی، تلویزیون و اینترنت) و ابزار وجود (از طریق سرگرمی‌ها و اوقات فراغت) را به‌عنوان عوامل شکل‌دهنده سبک زندگی در نظر گرفتند. بخشی از نتایج تحقیق آنان نشان داد جوانان فنلاندی بسیار دوست‌محور به نظر می‌رسند و برای دوستی، تفریحات متعارف نظیر هم‌صحبتی باهم یا گوش دادن به موسیقی در کنار دوستان ارزش قائل‌اند. همچنین خانواده هنوز هم برای آنان بزرگ‌ترین معنا را در زندگی دارد.

یکی دیگر از کاربردی‌ترین سنخ‌شناسی‌های سبک زندگی، طرح طبقه‌بندی «ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی»^۴ یا والس می‌باشد. طرح والس جمعیت آمریکا را طبق دو بعد هویت شخصی و منابع به هشت بخش زیر تقسیم می‌کند (موون و مینور، ۱۳۹۳: ۱۹۹).

نوآوران^۵: نوآوران، افراد موفق و پیچیده‌ای هستند که با اعتماد به نفس بالا مسئولیت‌سایرین را بر عهده می‌گیرند. این افراد رهبران را تغییر داده و بیشترین پذیرای ایده‌ها و فناوری‌های جدید هستند. خریدهای آنان منعکس‌کننده رشد سلاقی در محصولات و خدمات مجلل و لوکس می‌باشد.

1. Harcar & et al
2. Telama, Nupponen, & Pieron
3. Soininen & Storm
4. Values And Lifestyles
5. Innovators

متفکران^۱: این افراد با ایده‌آل‌ها و منابع زیاد برانگیخته می‌شوند. متفکران افراد بالغ، راضی، راحت و منعکس‌کننده می‌باشند. آن‌ها تمایل به تحصیلات خوب و جستجوی فعال اطلاعات را در فرایند تصمیم‌گیری دارند. برای این افراد دوام، عملکرد و ارزش محصولات اهمیت دارد.

موفقان^۲: با موفقیت و منابع زیاد برانگیخته می‌شوند؛ افراد موفق سبک زندگی هدف‌گرا دارند که در مرکز آن خانواده و شغل قرار دارد. آن‌ها از موقعیت‌هایی که درجات بالایی از تحریک و تغییر را دارد، اجتناب می‌کنند. آن‌ها محصولات برتری را ترجیح می‌دهند که از طریق آن موفقیت خود را به همسالان نشان دهند.

تجربه‌کنندگان^۳: این افراد با اظهار وجود و منابع زیاد برانگیخته می‌شوند. تجربه‌کنندگان از موقعیت‌های غیرمتعارف قدردانی می‌کنند. آن‌ها فعال، قوی، به دنبال تحریکات جدید، نامتعارف و پرخطر هستند. این افراد نسبتاً بخشی زیادی از درآمد خود را صرف مد، اجتماعی شدن و سرگرمی می‌کنند.

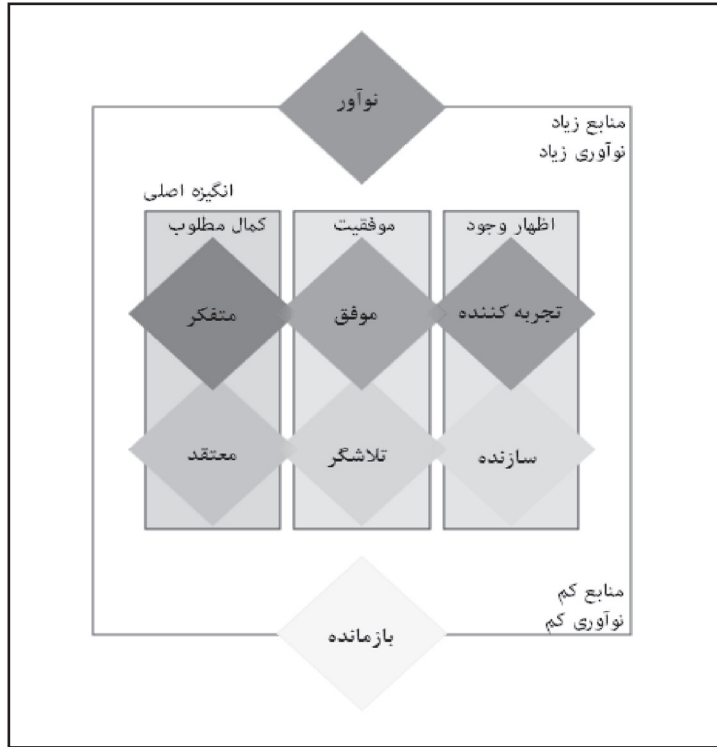
معتقدین^۴: افراد معتقد به وسیله ایده‌آل‌ها و منابع کم برانگیخته می‌شوند، به‌طور قوی سستی هستند و به قوانین و قدرت احترام می‌گذارند. به علت اینکه آن‌ها به‌طور بنیادی محافظه‌کار هستند، در تغییرات کند بوده و مخالف فناوری می‌باشند. این افراد محصولات و برندهای آشنا را انتخاب می‌کنند.

تلاشگران^۵: تلاشگران با موفقیت و منابع کم برانگیخته می‌شوند. آن‌ها مطابق مد مرسوم روز و دوستدار لذت هستند. درآمد کمی داشته و تمایل دارند علایق محدودی داشته باشند. تلاشگران محصولات شیک را ترجیح داده و از خرید افراد ثروتمند تقلید می‌کنند.

سازندگان^۶: به وسیله اظهار وجود و منابع کم برانگیخته می‌شوند و برای کارهای عملی و خودکفایی ارزش قائل هستند. سازندگان فعالیت‌های کار با دست را انتخاب می‌کنند و اوقات فراغت خود را با خانواده و دوستان نزدیک سپری می‌نمایند. به علت اینکه برای کالاهای لوکس ارزش قائل‌اند، محصولات اساسی را می‌خرند.

بازماندگان^۷: این افراد در زندگی محدود متمرکز شده‌اند. به علت اینکه منابع کمی در اختیار دارند، انگیزه اصلی را از خود نشان نمی‌دهند و اغلب احساس ناتوانی می‌کنند. این افراد عمدتاً نگران ایمنی و امنیت خود هستند. بنابراین تمایل دارند وفادار به برند بمانند و کالاهای با تخفیف بخرند.

-
1. Thinkers
 2. Achievers
 3. Experiencers
 4. Believers
 5. Strivers
 6. Makers
 7. Survivors



شکل ۱: بخش‌بندی‌های والس (VALS Framework, 2002-09)

بنا به آنچه گفته شد، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم در جوامع، ورزشکاران نخبه و معروف آن جامعه هستند که در مرکز توجه همگان و رسانه‌ها قرار دارند. علاوه بر این، ورزشکاران نخبه توانایی تأثیرگذاری بر رفتار و اعمال سایرین را دارند و اعمال و رفتارهای آنان چه در محیط کار و رقابت (ورزش) و چه تفریح و فراغت مورد الگوبرداری طیف وسیعی از شهروندان به‌ویژه جوانان قرار می‌گیرد. لذا با در نظر داشتن اینکه مرور ادبیات و مطالعات حوزه سبک زندگی نشان می‌دهد در مورد سبک‌های زندگی ورزشکاران نخبه ایرانی مطالعات جدی صورت نگرفته است و با در نظر داشتن این مهم که باید مطالعات سبک زندگی در متن گروه‌های اجتماعی مورد نظر صورت گیرد، تحقیق پیش رو به دنبال مطالعه کیفی سبک‌های زندگی ورزشکاران نخبه ایرانی و ارائه یک سنخ‌شناسی از آن بر اساس فعالیت‌های فراغتی است.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به رویکرد کیفی پژوهش پیش رو، پارادایم حاکم بر آن تفسیری است. از آنجایی که مطابق پژوهش‌های قبلی در مورد سبک زندگی ورزشکاران نخبه اطلاعات کافی وجود ندارد، به‌کارگیری روش کیفی قابل توجیه است، چراکه به پژوهشگر اجازه می‌دهد با ذهنی باز و به‌دوراز پیش‌داوری و فرضیه به گردآوری و تحلیل داده‌ها بپردازد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های ساختارنیافته عمیق بود که با توجه به

تجارب خاص هر مشارکت‌کننده در مورد سبک زندگی ورزشکاران نخبه اجرا گردید. جامعه آماری تحقیق افرادی نظیر خبرگان مدیریت ورزشی، جامعه‌شناسی ورزشی، مربیان و ورزشکاران باتجربه، مدیران ورزشی و روان‌شناسان ورزشی بودند که توسط مصاحبه‌شونده‌های اولیه با در نظر داشتن ملاک‌هایی نظیر داشتن تألیفات در زمینه سبک زندگی، سابقه طولانی تجربه زندگی ورزشکاری و ارتباط فعلی با ورزشکاران به عنوان مربی و مناسب تشخیص داده و معرفی شده بودند. برای انجام مصاحبه‌ها ابتدا نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شدند. بعد فرآیند نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی ادامه پیدا کرد و با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۱۹ نفر خبره و رسیدن به معیار اشباع نظری به اتمام رسید. مدت زمان هر یک از مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۷۰ دقیقه بود و محقق ضمن ضبط نمودن مکالمات در طی زمان مصاحبه، اقدام به یادداشت‌برداری نمود. پس از انجام هر مصاحبه، داده‌های حاصل از آن تایپ و با فن تحلیل تم مورد تجزیه و تحلیل واقع شد. برای این منظور ابتدا سعی شد با خواندن چندباره متن مصاحبه انجام شده، فهمی کلی از عبارت و مفاهیم موجود در متن حاصل گردد. سپس با نرم‌افزار اطلس تی آی^۱، ۷۵ کد در متن کشف و علامت‌گذاری شد. کدهای موردنظر به ۱۲ خانواده^۲ تبدیل شد و ۱۲ خانواده نیز بر اساس مشابهت معنایی در ۴ خانواده بزرگ^۳ طبقه‌بندی شد. قابل ذکر است که در طبقه‌بندی‌های صورت گرفته (کدها به خانواده و خانواده‌ها به خانواده بزرگ) هم جنبه‌های مشاهده‌پذیر و ملموس محتوای متن و هم محتوای پنهان متن در نظر گرفته شده است.

در این پژوهش برای دستیابی به روایی و پایایی، علاوه بر رعایت اصول گفته‌شده در بالا، کدهای تولید شده در یک فرم در اختیار چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. این فرم با پنج ستون طراحی شد که ستون اول سبک فراغتی، ستون دوم تم‌های فرعی زیر مجموعه آن، ستون سوم کدها و در ستون چهارم ویژگی‌های هر سبک بیان شده بود. در ستون پنجم از مشارکت‌کنندگان خواسته شد نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را در مورد کدها و طبقه‌بندی‌های انجام شده یادداشت نمایند که در نهایت با جمع‌بندی ارزیابی مشارکت‌کنندگان، روایی و پایایی نتایج تأیید شد. همچنین برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها از آزمون اسکات^۴ استفاده شد- این آزمون میزان توافق بین کدگذاران مختلف را نشان می‌دهد. برای اجرای آن پس از کدگذاری متن مصاحبه‌ها توسط نفر اول، ۲۰ درصد از محتوای مصاحبه‌ها انتخاب و توسط نفر دیگری کدگذاری مجدد شد و با در نظر داشتن کدهای مورد توافق ضریب مذکور ۰/۸۱ محاسبه گردید.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱، جزئیات نمونه در مرحله مصاحبه را نشان می‌دهد. در این مرحله، نوزده نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند که با توجه به ویژگی‌هایی نظیر سابقه بازی در لیگ برتر، سابقه مربیگری، حوزه فعالیت فعلی و غیره می‌توان گفت که این افراد جهت اظهار نظر در مورد سبک زندگی ورزشکاران نخبه مناسب بوده‌اند.

1. Atlas.ti 7.5
2. Family
3. Super Family
4. Scott

جدول ۱: جزئیات مشارکت کنندگان در مصاحبه

تعداد	متغیر	
۳	کارشناسی	تحصیلات
۳	کارشناسی ارشد	
۱۳	دکتری	
۱۳	بله	سابقه بازی در لیگ برتر
۶	خیر	
۱۰	بله	سابقه مربیگری
۹	خیر	
۱۰	دانشگاه	حوزه فعالیت فعلی
۷	مربیگری	
۲	سایر	
۱۹	جمع	

جدول ۲، یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. مطابق جدول یاد شده، چهار سبک زندگی متفاوت از هم بر اساس الگوهای گذران اوقات فراغت مورد شناسایی قرار گرفت. نکته مهم این است که در شناسایی سبک‌های مذکور مهم انجام دادن اعمال خاصی (مثلاً مطالعه کتاب یا تماشای فیلم) نبود، بلکه مهم الگو، چگونگی و مکان انجام دادن آن عمل بود. به عنوان مثال، ممکن است دو نفر ورزشکار هر دو به دنبال مطالعه کتاب باشند، اما یکی از آن‌ها این کار را در یک کتابخانه عمومی انجام دهد و با توجه به معروفیت مورد توجه افکار عمومی و رسانه‌ها نیز قرار گیرد- در این حالت این ورزشکار به دنبال بروز سبکی متمایز است- اما نفر دوم مطالعه کتاب را در یک فضای بسته انجام دهد که نمایانگر سبک فراغتی بسته است. به احتمال زیاد در سبک اولی، ذات مطالعه و هدف از آن که کسب دانش و آگاهی است تحت تأثیر هدف دیگری که بروز تمایز است، قرار می‌گیرد، اما در سبک دومی ورزشکار واقعاً به دنبال مطالعه و کسب دانش است. در ادامه تعریف هر سبک و ویژگی‌ها هر یک مورد بحث قرار خواهد گرفت.

جدول ۲: جزئیات یافته‌های کیفی

ردیف	تم اصلی (سبک فراغتی)	تم فرعی	برخی از کدهای معرف سبک
۱	خانواده محور	اعتماد محور دوری از قضاوت افراد اجتناب از خواسته‌های پر تعداد	اعضای خانواده از جمله پدر، مادر و برادران و خواهران، قابل اعتمادترین افراد برای در کنار هم بودن هستند. وضعیت جامعه طوری شده است که تنها می‌توان به نزدیک‌ترین افراد اعتماد کرد و در کنار آن‌ها تفریح و سرگرمی‌های دلخواه را انجام داد. اعضای خانواده تنها کسانی هستند که آدم می‌تواند شخصیت واقعی‌اش را در کنار آن‌ها بروز دهد. آدم هنگام بودن با اعضای خانواده به خصوص پدر و مادر کمتر مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرد و این مزیت بزرگی برای گذران وقت با خانواده است. روبرو شدن با انتظارات و خواسته‌های بستگان و خویشاوندان بهتر و راحت‌تر از روبرو شدن با خواسته‌های افراد غیر آشناست. خانواده تنها کسانی هستند که آدم را به خاطر خودش می‌خواهند.
۲	تمایز	نوگرا شهرت‌طلب تمایز	ورزشکاران ترجیح می‌دهند جزو اولین نفراتی باشند که جدیدترین سرگرمی‌ها را تجربه می‌کنند. اینکه دیگران من را به‌خاطر انجام کاری متفاوت، فردی خاص بدانند، لذت‌بخش‌تر از خود آن کار است. ورزشکاران دوست دارند با افرادی از طبقات خاص نظیر هنرمندان زمانشان را سپری کنند. بودن در جمعی که در آن آثار هنری و تاریخی به حراج گذاشته شده است، برای برخی ورزشکاران تجربه خوبی است. ترجیح می‌دهند در وقت آزادشان با ماشین در خیابان‌های شلوغ رانندگی کنند، حتی اگر خسته شوند. برخی از ورزشکاران حتی اگر بخواهند به مطالعه بپردازند، انجام آن در یک کتابخانه عمومی را ترجیح می‌دهند. این افراد دوستانی دارند که به تفریح‌های نظیر شکار و تیراندازی می‌پردازند.
۳	مجازی	راحت‌طلبی حس به‌روز بودن بی‌مسئولیت	خرید اینترنتی برایشان لذت‌بخش‌تر است. با گشت‌وگذار در اینترنت احساس به‌روز بودن دارند. به نظر برخی از ورزشکاران ارتباطات مجازی بهتر و کمتر هزینه‌تر از مرادات معمولی است. معروف بودن باعث می‌شود در دنیای مجازی بدون شناخته شدن و پیامدهای آن وقت بگذارند. راحتی استفاده از اینترنت را دوست دارند.
۴	بسته	راحت‌طلبی بی‌مسئولیت حس آزادی خواهی	در بسیاری از مواقع معروفیت باعث شده است که بودن در یک جمع عمومی آرامش ورزشکار را به هم بزند. برای همین ترجیح می‌دهند در یک فضای بسته به کارهای مورد علاقه برسند. آن‌ها دوست ندارند به خاطر هر کار ساده‌ای اعم از یک تفریح یا سرگرمی مورد سؤال افراد مختلف از جمله خبرنگاران قرار گیرند. به نظر اوقات فراغت زمانی است که بتوان هر کاری را در آن به‌راحتی انجام داد. دوست دارم در یک محیط خصوصی به انجام کارهایی نظیر پرورش گل و گیاه بپردازم. این کار حس خوبی در من ایجاد می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

در مورد اهمیت سبک زندگی، اشاره به تعبیر کوکرهام^۱ در این زمینه کافی است. از نظر ایشان همچنان که جامعه‌شناسی به‌سوی قرن ۲۱ پیش می‌رود، همه شاخص‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌ها در زمینه سبک زندگی می‌رود تا در کانون تمرکز جامعه‌شناسی قرار گیرد (فاضلی، ۱۳۸۲، ۶). سبک زندگی، اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربرد ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است. به عبارتی، سبک زندگی زاینده انتخاب‌های مردم در میان محدودیت‌های ساختاری است که آن‌ها را فرا گرفته است (زارع و فلاح، ۱۳۹۱). از طرف دیگر، از آنجایی که انسان در اوقات فراغت خود می‌تواند همان چیزی را که می‌پسندد، انجام دهد و شخصیت اصلی خود را باز یابد و ابراز نماید (سنایی، ۱۳۹۲)، می‌توان استنباط کرد فعالیت‌های اوقات فراغت یکی از عرصه‌های مهم بروز و نمود سبک زندگی است. بنابراین با در نظر داشتن فعالیت‌های فراغتی افراد می‌توان به سبک زندگی آنان پی برد.

از آنجایی که علی‌رغم اهمیت نظری و عملی سبک زندگی در حوزه‌های مختلف، پژوهش‌ها پیرامون سبک زندگی ورزشکاران نخبه که یکی از مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین اقشار جوامع هستند خیلی اندک بود، در این پژوهش به شیوه کیفی چهار سبک زندگی برای ورزشکاران نخبه ایرانی بر پایه فعالیت‌های فراغتی آنان به شکل زیر مورد شناسایی قرار گرفت.

سبک زندگی خانواده محور: سبکی است که در آن فرد ورزشکار، بودن در کنار خانواده و انجام فعالیت‌های مختلف با آنان را ترجیح می‌دهد. در این سبک، فرد ورزشکار از ساده‌ترین کارها نظیر مطالعه، تماشای فیلم و تلویزیون و غیره را با نزدیک‌ترین افراد و احتمالاً خویشاوندان خود انجام می‌دهد. برای ورزشکاران خانواده محور، اعتماد ویژگی مهمی است و اگر فردی بتواند وارد حلقه اعتماد آنان گردد می‌تواند در زمان فراغت با ورزشکار باشد. ورزشکاران خانواده محور از قضاوت‌های بی‌شمار سایرین نظیر رسانه‌ها و افراد دوری می‌گزینند و برای جلوگیری از روبرو شدن با خواسته‌های مختلف افراد، بودن در کنار نزدیکان و خانواده را ترجیح می‌دهند.

سبک زندگی متمایز: سبکی است که در آن به‌طور مداوم ورزشکار به دنبال بروز جدیدترین فعالیت‌ها و رفتارها از خود است. ورزشکاران متمایز، متغیرترین سبک زندگی را دارند و پیوسته به دنبال تغییرات در زندگی و عادات خود می‌باشند و در این تغییرات مورد توجه قرار گرفتن را نیز دوست دارند. به احتمال زیاد ورزشکاران متمایز تمایل زیادی به مصرف نیز داشته باشند، چون بروز فعالیت‌های جدید و نو مستلزم خرید و استفاده از محصولات و خدمات جدید است. بنابراین شاید بتوان گفت سبک زندگی متمایز به نسبت دیگر سبک‌ها، هزینه‌برتر نیز باشد.

سبک زندگی مجازی: سبکی است که در آن راحت‌طلبی، مهم‌ترین ویژگی است. در سبک زندگی مجازی ورزشکار ترجیح می‌دهد زمان خود را با بازی‌های مختلف، گشت‌وگذار در اینترنت، چت و گفتگوی‌های مجازی و غیره سپری نماید. ورزشکار با سبک زندگی مجازی خود را از سایرین از نقطه نظر استفاده از فناوری به‌روزتر می‌داند. همچنین نکته مهم این سبک این است که ورزشکار هزینه کمتری بابت برقراری ارتباطات و دوستی‌ها می‌پردازد و به احتمال زیاد نیز نگرانی کمتری در خصوص از دست رفتن آن ارتباط دارد. دوری از

پیامدهای کارها و فعالیت‌ها از ویژگی‌های ورزشکاران با سبک زندگی مجازی است. همچنین به نظر می‌رسد هزینه پایین‌تر سبک زندگی مجازی، یکی از دلایل گرایش ورزشکاران جوان‌تر و با امکانات محدودتر به این نحوه گذران فراغت باشد.

سبک زندگی بسته: سبکی است که در آن ورزشکار به دنبال راحتی و بروز رفتارهایی در جهت ارضای نیاز به آزادی بی‌قید و شرط می‌باشد. در این سبک ورزشکاران می‌خواهند فعالیت‌های مختلف را به دور از چشم سایرین و مورد سؤال واقع شدن انجام دهند. در سبک زندگی بسته، تعداد افرادی که وارد حریم خصوصی ورزشکار می‌شوند خیلی کمتر است و با افراد مورد اعتماد در سبک خانواده محور نیز تفاوت دارد و به احتمال زیاد این افراد شامل دوستان خاص و نزدیک می‌باشد که آن‌ها نیز به فراغت‌های بسته علاقه‌مند هستند. سبک زندگی بسته می‌تواند پیوستاری منفی مثبت به خود بگیرد. به عبارتی ممکن است کارها و امورات ساده و معمولی که جنبه مثبت دارند نظیر پرورش گل و گیاه یا مطالعه توسط ورزشکار در حریم خصوصی انجام شود، اما با توجه به بسته بودن این سبک، احتمال رخداد و بروز رفتارهای منفی نظیر مصرف سیگار، مشروبات الکلی و یا سایر اعمال متضاد با ارزش‌ها در آن بیشتر است.

در یک جمع‌بندی از چهار سبک ارائه شده در این تحقیق می‌توان گفت عوامل مختلفی می‌توانند انتخاب و بروز سبکی خاص را در ورزشکاران نخبه تحت تأثیر قرار دهند. یکی از مهم‌ترین این عوامل و شرایط که خاص و ویژه زندگی ورزشکاران نخبه است مشهور، محبوب و مورد توجه بودن آنان می‌باشد. در بسیاری از موارد، واکنش‌های مختلف از طرف مردم و هواداران نسبت به جنبه‌های گوناگون زندگی ورزشکاران منجر می‌شود که آنان به تفریحات بسته روی آورند و حتی اعمال مثبت و ساده خود را به دور از چشم دیگران انجام دهند، چراکه معتقدند با اطلاع یافتن سایرین و رسانه‌ها از عادات و تفریحات ورزشکاران باید منتظر سؤالات پرتعداد رسانه‌ها باشند؛ مواردی از قبیل طرفداری و گوش دادن به سبک موسیقی خاص، تماشای فیلم و یا مطالعه آثار یک نویسنده خاص از این جمله‌اند که یک ورزشکار برای اجتناب از پاسخگویی به سؤالات متعدد بعدی رسانه‌ها سعی می‌کند سبک زندگی بسته را برگزیند. همچنین مطابق با بررسی و تحلیل مصاحبه‌های اجراشده به نظر می‌رسد برخورداری از امکانات و سایر لوازم زندگی، در گرایش ورزشکاران به سبک‌های متمایز و مجازی مؤثر باشد. به احتمال زیاد زمانی که ورزشکار امکانات و منابع کمتری در اختیار دارد بیشتر متمایل به تفریحات مجازی و کم‌هزینه‌تر است. در مقابل با کسب درآمدهای بالاتر و در دسترس بودن منابع بیشتر تمایل برای بروز سبک زندگی متمایز بیشتر می‌گردد. برای ورزشکاران با سبک زندگی خانواده محور نیز یکی از دلایل مهم وابستگی و قوی بودن پیوندهای عاطفی با اعضای خانواده است. همچنین امروزه ورزشکاران نخبه به واسطه معروفیت خود در معرض آسیب‌های اجتماعی مختلفی هستند و جهت اجتناب از این آسیب‌ها، مورد اعتمادترین افراد را اعضای خانواده و نزدیکان خود می‌بینند و به سبک زندگی خانواده محوری روی می‌آورند.

نکته قابل توجه دیگر در مورد سبک‌های چهارگانه فوق که تا حدی به ماهیت سبک زندگی نیز برمی‌گردد، بحث تغییر یافتن سبک زندگی ترجیحی فرد ورزشکار است. مطابق نظر گیبینز و رایمر (۱۹۹۹) در عصر پست‌مدرن سبک‌های زندگی از سویی بسیار متکثر و متنوع شده و فرد پیوسته بین حوزه‌های خصوصی و عمومی در حرکت است و از سوی دیگر، خود سبک‌های زندگی بسیار سریع تغییر می‌کنند. بنابراین، این انتظار وجود دارد که یک ورزشکار در یک زمان واحد حتی نشانه‌های بروز دو سبک متفاوت را نیز از خود نشان

دهد و یا با تغییر شرایط زندگی سبکی متفاوت برای خود برگزیند. لذا باید فضای سبک‌های مذکور را خیلی انعطاف‌پذیر و قابل تغییر تصور کنیم. در این راستا پیتو^۱ (۲۰۱۳) نیز در بررسی ارتباط سبک‌های زندگی و طبقات اجتماعی در فاصله سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۰ در جامعه آمریکا به تغییرات در تنوع سبک‌های زندگی در داخل و بین طبقات مختلف اجتماعی اشاره می‌نماید. منظور از تنوع در داخل و بین طبقات اجتماعی این است که علاوه بر اینکه سبک‌های زندگی طبقات مختلف اجتماعی تفاوت‌های زیادی باهم دارد حتی در شرایط متغیر امروزی تغییرات در سبک زندگی افراد داخل یک طبقه اجتماعی نیز محسوس و قابل مشاهده است. یکی از بخش‌های مورد انتظار در هر کار پژوهشی مقایسه نتایج و یافته‌ها با سایر تحقیقات آن حوزه است، اما از آنجایی که تحقیق حاضر به شکل کیفی و در زمینه ورزشکاران نخبه اجرا شد، قیاس یافته‌های آن با سایر تحقیقات موجود چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

در مجموع، می‌توان گفت سبک‌های زندگی ارائه شده در این تحقیق مشابه برخی از سبک‌های زندگی تحقیقات زیر است:

سبک زندگی متمایز مشابه با سبک زندگی لذت جویانه - زیبایی شناسانه و سبک زندگی بسته مشابه با سبک زندگی خرده فرهنگی در تحقیق زارع و فلاح (۱۳۹۱) است. نکته اشتراک این سبک‌ها در دو تحقیق حس تمایز در سبک متمایز و لذت جویانه - زیبایی شناسانه و حس بروز شخصیت واقعی در سبک بسته و خرده فرهنگی است. همچنین سبک زندگی خانواده محور تحقیق حاضر مشابه با سبک‌های خانه محور و خانواده محور و سبک زندگی متمایز این تحقیق مشابه با سبک زندگی مدگرا در تحقیق هارکر و همکاران (۲۰۰۴) مشابه است. همچنین سبک زندگی مجازی تحقیق حاضر شبیه سبک زندگی بازی‌های کامپیوتری و تلویزیون و هنری مستقل در تحقیق تلاما، ناپونن و پرون (۲۰۰۵) است. اهمیت و مرکزی بودن خانواده برای جوانان فنلاندی در تحقیق سوینین و استورم (۲۰۱۰) نیز مشابه با سبک زندگی خانواده محوری این تحقیق است. البته باید اذعان کرد سبک‌های ارائه شده در تحقیق حاضر در یک زمینه خاص و با در نظر داشتن شرایط ورزشکاران نخبه در ایران ارائه شده است، درحالی‌که سنخ شناسی‌های اشاره شده بیشتر بر اساس فعالیت‌های انجام شده طبقه شده است، همچنین در تحقیق حاضر سبک‌های زندگی نه بر اساس تفاوت فعالیت‌های رخ داده در آنها، بلکه بر اساس تفاوت در نحوه بروز و مکان و زمان اجرای فعالیت‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است.

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت یافته‌های این تحقیق ضمن تأکید بر سودمندی استفاده از فعالیت‌های فراغتی در مطالعه سبک زندگی ورزشکاران نخبه، مؤید این نکته خاص نیز است که به احتمال زیاد جهت سنخ شناسی سبک زندگی ورزشکاران نخبه بر اساس فعالیت‌های فراغتی مهم‌تر از نوع فعالیت‌های فراغتی، نحوه انجام و مکان اجرای آن فعالیت است؛ به عبارت دیگر، شرایط خاص زندگی ورزشکاران می‌تواند منجر به این گردد که فرد ورزشکار یک فعالیت خاص نظیر خرید، خوردن یک خوراکی، تماشای فیلم و غیره را به سبک‌های مختلفی انجام دهد.

در پایان پیشنهاد می‌گردد سبک‌های ارائه شده در این تحقیق به صورت کمی در گروه‌های مختلف ورزشکاران مورد آزمون قرار گیرد.

منابع

- ابازری، یوسفعلی و چاووشیان، حسن. (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی». نامه علوم اجتماعی. دوره ۱۰، ص ۲۷-۳.
- بوردیو، پیر. (۱۹۸۴). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. حسن چاووشیان. تهران: نشر ثالث
- پولادی، رزا. (۱۳۹۲). «بررسی الگوهای سبک زندگی جوانان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- جلالی‌فراهانی، مجید و علی دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۰). مدیریت رویدادها و اردوهای ورزشی. تهران: دانشگاه تهران
- چاووشیان تبریزی، حسن. (۱۳۸۱). «سبک زندگی و هویت اجتماعی مصرف و انتخاب‌های ذوقی به‌عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته». رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- حسامی، زهرا؛ رمضان خانی، علی؛ شریف کاشانی، بابک؛ فلاح تفتی، سعید و حیدری، غلامرضا. (۱۳۸۹). «شیوع مصرف دخانیات و آگاهی و نگرش نسبت به آن در ورزشکاران مرد تیم‌های ملی ایران ۱۳۸۷».
- حکیم. دوره سیزدهم، شماره ۲، ص ۱۲۰-۱۱۵.
- زارع، بیژن و فلاح، مهدی. (۱۳۹۱). «بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن».
- تحقیقات فرهنگی. دوره پنجم، شماره ۴، ص ۷۵-۱۰۵.
- سجادی، نصرالله. (۱۳۸۵). آشنایی با جنبش المپیک. تهران: کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- سنایی، نقی. (۱۳۹۲). «هندسه مفهومی اوقات فراغت با رویکرد جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، اخلاقی».
- معرفت اخلاقی. سال چهارم، شماره ۱، ص ۹۳-۱۱۱.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. چاپ اول، قم: صبح صادق
- گوشبر، فرهاد. (۱۳۸۴). «طبقه اجتماعی و سبک زندگی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- گیینز، جان آر و ریمر، بو. (۱۹۹۹). سیاست پست‌مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر. منصور انصاری. تهران: گام نو
- موون، جان و مینور، میشل. (۱۳۹۳). رفتار مصرف‌کننده. عباس صالح اردستانی و محمدرضا سعدی. چاپ ششم، تهران: نشر اتحاد و آیلار
- Harcar, T., Kaynak, E., & Kucukemiroglu, O. (2004). "Life Style Orientation of US and Canadian Consumers: Are Regio-Centric Standardized Marketing Strategies Feasible?". Asia Pacific Journal of Marketing and Logistic, 20(1), 433-454.
- Petev, I. D. (2013). "The association of social class and lifestyles persistence in American sociability, 1974 to 2010". American sociological review, 78(4), 633-661.
- Soininen, M., & Storm, T. M. (2010). "The life style of the youth, their every day life and relationships in Finland". Procedia-Social and Behavioral Sciences, 2(2),

1665-1669.

- Telama, R., Nupponen, H., & Pieron, M. (2005). **“Physical activity among young people in the context of lifestyle”**. European physical education review, 11(2), 115-137.
- VALS Framework 2002-09. (2014). **“The Framework, The Segments, History and Methodology”**. Retrieved from www.d.umn.edu/.../VALS Framework 2002-09.pdf
- Veal, A. (2001). **“Leisure, culture and lifestyle”**. *Loisir et Société/Society and Leisure*, 24(2), 359-376.

جایگاه روان‌شناسی ورزشی در رشته‌های المپیک و مدال‌آور؛ یک مطالعه تطبیقی

سید مجید زارعیان^۱

زینت نیک آئین^۲

سید محمد کاظم واعظ موسوی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۱۱

پژوهش حاضر با هدف تعیین جایگاه روان‌شناسی ورزشی در رشته‌های المپیک و مدال‌آور در ساختار ورزش کشور انجام گرفت. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و با توجه به ماهیت، از نوع پژوهش‌های کیفی و از نوع نظریه زمینه‌ای می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه افرادی بود که در ساختار روان‌شناسی ورزشی و ورزش کشور صاحب نظر و تأثیرگذار بودند ($N=500$). حجم نمونه در بخش کیفی با توجه به روش نمونه‌گیری گلوله برفی و رسیدن به اشباع نظری ۲۴ نفر بود و در بخش کمی تعداد ۲۲۱ نفر با توجه به جدول مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پژوهش شامل مصاحبه عمیق در بخش کیفی و در بخش کمی پرسشنامه حاصل از بخش کیفی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا بر اساس رویکرد گروند تئوری، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها تحلیل شد. سپس در بخش کمی از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج نشان داد که روان‌شناسی ورزشی ایران در مقایسه با چند کشور منتخب و پیشرو جایگاه مناسبی ندارد ($t=24/98$). همچنین، تشکیلات خاص مربوط به روان‌شناسی ورزشی ($t=18/19$)، ساختار مناسب روان‌شناسی ورزشی ($t=13/36$) و نیروی انسانی متخصص روان‌شناسی ورزشی ($t=19/91$) در

۱. دانشجوی دکتری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: Zinatnikaeen@yahoo.com

۳. استاد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه امام حسین ع، تهران، ایران

ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو وجود ندارد. با این حال نسبت به گذشته تغییرات مثبتی صورت گرفته ($t=15/23$) و وضعیت و جایگاه روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو ($t=-8/83$) مناسب نیست ($p=0/01$). در همین راستا، ۱۳ مورد شرایط علی، ۱۰ مورد شرایط مداخله‌گر، ۹ مورد از بسترهای حاکم و ۷ مورد از پیامدهای ارتقای روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور شناسایی شد و نیز ۷ راهبرد برای ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: جایگاه، روانشناسی ورزشی و فدراسیون‌های ورزشی

مقدمه

پیشرفت روزافزون علوم ورزشی و یافته‌های جدید در قلمرو ورزش و کاربرد آن‌ها در توسعه ورزش و بهبود وضعیت جسمانی، روحی، روانی، اجتماعی، فیزیولوژیکی، فنی و تاکتیکی ورزشکاران موجب جهش حیرت‌انگیز رکوردها و نتایج حاصل از اجرای حرکات ورزشی شده است. این پیشرفت و ترقی مدیون گزارش‌های تحقیقاتی بی‌شماری است که در زمینه کاربرد علوم ورزشی از قبیل علم تمرین، فیزیولوژی ورزش، روان‌شناسی ورزشی، تغذیه ورزش و ... صورت گرفته است (موهان و پال^۱، ۲۰۱۴: ۸۳). یکی از این علوم را روانشناسی ورزشی تشکیل می‌دهد. روان‌شناسی ورزشی^۲ شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که در جستجوی فراهم نمودن پاسخ به سؤالات مختلف در زمینه‌های رفتار انسانی در حیطه ورزش است (بویس^۳، ۲۰۰۹: ۲۶۱). مشکلاتی در زمینه سلامت روانی ورزشکاران همگانی و حرفه‌ای در بسیاری از مسابقات به ویژه رقابت‌هایی که از حساسیت بالایی برخوردارند، همواره ورزشکاران ما را مورد تهدید قرار داده‌اند و فقط مختص ورزشکاران المپیک و حرفه‌ای نیست. تمام تلاش ما بر این است که به مسئولان ورزش این پیام را برسانیم که سلامت روان برای حضور موفقیت‌آمیز ورزشکاران در صحنه‌های بین‌المللی و جهانی ضروری است و آنها تنها با برخورداری از آمادگی فنی نمی‌توانند موفقیتی را کسب کنند (واعظ موسوی، ۱۳۹۴: ۲). گوکیاردی، گوردون و دیمون^۴ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که امروزه با پیشرفت علم روانشناسی، بحث تأثیر مهارت‌های روانی در اجرای مهارت‌های ورزشی از اهمیت بسزایی برخوردار شده و عوامل روانی که در عملکرد ورزشی سهم‌مند، مورد علاقه گسترده ورزشکاران، مربیان و روانشناسان ورزش قرار گرفته است (گوکیاردی و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۶۸). امروزه با استفاده از مهارت‌های روانی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در عملکرد ورزشکاران حرفه‌ای - المپیک و سطوح دانشگاهی به وجود آمده است (مارتنز رینر^۵، ۱۳۷۳: ۵۹). از طرفی، خیلی از قهرمانان المپیک اذعان دارند که موفقیت خود را مدیون ارتقای مسائل روانی و توجه به مولفه‌هایی چون تمرکز، کنترل استرس و بالا بردن اعتمادبه‌نفس خود می‌دانند. اگر ما توانایی تمرکز یا کنترل استرس ورزشکاری را که ۵۰ درصد است در زمان کوتاهی به ۶۰ تا ۷۰ درصد برسانیم، همین تفاوت اندک نیز کمک موثری به بهبود عملکرد ورزشکار خواهد بود (فارسی، کمیلی، عبدلی، فولادیان و حبیبی فر، ۱۳۹۴: ۸۹). به عنوان نمونه، روسیه دومین کشوری بود که به دنبال کسب نتایج خوب آمریکا تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد و سریع توانست نتایج قابل توجهی در این زمینه به دست آورد. به دنبال آن، چین و دیگر کشورها با احساس ضرورت چنین گروهی در کنار کادر فنی ورزشکاران و تیم‌های ورزشی خود از وجود آنان سود بردند. متأسفانه، فدراسیون‌های المپیک کمتر از جلسات کمیسیون روان‌شناسی کمیته ملی المپیک و کمیته روان‌شناسی فدراسیون پزشکی استقبال می‌کنند. شاید تصور می‌کنند اهمیت چنین کمیسیونی برای فدراسیون‌ها هنوز زیاد شفاف نیست و جایگاهی برای آن‌ها تعریف نشده است. به همین دلیل برای چنین موضوع مهمی بها نمی‌دهند (فارسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۱).

1. Mohan and Paul
2. sport psychology
3. Bouvies
4. Gokardi, Gordon & Dimmock
5. Martens Rinner

جایگاه روان‌شناسی ورزشی بین فدراسیون‌ها به ویژه فدراسیون‌های المپیک تعریف شده نیست و به ضرورت آن پی نبرده‌اند و هنوز ضرورت حضور روان‌شناس در بین تیم‌ها به ویژه تیم‌های المپیک به شکل علمی جا نیفتاده است و بیشتر فدراسیون‌ها درست نزدیک مسابقات المپیک، تازه این احساس نیاز را پیدا می‌کنند که روان‌شناس ورزشی جذب کنند. در حالی که یک روان‌شناس زمانی می‌تواند در بهبود عملکرد ورزشکاران تأثیر مثبت بگذارد که مدت زمان زیادی با آنها از نظر آموزش مهارت‌های ذهنی کار کرده باشد نه ظرف دو تا سه ماه مانده به المپیک (واعظ موسوی، ۱۳۹۴: ۴). با توجه به تجربیاتی که از المپیک‌های گذشته و المپیک لندن وجود دارد، عدم حضور روان‌شناس ورزشی کنار ورزشکاران المپیک فاصله آن‌ها را تا مدال آوری زیاد می‌کند. این موضوع را در المپیک لندن درمورد یوسف کرمی، مهدی تقوی و ... کاملاً شاهد بودیم و دیدیم که فشار روانی و استرس زیاد یک روز قبل از دیدار فینال سبب شد تا یوسف کرمی مدال المپیک را به راحتی از دست بدهد. به بیان دیگر، یک ماه مانده به المپیک زمان خوبی برای آماده‌سازی ذهنی ورزشکار نیست و ما هیچ وقت نمی‌توانیم در این زمان کوتاه بهترین شرایط را برای ورزشکار فراهم کنیم (حمزه، ۱۳۹۴: ۲۹).

با توجه به تفاسیر فوق، آماده‌سازی روان‌شناختی ورزشکاران از جمله موضوعات نوین و امروزی در حوزه سازمان و مدیریت ورزش کشور است که توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. یکی از اهداف مهم این روان‌شناسان، آماده‌سازی روان‌شناختی ورزشکاران برای حضور موفق در رویدادهای المپیک و جهانی است. در حال حاضر، روان‌شناسان ورزشی به‌طور رسمی در کنار تیم‌های ملی رشته‌های مختلف ورزشی حضور ندارند. همچنین، در سازمان‌های ورزشی کشور هنوز نهادی روشن که به‌طور رسمی و کاربردی، مسئولیتش آماده‌سازی روانی ورزشکاران (قبل، حین و بعد از مسابقات) و حضور موفق در کنار مربیان تیم‌های ورزشی برای بهبود عملکرد ورزشکاران نه به‌طور موقت و مقطعی، بلکه به‌طور دائمی و نهادینه شده باشد، اجرایی نگردیده است.

باید توجه داشت که انجام هر کار و فعالیتی نیازمند تعیین یک سازمان و یک نظام برای به‌کارگیری عوامل و امکانات مورد نیاز آن به صورت مؤثر و کارآمد می‌باشد. در آغاز ایجاد تغییرات سازمانی، بهینه‌سازی ساختار منابع یک سازمان باید اولویت اول اقدامات مدیریت یک سازمان باشد. پس باید در شروع کار، منابع در اختیار را به‌طور خاص سازماندهی کرد و به آن الگویی مناسب بخشید (رایبزن، ۱۳۹۴: ۱۱۲). پی بردن به این امر که همراه با افزایش پیچیدگی و رسمیت، سازمان ممکن است حالت متمرکز به خود بگیرد و یا به عدم تمرکز روی آورد، از اهمیت زیادی برخوردار است. معمولاً تمرکز و عدم تمرکز را روی یک طیف و پیوستار نشان می‌دهند که یک سر آن تمرکز و سر دیگر آن عدم تمرکز قرار دارد. جایگاه سازمان روی این پیوستار، یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده نوع ساختار سازمانی است. طرح سازمان به نحوه ساخت و تغییر ساختار برای تحقق اهداف سازمانی اشاره می‌کند. ساختن یا تغییر دادن یک سازمان شبیه ساختن یا تغییر نقشه یک ساختمان نیست - اگر چه هر دو با یک هدف نهایی آغاز می‌شوند و سپس طراح برای تحقق آن هدف، وسایل یا نقشه‌ای تدارک می‌بیند. در بنا نمودن یک ساختمان، طرح مورد نظر یک نقشه ساختمانی دقیق است که بر اساس آن ساختمان بنا نهاده می‌شود. در ساختن یک سازمان آنچه مورد استفاده قرار می‌گیرد، نقشه یا سند مشابه‌ای است که نمودار سازمانی نام دارد. عوامل مؤثر بر طراحی ساختار سازمانی عبارت‌اند از: ۱) ابعاد ساختاری (شامل پیچیدگی، رسمیت، تمرکز، تخصص‌گرایی، نسبت‌های پرسنلی و تحلیل ابعاد ساختاری)؛ ۲)

ابعاد محتوایی (شامل استراتژی، محیط، تکنولوژی، دوره عمر سازمان و فرهنگ سازمانی) که بررسی و مطالعه در مورد عوامل مؤثر فوق نیاز به تجربه کافی و لازم دارد. البته، پارامترهای دیگری نیز در طراحی ساختار سازمانی دخیل می‌باشند (اچ هال^۱، ۱۳۸۱: ۸۵-۸۶).

اکنون با توجه به آنچه گفته شد، مسئله اصلی که باعث انجام این پژوهش گردید، شناسایی جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور و فدراسیون‌های ورزشی و رشته‌های المپیک و مدال‌آور می‌باشد، چرا که روان‌شناسی ورزشی رفتار ورزشکاران را در قبل، حین و بعد از مسابقات تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث بهبود عملکرد آن‌ها در میدان‌های بزرگ مثل المپیک و جهان و در نتیجه دریافت مدال‌های خوشرنگ‌تر و بهبود رفتار آن‌ها در میادین ورزشی می‌شود. در شرایط حاضر، در ورزش ایران حلقه مفقوده‌ای به غیر از آمادگی جسمانی و تغذیه وجود دارد که نقش بسزایی در عملکرد ورزشکاران و قهرمانان المپیک دارد. امروزه در دنیای ورزش حرفه‌ای، چه در ایران و چه در سایر کشورها فاکتورهای تغذیه و علم تمرین تقریباً در یک سطح قرار گرفته است و فاکتور تأثیرگذار دیگری که در ورزش حرفه‌ای باعث پیشرفت فراوان سایر کشورها شده و در ایران هنوز اول راه است، علم روان‌شناسی ورزشی است که هنوز جای آن در کنار ورزشکاران خالی است. لذا با تربیت روان‌شناسان ورزشی و حضور آن‌ها در کنار تیم‌های ملی و مربیان دیگر که باعث هدایت ورزشکاران و گرفتن نتیجه مطلوب می‌گردد، باید این حلقه مفقوده از میان برداشته شود. با این تفاسیر، این تحقیق در نظر دارد به بررسی جایگاه روان‌شناسی ورزشی در رشته‌های المپیک و مدال‌آور و بررسی چند کشور (مطالعه تطبیقی) بپردازد.

سوالات پژوهش

۱. با توجه به موضوع تحقیق، سوالات ویژه تحقیق به شرح زیر مطرح شد:
۲. جایگاه روان‌شناسی ورزشی ایران در مقایسه با چند کشور منتخب و پیشرو چگونه است؟
۳. شرایط علی مؤثر بر جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور کدام اند؟
۴. شرایط زمینه‌ای مؤثر بر جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور کدام اند؟
۵. شرایط مداخله‌گر مؤثر بر جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور کدام اند؟
۶. راهبردهای مؤثر بر جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور کدام اند؟
۷. پیامدهای ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه انجام کار، جزو تحقیقات آمیخته (کیفی و کمی) است. جامعه آماری شرکت کنندگان در این تحقیق شامل کلیه افرادی است که در ساختار روان‌شناسی ورزشی ورزش کشور صاحب نظر و تأثیرگذار هستند؛ افرادی چون: معاونان محترم وزارت ورزش و جوانان، ریاست محترم کمیته ملی المپیک و مدیرانی که در سازمان‌های مرتبط با کمیته ملی المپیک در ورزش قهرمانی - حرفه‌ای نقش داشتند، اساتید محترم دانشگاه‌ها در حیطه مدیریت و روان‌شناسی ورزشی، روسای محترم فدراسیون‌ها،

سرمربیان و مربیان تیم‌های ملی و همچنین مدال‌آوران المپیک و جهانی. جامعه آماری تحقیق ۵۰۰ نفر بودند. بخش کیفی تحقیق، تعداد نمونه خاصی از قبل تعیین نمی‌شود و تا زمانی که مدل به مرحله ساخت و اشباع نرسیده است، نمونه‌گیری ادامه پیدا می‌کند. لذا از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی در این مرحله استفاده شد. در این تحقیق نمونه‌گیری گلوله برفی بدین صورت بود که شرکت‌کنندگان اگر افراد دیگری را می‌شناختند که در زمینه مورد بررسی دارای تجربیات و دیدگاه‌هایی هستند، برای شرکت در مطالعه معرفی نمودند. در بخش کیفی تعداد ۲۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. در بخش کمی نیز تعداد ۲۲۱ نفر با توجه به حداقل حجم نمونه جدول مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند.

مراحل تحقیق در قسمت جمع‌آوری داده‌ها به صورت کلی به سه بخش تقسیم می‌گردد: در بخش اول فرایند جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای شامل بررسی اسناد و مدارک، گزارش‌های مستند، مقالات علمی معتبر و وب‌سایت‌های معتبر در زمینه موضوع پژوهش و مولفه‌های تحقیق انجام شد. در بخش دوم، جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های کیفی با نخبگان صورت گرفت- مصاحبه یکی از رایج‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در گروندد تئوری است. مصاحبه با سئوالات باز این امکان را برای شرکت‌کنندگان به وجود می‌آورد که تجربیات خود را در مورد پدیده مورد بررسی کاملاً توضیح دهند. پس از انجام مصاحبه و کدگذاری داده‌ها، پرسشنامه تحقیق به دست آمد که در بخش سوم و کمی تحقیق، در اختیار نمونه قرار گرفت. روایی صوری پرسشنامه از طریق نظر ۵ نفر از متخصصان روانشناسی ورزشی تایید شد و پایایی آن در یک آزمون اولیه بر روی ۳۰ نفر با استفاده از آلفای کرونباخ با ۰/۷۹ مورد تایید قرار گرفت. به دلیل اینکه تحقیق حاضر با رویکرد تطبیقی بود که اغلب با استفاده از داده‌های تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش خوبی فراهم شد که ساختار روان‌شناسی ورزشی در کشورهای منتخب مطالعه و تأثیر روان‌شناسی ورزشی در موفقیت ورزشکاران بررسی و با ساختار کشورمان مقایسه گردد.

در این پژوهش، پژوهشگر به منظور ثبت اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، علاوه بر یادداشت رؤس مطالب، با کسب اجازه از فرد مصاحبه‌شونده به ضبط مصاحبه با استفاده از دستگاه ویژه ضبط صدا اقدام نمود. لذا در این پژوهش کلیه مصاحبه‌های انجام شده، از طریق کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲، کدگذاری انتخابی^۳ (گزینشی) تجزیه و تحلیل شد. وظیفه بعدی پژوهشگر دسته‌بندی و مقایسه مفاهیم استخراج شده از دل داده‌ها بود. با توجه به اینکه محقق در بررسی پیشینه تحقیق به الگو یا مدلی مفهومی خاصی در مورد جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور برخورد نکرد و همچنین به دلیل عدم حضور روان‌شناس ورزشی در کنار ورزشکاران تیم‌های مختلف ورزشی و جایگاه آن‌ها در ورزش کشور به صورت تایید شده در پیشینه تحقیق، محقق تصمیم گرفت که با یک تحقیق کیفی و اکتشافی، خود به ارائه جایگاه روان‌شناسی در ساختار ورزش کشور دست پیدا کند. لذا در این تحقیق از افرادی که به نوعی صاحب تفکر و نظر در روان‌شناسی ورزشی و همچنین تأثیرگذار در مدیریت ورزش کشور بودند و نیز افراد با تجربه در رشته‌های مختلف المپیک که رویدادهای جهانی را با ورزشکاران رشته‌های مختلف تجربه نموده‌اند، استفاده شد. روش تحلیل داده‌ها در روش داده بنیاد، کدگذاری نظری می‌باشد. بنابراین بعد از مطالعه مبانی نظری، داده‌های

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding

خام به صورت استقرائی از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با نخبگان به دست آمد و بر اساس نظریه داده بنیاد تجزیه و تحلیل شد. در واقع هم‌زمان با انجام مصاحبه‌ها، داده‌ها کدگذاری شد. با توجه به کدهای به دست آمده از مصاحبه‌ها و مطالعات، مولفه‌های اصلی با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد با رویکرد نوحواسته مورد شناسایی قرار گرفت. در بخش کمی نیز پس از جمع‌آوری تمامی ۲۲۱ پرسشنامه توزیع شده و با توجه به تکمیل بودن آن‌ها، از روش‌های آماری کلموگروف اسمیرنوف به منظور بررسی توزیع داده‌ها و نیز آزمون تی تک نمونه‌ای در سطح معناداری ۰/۰۵ برای بررسی سوالات تحقیق با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه تحقیق به شرح جدول ۱ بود.

جدول ۱: یافته‌های جمعیت شناختی

جنسیت		تاهل		سن		تحصیلات		رشته تحصیلی		سابقه شغلی		سمت	
زن	۴۰/۳	مجرد	۱۷/۶	۴۱ تا ۵۰ سال	۳۲/۱	فوق لیسانس	۴۵/۳	علوم ورزشی	۵۸/۴	۱۵ تا ۱۰	۳۷/۱	ورزشکار	۳۳/۹
مرد	۵۹/۷	متاهل	۸۲/۴	بالای ۶۰ سال	۱۴/۵	دکتری	۷/۳	سایر رشته ها	۳۶/۷	بالای ۲۰	۱۰/۴	کارشناس	۴۴/۲

با توجه به طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی سوال جایگاه روان‌شناسی ورزشی ایران در مقایسه با چند کشور منتخب و پیشرو چگونه است، استفاده شد. نتایج در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

متغیر	آماره	میانگین	میانگین آماری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	k-s
در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو جایگاه مناسبی ندارد.	۴/۲۳	۳	۲۲۰	۲۴/۹۸	۰/۰۱	۰/۲۳	
تشکیلات خاصی در مورد روانشناسی ورزشی به نسبت کشورهای منتخب و پیشرو وجود ندارد.	۴/۰۲	۳	۲۲۰	۱۸/۱۹	۰/۰۱	۰/۷۸	
ساختار مناسب روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو وجود ندارد.	۳/۶۷	۳	۲۲۰	۱۳/۳۶	۰/۰۱	۰/۹۳	
نیروی انسانی متخصص روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو کم است.	۴/۰۷	۳	۲۲۰	۱۹/۹۱	۰/۰۱	۰/۱۲	

۰/۶۸	۰/۰۱	-۸/۸۳	۲۲۰	۳	۲/۵۷	وضعیت و جایگاه روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو مناسب است.
۰/۳۴	۰/۵۶	۰/۵۶	۲۲۰	۳	۳/۰۳	ساختار دارد ولی فعالیت ندارد.
۰/۷۳	۰/۰۱	۱۵/۲۳	۲۲۰	۳	۳/۹۰	نسبت به گذشته تغییرات مثبتی صورت گرفته است.

با توجه به نتایج جدول ۲ می‌توان گفت که روان‌شناسی ورزشی ایران در مقایسه با چند کشور منتخب و پیشرو جایگاه مناسبی ندارد ($t=24/98, p=0/01$)، تشکیلات خاصی در مورد روانشناسی ورزشی به نسبت کشورهای منتخب و پیشرو وجود ندارد ($t=18/19, p=0/01$)، ساختار مناسب روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو وجود ندارد ($t=13/36, p=0/01$)، نیروی انسانی متخصص روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو کم است ($t=19/91, p=0/01$) ولی با این حال، نسبت به گذشته تغییرات مثبتی صورت گرفته است ($t=15/23, p=0/01$). همچنین نمی‌توان گفت که روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو ساختار دارد، ولی فعالیت هم ندارد. نیز وضعیت و جایگاه روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو مناسب نیست ($t=-8/83, p=0/01$).

با توجه به طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی سوال شرایط علی مؤثر بر ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور چیست، استفاده شد. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

گویه	آماره	میانگین	میانگین آماری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	k-s
احساس ضرورت تمام مسئولان به این موضوع	۳/۷۸	۳	۲۲۰	۲۲۰	۱۵/۱۲	۰/۰۱	۰/۳۶
نگاه به این حیطه به صورت تخصصی	۳/۵۶	۳	۲۲۰	۲۲۰	۹/۴۶	۰/۰۱	۰/۷۱
تاسیس یک مرکز مستقل روانشناسی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان همراه با انجام اقدامات لازم	۳/۳۹	۳	۲۲۰	۲۲۰	۷/۲۱	۰/۰۱	۰/۲۶
تخصیص بودجه مجزا برای روانشناسی ورزشی از طرف دولت	۳/۲۶	۳	۲۲۰	۲۲۰	۶/۷۳	۰/۰۱	۰/۱۲

۰/۴۴	۰/۰۱	۱۷/۴۳	۲۲۰	۳	۳/۸۹	نظارت و ارزیابی مستمر وزارت ورزش و جوانان از روند توسعه روانشناسی ورزشی در فدراسیون‌ها
۰/۵۲	۰/۰۱	۱۳/۲۵	۲۲۰	۳	۳/۶۹	آموزش مربیان ورزشی در ارتباط با روانشناسی ورزشی
۰/۶۸	۰/۰۱	۲۵/۱۸	۲۲۰	۳	۴/۲۰	تشکیل کمیسیون و کارگروهی برای توسعه روانشناسی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک
۰/۱۹	۰/۰۱	۷/۰۹	۲۲۰	۳	۳/۳۷	تخصصی شدن روانشناسان برای هر رشته ورزشی
۰/۲۷	۰/۰۱	۱۵/۸۹	۲۲۰	۳	۳/۸۳	دانش افزایی مربیان و ورزشکاران نسبت به روانشناسی ورزشی
۰/۱۶	۰/۹۱	-۰/۲۳	۲۲۰	۳	۲/۹۸	اجباری کردن استفاده از روانشناسان ورزشی در تیم‌های ورزشی
۰/۳۸	۰/۰۱	۹/۴۰	۲۲۰	۳	۳/۵۵	تبادل علمی و ارتباطات با کشورهای مختلف
۰/۸۲	۰/۰۱	۲۰/۹۶	۲۲۰	۳	۴/۰۱	افزایش تبادل بین دانشگاه‌ها و وزارت ورزش و جوانان
۰/۷۱	۰/۰۱	۲۲/۵۹	۲۲۰	۳	۴/۱۳	افزایش نیروی انسانی متخصص در حیطه روانشناسی ورزشی
۰/۱۱	۰/۰۱	۲۷/۱۰	۲۲۰	۳	۴/۲۶	تشکیل کمیته روانشناسی ورزشی در فدراسیون‌های ورزشی

با توجه به نتایج جدول ۳، می‌توان گفت که به جز اجباری کردن استفاده از روانشناسان ورزشی در تیم‌های ورزشی، بقیه موارد از دید نمونه‌های تحقیق به عنوان شرایط علی مؤثر بر ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند ($p=0/01$). همچنین از بین گویه‌های مطرح شده، «تشکیل کمیته روانشناسی ورزشی در فدراسیون‌های ورزشی»، «تشکیل کمیسیون و کارگروهی برای توسعه روانشناسی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک»، «افزایش نیروی انسانی متخصص در حیطه روانشناسی ورزشی» و «افزایش تبادل بین دانشگاه‌ها و وزارت ورزش و جوانان» دارای بالاترین میانگین بودند. با توجه به طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی سوال شرایط زمینه‌ای ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور چیست، استفاده شد. نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است:

جدول ۴: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

گوینه	آماره	میانگین	میانگین آماری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	k-s
افزایش اعتقاد به ورزش علمی از سوی جامعه ورزش کشور	۳/۳۷	۳	۲۲۰	۴/۵۱	۰/۰۱	۰/۵۴	
وجود دانشجویان و متخصصان علاقه‌مند در حوزه روانشناسی ورزش	۳/۴۲	۳	۲۲۰	۵/۲۹	۰/۰۱	۰/۳۴	
علاقه‌مندی سیاسیون به کسب نتیجه در ورزش قهرمانی	۳/۵۰	۳	۲۲۰	۷/۶۰	۰/۰۱	۰/۴۱	
احساس نیاز فدراسیون‌های ورزشی به مقوله روانشناسی ورزشی	۳/۴۵	۳	۲۲۰	۶/۸۹	۰/۰۱	۰/۸۹	
وجود جمعیت تحصیل کرده، جوان و علاقه‌مند در بین مربیان ورزش کشور	۳/۷۲	۳	۲۲۰	۹/۱۸	۰/۰۱	۰/۱۰	
نتایج ملموس به کارگیری روانشناس ورزشی	۳/۵۴	۳	۲۲۰	۷/۹۲	۰/۰۱	۰/۰۷	
وجود تجارب موفق جهانی برای الگو برداری	۳/۶۱	۳	۲۲۰	۸/۳۸	۰/۰۱	۰/۲۴	
رشد مناسب جامعه روانشناسی ورزشی کشور در سال‌های اخیر	۳/۸۷	۳	۲۲۰	۱۶/۳۷	۰/۰۱	۰/۵۱	
وجود انجمن علمی روانشناسی ورزشی	۳/۹۸	۳	۲۲۰	۱۷/۸۲	۰/۰۱	۰/۶۸	

با توجه به نتایج جدول ۴، افزایش اعتقاد به ورزش علمی از سوی جامعه ورزش کشور ($t=4/51, p=0/01$)، وجود دانشجویان و متخصصان علاقه‌مند در حوزه روانشناسی ورزشی ($t=5/29, p=0/01$)، علاقه‌مندی سیاسیون به کسب نتیجه در ورزش قهرمانی ($t=7/60, p=0/01$)، احساس نیاز فدراسیون‌های ورزشی به مقوله روانشناسی ورزشی ($t=6/89, p=0/01$)، وجود جمعیت تحصیل کرده، جوان و علاقه‌مند در بین مربیان ورزش کشور ($t=9/18, p=0/01$)، نتایج ملموس به کارگیری روانشناس ورزشی ($t=7/92, p=0/01$)، وجود تجارب موفق جهانی برای الگو برداری ($t=8/38, p=0/01$)، رشد مناسب جامعه روانشناسی ورزشی کشور در سال‌های اخیر ($t=16/37, p=0/01$) و وجود انجمن علمی روانشناسی ورزشی ($t=17/82, p=0/01$) شرایط زمینه‌ای ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند.

با توجه به طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی سوال شرایط مداخله‌گر مؤثر بر ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور چیست، استفاده شد. نتایج در جدول ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

گوینه	آماره	میانگین آماری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	k-s
عدم احساس ضرورت توسط مسئولان	۳/۹۲	۳	۲۲۰	۲۱/۲۳	۰/۰۱	۰/۵۴
ضعف نیروی انسانی و کمبود نیروی متخصص	۳/۳۶	۳	۲۲۰	۴/۱۷	۰/۰۱	۰/۳۴
عدم تخصیص بودجه مناسب	۳/۴۴	۳	۲۲۰	۵/۱۲	۰/۰۱	۰/۴۱
عدم توجه کافی از سوی وزارت ورزش و جوانان	۳/۸۵	۳	۲۲۰	۱۸/۵۹	۰/۰۱	۰/۸۹
باورها و نگرش سنتی ورزشکاران و مربیان و مدیران ورزشی	۳/۶۸	۳	۲۲۰	۱۳/۸۳	۰/۰۱	۰/۱۰
عدم نگاه ساختاری به مقوله روانشناسی ورزشی از سوی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک	۳/۹۸	۳	۲۲۰	۲۱/۸۹	۰/۰۱	۰/۰۷
عدم علاقه و رغبت دانش آموختگان این حوزه برای کار در بدنه ورزش کشور	۳/۲۷	۳	۲۲۰	۳/۰۳	۰/۰۱	۰/۲۴
نبود دستورالعمل و قانون برای به کار گیری روانشناسان	۴/۱۲	۳	۲۲۰	۲۶/۹۴	۰/۰۱	۰/۵۱
پایین بودن سواد علمی جامعه ورزش کشور	۳/۳۸	۳	۲۲۰	۴/۶۵	۰/۰۱	۰/۶۸
نبود همبستگی لازم در بین روانشناسان ورزشی کشور	۳/۵۰	۳	۲۲۰	۶/۳۷	۰/۰۱	۰/۶۳

با توجه به نتایج جدول ۵، عدم احساس ضرورت توسط مسئولان ($t=21/23, p=0/01$)، ضعف نیروی انسانی و کمبود نیروی متخصص ($t=4/17, p=0/01$)، عدم تخصیص بودجه مناسب ($t=5/12, p=0/01$)، عدم توجه کافی از سوی وزارت ورزش و جوانان ($t=18/59, p=0/01$)، باورها و نگرش سنتی ورزشکاران و مربیان و مدیران ورزشی ($t=13/83, p=0/01$)، عدم نگاه ساختاری به مقوله روانشناسی ورزشی از سوی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک ($t=21/89, p=0/01$)، عدم علاقه و رغبت دانش آموختگان این حوزه برای کار در بدنه ورزش کشور ($t=3/03, p=0/01$)، نبود دستورالعمل و قانون برای به کار گیری روانشناسان ($t=26/94, p=0/01$)، پایین بودن سواد علمی جامعه ورزش کشور ($t=4/65, p=0/01$) و نبود همبستگی لازم در بین روانشناسان ورزشی کشور ($t=6/37, p=0/01$) به عنوان شرایط مداخله گر مؤثر بر ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند.

با توجه به طبیعی بودن توزیع داده ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی سوال راهبردهای مؤثر بر ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور چیست، استفاده شد. نتایج در جدول ۶ نشان داده شده است:

جدول ۶: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

گویه	آماره	میانگین	میانگین آماری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	k-s
اولویت‌بندی عوامل موثر بر ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی و تلاش برای رفع موانع	۳/۵۲	۳	۲۲۰	۱۱/۰۴	۰/۰۱	۰/۲۶	
افزایش بودجه و مسائل مالی مربوط به ارتقای ساختار روانشناسی ورزش	۳/۴۱	۳	۲۲۰	۸/۹۲	۰/۰۱	۰/۵۳	
دانش افزایشی مدیران، مربیان و ورزشکاران در زمینه تاثیرات مثبت روانشناسی ورزشی	۳/۶۵	۳	۲۲۰	۱۴/۷۱	۰/۰۱	۰/۴۹	
دانش افزایشی و افزایش مدرسان روانشناسی ورزشی و استفاده از تجارب موفق دنیا	۳/۷۸	۳	۲۲۰	۱۶/۰۹	۰/۰۱	۰/۴۰	
تلاش برای تربیت نیروی انسانی موثر و کارآمد در دانشگاه‌های کشور	۳/۵۶	۳	۲۲۰	۱۲/۴۶	۰/۰۱	۰/۱۲	
ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی با ایجاد کمیته مستقل در فدراسیون‌های ورزشی	۳/۸۹	۳	۲۲۰	۱۷/۲۶	۰/۰۱	۰/۸۹	
نگاه ویژه و تخصصی به روانشناسی ورزشی در رشته‌های مختلف	۳/۷۰	۳	۲۲۰	۱۵/۵۸	۰/۰۱	۰/۶۴	

با توجه به نتایج جدول ۶، راهبردهای موثر بر ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور بر اساس بالاترین میانگین عبارت اند از:

- ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی با ایجاد کمیته مستقل در فدراسیون‌های ورزشی؛
- دانش افزایشی و افزایش مدرسان روانشناسی ورزشی و استفاده از تجارب موفق دنیا؛
- نگاه ویژه و تخصصی به روانشناسی ورزشی در رشته‌های مختلف؛
- دانش افزایشی مدیران، مربیان و ورزشکاران در زمینه تاثیرات مثبت روانشناسی ورزشی؛
- تلاش برای تربیت نیروی انسانی موثر و کارآمد در دانشگاه‌های کشور؛
- اولویت‌بندی عوامل موثر بر ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی و تلاش برای رفع موانع؛
- افزایش بودجه و مسائل مالی مربوط به ارتقای ساختار روانشناسی ورزش.

با توجه به طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی سوال پیامدهای ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور چیست، استفاده شد. نتایج در جدول ۷ نشان داده شده است:

جدول ۷: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای

گوینه	آماره	میانگین	میانگین آماری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	k-s
ارتقای سطح فنی و عملکردی ورزشکاران	۳/۸۹	۳	۲۲۰	۱۷/۵۶	۰/۰۱	۰/۱۴	
ارتقای سطح کرسی‌های بین المللی و کسب مدال‌های بیشتر بین المللی	۳/۹۰	۳	۲۲۰	۱۷/۹۳	۰/۰۱	۰/۱۱	
افزایش دوره قهرمانی ورزشکاران	۴/۲۱	۳	۲۲۰	۲۶/۹۲	۰/۰۱	۰/۲۳	
افزایش کیفیت زندگی ورزشکاران	۴/۳۷	۳	۲۲۰	۳۱/۱۷	۰/۰۱	۰/۱۸	
کاهش مصدومیت‌های ناشی از تمرین و مسابقه	۳/۶۸	۳	۲۲۰	۱۳/۴۴	۰/۰۱	۰/۳۸	
کاهش فراز و فرودهای بحث روانی ورزشکاران و افزایش ثبات در عملکرد ورزشکاران	۴/۱۲	۳	۲۲۰	۲۵/۴۸	۰/۰۱	۰/۳۲	
افزایش مشارکت مردم در برنامه‌های ورزشی	۳/۴۲	۳	۲۲۰	۶/۲۱	۰/۰۱	۰/۱۲	

با توجه به نتایج جدول ۷، ارتقای سطح فنی و عملکردی ورزشکاران ($t=17/56, p=0/01$)، ارتقای سطح کرسی‌های بین المللی و کسب مدال‌های بیشتر بین المللی ($t=17/93, p=0/01$)، افزایش دوره قهرمانی ورزشکاران ($t=26/92, p=0/01$)، افزایش کیفیت زندگی ورزشکاران ($t=31/17, p=0/01$)، کاهش مصدومیت‌های ناشی از تمرین و مسابقه ($t=13/44, p=0/01$)، کاهش فراز و فرودهای بحث روانی ورزشکاران و افزایش ثبات در عملکرد ورزشکاران ($t=25/48, p=0/01$) و افزایش مشارکت مردم در برنامه‌های ورزشی و ورزشی از پیامدهای ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند. ($t=6/21, p=0/01$)

بحث و نتیجه گیری

نتیجه آزمون سوال اول تحقیق نشان داد که روان‌شناسی ورزشی ایران در مقایسه با چند کشور منتخب و پیشرو جایگاه مناسبی ندارد ($t=24/98$)، تشکیلات خاصی در مورد روانشناسی ورزشی به نسبت کشورهای منتخب و پیشرو وجود ندارد ($t=18/19$)، ساختار مناسب روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو وجود ندارد ($t=13/36$)، نیروی انسانی متخصص روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو کم است ($t=19/91$) ولی با این حال نسبت به گذشته تغییرات مثبتی صورت گرفته است ($t=15/23$)، همچنین نمی‌توان گفت که روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو ساختار دارد، ولی فعالیت هم ندارد. نیز وضعیت و جایگاه روانشناسی ورزشی در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب و پیشرو مناسب نیست ($t=-8/83, p=0/01$). نتیجه به دست آمده با نتیجه تحقیقات باغبانی و جعفری کاکلکی (۱۳۹۴)، سپاسی و همکاران (۱۳۸۵) و آقا علی‌نژاد (۱۳۷۶) همسو بود. باغبانی و جعفری

کاکلکی (۱۳۹۴) نشان دادند که روان‌شناسان ورزشی تبدیل به یکی از بخش‌های پایه‌ای ورزش حرفه‌ای شده و در چند سال اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند و درحالی‌که استفاده از روان‌شناس در تیم‌های ورزشی به یک ضرورت انکارناپذیر (همانند مربی، سرپرست و ...) تبدیل شده است، در ایران هنوز کمتر تیمی است که از روان‌شناس استفاده می‌کند- مسئله‌ای که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در رقم خوردن برخی از ناکامی‌ها و شکست‌های اخیر ورزشکاران ایران چه در عرصه قاره و چه جهانی و المپیک بی‌تأثیر نبوده است.

آزمون سوال دوم تحقیق نشان داد که به جز اجباری کردن استفاده از روان‌شناسان ورزشی در تیم‌های ورزشی، بقیه موارد از دید نمونه‌های تحقیق به عنوان شرایط علی مؤثر بر ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند ($p=0/01$). همچنین از بین گویه‌های مطرح شده، «تشکیل کمیته روانشناسی ورزشی در فدراسیون‌های ورزشی»، «تشکیل کمیسیون و کارگروهی برای توسعه روانشناسی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک»، «افزایش نیروی انسانی متخصص در حیطه روانشناسی ورزشی» و «افزایش تبادل بین دانشگاه‌ها و وزارت ورزش و جوانان» دارای بالاترین میانگین بودند. پس از آنکه اهمیت و جایگاه روانشناسی ورزشی در موفقیت تیم‌ها، بازیکنان، مربیان ورزشی و ... برای همگان مشخص شد، لازم به نظر می‌رسد که عوامل علی ارتقای جایگاه آن در کشور نیز مشخص شود. نتیجه تحقیق بیانگر آن بود که عوامل متعددی می‌توانند موجبات ارتقای روانشناسی ورزشی کشور را فراهم نمایند. دو مورد از مهم‌ترین عوامل را «تشکیل کمیته روانشناسی ورزشی در فدراسیون‌های ورزشی» و «تشکیل کمیسیون و کارگروهی برای توسعه روانشناسی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک» تشکیل می‌دهد. در ساختار سازمان‌های ورزشی کشور مشخص شده است که فدراسیون‌های ورزشی و کمیته ملی المپیک تحت همکاری با وزارت ورزش و جوانان بالاترین مقام ورزشی هر رشته ورزشی هستند و یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های آنان را ارتقای ورزش قهرمانی و حرفه‌ای کشور تشکیل می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که تیم‌های ملی ورزشی کشور از دل فعالیت‌ها و برنامه‌های این سازمان‌ها به ویژه فدراسیون‌های ورزشی مستخرج می‌شوند. لذا چنانچه در تشکیلات فدراسیون‌های ورزشی، کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش و جوانان بخشی با نام کمیته روانشناسی ورزشی ایجاد شود، بی‌شک می‌تواند تأثیرات مهمی در توسعه روانشناسی ورزشی کشور به ویژه در سطح تیم‌های ملی و حرفه‌ای ایفا نماید. در تایید این موضوع می‌توان به تجارب کشورهای منتخب و پیشرو اشاره نمود.

نتیجه آزمون سوال سوم تحقیق نشان داد که افزایش اعتقاد به ورزش علمی از سوی جامعه ورزش کشور ($t=4/51$)، وجود دانشجویان و متخصصان علاقه‌مند در حوزه روانشناسی ورزشی ($t=5/29$)، علاقه‌مندی سیاسیون به کسب نتیجه در ورزش قهرمانی ($t=7/60$)، احساس نیاز فدراسیون‌های ورزشی به مقوله روانشناسی ورزشی ($t=6/89$)، وجود جمعیت تحصیل کرده، جوان و علاقه‌مند در بین مربیان ورزش کشور ($t=9/18$)، نتایج ملموس به کارگیری روانشناس ورزشی ($t=7/92$)، وجود تجارب موفق جهانی برای الگو برداری ($t=8/38$)، رشد مناسب جامعه روانشناسی ورزشی کشور در سال‌های اخیر ($t=16/37$) و وجود انجمن علمی روانشناسی ورزشی ($t=17/82$) عوامل زمینه‌ای مؤثر بر ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند ($p=0/01$). برای توسعه روانشناسی ورزشی کشور، ابتدا لازم است که زمینه‌های لازم مهیا باشد و سپس با بهبود شرایط علی و نیز عوامل میانجی، جایگاه روانشناسی ورزشی کشور

ارتقا یابد. یکی از زمینه‌های لازم برای ارتقای روانشناسی ورزشی را افزایش اعتقاد به ورزش علمی از سوی جامعه ورزش کشور تشکیل می‌دهد. متأسفانه، هنوز در کشور اعتقاد به ورزش علمی وجود ندارد و این موضوع هم از سوی مدیران و هم مربیان و ورزشکاران قابل مشاهده است. بسیاری از ورزشکاران و مربیان هنوز هم به شیوه‌های سنتی و تجربی به فعالیت‌ها و تمرینات ورزشی می‌پردازند و تا زمانی که این اعتقاد به ورزش علمی ایجاد نشود، نمی‌توان به استقبال از روانشناسان ورزشی در بدنه تیم‌ها و سازمان‌های ورزشی امیدوار بود. به علاوه، وجود دانشجویان و متخصصان علاقه‌مند در حوزه روانشناسی ورزشی، امری ضروری است که در صورت نبود آن‌ها نمی‌توان به ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی امیدوار بود. امروزه به دلیل سردرگمی وزارت علوم و کارگروه‌های علمی هنوز نمی‌توان رشته روانشناسی ورزشی را به عنوان یک رشته علمی در کشور قلمداد کرد، چرا که چند سال در برخی دانشگاه‌ها تدریس و سپس دوباره در سطح کارشناسی ارشد ملغی شد. با این وصف، انگیزه‌ای برای علاقه‌مندان به این رشته وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر، بازار کار مناسبی نیز در انتظار فارغ التحصیلان این رشته نیست. لذا این موضوع می‌تواند از میزان علاقه آنان به ادامه تحصیل در روانشناسی ورزشی بکاهد.

در همین راستا، نتیجه آزمون سوال چهارم تحقیق نشان داد که عدم احساس ضرورت توسط مسئولان ($t=21/23$)، ضعف نیروی انسانی و کمبود نیروی متخصص ($t=4/17$)، عدم تخصیص بودجه مناسب ($t=5/12$)، عدم توجه کافی از سوی وزارت ورزش و جوانان ($t=18/59$)، باورها و نگرش سنتی ورزشکاران و مربیان و مدیران ورزشی ($t=13/83$)، عدم نگاه ساختاری به مقوله روانشناسی ورزشی از سوی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک ($t=21/89$)، عدم علاقه و رغبت دانش‌آموختگان این حوزه برای کار در بدنه ورزش کشور ($t=3/03$)، نبود دستورالعمل و قانون برای به کارگیری روانشناسان ($t=26/94$)، پایین بودن سواد علمی جامعه ورزش کشور ($t=4/65$) و نبود همبستگی لازم در بین روانشناسان ورزشی کشور ($t=6/3$) به عنوان شرایط مداخله‌گر مؤثر بر ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند ($p=0/01$). برای توسعه هر موضوعی در کشور، ضروری است که مسئولان آن حوزه نسبت به آن موضوع احساس ضرورت نمایند. همانگونه که پس از سال‌ها، مسئولان ورزش کشور به ضرورت موضوع استعدادیابی پی برده‌اند و به سوی توسعه فرآیند استعدادیابی در رشته‌های ورزشی مختلف گام‌های موثری برداشته‌اند، لازم است که برای توسعه روانشناسی ورزشی کشور نیز مسئولان احساس نیاز کنند. این در حالی است که از سوی مسئولان ورزش کشور، ضرورتی در زمینه روانشناسی ورزشی کشور احساس نمی‌شود که نمود آن را می‌توان در نبود روانشناس ورزشی در کادر فنی تیم‌های مختلف کشور مشاهده کرد. همچنین، در کشور ضعف نیروی انسانی و کمبود نیروی متخصص روانشناسی ورزشی وجود دارد. همانطور که پیشتر بیان شد، تعداد فارغ التحصیلان رشته روانشناسی ورزشی اندک‌اند و معمولاً از ضعف علمی و کاربردی رنج می‌برند، چرا که در سطوح پایین علمی قرار دارند و فاقد تجربه‌های عملیاتی و میدانی هستند. اگرچه تعداد اندکی اساتید این رشته در کشور وجود دارد، اما بی‌شک نمی‌توان با این تعداد اندک نیازهای ورزش کشور به روانشناس ورزشی را مرتفع ساخت. لذا لازم است در این زمینه تمهیداتی اندیشیده شود.

نتیجه آزمون سوال پنجم تحقیق نیز نشان داد که راهبردهای مؤثر بر ارتقای جایگاه روانشناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور بر اساس بالاترین میانگین عبارت‌اند از: ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی با ایجاد

کمیته مستقل در فدراسیون‌های ورزشی، دانش افزایی و افزایش مدرسان روانشناسی ورزشی و استفاده از تجارب موفق دنیا، نگاه ویژه و تخصصی به روانشناسی ورزشی در رشته‌های مختلف، دانش افزایی مدیران، مربیان و ورزشکاران در رابطه با تاثیرات مثبت روانشناسی ورزشی، تلاش برای تربیت نیروی انسانی موثر و کارآمد در دانشگاه‌های کشور، اولویت‌بندی عوامل موثر بر ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی و تلاش برای رفع موانع و افزایش بودجه و مسائل مالی مربوط به ارتقای ساختار روانشناسی ورزش.

با شناسایی جایگاه روانشناسی ورزشی در کشور نسبت به کشورهای منتخب و پیشرو و نیز شناسایی عوامل علی موثر بر ارتقای این جایگاه، به نظر می‌رسد که باید راهکارهایی عملیاتی بدین منظور تدوین شود. بنابراین راهبردهایی تدوین و ارائه شد که به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود. یکی از این راهبردها را ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی با ایجاد کمیته مستقل در فدراسیون‌های ورزشی تشکیل می‌دهد. همانطور که پیش از این نیز بیان شد، ضروری است که سازمان‌های ورزشی و در راس آن‌ها فدراسیون‌های ورزشی از تشکیلاتی مستقل با عنوان کمیته روانشناسی ورزشی بهره جویند تا بدین وسیله هم بتوانند نیروی انسانی متخصص لازم را سازماندهی نمایند و هم اینکه بتوانند تجارب علمی و عملی آنان را در روانشناسی رشته‌های ورزشی مختلف مورد استفاده قرار دهند. بدون شک با برنامه ریزی و سازماندهی بهتر نیروهای متخصص روانشناسی ورزشی با کمک یک کمیته مستقل بهتر می‌توان از پتانسیل‌های این متخصصان استفاده نمود. لذا بهتر است با تشکیل کمیته‌های روانشناسی ورزشی، این روند تسریع یابد. در این راستا، ضروری است که با افزایش بودجه و مسائل مالی مربوط به ارتقای ساختار روانشناسی ورزشی این امر را تسریع نمود، چرا که امروزه بدون داشتن بودجه کافی نمی‌توان امورات سازمانی و ورزشی را ارتقا بخشید. همچنین، دانش افزایی و افزایش مدرسان روانشناسی ورزشی و استفاده از تجارب موفق دنیا، راهبرد دیگری است که می‌تواند جایگاه روانشناسی ورزشی کشور را بهبود بخشد. همانطور که بیان شد، تعداد متخصصان روانشناسی ورزشی کشور بسیار اندک است و چه بسا بسیاری از آنان تنها در حوزه دانشگاه فعالیت نموده و تاکنون به صورت علمی وارد دنیای روانشناسی ورزشی در تیم‌های ورزشی نشده باشند. در اینجاست که فدراسیون‌های ورزشی و دانشگاه‌های کشور می‌توانند طی همکاری‌های دو یا چندجانبه‌ای با استفاده از روش‌هایی همچون به کارگیری روانشناسان ورزشی در تیم‌های ورزشی و نیز اعزام آنان به کشورهای پیشرفته برای طی دوره‌های تخصصی، زمینه بهبود وضعیت روانشناسی ورزشی در کشور را فراهم نمایند. علاوه بر آن، ضروری است که رشته روانشناسی ورزشی در دانشگاه‌های بیشتری تاسیس شده و در زمینه تربیت این متخصصان اقدامات بیشتری انجام شود. در نهایت، نتیجه آزمون سوال ششم تحقیق نشان داد که ارتقای سطح فنی و عملکردی ورزشکاران ($t=17/56$)، ارتقای سطح کرسی‌های بین‌المللی و کسب مدال‌های بیشتر بین‌المللی ($t=17/93$)، افزایش دوره قهرمانی ورزشکاران ($t=26/92$)، افزایش کیفیت زندگی ورزشکاران ($t=31/17$)، کاهش مصدومیت‌های ناشی از تمرین و مسابقه ($t=13/44$)، کاهش فراز و فرودهای بحث روانی ورزشکاران و افزایش ثبات در عملکرد ورزشکاران ($t=25/48$) و افزایش مشارکت مردم در برنامه‌های ورزشی ($t=6/21$) پیامدهای ارتقای جایگاه روان‌شناسی ورزشی در ساختار ورزش کشور می‌باشند ($p=0/01$). نتیجه به دست آمده با نتیجه تحقیقات باغبانی و جعفری کاکلکی (۱۳۹۴)، خنجری و همکاران (۱۳۹۲)، سپاسی و همکاران (۱۳۸۵)، موهان و پل^۱

(۲۰۱۴) و لیبرال و همکاران^۱ (۲۰۱۴) همسو بود. باغبانی و جعفری کاکلکی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که در ایران هنوز کمتر تیمی است که از روان‌شناس استفاده می‌کند و این مسئله‌ای است که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در رقم خوردن برخی از ناکامی‌ها و شکست‌های اخیر ورزش کاران ایران چه در عرصه قاره و چه جهانی و المپیک بی‌تأثیر نبوده است. خنجری و همکاران (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه رسیدند که تمرین مهارت‌های روان‌شناختی می‌تواند در ارتقای عملکرد نهایی تکواندوکاران نوجوان زن تیم ملی ایران تأثیرگذار باشد. در همین راستا، سپاسی و همکاران (۱۳۸۵) دریافتند که بین نگرش مربیان لیگ‌های برتر و مربیان لیگ غیر برتر در باره جایگاه مشاور روان‌شناس ورزشی تفاوت وجود داشت و مربیان لیگ برتر به دلیل حساس بودن بازی تیم‌ها در این سطح، نقش مهم‌تری برای مشاور روان‌شناس ورزشی قائل بودند. همچنین، مربیان و ورزشکاران اظهار داشتند چنانچه مشاور روان‌شناس ورزشی را در کنار خود احساس کنند، احتمال پیروزی تیم‌های ورزشی در مسابقات وجود دارد. موهان و پل (۲۰۱۴) نیز دریافتند که یک نیاز مبرم و قوی به ترکیب مداخلات روان‌شناختی برای دستیابی به نتیجه مطلوب توانبخشی در ورزشکاران مصدوم احساس می‌گردد و در همین راستا لیبرال و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که بهبود قابل توجهی در عملکرد کلی ورزشی ورزشکاران بعد از مشاوره روانی وجود دارد؛ به بیانی دیگر، بین عملکرد ورزشی و سلامت روانی یا درک اثرات روانی ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. به نظر می‌رسد که وجود روان‌شناسان ورزشی خبره در کنار بازیکنان و سایر عوامل تیم‌های ورزشی می‌تواند پیامدهای مثبت بسیاری به دنبال داشته باشد. یکی از این پیامدها، ارتقای سطح فنی و عملکردی ورزشکاران است (لیبرال و همکاران، ۲۰۱۴: ۱). این موضوع را می‌توان در تجارب تیم‌های ورزشی کشورهای منتخب و پیشرو مشاهده کرد. اولین سنگ بنای روان‌شناسی ورزشی در دهه ۱۹۲۰ در آمریکا گذاشته شد. در آن زمان به روان‌شناسان به عنوان افرادی که در افزایش عملکرد ورزشکاران نقش دارند، نگاه می‌شد. در واقع، روان‌شناسان در تمام حوزه زندگی ورزشکاران بسکیتبال وارد شده بودند تا بتوانند در کنار آنان، علاوه بر افزایش توان انفرادی و بالابردن قدرت ورزشکار، عملکرد کلی تیم را افزایش دهند و نتایج خوبی حاصل شود. وجود استرس، فشار و اضطراب از جمله عواملی است که مقدار مناسب آن برای تمام افراد و از جمله ورزشکاران ضروری است. در واقع نمی‌توان و نباید استرس را به‌طور کامل در ورزشکار از بین برد، چرا که مقداری از آن برای عملکرد بازیکنان ضروری است. تأثیرات مثبت و شگرف حضور این گروه در نتایج ورزشکاران آمریکا موجب شد تا در المپیک ۱۹۵۰ در کاروان ورزشی آمریکا، نام روان‌شناسان نیز در کادر تیم‌ها باشد و در آن سال بود که در نتایج به دست آمده توسط تیم‌های ورزشی آمریکا و دیگر کشورها تفاوت‌های زیادی به وجود آمد و این موضوع موجب شد تا کشورهای دیگر نیز به دنبال عامل این مسئله باشند (ملکی و محمدزاده، ۱۳۸۹: ۱۹). همچنین، نتایج خوب و کسب مدال‌های زیاد چین در مسابقات آسیایی گوانگجو، حاصل تأثیرات مثبت حضور روان‌شناسان ورزشی در کنار ورزشکاران چینی در ۲۰ سال گذشته بود. جایگاه روان‌شناسان ورزشی در چین به حدی رشد کرد که در بازی‌های آسیایی گوانگجو ۵۰ روان‌شناس در کاروان ورزشی آن‌ها حضور داشتند و حتی به صورت آنلاین به ارائه خدمات به کاروان ورزشکاران چینی می‌پرداختند. با این تفاسیر، امری منطقی قلمداد می‌شود که این کشورها در مسابقات تورنومنت‌های معتبر ورزشی موفق به کسب تعداد زیادی مدال شوند و خود را به عنوان کشورهای منتخب

و پیش‌رو در ورزش دنیا معرفی کنند- این امر خود نیز می‌تواند موجب ارتقای سطح کرسی‌های بین‌المللی شود. از دیگر پیامدهای بکارگیری روانشناسان ورزشی در تیم‌های ورزشی، افزایش کیفیت زندگی ورزشکاران است. ورزش جوانان ممکن است مشقت‌زا باشد. در نتیجه روانشناس ورزشی می‌تواند این تجربه را برای آنان خوشایندتر کند. همچنین، ورزشکاران به‌طور مکرر آسیب می‌بینند و روانشناس ورزشی در توانبخشی به آنان، روزه‌روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین، علاوه بر ارائه کمک‌های جسمانی به آسیب‌دیدگان، فرایندهای روانی بخش عمده‌ای از این توانبخشی‌ها را شامل می‌شود و این موضوع می‌تواند موجب افزایش دوره قهرمانی ورزشکاران نیز بشود. بدون شک آمادگی جسمانی به‌تنهایی ضامن موفقیت در ورزش نیست، بلکه ورزشکاری موفق است که آمادگی روانی نیز داشته باشد. به همین دلیل هیچ مربی و ورزشکاری جنبه‌ها و فواید روانی و اجتماعی را نادیده نمی‌گیرد. ورزشکاران حرفه‌ای معتقدند که عوامل روانی از قبیل تعیین هدف و انگیزش نقش مهمی در موفقیت‌های آنان داشته است. پس می‌توان کاهش مصدومیت‌های ناشی از تمرین و مسابقه و بهبود سریعتر مصدومیت ورزشکاران و در نهایت افزایش دوره قهرمانی ورزشکاران را نیز از پیامدهای استفاده از روانشناسان ورزشی دانست. در نهایت، روانشناس ورزشی می‌تواند موجبات افزایش مشارکت مردم در برنامه‌های ورزشی را فراهم نماید، چرا که ورزشکاران آماتور به دلیل نیازها یا فواید روانی از قبیل آرام‌سازی در فعالیت‌های جسمانی شرکت می‌کنند و در صورت وجود روانشناسان ورزشی در حوزه ورزش همگانی و تربیتی نیز می‌توان مشارکت مردم در ورزش را افزایش داد.

در پایان باید گفت که در انجام این تحقیق، محقق با محدودیت‌های مختلفی از جمله دسترسی به پرسشنامه‌های استاندارد و نیز محدودیت ملاقات دست‌اندرکاران ورزش کلان‌کشور رو به رو بود که با تحمل مشکلات فراوان توانست بر آن‌ها فائق آید.

همچنین، با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که تشکیلات و کمیته‌های تخصصی روانشناسی ورزشی در فدراسیون‌های ورزشی، کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش و جوانان تشکیل شود؛ نیروی انسانی متخصص و کارآزموده در روانشناسی ورزشی تربیت شده و راهی تیم‌های ورزشی شوند؛ تبادل بین دانشگاه‌ها و وزارت ورزش و جوانان با راهکارهایی چون برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های تخصصی روانشناسی ورزشی افزایش یابد؛ برگزاری کارگاه‌های تخصصی روانشناسی ورزشی با هدف دانش‌افزایی مربیان، ورزشکاران و مدیران ورزشی صورت پذیرد؛ با ایجاد بسترهای شغلی مناسب روانشناسان ورزشی، زمینه ترغیب و تمایل دانشجویان به این رشته ورزشی و نیز زمینه بکارگیری فارغ‌التحصیلان این رشته در سازمان‌ها و تیم‌های ورزشی فراهم شود و در نهایت، با بررسی دلایل موفقیت کشورهای پیش‌رو در ورزش که اغلب با استفاده از ورزش علمی و علم ورزش به وجود آمده است، زمینه افزایش اعتقاد به ورزش علمی از سوی جامعه ورزش کشور فراهم شود.

منابع

- اچ‌هال، ریچارد. (۱۳۸۴). سازمان، ساختار، فرایند و ره‌آوردها. علی پارسایان و سید محمد اعرابی. چاپ چهارم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- باغبانی، ملیحه و جعفری کاکلکی، مرضیه. (۱۳۹۴). «روانشناسی ورزش». اولین همایش ملی دستاوردهای نوین تربیت‌دنی و ورزش، چابهار، دانشگاه بین‌المللی چابهار.
- خبیری، محمد. (۱۳۹۱). «روانشناسی ورزشی و موفقیت ورزشکاران. بسیاری از ورزشکاران به خودشان می‌بازند و توانایی تمرکز مجدد عامل بزرگ موفقیت است». مسئول کمیته روانشناسی بازی های المپیک، سوم خرداد ۱۳۹۱.
- رابینز، استیفن پی. (۱۳۹۴). تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی). الوانی و دانایی فر. تهران: انتشارات صفار
- فارسی، علیرضا؛ کمیلی، رویتا؛ عبدلی، بهروز؛ فولادیان، جواد و حبیبیفر، فهیمه. (۱۳۹۴). روانشناسی ورزشی کاربردی: رشد فردی تا اوج عملکرد. نویسنده جین مایر ویلیامز. چاپ اول، تهران: نشر علم و حرکت
- مارتنز، راینر. (۱۳۷۳). روانشناسی ورزشی - راهنمای مربیان. محمد خبیری. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی امید
- ملکی، بهنام؛ محمدزاده، حسن. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه ترس از موفقیت و انگیزش پیشرفت ورزشی در ورزشکاران موفق و ناموفق». پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۵.
- واعظ موسوی، سید محمدکاظم. (۱۳۹۴). «سومین همایش ملی ورزش و سلامت روان». دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. موسسه روانشناسی دکتر کاردان. سیام اردیبهشت ۱۳۹۴.
- Bois, E. (2009). "Psychological characteristics and their relation to performance". The sport psychologist, 23, 252-270.
- Gucciardi, D.F., Gordon, S., & Dimmock, J.A. (2008). "Towards an understanding of mental toughness in Australian football". Journal of Applied Sport Psychology, 20, 261-281.
- Liberal, R., López-de-la-llave, A., Pérez-Llantada, M. C., & Garcia-Mas, A. (2014). "Psychological impact of sports injuries and psychological well-being in relation to sports performance in competition gymnasts". Revista Portuguesa de Ciências do Desporto, 14(3).
- Mohan, N., & Paul, M. (2014). "Sport Injury Rehabilitation: A Psychological Perspective". International Journal of Health and Rehabilitation Sciences (IJHRS), 3(2), 82-86.

تأثیر درک سیاست‌های سازمانی و درک حمایت‌های سازمانی در بروز رفتارهای انحرافی در سازمان‌های ورزشی غرب ایران

نازنین راسخ^۱
سعید خانمرادی^۲
شیرین زردشتیان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۹

هدف این تحقیق، شناخت تأثیر ادراک سیاست‌های سازمانی و حمایت‌های سازمانی در بروز رفتارهای انحرافی در سازمان‌های ورزشی غرب کشور بود. روش تحقیق حاضر توصیفی-پیمایشی بود که به صورت میدانی انجام گرفت. جامعه آماری را کلیه مدیران، معاونان و کارشناسان رسمی اداره کل ورزش و جوانان استان‌های غرب کشور تشکیل می‌دادند (۳۰۰ نفر) که مطابق با جدول مورگان ۱۶۹ نفر و با احتساب ۱۵ درصد ریزش (۱۹۴ نفر) بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های درک سیاست سازمانی کاپچمر و کارلسون (۱۹۹۷) ($\alpha=0/92$)، درک حمایت سازمانی ایزنبرگ و همکاران (۱۹۸۶) ($\alpha=0/90$) و رفتار انحرافی گرویس (۲۰۰۰) ($\alpha=0/87$) استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط ده نفر از اساتید مدیریت ورزشی تایید شد. جهت تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی بر اساس تحلیل معادلات ساختاری با نرم افزار لیزرل استفاده گردید. بر اساس نتایج به دست آمده، ادراک از سیاست سازمانی بر رفتارهای انحرافی و ابعاد رفتار مخرب اموال سازمان، اتلاف وقت و منابع سازمان، پرخاشگری بین شخصی و طفره روی اینترنتی اثر مستقیم، مثبت و معناداری دارد، اما ادراک حمایت سازمانی بر روی رفتارهای انحرافی

۱. استادیار، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: N_rasekh663@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی در سازمان‌ها و رویدادهای ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳. استادیار، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

و رفتارهای مخرب اموال سازمان، اتلاف وقت و منابع سازمان، پرخاشگری بین شخصی و طفره روی اینترنتی تأثیری ندارد.

توجه به درک سیاست های سازمانی در سازمان های ورزشی می تواند از بروز و ایجاد رفتارهای انحرافی بکاهد. لذا پیشنهاد می شود که به رفتار سیاسی و سیاست های مشروع و نامشروع در سازمان توسط مدیریت توجه شود تا موجب اثربخشی و بهره وری سازمانی و کاهش رفتارهای انحرافی گردد.

واژگان کلیدی: درک سیاست های سازمانی، درک حمایت سازمانی، رفتارهای انحرافی و سازمان های ورزشی

مقدمه

امروزه یک بعد رفتار سازمانی که در دهه‌های اخیر مورد توجه صاحب نظران و کارشناسان رفتار سازمانی قرار گرفته است، رفتارهای انحرافی در محل کار است. انحراف، هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه یا یکی از گروه‌های مشخص درون جامعه منطبق یا سازگار نباشد (درزی، ۱۳۹۲)؛ به طوری که سازمان‌ها همواره انتظار داشته‌اند که کارکنان و اعضای خود به دنبال اجرای وظایف و مسئولیت واگذاری شده به آنها باشند و از رفتارهای مضر برای سازمان که منجر به زیان رساندن به کارکنان یا مشتریان می‌شود، دوری گزینند. این گونه رفتارها، رفتارهای نامطلوب اند و نوعی انحراف از هنجارهای سازمان به حساب می‌آیند (مورو و همکاران^۱، ۲۰۱۲؛ به نقل از ابراهیمی و مشبکی، ۱۳۹۱). رفتار انحرافی کاری عبارت است از: رفتار ارادی که هنجارهای سازمانی را نقض و سلامتی سازمان و یا کارکنانش و یا هر دو را تهدید می‌کند (کولبرت^۲، ۲۰۰۴؛ یلدیز^۳، ۲۰۱۵). رایینسون و بنت^۴ (۱۹۹۵) انحراف کارمند را به عنوان رفتاری اختیاری تعریف می‌کنند که هنجارهای مهم سازمانی را نقض می‌کند و با انجام این رفتار خوب بودن یک سازمان یا اعضای آن یا هر دو را تهدید می‌کند (رفیعی و همکاران، ۲۰۱۵) که شامل مولفه هایی چون: طفره روی اینترنتی، پرخاشگری، اتلاف وقت و منابع سازمان، لجبازی و خونسردی و کینه توزی می‌باشد (ابراهیمی و مشبکی، ۱۳۹۱). این گونه رفتارهای انحرافی برای سازمان بسیار مضرند و هزینه‌های سرسام آوری را بر آن تحمیل می‌کند. هزینه مستقیم رفتارهایی همچون سرقت، تخریب اموال سازمان، از زیر کار شانه خالی کردن و غیبت ممکن است برای سازمان بسیار بالا باشد (پیرسال و الیس^۵، ۲۰۱۱). همچنین، ممکن است که این گونه رفتارها در سازمان سبب پایین آمدن بهره وری، از دست دادن شهرت و نیکنامی و کاهش وفاداری و از دست دادن مشتریان شود (ابراهیمی و مشبکی، ۱۳۹۱).

سیاست‌های سازمانی، مفهومی بحث برانگیز است که در دهه‌های اخیر در ادبیات رفتار سازمانی ظاهر شده است. برخی سیاست سازمانی را اعمال نفوذ برای نیل به اهدافی که مصوب سازمان نیست یا دستیابی به اهداف مصوب سازمان از طریق شیوه‌های غیر مصوب نفوذ تعریف می‌کنند و عده‌ای دیگر همه رفتارهای موجود در سازمان را سیاسی می‌پندارند (رابینز و جاج^۶، ۲۰۰۷). برخی نیز سیاست سازمانی را به عنوان استفاده از قدرت برای نفوذ در فرایندهای تصمیم‌گیری و یا اطمینان حاصل کردن از آن که رهاوردهای یک وضعیت برای یک شخص قدرتمند مطلوب می‌باشند، تعبیر می‌کنند. همچنین، سیاست در سازمان به عنوان فرآیند ساخت ائتلاف برای دستیابی به کنترل بر روی یک موقعیت و تضمین یک رهاورد مثبت برای ائتلاف تعریف شده است (علی اسماعیلی، ۱۳۹۴). در این راستا، سیاست سازمانی ادراک شده به معنای ارزشیابی ذهنی فرد در مورد میزان رفتارخوش خدمتی همکاران و مدیران در محیط کار است (فریز و همکاران^۷، ۲۰۰۲). ادراک سیاست‌های سازمانی به طور واقعی با ادراک انجام دهندگان کار مرتبط است و نمایانگر بهتری برای نگرش‌ها و تمایلات رفتاری کارکنان است. ادراکات سیاست‌های سازمانی نسبت به سیاست‌های واقعی تاثیر بیشتری

1. Moore et al
2. Colbert
3. Yildiz
4. Robinson and Bent
5. Pearsall
6. Robbins and judge
7. Ferris et al

بر روی طرز فکر و رفتارهای کارکنان دارد (ویگودا و همکاران^۱، ۲۰۰۳). با توجه به شواهد قوی مربوط به برداشت از سیاست سازمانی با پیامدهای منفی متنوع برای افراد و مدیران، سازمان ها باید به عواملی توجه کنند که به چنین ادراکاتی می انجامند (یولا^۲، ۲۰۱۱). سیاست، یک پدیده جهانشمول است و هیچ سازمانی وجود ندارد که سیاست و ادراک سیاسی در آن وجود نداشته باشد. مدیران تنها می توانند تلاش کنند که اثرات منفی آن را روی کارکنان و نتایج عملکرد سازمان به حداقل برسانند (جم^۳، ۲۰۱۱). فریس و همکاران^۴ (۲۰۰۹) بیان نمودند درک فضا و سیاست سازمانی می تواند باعث افزایش محدودیت های شغلی و کاهش رضایت شغلی و رفتار شهروندی کارکنان شود. رایبیز^۵ (۲۰۰۵) نیز اظهار می دارد سیاست شناسی سازمانی، آن دسته فعالیت هایی است که به عنوان بخشی از نقش رسمی در سازمان ضرورت ندارند، ولی در امر توزیع مزایا و کاستی های درون سازمانی اعمال نفوذ می کنند.

از سوی دیگر، در سه دهه گذشته حجم زیادی از مطالعات رفتار سازمانی و منابع انسانی بر ارتباطات دو طرفه تبادل بین کارکنان و سازمان ها متمرکز شده است (رچا^۶، ۲۰۰۸). به طور بسیار ویژه میزان زیادی از ادبیات مرتبط با روابط میان سازمان و کارمند بر حمایت سازمانی ادراک شده تمرکز یافته است (پاک^۷، ۲۰۰۵). میزان اهمیتی که سازمان برای برون دادهای فرد قائل شده، به سلامت جسمانی و روانی وی اهمیت داده و در شرایط استرس زا و سخت به وی کمک می کند را حمایت سازمانی درک شده می گویند (رودز و ایزنبرگر^۸، ۲۰۰۲). حمایت ادراک شده از سوی سازمان، یکی از موضوعاتی است که به تازگی در حوزه رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی مطرح شده است. حمایتی که کارکنان از سوی سازمان احساس می کنند، باوری است مبتنی بر اینکه سازمان تا چه حد از همکاری هایشان قدردانی می کند و به رفاه آنها اهمیت می دهد (طالقانی و همکاران، ۱۳۸۸). حمایت سازمانی ادراک شده، نتیجه نوعی رابطه بین کارکنان و سازمان است. مبنای این ارتباط، ریشه در انواع تعاملات بین کارکنان و سازمان دارد. از دیدگاه پژوهشگران سازمانی، ارتباط بین کارکنان و مدیران فقط از منابعی مانند پول، خدمات و اطلاعات نشأت نمی گیرد، بلکه منابع شخصی و احساسی مانند تایید، احترام و حمایت را نیز در بر می گیرد. در طول زمان میزان حمایتی که سازمان از خود نشان می دهد، در کارکنان احساس جبران این حمایت را ایجاد می کند. لاماسترو^۹ (۱۹۹۹) نشان داد که حمایت سازمانی ادراک شده موجبات افزایش بهره وری، کمک به همکاران، پیشرفت سازمان، تعهد سازمانی عاطفی و رفتار سازمانی مدنی می شود. در واقع، کارکنانی که سطح بالای حمایت سازمانی را درک می کنند، احتمال بیشتری می رود که حمایت سازمان را با نگرش مثبت و رفتارهای کاری دلخواه جبران کنند (دعایی و برجعلی لو، ۱۳۸۸). ریگل و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۹) در یک پژوهش فراتحلیلی نشان دادند حمایت سازمان از کارکنان به شدت اعتماد و تعهد

1. Vigoda et al
2. Ullah
3. Jam
4. Ferriset
5. Robbins
6. Rocha
7. Pack
8. Rhoads and Eisenberger
9. Lamastro
10. Rigel

را افزایش می‌دهد و رضایت شغلی و عملکرد را در حد متوسط بالا می‌برد. همچنین، عدم حمایت سازمان از افراد باعث عدم رشد عاطفی و سازگاری و عینی‌گرایی افراد می‌شود و در نتیجه وابستگی به سازمان و عملکرد مناسب در سطح نامطلوبی ارائه می‌شود که در نهایت باعث عدم اثربخشی و کارایی و پیشرفت سازمان در دنیای پرقابیت امروزی می‌شود.

در راستای تحقیقات انجام شده در این زمینه، کلرک و ایمانول^۱ (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان «بررسی اثر درک سیاست‌های سازمانی بر روی رفتار شهروندی» نشان دادند که ادراک منفی کارکنان از سیاست‌های سازمانی ممکن است منجر به کاهش رفتار شهروندی سازمانی شود. پل و گارک^۲ (۲۰۱۴) در تحقیق خود نشان دادند رفتار سازمانی مثبت با بهبود توانمندسازی کارکنان، زمینه بروز رفتارهای ناشایست در کارکنان که رفتارهای انحرافی در کار نامیده می‌شود را کاهش می‌دهد. ناصردین و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در تحقیق خود مبنی بر سیاست، عدالت، تنش و رفتار انحرافی در سازمان نشان دادند که سیاست سازمانی و عدالت سازمانی از طریق نقش واسطه‌ای استرس، رفتارهای انحرافی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سید نظری (۱۳۹۳) در تحقیق خود نشان داد که بین متغیرهای سیاست با عدالت، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه منفی و معنی‌دار و با تمایل به ترک خدمت رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. ویگودا و همکاران^۴ (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند ادراک سیاست‌های سازمانی بر روی طرز فکر و رفتارهای کارکنان تاثیر مثبتی دارد. فراست و زیدینی^۵ (۲۰۱۳) نیز در تحقیق خود به بررسی درک حمایت سازمانی و رفتارهای انحرافی در سازمان پرداختند. آنها نشان دادند که افزایش درک حمایت سازمانی عملکرد کارکنان و تمایل برای باقی ماندن در سازمان را بهبود می‌بخشد. همچنین نشان دادند که این نوع حمایت‌ها فشارکاری و رفتارهای انحرافی و بازخوردی را کاهش دهد. گرویس^۶ (۲۰۰۰) نیز در پژوهش خود یکی از عامل‌های مرتبط با رفتارهای انحرافی را نگرش و ادراک کارکنان بیان نمود. همچنین اسکارلیکی و فولجر^۷ (۱۹۹۷) نیز در تحقیق خود معتقدند ادراک حمایت چون انصاف در سازمان نقش مهمی در بروز رفتارهای انحرافی دارد (ابراهیمی و مشبک، ۱۳۹۱). علیجانپور کاسگری (۱۳۹۲) نیز نشان داد که بین حمایت سازمانی ادراک شده با مولفه‌های اعتماد سازمانی کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان مازندران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما با تعهد سازمانی کارکنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بیلگین و دمیرر^۸ (۲۰۱۲) دریافتند که بین حمایت سازمانی و تعهد و رضایت شغلی کارکنان هتل رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. سلپ و ییلمازترک^۹ (۲۰۱۲) نشان دادند معلمان که دارای حمایت سازمانی ادراک شده بودند، تعهد بیشتری به سازمان خود داشتند. حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود نشان دادند که حمایت سازمانی ادراک شده با ادراک استرس شغلی و سپس ادراک استرس شغلی با رفتارهای انحرافی رابطه معناداری بر قرار می‌کند. روآدس و

1. Clercq and Imanol
2. Paul and Garg
3. Nasurdin
4. Vigoda et al
5. Ferasat & Ziaaddini
6. Gruys
7. Skarlicki and folger
8. Bilgin & Demirer
9. Celep,& Yilmaztur

همکاران^۱ (۲۰۰۲) در فرا تحلیل خود ۷۳ تحقیق در زمینه حمایت سازمانی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که حمایت سازمانی در عملکرد کارکنان سازمان مثبت و معنی دار است. همچنین ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) در تحقیق خود که به بررسی تأثیر ادراک از سیاست های سازمانی و حمایت سازمانی در بروز رفتارهای انحرافی در بین کارکنان دانشگاه پرداختند، نشان دادند که درک سیاست های سازمانی تأثیر مثبتی بر بروز ابعاد مختلف رفتارهای انحرافی همچون طفره روی اینترنتی، رفتارهای مخرب، اموال سازمان و همچنین اتلاف وقت و اتلاف منابع سازمانی دارد. همچنین حمایت سازمانی درک شده نیز تأثیر منفی بر روی طفره روی اینترنتی، رفتارهای مخرب، اموال سازمان و همچنین اتلاف وقت و اتلاف منابع سازمانی دارد.

تربیت بدنی و ورزش به واسطه داشتن رسالت فردی و جمعی، هدایتگر توسعه و پیشرفت است. از این رو، با دنبال کردن اهداف متعدد در جامعه امروزی نقش بسزایی در بالا بردن سطح کیفی زندگی انسان ها و عملکردشان در میادین ورزشی ایفا می کند. بنابراین کمک گرفتن از اصول و مبانی مدیریت ورزشی در مدیریت سازمان های ورزشی نیز ضروری است. مدیران ورزشی باید موجبات حرکت رو به جلو و نیز سیر صعودی دستیابی به اهداف سازمانی را در سازمان های ورزشی فراهم آورند.

مدت هاست که متغیرهای مختلفی چون: سبک رهبری، اعتماد سازمانی، فرهنگ سازمانی، جو سازمانی، ادراک حمایت سازمانی و ادراک سیاست سازمانی و رفتارهای انحرافی و ... به عنوان عوامل تعیین کننده در مبحث رفتار سازمانی مورد توجه دانش پژوهان قرار گرفته است. اگر چه اهمیت چنین مطالعاتی در سازمان های مختلف مانند سازمان های تجاری و صنعتی احساس شده و تحقیقاتی نیز به منظور شناخت بهتر از الگوی رفتاری مطلوب و ارتقای سطح کمی و کیفی تولید و بازدهی انجام گرفته است، لیکن کمبود این نوع مطالعات در سازمان های ورزشی، از جمله وزارت ورزش و جوانان غرب استان محسوس است. همان طور که مطالعات نشان می دهد، اهمیت و ضرورت این تحقیق در این است که رفتارهای انحرافی در سازمان، هزینه های سنگینی بر آن تحمیل می کند. اگر چه مطالعات و تحقیقات انجام شده اکثراً مربوط به کشورهای غربی است، اما این موضوع به عنوان تهدیدی برای سازمان های ایرانی نیز مطرح است. به همین دلیل، شیوع این گونه رفتارها در سازمان و هزینه های ناشی از این رفتارها، اهمیت مطالعه دقیق و نظام مند این پدیده را آشکار می کند. لذا با توجه به این که متغیرهای حمایت سازمانی ادراک شده و ادراک سیاست سازمانی با رفتارهای انحرافی هر سه از عوامل حائز اهمیت و اثرگذار سازمانی می باشند، بررسی اثرگذاری آنها با یکدیگر یکی از مواردی است که می تواند کمک شایانی در اداره امور سازمانی به مدیران سازمان های ورزشی نماید و در راستای ایجاد هماهنگی میان اهداف فردی سازمانی موثر واقع گردد. از این رو، سوال اصلی تحقیق این می باشد که تأثیر درک سیاست های سازمانی و درک حمایت های سازمانی در بروز رفتارهای انحرافی در سازمان های ورزشی غرب ایران چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

روش این تحقیق بر مبنای راهبرد، توصیفی و بر مبنای روش اجرا، همبستگی و از نظر هدف، کاربردی است که به صورت میدانی انجام شده است.

جامعه آماری تحقیق را کلیه مدیران، معاونان و کارشناسان رسمی اداره کل ورزش و جوانان استان های

غرب کشور (کرمانشاه، همدان، ایلام، لرستان و کردستان) تشکیل می‌دادند ($N = 300$) که مطابق با جدول مورگان تعداد ۱۶۹ نفر که با احتساب ۱۵ درصد ریزش ۱۹۴ نفر بر اساس روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند.

به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نظر و سنجش متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه استفاده شده است. برای ارزیابی درک سیاست‌های سازمانی از پرسشنامه استاندارد شده ۱۵ سوالی کاپمر و کارلسون^۱ (۱۹۹۷) ($\alpha = 0.92$) و برای سنجش درک حمایت‌های سازمانی از پرسشنامه استاندارد شده ایزنبرگ و همکاران^۲ (۱۹۸۶) ($\alpha = 0.90$) استفاده گردید که این پرسشنامه دارای هشت سوال می‌باشد. در نهایت برای ارزیابی رفتارهای انحرافی و سنجش چهار بعد رفتارهای مخرب اموال سازمان، اتلاف وقت و منابع سازمان، پرخاشگری بین شخصی و طفره روی اینترنتی از پرسشنامه استاندارد شده گرویس^۳ (۲۰۰۰) ($\alpha = 0.87$) استفاده شد. به منظور تعیین پایایی، ضریب آلفای کرونباخ از یک مطالعه مقدماتی بر ۳۰ نفر از نمونه آماری محاسبه شد.

روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها در این پژوهش توسط ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی تأیید گردید. برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و تحلیل داده‌های استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق بر اساس تحلیل معادلات ساختاری با نرم افزار lisrel به عمل آمد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی توصیفی نمونه‌ها نشان داد که از نظر جنسیت، ۷۰/۶ درصد نمونه‌ها مرد و ۲۹/۴ درصد زن، از نقطه نظر سن بالاترین فراوانی مربوط به رده سنی ۳۶ تا ۴۰ سال (۲۵/۸ درصد) و از نقطه نظر سابقه خدمت بالاترین فراوانی مربوط به سابقه خدمت ۱ تا ۵ سال (۲۳/۷ درصد) و از نظر تحصیلات بالاترین فراوانی مربوط به مدرک تحصیلی کارشناسی (۴۴/۳ درصد) بوده است.

با توجه به اینکه بررسی ابزار مورد اندازه گیری شده از شروط اصلی و اساسی انجام مدل یابی معادلات ساختاری محسوب می‌شود و یکی از روش‌های بسیار مستحکم برای بررسی ابزار، استفاده از تحلیل عاملی تأییدی می‌باشد، بنابراین در این تحقیق از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد (هومن، ۱۳۹۳). پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی برای هر یک از متغیرهای پژوهش گویه‌هایی که دارای مقدار تی کمتر از ۱/۹۶ و همچنین گویه‌هایی که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۳ بودند از مدل نهایی تحقیق به منظور افزایش برازش بیشتر مدل و جلوگیری از خطا کنار گذاشته خواهند شد در غیر این صورت گویه مورد استفاده قرار خواهند گرفت و سپس فرضیه‌های تحقیق در قالب مدل کلی تحقیق با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری با نرم افزار Lisrel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

با توجه به نتایج جدول ۲۱، چون در تحلیل عاملی تأییدی گویه‌های با بار عاملی بالاتر از ۰/۳ و مقدار تی در محدوده $\pm 1/96$ دارای شرایط مورد تأیید می‌باشند، لذا گویه سوم برای متغیر سیاست سازمانی و گویه‌های ششم و سوم برای متغیر حمایت سازمانی فاقد شرایط ذکر شده در بالا بودند. بنابراین از مدل نهایی تحقیق کنار گذاشته می‌شوند.

1. Kacmar and Carlson

2. Eisenberg et al

3. Grevisse

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه های متغیر رفتارهای انحرافی

شاخص	متغیر	شاخص		متغیر
مقدار t	بار عاملی	مقدار t	بار عاملی	رفتارهای مخرب
۹/۸۴	۰/۶۷	۱۵/۹۰	۰/۹۰	همکاران من اغلب به طور عمدی به اموال سازمان صدمه و خسارت وارد می کنند.
۷/۴۷	۰/۵۳	۱۸/۶۳	۰/۹۸	همکاران من اغلب به طور عمدی به اموال همدیگر خسارت وارد می کنند
۱۳/۷۱	۰/۸۶	۸/۴۴	۰/۵۶	همکاران من اغلب به طور عمدی به مدارک و تجهیزات متعلق به ارباب رجوع خسارت وارد می کنند
۱۳/۲۷	۰/۸۴	۱۴/۴۵	۰/۸۵	همکاران من اغلب به محصولات و تولیدات سازمان صدمه وارد می کنند
-	-	-	-	اتلاف وقت
۱۳/۰۱	۰/۸۰	۱۱/۵۵	۰/۷۳	همکاران من از اینترنت سازمان جهت خواندن روزنامه ها و وبلاگ ها استفاده می کنند.
۱۴/۲۷	۰/۸۶	۱۳/۷۳	۰/۷۸	در این سازمان افراد از منابع سازمانی جهت مصارف شخصی استفاده می کنند.
۱۳/۱۷	۰/۸۱	۱۲/۵۶	۰/۷۷	همکاران من از تلفن سازمان برای تماس های شخصی استفاده می کنند.
۱۳/۶۳	۰/۸۳	۱۳/۳۸	۰/۸۱	در سازمان ما افراد از تجهیزات سازمانی نظیر دستگاه کپی، پرینت ... برای کارهای شخصی استفاده می کنند.
		۱۵/۰۵	۰/۸۷	افراد سازمان ما امور شخصی خود را در وقت اداری انجام می دهند.
		۱۴/۹۳	۰/۸۷	همکاران من اغلب درصدد وقت کشی و طفره رفتن از انجام کار هستند.
		۱۲/۳۶	۰/۷۷	همکاران من اضافه کاری های غیرضروری می گیرند
		۱۱/۳۲	۰/۷۲	همکاران من مدت زمان صرف ناهار و چای و استراحت را طولانی می کنند

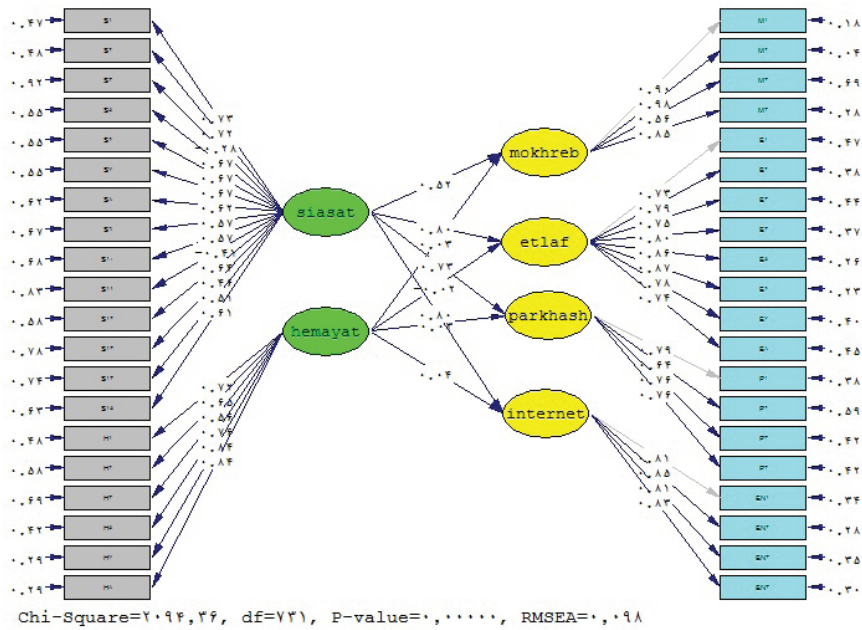
جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه‌های متغیرهای حمایت سازمانی و سیاست سازمانی

شاخص		متغیر		شاخص		متغیر
مقدار t	بار عاملی	حمایت سازمانی	مقدار t	بار عاملی	سیاست سازمانی	
۱۱/۰۶	۰/۷۲	سازمان من اغلب اهداف و ارزش‌های مرا مورد ملاحظه قرار می‌دهد.	۹/۶۶	۰/۶۵	افراد سازمان من برای پایین کشیدن دیگران و بالا کشیدن خود تلاش می‌کنند.	
۹/۵۲	۰/۶۴	سازمان من به‌طور جدی به سلامت فکری و جسمی من اهمیت می‌دهد.	۹/۷۷	۰/۶۵	در این سازمان گروه‌های وجود دارند که مانع اثربخشی می‌شوند و هیچ‌کس مانع آن‌ها نمی‌شود.	
۱/۱۴	۰/۰۹	سازمان من اصلاً نگران من نیست.	-۱/۶۹	-۰/۱۳	در سازمان ما افراد به راحتی می‌توانند نظرات انتقادی خود را بیان کنند.	
۷/۹۰	۰/۵۵	در مواردی که به‌صورت غیرعمدی اشتباهی مرتکب می‌شوم، سازمان مرا می‌بخشد.	-۳/۵۱	-۰/۳۶	در سازمان ما جایی برای افراد بله‌قربان‌گو وجود ندارد.	
۱۲/۰۵	۰/۷۶	طرز فکر و عقاید بنده مورد احترام است.	۱۰/۱۲	۰/۶۵	بعضی وقت‌ها گفتن چیزی که خوشایند دیگران است، بهتر از گفتن حقایق است.	
۰/۹۳	۰/۰۷	اگر در سازمان فرصت خوبی پیش بیاید، سازمان آن فرصت را از من پنهان می‌کند.	۱۱/۴۵	۰/۷۳	در سازمان ما بهتر است خاموش بمانیم تا اینکه به نقد سیستم بپردازیم.	
۱۴/۰۷	۰/۸۵	هنگامی که مشکل خاصی برای من پیش می‌آید، می‌توان بر روی حمایت و پشتیبانی سازمان حساب باز کرد.	۱۱/۴۰	۰/۷۳	جلب نظر افراد بانفوذ در این سازمان می‌تواند گزینه مناسبی برای بهبود اوضاع شغلی من باشد.	
۱۳/۹۶	۰/۸۴	هنگامی که یک نیاز خاص و ویژه‌ای برای من پیش می‌آید، همیشه سازمان برای کمک به من تمایل دارد.	۱۱/۰۸	۰/۷۲	در سازمان ما بهتر است همه‌چیز را بر زبان نیاوریم و قبل از حرف زدن به پیامدهای آن فکر کنیم، چراکه ممکن است با مزاج برخی‌ها سازگار نباشد.	
			۹/۹۰	۰/۶۶	در سازمان ما نباید حالت توازن و ثبات را برهم زد و اقدامی کرد که به عنوان اقدام علیه ثبات سازمان به حساب آید.	
			۹/۳۳	۰/۶۳	در سازمان ما رویه‌های مربوط به حقوق و دستمزد و همچنین ترفیع بر اساس زد و بندهای سیاسی تدوین شده است.	
			-۵/۱۷	-۰/۳۸	من به خاطر نمی‌آورم که در سازمان ما کسی با زد و بند ترفیع داشته باشد.	
			۱۰/۳۲	۰/۶۸	در سازمان ما چگونگی ترفیع و افزایش حقوق شفاف می‌باشد.	
			۵/۵۸	۰/۴۰	هیچ‌کدام از ترفیعاتی که من کسب کرده‌ام بر طبق رویه‌های رسمی و از قبل تعیین شده نبوده و با اندکی سیاسی‌کاری همراه بوده است.	
			۷/۷۸	۰/۵۴	به هنگام ترفیع درجه و افزایش حقوق، قوانین و مقررات رسمی نقش مهمی ایفا نمی‌کنند.	
			۹/۵۶	۰/۶۴	در سازمان ما قوانین و رویه‌های پرداخت و ترفیع به طور شفاف بیان نمی‌شود که معیار ترفیع چه چیزی می‌باشد.	

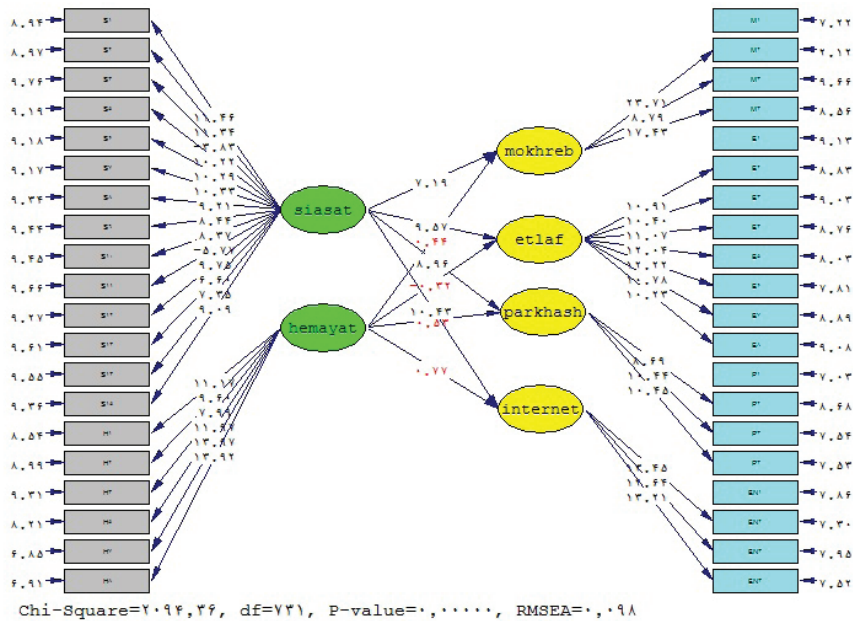
با توجه به نتایج جدول ۳، شاخص های نیکویی برازش برای تحلیل عاملی تأییدی مربوط به هر یک از متغیرهای پنهان (درون زا و برون زا) نشان از برازش مناسب و در حد متوسط برای این مدل ها داشت (هومن، ۱۳۹۳). پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی که پیش نیاز اصلی مدل یابی معادلات ساختاری برای تمامی مدل ها می باشد، در ادامه به آزمون فرضیه های تحقیق بر اساس مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) در دو حالت تخمین استاندارد (شکل ۱) و اعداد معناداری (شکل ۲) با استفاده از نرم افزار Lisrel پرداخته شد.

جدول ۳: شاخص های نیکویی برازش مربوط به تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای تحقیق

متغیر	شاخص برازش									
	χ^2	GFI	AGFI	RMR	NNFI	NFI	CFI	RFI	IFI	PNFI
	خی دو	شاخص نیکویی برازش	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	ریشه میانگین مربعات باقیمانده	شاخص برازش هنجار نشده	شاخص برازش هنجار شده	شاخص برازش تطبیقی	شاخص برازش نسبی	شاخص برازش افزایشی	شاخص برازش تعدیل یافته هنجار شده
رفتارهای مخرب	۱۷/۱۰	۰/۹۶	۰/۸۰	۰/۰۳	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۰	۰/۹۷	—
اتلاف وقت	۱۶۱/۷۶	—	—	۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۶۷
پرخاشگری	۳۴/۶۳	۰/۹۲	—	—	—	۰/۹۰	۰/۹۱	—	۰/۹۱	—
طفره روی اینترنتی	۱۰/۰۷	۰/۹۸	۰/۸۷	۰/۰۲	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۸	—
سیاست سازمانی	۲۲۴/۹۰	—	۰/۸۰	—	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۷۳
حمایت سازمانی	۸۷/۳۹	۰/۹۰	—	—	۰/۸۴	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۸۳	۰/۹۱	۰/۶۰



شکل ۱: مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد



شکل ۲: مدل نهایی تحقیق در حالت معناداری (مقدار t)

شاخص های نیکویی برازش مربوط به شکل ۱ و ۲ در جدول ۴ نشان داده شده است که همگی نشان دهنده برازش مناسب مدل در حد خوب هستند. این شاخص ها در سه قسمت (مطلق، تطبیقی، مقتصد) نشان داده شده است. شاخص های برازش مطلق که یکی از این شاخص ها شاخص خی دو به درجه آزادی می باشد که مقدار بین ۱ تا ۳ بهترین نسبت برای این شاخص می باشد. شاخص دیگر RMSEA است که مقادیر بین ۰/۰۵ تا ۰/۱ نشان دهنده برازش متوسط مدل است؛ اما قسمت دوم شاخص های برازش تطبیقی می باشد که یکی از این شاخص ها CFI است که مناسب ترین شاخص تفسیر پیرامون تأیید مدل به شمار می آید که مقدار بالای ۰/۹۰ برای آن نشان دهنده برازش خوب مدل است. دیگر شاخص های برازش تطبیقی مدل NFI، NNFI، IFI و RFI هستند که مقادیر بالای ۰/۹۰ نشان از برازش خوب مدل است که این مقادیر در جدول ۳ بالاتر ۰/۹۰ هستند و برازش مدل را تأیید می کنند. اما شاخص تعیین کننده برازش مقتصد مدل PNFI است که میزان پیچیدگی تعداد پارامترهای برآورد شده مدل تجربی را در ارزیابی برازش کلی مدل لحاظ می نماید. دامنه پذیرش این شاخص مقادیر بالاتر از ۰/۶۰ می باشد (هومن، ۱۳۹۳).

جدول ۴: شاخص های نیکویی برازش مربوط به مدل تحقیق

شاخص های برازش		مقادیر مشاهده شده	ملاک	نتیجه
برازش مطلق	خی دو	χ^2	عدم معنی داری	تایید
	خی دو هنجار شده	$2\chi/Df$	کمتر از ۳	تایید
	ریشه میانگین مربعات مجزورات	RMSEA	کمتر از ۰/۱	تایید
برازش تطبیقی	شاخص برازش تطبیقی بنتلر	CFI	بیش از ۰/۹۰	تایید
	شاخص برازش هنجار شده	NFI	بیش از ۰/۹۰	تایید
	شاخص برازش هنجار نشده	NNFI	بیش از ۰/۹۰	تایید
	شاخص برازندگی فزاینده	IFI	بیش از ۰/۹۰	تایید
	شاخص برازش نسبی	RFI	بیش از ۰/۹۰	تایید
برازش مقتصد	شاخص برازش تعدیل یافته هنجار شده	PNFI	بیش از ۰/۶۰	تایید

جدول ۵، نتایج نهایی تحقیق را برای همه فرضیه های پژوهش نشان داد. با توجه به این که فرضیه هایی که مقدار t آن ها بین ۱/۹۶+ و ۱/۹۶- قرار نگیرد نشان دهنده عدم تأیید فرضیه می باشد و در غیر این صورت فرضیه تأیید می شود؛ لذا فرضیه های اول تا چهارم به دلیل اینکه مقدار تی بالاتر از ۱/۹۶ داشتند مورد تأیید قرار گرفتند. بنابراین فرضیه اول تحقیق نشان داد که ادراک از سیاست سازمانی با ضریب مسیر ۰/۵۲ بر رفتارهای مخرب اموال سازمان اثر مستقیم، مثبت و معنی داری دارد. فرضیه دوم تحقیق نشان داد که ادراک از سیاست های سازمانی با ضریب مسیر ۰/۸۰ بر اتلاف وقت و منابع سازمان اثر مستقیم، مثبت و معنی داری

دارد. فرضیه سوم تحقیق نشان داد که ادراک از سیاست‌های سازمانی با ضریب مسیر $0/73$ بر پرخاشگری بین شخصی اثر مستقیم، مثبت و معنی داری دارد. فرضیه چهارم تحقیق نشان داد که ادراک از سیاست‌های سازمانی با ضریب مسیر $0/80$ بر طفره روی اینترنتی اثر مستقیم، مثبت و معناداری دارد. اما فرضیه‌های پنجم تا هشتم به دلیل اینکه مقدراتی کمتر از $1/96$ بود مورد تأیید قرار نگرفتند. لذا حمایت سازمانی درک شده بر رفتارهای مخرب اموال سازمان، اتلاف وقت و منابع سازمان، پرخاشگری بین شخصی و طفره روی اینترنتی اثر معناداری ندارد.

جدول ۵: نتایج نهایی مدل یابی معادلات ساختاری

ردیف	مسیر ساختاری	اثر مستقیم	مقدار تی	نتیجه
۱	اثر مستقیم ادراک از سیاست سازمانی بر رفتارهای مخرب اموال سازمان	$0/52$	$7/19$	تأیید
۲	اثر مستقیم ادراک از سیاست‌های سازمانی بر اتلاف وقت و منابع سازمان	$0/80$	$9/57$	تأیید
۳	اثر مستقیم ادراک از سیاست‌های سازمانی بر پرخاشگری بین شخصی	$0/73$	$8/96$	تأیید
۴	اثر مستقیم ادراک از سیاست‌های سازمانی بر طفره روی اینترنتی	$0/80$	$10/43$	تأیید
۵	اثر مستقیم حمایت سازمانی درک شده بر رفتارهای مخرب اموال سازمان	$0/03$	$0/44$	عدم تأیید
۶	اثر مستقیم حمایت سازمانی درک شده بر اتلاف وقت و منابع سازمان	$-0/02$	$0/32$	عدم تأیید
۷	اثر مستقیم حمایت سازمانی درک شده بر پرخاشگری بین شخصی	$0/03$	$0/53$	عدم تأیید
۸	اثر مستقیم حمایت سازمانی درک شده بر طفره روی اینترنتی	$0/04$	$0/77$	عدم تأیید

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف شناخت اثرگذاری ادراک سیاست سازمانی و حمایت سازمانی بر رفتارهای انحرافی کارکنان در سازمانی‌های ورزشی غرب کشور انجام شده است.

بر اساس نتایج، ادراک از سیاست سازمانی بر رفتارهای مخرب اموال سازمان در بین کارکنان تاثیر دارد. نتایج همسو با آن، یافته‌های ناصر دین و همکاران^۱ (۲۰۱۴) و کلرک و ایمانول^۲ (۲۰۱۷) و ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) می‌باشد؛ به طوری که ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) نشان دادند درک سیاست‌های سازمانی تأثیر مثبتی بر رفتارهای مخرب اموال سازمان دارد و یا ناصر دین و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که سیاست سازمانی و عدالت سازمانی از طریق نقش واسطه‌ای استرس رفتارهای انحرافی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این راستا می‌توان بیان نمود که محیط سیاسی از طریق فعالیت‌های اعضای سازمان ایجاد می‌شود و از طریق خط مشی ها، عملیات و رفتارهای انحرافی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چرا که سازمان‌ها به صورت رسمی رفتارهای سیاسی را تصویب نکرده‌اند و اکثراً این رفتارها را انکار می‌کنند. امروزه ادراکات، سبب نگرش و نگرش‌ها مبنای رفتار می‌شوند. با توجه به این موارد و ویژگی‌ها، ادراکات، انتظارات و احساسات شخصی و سازمانی می‌توانند نگرش‌های منفی به سوی کار و سازمان ایجاد کنند که در نتیجه عامل بیرونی و عینی آن رفتار است

1. Nasuridin

2. Clercq and Imanol

(یلدیز و الپکن، ۲۰۱۴). لذا هرگاه کارمندی در ادارات ورزش و جوانان خود را یک سازمان سیاسی ببیند، این نگرش پیامدهای منفی برای سازمان در پی خواهد داشت و با تدوین قوانین و رویه های سازمان و اجرای سیاست ها و خط مشی های مربوط به افزایش حقوق و دستمزد و همچنین ترفیع و افزایش ترفیع برای کارکنان از رفتارهای مخرب اموال سازمان کاهش دهد. چنین به نظر می رسد کارکنانی که فضا را سیاسی تر می پندارند، نگرش مثبتی نسبت به شغل و سازمان خود نداشته باشند. در نتیجه کمتر بر وظایف و مسئولیت های شغلی و رفتارهای فردی خود متمرکز شوند. بدین ترتیب، رفتارهای انحرافی چون رفتارهای مخرب اموال سازمان را تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین هر اندازه کارکنان احساس نمایند که در محیط های کاری سیاست حاکم باشد، به همان میزان نیز سطح رفتارهای انحرافی تحت تاثیر قرار می گیرد؛ یعنی حاکم شدن مولفه های ادراک از سیاست در سازمان می تواند زمینه را برای بروز رفتارهای انحرافی پررنگ کند. در نتیجه باید در ساختار سیاست سازمان یا در فرهنگ سازمان تغییراتی را ایجاد نمود تا از بروز چنین رفتارهایی که سبب تخریب اموال سازمان می شود، جلوگیری کرد. از این رو می توان با برگزاری کارگاه های آموزشی و دوره های توانمند سازی رفتار شهروندی سازمانی از بروز رفتارهای انحرافی جلوگیری نمود.

نتایج نشان داد ادراک از سیاست های سازمانی بر اتلاف وقت و منابع سازمان در بین کارکنان تاثیر دارد. این یافته ها همسو با نتایج اسکارلیکی و فولجر (۱۹۹۷) و ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) می باشد. ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) نشان دادند درک سیاست های سازمانی تأثیر مثبتی بر اتلاف وقت و منابع سازمان دارد و اسکارلیکی و فولجر (۱۹۹۷) هم معتقدند که درک انصاف در سازمان، نقش مهمی در بروز رفتارهای انحرافی ایفا می کند. اتلاف وقت یا فرار از کار و اتلاف منابع سازمانی ممکن است به عنوان هر رفتاری با قصد سرباز زدن، انکار کردن و فراموشکاری در انجام وظایف و مسئولیت های مربوط به شغل تعریف شود که به عنوان یک جنبه از رفتار انحرافی مطرح است. سیاست سازمانی، روشی است که کارکنان برای نفوذ بر دیگران به منظور حداکثر کردن نفع شخصی خود به کار می گیرند که همین امر سبب بروز اتلاف وقت و یا کم کاری و عدم تعهد شغلی در سازمان شود. همچنین در این راستا وجود افراد و گروه ها و منابع مختلف در سازمان سبب می شود که بر سر دستیابی به منابع کمیاب سازمانی، اختلاف و تعارض و تضاد به وجود می آید و رفتار سیاسی در درون سازمان ها و در میان کارکنان شکل بگیرد و ادراکات کارکنان از رفتار سیاسی و سیاست سازمانی می تواند تأثیر مستقیمی در بروز رفتارهای انحرافی در اداره ورزش و جوانان داشته باشد. به نظر گروهی از محققان، سطوح بالای رفتارهای سیاسی در سازمان به عملکرد سازمان لطمه می زند؛ به این صورت که به عنوان شاخصی از وجود مشکل با رهبری یا مدیریت سازمان تعبیر می شود، به روابط اجتماعی میان اعضای سازمان لطمه می زند، رابطه بی اعتمادی میان کارکنان و مدیریت را شدت می بخشد، به پیوندهای اجتماعی در سازمان آسیب وارد می کند، کانال های ارتباطی را مسدود می سازد و موجب می شود گرایش به فرارفتن از شرح وظایف و شرایط کمینه شغلی و رفتارهای شهروندی سازمانی در سازمان به چشم نخورد و در نتیجه، ممکن است عملکرد چنین سازمانی به شدت کاهش یابد. (ویگودا، ۲۰۰۳) به تبع آن، رفتارهای انحرافی در سازمان چون اتلاف وقت و منابع سازمان کاهش یابد و سبب می شود فرد در سازمان وظایف خود را نادیده گیرد و یا اینکه از مسئولیت خود سرباز زند و تحت تاثیر سیاست های سازمانی قرار گیرد. در سازمان ها سیاست یک واقعیت زندگی است. سازمان یک سیستم سیاسی است. اگر ترفندهای سیاسی مورد توجه قرار نگیرند، می توانند

مقدار زیادی از وقت ارزشمند سازمان را به هدر دهند، هدف‌های سازمانی را متزلزل نمایند، نیروهای انسانی را منحرف کنند و سرانجام موجب از دست رفتن عده زیادی از کارکنان ارزشمند سازمان شوند. از این رو، پیشنهاد می‌گردد با شناسایی عوامل انگیزاننده فردی و شغلی موجبات تعهد شغلی افراد فراهم آورده شود که خود منجر به کاهش فرار از مسئولیت و به دنبال آن ائتلاف منابع سازمانی گردد.

بر اساس نتایج، ادراک از سیاست‌های سازمانی بر پرخاشگری بین شخصی در بین کارکنان تاثیر دارد. این نتایج همسو با یافته‌های ویگودا و همکاران (۲۰۰۳) و ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) می‌باشد. ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) نشان دادند درک سیاست‌های سازمانی تأثیر مثبتی بر پرخاشگری بین شخصی دارد. پرخاشگری، عبارت است از: ابراز احساسات فیزیکی و هیجانی فرد برای بیان مخالفت، اعتراض و عصبانیت خود نسبت به همکاران، مشتریان یا سرپرستان که به قصد صدمه زدن به آنها انجام می‌شود. در این راستا می‌توان از رفتارهایی چون حالت کج خلقی و اعتراض همکاران به روش خصمانه، تهدید کردن فیزیکی و ... یاد کرد. ویگودا و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان دادند ادراک سیاست‌های سازمانی بر روی طرز فکر و رفتارهای کارکنان تاثیر مثبتی دارد. در تبیین نتایج می‌توان بیان نمود که سطوح بالای ادراک سیاست سازمانی نشان دهنده محیط کاری تهدید آمیز می‌باشد که در آن کارکنان برای کسب موفقیت به رفتارهای غیررسمی متوسل می‌شوند و در مورد اینکه آیا سخت کارکردن پیامدهای مطلوبی به همراه خواهد داشت یا نه عدم اطمینان وجود دارد. بنابراین به دلیل وجود این عدم اطمینان‌ها و ابهامات، کارکنان به رفتارهای انحرافی چون پرخاشگری بین شخصی مبادرت می‌ورزند تا نفع شخصی خود را تأمین کنند و عدم اطمینان سازمانی و پیامدهای منفی حاصل از ادراک سیاست سازمانی را کاهش دهند. سیاست سازمانی ادراک شده، اعتقاد فرد به توانایی خود برای رسیدن به اهداف شخصی را محدود می‌کند و برداشت از سیاست سازمانی رفتارهای انحرافی چون پرخاشگری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا ضروری است سازمان‌ها به عواملی توجه کنند که موجب به وجود آمدن چنین ادراکاتی می‌شوند. با توجه به شواهد قوی مربوط به برداشت از سیاست سازمانی با پیامدهای منفی متنوع برای افراد و مدیران آن‌ها، سازمان‌ها باید به عواملی توجه کنند که به چنین ادراکاتی می‌انجامند. از این رو، به مدیران سازمان‌ها پیشنهاد می‌گردد با برقراری سیاست برابری سازمانی، موجبات تبعیض و تعارضات سازمانی را کاهش دهند.

نتایج نشان داد ادراک از سیاست‌های سازمانی بر طفره روی اینترنتی در بین کارکنان تاثیر دارد. این نتایج همسو با یافته‌های گرویس (۲۰۰۰) و ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) می‌باشد. ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) نشان دادند درک سیاست‌های سازمانی تأثیر مثبتی بر طفره روی اینترنتی دارد. گرویس (۲۰۰۰) نیز در پژوهش خود یکی از عامل‌های مرتبط با رفتارهای انحرافی را نگرش و ادراک کارکنان بیان نمود. در این راستا یکی از انواع رفتارهای انحرافی در سازمان که جزو رفتارهای انحراف از تولید به حساب می‌آید، طفره روی اینترنتی است. طفره روی اینترنتی را می‌توان سو استفاده از اینترنت سازمان برای انجام امور شخصی همچون خواندن مطالب سایت‌های خبری، بازی و سرگرمی، چک کردن ایمیل‌های شخصی و به طور کلی وب گردی تعریف کرد. ادراک سیاست سازمانی به طور واقعی با ادراک انجام دهندگان کار مرتبط است. لذا نماینگر بهتری برای نگرش‌ها و تمایلات رفتاری کارکنان است. ادراک سیاست‌های سازمانی که بیشتر بر جنبه ادراکی و ذهنی سیاست سازمانی پرداخته می‌شود و ادراک کارکنان از سیاست‌های سازمانی را برای اندازه گیری میزان سیاسی

بودن سازمان در نظر می گیرد، تأثیر مثبت و معنی داری بر رفتارهای انحرافی مانند طفره روی اینترنتی دارد. بنابراین به طور کلی نتایج مؤید این است که ادراک سیاست های سازمانی توسط کارکنان طفره روی اینترنتی آنها را در سازمان تحت تأثیر قرار می دهد؛ یعنی هر اندازه کارکنان بیشتر احساس کنند که سیاست های سازمانی در کارشان موثرتر است، به همان اندازه نیز طفره روی اینترنتی در بین کارکنان تحت تأثیر قرار گیرد. سیاست سازمانی ادراک شده به نتایج نامطلوب منجر می شود و به توسعه تردید و واکنش های منفی افراد از انگیزه سازمان در برابر محافظت از ایمنی روانی و رفتارهای آنان می انجامد که این سبب می شود کارکنان نسبت به سازمان بی تفاوت گردند و از شاخص های موجود در سازمان چون اینترنت و فاکتورهای مرتبط در این زمینه برای انجام کارهای شخصی خود استفاده نمایند. از این رو، پیشنهاد می گردد با برگزاری جلسات پرسش و پاسخ میان مسئولان و کارمندان سازمانی، زمینه بروز هرگونه سوء تفاهم و تعارضات شخصی و شغلی را کاهش داد که در نهایت استفاده بهینه از منابع سازمانی را در پی دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده در زمینه تأثیرات مستقیم سیاست سازمانی بر روی رفتارهای انحرافی می توان گفت که به طور کلی ادراک سیاست سازمانی اغلب با پیامدهای منفی از قبیل کاهش رضایت شغلی، کاهش عملکرد شغلی و رفتار شهروندی و اثربخشی سازمانی و میزان بالاتر غیبت همراه است (فانی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین یک کار ویژه اصلی هر مدیر در سازمان، اقدامات سیاسی است؛ به طوری که مطالعات نشان می دهند که در سازمان ها مهارت های سیاسی و اجتماعی نقش اصلی را ایفا می کنند (لوتانز و همکارانش^۱، ۲۰۰۸). پس برای کاهش درک سیاست سازمان، مدیران اداره ورزش باید نحوه ارتقا و ترفیع کارکنان و همچنین میزان پرداخت حقوق و پاداش را به صورت شفاف و مشخص در اختیار کارکنان قرار دهند. همچنین، شرایط و محیطی را در اداره به وجود آورند که میزان سکوت سازمانی را کاهش دهد و کارکنان بتوانند نظرات و عقاید خود را بدون هیچ ترس و واهمه ای بیان کنند. مدیران و کارکنان باید به این نکته توجه نمایند که هر گاه کارمندی سازمان خود را یک سازمان سیاسی ببیند، این نگرش پیامدهای منفی برای سازمان به دنبال خواهد داشت. با توجه به تأثیر گذاری بر روی رفتارهای انحرافی باید قوانین و مقررات سازمان را به طور دقیق مطرح نمایند و خط مشی ها و اصول و قواعد کاری را به کارکنان نشان دهند. ایجاد فضای پاسخگویی در سازمان و بین مدیران و کارکنان، برطرف کردن تعارضات موجود در سازمان و ایجاد رفتارهای عادلانه و منصفانه می تواند از پیشنهاد های لازم در این راستا باشد.

از سوی دیگر، نتایج به دست آمده اثر مستقیم حمایت سازمانی درک شده بر رفتارهای مخرب اموال سازمان را تایید نکرده است. این نتایج تا حدودی همسو با یافته علیچانپور کاسگری (۱۳۹۱) می باشد که بیان نمودند بین حمایت سازمانی ادراک شده با تعهد سازمانی کارکنان اداره ورزش و جوانان مازندران رابطه معنی داری وجود ندارد- در حالی که ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند حمایت سازمانی درک شده تأثیر منفی بر رفتارهای مخرب، اموال سازمان دارد. در این راستا حمایت سازمانی درک شده که احساس مثبت ناشی از توجه سازمان به کارمند ایجاد کرده و این احساس که سازمان برای سلامت فرد نگران است را در فرد تقویت می کند، مانع بروز رفتارهای انحرافی در بین کارکنان می شود. به طور کلی درک حمایت سازمانی، عملکرد و بهره وری کارکنان در سازمان را بهبود می بخشد، میزان استرس و پرخاشگری را کاهش می دهد و

از ترک کار جلوگیری می‌نماید- در غیر این صورت، در کارکنان به جای دستیابی به اهداف سازمان ممکن است برخی از انحرافات همچون رفتارهای مخرب اموال سازمان بروز نمایند. بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه درک حمایت سازمانی نشان از رابطه مستقیم بر روی شاخص‌های مثبت و تاثیر منفی بر روی رفتارهای انحرافی و منفی دارد که این رابطه و اثرگذاری بر اساس تئوری مبادله اجتماعی منطقی است، زیرا این تئوری شرایطی را شرح می‌دهد که افراد تحت آن در مقابل کسانی که به آنها سود رسانده‌اند احساس دین می‌کنند و در صدد عمل متقابل بر می‌آیند (علیجانپور کاسگری، ۱۳۹۱). بسیاری از علل رفتارهای مخرب اموال سازمانی را می‌توان در متغیرهای سه سطح فرد، گروه و سازمان بررسی و توجیه کرد. ممکن علل بسیاری از این رفتارها در سطح فردی و در موضوع انگیزش کارکنان دانست. تئوری‌های انگیزش از جمله تئوری‌هایی هستند که می‌توانند برای توجیه این وضعیت و حل آن استفاده گردند. برای مثال، چاپلوسی و زیر آب زنی، دو رفتار شایع در سازمان‌های دولتی ایران هستند که شاید علل ایجاد آنها را باید در تقویت مثبت این رفتارها از سوی مدیران دانست. اگرچه تئوری تقویت خود علل بروز این نوع رفتارهای مخرب می‌باشد، اما می‌تواند روش خوبی برای درمان آنها نیز به شمار آید. مدیر به جای تقویت، لازم است از تکنیک‌های دیگر تئوری تقویت مثل خاموش سازی یا تقویت منفی (اجتناب) یا حتی به شکل شدیدتر از تنبیه برای از بین بردن چنین رفتارهایی استفاده نماید. بنابراین تئوری تقویت به عنوان یکی از رایج ترین روش‌ها برای برخورد با هر نوع رفتار نامطلوب می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. تئوری‌های رهبری نیز می‌توانند در این زمینه نقش خوبی را ایفا نمایند. برای مثال، تئوری بلوغ و عدم بلوغ می‌تواند راه کار مناسبی را برای سبک مدیریت در برخورد با کارکنان نشان دهد. کارکنانی که از بلوغ بالایی برخوردار نیستند و اقدام به چنین رفتارهای نامطلوبی- غیبت و تاخیر عمدی- در سازمان می‌نمایند و این عمل آنها می‌تواند به بهره وری سازمان صدمه بزند بهتر است از سبک‌های رهبری خشن تر مثل سبک S۱ یعنی سبک اتوکراتیک یا استبدادی استفاده گردد. به هر حال باید علل بروز چنین رفتارهایی را تشخیص داد. شاید یکی از دلایل بروز این نتیجه این بوده باشد که کارکنان حمایت سازمانی ادراک شده پایینی داشته باشند یا ممکن است این انتظار را داشته باشند که در برابر تلاش بیشتر آنها برای رسیدن به اهداف سازمانی، با پاداش‌های بیشتری روبرو شوند.

بر اساس نتایج، حمایت سازمانی درک شده بر اتلاف وقت و منابع سازمان کارکنان تاثیر مستقیمی ندارد که ناهمسو با یافته ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) می‌باشد که در تحقیق خود نشان دادند حمایت سازمانی درک شده تاثیر منفی بر روی اتلاف وقت و اتلاف منابع سازمانی دارد. فراسست و زیادینی (۲۰۱۳) هم نشان دادند که افزایش درک حمایت سازمانی عملکرد کارکنان و تمایل برای باقی ماندن در سازمان را بهبود می‌بخشد. همچنین نشان دادند که این نوع حمایت‌ها فشارکاری و رفتارهای انحرافی و بازخوردی را کاهش دهد. به طور کلی براساس تئوری مبادله اجتماعی، می‌توان بیان نمود که کارشناسان و کارکنان در یک سازمان و یا اداره ممکن است رفتارهای انحرافی کاری همچون اتلاف وقت و از بین بردن منابع سازمان کارکنان را به دلیل دریافت پاداش و حمایت از سرپرستان خود انجام ندهند تا تعادل یا برابری تبادل اجتماعی را با سرپرست خود حفظ نمایند. بنابراین کیفیت روابط تبدالی، کارشناسان را از طریق افزایش احساس تعلق، تمایل به جبران متقابل و اعتماد، به انجام رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای انحرافی ترغیب می‌نماید. به عنوان مثال، وقتی مدیران زمانبندی و ساعات کاری را با ترجیحات کارکنان هماهنگ می‌کنند، کارکنان تمایل بیشتری به بقا در

سازمان نشان می دهند یا زمانی که سازمان اقداماتی - مانند آموزش استقلال - انجام می دهد که نشانگر قدردانی از کارمند است، وی احساس می کند که سازمان از او حمایت می کند و زمانی که چنین حسی به او دست دهد، تلاش خواهد کرد تا رفتاری که به سازمان کمک می کند، انجام دهد و از رفتارهای انحرافی خود بکاهد یا از هر گونه حمایت در این زمینه برای از بین بردن منابع سازمانی و اتلاف وقت در بین کارکنان که بر بهره وری و اثربخشی سازمانی اثرگذار است، جلوگیری می کند.

همچنین مطابق با تحلیل نتایج، حمایت سازمانی درک شده بر پرخاشگری بین شخصی کارکنان تأثیر مستقیمی ندارد. این نتایج همسو با یافته ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) می باشد که نشان دادند حمایت سازمانی درک شده تأثیر مستقیمی بر روی پرخاشگری کارکنان ندارد. اسکارلیکی و فولجر^۱ (۱۹۹۷) نیز در تحقیق خود معتقدند ادراک حمایت چون انصاف در سازمان نقش مهمی در بروز رفتارهای انحرافی دارد. به طور کلی تحقیقات انجام شده نشان از اثرات مثبت و معنی دار حمایت سازمانی درک شده در سازمان بر روی متغیرهای رفتاری و سازمانی دارد (ابراهیمی و مشبکی، ۱۳۹۱؛ علیچانپور کاسگری، ۱۳۹۱). بنابراین با افزایش حمایت سازمانی ادراک شده توسط کارکنان موجب شکل گیری باورهای مثبت نسبت به شغل و در نتیجه کاهش ترک شغل و یا کناره گیری از سازمان می شود. همچنین در صورتی که سرپرستان از کارکنان خود حمایت لازم را در زمان مقتضی به عمل آورند و در آن ها اعتماد به خود را پدید آورند، در این صورت از طریق همانندسازی، کارکنان نیز احساس مورد حمایت بودن از طرف سازمان را تجربه می کنند و سبب می شود که کارکنان سازمانی استرس کمتری را در خود داشته باشند و به تبع آن پرخاشگری بین شخصی کمتری را از خود نشان دهند. با توجه به اینکه حمایت سازمانی ادراک شده نتوانسته است تأثیری بر روی پرخاشگری گذاشته باشد، پس عوامل و شاخص های غیر از حمایت سازمانی بر روی پرخاشگری اثر گذار باشد که از آن میان به عوامل فردی و روانشناسی می توان اشاره کرد.

در نهایت حمایت سازمانی درک شده بر طفره روی اینترنتی کارکنان تأثیر ندارد. این نتایج غیرهمسو با یافته ابراهیمی و مشبکی (۱۳۹۱) می باشد که در تحقیق خود نشان داد حمایت سازمانی درک شده تأثیر منفی بر روی طفره روی اینترنتی دارد. همچنین، تحقیقات مختلفی چون: کریشنان و ماری^۲، ۲۰۱۲؛ سلیک و فیندیک^۳، ۲۰۱۲؛ یاهیا، منصور و وردکاه^۴، ۲۰۱۲ نشان داد که حمایت سازمانی ادراک شده استرس شغلی و رفتارهای انحرافی را تحت تأثیر قرار می دهد. به طور کلی طفره روی اینترنتی یکی از مظاهر رفتارهای انحرافی در سازمان است که در ردیف رفتارهایی چون غیبت، عدم صداقت، دزدی، تخاصم و درگیری در محل کار قرار می گیرد. تبیین این نتیجه را می توان بدین گونه بیان نمود که حمایت سازمانی ادراک شده با ایدئولوژی مبادله ای ارتباط دارد. افرادی که در سطح بالایی از ایدئولوژی مبادله ای هستند باید در برابر تلاش و کوششی که به خرج می دهند، چیزی به دست آورند. لذا حمایت سازمانی ادراک شده در افراد با این ایدئولوژی بسیار مهم است. در صورتی که حمایت سازمانی ادراک شده در افرادی که ایدئولوژی مبادله ای در آنها ضعیف است تأثیر ندارد و یا اگر داشته باشد بسیار جزئی است (عریضی و گل پرور، ۱۳۹۰) هنگامی که ادراک حمایت

1. Skarlicki and folger
2. Krishnan and Mary
3. Celik, and Findik
4. Yahya, Mansor, and Warokka

سازمانی فراگیر است کارمندان با اعتماد به حمایت سازمان معتقد می‌شوند که اعمال خوب پاداش خواهد داشت و این امر منجر به تداوم رفتارهای مثبت و پیامدهای مثبت خواهد شد. چنانچه این عوامل عکس گردد، بر رفتارهای انحرافی چون طفره روی اینترنتی تأثیری ندارد.

به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده حمایت سازمانی درک شده بر روی رفتارهای انحرافی تأثیر مستقیمی ندارد. بیشتر تحقیقات در این باره، نشان از تأثیر مثبت حمایت سازمانی درک شده بر روی متغیرهای سازمانی و فردی کارکنان دارد. علل ناهمسویی و مغایرت و تبیین این نتایج را می‌توان اینگونه بیان نمود که ادراک حمایت سازمانی تحت تأثیر سن، جنس و جنسیت و گرایش‌های قومی و نژادی و جغرافیایی و فرهنگی و..... قرار دارد. عوامل درونی که موجب رفتارهای انحرافی می‌شوند می‌تواند شامل تجربه، نگرش‌ها و انگیزش و شخصیت باشد. در نتیجه ممکن است از اثر بقیه عوامل در شکل‌گیری رفتارهای انحرافی موثرتر بوده است و یا بسیاری از علل رفتارهای سازمانی را می‌شود در متغیرهای فردی و سازمانی و محیطی و گروهی بررسی و توجیه کرد. به طور کلی طبق این تئوری‌های تشریح شده در زمینه حمایت سازمانی درک شده و یافته‌های پژوهش حاضر منطقی است که بگوییم حمایت‌های سازمانی موجب کاهش رفتارهای انحرافی در کارکنان سازمان‌های ورزشی می‌شود، حال اینکه در این پژوهش چنین نتیجه‌ای به دست نیامد. عدم همسویی این تحقیق با بیشتر تحقیقات یاد شده را علاوه بر نکات فوق می‌توان به دلیل جامعه آماری متفاوت، ابزار اندازه‌گیری، ساختار سازمان و بسیاری از مسائل دیگر بیان نمود یا اینکه میزان حمایت سازمانی از کارکنان در سازمان‌های ورزشی در حد مطلوبی نبوده است که بتواند رفتارهای انحرافی را کاهش دهد. در این راستا پاک (۲۰۰۵) بیان نمود اگر چه حمایت سازمانی می‌تواند در اشکال مختلف ظاهر شود و ادراک حمایت اغلب مسئله‌ای فردی است، اما هنوز موارد اساسی در پرورش و ترویج رفتارهای مطلوب کارکنان باقی مانده است.

برغم تحقیقات گسترده و مستمر روان‌شناسان سازمانی و صنعتی، هنوز نقص‌هایی در یکپارچگی و هماهنگی تئوری حمایت سازمانی با مسیر تحقیقات مدیریت ورزشی وجود دارد. لذا بررسی جامع درباره علل، آثار و راه‌ها برای رفتارهای مثبت و منفی و انحرافی و حمایت سازمانی ضروری است.

همچنین، پیشنهاد می‌شود که مدیران سازمان‌های ورزشی در شرایط مختلف و همه رده‌های سازمانی کارکنان و زیردستان خود را مورد حمایت‌های یکسانی قرار دهند تا کارکنان به درک متقابلی از این حمایت‌ها برسند و برای جبران این اقدامات سازمان، علاوه بر افزایش تعهد خود از رفتارهای انحرافی بکاهد تا کارایی و اثربخشی و عملکرد سازمان‌های ورزشی را بهبود ببخشد.

منابع

- ابراهیمی، سیدعباس و مشبکی، اصغر. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر ادراک از سیاست های سازمانی و حمایت سازمانی در بروز رفتارهای انحرافی». فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی. دوره ۱، شماره ۲، صص ۷-۲۲.
- حسینی، منیره؛ مهداد، علی و گل پرور، محسن. (۱۳۹۲). «تحلیل رابطه بین حمایت سازمانی ادراک شده با ادراک استرس شغلی و رفتارهای انحرافی بر اساس مدل معادلات ساختاری». دوره ۱، شماره ۲۸، صص ۱۷-۲۹.
- درزی، لیل. (۱۳۹۲). «رفتارهای انحرافی در سازمان: تبیین نقش متغیرهای موقعیتی، شخصیتی و ناکامی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ولی عصر رفسنجان، دانشکده علوم اقتصادی.
- دعایی، حبیب الله و برجعلی لو، شهلا. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه حمایت سازمانی ادراک شده با تعهد سازمانی و قصد ترک خدمت». چشم انداز مدیریت دولتی. شماره ۳، صص ۶۳-۷۷.
- سید نظری، زینب؛ قلعه ای، علیرضا و حسینی، محمد. (۱۳۹۳). «بررسی نقش میانجی عدالت سازمانی در رابطه بین ادراک از فضای سیاسی سازمان با تمایل به ترک شغلی، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی سازمانی در میان کارکنان اداره کل سازمان بهزیستی استان آذربایجان غربی». پایان نامه ارشد، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- طالقانی، غلامرضا؛ دیواندری، علی و شیرمحمدی، ملیکا. (۱۳۸۸). «تأثیر حمایت ادراک شده از سوی سازمان بر تعهد کارکنان و عملکرد سازمانی: مطالعه ای در شعب بانک ملت شهر تهران». علوم مدیریت ایران. شماره ۱۶، صص ۱-۲۵.
- عریضی، حمیدرضا و گل پرور، محسن. (۱۳۹۰). «الگوی مسیر روابط حمایت سازمانی ادراک شده با متغیرهای شغلی، حرفه ای و سازمانی». پژوهش های مدیریت در ایران. دوره ۱۵، شماره ۴.
- علی اسماعیلی، زهره. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر رفتار سیاسی با نقش واسطه ای سبک های مدیریت منابع انسانی بر سلامت سازمانی آریا رسانه تدبیر شرکت شاتل». پایان نامه ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت الله آملی.
- علیجانپور کاسگری، محبوبه. (۱۳۹۲). «ارتباط بین حمایت سازمانی ادراک شده با اعتماد و تعهد سازمانی کارکنان اداره کل ورزش و جوانان استان مازندران». پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۳). «مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل (با اصلاحات)». تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)
- Bilgin, N. & Demirel, H. (2012). "The examination of the relationship among support, affective commitment and job satisfaction of hotel employees". Procedia - Social and Behavioral Sciences, 51:470 – 473.
- Celep, C. & Yilmazturk, O. E. (2012). "The relationship among organizational trust, multidimensional organizational commitment and perceived organizational sup-

port in educational organizations". Procedia-Social and Behavioral Sciences, 46: 5763-5776.

- Celik, A. & Findik, M. (2012). **"The effect of perceived organizational support on organizational identification"**. World Academy of Science, Engineering and Technology, 18(3), 139-150
- Chang, C. H., Rosen, C. C., & Levy, P. E. (2009). **"The Relationship between Perceptions of Politics and Employee Attitudes, Strain, and Behavior: A Meta-analytic Examination"**. Academy of Management Journal, 52 (4): 779-801.
- Clercq Dirk, De. & Imanol, B. (2017). **"Mitigating the negative effect of perceived organizational politics on organizational citizenship behavior: Moderating roles of contextual and personal resources"**. Journal of Management & Organization, <https://doi.org/10.1017/jmo.2017.7>
- Colbert, A.E., Mount, M.K., Harter, J.K., Witt L.A. & Barrick, M.R. (2004). **"Interactive Effects of Personality and Perception of the Work Situation on Workplace Deviance"**. Journal of Applied Psychology. 89(4):599-609.
- Deconinck, J. (2010). **"The effect of Organizational Justice, perceived organizational support, and perceived supervisor support on marketing employees level of trust"**. Journal of Business Research, 63: 1349- 1355.
- Ferasat, E. & Ziaaddini, M. (2013). **"Perceived Organizational Support and Deviant Behavior"**. J. Basic. Appl. Sci. Res., 3(5):517-528.
- Eisenberger, R. & et. Al. (1997). **"Perceived organizational support discretionary treatment and job satisfaction"**. Journal of Applied Psychology, 82: 812-820 .
- Ferris Gerald, R. , Rogers Laci, M., Blass Fred, R. & Hochwarter Wayne, A. (2009). **"Interaction of job-limiting pain and and political skill on job satisfaction and organizational citizenship behavior"**. Journal of Managerial Psychology, 24:584-608.
- Ferris, G. R., Adams, G., Kolodinsky, R. W., Hochwarter, W. A. & Ammeter, A. P. (2002). **"Perceptions of organizational politics: Theory and research directions"**. Research in Multi Level Issues, 1: 179-254.
- Hochwarter, Wayne, A., & Treadway, Darren. C. (2003). **"The Interactive Effects of Negative and Positive Affect on the Politics Perceptions–Job Satisfaction Relationship"**. Journal of Management, 29(4): 551–567.
- James, B.D. (2010). **"Effects of organizational justice on depressive symptoms and sickness absence: A longitudinal perspective Original Research Article"**. Social Science and Medicine, 70,(10): 1609-1617.
- Krishnan, J. Mary, S. H. (2012). **"Perceived organizational support"**. International

Journal of Multidisciplinary Research, 2: 134-145

- Lamastro, V. (1999). **“Commitment and perceived organizational support”**. National Forum of Applied Educational Research Journal, 12(3).
- Luthans, K.W., Lebsack, S.A., & Lebsack R.R. (2008). **“Positivity in healthcare: relation of optimism to performance”**. Journal of Health Organization and Management, 22(2): 178-188.
- Moore, c., & et al (2012). **“Why employees do bad things: Moral disengagement and unethical organizational behavior”**. Personnel Psychology, 65: 1–48.
- Nasurdin, A. & et al. (2014). **“Politics, Justice, Stress, and Deviant Behavior in Organization: an Empirical Analysis”**. International Journal of Business and Society, 15(2): 235 – 254
- Pack, M.A.S.M. (2005). **Antecedents and consequence of perceived organizational support for NCAA athletic administrators**. The Ohio stateniversity.
- Paul, H., & Garg, P (2014). **“Healing HRM through Positive Psychology: An Outlook”**. Procedia Social and Behavioral Sciences, 133:141-150
- Pearsall, M.J. & et al. (2011). **“Thick as thieves: The effects of ethical orientation and psychological safety on unethical team behavior”**. Journal of Applied Psychology, 96: 401–411.
- Rafiee, M., Hoveida, R ., & Rajaeipoor, S (2015). **“The Relationship of the Deviant Workplace Behavior with the Organizational Justice and Staff Development in the Universities of Tehran”**. International Journal of Human Resource Studies, 5(1).
- Rhoades, L. and Eisenberger, R. (2002). **“Perceived Organizational Support: A Review of the Literature”**. Journal of Applied Psychology, 87(4): 698-714.
- Rhoads, L., Eisenberger, R. & Armeli, S. (2002). **“Affective commitment to the organization: The contribution of perceived organizational support”**. Journal of Applied Psychology, 86:825-836.
- Riggie, R. J. & et al. (2009). **“A meta-analysis of the relationship between perceived organizational support and job outcomes: 20 years of research”**. Journal of Business Research, 62(10): 1027-1030.
- Robbins, S. P. (2005). **Organizational behavior**. Eleventh edition, Prentice – Hall of India
- Robbins S. P and judge T.A (2007). **Organizational Behavior**. (12th edition). Prentice-Hall of India. New Delhi
- Robbins, S. P. (2006). **“Organizational behavior: Concepts , controversies applications (Ali Parsayan & Sayyd Mohammad Arabi)”**. Cultural Research Bureau , 11th Edition, Volume two.

- Robinson, S.I and Bent R.j (1995). **“A Typology of Deviant Workplace Behaviors: A Multidimensional Scaling Study”**. Academy of Management Journal, 38:55-72.
- Rocha, C. (2008). **“Organizational effectiveness of athletic departments and coaches’ extra role behavior”**. Retrieved Nov. 11.
- Ullah, S., Jafri. A. R. & Bindost, M. K. (2011). **“A Synthesis of Literature on Organizational Politics”**. Far East Journal of Psychology and Business, 3(3):36-49
- Vigoda & Cohen. (2002). **“Influence Tactics and Perception of Organizational Politics”**. Journal of Business Research, 55, 311-324
- Vigoda-Gadot, E., Vinarski-Peretz, H., & Ben-Zion, E. (2003). **“Politics and Image in the Organizational Landscape: An Empirical Examination Among Public Sector Employees”**. Journal of Managerial Psychology, 18(8): 764-787
- Yahya, K. K., Mansor, F. Z., & Warokka, A. (2012). **“An empirical study on the influence of perceived organizational support on academic expatriates’ organizational commitment”**. Journal of Organizational Management Studies, 2, 14 -19.
- Yildiz, B., & Alpan, L. (2015). **“A theoretical model on the proposed predictors of destructive deviant workplace behaviors and the mediator role of alienation”**. Social and Behavioral Sciences, 210, 330-338.

رابطه سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان

زین العابدین نجات ثابت^۱

ارسلان محمدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۷/۵

هدف این مطالعه، بررسی رابطه بین سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی است. سرمایه روانشناختی یک حالت روانشناختی مثبت و رویکرد واقع گرا و انعطاف پذیر نسبت به زندگی است که از چهار سازه امید، خوش بینی، تاب آوری و خودکارآمدی تشکیل می‌شود. رفتار شهروندی سازمانی به عنوان رفتار ارادی و از روی میل کارکنان تعریف می‌گردد که داوطلبانه است و نوعاً به آنها پاداش تعلق نمی‌گیرد، اما می‌تواند عملکرد سازمان‌ها را بهبود بخشد. این مطالعه از نظر گردآوری اطلاعات در زمره پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی و از نظر هدف جز تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود و جامعه آماری آن کارشناسان حوزه ستادی وزارت ورزش و جوانان به تعداد ۴۵۰ نفر است که از بین آنها، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی و با کمک فرمول کوکران ۲۰۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد و در مرحله اول با توزیع ۳۰ پرسشنامه قابلیت اعتماد آنها بررسی گردید. پرسشنامه رفتار شهروندی دارای آلفای ۰/۸۳۲ و پرسشنامه سرمایه روانشناختی دارای آلفای ۰/۸۴۱ بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از آزمون‌های آماری کلموگراف-اسمیرنوف و همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین تمام مولفه‌های سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که شدت این رابطه بین دو مولفه آداب اجتماعی و اعتماد به نفس (۰/۴۲۶) در بالاترین حد و بین نزاکت و خوش بینی (۰/۰۹۹) در پایین‌ترین حد بود.

واژگان کلیدی: سرمایه روانشناختی، رفتار شهروندی سازمانی و وزارت ورزش و جوانان

۱. دکترای برنامه ریزی و استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد رشته مدیریت دولتی، مدیریت نیروی انسانی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: A.mohammadi@msy.gov.ir

مقدمه

تا نزدیک به یک دهه پیش، ارتباط نزدیک و عمیق بین دو رشته مهم علوم انسانی یعنی مدیریت رفتار سازمانی و روانشناسی بیشتر بر رفع مشکلات روانشناختی نیروی انسانی در محیط کار متمرکز بود. مطالعات انجام شده برای توصیف و شکل دهی انسان و روانشناسی انسانی، عمری به درازای بشریت دارد. تفکرات فلاسفه بزرگ مانند سقراط، ارسطو و افلاطون ابعاد فلسفی انسان و رفتارهای انسانی را نشان می‌دهد و همین موضوع باعث شکل گیری مفهوم روانشناسی مدرن شد (کلکچی^۱، ۲۰۱۵). روانشناسی عبارت از بررسی و تحلیل رفتارها و فرایندهای ذهنی انسان از طریق پژوهش‌های علمی است (اکبابا و آلتینداگ^۲، ۲۰۱۶). مفهوم روانشناسی مثبت که مبتنی بر وجود جهش‌های مثبت در زندگی افراد است و به دنبال توسعه مهارت‌های جدید در آنهاست، مفهومی است که نیاز به نگاه مثبت در علم روانشناسی را به تصویر می‌کشد. در زمان تحلیل علم روانشناسی، مفهوم روانشناسی مثبت در سال ۱۹۹۸ به وسیله روانشناس معروف، مارتین سلیگمان^۳ ارائه شد (پولاتچی^۴، ۲۰۱۱). مسائلی چون بی‌انگیزگی کارکنان، جابجایی، غیبت از کار و رفتارهای انحرافی بیشترین توجه پژوهشگران از جمله مارتین سلیگمان^۵، روانشناس مشهور مکتب روانشناسی بیمار گرا (رویکری که انسان‌ها را ناتوان، قابل ترحم و بیمار تلقی می‌کند و این نگاه ناامیدی، عدم خود کارآمدی و عدم اعتماد به نفس را به جامعه هدف پمپاژ می‌کند و ناتوانی را به باور عمومی تبدیل می‌سازد) را به خود اختصاص می‌داد. از مطالعات وی و دیگر پژوهشگران علوم رفتاری، دستاوردهای چشمگیری در یافتن درمان‌های موثر برای رفتارهای ناکارآمد سازمانی حاصل شد (فرزانه، ۱۳۸۹). اما آنچه نادیده گرفته شده بود، جنبه سالم روحی افراد بود. پوشش این غفلت خود سلیگمان^۶، سرآغاز نگرشی جدید با عنوان «روانشناسی مثبت گرا و رفتار سازمانی مثبت گرا» گردید (رابینز و جاج^۷، ۱۳۸۹؛ کار، ۱۳۸۵). اگرچه رفتار سازمانی مثبت شامل منابع روانشناختی مثبت می‌شود، ولی هدف مهم آن افزایش احتمال موفقیت سازمان و عملکرد افراد است (لوتانز و مورگان و آوولیو^۸، ۲۰۱۵).

سرمایه روانشناختی شامل درک شخص از خودش، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشکلات تعریف می‌شود (ایرجی راد و ملک زاده نصرآبادی، ۱۳۹۶). سرمایه روانشناختی جزو مولفه‌های مهم روانشناسی مثبت نگر محسوب می‌شود. در روانشناسی مثبت نگر، بر نقاط قوت افراد و بهبود عملکرد آن‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی تاکید می‌شود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵). سرمایه روانشناختی به عنوان یک سازه مثبت گرا که می‌توان از آن در مدیریت مؤثر ابعاد عاطفی، انگیزشی، نگرشی، شناختی و رفتاری افراد در محیط کار استفاده کرد، در نظر گرفته می‌شود (هاشم مطوری، ۱۳۹۶). لوتانز به عنوان پایه گذار این شاخه از علم رفتار سازمانی در مدیریت، آن را اینگونه تعریف می‌کند: «رفتار سازمانی مثبت، مطالعه و کاربرد ابعاد مثبت و نقاط قوت روانشناختی افراد است؛ به طوری که بتوان این ابعاد را مورد اندازه گیری، توسعه و مدیریت قرار داد و از آن برای بهبود عملکرد فرد بهره گرفت (لوتانز و یوسف^۹، ۲۰۰۴).

1. Kelekci
2. Akbaba & Altindag
3. Martin Seligman
4. Polatci
5. Seligman
6. Seligman
7. Robbins & Judge
8. Luthans , Morgan & Avolio
9. Luthans & Youssef

لوتانز در راستای تعریف یاد شده به معرفی ویژگی‌های مثبت روانشناختی افراد پرداخت. خودکارآمدی، امید، خوش بینی و تاب آوری متغیرهای مثبت اصلی بود که او مطرح کرد. مطالعات گسترده تر او و سایر پژوهشگران به تعریف این چهار متغیر در کنار هم و شکل گیری مفهوم سرمایه روانشناختی، نوع نگاه و نگرش به منابع انسانی و چگونگی توجه و مدیریت آنها در هر عصری متفاوت است. اگر چه در زمان‌های نه چندان دور توانایی جسمانی و کمیت کارکنان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، اما با ورود به عصر تکنولوژی، دانش و اطلاعات که طی آن بسیاری از کارها به دستگاه‌های پیشرفته و مدرن داده شد، تخصص‌ها و مهارت‌ها و دانش نیروی انسانی مورد توجه دانشمندان علم مدیریت قرار گرفت. با ورود به دهه ۱۹۹۰، ابتدا مارتین سیگلمن^۱ موج مثبت‌گرایی را وارد روانشناسی بالینی^۲ کرد و بعد از آن کسانی چون لوتانز (۲۰۰۲)، کامرون و همکاران^۳ (۲۰۰۷)، نلسون کوپر^۴ (۲۰۰۷) و فرد لوتانز^۵ و همکاران (۲۰۰۷) این موج مثبت‌گرایی را وارد عرصه پرچالش رفتار سازمانی کردند. رفتارهای مثبت سازمانی یا سرمایه روانشناختی^۶ را این گونه تعریف می‌کنند: سرمایه روانشناختی یک حالت توسعه‌ای مثبت روانشناختی با مشخصه‌های زیر است: اعتماد به نفس (خودکارآمدی)^۷، تعهد و انجام تلاش برای موفقیت در کارها، وظایف چالش برانگیز، داشتن استناد مثبت (خوش‌بینی)^۸ درباره موفقیت حال و آینده، پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف (امیدواری)^۹ برای دستیابی به موفقیت، پایداری و استواری هنگام بروز سختی‌ها و مشکلات برای حفظ و بازیابی خود و حتی فراتر از آن، پیشرفت و ترقی هنگام مواجهه با مشکلات و سختی‌ها (انعطاف‌پذیری)^{۱۰} (لوتانز^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۶).

سازمان‌ها بدون تمایل کارکنان به همکاری، قادر به توسعه اثربخشی خود نیستند. تفاوت همکاری خودجوش با اجباری، اهمیتی فوق‌العاده دارد، زیرا در حالت اجبار، فرد وظایف خود را در راستای قانون و مقررات، استانداردهای تعیین شده سازمانی و صرفاً در حد رعایت الزامات قانونی انجام می‌دهد، در حالی که در همکاری خود جوش و آگاهانه، افراد کوشش، انرژی و بصیرت خود را در جهت شکوفایی توانایی‌های شخصی و حتی به نفع سازمان به کار می‌برند. در ادبیات نوین مدیریت، به انجام خود جوش و آگاهانه وظایف قانونی توسط کارکنان، «رفتار شهروندی سازمانی» گفته می‌شود (اپلبام^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۴).

از طرفی، کارکنان در عصر مدرن و کلاسیک همچون ابزارهای تولید قلمداد می‌شدند. در دنیای مدرن، سازمان‌ها انتظار داشتند که کارکنان فقط وظایف روزمره و یکنواخت مندرج در شرح شغل را به نحو احسن

1. Martin Seligman

۲. شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به درک، پیش‌بینی و درمان نابهنجاری، ناتوانی و آشفتگی‌های شناختی، هیجانی، زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و رفتاری کمک می‌کند و در گستره وسیعی از جمعیت‌های در جستجوی درمان کاربرد دارد. نقش‌های شش‌گانه آن عبارت است از: ارزیابی و تشخیص، مداخله و درمان، مشاوره، آموزش و نظارت بر کار روان‌درمانگرها، پژوهش و مدیریت. غالب کارهای روان‌شناس بالینی در راستای درمان و تشخیص، آموزش و پژوهش است (دادستان و منصور، ۱۳۶۶)

3. Cameron

4. Nelson cooper

5. Fred Luthans

6. Psychological capital

7. Self- efficacy Optimism

8. Optimism

9. Hope

10. Resiliency

11. Luthans,

12. Appelbaum

انجام دهند، اما امروز محققان رفتار سازمانی و روانشناسی سازمانی معتقدند برای نمایان شدن عملکرد واقعی و راستین باید به رفتارهای فراشغلی^۱ نیز توجه نمود (فتحی‌زاده، ۱۳۹۱). در قاموس مطالعات سازمان و مدیریت، اگر فردی فراتر از وظایف مصوب و مقرر شغلی خود، رفتارهایی را بروز دهد که به نفع همکاران و کلیت سازمان باشد، این رفتارها را در اصطلاح «رفتار شهروندی سازمانی» می‌گویند.

در مطالعات و تحقیقات مربوط به رفتار شهروندی سازمانی، سه نوع جهت‌گیری پیرامون این موضوع به چشم می‌خورد: ۱- مفهوم سازی؛ ۲- شناسایی وجوه (ابعاد) و محرک‌ها؛ ۳- شناسایی و تبیین پیامدها که مورد آخر تا حدودی نیازمند به بررسی‌های بیشتر است (اورگان و کونووسکی^۲، ۱۹۸۹؛ مککنزی^۳ و همکاران، ۱۹۹۱).

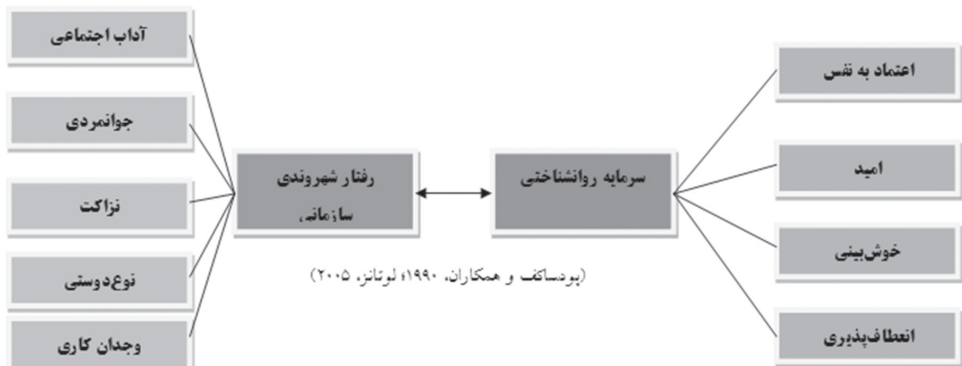
در جهت‌گیری سوم (پیامدها)، برخی محققان پیامدهای رفتار شهروندی سازمانی را به دو دسته فردی و سازمانی تقسیم کرده‌اند. نیت ترک خدمت، تعهد سازمانی و کسب نمره عملکردی از جمله پیامدهای سطح فردی و کیفیت خدمت، رضایت مشتری و کارایی عملیاتی از جمله پیامدهای سطح سازمان هستند (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

لوتانز (۲۰۰۲) روانشناسی مثبت را مورد مطالعه قرار داد و از مزایای بلند مدت توجه به نقاط قوت برای افراد دفاع کرد و بیان نمود که سرمایه روانشناختی، یک ساختار ترکیبی از قوت‌ها و فضایل مثبت افراد است (لوتانز^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). کاراتپ^۵ و کاراداس^۶ در یک مطالعه به بررسی اثرات سرمایه روانشناختی کارکنان صنعت بیمارستانی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کارکنانی که دارای سطح بالایی از سرمایه روانشناختی هستند، رضایت بیشتری از کار و مسیر شغلی و زندگی خود دارند، چرا که آنها خوش بین تر، امیدوارتر، تاب آورتر و دارای اعتماد به نفس بیشتری هستند. سرمایه روانشناختی در محیط کاری پویای امروز برتر از سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی است؛ به طوری که کارکنان با سرمایه روانشناختی بالا می‌توانند درک کنند که آنها امروزه به وسیله استعدادها و توانمندی‌های شان شناخته می‌شوند. همچنین، این کارکنان می‌توانند جایگاه آتی خود را پیش بینی کنند (لوتانز و همکاران، ۲۰۱۵). آنها مملو از مثبت اندیشی هستند که آنها را انجام رفتارهای فرا نقشی و می‌دارد (آوی^۷ و همکاران، ۲۰۰۸). به علاوه، فردریکسون^۸ (۲۰۰۱) اثبات کرد که احساسات و عواطف مثبت باعث گسترده‌گی خزانه اقدام فکری فوری و ایجاد منابع شخصی طولانی مدت شود و منابع فکری و فیزیکی را به منابع روانشناختی و اجتماعی وصل کند. آوی و همکاران (۲۰۰۸) رابطه بین سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی را مورد بحث و بررسی قرار دادند، اما آنها فقط توانستند رابطه بین سرمایه روانشناختی با رفتارهای شهروندی همکاران محور را کشف کنند. آنها نتوانستند رابطه بین سرمایه روانشناختی با رفتارهای شهروندی سازمان محور را کشف کنند و این بعد مهم دیگری است که ویلیام و اندرسون^۹ به آن پرداختند. این محققان ادعا کرده‌اند که سرمایه روانشناختی، عواطف و احساسات

1. infrastructure
2. Konovsky
3. MacKenzie
4. Luthans
5. Karatepe
6. Karadas
7. Avey
8. Frederickson
9. William & Anderson

مثبت را ایجاد می‌کند و افرادی که دارای احساسات مثبت هستند در انجام رفتارهای فرا نقشی مثل تشریک ایده‌های خلاقانه برای ارائه پیشنهاداتی در جهت بهبود فعال هستند (آوی و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین انتظار می‌رود کارکنان با سرمایه روانشناختی بالا تنها رفتارهای فراتر از نقش مرتبط با همکاران را انجام ندهند، بلکه در جهت انجام رفتارهای فرا نقشی مرتبط با سازمان نیز گام بردارند (مانیش^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). یافتن راه‌های نوآورانه برای رشد و تبدیل به سرمایه کردن استعدادها، توسعه قابلیت‌ها و توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی بویژه ظرفیت‌های روانشناختی نیروی انسانی برای دستیابی به یک مزیت رقابتی پایدار است. آوی و همکاران (۲۰۰۸) در یک مطالعه پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای فراتر از نقش رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (آوی، ورنسینگ^۲ و لوتانز^۳، ۲۰۰۸). گوتی و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که این رفتارهای مثبت به احساسات مثبت مثل تجربه سرمایه روانشناختی بالا توسط افراد کمک می‌کند؛ به طوری که این افراد برای حل مسائل راهکارهای فکری - عملی زیادی را ارائه می‌کنند (گوتی و همکاران، ۲۰۰۹).

مصاحبه با کارشناسان و مدیران وزارت ورزش و جوانان گویای چند نکته مهم است: اولاً، جو حاکم بر کارشناسان جوی توام با ناامیدی و عدم انعطاف در انجام کارهاست؛ به طوری که کارشناسان این وزارتخانه صرفاً به دیده گذران زندگی به کار در این وزارتخانه نگاه می‌کنند. ثانیاً، مصاحبه با مدیران این وزارتخانه نیز نشان می‌دهد که حتی در انجام کوچکترین کارها و موضوعات باید کارکنان را راهنمایی کرد - بی آنکه از توان فکری و تحلیلی خود استفاده کنند. این موضوعات باعث شده است که کارکنان وظایف را در حد حداقلی انجام دهند و از رفتارهای فراتر از نقش خبری نباشد. وجود توامان این مسائل این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند که ممکن است بین پایین بودن سطح سرمایه روانشناختی و عدم وجود رفتارهای شهروندی رابطه وجود داشته باشد و این مطالعه در پی شناسایی این رابطه است.



شکل ۱: مدل مفهومی

1. Manish
2. Wernsing
3. Luthans
4. Gooty, Gavin, Johnson, Frazier & Snow

روش شناسی پژوهش

با توجه به انواع تقسیم‌بندی‌ها در روش تحقیق، می‌توان گفت روش انجام پژوهش حاضر، پیمایشی و سطح تحقیق، کاربردی است. نوع این تحقیق میدانی و بررسی همبستگی بین متغیرهاست. به منظور گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شد، ولی به منظور بالا بردن قابلیت اعتماد پرسشنامه با توزیع ۳۰ پرسشنامه قابلیت اعتماد آنها دوباره بررسی شد- پرسشنامه رفتار شهروندی دارای آلفای ۰/۸۳۲ و پرسشنامه سرمایه روانشناختی دارای آلفای ۰/۸۴۱ بود. جامعه آماری مطالعه حاضر، کارشناسان وزارت ورزش و جوانان بودند (۴۵۰ نفر) که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و با کمک جدول مورگان، ۲۰۷ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. مدت زمان زیادی برای گردآوری داده‌ها صرف گردید و از میان پرسشنامه‌های توزیعی، ۲۰۵ عدد تکمیل و برگشت داده شد. پرسشنامه رفتار شهروندی سازمانی دارای ۵ بعد و ۲۴ گویه و پرسشنامه سرمایه روانشناختی دارای ۴ بعد و ۲۱ گویه است. داده‌ها با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون‌های آماری کلموگرف- اسمیرنف و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی توزیع نحوه پاسخ کارشناسان به سرمایه روانشناختی و مولفه‌های آن، رفتار شهروندی سازمانی و مولفه‌های آن از آزمون کلموگروف اسمیرنف استفاده شد. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنف در جدول زیر آمده است: جدول ۱: وضعیت جامعه آماری بر اساس جنسیت

جنسیت کارشناسان	فراوانی	درصد
مرد	۷۷	۳۷/۵
زن	۱۲۸	۶۲/۵
کل	۲۰۵	۱۰۰/۰

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که کارشناسان شرکت کننده در این پژوهش ۳۷/۵ درصد مرد و ۶۲/۵ درصد زن بودند.

جدول ۲: بررسی توزیع متغیرهای پژوهش

متغیرها	کلموگروف اسمیرنف	سطح معنا داری
اعتماد به نفس	۱/۵۲۴	۰/۰۵۹
خوش بینی	۱/۲۲۱	۰/۱۰۱
امید	۱/۶۸۵	۰/۰۵۷
انعطاف پذیری	۱/۵۱۴	۰/۰۷۰
نوع دوستی	۱/۲۵۲	۰/۰۸۷
نزاکت	۱/۰۵۵	۰/۲۱۵
جوانمردی	۱/۶۵۱	۰/۰۶۹
وجدان کاری	۱/۲۲۶	۰/۰۹۹

آداب اجتماعی	۱/۰۱۶	۰/۲۵۳
سرمایه روانشناختی	۰/۶۴۹	۰/۷۹۴
رفتار شهروندی سازمانی	۰/۸۹۵	۰/۴۰۰

آزمون کلموگروف اسمیرنف نشان داد که توزیع سرمایه روانشناختی و مولفه‌های آن، رفتار شهروندی سازمانی و مولفه‌های آن در سطح ۰/۰۵ به صورت نرمال توزیع شده است ($p > ۰/۰۵$) - سطح معناداری آزمون کلموگروف اسمیرنف برای متغیرهای فوق بیشتر از ۰/۰۵ بود. بنابراین برای پاسخ به فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه رفتار شهروندی سازمانی و سرمایه روانشناختی

متغیرها	رفتار شهروندی سازمانی	
	ضریب همبستگی پیرسون	معناداری
سرمایه روانشناختی	۰/۶۱۳	۰/۰۰۱

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در جدول فوق نشان می‌دهد که: رابطه رفتار شهروندی سازمانی و سرمایه روانشناختی معنادار بود ($r = ۰/۶۱۳, P < ۰/۰۵$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر سطح سرمایه روانشناختی بیشتر باشد، رفتار شهروندی سازمانی بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین رفتار شهروندی سازمانی و سرمایه روانشناختی در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۴: رابطه بین مولفه‌های رفتار شهروندی سازمانی و سرمایه روانشناختی

متغیرها	اعتماد به نفس		امید		خوش بینی		انعطاف پذیری	
	ضریب همبستگی پیرسون	r	ضریب همبستگی پیرسون	r	ضریب همبستگی پیرسون	r	ضریب همبستگی پیرسون	r
آداب اجتماعی	۰/۴۲۶	۰/۰۰۱	۰/۳۲۸	۰/۰۰۱	۰/۱۲۳	۰/۱۴۵	۰/۲۴۶	۰/۰۰۳
جوانمردی	۰/۴۱۱	۰/۰۰۱	۰/۳۵۱	۰/۰۰۱	۰/۲۴۹	۰/۰۰۳	۰/۲۴۳	۰/۰۰۴
نزاکت	۰/۲۲۶	۰/۰۰۷	۰/۳۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۹۹	۰/۲۴۳	۰/۲۷۱	۰/۰۰۱
نوع دوستی	۰/۲۳۲	۰/۰۰۵	۰/۲۳۲	۰/۰۰۵	۰/۲۳۶	۰/۰۰۵	۰/۲۵۲	۰/۰۰۲
وجدان کاری	۰/۳۰۵	۰/۰۰۱	۰/۲۵۶	۰/۰۰۲	۰/۲۹۲	۰/۰۰۱	۰/۳۰۵	۰/۰۰۱

رابطه آداب اجتماعی و اعتماد به نفس معنادار بود ($r = 0/426, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر اعتماد به نفس بیشتر باشد، آداب اجتماعی بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین آداب اجتماعی و اعتماد به نفس در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

رابطه آداب اجتماعی و امید معنادار بود ($r = 0/328, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر امید بیشتر باشد، آداب اجتماعی بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین آداب اجتماعی و امید در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

رابطه آداب اجتماعی و خوش‌بینی معنادار نبود ($r = 0/123, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر خوش‌بینی بیشتر باشد، آداب اجتماعی بیشتر می‌شود، ولی این رابطه معنادار نیست. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش رد می‌شود. بنابراین بین آداب اجتماعی و خوش‌بینی در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود ندارد.

رابطه آداب اجتماعی و انعطاف‌پذیری معنادار بود ($r = 0/246, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر انعطاف‌پذیری بیشتر باشد، آداب اجتماعی بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین آداب اجتماعی و انعطاف‌پذیری در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

رابطه جوانمردی و اعتماد به نفس معنادار بود ($r = 0/411, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر اعتماد به نفس بیشتر باشد، جوانمردی بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین جوانمردی و اعتماد به نفس در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

رابطه جوانمردی و امید معنادار بود ($r = 0/351, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر امید بیشتر باشد، جوانمردی بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین جوانمردی و امید در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

رابطه جوانمردی و خوش‌بینی معنادار بود ($r = 0/249, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر خوش‌بینی بیشتر باشد، جوانمردی بیشتر می‌شود. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. بنابراین بین جوانمردی و خوش‌بینی در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

رابطه نزاکت و اعتماد به نفس معنادار بود ($r = 0/226, P < 0/05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر اعتماد به نفس بیشتر باشد، نزاکت بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین نزاکت و اعتماد به نفس در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

چون متغیرها کمی هستند و تخطی از نرمال بودن در داده‌ها مشاهده نشد، برای پاسخ از ضریب همبستگی

پیرسون استفاده می شود.

رابطه نزاکت و امید معنادار بود ($P < 0/05$, $r = 0/351$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر امید بیشتر باشد، نزاکت بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین نزاکت و امید در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

رابطه نزاکت و خوش بینی معنادار نبود ($P > 0/05$, $r = 0/099$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر خوش بینی بیشتر باشد، نزاکت بیشتر می شود - ولی این رابطه معنادار نیست. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش رد می شود. بنابراین بین نزاکت و خوش بینی در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود ندارد.

رابطه نزاکت و انعطاف پذیری معنادار بود ($P < 0/05$, $r = 0/271$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر انعطاف پذیری بیشتر باشد، نزاکت بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین نزاکت و انعطاف پذیری در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

رابطه نوع دوستی و اعتماد به نفس معنادار بود ($P < 0/05$, $r = 0/232$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر اعتماد به نفس بیشتر باشد، نوع دوستی بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین نوع دوستی و اعتماد به نفس در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

رابطه نوع دوستی و امید معنادار بود ($P < 0/05$, $r = 0/216$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر امید بیشتر باشد، نوع دوستی بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین نوع دوستی و امید در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون نیز نشان می دهد:

رابطه نوع دوستی و خوش بینی معنادار بود ($P < 0/05$, $r = 0/236$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر خوش بینی بیشتر باشد، نوع دوستی بیشتر می شود. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود. بنابراین بین نوع دوستی و خوش بینی در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

رابطه نوع دوستی و انعطاف پذیری معنادار بود ($P < 0/05$, $r = 0/252$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر انعطاف پذیری بیشتر باشد، نوع دوستی بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین نوع دوستی و انعطاف پذیری در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

رابطه وجدان کاری و اعتماد به نفس معنادار بود ($P < 0/05$, $r = 0/305$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر اعتماد به نفس بیشتر باشد، وجدان کاری بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین وجدان کاری و اعتماد به نفس در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این

است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

رابطه وجدان کاری و امید معنادار بود ($r = 0.256, P < 0.05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر امید بیشتر باشد، وجدان کاری بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین وجدان کاری و امید در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

رابطه وجدان کاری و خوش بینی معنادار بود ($r = 0.092, P < 0.05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر خوش بینی بیشتر باشد، وجدان کاری بیشتر می شود. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود. بنابراین بین وجدان کاری و خوش بینی در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

رابطه وجدان کاری و انعطاف پذیری معنادار بود ($r = 0.305, P < 0.05$). همبستگی مثبت بیانگر این است که هر چقدر انعطاف پذیری بیشتر باشد، وجدان کاری بیشتر می شود. بنابراین می توان گفت بین وجدان کاری و انعطاف پذیری در بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این است که فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی بود. نتایج نهایی پژوهش نشان می دهد که روابط بین کلیه متغیرها و مولفه ها معنادار است. این پژوهش نشان داد که بین سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه معناداری وجود دارد و در واقع اگر سرمایه روانشناختی افراد ارتقا یابد، آنها دست به کارهای فراتر از وظایف در جهت کمک کردن به سازمان و همچنین همکاران می زنند. این نتایج با نتایج مطالعه گل محمدیان، سجادی و سلیمی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. آنها معتقد بودند بین سرمایه روانشناختی و مولفه های آن (خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و خوش بینی) با رضایت شغلی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین مولفه های شهروندی سازمانی، جوانمردی و تواضع با رضایت شغلی به ترتیب همبستگی منفی و مثبت معنی داری وجود دارد. تجزیه و تحلیل رگرسیونی نشان داد مولفه جوانمردی و سرمایه روانشناختی کل ۲۵ درصد از واریانس رضایت شغلی را تبیین می کنند که با نتایج گلستانه (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

نتایج این مطالعه با نتایج مطالعه گلستانه (۱۳۹۲) همخوانی دارد. او به این نتیجه رسید که بین سرمایه روانشناختی با رفتار شهروندی سازمانی رابطه معنی داری به دست آمد. همچنین تمام ابعاد سرمایه روانشناختی (خوشبینی، امید، خودکارآمدی و تاب آوری) با رفتار شهروندی سازمانی رابطه معنی داری داشتند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد رابطه چندگانه متغیرهای پیش بین با رفتار شهروندی سازمانی معنی دار بود. از بین متغیرهای پیش بین، بهترین پیش بین کننده به ترتیب امید و خوشبینی بودند. نتیجه آن که سرمایه روانشناختی نقش مثبتی در ارتقای انعطاف پذیری و امیدواری دارد و در نهایت منجر به افزایش رفتار شهروندی سازمانی خواهد شد.

نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه گل محمدیان و سجادی (۱۳۹۵) نیز همخوانی دارد. آنها به این نتیجه رسیدند که بین ابعاد سرمایه روانشناختی با ابعاد فرسودگی شغلی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. همچنین در ابعاد شهروندی سازمانی به جز مؤلفه جوانمردی با مسخ شخصیت و کفایت شخصی رابطه مثبت و معنی دار به دست آمد. بین مؤلفه های جوانمردی با ابعاد فرسودگی شغلی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. یافته ها

نشان داد جوانمردی و تاب‌آوری ۰/۲۷ خستگی هیجانی را پیش بینی و سرمایه روانشناختی کل، تواضع و جوانمردی، مسخ شخصیت و کفایت شخصی در معلمان را به ترتیب ۰/۳۹ و ۰/۵۵ پیش بینی می‌کنند. نتایج پژوهش، نقش و اهمیت سرمایه روانشناختی و رفتار شهروندی سازمانی را در پیش‌بینی فرسودگی شغلی معلمان متذکر می‌سازد.

نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه جعفری و مجیدی مقدم (۱۳۹۲) نیز همخوانی دارد. آنها نشان دادند که بین حمایت سازمانی ادراک شده و رفتار شهروندی سازمانی ($r=0/27$)، بین سرمایه روان شناختی و رفتار شهروندی سازمانی ($r=0/40$) و بین حمایت سازمانی ادراک شده و سرمایه روان شناختی ($r=0/21$) نیز رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج این پژوهش با نتایج مطالعه قشقایی زاده (۱۳۹۴) نیز همخوانی دارد. او معتقد بود که آموزش سرمایه روانشناختی بر رفتار شهروندی سازمانی معلمان زن مدارس ابتدایی شهر بهبهان اثربخش بوده است.

نتایج مطالعه سعیدی و عاشوری (۱۳۹۵) نیز در همخوانی با نتایج این پژوهش نشان داد که با افزایش سرمایه اجتماعی، حمایت سازمانی ادراک شده و رفتار شهروندی سازمانی، میزان سلامت روانی کارکنان نیروی انتظامی افزایش می‌یابد.

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی رو به روست. محدودیت‌های پژوهش به معنای نارسایی پژوهش در مراحل تدوین، اجرا، تحلیل و تبیین نتایج نیست. به بیان دیگر، از زاویه روش شناختی، محدودیت‌های اعمال شده، بیانگر توانمندی پژوهش است؛ زیرا پژوهشگر در مرحله مقدماتی و تدوین طرح با توجیه‌های علمی و منطقی مطلوب به انجام آنها همت می‌گمارد. در پژوهش حاضر نیز برخی محدودیت‌ها به شرح ذیل وجود داشت:

الف) به منظور زمینه‌یابی از پرسشنامه استفاده شد. در نتیجه ممکن است برخی از افراد از ارائه پاسخ واقعی خودداری کرده و پاسخ غیرواقعی داده باشند؛

ب) این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است. به همین دلیل، نتیجه‌گیری درباره‌ی علیت را دشوار می‌کند؛

ج) تعداد زیاد سوالات پرسشنامه‌ها به طولانی شدن زمان اجرای آن انجامید که بی‌تردید، بر کاهش میزان دقت پاسخ‌های شرکت‌کنندگان بی‌تأثیر نبوده است.

برای انجام مطالعات بعدی پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به اینکه این مطالعه در وزارت ورزش و جوانان انجام شده، مطالعات مشابه در سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی با هدف تقویت قابلیت تعمیم و ایجاد اعتبار برای یافته‌ها انجام شود.
- مطالعه مقایسه‌ای جامعی با توجه به ویژگی‌های پژوهشی، تجربی و اعتبار، در انواع بخش‌های تولیدی و خدماتی صورت گیرد و نتایج حاصل به منظور تعیین تمایزات و تشابهات ابعاد متغیرهای پژوهش در بخش‌های گوناگون تولیدی و خدماتی، مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.
- همچنین می‌توان رابطه سرمایه روانشناختی با دیگر نگرش‌های کارکنان مانند تعهد سازمانی، کیفیت زندگی کاری، رضایت شغلی و سکوت سازمانی را مورد بررسی قرار داد.

منابع

- ایرجی راد، ارسلان و ملک زاده نصرآبادی، الهه. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر سرمایه روانشناختی با میانجی گری انگیزه پیشرفت بر خلاقیت دانشجویان». فصلنامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. دوره ششم، شماره ۴، صص ۷۰-۵۱.
- دادستان، پریخ و منصور، محمود. (۱۳۶۶). روانشناسی بالینی پرون. تهران: چاپخانه دریا
- سبحانی نژاد، مهدی؛ یوزباشی، علیرضا و شاطری، کریم. (۱۳۸۹). رفتار شهروندی سازمانی (مبانی نظری، همبسته‌ها و ابزارهای سنجش). تهران: انتشارات یسطرون
- سلطانی، زیبا؛ محبوب، صادق؛ قاسمی، سمانه؛ جوبنه، رضا و یوسفی، نجف. (۱۳۹۵). «نقش سرمایه روانشناختی در فرسودگی تحصیلی دانشجویان». دو ماهنامه علمی پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی. دوره ۹، شماره ۲
- فتحی‌زاده، سجاد. (۱۳۹۱). «نقش عوامل درون سازمانی بر رابطه بین رفتار شهروندی سازمانی و عملکرد سازمانی (مطالعه موردی: اداره کل ورزش و جوانان استان تهران)». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- لوتانز، فرد؛ آوولی، بروس جی و ام‌یوسف، کارولین. (۲۰۰۴). سرمایه روانشناختی سازمان؛ تحولی در مزیت رقابتی سرمایه انسانی. عبدالرسول جمشیدیان و محمد فروهر. تهران: انتشارات آبیژ
- هاشم مطوری، حمید. (۱۳۹۶) «بررسی رابطه سرمایه روانشناختی و حمایت سازمانی ادراک شده با اشتیاق شغلی پرستاران». نشریه روان پرستاری. دوره ۵، شماره ۲.

- Akbaba, Ozge. Altindag, Erkut. (2016). "The Effects of Reengineering, Organizational Climate and Psychological Capital on the Firm Performance". Social and Behavioral Sciences, 235. 320 – 331.
- Appelbaum, S., Bartolomucci, N., Beaumier, E., Boulanger, J., Corrigan, R., Doré, I., Serroni, C. (2004). "Organizational citizenship behavior: a case study of culture, leadership and trust". Management decision, 42(1), 13-40.
- Avey, J. B., Wernsing, T. S., & Luthans, F. (2008). "Can positive employees help positive organizational change? Impact of psychological capital and emotions on relevant attitudes and behaviors". The Journal of Applied Behavioral Science, 44(1), 48-70.
- Gooty, J., Gavin, M., Johnson, P. D., Frazier, M. L., & Snow, D. B. (2009). "In the Eyes of the Beholder Transformational Leadership, Positive Psychological Capital, and Performance". Journal of leadership & organizational studies, 15(4), 353-367.
- KELEKÇİ, H. (2015). "Öğretmenlerin Pozitif Psikolojik Sermayeleri İle Yeterlik Arasındaki İlişki (A Field Research On the Relationship between Authentic

Leadership and Psychological Capital)". Yüksek Lisans Tezi, Dumlupınar Üniversitesi Eğitim Bilimleri Enstitüsü, Kütahya.

- Luthans, F., Morgan, C. M. Y. Avolio, B. J. (2015). **Psychological Capital and Beyond**. Oxford University Press, 2015.
- Luthans, F., & Youssef, C. M. (2004). **"Human, Social, and Now Positive Psychological Capital Management: Investing in People for Competitive Advantage"**. Organizational dynamics, 33(2), 143-160.
- Luthans, F., Youssef, C. M., & Avolio, B. J. (2006). **Psychological capital: Developing the human competitive edge**. Oxford University Press.
- MacKenzie, S. B., Podsakoff, P. M., & Fetter, R. (1991). **"Organizational citizenship behavior and objective productivity as determinants of managerial evaluations of salespersons' performance"**. Organizational behavior and human decision processes, 50(1), 123-150.
- Organ, D. W. (1988). **Organizational citizenship behavior**. The good soldier syndrome: Lexington Books/DC Heath and Com.
- Organ, D. W., & Konovsky, M. (1989). **"Cognitive versus affective determinants of organizational citizenship behavior"**. Journal of Applied Psychology, 74(1), 157.
- Polatci, S. (2011). **"Psikolojik Sermayenin Performans Üzerindeki Etkisinde İş Aile Yayılımı Ve Psikolojik İyi Oluşun Rolü (The Role of Work Family Spillover and Psychological Well-Being on the Effect of Psychological Capital on Performance)"**. Doktora Tezi, Erciyes Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Kayseri.

شناسایی و مدل سازی عوامل موثر بر جذب منابع خیریه و وقف به ورزش زنان

امیر رضا خادم^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

هدف از این پژوهش، شناسایی و مدل سازی عوامل موثر بر جذب منابع خیریه و وقف به ورزش زنان بود. روش تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی و جامعه آماری شامل افراد صاحب نظر در زمینه موضوع پژوهش بود. نمونه آماری به روش هدفمند (قضاوتی) از بین مدیران و متخصصان انتخاب و نظرخواهی شدند (۲۱۷ نفر). ابزار اصلی پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی محتوایی ابزار از طریق نظر خبرگان ارزیابی و تایید شد. سپس پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ترکیبی مطلوب ارزیابی گردید. در نهایت، روایی سازه از طریق مراحل مدل سازی معادلات ساختاری در نرم افزار پی ال اس بررسی و تایید شد.

براساس مدل های اندازه گیری در متغیر ساختاری و سیاسی ابعاد برون سیستمی و درون سیستمی با ضرایب ۰/۸۵۴ و ۰/۶۴۳، در متغیر حقوقی و نظارتی ابعاد برون سیستمی و درون سیستمی با ضرایب ۰/۷۳۳ و ۰/۵۸۰، در متغیر مدیریتی و اجرایی ابعاد درون سیستمی و برون سیستمی با ضرایب ۰/۸۳۱ و ۰/۶۶۵ و در متغیر ارتباطی و فرهنگی درون سیستمی و برون سیستمی با ضرایب ۰/۸۸۹ و ۰/۸۲۳ به ترتیب اولویت تبیین کننده سازه خود بودند. ابعاد مالی و سرمایه ای، فیزیکی و ساختاری و دانشی و فناوری نیز به ترتیب با ضرایب ۰/۷۵۴، ۰/۶۱۸ و ۰/۴۸۷ به طور معنی داری تبیین کننده متغیر وابسته جذب منابع وقف و کمک بودند. تحلیل مسیر بین متغیرها نشان داد که مدیریتی و اجرایی، ارتباطی و فرهنگی، ساختاری و سیاسی و حقوقی و نظارتی به ترتیب با ضرایب ۰/۷۷۳، ۰/۶۸۵، ۰/۸۶۲ و ۰/۸۱۵ اثر مثبت، مستقیم و معنی داری بر جذب منابع دارند.

واژگان کلیدی: اقتصاد ورزش، منابع مالی، موقوفات ورزشی و ورزش زنان

مقدمه

از موانع و مشکلات جدی در پیش راه ورزش بانوان، کمبود منابع از جمله منابع مالی و فیزیکی است. توسعه رشته‌های ورزشی مستلزم صرف نیرو و بودجه ای فراوان است که از جمله می‌توان به هزینه‌های مربوط به آماده سازی فضاهای مناسب و استاندارد، تهیه وسایل گران قیمت برخی رشته ها، استخدام و تربیت مربی، برگزاری دوره‌های آموزشی و سرانجام، راه‌اندازی تشکیلات سازمانی مستقل برای هر رشته اشاره کرد. در حال حاضر سازمان‌های ورزش کشور برای تأمین این نیازها در مضيقه و تنگنای جدی هستند. با این همه، نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که توسعه امکانات ورزشی بانوان، در افزایش شمار علاقه‌مندان و گرایش عملی درصد بیشتری از دختران و زنان به ورزش، تأثیری به سزا دارد. با توجه به وضعیت فعلی ورزش زنان در کشور، محرز و مشخص است که توسعه ورزش زنان بیش از هر اقدامی به حمایت و جذب منابع نیاز دارد (منظمی، ۱۳۸۹).

از طرفی با توجه به وضعیت نا به سامان اقتصاد کشور، تأمین منابع مالی در بخش ورزش تنها با اکتفا به بودجه و قراردادهای حمایت مالی میسر نمی‌شود (تسلیمی، ۱۳۹۵: ۱۷). یکی از شیوه‌های با ارزش در تأمین مالی مراکز و خدمات عمومی استفاده از فرهنگ وقف و جذب خیرین است. همچنین، وقف یکی از موفق‌ترین روش‌های نشر ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی در محیط ورزش است. امروزه با توجه به رشد جمعیت، وجود جنگ نرم در حوزه جوانان و گسترش بیماری‌های روحی و جسمی ناشی از تغییر سبک زندگی، استفاده بهینه از منابع وقفی موجود و همچنین ایجاد موقوفات جدید در حوزه ورزش از اهمیت به سزایی برخوردار است و این مهم، امکان‌پذیر نیست مگر اینکه وقف بخصوص وقف ورزشی را شناخت و به دیگران نیز معرفی نمود. نقش ورزش در توسعه سنت حسنه وقف و وقف در حوزه ورزش و زیرشاخه‌های آن، از موضوعات نوین درخور توجه در جامعه علمی، ورزشی و دینی است (عظیمی و محمدی، ۱۳۹۴؛ ۲۳)؛ زیرا ضرورت فعالیت‌های ورزشی با توجه به کارکردهای روان‌شناختی و اجتماعی سازنده‌اش بر اقشار مختلف و با هر رده سنی بر کسی پوشیده نیست. از این‌رو، ارزش ورزشگاه یا باشگاه سازی کمتر از ارزش مدرسه‌سازی و بیمارستان‌سازی نیست و چه بسا با ایجاد فضاهای ورزشی، نیاز به فضاهای درمانی و کمپ‌های ترک اعتیاد و غیره کاهش یابد (افروزه و همکاران، ۱۳۹۴).

در فرهنگ‌های فارسی از «وقف» و «اوقاف» تعاریف گوناگونی شده است که مشابهت‌های زیادی با هم دارند. در فرهنگ معین (ص ۱۱۱۰) وقف به معنای تخصیص ملک یا مالی برای مصرف کردن در اموری که وقف‌کننده تعیین کرده، آمده است. فرهنگ عمید (ص ۲۴۶۵) وقف را چیزی می‌داند که از ثروت خود جدا کند تا در کارهای عام‌المنفعه از آن استفاده کنند. به زبان ساده‌تر، وقف عبارت از این است که انسان تمام یا قسمتی از اصل ثروت منقول یا غیرمنقول خود را طبق شرایط خاصی از فروش و توارث و غیره منع کند و جاودان نماید، اما بهره و درآمد آن ثروت را در راه خدا (خدمت به خلق خدا، شخص یا اشخاص معلوم یا عموم مردم، دانشگاه، بیمارستان، مدرسه و ...) هزینه نماید (شیرخدائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). به طور کلی، آثار و کارکردهای وقف در جامعه را می‌توان به سه دسته کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم کرد (نکویی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸). وقف در حل مشکلات اقتصادی جامعه می‌تواند بسیار مؤثر باشد؛ به طوری که به عنوان پشتوانه قوی مالی برای دولت تلقی می‌شود. استفاده از درآمد اوقاف جهت ایجاد راه‌ها، ابنیه‌های

عمومی، احداث پل، ساخت کارخانجات تولیدی برای جذب جوانان بیکار، اطعام مساکین، تهیه مسکن ارزان قیمت برای جوانان، سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی، صنعتی و کشاورزی، کاهش قیمت‌ها و افزایش تولید و... بسیار مهم می‌باشد (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳: ۳۹).

در ایران، وقف در حوزه ورزش با ورزش باستانی پیوند دارد. مردم ایران به ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای که هدف آن تربیت عیاران و جوانمردان بود، رویکردی دینی داشتند و آن را متعلق به حضرت علی (ع) و این بزرگوار را مقتدای ورزشکاران می‌دانستند. از آنجا که ایرانیان، ورزش باستانی را نمودی از فعالیت بدنی همراه با ارزش‌های اخلاقی و اسلامی می‌پنداشتند، سعی در گسترش و همگانی نمودن این رشته ورزشی داشتند. همچنین، حضرت علی (ع) در زمره کسانی است که در اسلام بیشترین موقوفات را داشته‌اند و به تأسی از ایشان خیراندیشانی بوده‌اند که به وقف، از جمله وقف زورخانه در اقصی نقاط گستره میهن اسلامی اهتمام ورزیده‌اند. این ورزش و معنویت، پیوند عمیقی دارند و یکی از مظاهر این پیوند وقف و خیریه است. از راهکارهای توسعه ورزش، اختصاص منافع حاصل از یک موقوفه به ورزش و مشخص نمودن موارد مصرف آن در زمینه‌هایی چون ورزش همگانی، کمک به رشد استعدادهای ورزشی کم‌بضاعت و... است که ورود همراه با مطالعه و برنامه‌ریزی در همه این موارد، بخش بزرگی از نیازهای جامعه در حوزه ورزش را پوشش می‌دهد. همچنین، از دیگر اقسام وقف ورزشی که امروزه در بین قهرمانان ورزشی رواج یافته است، وقف، نذر و اهدای مدال‌ها، جام‌ها و احکام قهرمانی است؛ کار خیری که ضمن جاودانه ساختن نام و یاد این ورزشکاران در دل تاریخ، منجر به ترغیب و تشویق جوانان به سمت و سوی ورزش خواهد شد (حیدری فرد و شریفیان، ۱۳۹۶: ۵۱).

در داخل کشور تاکنون تحقیقات فراوانی در ارتباط با مدیریت و توسعه وقف انجام شده است. به طور مثال، سوری و یآوری (۱۳۸۳) در بررسی وضعیت بهره‌برداری اقتصادی از رقبات منفعتی اداره اوقاف جنوب شهر تهران، جباری و همکاران (۱۳۸۵) در شناسایی راهکارهای گسترش تعامل دانشگاه علوم پزشکی تبریز با مؤسسات خیریه و خیرین، گنجی و الماسی بیدگلی (۱۳۹۱) در تبیین وضعیت نیکوکاری در بین شهروندان کاشانی، نکویی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی نقش مؤسسات خیریه در نظام سلامت، آقابابا و همکاران (۱۳۹۳) در مرور انتقادی مطالعات خیریه حوزه سلامت در ایران و گنجی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی مشارکت در امور خیریه و وقف، به توصیف وضعیت وقف در حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند.

در حوزه ورزش اما تاکنون تحقیقات محدودی صورت گرفته است. عظمی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی بازاریابی ورزشی خیرخواهانه در هیأت ژیمناستیک استان کردستان نشان دادند که با توجه به سناریوی برنده برنده در بازاریابی خیرخواهانه در ژیمناستیک استان تاکنون مواردی مانند جذب منابع مالی، کمک خرید تجهیزات ژیمناستیک، اهدای زمین، کمک احداث خانه ژیمناستیک و کمک هیأت ژیمناستیک به انجمن خیریه حمایت از بیماران سرطانی صورت گرفته است. در تنها تحقیق تخصصی مربوط به مدیریت وقف در ورزش کشور، حیدری فرد و شریفیان (۱۳۹۶) به بررسی موانع مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی مدارس پرداختند و نشان دادند که تمامی عوامل موردبررسی در این پژوهش، مانع از مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی بوده‌اند و میزان ممانعت آن‌ها به ترتیب اولویت عبارت است از: مانع قانونی - اجرایی، اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و مانع مربوط به خود ورزش. افروزه و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی عوامل

مؤثر بر جذب خیران و واقفان در ورزش گزارش کردند که مؤلفه اخلاق‌گرایی با سه مقوله احترام، مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، مؤلفه فرهنگ‌سازی با دو مقوله تعریف‌سازی و شرعی‌نگری، مؤلفه حقوقی با سه مقوله اقلیت‌سازی، شفافیت و تسریع و مؤلفه آموزش با سه مقوله عمومی، تخصصی و سازمانی، می‌توانند بیشترین تأثیر را در جذب خیران و واقفان داشته باشند. برخی تحقیقات نیز به کاستی‌های کمبود منابع ورزش زنان پرداخته‌اند. منظمی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل موثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان گزارش کرد که عوامل مالی و امکاناتی، انسانی و تخصصی، ساختاری و مدیریتی و فرهنگی و اجتماعی به ترتیب اولویت اثرگذارند. علی‌آقایی نجف (۱۳۹۲) در شناسایی عوامل موثر بر توسعه و گسترش گردشگری ورزشی در بین زنان، نشان داد که عوامل ناشی از تسهیلات، امکانات و خدمات مهم‌ترین عامل است.

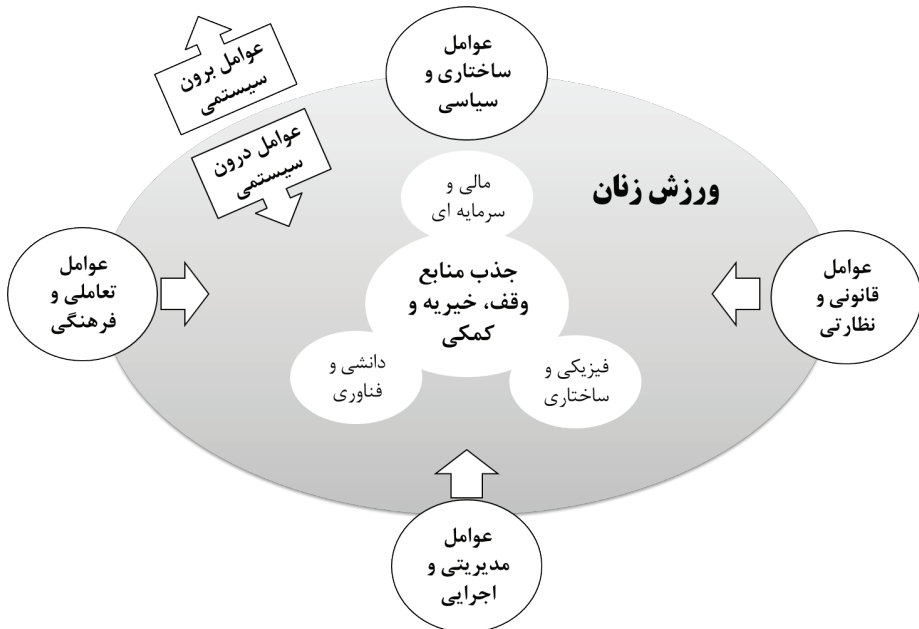
در تحقیقات خارجی، تفاوت‌های مشخصی بین تعریف وقف و رویکردهای آن مشاهده می‌شود. وان^۱ (۲۰۰۷) در یک بررسی تطبیقی، معتقد است که در کشورهای اسلامی اهمیت عمومی بیشتری به وقف و خیریه وجود دارد. وانگ و گرادی^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌دارند که شهروندان با اعتقادات مذهبی قوی در مقایسه با سایرین، مشارکت بیش‌تری در فعالیت‌های خیریه و کمک به قشرهای آسیب‌پذیر و نیازمند داشته‌اند. در پژوهشی پیر و اسنف^۳ (۲۰۰۷) با عنوان «موانع کمک‌های خیریه در ورزشکاران» نشان می‌دهند که ورزشکاران بازنشسته بیش‌تر از ورزشکاران جوان‌تر به مؤسسه خیریه کمک می‌کنند. برون^۴ (۲۰۰۹) در تحقیق خود نشان داد که تبلیغاتی که درباره فعالیت‌های خیرخواهانه مردان ورزشکار انجام می‌شود، بسیار بیش‌تر است - به دلیل آن‌که معمولاً مردان مبالغ سنگینی را برای کمک کردن اختصاص می‌دهند. بابیچه^۵ (۲۰۱۱) و بورت^۶ (۲۰۱۲) در پژوهشی مشابه با بررسی تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌های خیرخواهانه ورزشکاران نشان دادند که زنان ورزشکار به دفعات فراوان به مؤسسه خیریه کمک می‌کنند، ولی مقدار کمک آن‌ها کم‌تر از مردان ورزشکار است. با مطالعات و بررسی‌های انجام شده، کمیسیون ورزش اتحادیه اروپا در نشست ۱۸ فبریه ۲۰۱۴ در بروکسل راهبردهای عملیاتی جهت برابری جنسیتی در ورزش را برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ مصوب نمود. از جمله راهبردهای مصوب در این نشست، اهتمام و تأکید به توزیع عادلانه منابع در دو بخش ورزش زنان و مردان بود (گزارش کمیسیون ورزشی اروپا، ۲۰۱۴). کوپر^۷ و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی یافته‌های قوم‌نگاری در ورزش و انجام تحقیقات به این روش در آینده عنوان کرد که نقش جنبه‌های اقتصادی در بخش ورزش زنان هنوز چشم‌گیر نیست، اما به توجه به روند تحقیقات رشد فزاینده دارد.

با توجه به کارکردهای مثبت بالقوه و بالفعل وقف و خیریه در ورزش زنان، ضروری است که از طریق تدوین یک سیاست اصولی و برنامه‌ریزی شده از سوی سازمان‌های ورزشی به منظور شکوفایی فرهنگ وقف در ورزش زنان، زمینه‌های احیای این سنت حسنه را فراهم آورد. به نظر می‌رسد در میان جوامع موجود، ایران یکی از مناسب‌ترین شرایط و بسترها برای حرکت به جهت مورد نظر را داراست و می‌تواند به‌تدریج

1. Niekerk, E. Van
2. Wang Lili and Graddy Elizabeth
3. Piper, Greg & Schnepf, Sylke V
4. Brown, Millward
5. Snip, Babiche
6. Secaram, Burt
7. Cooper, J. N

تکمیل و تکامل یابد و وقف، به محوری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ورزش زنان تبدیل گردد. همچنین بخش ورزش زنان از جمله حوزه‌های است که با توجه به نیازهای مالی اساسی جهت مدیریت و توسعه خود می‌تواند از فرهنگ وقف و جذب خیرین بهره‌فراوانی ببرد، اما به دلایل متعددی تاکنون چندان رواج نیافته است. بنابراین جهت دستیابی به آثار و پیامدهای مثبت وقف در ورزش زنان ابتدا باید به شناسایی موانع و مشکلات موجود در ترویج و توسعه فرهنگ وقف اقدام نمود و سپس به ارائه راهکارهای عملی برای برطرف کردن موانع و مشکلات موجود پرداخت. از این‌رو، هدف از این پژوهش شناسایی و مدلسازی عوامل موثر بر جذب منابع وقف، خیریه و کمکی به ورزش زنان در کشور بود.

چارچوب نظری پژوهش بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه در چارچوب مفهومی پژوهش به صورت شکل ۱ تدوین گردید. بر این اساس، توسعه وقف و خیریه در ورزش شامل چهار حوزه اصلی ساختاری و سیاسی، حقوقی و نظارتی، مدیریتی و اجرایی و ارتباطی و فرهنگی بود. جهت تحلیل این منظرها، محورها و عوامل درونی و برونی سیستم ورزش زنان در هر حوزه مورد بررسی قرار گرفت.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری شامل افراد آگاه و متخصص در زمینه امور خیریه و ورزش زنان در سازمان‌های مرتبط با ورزش زنان بود (جامعه محدود و نامشخص). نمونه آماری به روش هدفمند (قضاوتی) به شرح جدول ۱ انتخاب و نظرخواهی شدند. برآورد نمونه براساس تعداد قابل کفایت

جهت مدلسازی در محیط نرم افزار اسمارت پی ال اس^۱ به تعداد ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد ابعاد متغیرهای اصلی در مدل (داوری و رضازاده، ۱۳۹۴) انجام گردید. براین اساس نمونه آماری به تعداد ۲۰ برابر تعداد ابعاد متغیرهای اصلی (۱۱ بعد برای ۵ متغیر) در نظر گرفته شد (۲۲۰ نفر). جهت اطمینان از دریافت پرسشنامه‌ها ۲۴۰ پرسشنامه توزیع گردید و ۲۲۴ پرسشنامه دریافت شد که از بین آن‌ها ۲۱۷ پرسشنامه به طور کامل پاسخ داده شده بودند. پرسشنامه به صورت حضوری (نسخه پرینت) و مجازی (لینک الکترونیک) و براساس هماهنگی قبلی تیم تحقیق در اختیار نمونه آماری قرار داده شد.

جدول ۱: جامعه آماری و روش‌های نمونه‌گیری

بخش	مورد مطالعه	نمونه‌گیری	تعداد نمونه	جنسیت
سازمان‌های مرتبط با اوقاف و امور خیریه	مدیران و کارشناسان	هدفمند و در دسترس	۱۴	۱۲۴ زن و ۹۳ مرد
وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌ها	مدیران و کارشناسان	هدفمند و در دسترس	۴۳	
ادارات ورزش و جوانان و هیئت‌های ورزشی	مدیران و کارشناسان	هدفمند و در دسترس	۵۲	
ورزش شهرداری‌ها	مدیران و کارشناسان	هدفمند و در دسترس	۲۵	
ورزش دانشگاه	اساتید مدیریت ورزشی	هدفمند و در دسترس	۳۹	
ورزش آموزش و پرورش	مدیران و معلمان ورزش	هدفمند و در دسترس	۳۷	
رسانه‌های ورزشی و سایر	کارشناس و سایر	هدفمند و در دسترس	۷	
در مجموع ۲۱۷ نفر				

ابزار اصلی پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته براساس مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های ساختارمند بود. ابتدا مطالعه کتابخانه‌ای به صورت نظامند بر روی منابع معتبر از لحاظ حقوقی و علمی (اسناد، کتب، مقالات و صفحات رسانه‌ای) انجام شد و مولفه‌ها و چارچوب اولیه پژوهش استخراج گردید. سپس موارد مستخرج از مرحله اول از طریق مصاحبه ساختارمند و نیمه هدایت شده با افراد خبره (۹ نفر) از جامعه آماری تکمیل شد. پرسشنامه حاوی متغیرهای پژوهش (گویه‌های پرسشی) با مقیاس ۵ ارزشی لیکرت (از بسیار کم = ۱ تا بسیار زیاد = ۵)، از مجموع متغیرهای شناسایی شده پس از بررسی و غربال‌گری تعداد مناسب که از

1. Smart pls

لحاظ تعداد، بیشترین تکرار و تأکید را در مصاحبه‌ها، مقالات، اسناد و گزارش‌ها داشتند مورد استفاده قرار گرفته است. البته مبنای اصلی پرسشنامه، بازنویسی از پرسشنامه‌های قبلی بود. روایی محتوایی ابزار از طریق نظر خبرگان (۱۱ نفر: ۵ مدیر سازمانی و ۶ استاد دانشگاه) ارزیابی و تایید شد. سپس پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ترکیبی مطلوب ارزیابی گردید (آلفای کرونباخ = ۰/۸۹). در نهایت روایی سازه از طریق مراحل مدلسازی معادلات ساختاری در نرم افزار پی ال اس بررسی و تایید شد. از روش مدلسازی معادلات ساختاری در محیط نرم افزار اسمارت پی ال اس جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در بخش روایی، بارها از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه، محاسبه و مقدار مناسب آن برابر و یا بیشتر از ۰/۴ می‌باشد. درواقع بار عاملی بیانگر این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده است. تمامی بارهای عاملی سنجه‌های که در سازه مربوط به خود بالاتر از ۰/۴ بودند حفظ و سؤالاتی که دارای بارهای عاملی کمتر از ۰/۴ بودند، از مدل پژوهش حذف شدند که تعداد آن تنها ده سؤال بود. لذا در ادامه تجزیه و تحلیل پژوهش بر اساس سؤال‌های تأیید شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج خروجی از مدل برای شاخص AVE بیانگر مناسب بودن معیار روایی همگرا (AVE) بود. جهت بررسی روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری، از دو ماتریس روایی همبستگی متغیر لاتنت^۱ و معیار فروئل و لاکر استفاده شد. آلفای کرونباخ، شاخص کلاسیک برای تحلیل پایایی نشان‌دهنده یک سنت قوی در معادلات ساختاری می‌باشد. همان‌طوری که بیان گردید، تمامی متغیرهای پنهان دارای مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی $\alpha > 0/7$ بودند که نشان دهنده این است که مدل دارای پایایی (چه از نظر آلفای کرونباخ و چه از لحاظ پایایی ترکیبی) مناسبی است. ضریب تعیین R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. میزان R^2 تقریباً تمامی متغیرهای پژوهش بسیار بالاتر از ۰/۳۳ و در محدوده ۰/۶۷ یا بزرگ‌تر از آن هستند. این بدین معنی است که مدل ساختاری پژوهش دارای برازش قوی است. با توجه به آنکه معیار نامبرده برابر ۰/۶۰۳ می‌باشد، لذا بنابر پژوهش‌های ونزلز^۲ و همکاران (۲۰۰۹) برازش کلی مدل در حد «بسیار قوی» مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برازش کلی مدل: $GOF = \sqrt{0/570 \times 0/640} = 6143$ $GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$ برازش کلی قوی

به منظور اطمینان از کافی بودن نمونه‌ها، از معیار کایرز، میجر، ال‌کین^۳ استفاده شد. مقدار KMO برای چهار متغیر محیط حقوقی، دولت الکترونیک، حکمرانی خوب و توسعه پایدار به ترتیب ۰/۹۴۶، ۰/۹۱۸، ۰/۹۳۳ و ۰/۸۹۹ بود که بیانگر کافی بودن تعداد نمونه‌ها می‌باشد ($p < 0/001$).

1. Latent variable correlation

2. Vtzlz

3. Kaiser- Meyer-Oklin measure of sampling adequacy

جدول ۲: خلاصه شاخص های روایی مدل

شاخص	Q ²	R ²	CR	AVE
میزان مطلوب آن	۰/۱۵ ≤	۰/۳۳ ≤	۰/۷۰ ≤	۰/۵ ≤
ساختاری و سیاسی	۰/۲۷۹	۰/۷۲۵	۰/۸۴۶	۰/۵۳۶
حقوقی و نظارتی	۰/۳۵۳	۰/۵۲۸	۰/۸۴۴	۰/۴۶۳
مدیریتی و اجرایی	۰/۳۸۴	۰/۷۵۰	۰/۸۵۱	۰/۵۸۵
ارتباطی و فرهنگی	۰/۳۸۹	۰/۷۲۵	۰/۹۲۶	۰/۶۰۸
ساختاری و سیاسی درون سیستمی	۰/۳۲۱	۰/۵۹۹	۰/۸۸۹	۰/۵۵۷
ساختاری و سیاسی برون سیستمی	۰/۳۱۷	۰/۷۰۲	۰/۷۸۸	۰/۵۵۹
حقوقی و نظارتی درون سیستمی	۰/۳۶۷	۰/۶۱۵	۰/۸۷۷	۰/۵۴۴
حقوقی و نظارتی برون سیستمی	۰/۱۱۸	۰/۷۹۰	۰/۸۳۶	۰/۷۲۷
مدیریتی و اجرایی درون سیستمی	۰/۲۹۰	۰/۷۶۳	۰/۸۳۱	۰/۵۷۶
مدیریتی و اجرایی برون سیستمی	۰/۳۷۰	۰/۵۴۳	۰/۸۱۰	۰/۵۵۸
ارتباطی و فرهنگی درون سیستمی		برونزا	۰/۸۹۱	۰/۵۸۴
ارتباطی و فرهنگی برون سیستمی	۰/۴۴۴	۰/۶۴۱	۰/۸۲۳	۰/۶۲۰

بخش مدل سازی پژوهش شامل دو بخش تحلیل عاملی تاییدی و تحلیل مسیر بود. براساس جدول ۲ و شکل ۲ تحلیل عاملی سازه های پژوهش نشان داد که نهادهای حقوقی، نقش های حقوقی، فعالیت های حقوقی و اسناد و مواد حقوقی به ترتیب میزان اثر تبیین کننده محیط حقوقی نظام ورزش هستند. خدمات الکترونیکی، مشارکت الکترونیکی، زیرساخت الکترونیکی و قوانین الکترونیکی به ترتیب اولویت نقش معنی داری در تبیین استقرار دولت الکترونیک در نظام ورزش کشور دارند. نظارت سیستماتیک، ساختار دموکراتیک، رهبری ذی نفع مدار و هم افزایی عملکردی نیز به ترتیب میزان اثر تبیین کننده حکمرانی خوب نظام ورزش هستند. توسعه مشارکت و هماهنگی بخشی و فرابخشی، توانمندسازی و بهسازی منابع انسانی، بهبود مستمر عملکرد و قابلیت ها و پایدارسازی و تنوع بخشی فرایندها و منابع به ترتیب اولویت نقش معنی داری در تبیین توسعه پایدار در نظام ورزش کشور دارند.

جدول ۳: نتایج فرضیات پژوهش

متغیر	< --	ابعاد	ضریب	آزمون T	سطح معنی داری
ساختاری و سیاسی	< --	درون سیستمی	۰/۶۴۳	۹۱/۳۲	۰/۰۰۱
	< --	برون سیستمی	۰/۸۵۴	۴۲/۳۷	۰/۰۰۱
حقوقی و نظارتی	< --	درون سیستمی	۰/۵۸۰	۵۷/۴۹	۰/۰۰۱
	< --	برون سیستمی	۰/۷۳۳	۵۷/۲۲	۰/۰۰۱
مدیریتی و اجرایی	< --	درون سیستمی	۰/۸۳۱	۲۹/۲۷	۰/۰۰۱
	< --	برون سیستمی	۰/۶۶۵	۳۳/۱۲	۰/۰۰۱
ارتباطی و فرهنگی	< --	درون سیستمی	۰/۸۲۳	۲۵/۱۳	۰/۰۰۱
	< --	برون سیستمی	۰/۸۸۹	۱۵/۲۳	۰/۰۰۱
جذب منابع	< --	مالی و سرمایه ای	۰/۷۵۴	۲۵/۱۳	۰/۰۰۱
	< --	فیزیکی و ساختاری	۰/۶۱۸	۱۵/۲۳	۰/۰۰۱
	< --	دانشی و فناوری	۰/۴۸۷	۳۲/۸۷	۰/۰۰۱

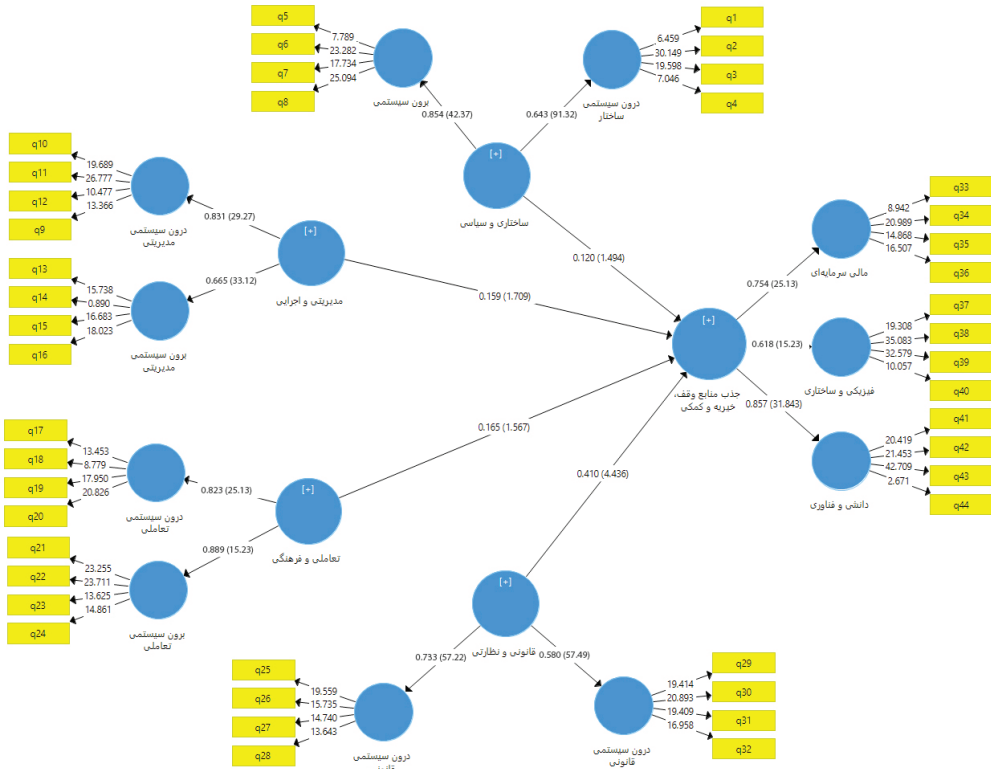
تحلیل عاملی

متغیر	< --	متغیر	ضریب	آزمون T	سطح معنی داری
ساختاری و سیاسی	< --	جذب منابع وقف و ...	۰/۷۷۳	۱۲/۲۷	۰/۰۰۱
حقوقی و نظارتی	< --	جذب منابع وقف و ...	۰/۶۸۵	۲۴/۵۱	۰/۰۰۱
مدیریتی و اجرایی	< --	جذب منابع وقف و ...	۰/۸۶۲	۱۶/۶۲	۰/۰۰۱
ارتباطی و فرهنگی	< --	جذب منابع وقف و ...	۰/۸۱۵	۱۴/۷۰	۰/۰۰۱

تحلیل مسیر

براساس مدل‌های اندازه‌گیری در متغیر ساختاری و سیاسی ابعاد برون سیستمی و درون سیستمی با ضرایب ۰/۸۵۴ و ۰/۶۴۳، در متغیر حقوقی و نظارتی ابعاد برون سیستمی و درون سیستمی و با ضرایب ۰/۷۳۳ و ۰/۵۸۰، در متغیر مدیریتی و اجرایی ابعاد درون سیستمی و برون سیستمی با ضرایب ۰/۸۳۱ و ۰/۶۶۵ و در متغیر ارتباطی و فرهنگی برون سیستمی و درون سیستمی با ضرایب ۰/۸۸۹ و ۰/۸۲۳ به ترتیب اولویت تبیین کننده سازه خود بودند. ابعاد مالی و سرمایه ای، فیزیکی و ساختاری و دانشی و فناوری نیز به ترتیب با ضرایب ۰/۷۵۴، ۰/۶۱۸ و ۰/۴۸۷ به طور معنی داری تبیین کننده متغیر وابسته جذب منابع وقف و کمکی بودند.

تحلیل مسیر بین متغیرها نشان داد که مدیریتی و اجرایی، ارتباطی و فرهنگی، ساختاری و سیاسی و حقوقی و نظارتی، به ترتیب با ضریب $0/773$ ، $0/685$ ، $0/862$ و $0/815$ اثر مثبت، مستقیم و معنی داری بر جذب منابع وقف و کمکی دارند.



شکل ۲: مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، شناسایی و بررسی عوامل موثر بر توسعه وقف و امور خیریه در ورزش زنان بود. در تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد کلان و جامع، ابتدا مؤلفه‌های تعیین کننده شناسایی، سپس چارچوب بندی و سپس مدل سازی شد.

بر اساس مدل های اندازه گیری در متغیر ساختاری و سیاسی ابعاد درون سیستمی و برون سیستمی؛ در متغیر حقوقی و نظارتی ابعاد درون سیستمی و برون سیستمی؛ در متغیر مدیریتی و اجرایی ابعاد درون سیستمی و برون سیستمی و در متغیر ارتباطی و فرهنگی درون سیستمی و برون سیستمی به ترتیب اولویت تبیین کننده سازه خود بودند. در واقع، آنها در متغیر مدیریتی و اجرایی عوامل درون سیستمی ورزش زنان اولویت داشتند و در سه متغیر دیگر عوامل برون سیستمی نسبت به عوامل درون سیستمی اثرگذارتر بودند. در تبیین

این یافته‌ها می‌توان به ماهیت نقش مدیریت در هر سیستمی مانند سیستم ورزش زنان اشاره کرد. مدیریت به مثابه ظرف فعالیت‌های یک سازمان است که تمام فرایندهای در آن جریان دارد و بر رفتار و عملکرد افراد و بخش‌های سازمان اثر می‌گذارد (بنار، ۱۳۹۴). از این رو، مدیریت نقش مداخله‌ای و ترغیبی بیشتری نسبت به سایر عوامل در درون یک سیستم دارد. دلیل دیگر این مسئله می‌تواند در آگاهانه بودن اثر مدیریت باشد. از طرفی دیگر، احتمالاً وجود ضعف‌های اساسی و پایه در ساختار و مدیریت ورزش زنان کشور سبب شده است تا نمونه آماری این پژوهش اهمیت بالایی برای مدیریت قائل شوند و این با نتایج این پژوهش همخوانی دارد. ابعاد مالی و سرمایه‌ای، فیزیکی و ساختاری و دانشی و فناوری نیز به ترتیب میزان اثر به طور معنی‌داری تبیین‌کننده متغیر وابسته جذب منابع وقف و کمکی بودند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که ورزش زنان در هر سه نوع منابع دارای کمبودهای فراوانی است و هم هر سه نوع منابع نقش محوری در توسعه ورزش دارند؛ اما به طور مشخص، منابع مالی نقش محوری تری دارند و عمده تلاش‌ها در جذب وقف لازم است منجر به جذب منابع مالی شود. منظمی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل موثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان گزارش کرد که عوامل مالی و امکاناتی در اولویت قرار دارند که با نتایج این بخش همسویی دارد.

تحلیل مسیر بین متغیرها نشان داد که مدیریتی و اجرایی، ارتباطی و فرهنگی، ساختاری و سیاسی و حقوقی و نظارتی، به ترتیب ضریب اثر، به صورت مثبت و مستقیم اثر معنی‌داری بر جذب منابع وقف و کمکی دارند. مطالعات و شواهد نشان می‌دهد سنت حسنه وقف و سایر فعالیت‌های خیرخواهانه در کشورهای اسلامی برای حوزه‌هایی جدید مانند علم، سلامت، اشتغال و مواردی از این قبیل تابعی است از متغیرهای مختلف که در مجموع ریشه در عوامل فرهنگی و جمعیت شناختی دارند (محسنی، ۱۳۹۲: ۳۷).

اولویت مؤلفه‌های مدیریتی و اجرایی دلالت بر نیازمندی توسعه وقف و خیریه در ورزش زنان به یکپارچگی مدیریتی و چابک‌سازی سیستم اجرایی است. می‌توان گفت که عمده آسیب‌ها در بخش مدیریت وقف است (صحرانورد و اسدی، ۱۳۹۱: ۱۶). در شریعت و فقه به مدیریت وقف و اداره موقوفات اهتمام و توجه ویژه شده است، زیرا اداره وقف در کیفیت و وضعیت وقف بسیار مؤثر است. مدیر کارآمد و لایق، موقوفه هر چند غیر کارآمد را به اوج کارآمدی می‌رساند. برعکس، اگر مدیری نالایق و غیر صالح باشد، بهترین موقوفه را تبدیل به رقبه بی‌فایده و ناخوشایند می‌کند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که به ترویج و گسترش فرهنگ وقف کمک می‌کند، بهینه‌سازی مدیریت وقف و نحوه اداره موقوفات است. به بیان دیگر وقتی که مردم می‌بینند موقوفات به خوبی اداره می‌شوند و به حال خود رها نمی‌شوند، قطعاً تشویق می‌شوند که به این موضوع مهم توجه نشان دهند. بنابراین، نوع مدیریت بر موقوفات و نحوه اداره آن از نگاه مردم بسیار حائز اهمیت است.

همچنین اولویت بالای مؤلفه‌های ارتباطی و فرهنگی دلالت بر نیازمندی توسعه وقف و خیریه در ورزش زنان به ارتباطات میان‌بخشی و توسعه فرهنگی است. هر چند عمل به وقف از سوی مردم مهم‌ترین راه گسترش فرهنگ وقف است، اما باید توجه داشت که مردم نیازمند راهنمایی و آموزش‌های دینی عملی در این زمینه هستند (خو محمد خیرآبادی، ۱۳۸۰: ۲۲). می‌توان گفت که مهم‌ترین گام برای ایجاد نگرش مثبت نسبت به مسائل و واقعیت‌های هر دو حوزه وقف و ورزش در جامعه، ارائه اطلاعات صحیح و شفاف است. کسانی که عهده‌دار انتقال این اطلاعات هستند باید از صلاحیت‌های شناختی، عاطفی و عملکردی لازم برخوردار باشند تا سخنان، گفتار و نوشتار آن‌ها در دل‌ها نفوذ کند و آن‌ها را متحول و متأثر سازد. متأسفانه، هم متولیان

وقف و هم متولیان ورزش آن‌طور که شایسته جایگاه و اهمیت این دو حوزه اجتماعی است، به تبلیغ، ترویج و فرهنگ‌سازی نپرداخته‌اند (کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۱: ۲۸). گنجی و عسکری (۱۳۹۱) در بررسی تأثیر میزان پابندی مردم به ارزش‌ها بر مشارکت آن‌ها در امور خیریه نشان دادند بین عمل به ارزش‌ها و هنجارها به ویژه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از سوی مردم با مشارکت پاسخ‌گویان در امور خیریه و عام‌المنفعه رابطه مستقیم وجود دارد. گنجی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش در آمدی بر توسعه پایدار نشان دادند که رابطه معنادار و مستقیمی بین متغیرهای دین‌داری، عدالت‌خواهی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق و تعهد اجتماعی با مشارکت در امور خیریه و وقف وجود دارد؛ به این معنی که هر چه آن عوامل در بین مردم قوی‌تر باشند، مشارکت مردم در نیکوکاری و به طور خاص وقف نیز بیش‌تر می‌شود. نهاده‌ها نیز نظام ارزشی و باورهای اعتقادی، افزایش مشارکت و توسعه فرهنگ از جمله کارکردهای رسانه‌ها به شمار می‌رود. این رسانه‌ها باید اهمیت، اهداف و مقاصد متنوع وقف و نحوه اجرای این سنت حسنه را به‌عنوان یک وظیفه ملی و دینی، ترویج و زمینه‌گسترش آن را در جامعه فراهم آورند. رسانه‌های ورزشی می‌توانند همین نقش را به طور ویژه نسبت به حوزه ورزش ایفا کنند. بهره‌گیری از اجتماعات معنوی برای وقف و بازاریابی اجتماعی برای ورزش می‌تواند اولین گام در این زمینه باشد که می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت ارزشمند در جهت ترویج فرهنگ وقف و نیکوکاری برای ورزش در جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

از طرفی، معنی‌داری اثر مؤلفه‌های ساختاری و سیاسی دلالت بر نیازمندی توسعه وقف و خیریه در ورزش زنان به مشوق‌های نهادی و حمایت‌های ساختاری و سیاسی است. تطبیق عوامل نهادی و ساختاری نشان می‌دهد که ساختارهای جدیدی مورد نیاز توسعه جذب وقف و خیریه به ورزش است؛ اقداماتی مانند ایجاد بانک وقف ورزش و وقف سهام باشگاه‌های ورزشی موجب می‌شود که ساختار مشخص و ویژه‌ای برای وقف در حوزه ورزش معرفی شود و غالب افراد به ویژه افراد ورزشی احساس کنند که می‌توانند در این مسیر ارزشمند حرکت نمایند. اگر مشاهده شود که هر مکانی پس از وقف به حال خود رها شده و هیچ‌گونه نظارتی هدفمند و قانونمند بر آن اعمال نمی‌شود و متولی خاصی ندارند، بدون شک این مسئله می‌تواند به دلسرد شدن مردم و رویگردانی آن‌ها به مسئله وقف منجر شود. علاوه بر این، نسبت زیادی از موقوفات فعلی ثمره وقف گذشتگان است و به‌ندرت اتفاق افتاده است که افراد به انشاء موقوفات جدید دست بزنند. این امر هم نتیجه وضعیتی است که از تولید وقف توسط دولت به وجود آمده است و بسیاری معتقدند وقف برخلاف ماهیت آن که یک اقدام شخصی و غیردولتی است، به یک عمل دولتی تبدیل شده است (نکویی مقدم، ۱۳۹۲: ۲۶).

معنی‌داری اثر مؤلفه‌های حقوقی و نظارتی نیز دلالت بر نیازمندی توسعه وقف و خیریه در ورزش زنان به کاهش خلأهای حقوقی و ارتقای سیستم نظارتی است. در کشور ما به منظور کمک به موقوفات و تشویق افراد خیر به امر وقف و امور خیر، قوانین مختلفی به تصویب رسیده است که استفاده از این قوانین نیز می‌تواند کمک زیادی به موقوفات نماید و نظر افراد علاقه‌مند و مؤمن را به موضوع وقف جلب کند. در اینجا به برخی از این موارد قانونی به اختصار اشاره می‌گردد:

الف) به موجب بند ۳ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم، موقوفات عام از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. ب) به موجب تبصره ذیل ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام

از پرداخت مخارج و هزینه‌های داوری در محاکم قضایی و هزینه‌های مربوط به ثبت، تفکیک و افراز املاک موقوفه و هزینه‌های مربوط به اجرای احکام معاف شده‌اند.

ج) به موجب تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری، موقوفات عام از پرداخت عوارض نوسازی شهرداری‌ها نیز معاف شده‌اند (امینیان، ۱۳۸۸؛ ۱۰).

بی تردید، اعطای این امتیازات به املاک وقفی در جهت تشویق افراد نیکوکار مؤثر خواهد بود و توصیه می‌گردد که در کلیه حوزه‌های مرتبط با ورزش به منظور ترغیب افراد نیکوکار، این قبیل امتیازات برای موقوفات در نظر گرفته شود.

برحسب یافته‌ها و شواهد، پرواضح است که تنها یک نهاد یا ارگان مسئول توسعه جذب وقف و خیریه به حوزه ورزش زنان نیست، بلکه همه نهادها و مراکز ورزشی در کنار سازمان‌های اوقاف و مؤسسات خیریه موظف‌اند تا در جهت ارتقای جایگاه ورزش در فرهنگ وقف در جامعه با یکدیگر همکاری نمایند. از نهادهای غیرورزشی، سازمان اوقاف و امور خیریه، مراکز دینی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، وزارت کشور و مجلس شورای اسلامی از جمله نهادها و وزارتخانه‌هایی هستند که می‌توانند در چگونگی ترویج و اشاعه فرهنگ وقف به سوی ورزش، نقشی اساسی ایفا کنند. از طرف دیگر، استفاده از جایگاه و توان سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای غیردولتی می‌تواند نقشی مهم و اساسی ایفا می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات خیریه در بطن جوامع محلی شکل گرفته‌اند و به خوبی از امکان ارتباط با آحاد جامعه و جلب مشارکت آنان برخوردارند. بنابراین می‌توان از این ظرفیت در جهت ترویج فرهنگ وقف و توسعه موقوفات بهره گرفت (رؤوف، ۱۳۷۸: ۷۳). ایجاد مؤسسات خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد برای حوزه ورزش و تندرستی جامعه زنان می‌تواند در جهت ترغیب و تشویق افراد خیر و نیکوکار به وقف تمام یا بخشی از اموالشان برای تحقق این اهداف سودمند واقع شود. تجربه ثابت کرده است اگر مردم یک محل و افراد خیر اطمینان خاطر پیدا کنند که اموال و دارایی آنان می‌تواند در راه رفع مشکلات اجتماعی و زدودن فقر و تباهی از چهره جامعه مفید و مؤثر واقع شود و سازمان‌ها یا افرادی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز اجرای نیت‌های خیرخواهانه‌ی آنان باشند و علاوه بر آن شرایط و ضوابط خاصی بر هزینه کرد سرمایه آنان حاکم است، بیشتر تمایل نشان می‌دهند که در این عرصه‌ها گام بردارند (کار بخش راوری و تویسرکانی راوری، ۱۳۸۸: ۱۹). بنابراین، مدیران ورزشی و متولیان وقف باید سازوکارهایی فراهم کنند تا این اطمینان خاطر در افراد متمکن و توانمند ایجاد شود. بی شک، شناسایی این افراد و پیشنهاد وقف اموال و دارایی‌ها- با رعایت اصل وسعت دید و آینده‌نگری- می‌تواند هم به توسعه و ترویج فرهنگ وقف کمک کند و هم در پرتو آن بسیاری از مشکلات این مؤسسات و در نتیجه معضلات و نابسامانی‌های اجتماعی را رفع نماید.

به طور کلی، بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که جهت‌دهی به نیات واقفان به سمت ورزش زنان و ترویج فرهنگ وقف در این زمینه در اولین و مهم‌ترین گام نیازمند این است که ورزش جزو نیازهای واقعی جامعه زنان امروز قلمداد شود. با توجه کارکردهای عدیده ورزش برای زنان می‌توان گفت ورزش زنان قابلیت‌های بالایی در جذب منابع وقف و خیریه دارد.

منابع

- افروزه، محمدصادق؛ افروزه، حکیمه و کاملی، فاطمه. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر جذب خیران و واقفان در ورزش». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۴۶: ۱۵۷-۱۷۴.
- ابو سعید، احمد بن سلمان. (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف. تهران: اداره کل حج و اوقاف
- امینیان مدرس، محمد. (۱۳۸۱). وقف از دیدگاه حقوق و قوانین. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت
- آقابابا، سارا؛ ملکی، محمدرضا و گوهری، محمود رضا. (۱۳۹۳). «مرور انتقادی مطالعات خیریه حوزه سلامت در ایران». مجله پژوهشی حکیم. ۱۷(۴): ۳۲۹-۳۳۶.
- آیت الهی، سید ابوالحسن و رخ یزد، محمدعلی. (۱۳۸۳). وقف پس انداز جاودانه. چاپ اول، تهران: نشر مفاخر
- پایگاه اطلاع رسانی راسخون. (۱۳۸۸). پیشینه وقف.
- تسلیمی، زهرا. (۱۳۹۵). «طراحی چارچوب تأمین مالی در فدراسیون‌های ورزشی». رساله دانشگاه گیلان.
- جباری بیرامی، حسین؛ خلیلی، احمد علی و بخشیان، فریبا. (۱۳۸۵). «راهکارهای گسترش تعامل دانشگاه علوم پزشکی تبریز با مؤسسات خیریه و خیرین». اولین همایش بین‌المللی چشم‌انداز جایگاه مؤسسات خیریه سلامت در نظام سلامت ایران، شیراز، دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- حیدری فرد، سمیه و شریفیان، اسماعیل. (۱۳۹۶). «شناسایی و مقایسه موانع مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی». مطالعات مدیریت ورزشی. مقاله ۴، دوره ۹، شماره ۴۱، صفحه ۸۱-۹۶.
- دانش‌پور، علی و ریاحی سامانی، نادر. (۱۳۸۸). چرا و چگونه وقف کنیم؟ چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات پویان
- سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۸۲). نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن. تهران: نشر اندیشه
- سوری، حجت اله و یاور، کاظم. (۱۳۸۳). «بررسی وضعیت بهره‌برداری اقتصادی از رقبات منفعتی اداره اوقاف جنوب شهر تهران». نامه مفید: آذر و دی، دوره ۱۰، شماره ۴۵ (اقتصاد)؛ از صفحه ۱۱۱ تا صفحه ۱۳۸.
- شیرخدا، میثم؛ فرزانه، فرزانه؛ فتحی، رزیتا؛ طهماسبی روشن، ندا و خلیلی پالندی، فرشته. (۱۳۹۴). «بازاریابی فعالیت‌های خیرخواهانه: تبیین نقش جنسیت در جوانان». مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. ۱۳(۴)، ۱۵۳-۱۸۰.
- صحرانورد، بهنا و اسدی، بهراد. (۱۳۹۱). «نقش وقف در توسعه و عدالت اجتماعی». مجموعه مقالات همایش ملی وقف با تأکید بر آموزش عالی، دانشگاه کاشان.
- صدیقی ارفع، فریبرز و همکاران. (۱۳۹۱). «وقف: آسیب‌ها، چالش‌ها و راهکارها». مجموعه مقالات همایش ملی وقف با تأکید بر آموزش عالی، دانشگاه کاشان.
- عظمی، محمدکاظم و محمدی، سردار. (۱۳۹۴). «آشنایی با بازاریابی‌های جدید ورزشی (بازاریابی ورزشی خیرخواهانه، مطالعه موردی هیات ژیمناستیک استان کردستان)». کنفرانس ملی دستاوردهای فناوریانه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی ایران.
- عظیمی، رضا و محمدی، بهرام. (۱۳۹۴). «چالش‌های مدیریت وقف در ایران». نشریه مدیریت اسلامی.

شماره ۱۳.

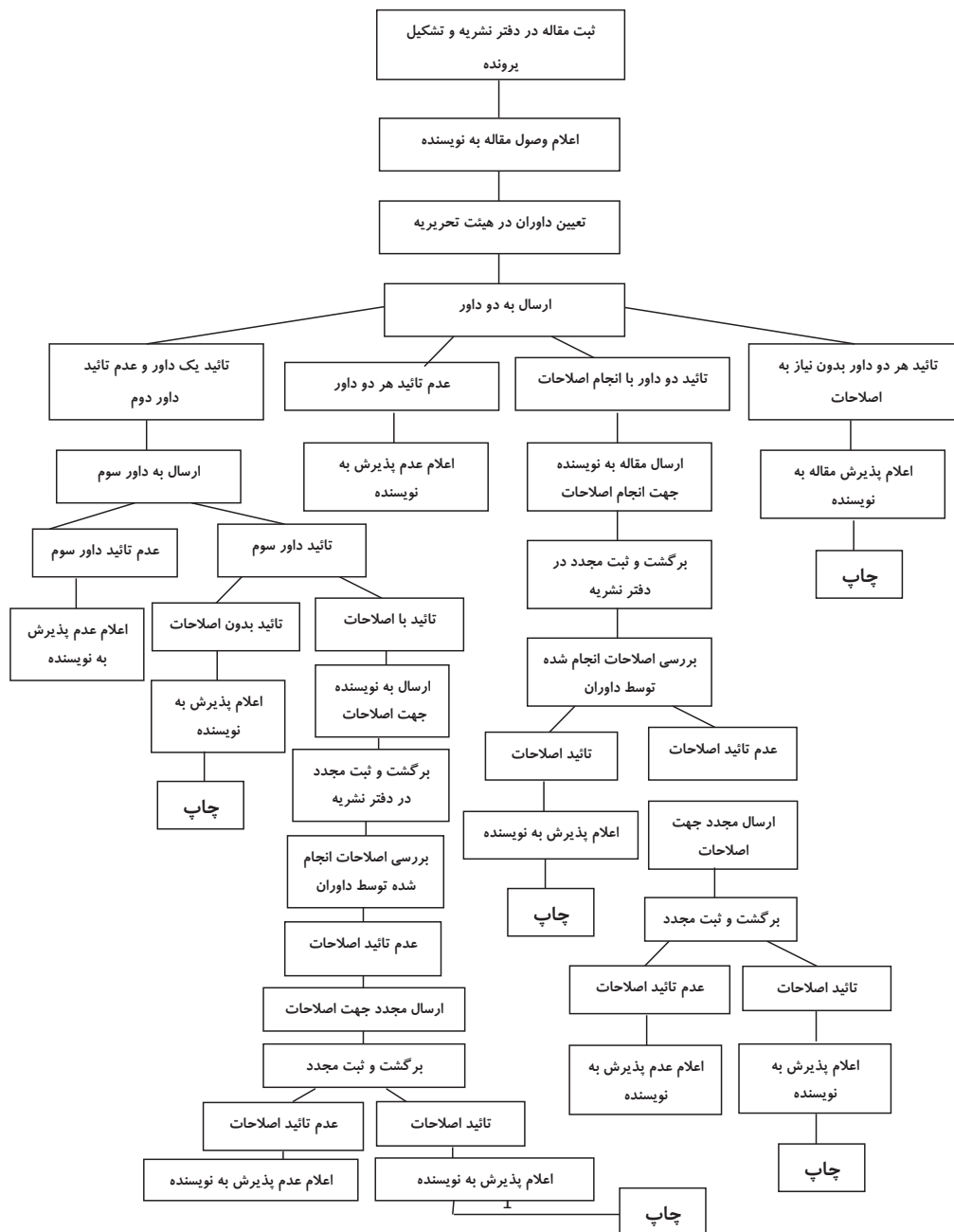
- کارکنان نصرآبادی، محمد؛ علیمردان، ناصر و آقا محسنی، مریم. (۱۳۹۱). «وقف و تحقیق عدالت اقتصادی و اجتماعی». مجموعه مقالات همایش ملی وقف با تأکید بر آموزش عالی، دانشگاه کاشان.
- الکبیری، محمد. (۱۳۸۰). احکام وقف در شریعت اسلام. صادقی گلدر. چاپ اول، تهران: سازمان حج و اوقاف
- کاربخش راوری، ماشاءالله و تویسرکانی راوری، فاطمه. (۱۳۸۸). «نقش و جایگاه آموزش در توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد با تأکید بر روش‌های خلاق». مجموعه مقالات همایش سازمان‌های مردم‌نهاد کرمان، اداره کل امور اجتماعی استانداری کرمان.
- گنجی، محمد و الماسی بیدگلی، احسان. (۱۳۹۱). «تبیین وضعیت نیکوکاری در بین شهروندان». مجموعه مقالات همایش ملی وقف با تأکید بر آموزش عالی، دانشگاه کاشان.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و احسانی راد، فاطمه. (۱۳۹۴). «مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش درآمدی بر توسعه پایدار». مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی. ۳ (۴)، ۲۵-۴۵.
- لطف عطاء، اسدالله. (۱۳۷۹). «نگاهی به وقف در عرصه تحولات جدید». فصلنامه وقف میراث جاویدان. سال هشتم، شماره ۳۰.
- مرکز اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه کشور. (۱۳۸۷). سند توسعه وقف.
- ناصحی، مهدی و شادپی، محبوبه. (۱۳۸۷). «بانک وقف پول، فرصت‌ها و چالش‌ها». وقف و تمدن. تهران: انتشارات اسوه اسلام
- نکویی مقدم، محمود؛ امیر یوسفی، سعیده؛ قربانی بهابادی، زهرا و امیر اسماعیلی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «نقش مؤسسات خیریه در نظام سلامت. یک مطالعه کیفی». تحقیقات کیفی در علوم سلامت. ۲ (۱)، ۱-۱۰.
- منظمی، مریم. (۱۳۸۹). «عوامل موثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر.
- Alvord Sarah, H. and Brown L. David and Letts Christine, W. (2004). "Social Entrepreneurship and Societal Transformation". The Journal of Applied Behavioral Science, Vol. 40, No. 3.
- Berger Ida, E. (2006). "The Influence of Religion on Philanthropy in Canada". Voluntas: International journal of valentery and nonprofit organizations. Volume17. Issue2. pp110-127.
- Britto sarah, Van Slyke David and Francis Teresa, I. (2011). "The RoleThe Role of Fear of Crime in Donating and Volunteering". (A Gendered Analysis), Criminal justice review. Vol. 36. No. 4. pp414-434.
- Newton, Kenneth, Tust. (2001). "Social Capital, Civil Society and Democracy". International Political Science Review, vol 22, No. 2, 201-214.
- Jackson. E (etal). (1995). "Volunteering and Charitable Giving: Do Religious and

Associational Ties Promote Helping Behavior?”. Nonprofit and voluntary sector. Vol24, no1, pp59-78.

- Wang Lili and Graddy Elizabeth. (2008). **“Social Capital, Volunteering, and Charitable Giving”**. Voluntas 19.
- Salamon. Lester, M. and Anheier Helmut, K. (1997). **“The Third World’s Third Sector in Comparative Perspective”**. The Johns Hopkins University Institute for Policy Studies, All Rights Reserved.
- Ahmad, W. (2010). **“An empirical investigation of the association between creative advertising and advertising effectiveness in Pakistan”**. (Doctoral dissertation), university of Islamabad.
- AbdulQader, I. K. (2008). **“Intention to purchase electronic green products amongst lecturers: An empirical evidence”**. (Master of Thesis), University of Malaysia.
- Brown, Millward. (2009). **“Should My Advertising Stimulate an Emotional Response?”**. Knowledge Point, 9, 1-6.
- Keller. M & Lévy. F. (2008). **Olfactory mediation of maternal behavior in selected mammalian species**. New Delhi: Prentice Hall.
- Kim, P; Leckman, J; Mayes, L; Feldman, R; Wang, X. & Swain, J. (2010). **“The Plasticity of Human Maternal Brain: Longitudinal Changes in Brain Anatomy during the Early Postpartum Period”**. Brain & Development, 27, 80–87.
- Leushuis, Robin. (2012). **“Continuous donation to and trust in a charitable organization”**. (MA of dissertation), University of Twente.
- Li, Rena. (2014). **“Why women see differently from the way men see? a review of sex differences in cognition and sports”**. Article in press.
- Niekerk, E. Van. (2007). **“Not-for-profit marketing: branding, brand equity and marketing of smaller charities”**. (MA of dissertation), South Africa.
- Piper, Greg & Schnepf, Sylke V. (2007). **“Gender Differences in Charitable Giving”**. (Master of Thesis), University of Southampton and IZA.
- Ramayah, T; Jason, W. C. L. & Mohamad, O. (2010). **“Green product purchase intention: Some insights from a developing country”**. Resources, and Conservation Recycling, 54, 1419–1427.
- Seearam, Burt. (2012). Non profit marketing strategies. (MA of dissertation), Central Florida, USA.
- Smith, Steven Rathgeb. (2012). **“Nonprofit organizations and creating public value”**. (MA of dissertation), University of Washington, USA.
- Snip, Babiche. (2011). **“Factors influencing the intention to donate to charity organizations: importants of trust”**. (MA of dissertation), University of Twente.

- Tashiro S. (2012). **“Are women more generous than men? Evidence from the US Consumer Expenditure Survey”**. Journal of Gender Studies, 1-15.
- Wit, Arjen de & Bekkers, Rene. (2007). **“Explaining Gender Differences in Charitable Giving: the Dutch Case”**. (Master of Thesis), University of Amsterdam.
- Ying Lin, Pei; Sparks Grewal, Naomi; Morin, Christophe; Johnson, Walter, D & Zak, Paul, J. (2013). **“Oxytocin Increases the Influence of Public Service Advertisements”**. plos, 1(8), 1-9.

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



Identifying and Modeling Factors Affecting the Attraction of Charity Resources and Endowed with Women's Sports

Amir Reza Khadem

Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 20 Nov. 2018

Accepted: 6 Feb. 2019

The research is to identify and model factors affecting the attraction of Charity Resources and endowed with women's sports. The research method was a descriptive-survey. The statistical population consisted of specialists who were knowledgeable about the subject of research. The statistical sample was selected and surveyed through deliberate method (judgments) among managers, experts and experts (217 people). The main instrument consisted of a questionnaire. The content validity of the tool was evaluated and approved by experts. Then its reliability was evaluated through a suitable Cronbach alpha coefficient. Finally, the construct validity was reviewed and approved through the structural equation modeling steps PLS software.

External and internal dimensions with coefficients of 0/854 and 0/643; In the legal and regulatory variables of external and internal dimensions and with coefficients of 0/733 and 0/580; in the administrative and executive variable Intra-system and extraneous dimensions with coefficients of 0/831 and 0/665 And in the internal and external system of communication and cultural variables with coefficients of 0/889 and 0/823, respectively, were the priority of explaining their structure. The financial, capital, physical and structural dimensions of knowledge and technology also have coefficients of 0/754, 0/618, and 0/487 respectively significantly explain the dependent variable and auxiliary resources were devoted. Path analysis between variables showed administrative and management, communication, cultural, structural, political, legal and regulatory, respectively, with a coefficient of 0/773, 0/685, 0/862 and 0/815 there is a positive, direct and meaningful effect on the absorption of support resources.

Key Words: Sport Economics, Financial Resources, Sports Endowments and Women's Sports

Relationship between Psychological Capital and Organizational Citizenship Behavior

Zeinolabedin Nejat Sabet

Ph.D., Assistant Professor in Planning, Malek-Ashtar University of Technology, Tehran, Iran

Arsalan Mohammadi

Ph.D., Master Degree in Public Management, Human Resource Management, University, Tehran, Iran

Received: 15 Aug. 2017

Accepted: 27 Sep. 2017

22

The study is to investigate the relationship between psychological capital and organizational citizenship behavior. Psychological capital is a positive psychological state and a realistic and flexible approach to life that consists of four structures of hope, optimism, resilience and self-efficacy. Organizational citizenship behavior is defined as voluntary behavior and on the part of employees, which is voluntary and typically not rewarded, but can improve the performance of organizations. This study is a descriptive-survey research and applies in terms of applied research. The statistical population is the experts of the Ministry of Sport and Youth Department of the Ministry of Sports and Youth, whose number is 450. Using random sampling and Cochran formula, the samples were selected (142 individuals). A questionnaire was used to collect the data. In the first stage, 30 reliability questionnaires were distributed. The citizenship behavior inventory questionnaire with $\alpha = 0/832$ and the psychological capital inventory questionnaire with an altitude of $0/841$. To analyze the collected data, Kolmogorov-Smirnov statistical tests and Pearson correlation were used. The results showed that there is a positive and significant relationship between all components of psychological capital and organizational citizenship behavior. The severity of this relationship between the two components of social customs and self-esteem ($0/426$) was at the highest level between tact and optimism ($0/099$) at the lowest level.

Key Words: Psychological Capital, Organizational Citizenship Behavior and Ministry of Sport and Youth

Impact of Perceived Organizational Policies and Perceived Organizational Support on Causing Deviant Behavior in Sport Organizations in the West of Iran

Nazanin Rasekh

Ph.D., Assistant Professor, Sport Sciences Research Institute, Tehran, Iran

Saeed Khan Moradi

Ph.D. Student in Strategic Management of Sport Organizations and Events, Razi University, Kermanshah, Iran

Shirin Zardoshtian

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 3 Jul. 2017

Accepted: 20 Aug. 2017

21

The study is to examine the impact of perceived organizational policies (POP) and perceived organizational support (POS) on occasioning deviant behavior in sport organizations in the west of Iran and used a descriptive survey method with the data obtained through field surveys. The study population consists of all the managers, deputy managers, and official experts (300 individuals). Based on Morgan Table, 194 individuals were selected as the statistical sample using the stratified random sampling method. The perceived organizational policy questionnaire by Kacmar and Carlson (1997)($\alpha=0/92$) the perceived organizational support questionnaire by Eisenberger et al. (1986)($\alpha=0/9$), the deviant behavior questionnaire by Gruys (2000)($\alpha=0/87$) were used for data collection. Face and content validity of the questionnaires were confirmed by ten physical education professors. Descriptive and inferential test instruments were used for an analysis of the inferential findings based on structural equation modeling using the Lisrel software.

Based on the study results, organizational perceived policies have a direct, positive and meaningful impact on deviant behavior and behavioral dimensions damaging to organizational assets, wasting of time and resources, interpersonal aggressiveness, and cyber loafing. However, based on the results, the organizational perceived support did not have any impact on deviant behavior and behavioral dimensions damaging to organizational assets, wasting of time and resources, interpersonal aggressiveness, and cyber loafing.

Paying attention to organizational policies could reduce deviant behaviors in sport organizations. Therefore, it is recommended to organization's managers to consider political behaviors and legitimate and illegitimate policies in order to cause organizational effectiveness and efficiency and to reduce the causes of deviant behaviors.

Key words: Organizational Perceived Policies, Organizational Perceived Support, Deviant Behavior and Sport Organizations

The Position of Sport Psychology in the Olympic and Medal Fields: A Comparative Study

Seyyed Majid Zareian

Ph.D. Student in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zinat Nick Aeen

Ph.D., Assistant Professor, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyed Mohammad Kazem Vaez Mousavi

Ph.D., Full Professor, Faculty of Physical Education, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Received: 29 Sep. 2018

Accepted: 2 Dec. 2018

20

The study is to determine the position of sport psychology in Olympic and medal fields in the country's sports structure. The present research is applied to the target and according to the nature, it is of qualitative research and a kind of grounded theory in basis. The statistical population of the study consisted of all people who have an opinion and influence in the structure of sports psychology and sport (N=500). The sample size was selected in the qualitative section according to the sampling method (snowball). To reach the theoretical saturation boundary, 24 subjects were selected as the research sample. In a quantitative section, 221 people were selected according to Morgan table and by simple random sampling method. The instrument for measuring was a deep interview in the qualitative section and a questionnaire from the qualitative section was used at quantitative section. To analyze the data, first, based on the theory-based approach, the analysis of the data from the interviews was performed and then in the quantitative part of the study, subsequently descriptive and inferential statistics were used. The results showed that Iran's sport psychology is not well placed compared to selected and advanced countries ($t=98.24$). Also, the specific organization of sport psychology ($t=18/19$), the proper structure of sports psychology ($t=13/36$) and the manpower of sports psychology specialist ($t=19/91$) in Iran compared with the selected and leading countries of existence does not have. Nevertheless, positive changes were made in the past ($t=15/23$) and the condition and attitude of sport psychology in Iran were not suitable for selected and advanced countries ($t=-8/83$) ($p=0/01$). In this regard, 13 cases of causal conditions, 10 cases of interventional conditions, 9 cases of ruling domains and 7 of the outcomes of sport psychology promotion were identified in the sports structure of the country, and seven strategies for promoting the position of sport psychology were proposed in the sports structure of the country.

Key Words: Position, Sports Psychology and Sports Federations

Typology of Elite Athletes' Leisure Lifestyle

Ehsan Mohammadi Torkamani

Ph.D. in Sport Management, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Ali Moghadam Zadeh

Ph.D., Assistant Professor in Evaluating and Measuring, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Tehran University, Tehran, Iran

Hossein Khanifar

Ph.D., Full Professor, Public Management Department, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 21 Aug. 2017

Accepted: 27 Sep. 2017

19

Lifestyle is a choice able area of living activities and one of the most important indicators in measuring modern lifestyle is leisure activities. Today, elite athletes are one of the most important groups in societies whose their lifestyles are at the center of public attention. In this regard, the research is to study the typology of elite athletes' leisure lifestyle. The research method was qualitative and data collection tool were in-depth interviews. The statistical population of the study was expert people familiar with the life of elite athletes with an unknown number, which 19 of them were chosen purposeful and snowball as sample. The data were analyzed by using the thematic analysis technique and 75 codes were identified in 12 sub themes and four main themes. The four main themes addressed were the lifestyles of the elite athletes, with a family- centered style, distinctive style, virtual style and closed style.

In continue, the characteristics of each style were expressed. Also, analyzes showed that in typology of elite athletes' lifestyles, the way of occurrence and place of leisure activities are more important than leisure activities themselves and because of changes in the living conditions of athletes, there may be a variety of life styles over time.

Keywords: Elite Athlete, Lifestyle, Leisure and Distinction

Analyzing the State of Production of Sport TV Shows

Parvaneh Gelard

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mahdi Moradi

Ph.D. in Physical Education, Tehran University, Tehran, Iran

Davood Azizi

Ph.D. Student in Public Administration, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 19 May. 2018

Accepted: 1 Sep. 2018

18

The research is to analyze the present status of the content codification systems for the production of sport TV shows, the main factors of its emersion and consequently developing a desirable status. Grounded theory was used as the qualitative method of research. Statistical population consisted of media experts from both the Audio Visual Broadcasting Organization of Iran and also external specialists. These experts were divided in three groups of producers, directors and authors of sport programs; group managers of sport TV programs; and lastly the policy makers of sport programs in the above mentioned organization. Specialists out of this organization were the experts of sport media and PE university professors. Visionary and theoretic sampling method was used and the research instrument was semi-structured. Although after having 17 interviews, the research group was encountering similar results; but we continued the interviews to 20 subjects. For having an eligible multidimensional system, the results showed that omission and exclusion of governmental TV monopoly is vital. Decentralization and creation of meritocracy will lead to a better cooperation of TV and sport trustees. In addition, contribution with experts for analyzing the content of programs, using specialized software, constitution of survey group before the production, fair distribution of programs to different sport indexes, inviting experts to the TV shows, recognition of spectator's actual demands and bilateral interactions with them are the other aspects that lead us to such a new approach.

Keywords: Content Codification, Production System, Sport TV Shows, Championship Sports and Sport for all

Designing A Strategic Model for Effective Factors in Implementation of Green Productivity in Sport

Ali Reza Ghaleh Noei

Ph.D. Student in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Hassan Fahim Davin

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Hossein Peymanizad

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Mohammad Reza Esmail Zadeh

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Received: 15 Aug. 2018

Accepted: 2 Dec. 2018

The research is to design a strategic model for effective factors in implementing green productivity strategy in sport. The present research was Descriptive -analytical and carried out in mixed method (qualitative-quantitative). The statistical population in the qualitative phase included 20 environmental experts and sports management professors and at the quantitative phase of all sports managers and environmental experts and university professors. Since the statistical society was non countable and varied, 357 people were chosen through purposeful sampling, judgment method and mastering research. In qualitative phase, through semi-structured interviews, the data were collected and, after encoding, a researcher-made questionnaire with 39 questions was prepared. The formal validity and normal distribution of variables were verified and the reliability coefficient of the questionnaire was 0.86. In data analysis, using SPSS.16 software, a significant level ($P \leq 0.05$) was used. To test the pattern and identify the relationship between variables from structural equation modeling and to rank the importance of each of the components, Matrix-importance-performance analysis was used. The results of the research identified seven factors of education and research, human resources, culture and attitude, laws and regulations, control and supervision, management and planning and physical as factors affecting green productivity in sport. Also, there were positive and meaningful relationships between all variables. Therefore, the implementation of the green productivity strategy in sport requires attention to the factors mentioned above.

Key Words: Strategic Model, Green Productivity, Green Productivity Strategy and Sport

A Model of Strategic Thinking to Developing Performance of Sports Managers (Case Study: Sport Federations of Islamic Republic of Iran)

Seyyed Amir Mousavian

Ph.D. in Strategic Management, Iran University of Industries and Mines, Tehran, Iran

Abdolrahman Mehdipour

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Ahwaz Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran

Mohammad Khoda Moradi

Ph.D., Associate Professor, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran

16

Received: 9 Jul. 2017

Accepted: 11 Sep. 2017

The study is to form a strategic thinking model for top managers of sports federations. In this study, there has been used the common models in form of the exploratory studies. Also, there has been used the descriptive-correlation method with the nature of descriptive/analytic researches. To design the conceptual model of the study, there has been used the documentary library studies with two-step Delphi method. During first step, 108 components were identified and then 28 components were selected. During second step, 8 components among 28 components were confirmed by experts. The statistical population was included 200 persons including managers, vice chairmen and chairwomen and secretaries of sports federations were selected based on Cochran statistical formula with 2% error rate and was doubled (160). The measurement tools were the strategic thinking questionnaire and researcher-made performance questionnaire of the sports managers with formal validity confirmed by experts and structure validity achieved by exploratory and reliability factor analysis. The strategic thinking questionnaire was 0.751 and the performances of the sports managers were 0.837 that were determined by Cronbach's alpha coefficient. The conceptual thinking components, thinking over time, system thinking, looking ahead and having perspective were with highest correlation and clever opportunism and strategic determination were with lowest correlation. The findings of the study showed that there was the significant relationship between eight components of the strategic thinking and the performance promotion of sports managers (and $r=0.76$).

Keywords: Strategic Thinking, Performance of Sports Directors and Sports Federations

Sports Diplomacy: Acceptance and Encompassing of A Political Strategic Concept

Mohammad Khabiri

Ph.D., Associate Professor, Sport Management and Planning Department, Faculty of Physical Education, University of Tehran, Tehran, Iran

Abuzar Fattahi Zadeh

Ph.D., Assistant Professor, Political Sciences Department, Uasouj University, Uasouj, Iran

Received: 25 Feb. 2018

Accepted: 3 Dec. 2018

15

In the past century, based on its fluid nature and democratization process, politics has entered in new areas which they were not relevant before or not conceived as the political. Sports area is one of these new political arenas. In result of popularization, borders of sports and politics are changed and interfered. This phenomenon made joint territories for both of them. Diplomacy and diplomatic procedures are one of these territories that sports internationalization inevitably brought them to this arena and made recent and strategic concept of sports diplomacy. But despite the concept common make sense, its definitions and borders are not determined or explained. The study is to answer this question that what is sports diplomacy? Thus, we conceptually analyzed and explained the subject with exploratory approach and used documentary method to collect the needed data. 15 tools, appeared by objective and lived grounds, that can be used to accelerate development, to force soft power, to establish platforms for dialogue in multi-cultural societies and to promote peaceful relations between states.

Key Words: Sports Diplomacy, Lived Experience, Conceptualization, Functions and Tools

status were not connected to social engagement. The strongest relation was found between SSCs and the dependent variable. Four variables, i.e. SSC, social trust, socioeconomic status, and age were included in a regression equation which gave a coefficient of determination of 0.387. Therefore, these variables explain over 38 percent of variations in the dependent variable.

Key Words: Social Participation, Performance of Social Service Centers, Social Trust and Socioeconomic Status

A Sociological Study on Social Service Centers Performance on Social participation (Case Study: Varamin)

Masoud Darabi

Ph.D., Assistant Professor, Malek-Ashtar University Of Technology, Tehran, Iran

Naser Rezapour

Ph.D. Student in Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Soheil Moses Rezaei

Master Degree in Sociology, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin

Received: 21 Nov. 2018

Accepted: 13 Jan. 2019

13

Social engagement (also known as social participation) is an important topic in different areas of social and political sciences. As a group with notable influence, individuals in today's world play a remarkable role in making political, social, and cultural decisions. A number of factors can contribute to increased participation. These include the role and performance of social service centers (SSCs) run by the Welfare Organization. SSCs are public or non-governmental centers located within communities to take actions required in providing such services. The goal is to support vulnerable individuals or those suffering from social problems, including vulnerable women and girls, female heads of households, couples applying for divorce or lacking life skills, street children, children at work, poorly cared-for children, orphans, children who lack access to education, children in divorced families, children with addicted parents and all children who need support or any individual facing personal, family, or social crises.

A survey was conducted using a valid and reliable questionnaire for collecting data. The statistical population consisted of individuals of 18 years of age or older living in the two districts of Varamin in 2015. A sample of 400 individuals was prepared using Cochran's sample size formula and cluster multistage sampling. The data were analyzed primarily through regression and path analysis.

The findings indicated an average social participation score of 3/21 in the area studied here, and given the maximum and minimum scores (5 and 1, respectively) people living in this area have an average-to-upper level of participation. The average performance score for SSCs in the area was 3/31 (max = 5, min = 1) indicating a generally acceptable level of performance. In addition, a significant relationship was found between social engagement and SSC variables, social trust, socioeconomic status, gender, income, education, and type of employment, while age and marital

Sociological Factors Affecting the Formation of Social Identity of High School Girl Students in Ahvaz

Masoumeh Bagheri

Ph.D. in Sociology, Associated professor, Ahvaz Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

Ayyoub Rostami

Master Degree in Sociology, Ahvaz Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

Mohammad Soleyman Nejad

Ph.D. Student in Sociology, kashan University, kashan, Iran

Received: 2 Jul. 2018

Accepted: 3 Sep. 2018

The research is to investigate the sociological factors affecting the formation of social identity of high school girl students in Ahvaz. It was conducted through a survey method and a questionnaire was used as a tool for collecting data. For this purpose, 383 high school students from Ahvaz were selected through stratified sampling. For assessing the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient was used which coefficient was 0/73, that indicates the good reliability of the questionnaire. The theoretical frame work of this survey was based on Giddens, Tajfel, Mead, Burke and Bradley theories.

In this research, the effects of independent variables such as socio-economic status, family expectations, school attendance, peer group membership, the use of mass media and parents' education on the social identity of high school girl students have been studied. The findings indicated that socioeconomic status, parental education and the use of mass media have a reverse relationship with the formation of the social identity of girls, whereas the other three variables, such as degree of belonging to the school, the degree of belonging to the peer group And the expectations of families are directly related to the formation of the social identity of girls. Totally, these variables account for 0/43% of variance of changes related to the dependent variable of social identity.

Key Words: Social Identity, Peer Group, Family, Mass Media and Girls

Cultural Factors of Social Happiness (Case Study: Youth of Isfahan)

Asghar Mohammadi

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Sociology Department, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Ali Seif Zadeh

Ph.D. in Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Received: 23 Dec. 2018

Accepted: 27 Jan. 2019

11

One the essential human needs that can affect social and cultural aspects of his/her life is the feeling of happiness. The research is to study the relationship between cultural factors and social happiness among the residents of the city of Esfahan. The research population consisted of all the residents above 10 years of age which totaled 1663834, of which, on the basis of Cochran formula and utilizing a quota sampling technique, 600 individuals were chosen as the sample. The theoretical framework was provided by drawing on the ideas of Bourdieu, Fordise, Singleman, and Allison. The research questionnaire had face validity and the reliability coefficients were above 69/5. The results showed that social happiness was moderately and significantly associated with religiosity ($r= 0/38$), cultural capital ($r= -0/41$), mass media programs ($r= -0/47$), recreation and entertainment facilities ($r= 0/63$). The results also showed that social happiness was significantly related to age, sex, income, education, and occupation. The results of regression analysis showed that all the independent variables entered the equation and that all together could explain about 28/9 percent of the variance of social happiness. Religiosity and cultural capital had, respectively the highest and the lowest amount of influence on social happiness.

Key Words: Social Happiness, Cultural Capital, Religiosity, Mass Media, Recreation and Entertainment Facilities and Youth

Urban Ecology and Youth Tendency to Crime in Tehran

Ghobad Kazemi

Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Sattar Parvin

Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran

Received: 17 Nov. 2018

Accepted: 19 Jan. 2019

10

Migration is one of the important social problems in Tehran. The article is to study negative effects of urban ecology on seasonal migrant youth's tendency to crime and high risk behavior in Tehran. The theory framework is based on urban ecology of Chicago school and the research method is survey (questionnaire). Statistical population is all seasonal migrant youth that are living in Tehran temporarily. The descriptive findings showed that smoking, hookah and addiction are more common among seasonal migrant youth. According to the results, the differential association and social alienation with a correlation coefficient of 0/676 and 0/593 are of the strongest relation with the degree of vulnerability of seasonal migrant youth. The regression results indicated that independent variables explain 62 percent of the variance of dependent variable as tendency of seasonal migrant workers to crime and high risk behavior. The findings of this research can be effective in reducing the crimes of migrant youth.

Key Words: Migration, Crime, High Risk Behavior, Urban Ecology, Urbanization and Youth

A Study on Relationship between Juveniles' Developmental Utopianism and Their Tendency to Migration

Seyyed Reza Moeini

Ph.D., Assistant Professor in Demography, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hamid Ansari

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Ali Afshari

Ph.D. Student in Sociology, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 2 Jul. 2018

Accepted: 2 Sep. 2018

The research is to investigate the relationship between juveniles' developmental utopianism and their tendency to migration. The sample was 1217 respondents among young people in Tehran between 18 to 30 ages. The findings showed that amongst variables that have been studied, developmental utopianism has strongest impact on juveniles' tendency to migration. Its coefficient of determination has been 0/441. The second important variable is religiosity with coefficient of determination 0/195. It has remarkable impact on tendency to migration, although it has been affected by other variables. Based on data, in line with increase in religiosity, the juveniles' tendency to migration has been decreased. The next important variable is social capital with coefficient of determination 0/188. Those people who have possessed low social capital have had high tendency to migration. Also, coefficient of determination for other variables including education, age and income has been 0/151, 0/186 and 0/100. These coefficients have been 0/115 for gender, 0/133 for marital status and 0/102 for employment.

Key Words: Developmental Utopianism, Tendency to Migration, Religiosity, Social Capital and Youth

Tendency of Youth toward International Migration and Its Determinants in Tehran

Rasoul Sadeghi

Ph.D., Associate Professor in Demography, University of Tehran, Researcher of National Population Studies & Comprehensive Management Institute, Tehran, Iran

Seyyede Matin Seyyed Hosseini

Master Degree in Demography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 26 Jan. 2019

Accepted: 13 Mar. 2019

8

International migration is a dynamic process of changing social context, which can affect not only migrants but also the society in both sides; origin and destination. The study is to investigate the tendency of young people to international migration and its determinants in Tehran city, the capital of Iran. The data were collected by conducting a survey and filled structured questionnaire among 385 young people aged 15-29 in different settings of Tehran. The results showed that half of the respondents tended to have international migration, and about 40 percent of them had a plan to do it. Western Europe and North America are major migration's destinations. The main reasons for choosing these regions were social-cultural, educational, and economic reasons. Multi verse analysis indicated that gender, education, employment status, social network in abroad and desirability of origin are of significant effects on migration's tendency and intention. In conclusion, youth chose international migration not only based on individual characteristics (selectivity), but also due to the living conditions and social structures of origin and destination societies.

Key Words: Tendency to Migration, International Migration, Desirability of Origin, Pull and Push Factors and Youth

**Impact of Perceived Organizational Policies and Perceived Organizational Support on Causing
Deviant Behavior in Sport Organizations in the West of Iran**

Nazanin Rasekh: Ph.D., Assistant Professor, Sport Sciences Research Institute, Tehran, Iran
/ **Saeed Khan Moradi:** Ph.D. Student in Strategic Management of Sport Organizations and
Events, Razi University, Kermanshah, Iran / **Shirin Zardoshtian:** Ph.D., Assistant Professor in
Sport Management, Razi University, Kermanshah, Iran 21

Relationship between Psychological Capital and Organizational Citizenship Behavior

Zeinolabedin Nejat Sabet: Ph.D., Assistant Professor in Planning, Malek-Ashtar University
of Technology, Tehran, Iran / **Arsalan Mohammadi:** Ph.D., Master Degree in Public
Management, Human Resource Management, University, Tehran, Iran 22

**Identifying and Modeling Factors Affecting the Attraction of Charity Resources and
Endowed with Women's Sports**

Amir Reza Khadem: Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Physical Education and Sport
Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran 23

Sports Diplomacy: Acceptance and Encompassing of A Political Strategic Concept
Mohammad Khabiri: Ph.D., Associate Professor, Sport Management and Planning
Department, Faculty of Physical Education, University of Tehran, Tehran, Iran / **Abuzar**
Fattahi Zadeh: Ph.D., Assistant Professor, Political Sciences Department, Uasouj University,
Uasouj, Iran **15**

A Model of Strategic Thinking to Developing Performance of Sports Managers (Case Study: Sport Federations of Islamic Republic of Iran)
Seyyed Amir Mousavian: Ph.D. in Strategic Management, Iran University of Industries and Mines, Tehran, Iran / **Abdolrahman Mehdipour:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Ahwaz Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran / **Mohammad Khoda Moradi:** Ph.D., Associate Professor, Ahwaz Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran **16**

Designing A Strategic Model for Effective Factors in Implementation of Green Productivity in Sport
Ali Reza Ghaleh Noei: Ph.D. Student in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran / **Hassan Fahim Davin:** Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran / **Hossein Peymanizad:** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran / **Mohammad Reza Esmail Zadeh:** Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran **17**

Analyzing the State of Production of Sport TV Shows
Parvaneh Gelard: Ph.D., Associate Professor, Faculty of Management, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Mahdi Moradi:** Ph.D. in Physical Education, Tehran University, Tehran, Iran / **Davood Azizi:** Ph.D. Student in Public Administration, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **18**

Typology of Elite Athletes' Leisure Lifestyle
Ehsan Mohammadi Torkamani: Ph.D. in Sport Management, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran / **Ali Moghadam Zadeh:** Ph.D., Assistant Professor in Evaluating and Measuring, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Tehran University, Tehran, Iran / **Hossein Khanifar:** Ph.D., Full Professor, Public Management Department, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran **19**

The Position of Sport Psychology in the Olympic and Medal Fields: A Comparative Study
Seyyed Majid Zareian: Ph.D. Student in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Zinat Nick Aeen:** Ph.D., Assistant Professor, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Seyyed Mohammad Kazem Vaez Mousavi: Ph.D., Full Professor, Faculty of Physical Education, Imam Hossein University, Tehran, Iran **20**

CONTENTS

Tendency of Youth toward International Migration and Its Determinants in Tehran

Rasoul Sadeghi: Ph.D., Associate Professor in Demography, University of Tehran, Researcher of National Population Studies & Comprehensive Management Institute, Tehran, Iran / **Seyyede Matin Seyyed Hosseini:** Master Degree in Demography, University of Tehran, Tehran, Iran **8**

A Study on Relationship between Juveniles' Developmental Utopianism and Their Tendency to Migration

Seyyed Reza Moeini: Ph.D., Assistant Professor in Demography, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Hamid Ansari:** Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran / **Ali Afshari:** Ph.D. Student in Sociology, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **9**

Urban Ecology and Youth Tendency to Crime in Tehran

Ghobad Kazemi: Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran / **Sattar Parvin** Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, University of Allameh Tabatabaai, Tehran, Iran **10**

Cultural Factors of Social Happiness (Case Study: Youth of Isfahan)

Asghar Mohammadi: Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Sociology Department, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran / **Ali Seif Zadeh:** Ph.D. in Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran **11**

Sociological Factors Affecting the Formation of Social Identity of High School Girl Students in Ahvaz

Masoumeh Bagheri: Ph.D. in Sociology, Associated professor, Ahvaz Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran / **Ayyoub Rostami:** Master Degree in Sociology, Ahvaz Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran / **Mohammad Soleyman Nejad:** Ph.D. Student in Sociology, kashan University, kashan, Iran **12**

A Sociological Study on Social Service Centers Performance on Social participation (Case Study: Varamin)

Masoud Darabi: Ph.D., Assistant Professor, Malek-Ashtar University Of Technology, Tehran, Iran / **Naser Rezapour:** Ph.D. Student in Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Soheil Moses Rezaei:** Master Degree in Sociology, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin **13**

Editorial Board:

Kiumarsh Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Associate Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh



QUARTERLY OF STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

● **No.43** ● **Spring 2019** ●

● **Concessionaire:** Ministry Of Sports and Youth ●

● **Director:** Mohammad Reza Fazli ●

● **Editor-in-Chief:** Seyyed Nasrollah Sadjadi ●

● **Office Manager:** Zahra Kamalian ●

● **Typist:** Jafar Khodady ●

● **Publication:** Iranian Student Book Agency ●

**MINISTRY OF SPORTS AND YOUTH
STRATEGIC STUDIES AND RESEARCHES CENTER**

● **Add:** No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran ●

● **Tel:** +98(21)22662369 ●

● **Fax:** +98(21)22662260 ●

● **<http://faslname.msy.gov.ir>** ●

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*